از آستارا تا استارباد

(جلد دوم)

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

تألیف:

دکتر منوچهر ستوده



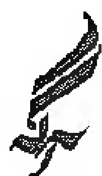
از آستارا تا استارباد

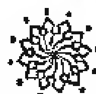
(جلد دوم)

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

تألیف

دکتر منوچهر ستوده



این کتاب با همکاری
معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
به چاپ رسیده است.
(گنجینهٔ ایران «۱۲» شمارهٔ ۸۹)
مدیر فنی: حسین ایوبی‌زاده

ستوده، منوچهر، ۱۲۹۲ -
از آستارا تا إستارباد / تألیف منوچهر ستوده. - تهران: آگاه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی: انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۷۴ -
ج.: مصور، نقشه
ISBN 964-416-022-3 (vol.2)
چاپ اول: جلد دوم: انجمن آثار ملی ۱۳۵۱، تحت عنوان «از آستارا تا إستارباد»
مندرجات: ج. ۲. آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش.
۱. گیلان - آثار تاریخی. ۲. مازندران - آثار تاریخی. ۳. گرگان - آثار تاریخی. الف. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان. د.
۲ س ۳۴ الف / ۲۰۵۳ DSR ۹۵۵/۲۰۴۳
۱۳۷۴
کتابخانه ملی ایران ۵۶۰۸ - ۷۴م



دکتر منوچهر ستوده
از آستارا تا استارباد
(جلد دوم)
آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش
(چاپ اول تابستان ۱۳۵۱)
چاپ دوم زمستان ۱۳۷۴، لیتوگرافی کوهرنگ
چاپ نیل، صحافی ایران‌کتاب
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه

شابک ۳-۰۲۲-۴۱۶-۹۶۴ (جلد ۲) ISBN 964-416-022-3 (vol.2)

سرآغاز

به نام پروردگار دانا و توانا

با سپاس بی قیاس بدرگاه باریتعالی و درود فراوان بر پیامبر اسلام (ص) جلد دوم کتاب از آستارا تا استارباد مشتمل بر اطلاعات درباره بناها و آثار تاریخی گیلان بیه‌پیش به معرض چاپ و انتشار گذارده می شود.

آنچه درباره اهمیت تاریخی و پیشینه باستانی سراسر نواحی جنوبی دریای خزر مناسب بنظر میرسد از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در دیباچه مجلد اول این کتاب مذکور گشته است و اینک خوانندگان گرامی با ملاحظه آنچه مؤلف دانشمند کتاب در مقدمه جلد حاضر مرقوم داشته اند بیش از پیش چنین معنی را درمی یابند و با ملاحظه اطلاعات جامع و مفیدی که در مطوی صفحات کتاب گردآوری و مندرج گشته است بهتر می توانند به نقش هنرآفرین و پیشینه فرهنگی این قسمت از خاک میهن عزیز پی ببرند.

تنظیم فهرست بناها و آثار تاریخی سرزمین گیلان به ترتیب سالهای هر کدام، یادآوری نام معماران و بنایان و کاشی پزان و کاشی کاران و درودگران و خطاطان و پیکرنگاران و دیگر استادان هنر که در بوجود آوردن چنین آثار سهمی داشته اند، اشاره به درختان کهنسال خطه گیلان از جمله مطالبی است که با تدوین مقدمه کتاب به معرض اطلاع علاقه مندان و پژوهندگان و دوستداران فرهنگی و معنوی میهن عزیز گذارده می شود.

ترسیم نقاشیهای ظریف از نشانه های ناشناخته و نامعلوم روی سنگهای مزار موضوع بررسی و پژوهشهای آینده کسانی می تواند

بود که در راه آشنایی به سنت ها و عقیده های پیشینیان هرگونه کوششی بخرج می دهند.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نهایت خرسندی را از انجام چنین خدمتی در راه شناساندن و ادای حق یادگارهای گذشته دور و نزدیک استان گیلان دارد و از مؤلف پرکار و پرتحمل کتاب صمیمانه سپاسگزاری می نماید و همانطور که از بررسی مقدمه و متن کتاب بر می آید انجام چنین خدمتی بیش از هر عامل دیگر مرهون شیفتگی باطنی و شور و شوق تحقیقی اینگونه خدمات است که با سرشت مؤلف کتاب آمیخته شده است و اکنون که با چاپ کتاب حاضر بحث درباره آثار تاریخی استان گیلان را پایان می بخشد امید و انتظار دارد که دنباله همین خدمت ارزنده به پایمردی وی درباره سرزمین گرانقدر مازندران و خطه گرگان بتدریج جامه عمل بپوشد.

از درگاه ایزد تعالی توفیق روزافزون همه فرزندان این آب و خاک را در انجام و تکمیل چنین خدمات شریفی مسئلت می نماید.

بمنه و کرمه

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

فهرست

مقدمه

به‌نام آنکه او نامی ندارد
به‌هر نامی که خوانی سر بر آرد

کتاب حاضر ، مجلد دوم کتاب «از آستارا تااستار باد» ست . در نظر بود ، دومجلد اول را که دربارهٔ بناها و آثار تاریخی گیلان است، دو بخش ازمجلدیکم بدانیم، ما از آنجا که احتمال آن می‌رفت ــ بامجلد تی که پس از این نوشته خواهد شد ــ این تقسیم‌بندی کمی گنگ و گمراه کننده باشد ، آنها را به‌دو مجلد جداگانه تقسیم کردیم .

جلداول دربارهٔ گیلان بیه‌پس است که از آستارا شروع می‌شود و به‌کنارهٔ چپ سفیدرود می‌رسد ونواحی رحمت آباد وخورگام وفاراب عمرلو را با اینکه برساحل راست سفیدرود وشاهرودند ، ومدتی است جزو گیلان بیه‌پس به‌حساب آمده‌اند ، مانیز دراین مجلد گنجاندیم .

مجلد دوم شامل بناها و آثار تاریخی گیلان بیه‌پیش است که از کنارهٔ راست سفیدرود ، درمغرب شروع می‌شود وبه‌رودخانهٔ سورخانی در مشرق می‌رسد. بخشهای دیلمان و سیاهکل ولاهیجان (شهر وحومه و بلوك) و رانکوه بامراکزی چون لنگرود و رودسر و تمیجان و بخشهای ساحلی سیاهکله‌رود واوشیان ونواحی کوهستانی سمام وشاهجان وجیرــ ولایت اشکور وسیارستاق ییلاقی وبالااشکور ، به‌ترتیب در این مجلد گنجانیده شده است .

تنظیم مطالب کتاب برپایهٔ تقسیمات قدیمی جغرافیایی است . سعی نگارنده دراین بود که با یادی از این تقسیمات ، نامهای آنها را زنده نگاه دارد .

ابتدای بخشها، برای شناسایی نواحی، مختصری دربارهٔ جغرافیای تاریخی هریك نوشتیم وسپس به‌شرح آثار و بناهای تاریخی پرداختیم و در انتهای هربخش ، زیرعنوان «باقی ماندهٔ بناها و آثار تاریخی» آثار درجهٔ دوم وسوم را نام بردیم وجای آنان را تعیین کردیم . زیرا احتمال آن می‌رفت که درمیان آنها ، آثاری بسیار قدیمی باشد که به‌مرور زمان مختصر ومحقر شده‌اند .

مطالبی را که به‌قلم خود نگارنده بود، با اشبون هفت چیده شدو اگر از کتب اقوالی نقل شد ، درضمن همین مطالب گنجانیده شد. اما مطالبی مانند نوشته‌های سنگهای قبوروضریح وصندوق مرقدهاودرهای بقاع واسناد وفرمانها واحکام که متن آنها را نقل کردیم ، باشبون شش چیده شد ورسم‌الخط این نوع نوشته‌ها را در متن حفظ کردیم و اگر اغلاطی درآنها بود عیناً آوردیم و اظهارنظر خود را در حاشیهٔ همان صفحه نشان دادیم .

مطالعه وبررسی بناها وآثار تاریخی که در ارضی هموار ساحلی است ، کاری چندان مشکل نیست . زیرا در این روزها ، راههای متعدد ماشین‌رو ، دهکده‌های پراکنده را به‌مراکز اصلی شهرها ، یا به‌جادهٔ کناره متصل می‌کند وباراه پیمائی کوتاهی به‌یکایك دهکده‌های حلگه‌ای می‌توان رفت اما دسترسی به‌نقاط کوهستانی و دورافتاده که فقط دارای راههای مالروهستند ، بسیاردشوار است ونمی‌توان بدون طرح ومطالعهٔ قبلی، به‌یکایك آثار تاریخی کوهستانی رسید . برای گردآوری طلاعاتی در بارهٔ آثار بخشهای دیلمان وسمام وشاهجان و اشکور بالا وپایین و

سیارستاق ییلاقی، نگارنده مجبور شد در سفرهای جداگانه، از این نواحی باز دید کند.

سفرهای نگارنده پیش از شروع به‌مطالعهٔ آثار تاریخی

پیش از اینکه به کار بررسی آثار تاریخی کوهستان گیلان بپردازم سه سفر به‌دهکده‌های نواحی دیلمان رفته بودم.

در سال ۱۳۲۷ شمسی، پانزده روز در دیلمان واسپیلی و کوههای اطراف، به‌گردآوری گیاهها وحشرات پرداختم وپس ازبازدید ازیکی دو نقطهٔ ییلاق‌نشین عمرلو، از راه کلیشم[۱] به پل‌انبوه واز راه چنارك و کماسار[۲] به اسماعیل‌آباد و قزوین رفتم.

سه‌چهارسال بعد باچندتن ازدوستان، پیاده ازاملش[۳] به‌راه‌عمومی مالرو افتادیم وبه‌بلاردکن[۴] وهمودشت[۵] وحرکل[۶] وناتش کوه[۷] ومیکال و دیلمان رفتیم و از کنار شیم‌رود، خود را به‌سیاهکل و باز کیاگوراب رساندیم.

درسفردیگرباجمعی ازرفیقان موافق ویاران صادق، درقهوه‌خانهٔ کتمه[۸]، کنار سفیدرود بار انداختیم و پس از پیدا شدن قایق وگذشتن از آب، به‌راه مالروی کنار گوهررود که امروز ماشین‌رو شده است، در آمدیم وپس از طی فرسنگها راه به‌باش و آسیب‌بر[۹] ودیلمان رسیدیم و از راه کنار شیم‌رود به‌سیاهکل رفتیم. با این سفرها، ناحیهٔ دیلمان را کم و بیش می‌شناختم وبامردم آن سامان آشنایی داشتم.

۱ـ بکسرکاف و ضم‌شین. ۲ـ بضم کاف. ۳ـ بفتح الف و سکون میم و فتح لام. ۴ـ بکسر باء و ضم دال. ۵ـ بفتح هاء. ۶ـ بفتح خاء. ۷ـ بکسر تاء. ۸ـ بفتح کاف وتاء. ۹ـ بفتح باء دوم.

سفرهای نگارنده پس از شروع به‌مطالعهٔ آثار تاریخی

درامرداد ماه سال ۱۳۴۶، برای تحقیق درآثار تاریخی نواحی سمام[1] وپیرکوه وشاهجان سفری‌ترتیب دادم وبه‌اتفاق آقای‌علی‌جندبی‌و افشین ستوده ـ فرزند نگارنده ـ از املش باپنج قاطر که به کرا گرفته بودیم به راه افتادیم و دو هفتهٔ تمام، نقاط کوهستانی زیررا بازدید کردیم وخود را به رحیم‌آباد رساندیم.

املش ـ کهلستان[2] ـ لات‌لیل[3] ـ گرسك[4] ـ بلاردکان ـ هلودشت ـ میان لنگه[5] ـ خرکال ـ خسیل‌دشت[6] ـ لتاکون[7] ـ اربوداردشت[8] ـ کرف‌کش[9] ـ شارسمام[10] ـ بابوجان‌دره ـ سرتربت مام[11] ـ زرچاك[12] ـ بهارسرا ـ سوماسرا ـ خوش‌خوانی ـ مربو[13] ـ لرد[14] ـ کاکرود ـ گرماب‌ور[15] ـ بنه‌زمین[16] ـ بهارنشین ـ تلاسری[17] ـ تورار ـ گرچاك[18] ـ امیرچاك ـ گاوخس[19] ـ آرده‌سامان ـ سیه‌دشت ـ باچو ـ لشکستان[20] ـ گردکول[21] ـ کمنی[22] ـ گیلارکش[23] ـ شاهجان ـ هفتابد[24] ـ مازی‌کوتی ـ فیروزکوه ـ کل‌مازی[25] ـ پی‌نود[26] ـ بینکی[27] ـ گورجی‌قلاکوتی[28] ـ گورج[29] ـ

۱ـ بضم‌سین. ۲ـ بضم‌کاف وسکون‌هاء وکسرلام. ۳ـ بکسر تاء و لام و سکون یاء. ۴ـ بفتح گاف و سکون راء و فتح سین ۵ـ بفتح‌لام‌وکسرگاف. ۶ـ بفتح‌خاء. ۷ـ بفتح‌لام. ۸ـ بفتح الف‌وسکون‌راء وکسرراءدوم. ۹ـ بفتح‌کاف وراء وسکون فاء وفتح‌کاف و سکون شین. ۱۰ـ بکسر راء و ضم سین. ۱۱ـ بضم الف ۱۲ـ بفتح زاءوسکون راء. ۱۳ـ بضم میم وفتح راء و ضم وتشدید باء. ۱۴ـ بضم‌لام‌وراء. ۱۵ـ بفتح‌واو. ۱۶ـ بضم‌باء. ۱۷ـ بفتح‌تاء وسین. ۱۸ـ بضم‌گاف. ۱۹ـ بضم‌خاء. ۲۰ـ بفتح‌لام‌وسکون شین‌وکسرکاف. ۲۱ـ بفتح گاف وسکون راء وکسردال. ۲۲ـ بضم کاف‌ومیم. ۲۳ـ بفتح‌کاف. ۲۴ـ بفتح‌هاء وضم‌باء. ۲۵ـ بفتح کاف و سکون لام. ۲۶ـ بکسر پ و سکون یاء و فتح نون و واو. ۲۷ـ بفتح نون. ۲۸ـ بفتح راء. ۲۹ـ بفتح‌راء.

نسام کو[1] ـ ریاب ـ پرامکوه[2] ـ تویلا ـ جیرتویلا ـ سی پرد[3] ـ زیاز ـ دیورود ـ سیاکشان[4] ـ پلام[5] ـ جیرپلام ـ دیمابن[6] ـ زیارخوانی لات ـ درازلات ـ تول لات[7] ـ هرات بر[8] ـ بالنگا[9] ـ رحیم آباد.

در تیرماه سال ۱۳۴۷ باهمراهی افشین ستوده به دقیق ماندهٔ آبادیهای سمام سری زدیم و به دیدن دو بقعه که بر بلندترین کوههای این نواحی است رفتیم و پس از بازدید بقعهٔ لسپو که قدمتی دارد، به مسجد رودبارك که در زمان امام ناصرالحق ـ از ائمهٔ زیدیه ـ ساخته شده است، رسیدیم و از یکایك دهکده‌های نامبردهٔ زیر که بر سر راه ما واقع بودند، دیدن کردیم:

رحیم آباد ـ بالنگا ـ هرات بر ـ تول لات ـ درازلات ـ سوگاور[10] ـ دیمابن ـ سجاره[11] ـ پلام ـ سیاکشان ـ دیورود ـ زیدز ـ اغوزکندسر[12] ـ لامشکس[13] ـ گرهٔ گاور[14] ـ زرگردن[15] ـ شوك[16] ـ تدرش[17] ـ پرامکوه[18] ـ ریاب ـ هردورود[19] ـ کیاسه ـ برمه کوه[20] ـ ایرمحله ـ ایزدین ـ ریسن[21] ـ هیه کو[22] ـ چم تو[23] ـ بلکوت[24] ـ خنه سر[25] ـ تیسن[26] ـ سوخته‌ای کش[27] ـ

۱ـ بفتح نون. ۲ـ بفتح پ و سکون میم. ۳ـ بضم پ.
۴ـ بفتح کاف. ۵ـ بضم پ. ۶ـ بضم باء. ۷ـ بکسر لام اول.
۸ـ بفتح هاء و باء. ۹ـ بفتح لام و سکون نون. ۱۰ـ بفتح واو.
۱۱ـ بکسر سین و راء. ۱۲ـ بفتح الف و کاف و سکون نون و کسر دال و فتح سین.
۱۳ـ بکسر میم و سکون شین و فتح کاف. ۱۴ـ بکسر گاف و راء و فتح واو.
۱۵ـ بفتح راء و کسر راء و فتح گاف. ۱۶ـ بفتح شین و واو. ۱۷ـ بکسر راء. ۱۸ـ بفتح پ و سکون میم. ۱۹ـ بفتح هاء و سکون راء.
۲۰ـ بفتح باء و سکون راء و کسر میم. ۲۱ـ بکسر راء و سکون یاء و فتح سین.
۲۲ـ بفتح هاء. ۲۳ـ بفتح چ و سکون میم. ۲۴ـ بفتح باء و سکون لام.
۲۵ـ بضم خاء و کسر نون و فتح سین. ۲۶ـ بکسر تاء و لام و سکون یاء و کسر سین. ۲۷ـ بفتح کاف.

تلابنك[1]ـ ملاخروشه[2]ـ سوری ـ رراکی[3]ـ دشتك ـ گلایه[4] ـ لسپو[5]ـ شفیع آباد ـ مومن‌زمین[6]ـ برگم[7]ـ دتوره‌سر[8]ـ کلك‌موس[9]ـ شوئیل ـ لرده[10]ـ سولکابن[11]ـ توسه‌چال ـ رودبارك ـ لیماگوور[12]ـ ترپو[13]ـ آسیاب دره ـ سی‌پرد[14]ـ سلم‌داربن[15]ـ زیاز ـ دیورود. از این محل از دهکده‌هایی که در سفرهای پیش ذکر شد گذشتیم و به رحیم آباد رسیدیم .

در تابستان سال ۱۳۴۹، به‌قصد عکسبرداری و اندازه‌گیری از پل ـ انبوه ، باماشین به‌اتفاق ـ افشین ـ از خیل‌آباد رودبار به راه افتادیم و پس از طی راهی دراز و پر نشیب و فراز به کلیشم رسیدیم. ماشین را به‌قهوه‌چی کلیشم سپردیم و راه دراز میان کلیشم و کرپی‌انبوه ر در نصف روز طی کردیم و شبی را در سرپل، باپشه و گرما گذراندیم که خاطرهٔ جانگزای آن فراموش نشدنی است .

در پاییز همان سال به‌اتفاق آقای امیر کشفی ، بـا اتومبیل از راه خیل‌آباد رودبار به‌چراکوه آمدیم . از اینجا با قاطر ، مدت یك هفته سراسر خاك دیلمان را گردش کردیم . دراین مدت نگارنده توانست تا سرحد امکان، بناها و آثار تاریخی خاك دیلمان را از قلعه کوتیها و گورستانهای قدیمی (که بیشتر حفاری شده و دست خورده است) وامامزاده‌ها و حمامها و کاروانسراها و راههای قدیمی را بررسی کند و شرحی دربارهٔ هریك بنویسد .

---

۱ ـ بفتح تاء وضم باء وفتح نون. ۲ـ بضم میم و تشدید لام وضم خاء و راء . ۳ـ بکسر راء . ۴ـ بفتح گاف . ۵ـ بفتح لام و سکون سین . ۶ـ بضم میم اول و کسر میم دوم . ۷ ـ بفتح باء و سکون راء . ۸ـ بفتح دال وکسر راء . ۹ـ بضم کاف و سکون لام. ۱۰ـ بفتح لام وسکون راء. ۱۱ـ بضم باء . ۱۲ ـ بفتح واو دوم. ۱۳ـ بکسر تاء وفتح راء و تشدید پ. ۱۴ـ بضم پ . ۱۵ـ بفتح سین وسکون لام و کسرمیم وضم دد.

برای شناسایی وبررسی آثار تاریخی دهکده‌های جیرولایت اشکور وسیارستاق ییلاقی وبالااشکور ، روز اول امردادماه سال ۱۳۵۰ به‌اتفاق آقای سید ابوالحسن مرتضوی و افشین ستوده به‌راه افتادیم و دهکده‌ها و محلهای ییلاقی نامبردۀ زیرر یکی پس از دیگری از نزدیك دیدیم:

رحیم آباد ــ بالنگا ــ هرب بر ــ تول لات ــ درازلات ــ سوگاور ــ دیمابن ــ سجیران[۱] ــ لیما[۲] ــ قلعۀ لیما ــ درماشین ــ کاکرود ــ مایستان سملی[۳] ــ سارم[۴] ــ سیارستاق محله ــ سنگسه رود[۵] ــ پرندان[۶] ــ درگاه (... لوسن) ــ گبری ــ کیت[۷] ــ تمل[۸] ــ نارنه[۹] ــ یازن[۱۰] ــ سپارده[۱۱] ــ سیاگول سرا ــ گوگا ــ کلام خوانی سر[۱۲] ــ کلام شوره ــ کلام سرده[۱۳] ــ امامزاده سام ولام بر قلۀ سواته کوه[۱۴] ــ زبران[۱۵] ــ لسپوگردن[۱۶] ــ ایری کش[۱۷] ــ دتوره سر ــ شوئیل ــ لرده[۱۸] ــ رومه دشت ــ تاش سر ــ سی پرد ــ سلمدار ــ زیاز ــ دیورود ــ سیاکشان ــ دیمابن ــ از اینجا از آبدیهایی که برسرراه ییلاق است ودر اول سفر نام بردیم گذشتیم و به‌رحیم آباد آمدیم . این سیروسفر ...روز به‌در ازا کشید .

در اواخر امردادماه همان سال که مشغول چاپ کتاب بودم ، در مطالب تاریخی سمام به اشکالاتی برخوردم که ر ... حل آنها ، دیدار دوباره از سرتربت امام بود . به اتفاق آقای سید ابوالحسن مرتضوی به‌املش آمدیم و پیاده به‌راه افتادیم واز محلهای بلاردکن وهلودشت و

۱ــ بفتح سین. ۲ــ بایاء مجهول. ۳ــ بکسر ... وسکون سین . ۴ــ بفتح راء . ۵ــ بفتح سین و سکون نون و کسر گاف . ۶ ــ بفتح پ و راء. ۷ــ بکسر کاف و یاء . ۸ ــ بضم تاء و میم . ۹ــ بسکون راء . ۱۰ــ بکسر زاء . ۱۱ــ بکسر سین و دال . ۱۲ــ بضم کاف و کسر میم . ۱۳ــ بضم کاف و کسر میم وفتح سین و کسر دال. ۱۴ــ بفتح سین. ۱۵ــ بفتح زاء و باء. ۱۶ــ بفتح لام و گاف . ۱۷ــ بفتح کاف. ۱۸ــ بفتح لام و کسر دال

بین لنگه و خسیل دشت گذشتیم . راینجا راه ر منحرف کرده و خود را به سرتربت رساندیم . پس ازمطالعه و رفع اشکالات که ساعتها به‌درازا کشید ، به‌دهکدهٔ امم [1] رفتیم و پس از بازدید ازخانه‌های قدیمی اربابی و بررسی امامزاده‌ها به کاکرود و کجید [2] آمدیم . برندگی شدید مانع کارشد و مار به‌طرف راهی که آمده بودیم ، راند . آب برسر وپای‌در گل، پس‌ازهشت‌ساعت‌راه پیمایی مداوم، خود رابه‌بلاردکان‌رساندیم‌و پس ازکمی استراحت ، پیاده به‌املش رسیدیم .

اگر یکی دواثر تاریخی وقبلا ذکررا ندیده بگیریم ، در مناطق کوهستانی سمام وشاهجان و پایین‌اشکور وسیارستاق وبالا شکور ، از بناها و آثارتاریخی‌نشانی‌نیست. آثار تمدنهای پیش‌ازتاریخ دراین‌مناطق فراوان است واز حفاریهای سطحی وغیر علمی که کرده‌اند ، می‌توان به‌سابقهٔ تمدن و گذشتهٔ پیش رفتهٔ این نقاط پی‌برد . ولی از آثار دوران اسلامی بنایی که قابل بررسی و جالب نظر باشد ، نمی‌توان یافت . تا جایی که اطلاع داریم دراین‌صفحات قلعه‌های مستحکم‌وکاخهای‌سلطنتی درلوسن (درگاه) ودیلمان و شارسمام برپای بوده است . امروز فقط آجرپاره‌ها وسفال شکسته‌هاست که جاهای آنها را معین می‌کند. به‌نظر نگارنده کشمکشهای محلی واختلافات مذهبی، علت اصلی ازمیان‌رفتن آثار گذشته ، دراین نواحی بوده است . جدال ائمهٔ زیدی و پیشوایان اسماعیلی باخاندانهای قدیمی و سلسله‌های سلاطین محلی ، بسیاری از این آثار را از میان برد . سرانجام سادات زیدی بر بیشتر این صفحات مسلط شدند . پس از این شیعیان اثنی عشری ، بر سادات زیدی دست یافتند وایشان نیز به‌نوبهٔ خود ، به‌خرابی این صفحات کوشیدند . برای اینکه بتوان به‌پایهٔ قدمت آثار تاریخی‌گیلان درکوه ودشت پی‌برد، در

۱ـ بضم الف. ۲ـ بضم کاف.

اینجا فهرستی از تاریخ بناها ، درها ، صندوقهای مرقدها ، ضریحها، سنگ قبرها و آثار مکتوب ازقبیل قرآنها ،فرمانها ، قباله‌ها ، وقفنامه‌هاو لعنت‌نامه‌ها می‌آوریم تا معلوم شود تقدم و تأخر این آثار به چه‌ترتیب است و کدام نقطه از خاك گیلان قدیمی‌تر است .

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاک گیلان

به ترتیب سنوات هجری قمری

۱ـ تاریخ صندوق مرقد سید خورکیا در چهار پادشاهان
لاهیجان(ج۲، ص۱۰۹) ۶۴۷

۲ـ سنگ قبر تاج‌الدین محمود خیوی درلمیرمحلهٔ آستارا.
(ج۱، ص۱۲) ۷۳۲

۳ـ تاریخ‌بنای بقعهٔ سید محمد دردهکدهٔ پینچ. (ج ۲،ص ۱۸۸) ۷۸۰

۴ـ تاریخ تجدیدعمارت‌چهارپادشاهن لاهیجان. (ج۲،ص۱۷۰) ۸۲۰

۵ـ تاریخ‌فوت جانبز بن شرف لدوله بردر ورودی بقعهٔ سید
امیرکیا در دهکدهٔ ولم لشتنشاه. (ج۱،ص ۴۳۶) ۸۲۷

۶ـ تاریخ صندوق مرقد سیدرضی کیا درچهارپادشاهان‌لاهیجان.
(ج ۲،ص ۱۰۵) ۸۲۹

۷ـ تاریخ صندوق مرقد ابوجعفر ثایری درمیانده اوشیان.
(ج ۲،ص ۳۳۳) ۸۵۵

۸ـ تاریخ صندوق مرقد سیدعلی‌غزنوی در دهکدهٔ تجن‌گوکه.
(ج ۲، ص ۱۷۱) ۸۷۱

۹ـ سنگ قبر سلطان محمد کیا درسر تربت امام. (ج۲،ص۳۴۸) ۸۸۳

۱۰ـ تاریخ وقفنامهٔ سرتربت امام. (ج۲،ص ۳۵۴) ۸۸۳

۱۱ـ تاریخ اتمام پل سیم‌رود نزدیك لاهیجان. (ج۲،ص۱۴۷) ۸۹۲

۵۲ـ تاریخ عمم بقعهٔ فیروزکوه. (ج ۲،ص ۳۷۵) ۱۰۷۴

۵۳ـ تاریخ اتمام حوض ولاکهٔ مسجدجامع تمیجان.
(ج ۲ ،ص ۳۱۱) ۱۰۷۵

۵۴ـ سنگ قبر میرزا رحیم بن میرزا اکبیر دربقعهٔ فیلده.
(ج ۱، ص ۴۶۶) ۱۰۸۰

۵۵ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعه شیخ‌زاهد درچابکسر.
(ج ۲،ص ۳۳۴) ۱۰۸۶

۵۶ـ تاریخ سنگ بنای دروازهٔ حرزویل. (ج ۱،ص۴۷۳) ۱۰۹۰

۵۷ـ تاریخ فرمانی برسنگ درمسجد جامع لاهیجان.
(ج ۲،ص ۱۱۷) ۱۱۰۶

۵۸ـ تاریخ فرمانی دیگر برسنگ بردیوار مسجدجامع
لاهیجان. (ج ۲، ص۱۱۸) ۱۱۰۷

۵۹ـ تاریخ‌بنای مسجد صاحب‌الزمان‌درماسوله.(ج۲،ص۱۳۹) ۱۱۱۷

۶۰ـ سنگ قبرمحمد حسین بیك دربقعهٔ سیاهکل محله.
(ج۲،ص۵۶) ۱۱۳۷

۶۱ـ سنگ‌قبری‌دربقعهٔ آقاسیدمعین نزدیك‌تمیجان.(ج۲،ص۲۹۴) ۱۱۴۵

۶۲ـ سنگ قبر محمدزکی دربقعهٔعون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام. (ج ۱، ص۱۳۸) ۱۱۶۷

۶۳ـ تاریخ فرمان تولیت تربت قوشه جد درتنگ دی‌تول
گیلان هشتپر. (ج ۱،ص ۴۷) ۱۱۷۱

۶۴ـ سنگ قبر میرزا ابوطالب دربقعهٔ شیخانور لاهیجان.
(ج۲، ص ۱۵۳) ۱۱۷۱

۶۵ـ سنگ قبر بی‌بی‌خانم دربقعهٔ‌گردکول.(ج۲،ص ۲۷۱) ۱۱۷۱

۶۶ـ سنگ قبرصادق در بقعهٔشمان لنگرود. (ج۲، ص ۲۷۴) ۱۷۲

۶۷ـ سنگ قبر کربلائی معصوم دربقعهٔ میرجمال‌الدین اشرف
(ج ۲، ص ۸۹) ۱۱۸۹

۶۸ـ تاریخ وقفنامهٔ قرآنی که میرقاسم فیلدهی وقف بقعهٔ
فیلده کرده است. (ج ۱،ص ۴۶۹) ۱۱۹۴

۶۹ـ سنگ قبر محمد حسن دربقعهٔ عون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام درماسوله. (ج ۱، ص۱۳۷) ۱۱۹۵

۷۰ـ سنگ قبر مصطفی بیك‌بن اللهویردی سلطان انبارلو در
بقعهٔ میکال. (ج ۲،ص ۳۴) ۱۱۹۷

۷۱ـ سنگ قبر آقا امین بن آقامیرسوار درمسجد رودبارك.
(ج ۲، ص۳۹۳) ۱۱۹۹

۷۲ـ تاریخ در ورودی شرقی بقعهٔ آقسید حسین در لنگرود.
(ج ۲، ص ۲۳۵) ۱۲۰۰

۷۳ـ سنگ قبر نقدعلی بن محمدعلی دربقعهٔ بابوجان‌دره.
(ج ۲،ص۳۵۷) ۱۲۰۲

۷۴ـ تاریخ بنای گلدستهٔ مسجد ساغری‌سازان در شهررشت.
(ج۱، ص۲۹۱) ۱۲۰۴

۷۵ـ تاریخ سنگ بنای مسجد جامع جورشر بشتنشاه.
(ج ۱، ص ۴۳۲) ۱۲۰۶

۷۶ـ تاریخ فرمان برگذاری تولیت‌بقعهٔ آقا سیدحسین در
لنگرود به‌حسین خادم. (ج ۲،ص ۲۴۵) ۱۲۰۷

۷۷ـ سنگ قبرربیع بن‌موسی در بقعهٔ سید نصرالدین.
(ج ۲،ص۳۱۵) ۱۲۰۷

۷۸ـ سنگ قبر محمد علی بن‌محمدصفی در بقعهٔ سید
نصرالدین. (ج۲، ص ۳۱۵) ۱۲۰۹

۷۹ـ سنگ قبرپری‌ناز د خانم دخترصفی‌خان سلطان در
امامزاده هادی دهکدهٔ میکال دیلمان. (ج ۲، ص۳۴) ۱۲۱۰
۸۰ـ سنگ‌قبرنازدار خانم دختر علی‌مردان دربقعهٔ سید
نصرالدین. (ج۲، ص۳۱۵) ۱۲۱۲
۸۱ـ سنگ قبرمحمد حسین بن‌احمد دربقعهٔ سیاهکل‌محله .
(ج ۲،ص۵۷) ۱۲۱۳
۸۲ـ سنگ قبر اللهویردی سلطان بن‌خداویردی بیك در
بقعهٔمیکال. (ج۲ ، ص ۳۵) ۱۲۱۵
۸۳ـ سنگ قبرمحمد علی‌خان دربقعهٔ سید علی غزنوی .
(ج۲۰،ص ۱۷۳) ۱۲۱۶
۸۴ـ سنگ قبرحلیمه دخترآقا شفیع در ایوان مسجدجامع
لاهیجان. (ج ۲، ص ۱۱۸) ۱۲۱۷
۸۵ـ سنگ قبردوستعلی‌بن‌میرزاعلی در بقعهٔ شاه‌شهیدان .
(ج ۲، ص۲۵) ۱۲۱۸
۸۶ـ سنگ قبرولی‌خان دربقعهٔگرده کول. (ج۲، ص۳۷۱) ۱۲۲۰
۸۷ـ سنگ قبرمحمد قاسم ولدمحمدیوسف دربقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص ۴۰) ۱۲۲۰
۸۸ـ سنگ قبرحاجی‌بابا ولدمرحوم نصیر صفی‌آبادی در
بقعهٔ سیاهکل‌محله. (ج ۲، ص۵۷) ۱۲۲۱
۸۹ـ سنگ‌قبر خداویردی سلطان ولد اللهویردی سلطان
دربقعهٔ تورار. (ج۲، ص ۴۰) ۱۲۲۱
۹۰ـ سنگ قبر ملك‌محمد دربقعهٔگرده کول.(ج۲، ص۳۷۲) ۱۲۲۱
۹۱ـ سنگ قبر ام‌کلثوم دختر اللهویردی سلطان دربقعهٔ
تورار.(ج ۲، ص۴۱) ۱۲۲۲

۹۲ـ سنگ قبر دانیال بن‌علی‌خان در بقعهٔ‌تورار. (ج۲، ص۴۰) ۱۲۲۲
۹۳ـ سنگ قبر سکینه دختر اسماعیل‌خان در بقعهٔ میکال.
(ج۲، ص۳۴) ۱۲۲۳
۹۴ـ سنگ قبر کرمعلی بن آقا قنبر در بقعهٔ بابوجان‌دره.
(ج۲، ص ۳۵۷) ۱۲۲۳
۹۵ـ تاریخ در ورودی بقعهٔ آقا سیدعلی در متعلق‌محله.
(ج ۲، ص ۲۰۳) ۱۲۲۴
۹۶ـ سنگ قبر احمد بن مؤمن بن قوام در بقعهٔ آقا میرشهید
(ج ۲، ص ۸۱) ۱۲۲۴
۹۷ـ تاریخی که بر ستون چوبین بقعهٔ عون بن‌محمد بن‌علی
علیه‌السلام درماسوله است. (ج ۱، ص ۱۳۶) ۱۲۲۴
۹۸ـ سنگ قبر ماه‌شرف دختر آق کاظم در بقعهٔ ملاخروشه.
(ج ۲، ص ۳۹۰) ۱۲۲۶
۹۹ـ تاریخ قدیمترین سند خرید وفروش زمین زراعی درمجموعهٔ
یدالله محمدی در دهکدهٔ کجید. (ج۲، ص ۳۶۱) ۱۲۲۸
۱۰۰ـ سنگ قبر آق غلام بن شمس علی در بقعهٔ لسپو.
(ج ۲، ص۳۹۸) ۱۲۲۹
۱۰۱ـ سنگ قبر زرین‌جان خانم در بقعهٔ ملاخروشه.
(ج۲، ص ۳۹۰) ۱۲۲۹
۱۰۲ـ سنگ قبر هاشم بن برخوردار بیك دیلمانی در بقعهٔ
سیاهکل‌محله. (ج۲، ص۵۷) ۱۲۲۹
۱۰۳ـ سنگ قبر الله‌بداشت در بقعهٔ تورار. (ج۲، ص۴۱) ۱۲۳۳
۱۰۴ـ سنگ قبر فیروزه‌خانم دختر محمدقسم در بقعهٔ
سیدنصرالدین. (ج ۲، ص ۱۹۹) ۱۲۳۵

۱۰۵ـ سنگ قبر علی اکبر بیك ولد عبدالله بیك در بقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص۴۱) ۱۲۳۸
۱۰۶ـ تاریخ اتمام بنای مسجد اکبریه در لاهیجان. (ج۲، ص۹۷) ۱۲۳۹
۱۰۷ـ سنگ قبر محمد طاهر ولد کربلائی محمدبیك گیلوائی
دربقعهٔ سیداحمد. (ج ۱، ص۳۱۹) ۱۲۴۰
۱۰۸ـ سنگ قبر تقدعلی ولد جعفر دربقعهٔ بابوولی در دیلمان.
(ج ۲، ص ۲۹) ۱۲۴۰
۱۰۹ـ سنگ قبر ملاعلی خان ولد کربلائی حاجی دربقعهٔ توراد.
(ج۲، ص ۴۱) ۱۲۴۰
۱۱۰ـ تاریخ اتمام صندوق بقعهٔ میرشاه محمود در دهکدهٔ
شیخان گفشهٔ لشتنشاه. (ج ۱، ص۴۳۳) ۱۲۴۰
۱۱۱ـ تاریخ فرمان فتحعلی شاه برای حاجی آقابزرگ منجم باشی.
(ح ۲، ص ۲۵۲) ۱۲۴۰
۱۱۲ـ تاریخ صدور حکم واگذاری تولیت بقعهٔ آقا سیدحسین
درلنگرود به ملا محمدحسن. (ج ۲، ص ۲۴۶) ۱۲۴۰
۱۱۳ـ تاریخ اتمام در ورودی مسجد حاجی علی درمحلهٔ
بزار لنگرود. (ج۲، ص۲۶۷) ۱۲۴۱
۱۱۴ـ سنگ قبر زین العابدین ولد علی دربقعهٔ میکال.
(ج ۲، ص ۳۴) ۱۲۴۱
۱۱۵ـ سنگ قبر گلستان خانم دختر آقامیرزا دربقعهٔ گرده کول.
(ج ۲، ص ۳۷۱) ۱۲۴۱
۱۱۶ـ تاریخ علم بقعهٔ آقا میرصدق درلاهیجان. (ج۲، ص۸۶) ۱۲۴۲
۱۱۷ـ سنگ قبر ملاغلامعلی ولد آقا علی اکبر دربقعهٔ
سیارستاق اشکور. (ج ۲، ص ۴۰۲) ۱۲۴۲

۱۱۸ـ سنگ قبر کربلائی میرز ولد مرتضی‌قلی در بقعهٔ سید
نصرالدین . (ج ۲،ص۱۹۹) ۱۲۴۲
۱۱۹ـ تاریخ بندی محراب مسجد مستوفی درشهررشت.
(ج ۱ ، ص ۲۶۵) ۱۲۴۲
۱۲۰ـ سنگ قبر ریحان‌خانم دختر اللهویردی‌سلطان در بقعهٔ
تورار . (ج ۲، ص۴۱) ۱۲۴۳
۱۲۱ـ سنگ قبر الله‌بداشت ولد کربلائی نقدعلی در بقعهٔ
میکال. (ج ۲، ص ۳۵) ۱۲۴۳
۱۲۲ـ ماریخ اتمام در ورودی بقعهٔ سید عباس وسید سماعیل
درمحلهٔ ساغری‌ساز ان شهررشت . (ج ۱، ص ۲۹۰) ۱۲۴۳
۱۲۳ـ سنگ قبر قربا علی‌بیك دربقعهٔ سید احمد در دیلمان.
(ج ۲، ص ۲۰) ۱۲۴۴
۱۲۴ـ سنگ‌قبر آقاعلی ولدمحمد دربقعهٔ بابوجان‌دره.
(ج ۲، ص ۳۵۷) ۱۲۴۵
۱۲۵ـ سنگ‌قبرحاجی‌خانم دربقعهٔ ملاخروشه .(ج۲، ص۳۹۰) ۱۲۴۶
۱۲۶ـ سنگ قبرخواجه محمد ولدحاجی علی‌اکبر دربقعهٔ
شیرجوپشت . (ج ۲، ص ۲۰۶) ۱۲۴۶
۱۲۷ـ سنگ قبر قربانعلی ولد محمدگالش در بقعهٔ سید
ابوالقاسم . (ج ۲ . ص ۲۸۹) ۱۲۴۸
۱۲۸ـ سنگ قبر آقابیك ولد حسن‌خان‌بیك دربقعهٔ تورار .
(ج ۲ ، ص ۴۱) ۱۲۴۸
۱۲۹ـ سنگ قبر محمدشریف ولدنوروز درقبرستان کجید .
(ج ۲، ص۳۶۰) ۱۲۵۰
۱۳ـ سنگ قبر کلثوم دختر میرقاسم دربقعهٔ فیلده.
(ج ۱ . ص ۴۶۷) ۱۲۵۰

۱۳۱ـ سنگ قبر امیرعلی ولد کربلائی رمضان در بقعهٔ بابوجان‌دره (ج ۲، ص ۳۵۷) ۱۲۵۱

۱۳۲ـ سنگ قبر آقارحیم ولدعابدین در قبرستان کجید. (ج ۲، ص ۳۶۰) ۱۲۵۲

۱۳۳ـ تاریخ صدور فرمان محمدشاه قاجار برای میرزا عبدالباقی منجم‌باشی. (ج ۲، ص ۲۵۴) ۱۲۵۲

۱۳۴ـ تاریخ اتمام صندوق بقعهٔ آقا میرابرهیم درمحلهٔ گابنهٔ لاهیجان. (ج ۲، ص۹۴) ۱۲۵۳

۱۳۵ـ سنگ قبر علی‌اکبربیك ولدسهراب‌خان دربقعهٔ تورار. (ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۵۳

۱۳۶ـ سنگ قبر شهربانو دختر شرف‌خان دربقعهٔ گرده کول. (ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۵۴

۱۳۷ـ سنگ قبر آق میرزا ولدمیرزاعلی درمسجد رودبارك. (ج ۲، ص۳۹۳) ۱۲۵۵

۱۳۸ـ سنگ قبر حسینقلی ولدحسن طالش کولی دربقعهٔ کومس دیلمان. (ج ۲، ص۳۱) ۱۲۵۵

۱۳۹ـ سنگ قبر شهربانو دختر قربنعی درسفید آستانه. (ج ۲، ص۲۷۲) ۱۲۵۵

۱۴۰ـ تاریخ سنگ لعنت‌نامه‌ای دربقعهٔ سیداحمد درگیلوای کوچسفهان. (ج ۱، ص۳۲۰) ۱۲۵۵

۱۴۱ـ سنگ قبر ذوالفقار ولد میرزاعلی دربقعهٔ میکال. (ج ۲، ص۳۳) ۱۲۵۶

۱۴۲ـ سنگ قبر آق‌شیخ‌رفیع ولد شیخ عبدالله در بقعهٔ گرده کول. (ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۵۷

۱۴۳ــ سنگ قبر محمدقلی ولد قربانعلی درسر تربت امام . (ج ۲، ص ۳۵۴) ۱۲۵۸

۱۴۴ــ سنگ قبرعاشور ولد اللهویردی دربقعهٔ شکرکش . (ج ۲، ص ۲۸۹) ۱۲۵۹

۱۴۵ــ سنگ قبر مرزاخان ولد محمد دربقعهٔ تورار . (ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۶۰

۱۴۶ــ سنگ قبر جواهر دختر سبزعلی دربقعهٔ میکان . (ج ۲، ص ۳۵) ۱۲۶۰

۱۴۷ــ سنگ قبرگل‌خاتون دختر آقا کاظم دیلمانی در بقعهٔ مراددهنده. (ج ۲، ص ۱۷۶) ۱۲۶۱

۱۴۸ــ سنگ قبر آدینه ولد محمدعلی‌خان دربقعهٔ لسپو . (ج ۲، ص ۳۹۹) ۱۲۶۲

۱۴۹ــ سنگ قبر جلودر ورودی بقعهٔ عون بن‌محمد بن علی علیه‌السلام درماسوله . (ج ۱، ص ۱۳۵) ۱۲۶۲

۱۵۰ــ سنگ قبر نداوردی ولد آدینه در بقعهٔ فیروزکوه . (ج ۲، ص ۳۷۵) ۱۲۶۳

۱۵۱ــ سنگ قبر شیخ خلیل ولد شیخ‌جلال در بقعهٔ گرده‌کول .(ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۶۳

۱۵۲ــ سنگ قبررستم‌خان ولد محمدخان دربقعهٔ آقا سیدخلیل(ج ۲، ص ۲۹۷) ۱۲۶۳

۱۵۳ــ سنگ قبر مهدی‌خان بیك درآستانهٔ چهارتن . (ج ۲، ص ۲۹۲) ۱۲۶۴

۱۵۴ــ سنگ قبر خدادادبیك ولد حسن‌خان در بقعهٔ فیروزکوه. (ج ۲، ص ۳۷۵) ۱۲۶۴

۱۵۵ـ تاریخ صدور فرمان محمدشاه قاجار برای عبدالباقی
منجم‌باشی لنگرودی. (ج۲،ص ۲۵۶) ۱۲۶۴
۱۵۶ـ تاریخ اتمام در بقعهٔ فوشا. (ج ۲، ص۲۰۹) ۱۲۶۵
۱۵۷ـ سنگ قبر نازی خانم دختر شیخ حسین در بقعهٔ
گرده کول. (ح ۲ ، ص ۳۷۲) ۱۲۶۶
۱۵۸ـ سنگ قبر بمانی دختر ملک‌محمد در بقعهٔ گرده ـ
کول. (ج۲، ص ۳۷۲) ۱۲۶۶
۱۵۹ـ تاریخ‌صدور فرمان‌نصرالدین‌شاه قاجار برای میرزا
عبدالباقی منجم‌باشی لنگرودی، (ج ۲، ص ۲۵۷) ۱۲۶۶
۱۶۰ـ سنگ قبر رمضانعلی‌ولد جعفر در بقعهٔ سیداحمد.
(ج۲،ص۲۰) ۱۲۶۷
۱۶۱ـ سنگ قبر محمدحسن ولد آقاعلی در بقعهٔ لسپو.
(ج۲،ص۳۹۹) ۱۲۶۹
۱۶۲ـ سنگ قبر برجعلی ولد آقاعلی محمد در بقعهٔ
شکرکش. (ج ۲، ص ۲۸۹) ۱۲۷۰
۱۶۳ـ تاریخ اتمام در ورودی مسجد آقاشیخ حبیب‌الله در
محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود. (ج ۲. ص ۲۶۵) ۱۲۷۰
۱۶۴ـ مرمت پل‌آجری رودخانهٔ سیم رود نزدیک شهرلاهیجان
به‌دست حاجی قربان تاجر لاهیجی. (ج ۲، ص ۱۴۷) ۱۲۷۱
۱۶۵ـ سنگ قبر غلامعی ولد اللهویردی در بقعهٔ تورار.
(ج۲،ص۴۲) ۱۲۷۱
۱۶۶ـ سنگ قبر شیخ‌جعفر ولد شیخ کاظم در بقعهٔ
گرده کول(ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۲۷۱

۱۶۷ــ سنگ قبر ملامراد ولد عیسی در بقعهٔ بابولی دیسمان.
(ج ۲، ص ۲۹) ۱۲۷۲
۱۶۸ــ تاریخ فرمانی از ناصرالدین‌شاه قاجار که برسنگ
حک‌شده وبردست چپ در ورودی بقعهٔ خواهر امام
نصب شده است. (ج ۱، ص ۲۹۶) ۱۲۷۲
۱۶۹ــ تاریخ اتمام‌در ورودی عربی بقعهٔ آقاسیدحسین
در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۳۵) ۱۲۷۲
۱۷۰ــ سنگ قبر ملاقاسم ولد ملا کاظم دربقعهٔ تورار.
(ج ۲،ص ۴۲) ۱۲۷۳
۱۷۱ــ سنگ قبر اسماعیل ولدآقاقربان در بقعهٔ ابوجعفر
ثیری.(ج ۲، ص۳۳۳) ۱۲۷۵
۱۷۲ــ تاریخ تعمیر بقعهٔ پیرملا شمس‌الدین در لاشیدان
لاهیجان (ج۲، ص۱۳۹) ۱۲۷۵
۱۷۳ــ سنگ قبر بلقیس دخترجعفر دربقعهٔ دهکدهٔ لفسجان.
(ج ۲، ص ۱۷۷) ۱۲۷۸
۱۷۴ــ تاریخ کاشی یادگاری ملاعلی لاشیدانی در بقعهٔ
لاشیدان لاهیجان.(ج ۲، ص ۱۳۹) ۱۲۷۹
۱۷۵ــ سنگ قبر فاطمه دختر آقا عاشورعلی در بقعهٔ تورار.
(ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۸۱
۱۷۶ــ تاریخ بنای بقعهٔ سیدقاسم دردهکدهٔ چولاب کوچصفهان
(ج ۱، ص ۳۱۸) ۱۲۸۴
۱۷۷ــ سنگ قبر برجعلی ولد استاد قربانعلی در بقعهٔ گرده‌کوه.
(ج ۲،ص ۳۷۲) ۱۲۸۴

۱۷۸ـ سنگ قبر گنجعلی ولد نظرعلی در بقعهٔ گرده‌کول.
(ج۲، ص ۳۷۲) ۱۲۸۴
۱۷۹ـ سنگ قبر قربان‌حداد ولد کربلائی شاه‌ولد در بقعهٔ
تورار.(ج ۲، ص ۴۲) ۱۲۸۹
۱۸۰ـ تاریخ اتمام صندوق مرقد سیدابوالقاسم در دهکدهٔ
شکرکش.(ج۲،ص۲۸۸) ۱۲۹۰
۱۸۱ـ سنگ قبر حسین ولد موسی‌خان تنکابنی در بقعهٔ
تورار.(ج۲، ص ۴۳) ۱۲۹۵
۱۸۲ـ سنگ قبر امیرعلی ولد عموحسن گالش در بقعهٔ
گرده‌کول. (ج ۲، ص ۳۷۲) ۱۳۰۱
۱۸۳ـ سنگ قبر بازعلی ولد پنجه‌علی در بقعهٔ فیروزکوه.
(ج ۲،ص ۳۷۵) ۱۳۰۸
۱۸۴ـ سنگ قبر شیخ عبدالحسین ولد آقامیرزا یوسف
دربقعهٔ سیارستاق اشکور. (ج ۲، ص ۴۰۲) ۱۳۱۰
۱۷۵ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ نصیرعلی در دهکدهٔ کویه.
(ج ۲، ص ۳۱۷) ۱۳۱۲
۱۸۶ـ تاریخ سفارش‌نامهٔ نصرالسلطنه به‌منجم‌باشی دربارهٔ
تولیت آستانهٔ آقا سیدحسین در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۴۶) ۱۳۱۵
۱۸۷ـ تاریخ اتمام حسینیه و عباسیه و غریب‌خانهٔ بقعهٔ
آقاسیدحسین در لنگرود. (ج ۲، ص ۲۴۳) ۱۳۲۰
۱۸۸ـ سنگ قبر صفر ولد چراغعلی در بقعهٔ سیدمحمدصالح.
(ج ۲، ص ۶۱) ۱۳۳۰

۱۸۹ــ تاریخ اتمام‌سقاخانهٔ بقعهٔ آقاسیدحسین در لنگرود.
(ج۲، ص۲۴۳) ۱۳۴۱

****

آثاری که نام بردیم به‌دست هنرمند معماران و بنایان و نجاران و حجاران و کاشی‌سازان و خطاطان و نقاشان به وجـود آمده است. بسیار بجاست که نام ایشان در این‌مقدمه یاد شود وبرقرار ماند تاقسمتی از دین خود رانسبت به‌ایشان اداکرده باشیم. امروز اگر اثری تاریخی در سرزمین گیلان به‌چشم می‌خورد، نتیجهٔ ذوق و استعدادو ثمرهٔ هنر ایشان است.

هنرمندانی که اثری از ایشان یافته‌ایم

تا جایی که نگارنده دقت کرد، در آثار تاریخی سرزمین گیلان، نام معمار و بنا جز در یکی دو مورد دیده نشد. گویی اینان نیز همچون سایر هنرمندان ایرانی، هنر را برای کسب نان و نام نمی‌خواستند و به اثری که به‌وجود می‌آوردند، عشق می‌ورزیدند و تمام هستی و وجود خود را در آن زنده و پایدار می‌دیدند. اصراری نداشتند که نام خود را با خطی جلی بر کتیبهٔ بنا بنویسند و هنر خود را به‌رخ دیگران بکشند.

نام استاد یعقوب بن‌علی رویانی را سیدظهیرالدین زنده نگاه‌داشته است و از دو اثر او که یکی پل رودخانهٔ سیم رود، نزدیك لاهیجان و دیگری پل رودخانهٔ پلرود است یاد می‌کند.[1]

استاد حسین‌بن استاد علی‌بن استاداحمد مسافر بناء لاهجانی در سال۸۸۳ ه.ق. بنای سرتربت‌امام را که طرحی‌ساده دارد ساخته‌است.[2] این بنا شامل: دو اطاق کوچك به‌نام «دعاخانه» که ظاهراً همان دار الحفاظ است و یك حیاط که در آن قبور دو تن از سلاطین کیا و سه‌چهارتن‌از خانوادهٔ ایشان به‌خاك سپرده شده است.

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان صفحات ۴۴۲ و ۴۷۳. ۲ــ از آستارا تا استاراباد ج ۲، ص ۳۵۴.

کار نجاران را در بناهای تاریخی می‌توان به‌چندگونه تقسیم کرد:

۱- ستون و سرستون‌تراشی و تراشیدن سرنال و بن‌نال و اشانها و سوارکردن آنها که این عمل را می‌توان «ایـوان بندی» و در مورد پوشاندن سقف بناها «واشان‌کشی» یا «تیربندی» نمید.

۲- کار ساختن درهـای یک‌لتی یا دو لتی و پنجره‌ها باباتـو و پسار و تنکه.

۳- کرساختن خفنگهای مشبک نورگیر و نورگیرهای مشبک که در سایر قسمتهای بنا به‌کار رفته‌است.

۴- ساختن پنجره‌های ارسی با آلتهای ظریف و حم شیشه‌های رنگین.

۵- ساختن صـریحهای مشبک و صندوقهای تخته‌ای کـه برای پوشاندن قبور به‌کار می‌رود.

در یک مورد که اشاره خواهیم کرد بـه منبری مشبک چوبین نیز برخورده‌ایم.

اینک نام این استادکاران:

۱- علی نجار تبریزی، درکنونی بقعهٔ سید خورکیا را درچهار- پادشاهان لاهیجان ساخته است.[۱]

۱- از آستارا تا استارباد ج۲، ص۱۱۰.

۲ــ عبد للّه‌درودگر،[1] صندوق‌مرقدشیخ زاهدگیلانی‌رادرشیخانور ساخته است. امروز از این صندوق نشانی نیست.[2]

۳ــ رسول نجاربن اکبرقزوینی، صندوق مقبرهٔ جداگانهٔ چهار‌ـ پادشاهان را در لاهیجان ساخته است.[3]

۴ــ استاد شهاب‌الدین بن‌نظام‌الدین درودگر قزوینی، درورودی چهار پادشاهان را که ظریف‌است ساخته‌است.[4] پسر این مرد محمودبن شهاب لدین نیز نجار ماهری بوده است.

۵ــ استاد محمودبن شهاب‌الدین‌درودگر، صندوق مقبرهٔسیدرضی ابی‌مهدی حسینی را درشیخانور لاهیجان درسال۸۳۴ هـ.ق. ساخته‌است. این‌صندوق امروزمرقد شیخ زاهدگیلانی را درهمین‌بنا پوشانده‌است.[5]

۶ــ استاد یادگار درودگر، در ورودی بقعهٔ شیخانور را در سال ۸۳۵ هـ. ق. ساخته است.[6]

۷ــ استاداحمد با یاری استادیادگار، در ورودی بقعهٔ شیخانور را ساخته‌اند.[7]

۸ــ استاد علی‌بن ستادابراهیم تمیجانی، در ورودی حرم‌ابوجعفر تایری را که ترکیبی بسیارغریب دارد، درسال ۸۴۳هـ.ق. ساخته‌است.[8]

۹ــ محمدبن یادگاربن حاجی مسافرتبریزی، صندوق مرقد سیدعلی غزنوی‌که در منتهای ظرافت است در سال ۸۷۱ هـ. ق. ساخته است.[9]

۱ــ دربیشتر کتیبه‌های‌درها وصندوقها درگیلان و دیلمان، کلمهٔ درودگر بدون د ل دوم آمده است.

۲ــ از آستارا تا استارباد ج ۲، ص ۱۵۰.

۳ــ همین کتاب ج ۲، ص۱۰۱.

۴ــ همین‌کتاب ج ۲، ص۹۹ و۱۰۳.

۵ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۱.

۶ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۱.

۷ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۵۰.

۸ــ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۲

۹ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۷۱.

۱۰ــ استاد احمدبن‌محمود دروگر بونی نجار، در جامخانهٔ کاخ دیلمان را که امروز در ورودی بقعهٔ دهکدهٔ کومس است، در سال ۹۳۰ ه. ق. ساخته است.[۱]

۱۱ــ استاد میرحسن، ضریح و در ورودی بقعهٔ سیاهکل‌محله را در سال ۹۵۱ ه.ق. ساخته ست.[۲]

۱۲ــ ستادبایزید، در ورودی کنونی بقعهٔ سیدخورکیا ر'درحدود قرن دهم ساخته و کنده کاری کرده‌است.[۳]

۱۳ــ عبدالفتاح‌لاهجی، صندوق سیدخورکیارا درچهارپادشاهان لاهیجان در سال ۱۰۱۵ ه. ق. ساخته است.[۴]

۱۴ــ سیدمحمد و سیداحمد پسران‌استاد آقابابا، ضریح مشبك و در ورودی امامزاده شفیع را در سال ۱۰۷۳ ه. ق. ساخته ند.[۵]

۱۵ــ استاد حسین‌منجیلی،ضریح مشبك بقعهٔ آقامیرشهید را در لاهیجان در سال ۱۱۳۳ ه. ق. ساخته است.[۶]

۱۶ــ استاد عبدالرحیم، در ورودی مسجد حاج‌علی را در محلهٔ بازار لنگرود درسال۱۲۴۱ ه.ق. ساخته است.[۷]

۱۷ــ صفرعلی و غلامعلی، کارهای نجاری‌مسجد قدیمی کجیدرا در سال ۱۲۵۶ ه.ق. انجام داده‌اند.[۸]

۱۸ــ اوستاد امیر مسکنی، در ورودی بقعهٔ فوشارا درسال۱۲۵۶ ه.ق. ساخته‌است.[۹]

۱ــ ازآستاراتااستارید ج۲،ص۳۰. ۲ــهمین کتاب ج۲،ص۵۶. ۳ــهمین کتاب‌ج۲،ص۱۰۹. ۴ــهمین کتاب ج۲،ص۹۹. ۵ــهمین کتاب ج ۱، ص ۱۰۸. ۶ ــ همین‌کتاب ج ۲، ص۸۱. ۷ــهمین کتاب ج۲ ، ص ۲۶۹. ۸ــ همین‌کتاب ج۲،ص۳۶۰. ۹ــهمین کتاب ج۲، ص۲۰۹

۱۹ــ استاد غلامرضا، کارهای نجاری و ایوانبندی بقعهٔ سید حمد را در دهکدهٔ دیلمان در سال ۱۲۹۷ ه.ق. انجام داده است.[۱]

۲۰ــ استاد خانجان و استاد تقی اشکوری الاصل، کار نجاری بقعهٔ دموچال لاهیجان را در محرم لوی ئیل ۱۲۹۸ ه. ق. انجام داده‌اند.[۲]

۲۱ــ استاد رمضان گیوئی، پنجره‌های ارسی بقعهٔ سید صفی الدین را در میر محلهٔ ماسال در سال ۱۳۱۴ ه.ق. ساخته است.[۳]

۲۲ــ کربلائی محمد و استاد حسن، پسران استاد اسماعیل نجار شفتی، کارهای نجاری بقعهٔ آکاشاه را در رودبردهٔ سنگر در سال ۱۳۱۹ ه.ق. انجام داده‌اند.[۴]

۲۳ــ استاد محمد ولد قربانعلی ساکن بالا محلهٔ تماجان، کارهای نجاری بقعهٔ بابوجان‌دره را انجام داده است.[۵]

۲۴ــ استاد غلامعلی، در ورودی بقعهٔ شاه‌شهیدان را در دهکدهٔ شاه‌ــ شهیدان دیلمان با طرحی بسیار غریب در سال ۱۳۲۴ ه.ق. ساخته است.[۶]

۲۵ــ استاد میرزا ابراهیم خلخالی شاگرد ملاهادی دیلمانی، ضریح بقعهٔ دهکدهٔ ازبرم را در سال ۱۳۳۰ ه.ق. ساخته است.[۷]

۲۶ــ مشهدی حاجی بابا ولد کربلائی علی النقی بادکوبی، منبر مشبک مسجد حاجی صمدخان را در شهر رشت در سال ۱۳۳۵ ه.ق. ساخته است.[۸]

۲۷ــ استاد میرزاعلی و استاد میرعلی پسران استاد غلامرضای خلخالی، در ورودی بقعهٔ تخم‌شل لاهیجان را ساخته‌اند.[۹]

۱ــ از آستارا تا استارباد ج۲، ص۱۹. ۲ــ همین کتاب ج۲، ص۱۴۰. ۳ــ همین کتاب ج۱، ص۱۲۰. ۴ــ همین کتاب ج۱، ص۲۱۲. ۵ــ همین کتاب ج۲، ص۳۵۶. ۶ــ همین کتاب ج۲ ص۲۴. ۷ــ همین کتاب ج۲، ص۶۱. ۸ــ همین کتاب ج۱، ص۲۷۴. ۹ــ همین کتاب ج۲، ص۱۳۴

کاشی‌پزان یا کاشیگران

فن کاشی‌سازی در گیلان بسیار ضعیف است وسیر ترقی‌وپیشرفت نداشته‌است . ازقدیمترین کاشیهای بقعهٔ ملاعاقل[1] در پرده‌سر لاهیجان و کاشیهای ظریف بقعهٔ آقا سیدحسین درلنگرود که به‌دست خلیل‌بن‌احمد کاشیگر ساخته‌شده[2] و کاشیهای قدیمی بقعهٔ چهار پادشاهان[3] ویک‌خشت کاشی‌مربع را درمسجدگیلاکجان می‌توان نام‌برد. به‌نظر اینجانب تمام این کاشیها متعلق به‌قرن هفتم وهشتم است . دیگر از کاشیکاری اثری‌در بناهائی‌که پیش از تاریخ ۱۲۴۲ هـ. ق. ساخته شده‌اند ، دیده نمی‌شود. دراین تاریخ استاد محمد تقی کاشی‌پز قزوینی ، کاشیهای مسجدمستوفی ر درشهررشت تهیه کرده‌است .[4]

پس ازاین تاریخ دیگر درگیلان ازفن کاشی‌سازی خبری‌نیست. درحدود سال ۱۳۰۰ هجری‌قمری ، مشهدی یوسف کاشی‌ساز ، درمحلهٔ آفخرای رشت ، کارخانهٔ کاشی‌پزی درست کرد . در این کارخـــانه حاجی‌یعقوب ودوپسراستاد یوسف به‌نامهای محمدواحمد ، مدتی‌به‌کار کاشی‌پزی مشغول بودند . نخستین کاشیهائی‌که از این کرخانه بیرون آمده است، دربارس‌ئیل ۱۳۰۸ ، در سردر ورودی حمام حاجی محمد حج فروش درشهر رشت، به‌کاررفته‌که تاامروز باقی‌است.[5]

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۲،ص۸۸.   ۲ـهمین کتاب‌ج۲ص۲۳۸.

۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۲.   ۴ـ همین کتاب ج ۱، ص ۲۶۵.

۵ـ همین کتاب ج ۱، ص۲۹۱.

کاشیهای گنبد سید جلال‌الدین اشرف در آستانهٔ اشرفیه به‌دست حاجی یعقوب درهمین کارخانه تهیه شده است.[1]

محمد پسر استاد یوسف، کاشیهای بقعهٔ سید علی‌کیا را دردهکدهٔ اژدها بلوچ لشتنشاه، در سال ۱۳۲۰[2] و کاشیهای سر در حمام پیرسرای شهررشت را درسال ۱۳۳۴[3] و کاشیهای قالب بزرگ بانقشهای برجستهٔ بقعهٔ سیداسماعیل و سیدعباس را در همین شهر[4] به سال ۱۳۳۵ ه. ق. تهیه کرده است.

احمد ــ پسر دیگر استادیوسف، کاشیهای مسجد چه‌خانه را در شهر رشت[5] و کاشیهای مسجد سرخ‌بنده را درهمین شهر درسال ۱۳۳۲ ه. ق. تهیه کرده است.[6]

دیگر از کاشیکاریهائی که تاریخی بر آنها باشد یاسازندهٔ آنهارا بشناسیم، درگیلان نیافتیم.

۱ــ از آستارا تااستاراباد ج۲، ص۱۸۲. ۲ــ همین کتاب ج ۱، ص۴۳۷. ۳ــ همین کتاب ج ۱، ص۲۸۱. ۴ــ همین کتاب ج۱، ص۲۹۰. ۵ــ همین کتاب ج۱،ص۲۶۷. ۶ــ همین کتاب ج۱،ص۲۶۹.

خطاطان

خطهای خوش خطاطان که بیشتر به قلم نسخ و ثلث و نستعلیق ست، بر درها، صندوقها، ضریحها، سنگهای قبور، سنگهایی که فرمانها و احکام بر آنها حک شده است و کتیبه‌های بناها دیده می‌شود. هنر خطاطی در گیلان همچون هنر کنده کاری بر چوب، به حد زیبایی و کمال خود رسیده است و نمونه‌هایی که از آن در دست است، حاکی از ذوق و استعداد و قدرت قلم خطاطان است. اینست نامهای ایشان و آثاری که ز آنان به جای مانده است:

۱ــ خط استاد شرف الدین عثمان بن جمال شیرازی بر سنگ قبر تاج الدین محمود خیوی، مورخ ۷۳۲، در لمیر محلهٔ آستارا.[۱]

۲ــ خط حسن بن علی صالحی جیلی، بر صندوق سید رضی کیا: مورخ ۸۲۹، در چهار پادشاهان لاهیجان.[۲]

۳ــ خط محمود بن قطب الدین، بر سنگ قبر سلطان محمد کیا. مورخ ۸۸۳: در سر تربت امام.[۳]

۴ــ خط نظام الدین بن شمس الدین مداحی نوذری، در قرآن مورخ ۸۸۳، در چهار پادشاهان لاهیجان.[۴]

۵ــ خط علی بن احمد سیستنی،[۵] بر باقی ماندهٔ صندوق قدیمی آقا شیخ ابو لوجیه، مورخ ۹۴۸، در کهله بر لاهیجان.[۶]

۱ــ از آستارا تا استاراباد ج ۱، ص ۱۳. ۲ــ همین کتاب ج ۲، ص ۹۹.

۳ــ همین کتاب ج ۲، ص ۳۴۸. ۴ــ همین کتاب ج ۲، ص ۹۹.

۵ــ این مرد منسوب به سیستن لاهیجان است که مردم «سوسن» گویند

۶ــ از آستارا تا استاراباد ج ۲، ص ۱۶۲.

۶ـ خط شیخ محمد فقیهی قزوینی ، در کتیبه‌های مسجد گلشن درشهر رشت .[۱]

۷ـ خط محمدلاریجانی وعطاء دیلمی بر کتیبه‌های بقعهٔ سیاهکل ـ محلهٔ سیاهکل .[۲]

۸ـ خط خواجکی کرمانی ، بردر کنونی مرقد سید خورکیا ، در چهارپادشاهان لاهیجان .[۳]

۹ـ خط محمدجعفربن محمد لاهیجانی، برصندوق مقبرهٔ جداگانهٔ چهار پادشاهان ، درشهر لاهیجان .[۴]

۱۰ـ خط محمدبن داودکیا حسینی ، بردر ورودی بقعهٔ سید خورکیا مورخ ۱۰۱۵ ه. ق. که فعلا در موزهٔ ایران باستان است[۵] و بر صندوق مرقدپیررضا درشهرلاهیجان[۶] و بر کتیبهٔ صندوق سیدخورکیا، در چهارپادشاهان لاهیجان[۷] و برصندوق آقامیرشمس‌الدین مورخ ۱۰۱۸، درلاهیجان .[۸]

۱۱ـ قطعه‌ای به‌خط محمدشفیع ـ خطاط معروف ـ مورخ ۱۲۰۶ در بقعهٔ سید عبدالله درطالم سه‌شنبهٔ سنگر .[۹]

۱۲ـ خط زین‌العابدین کاشانی مستوفی دیوان اعلی، برسنگ تاریخ مسجد اکبریهٔ لاهیجان ، مورخ ۱۲۳۹ ه. ق.[۱۰]

۱۳ـ خط بخش‌علی طالقانی مسگرسوهانی ، بردر ورودی بقعهٔ

۱ـ از آستارا تااستارباد ج ۱، ص ۲۵۶.　　۲ همین کتاب ج ۲،
ص ۵۶ .　　۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۰.　　۴ـ همین کتاب ج ۲،
ص ۱۰۱　　۵ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۱۱.　　۶ـ همین کتاب ج ۲،
ص ۱۲۰.　　۷ـ همین کتاب ج ۲ ص ۹۹.　　۸ـ همین کتاب ج ۲، ص ۸۵
۹ـ همین کتاب ج ۱، ص ۳۱۲.　　۱۰ـ همین کتاب ج ۲، ص ۹۷

فوشا، مورخ ۱۲۶۵ هـ.ق.[1]

۱۴ـ خط حسین رمضانعلی، بردر مسجد انزلی‌محلهٔ لنگرود، مورخ ۱۲۶۸ هـ. ق.[2]

۱۵ـ خط ملك محمدقزوینی، برسنگی‌که فرمان ناصرالدین‌شاه برآن حك شده‌است، مورخ ۱۲۷۲، دربقعهٔ خواهرامام درشهررشت.[3]

۱۶ـ خط محمد حسین طالقانی، بردرمسجد آقا سیدحسین در لنگرود، مورخ ۱۲۷۷ هـ. ق.[4]

۱۷ـ خط محمد تقی ایروانی، برکتیبهٔ گچ‌کاری دورگنبد بقعهٔ آقا پیرجنگی، در باز کیاگوراب لاهیجان.[5]

۱۸ـ خط حسین بن طاهر رحیم، بردر مسجد فتیده که در سابق مسجد آق بهرم در لنگرود بوده است، مورخ ۱۲۸۰ هـ. ق.[6]

۱۹ـ خط ستاد محمد هاشم بن د ود و ستاد نجف علی واستاد محمدقلی درکتیبه‌های بقعهٔ سید قاسم درچولاب، مورخ ۱۲۸۴ هـ.ق.[7]

۲۰ـ خط محمدمیرزا نستعلیق‌نویس، درکتیبهٔ دورگنبد خواهرـ امام در شهر رشت مورخ ۱۳۰۶ هـ. ق.[8]

۲۱ـ خط مهدیقلی کاتب، در بقعهٔ سید صفی‌الدین در میر محلهٔ ماسال، مورخ ۱۳۱۴ هـ. ق.[9]

۱ـ از آستارا تا استارباد ج ۲، ص۲۰۹.
۲ـ همین کتاب ج۲، ص ۲۶۳.
۳ـ همین کتاب ج۱، ص۲۹۶.
۴ـ همین کتاب ج۲، ص ۲۴۱.
۵ـ همین کتاب ج۲، ص ۱۲۷
۶ـ همین کتاب ج۲، ص ۲۷۷.
۷ـ همین کتاب ج ۱، ص ۳۱۸.
۸ـ همین کتاب ج۱، ص ۲۹۳.
۹ همین کتاب ج ۱ ص۱۲۰

۲۲ــ خط شیخ محمد رشتی بن سید احمد قزوینی ، برکاشیهای گنبد سیدجلال‌الدین اشرف درآستانهٔ اشرفیه مورخ ۱۳۲۴ ه. ق.[۱]

۲۳ــ خط استاد رضا لاهیجانی، درکتیبهٔ بقعهٔ بابوجان‌دره مورخ ۱۳۳۵ ه. ق.[۲]

۱ــ ازآستارا تا استارباد ج۲، ص۱۸۲.

۲ــ همین کتاب ج۲، ص ۳۵۶.

نقاشان

برجدارهای خارجی و داخلی دیوارهای بقعه‌ها و آستانه‌هـا ، از قدیم ، نقـاشی می‌کرده‌اند . بـرجدار خـارجی ، دو سه بقعهٔ قدیمی نقاشیهایی به‌سبك مغولی دیده شد . مکنزی پس ازورود به‌شهر لاهیجان می‌نویسد «دراول‌شهر تکیه‌ای بود که بردیوار آن نقاشیهایی، ازصحرای کربلا دیده می‌شد . این نقاشیها کارشوشتری نقاش بود و ایلچی فرنگی بالباس برازنده‌ای نقاشی شده بود.»[1] ظاهراً نقاشی کردن بردیوارهـای بقعه‌ها سنتی‌قدیمی‌بوده‌است. متأسفانه به‌علت رطوبت زیاد وفروریختن سفیدکاری دیوارها ، این نقاشیها نیز به‌مرور زمان ، ازمیان رفته‌است . آنچه برجای است زیاد قدمت ندارد و بیشتر ، نقاشیهـای مذهبی یعنی مجالسی از صحرای کربلا وضامن آهو و دو طفلا مسلم وقیام مختارو اسرای کربلا وقیامت و نظایر آنهاست . بردیوار یکی دو بقعه ، مناظر طبیعی نیز نقاشی شده بود . این نقاشیهاکار سه‌چهارتن از نقاشانی‌است که تسلط و مهارت زیـاد درکار خود نشان نداده‌اند اینك فهرستی از نامهای ایشان :

۱ـ استاد غلامحسین لاهیجانی ، نقاش آستانهٔ نصیرعلی کیا، در دهکدهٔ کویه .[2] این مردپدر استاد آقاجان است که نقاشیهای زیادی ازاو به‌جای مانده است .

۱ـ سفرنامهٔ‌مکنزی‌ص۸. ۲ـ ازآستارا تااستارباد ج۲،ص۳۱۶.

۲ـ استاد آقاجان ولد استاد غلامحسین لاهیجانی که نقاشیهای زیر از او باقی مانده است :

الف ـ نقاشیهای بقعهٔ آقاسیدحسین در لیالستان در سال ۱۳۲۴ ه.ق.[1]

ب ـ نقاشیهای بقعهٔ بارکوسرای لاهیجان در محرم ۱۳۳۰ ه.ق.[2]

ج ـ نقاشیهای بقعهٔ بابوجان‌دره درسال ۱۳۳۵ ه. ق.[3]

د ـ نقاشیهای بقعهٔ خرشتم ر نکوه درسال ۱۳۳۵ ه. ق.[4]

ه ـ نقاشیهای بقعهٔ کومس درسال ۱۳۴۲ ه. ق.[5]

و ـ نقاشیهای بقعهٔ آقا سیدعلی در موتارمحلهٔ نوبیجار در سال ۱۳۵۳ ه.ق .[6]

ز ـ نقاشیهای بقعهٔ سیدحسین کیا در دهکدهٔ کیسم .[7]

۳ـ استادرضا کفاش صورتگر، مجالس نقاشی بقعهٔ دموچال لاهیجان را درسال ۱۳۶۶ کشیده است .[8]

۴ـ استاد ابوالقاسم کلیشمی، مجالس نقاشی بقعهٔ سیدحسین را در کش کلایهٔ رانکوه درسال ۱۳۶۶ ه.ق. ترسیم کرده است .[9]

ظاهراً ، از قدیم ، در گیلان بیه‌پس چنین رسم و آیینی نبوده است. زیر دریک بنای مذهبی در این صفحات ، نشانی از نقاشی دیده نشد .

از حجاری و بعضی شعب هنری دیگر در گیلان نشانی نیست و

۱ـ از آستارا تا استاراباد ج ۲، ص ۲۷۲.
۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۰۷.
۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۵۶.
۴ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۰۱.
۵ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۱.
۶ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۰۳.
۷ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۹۳.
۸ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۴۰.
۹ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۰.

کسانی را که دراین‌فنون مهارتی داشته باشند نمی‌شناسیم . فقط بر سنگ قبر سلطان محمد کیا ، در سر تربت امام که در سال ۸۸۳ حک شده است نـام حجار بدین‌ترتیب دیده‌شد: «عمل استاد محمود حجار قزوینی»[1] و علم مشبک کاری ظریف بقعهٔ دموچال لاهیجان که در سال ۱۰۷۹ قمری ساخته شده است «عمل یوسف ولد محمدعلی» است .[2]

۱ـ از آستارا تا استارباد ج ۲ ص ۳۴۸ ۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۴۱

درختان کهنسال گیلان

مسجدو بقاع متبرك ، بیشتردر زیر سایه‌های درختان کهنسال هستند.
درختان عظیم و کهن تاامروزهم مورد تعظیم و تکریم ساکنان اطراف اندو مردمان جنگل نشین باچشم احترام به آنها می نگرند . ازر ه دوربه زیارت آنها می آیند ودخیل به آنها می بندند تاحاجت ومرادشان بر آورده شود درنقاط هموار ساحلی . تقریباً تمام درختان عظیم ، صرف نظر ازنوع و جنس آنها ، مورد ستایشند .

درخت سرو بقعهٔ سید مرتضی درماچیان که گرداگرد تنهٔ آن ۲۹۰ سانتیمتر است.[۱] درخت ون (زبان گنجشك) گورستان قاسم آباد بالا که گرداگرد تنهٔ آن ۴۸۰ سانتیمتر است.[۲] درخت تاغ بقعهٔ آقاسید حسین نزدیك املش که گرداگرد تنهٔ آن ۴۵۰ سانتیمتر است.[۳] درخت کوب (نمدار) بقعهٔ سیدحسین در اشکرمیدان که گرداگرد تنهٔ آن ۳۲۰ سانتیمتر است.[۴] درخت بوط گورستان قدیمی سلطان محمود شاه دینوری که گرداگرد تنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتر است[۵] ودرخت لی (نارون) بقعهٔ سیدمحمد درسیارستاق رانکوه که گرداگرد تنهٔ آن ۴۰۰ سانتیمتر است ،[۶] تمام مورد احترام وتکریم زائران هستند .

۱ـ از آستارا تا استاراباد ج ۲ ص ۳۲۰ . ۲ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۰ . ۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۷ . ۴ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۲ . ۵ـ همین کتاب ج ۱، ص ۴۲ . ۶ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۲۲

از این درختان که بگذریم، مردم گیلان به درخت آزاد و کیش علاقهٔ فراوانی نشان می‌دهند و آنها را به‌چشم احترام بیشتری می‌نگرند. شاید بلندی و استواری درختان آزاد و سرسبزی و خرمی درختان کیش در طول سال، جلب نظر جنگل‌نشینان را کرده باشد. تاامروز پای درختان آزاد شمع می فروزند و شاخهٔ کوچکی از درختان کیش را به عنوان «برگ سبز»، تحفه و هدیه به‌بقاع متبرک می‌برند.

درختان آزاد قابل ذکر بدین‌شرح‌اند:

۱ــ درخت آزاد زیارت‌دستخط مالده که گرداگرد تنهٔ آن ۷۷۰ سانتیمتر است.[۱]

۲ــ درخت آزاد بقعهٔ لاله‌گفشهٔ لشتنشاه که گرداگرد تنهٔ آن ۶۵۰ سانتیمتر است.[۲]

۳ــ درخت آزاد بقعهٔ آقا پیرصالح در میشاوندان که گرداگرد تنهٔ آن ۶۵۰ سانتیمتر است.[۳]

۴ــ درخت آزاد بقعهٔ سیدعبدالله دربندس رحیم‌آباد که گرداگرد تنهٔ آن ۶۲۰ سانتیمتر است.[۴]

۵ــ درخت آزاد بقعهٔ آقاسید احمدیمنی که گرداگرد تنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر است.[۵]

۶ــ درخت آزاد بقعهٔ سیدابراهیم در کلدره که گرداگرد تنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر است.[۶]

۱ــ از آستارا تا استارباد ج ۲، ص ۱۹۵. ۲ــ همین کتاب ج ۱، ص ۴۴۰. ۳ــ همین کتاب ج ۱، ص ۲۹۹. ۴ــ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۶. ۵ ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۹۶. ۶ ــ همین کتاب ج ۲، ص ۳۲۴.

۷ ـ درخت آزاد بقعهٔ سید خلیل در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود که گرداگرد تنهٔ آن ۵۱۰ سانتیمتر است.[۱]

۸ـ درخت آزاد بقعهٔ آقا سید محمد درسوخته کوه که گرداگرد تنهٔ آن ۴۸۰ سانتیمتر است.[۲]

۹ـ درخت آزاد بقعهٔ سید رضا کیا در ناصر کیاده که گرد گرد تنهٔ آن ۴۷۰ سانتیمتر است.[۳]

۱۰ـ درخت آزاد بقعهٔ آقا سید قاسم در میان‌محلهٔ لیل که گرداگرد تنهٔ آن ۴۶۰ سانتیمتر است.[۴]

۱۱ـ درخت آزاد بقعهٔ سید جواد در موبندان که گرداگرد تنهٔ آن ۴۶۰ سانتیمتر است.[۵]

۱۲ـ درخت آزاد بقعهٔ سید خلیل در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود که گرداگرد تنهٔ آن ۴۴۱ سانتیمتر است.[۶]

۱۳ـ درخت آزاد بقعهٔ شیخ زاهد درچابکسر که گرداگرد تنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتر است.[۷]

۱۴ـ درخت آزاد آستانهٔ پیچان در میرک‌محله که گرداگرد تنهٔ آن ۳۸۰ سانتیمتر است.[۸]

۱۵ـ درخت آزاد بقعهٔ آقا سید حسین در کش‌کلایه که گرداگرد تنهٔ آن ۳۶۰ سانتیمتر است.[۹]

۱ـ از آستارا تا استرباد ج۲، ص۲۷۹. ۲ـ همین کتاب ج۲، ص۱۳۶

۳ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۱۲. ۴ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۶۳

۵ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۷۳. ۶ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۷۹

۷ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۳۴. ۸ ـ همین کتاب ج ۲، ص ۳۲۳

۹ـ همین کتاب ج ۲، ص ۲۹۰.

۱۶ــ درخت آزاد بقعهٔ سیدحسین دراشکرمیدان که‌گرداگرد تنهٔ آن ۳۵۰ سانتیمتر است.[۱]

۱۷ــ درخت آزاد بقعهٔ آقاسید حسین در کش‌کلایه‌که گرداگرد تنهٔ آن ۳۴۰ سانتیمتر است.[۲]

۱۸ــ درخت آزاد بقعهٔ سید مرتضی درماچیان‌که‌گرداگردتنهٔ آن ۲۵۰ سانتیمتراست.[۳]

درختان کیش‌قابل ذکربدین شرح‌اند :

۱ــ درخت‌کیش بقعهٔ شیخ بنده‌حیدر درکیاکلایه که گرداگرتنهٔ آن ۴۲۰ سانتیمتراست.[۴]

۲ــ درخت‌کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در اطاقور که گرد،گردتنهٔ آن ۱۸۰ سانتیمتر است.[۵]

۳ــ درخت‌کیش بقعهٔ سلطان محمودشاه دینوری‌که گرداگرد تنهٔ آن ۱۵۰ سانتیمتراست.[۶]

۴ــ درخت‌کیش بقعهٔ سیدعلی کیادراطاقور رانکوه‌که‌گرداگرد تنهٔ‌آن ۱۵۰ سانتیمتر است.[۷]

۵ــ درخت‌کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در لیالمان که‌گرداگرد تنهٔ آن ۱۴۸ سانتیمتر است.[۸]

۶ــ درخت‌کیش‌بقعهٔ سیدعلی کیا دراطاقور رانکوه‌که‌گرداگرد

۱ــ ازآستاراتااستارباد ج۲،ص۲۹۲.	۲ــ همین‌کتاب ج۲،ص۲۹۰

۳ــ همین کتاب ج ۲، ص۲۵۰.	۴ــ همین کتاب ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

۵ــ همین کتاب ج ۲، ص ۲۸۷ .	۶ــ همین کتاب ج ۲، ص ۲۸۷ .

۷ــ همین کتاب ج ۲ ، ص ۲۸۷.	۸ــ همین کتاب ج ۲ ، ص ۱۳۷ .

تنهٔ آن ۱۴۰ سانتیمتر است .[۱]

۷ــ درخت کیش بقعهٔ امامسلطان محمودشاه دینوری که گرداگرد آن ۱۳۰ سانتیمتر است .[۲]

۸ــ درخت کیش بقعهٔ سیدعلی کیا در لیالمان که گرداگرد تنهٔ آن ۱۰۲ سانتیمتر است .[۳]

در مناطق کوهستانی مرتفع ، درخت چنار جای سایر درختان جنگلی دشتهای هموار را می‌گیرد وظاهراً بیشتر این درختان که‌درجوار بقاع متبرك‌اند، دست‌نشانده هستند . درخت‌چنار نزديك امامزاده‌یحیی‌و امامزاده شعیب در دهکدهٔ لردسمام ،[۴] باید قطورترین درختان سرزمین گیلان باشد . نزديك بقعهٔ امامزاده ابوالحسن و امامزاده ابوالفضل در دهکدهٔ رودبار ،[۵] دوچناراست که گرداگرد تنهٔ درخت‌بزرگتر آن هشت متروگرداگرد تنهٔ درخت کوچکتر شش متر است .

۱ــ ازآستاراتااستر باد ج۲، ص۲۸۷.   ۲ــهمین‌کتاب ج۱، ص۴۱.

۳ــ همین کتاب ج ۲، ص ۱۳۷.   ۴ ــ همین کتاب ج ۲، ص ۳۶۸ .

۵ــ همین‌کتاب ج۱، ص۴۶۵ .

سنگهای قبور

از سنادی که می‌توانند قدمت بقعه و گورستانها را نشان دهند سنگهای قبورند. در گورستان اطراف بقعه‌ها، هرچه تعداد سنگهای قبور بیشتر باشد، می‌توان گفت که به‌همان‌اندازه اعتقاد و توجه ساکنان دهکده‌های اطراف به آن بقعه‌ها زیادتر است. بقعه‌های تور ر و گرده کول و فیروز کوه و ملاخروشه و سوری بر بلندترین قله‌های دور از آبادی ساخته شده‌اند و ساکنان دهکده‌های اطراف، بازحمت فراوان اجسد مردگان خود را به‌بالای این قله‌ها می‌رسانند و در آنجا به‌خاك می‌سپارند. تحمل این زحمات طاقت‌فرسا، براثر ایمان و اعتقادی است که مردم کوه‌نشین به‌این بقعه‌ها دارند.

سنگهای قبرها را بیشتر از قزوین، بر پشت قاطرها تابالای قله‌های کوه می‌برند و برسر گور تازه رفتگان می‌گذارند. براین سنگها معمولا نام صاحب‌گور و نام پدر او حك شده و تاریخ تولد و روز مرگ او یاد شده است. علاوه بر اینها اشکالی از آلات وادوات زندگی روزانه براین سنگها حك است که ظاهراً یادآور دورانی است که این لوازم بامتوفی به‌خاك سپرده می‌شد.

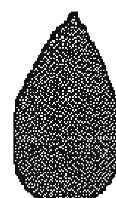
نقوشی که برسنگهای گورهای مردان است از این قرارند:

مهرنماز ـ تسبیح ـ شانه ـ قرآنی بررحل ـ انگشتر ـ سرو ـ خنجر ـ شمشیر ـ تپانچه ـ اسب ـ خود برپایه‌ای رحل مانند ـ گرز ـ

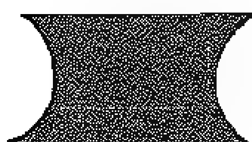
شش‌پر ـ نیزه ـ چوبدستی ـ تبر ـ قمه ـ دهره ـ گرباز[1] ـ بیل ـ گاجمه[2] ـ سجاده ـ گلدان ـ دبهٔ باروت ـ سچمه ـ تفنگ ـ قمدان ـ رحل ـ اسب زین کرده باسرافسر وشمشیری آویخته بدان ـ سروشکسته ـ دو پرنده بردوسرو ـ خودی برمحفه ـ کمان سه‌چله ـ کاول[3] ـ لها[4] ـ تیشه و ره و مته‌کمانه ـ قندیل ـ داس ـ منقل و آتشدان ـ دوپرنده ـ کمر شمشیر وحمایل ـ مشعل .

نقوشی‌که برسنگهای گورهای زنان است :

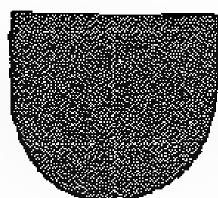
رحل ـ تنگ ـ مهر نماز ـ تسبیح ـ انگشتر ـ گلاب‌پاش ـ سینه‌ریز ـ قیچی ـ آفتابه ـ مشربه ـ بینکی (دلو زه)[5] ـ هکن‌وکن[6] ـ کشکول[7] ـ گوشواره .



بینکی = دلوازه



هکن‌وکن



کشکول

۱ ـ نوعی بیل نوک تیز است .　　۲ ـ گاوآهن مرسوم گیلان .
۳ـ گاوآهن مخصوص گیلان .　　۴ـ دوشاخه‌ای که باآن خرمن را پهن می کنند .　　۵ ـ نوعی سنگ کبود رنگ که در وسط سینه می‌آویزند.
۶ و ۷ـ نوعی سنگ که ازآلات زینت زنان‌است.

عجایب هشتگانهٔ بناهای تاریخی گیلان

درسراسر پهنهٔ گیلان از کوه ودشت ، به‌بناهای تاریخی و آثار قدیمی بسیاری برمی‌خوریم . شاید درهیچیک از نواحی ایران به‌اندازهٔ گیلان بقاع متبرک نباشد . بعضی‌ازاین‌بناها چندین‌بار روبه‌خرابی‌رفته و بارها تجدید بنا شده‌اند ودراین‌تعمیر ومرمت شکل اصلی وقدیمی خود را از دست داده‌اند. برخی از آنها بر اثررشد شهرها وتوسعهٔ خیابانهاو نوسازیهای دیگر ، به‌دستور شهردارها و سایر اولیای امور بی‌اطلاع یکسره از میان رفته واثری از آنها به‌جای نمانده است . پاره‌ای از این ابنیه ، به‌علت دور بودن از شهرها وتعدیات مأموران از همه‌جا بی‌خبر سالیان دراز ، در مقابل بارانها ورطوبت فراوان گیلان ایستادگی کرده و تاامروز پایدار و ستوار مانده‌اند وبازبان گویایی ، هنرمندی معماران‌و سایر اهل فن را شرح می‌دهند . این بناها که قدیمی‌ترین و عجیب‌ترین بناهای گیلان هستند ، نگارنده به نام عجایب هشتگانهٔ بناهای تاریخی گیلان خوانده است . اینك نام آنها :

۱ــ مقبرهٔ تاج‌الدین محمود خیوی در لمیــرمحلهٔ آستارا مورخ ۷۳۲ هـ. ق.[۱]

۲ــ مسجدی‌بسیارقدیمی درکیش‌خالهٔ‌دیناچال‌به‌نام «اسپیه‌مزگت» که ظاهراً تاریخ بنای آن به‌قرن چهارم هجری می‌رسد .[۲]

۱ــ از آستارا تا استاراباد ج۱،ص۱۱ــ۱۳.   ۲ــ همین کتاب ج۱،ص۷۰ــ۷۲.

۳ـ قعه رودخان در بیست و سه کیلومتری جنوب فومن که درسال ۹۱۸ه.ق. به‌امر امیره حسام‌الدین بن امیره دباج از سلاطین اسحقی تجدید بنا شده است.[۱]

۴ـ منارۀ آجری مندره‌بازار گسکر در پانصد متری بقعۀ آقا سید زکی.[۲]

۵ـ مقبرۀ شیخ تاج‌الدین ابراهیم معروف به‌شیخ زاهدگیلانی در دهکدۀ شیخانور برسر راه لاهیجان به‌لنگرود.[۳]

۶ـ گنبد آجری پیرمحمه، در دهکدۀ پیرمحلۀ رانکوه.[۴]

۷ـ سرتربت امام نزدیك خرابه‌های شارسمام مورخ۸۸۳ه.ق.[۵]

۸ـ پل آجری انبوه که تمام آب شاهرود از زیر یك دهانۀ آن می‌گذرد.[۶]

***

تنی چند در گردآوری مطالب این مجلد، بانگارنده همکاری نزدیك کرده‌اند. اینجانب برای همیشه خودرا مدیون ایشان می‌داندو همکاریهای خالصانۀ آنان را فراموش نخواهد کرد. یاد نام‌ایشان دراین مقدمه شاید بار سنگین دینی که بر گردن من‌دارند سبکتر کند.

آقای عبدالرحمن عمادی یادداشتهایی راکه سالیان دراز،دربارۀ گیلان گردآورده‌بودند، درعین‌صفاوصمیمیت‌دراختیار نگارنده گذاشتندو این یدداشتها در تنظیم مطالب تاریخی مجلد اول ودوم این کتاب بسیار مفید ومؤثر واقع شد.

۱ـ ازآستاراتااستارباد ج۱،ص۱۵۷ـ۱۶۱. ۲ـ همین کتاب ج۱، ص۱۹۴ و۱۹۵. ۳ـ همین کتاب ج ۲، ص ۱۴۸ـ۱۵۷. ۴ـ همین کتاب ج ۲، ص۳۱۳ و ۳۱۴. ۵ـ همین کتاب ج۲، ص ۳۴۳ـ۳۵۵ ۶ـ همین کتاب ج۲،ص۵ـ۹.

آقایان حمزه سعادتمند و سیدهاشم میرراجعی در گردآوری مطالب مربوط به لاهیجان بسیار مساعدت و یاری کردند و راهنمایان تعلیماتی ادارهٔ آموزش و پرورش لاهیجان پیشاپیش نگارنده به دورترین دهکده‌ها می‌آمدند .

بر اثر کمکهای آقایان علی جنابی و کریم خاوری و علی حسن‌پور آثار تاریخی لنگرود و قسمت غربی جلگهٔ رانکوه در زمانی کوتاه گردآوری شد . درخانهٔ باز و سفرهٔ گشاده ایشان ، مانع می‌شد که اینجانب احساس غربت کنم .

به‌دستور آقای خلیل پیوندی رئیس ادارهٔ آموزش و پرورش رودسر، آقای محمدرضا حقیقیان و آقای سیدابوالحسن مرتضوی راهنمایی نگارنده را در کوه و دشت به‌عهده گرفتند. آقای حقیة ؛ ر را برای مطالعهٔ آثار تاریخی قسمت شرقی جلگهٔ رانکوه گشودند و همراه ینجنب ره به‌ده آمدند و آثار تاریخی را یك به‌یك نشان دادند . اگر کمکهای آقای مرتضوی راهنمای تعلیماتی سپاه دانش نبود، بیم آن رفت که نگارنده ماهها در کوهستان گیلان سرگردان بماند و کارش چنانکه باید به‌نتیجه نرسد . از یکایك ایشان از صمیم قلب سپاسگزارم و توفیق بیشتری برای ایشان آرزو دارم.

آقای مسعود گلزاری ، دو سه سفر این بنده را همراهی کردند و در عکسبرداری و گردآوری مطالب یاری نمودند . گذشته از این کار چاپ کتاب را به‌دست گرفتند و ماهها از عمر خود را صرف تصحیح و غلط‌گیری متن کردند. تنظیم عکسهای کتاب نیز به‌عهدهٔ ایشان بود و فهرست کتاب را هم ایشان مرتب و منظم کرده‌اند. اگر کوششهای پی‌گیر نامبرده نبود، صفحات کتاب به‌این زودی از زیر چاپ بیرون نمی‌آمد . الطاف و مراحمش

فراموش نشدنی ست واز خداوند موفقیت بیشتری را برای او خواهان است .

افتخار وسربلندی بنده ازاین جهت است که هیأت محترم مؤسسین انجمن آثار ملی کار، گردآوری آثار تاریخی حاشیهٔ دریای خزر را به‌عهدهٔ اینجانب گذاشته ند. الطاف رئیس محترم هیأت مدیره جناب تیمسار سپهبد آق‌اولی وهمکاروهمگام ایشان جناب آقای سید محمدتقی مصطفوی شامل حال این بنده بوده و خواهد بود . بر اثر مراحم انجمن آثار ملی است که مجلد دوم ازاین دوره کتب ، از چاپ بیرون آمد و کارمطالعهٔ سرزمین گیلان ازنظر آثار تاریخی به‌پایان رسید . بایاری خداوندمتعال پس‌ازاین نگارنده به‌تدوین مجلدسوم یعنی آثاروبناهای تاریخی مازندران خواهد پرداخت .

این کتاب درچاپخانهٔ بهمن به‌چاپ رسید . از رئیس محترم چاپخانه آقای محمود مطیر وسایر کارکنان که برای چاپ این کتاب زحمتی کشیده‌اند صمیمانه اظهار امتنان می‌نماید .

منوچهر ستوده

سوم اسفندماه ۱۳۵۰

کتابشناسی حاشیهٔ دریای خزر

دنبالهٔ فهرست مجلد اول

آمارجوی شهرستانها در شش‌ماههٔ اول ۱۳۲۹ ، تهران ، ۱۳۳۳ش.

آمار رودخانه‌ها ، نشریهٔ بنگاه مستقل آبیاری ، تهران، ۱۳۲۸ش.

آمار سالیانهٔ رودخانه‌های ایران ، نشریهٔ شمارهٔ ۲ بنگاه مستقل آبیاری، تهران ۱۳۳۰ش.

آمار سالیانهٔ رودخانه‌های ایران، نشریهٔ شمارهٔ ۶ بنگاه مستقل آبیاری تهران ، ۱۳۳۴ ش.

آملی، شمس‌الدین محمدبن محمود : نفایس‌الفنون‌فی‌عرایس‌العیون ، در دو مجلد ، تهران ۱۳۷۹ ه. ق.

احوالات سید جلال‌الدین اشرف ، برادر امام رضا ، مدفون در آستانهٔ لاهیجان، رشت ۱۳۳۱ شمسی. این کتاب به‌نام شرح حال سیدجلال‌الدین اشرف در تهران نیز چاپ شده است .

احوال تراکمه (ترجمهٔ کتاب بارن نرمان) سال تألیف ۱۲۹۹ ه. ق. (شمارهٔ ۶۲۰، فهرست فیلم‌نسخ خطی ج ۲ ص۱۲۹)

ارزش‌یابی تعاونی تولید و فروش مرکبات شهسوار ، بخش تعاونی تولید دانشگاه تهران ، مؤسسهٔ آموزش‌وتحقیقات تعاونی، شهریور ۱۳۴۷ ، نشریهٔ دانشگاه تهران شمارهٔ ۲۵ .

استیادت، دکتر: بیماریهای‌درختان‌جنگلی، ترجمهٔ دکترعلی‌منوچهری‌و

دکتر قوام‌الدین شریف ، نشریهٔ بنگاه جنگلها ، تهران ۱۳۳۸ ش.
اسرار نفت شمال ، چاپ سربی ، رقعی ۱۸ صفحه.
اسکندری خوئی ، حاجی مهدی : قرن پهلوی یادبود هشتادمین سال تولد رضاشاه ، تهران ، ۱۳۳۵ شمسی.
عتمادالسلطنه ، محمدحسن خان : جغرافی و تاریخ لار ، ۱۲۹۸ ه.ق. (شمارهٔ ۶۳۹ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ص ۱۴۷)
افشار ، جلال: آفات صیفی‌وسبزیجات و نباتات صنعتی در ایران،تهران.
افراشته ، محمد علی : مفتخورالاعیان ، مردم ، ج۱ ش۱۱ ص ۸۰-۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۳).
امیر طهماسبی ، سرلشکر عبدالله : سردارسپه کیست ؟ تبریز ، رقعی ، سربی ، ۲۱ صفحه .
برآوردمخارج راه‌سازی مازندران (شمارهٔ ۸۱۲ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۴۷)
بررسی امکانات اشتغال صیادان درصورت ممنوعیت صید. مؤسسهٔ مطالعات‌وتحقیقات‌اجتماعی‌دانشگاه‌تهران،گروه تحقیقات‌روستائی، تیرماه ۱۳۴۴.
بینا ، دکترفتح‌الله : سرگذشت رضاشاه(تهران چاپ‌اول ۱۳۲۰ شمسی، چاپ دوم تیر ۱۳۲۱ ، چاپ سوم آبان ۱۳۲۱ ، چپ چهارم ۱۳۲۲ شمسی .
تاریخ ترکمنیه (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ۳۲)
تعاونی تولید مرکبات رامسر و چابکسر.
جزیرهٔ ، مهندس محمد حسین : حکایت جنگل ، تهران ۱۳۳۸ شمسی.
جزیرهٔ ، مهندس محمد حسین : مونوگرافی گونه‌های آکاسیا ، بنگاه جنگلها ، تهران ۱۳۳۷ شمسی .

جغرافیا و اسامی دهات کشور ، نشریهٔ ادارهٔ آمار و سرشماری (مجلدات مربوط به‌صفحات شمال‌ایران).

جهانبانی . سپهبد امان‌الله میرزا : مرزهـای ایـران و شوروی ، تهران ۱۳۴۵ شمسی.

چایکار، حاجی محمد کاشف‌السلطنه: رسالهٔ دستورالعمل‌زراعت چای، تهران ۱۳۲۵ ه.ق.

حافظ ابرو : جغرافیا (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۶۶).

خدابخشی ، دکترمؤید سهراب : گلهای افتخار ایران ، رضا شاه کبیر و زرتشتیان ، تهران ۱۳۳۶ شمسی .

خلعت‌بری ، عبدالصمد : بیاد بیست و نهمین سال انتحار محمد ولیخان خلعت‌بری ، تهران ۱۳۳۳ شمسی .

دانش رشتی (گیلانی) ، حسام‌الاسلام شیخ حسن‌بن اسماعیل (متوفـی ۱۳۴۶ قمری): دیوان، به‌اهتمام هادی جلوه ، مقدمهٔ حسین‌سمیعی‌و پورداود و دکتر محمد معین ، جمعیت نشر فرهنگ گیلان ، رشت ۱۳۲۵.

در صفت قلعهٔ آمل (شمارهٔ ۵۴ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۲۹ ، فهرست فیلم نسخ خطی ص ۲۳۸).

رزم‌آرا ، سپهبد علی : جغرافیای نظامـی دریـای مازنـدران ، تهران ۱۳۱۶ شمسی .

رقم وزارت گیلان (شمارهٔ ۳۷ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۱۴ ، فهرست‌فیلم نسخه‌های خطی ص۱۵۵۲) .

روزنامهٔ استراباد تألیف سال ۱۲۶۳ ه.ق. (شمارهٔ ۷۴۹ ، فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج۲ ص۲۷۱) .

ریاحی، مهندس براهیم: تحقیق در تاریخ قندسازی ایران، نشریهٔ دانشگاه شمارهٔ ۴۴۸، تهران ۱۳۳۷ شمسی.

ریاحی، مهندس ابراهیم: قندسازی از نیشکر، انتشارات دانشگاه تهران شمارهٔ ۱۲۹۱، تهران ۱۳۴۹.

سالنامهٔ دبیرستان ایرانشهر لاهیجان سال تحصیلی ۳۳ ــ ۱۳۳۲، تهران.

سالنامهٔ فرهنگ گرگان، تهران ۱۳۳۷.

سالنامهٔ فرهنگ نوشهر، تهران ۱۳۳۷.

سپنتا، عبدالحسین بن غلامرضا: اسرار جنگل، نشریهٔ روزنامهٔ عرفان اصفهان.

ستاری، دکتر محمد: گوسفندداری در ایران، انتشارات دانشگاه تهران شمارهٔ ۱۲۷۶، تهران ۱۳۴۹.

سحابی، دکتر یدالله: زمین ایران، مرزهای دانش شمارهٔ ۳ ص ۳۰۴-۲۸۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص ۲۳۱).

سفرنامهٔ روسیه تألیف ۱۲۹۸ هـ. ق. (شمارهٔ ۷۳۳ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۲۵۶).

سیاحتنامهٔ یك نفر روسی در سال ۱۸۸۷ میلادی: از مترجم سیدعبدالله مترجم روسی سال ۱۳۰۶ هـ. ق. (شمارهٔ ۸۸۸ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۴۲۲).

سید بورانی، ملقب به جلال‌السادات: روزنامهٔ سفر خراسان (شمارهٔ ۸۱۱ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۴۷).

سیف‌الدوله سلطان محمدبن فتحعلی شاه: سفرنامهٔ مکه محتملا درسال ۱۲۸۰ هـ. ق. (از ره رشت و دریای خزر و تفلیس و استانبول) شمارهٔ ۷۶۱ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ص ۲۸۲).

شرکت عمومی ایران ، امتیاز راه شوسه از آستارا تا اردبیل ، تهران ۱۳۲۰ه.ق. باترجمهٔ فرانسه.

شهابی ، دکترعلی اکبر: احوال و آثار محمد بن جریرطبـری، نشریـهٔ شمارهٔ ۳۱۴ دانشگاه تهران ، ۱۳۳۵ شمسی .

صاحب علی آبادی مازندر ن ، محمد: دیوان ، ۱۸۵۹ میلادی .

طاهری شهاب ، محمد :جشنهای ایرانی ایران ، سالنامـهٔ کشور ایران ۳ : ۵۰ ــ ۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص۲۵۶) .

عدل ، مهندس احمدحسین : آب وهوا و رستنیهای ایران ،تهران۱۳۳۹ نشریهٔ ۵۸۶ دانشگاه تهران .

عدل، مهندس حمدحسین: کشاورزی، کتاب‌ایرانشهر، ۲: ۱۶۹۷ــ۱۵۵۹. (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص ۲۳۱).

فارغ گیلانی ، حسین‌بن‌حسن : دیوان ، تهران ۱۲۷۴ ه. ق.

فراهتی، محمد حسین: سفرنامهٔ مکه سال ۱۳۰۲ قمری (تهران،قزوین، رشت ، قفقاز استانبول ، جده ، مکه ، ارس ، بادکوبه ، لاهیجان ، قزوین ، تهران) ، (شمارهٔ ۵۷۳ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملـی ج۲ ص ۶۹) .

فروغ نیا : طباخی گیلان (طبخ محلی‌گیلان) به اهتمام فهیمه اکبر ، تهـران ، ۱۳۳۸ .

فریار عبدالله : حفریات (کاوشهـای هیأت مـوزهٔ متروپولیتن در تپـهٔ سبزپوشان) آموزش وپـرورش ج ۹ ش ۳ : ۶۸ــ۵۰ (ترجمـه)، (فهرست مقالات فارسی ج۱ش۲۱۹۰) .

قاجار ، تیمور،متخلص به امیر: نصاب طبری تألیف ۱۲۶۴ قمری(شمارهٔ ۵۴۸ فهرست نسخ‌کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۳۹).

قبـل از سلطنت به پادشاه خورشیدکلاه روس در باب اطلاق اسرای

گیلانی قلمی شده (شمارهٔ ۸۸ از مجموعـهٔ شمارهٔ ۲۲۱۴ فهرست فیلم نسخه‌های خطی دانشگاه ص ۱۶۵۵).
کامران استرابدی، محمدبن قاضی: جامع‌الامثال درسرگذشت دوازده امام و فرمانروایان رستمدار (شمارهٔ یك از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۸۱۷ فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۷۳۴).
کرنن، هانری: منابع جنگلی ایران، مهر، ۹ : ۵۶ ـ ۵۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ شمارهٔ ۱۸۸۰).
کیا، سروان‌علی: عملیات در جنگل، ساحل درید، مقابل رودخانـه، تهران ۱۳۱۹ شمسی.
گنجی. دکترمحمدحسین: آمار بارندگی در ایران، تهران ۱۳۳۸ ش.
گود لالاربن ـ یا ـ وقایع جنگ شمال ایران.
لامعی جرجانی: دیوان، تهران ۱۲۹۵ قمری (به‌لامعی‌گرگانی دهستانی درکتابشناسی مجلد اول نگاه کنید).
استرانج: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمهٔ محمود عرفان، تهران ۱۳۳۸ شمسی.
متولیان، سیدابراهیم: بررسی و طرز تهیـهٔ ماهی‌هـای شور ودودی و منجمد دریای شمال ایران، نشریـهٔ دانشکدهٔ دامپزشکی، تهـران ۱۳۳۸ شمسی.
مجلهٔ شمال، زیرنظر عباس‌کدیور، تهران ۱۳۳۲ شمسی.
مختارزاده علی مردان‌اف، علی: عمل نوغان، تبریـز ۱۳۴۳ ه. ق.
مطالعهٔ اقتصادی و اجتماعی مربوط به‌طرح جامع رشت و بندرپهلوی، مؤسسهٔ مطالعات وتحقیقات اجتماعی‌گروه جامعـه شناسی دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۴۶.
مکتوب‌خان احمدگیلانی (شمارهٔ ۵۳ از مجموعهٔ شمارهٔ ۲۲۲۹فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۳۸).

مکتوب شاهرخ میرزا به ناصر کیا (شمارهٔ ۱۰ ازمجموعهٔ شمارهٔ ۲۳۲۴ فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص۲۵۰).
مکتوب شاه عباس به خان احمدگیلانی (شمارهٔ ۲۸ ازمجموعهٔ شمارهٔ ۲۳۲۴ فهرست فیلم‌نسخه‌های خطی ص ۲۵۱).
ملگونوف ، سفرنامهٔ نواحی شمال ایران سال ۱۸۶۰ میلادی ، ترجمهٔ پطرس (شمارهٔ ۵۷۹ فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ج ۲ ص ۷۶)
مهدوی ، محسن : طرح پیشنهادی برای تأسیس شرکتی به نام شرکت نفت شمال ، تهران ،بی تاریخ ، در ۱۴ صفحه.
مهرنوش : تاریخ جنگل ، نشریهٔ روزنامهٔ فریاد لاهیجان ، رشت ۱۳۳۴ شمسی.
میردامادی ، مهندس اسماعیل : چگونه باید قلمستان خوب‌تهیه نمود، وزارت کشاورزی ، تهران ۱۳۳۵ شمسی.
میردامادی، مهندس‌اسماعیل : گیاه‌شناسی جنگل ، تهران ۱۳۳۷شمسی.
میرزا آقاجان محمد صادق: دیوان‌غافل‌مازندرانی، تهران۱۳۳۷ شمسی.
نشریهٔ دانشکدهٔ جنگلداری دانشگاه تهران ، نشریهٔ شمارهٔ ۲۳ دانشگاه تهران ، بهمن ماه ۱۳۴۹.
نفیسی ، سعید : شیخ زاهدگیلانی ، رشت ۱۳۰۷ شمسی.
نوبخت شیرازی ، حبیب‌اللهبن محمدحسن : سردار پهلوان ، تهران ۱۳۴۲ .
نوری اسفندیار، فتح‌الله : رستاخیز ایران ، تهران ۱۳۳۶ شمسی.
نوعی ، محمد : خزر، تهران ۱۳۳۶ شمسی .
ویلس ، ارنولد : زلزله در ایران (ترجمه از مجلهٔ مدرسةالسنةٔ شرقیه لندن) علمی و فنی ج ۱ ش ۶ : ۳۹ — ۳۰ و ج ۲ س ۱ : ۴۰ — ۲۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ص۲۳۲).

مآخذ و مراجع کتاب

۱ ـ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی معروف به بشاری ، لیدن، ۱۹۰۶ میلادی .

۲ ـ تاریخ اولجایتو تألیف ابوالقاسم عبدالله بن محمدالقاشانی ، نسخهٔ عکسی شمارهٔ ۲۴۲ و فیلم شمارهٔ ۱۱۷ کتابخانهٔ مرکـزی د نشگاه تهـران .

۳ ـ تاریخ خانـی تألیف علی بن شمس الدین محمد لاهجی به اهتمـام برنهارد دارن پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری.

۴ ـ تاریخ طبرستن و رویان ومازندران تألیف سید ظهیر لدین بن سید نصیرالدین مرعشی به اهتمام عباس شایان ، تهران ۱۳۳۳ شمسی.

۵ ـ تاریخ گیلان تألیف خچکو(CHUDZEKU) – تاریخ گیلان تألیف شودزکو ، ترجمهٔ محمدعلی گیلك ، رشت ، ۱۳۰۸ شمسی .

۶ ـ تاریخ گیلان تألیف ملاعبدالفتاح فومنی بهاهتمـام برنهارد دارن ، پطرزبورگ ، ۱۲۷۴ قمری .

۷ ـ تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیـرالدین بن سیدنصیرالدین مرعشی ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایر ن شمارهٔ ۳۶، دی ماه۱۳۴۷.

۸ ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران ملگونوف در سال ۱۸۶۰ میلادی مطابق ۱۲۷۷ قمری ، فیلم شمارهٔ ۱۶۹۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.

۹ ـ تقویم لبلدان تألیف عمادالدین اسماعیل بن محمد بن عمر معروف به ابوالفدا متوفی ۷۳۲ قمری ، پاریس ، ۱۸۴۰ میلادی .

۱۰ ـ جامع‌التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیــر بن عمادالدوله ابو لخیر ، تهران ۱۳۳۸ .

۱۱ـ حدود لعلم من‌المشرق الی‌المغرب، مجهول‌المؤلف ، سال‌تألیف ۳۷۲ قمری ، این‌کتاب متکـــی بـه کتاب جیهــانــی آثار العلویه ارسطاطالیس و جغرافیی بطلمیوس ست . تصحیح نگارنــده از انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۴۱ ش.

۱۲ ـ روضة لصفای ناصری تألیف رضا قــی خان هدایت ، تهــران ، ۱۲۸۰ ه.ق .

۱۳ ـ سالنامهٔ دبیــرستان ایرانشهر لاهیجان سال تحصیلی ۳۳ ـ ۱۳۳۲ گردآوری ابوالقاسم غمگسار .

۱۴ ـ سفرنامهٔ بت = ABBOTT , K. E. : Narrative of a journey from Tabriz along the shores oy the Caspian sea to Tehran , 1843 _ 44 .

۱۵ ـ سفرنامهٔ فریزر _ FRASER , J B. . Travels and adventurers into the Persian provinces on the southern banks of the Caspian Sea , London, 1826 .

۱۶ ـ سفرنامهٔ مازندران فیم شمارهٔ ۱۶۸۸ کتابخانــهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

۱۷ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ـ
RABINO, H. L. : Mazandaran and astarabad, London , 1928.

۱۸ ـ سفرنامهٔ مکنزی ـ Mackenzie . C. F : Narrative of a Journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Astarabad during the winter and spring of 1858_59.

۱۹ ـ سفرنامهٔ موریه ـ MORIER ,J. : A second Journey through Persia , Armenia , and Asia Minor to Constantinople London 1818.

۲۰ ـ صریح الملك ، فهرست رقبات موقوفات مرقد شیخ صفی‌الدین اردبیلی عکس شمارهٔ ۴۴۹۸ کتبخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.
۲۱ ـ عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندر بیك منشی چاپ مؤسسهٔ مطبوعاتی امیر کبیر ۱۳۳۵.
۲۲ ـ فرهنگ جغرافیایی ایران، استان یکم، زانتشارات دایرهٔ جغرافیایی ستاد ارتش.
۲۳ ـ فهرست بناهای تریخی و اماکـن باستانی ایران تألیف نصرت‌الله مشکوتی .
۲۴ ـ کتاب استراباد ومازندران وگیلان و سمـن ودامغان و غیـره ، تاریخ اتمام هشتم ذی‌القعـده ۱۲۷۷ قمری، عکس شمـارهٔ ۶۱۴۴ کتابخانهٔ مرکزی د نشگاه تهران.
۲۵ ـ گیلان رابینو = RABINO, H.L.: Provinces Caspiens de la Perse, Paris 1970
۲۶ ـ مجالس المؤمنین تألیف قاضی نورالله شوشتری ، تهران ۱۲۶۸ ه.ق.
۲۷ ـ مجلهٔ تعلیم و تربیت سال سوم از نشریدت وزارت فرهنگ تهر ن.
۲۸ ـ مجلهٔ فرهنگ سال چهارم چاپ رشت .
۲۹ ـ مجلـهٔ هنـرومردم شمارهٔ ۹۶ و۹۷ مهـرو آبن ۱۳۴۹ صفحـات ۴۴ ـ ۳۷ جغرافیای لنگرود به قلم علاءالدین آذری .
۳۰ ـ مجمل‌التواریخ‌والقصص به تصحیح ملك‌الشعرای بهار ، تهران، ۱۳۱۸ شمسی .
۳۱ ـ نزهة‌القلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی، به سعی و اهتمـام لسترانج لیدن ، ۱۹۲۳ میلادی .

بازماندهٔ آثار و بناهای تاریخی نواحی فاراب و خرگام عمارلو

امامزاده طیب و طاهر فرزندان امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو[1]

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که بر آن گنبدی مدور کمربنددار کاشیکاری زده‌اند. از دو ایوان جنوبی و شرقی دو در ورودی به حـرم است. ایوانها دارای ستونهای چهـارسو با سرستونهای ساده است. سقف ایوانها، تیری و بام آنها گلی است. (عکسهای شمارهٔ ۱ و ۲)

اطراف امامزاده سنگهای قبورمرمر زیادی است که تاریخ قدیمی‌ترین آنها ۱۲۳۶ و ۱۲۹۲ هـ. ق. است.

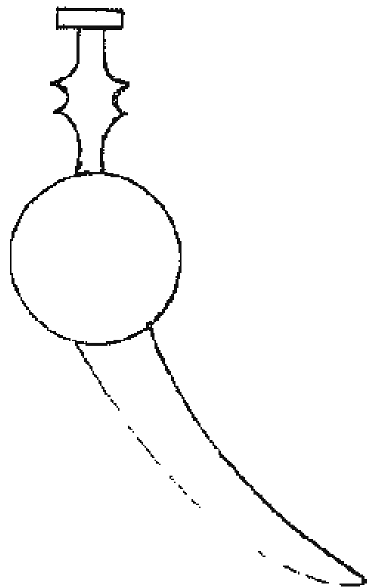
قبرستان وسیعی در غرب امامزاده

درمغرب بنای بقعه قبرستانی قدیمی است و سنگهای مرمر نسبةً بزرگی دراین قبرستان است. بیشتراین سنگهارا ازشهرقزوین بدینجا آورده‌اند. نوشته‌های بعضی از آنها به شرح زیراست:

۱ــ درص ۵۰۰ جلداول بخش اول کتاب ازآستارا تا استارباد ازاین بقعه یـاد شده است. دهکدهٔ پکده را درمحل «پاگی‌ده» گویند.

« وفات مرحوم محمدلطیف‌بیاث ولد محمدعلی‌خان بتاریخ سیزدهم شهر صفر ۱۱۹۲.»

از قراری که یکی از بازماندگان این مرد نقل می‌کرد، محمد لطیف بیاث یکی از سرداران جنگ قفقاز بوده ست که درآنجا بقتل رسید و جسدش بدامر پادشاه وقت بدینجا منتقل شد.



« وفات مرحوم اسکندر ولد مرحوم طالب‌بیث ۱۲۲۷. نشانه‌ها: مردی سوار بر اسب، خنجر، شمشیر، تپانچه و آلتی بدین شکل.»

« وفات مرحوم مغفور تقی‌بیث ولد مرحوم محمد علی‌خان ۱۲۵۸. نشانه‌ها: اسب، تپانچه، شمشیر، مهر، تسبیح و شانه.»

قبرستان قدیمی اسکابن[۱]

قبور قدیمی زیادی در این قبرستان است. بنائین این قبرستان در اراضی آرندیمان[۲] اطاقهائی درسنگ کنده‌اند که معروف به زرگرکان است[۳]

کافرقلعه قلعهٔ دزدکمر[۴]

مقابل قبرستان قدیمی اسکابن، بربالای قله‌ای منفرد که جزء رشتهٔ کوهی است، قلعه‌ای قدیمی از سنگ و آجر است. آب انبار آن را کنده و آجرهای آن را زیرورو کرده بودند. قسمتی از برجها و دیوارهای سنگی آن باقی است.

شیرجوب
دراراضی دهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو

ازمنبعی آب که گویا قنات یاچشمه‌ای بوده است، جوئی دراراضی‌تاله‌دشتان

۱ـ بفتح الف وضم باء. ۲ـ بفتح راء. ۳ـ درص ۱۰۵ مجلد اول بخش اول کتاب ازآستارا تا استرباد ازاین اطاقها یاد شده است. ۴ـ بضم دال اول وکسر دال دوم وفتح کاف ومیم.

کنده‌اند. چون این جوی در گودال می‌افتاده است، سنگ‌چینی به‌ارتفاع سه‌چهار متر ساخته و آب را از بالای آن گذر نده‌اند.

گلور[1]

در اراضی سلوك دشت پاکده

بنائی مربع‌شکل از سنگ و گچ است که سطح داخلی و شالودهٔ آن، به‌عمق یك متر در سنگ کنده شده است. روی چهار دیواری مربع شکل، طاقی مدور، از سنگ و گچ زده‌اند و در چهار جهت داخلی، چهار صفه ساخته‌اند که یکی از این صفه‌ها فعلا گذرگاه آب است. در این صفه سوراخی به ارتفاع ۶۰ و عرض ۳۰ سانتیمتر در دل سنگ کنده‌اند که آبی که از زمین و دیوار این ساختمان می‌جوشد، از آن سوراخ خارج می‌شود. یکی دیگر از این صفه‌ها، در ورودی این بنای مربع شکل است.

مدت دوازده سال بود که آب این چشمه خشکیده بود. در بهار سال ۱۳۴۸ ش. دوباره جوشید و بیرون آمد.

امامزاده علی‌اصغر و علی‌عسکر پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ جیرین ده فاراب عمارلو

بنای اصلی از داخل چهارگوشه است که هر گوشه را با گوشواری جمع کرده و گنبد مدوری از سنگ و گچ، به ارتفاع تقریبی نه متر از سطح بنا بر آن زده‌اند. (عکسهای شمارهٔ ۳ و ٤) ازاره‌ای با چهار ردیف کاشی بر دیوارهای داخلی است که حاشیه‌ای از کاشی سیاه بر بالا و پائین این ازاره است. سردر اصلی بنا کاشیکاری است و در طرفین در دو سکو است. بر کاشی نام کاشیکاران و تاریخ ۱۳۱٤ ه. ق. دیده می‌شود. از در ورودی اصلی به کفش کن که در شمال بنای اصلی است می‌توان آمد و از کفش کن، پس از ورود از دری دیگر به حرم می‌توان رسید.

۱ــ بضم کاف ولام.

صندوقی بزرگ و زیبا، قبر این دو تن را پوشانده است. طول آن ۲۱۶ و عرضش ۸۷ و ارتفاعش ۷۲ سانتیمتر است و بر پایه‌ای که ارتفاع آن یک‌کاشی و نیم است نصب شده‌است. بدنهٔ صندوق شامل سه‌قسمت اصلی است یعنی تخته‌ای در وسط و قاب مانندی بالا و پائین آن است. بر بالای قاب ضلع جنوبی، این‌عبارات خوانده می‌شود:

«بر خوانندگان‌این‌حروف واضح بادکه‌ساخت صندوق‌را خدادوست خرگامی بن‌علی آسنکوئی وساختن نقاشی را ملایوسف ولد استاد نجم‌الدین نقاش لاهجان در تاریخ جمادی‌الاول سنه ستة عشرة والف.»

بر تختهٔ همین‌بدنه، سه گل و بوته دیده می‌شود که میان آنها دوفرشته‌است. بر بدنهٔ تخته‌ای طرف شمال منظرهٔ براق ومعراج حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله نقاشی شده است. بر حاشیهٔ بالای این بدنه، «نادعلیاً مظهرالعجایب» تا آخر و «نصرمن‌الله وفتح قریب» بارنگ وروغن نوشته شده است.

بر بدنهٔ شرقی، سواری که ظاهراً علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است، براسبی قره‌کهر دیده می‌شود که با ذوالفقار سرشیری را به دونیم‌کرده است.

بر بدنهٔ غربی سه تن با لبسهای سفید که طنابی برگردن هر سه تن است دیده‌می‌شود وشخصی این‌سه تن را به‌طرف سروی که درمقابل ایشان‌است می‌کشد.

برحاشیه‌های بالاکه به‌شکل قاب است با نقاشی حاشیه‌بندی دارد. نقاشیهای بدنه‌ها و حاشیهٔ بالا بسیار ظریف و رنگهای شنگرف و لاجوردآن بسیار اصیل است. صندوقی با این وصف تاکنون درصفحات گیلان دیده نشده است.

دوسه علم دربقعه بود که برقدیمی‌ترین آنها این عبارت خوانده می‌شود:

«وقف جناب امام حسین‌علیه‌السلام نمود محبعلی ۱۲۱۰.»

سه سرمجسمه ازکاشی‌لعابدار درگهواره‌ای‌دربقعه‌بود که می‌گفتند سر بریدهٔ حضرت علی‌اصغر است.

در حیط امامزاده ، چند سنگ قبر بود. قدیمی ترین آنها سنگهای زیر است :

«وفات مرحوم ملاابوالقاسم ولد مرحوم کربلائی‌جعفر ۱۲۷۷. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وسجاده.»

«وفات مرحوم بهرام‌ولد مرحوم‌درویش‌سنه ۱۲۷۷. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

«وفات مرحوم خان‌بابا ولد طهماسبقلی جیرندهی ۱۳۱۹. نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، اسب ، تپانچه وخنجر.»

دو بقعهٔ دیگر دردهکدهٔ جیرین ده برپاست: یکی از آنها بی‌بی‌زینب‌خاتون درمیان ده و دیگری امامزاده محمد در خارج است. بنای هر دو ازخشت وگل و سنگ وبام آنها گلی است. آثار تاریخی‌قابل ذکر درهیچیک نیافتم.

باقی‌آثار تاریخی جیرین‌ده وسایر آبادیهای فاراب عمارلو

۱ـ کهنه قبرستان نزدیک ده که سمت دفن‌کردن مردگن قبلی نیست.

۲ـ قبرستان‌قدیمی پشت آبادی جیرین ده در دامنهٔ کوه.

۳ـ قلعهٔ کل کوه[1] پشت آبادی جیرین ده بربالای قلهٔ کوه.

۴ کهریزی قدیمی به‌نام «کلش خنی»[2] که درتابستان سال ۱۳۴۹ یک‌سنگ آب داشت. بعضی سالها براثرخشکی آب آن قطع می‌شود.

۵ـ بقعهٔ آجری ویه، دردهکدهٔ ویه از دهکده‌های فاراب عمارلو.

۶ـ بقعهٔ آجری ناوه، دردهکدهٔ ناوهٔ فاراب عمارلو.

پل انبوه

نزدیک دهکدهٔ انبوه برسامان گیلان و رودبار

برسرراهی قدیمی که از قزوین به دیلمان و لاهیجان یا اشکور و املش و

۱ـ بضم کاف اول . ۲ ـ بضم کاف وفتح لام .

رحیم‌آباد رانکوه می‌رود، پل عظیمی است که به‌نام آبادی نزدیک به‌آن - یعنی انبوه - به این نام معروف است. این راه از قزوین به‌اسماعیل‌آباد و الولاك[1] ودستگرد و کینگیرین و چنارك می‌آید و پس از گذشتن از پل انبوه که برآب شاهرود زده شده است، به دوشعبهٔ اصلی تقسیم می‌شود:

راهی از بالای باغهای پل انبوه به‌دهکدهٔ انبوه ونیاوك و کمنی[2] و سرداب‌دره وسایر دهکده‌های اشکور می‌رود ودنبالهٔ این راه به‌رحیم‌آباد رانکوه می‌رسد. راهی دیگر که بردست چپ است، ازسفید پشته که سربالائی بسیار تندوتیزی است بالا می‌رود واز سیاه‌تله و سیاه‌آب وگردنهٔ نواخان به‌دهکدهٔ بزرگ کلیشم می‌رسد. تمام راه درمیان جنگل سقز (بنه) وآسند و اورس است.[3] همین راه به‌شوشه‌کش و تاریك دره ودیلمان وازاین قصبهٔ بزرگ کوهستانی، از کندرشیم رود، به‌سیاهکل و لاهیجان منتهی می‌شود. راه دیگری از دیلمان به نیاول و میکال و ناتش کوه و هی‌دشت و بلاردکان و املش و رحیم‌آباد می‌رود.

راه قزوین به‌پل‌انبوه، پس ازگذشتن ازدشت قزوین، دامنهٔ جنوبی کوههای رودبار را بالا می‌رود وسپس به کنار شاهرود سرازیر می‌شود. اراضی دست راست جاده، قبل از رسیدن به پل، جزء خاك چنداك و اراضی دست چپ، جزء خاك کاکوستان است.

پل‌انبوه بردهانهٔ تنگی که از دوپوزهٔ کوه تشکیل شده است، برپاست. این بازوی کوه، روزی متصل به‌یکدیگر بوده و آب شاهرود آن را بریده است. پوزهٔ سنگی سمت چپ که قالب آب پیش آمده، از لایه‌های سنگی تشکیل شده است. (عکس شمارهٔ ۵) شالودهٔ اصلی پل برسنگهای بدین محلی است. ارتفاع این دیوارسنگی به‌۲۳۰ سانتیمتر می‌رسد. ملاط وبندکشی پایهٔ سنگی، ساروج است.

۱- بفتح الف وفتح لام دوم. ۲- بضم کاف ومیم. ۳- سقز همان بنه است که درخت پستهٔ وحشی است. آسند به‌کسرسین درختچه‌ای پرخ‌راست که میوه‌ای سیاه رنگ به‌قطر ۶ میلی‌متر دارد که بسیار تلخ است. اورس به‌فتح الف و واو، درخت سروجنگلی است.

طول بن پایه بالغ بر پانزده‌متر است. روی این پایه، بیست رگ آجر چیده شده‌و بنای اصلی پل به کمی عقب نشینی، روی آن بناشده است.

پایهٔ سمت راست، بر سنگ رودخانه و سنگ بادبر است که روی‌هم‌انباشته‌و درزهای آنها را از ملاط ساروج پرکرده و با این عمل بنیان استواری برای پل به‌وجود آورده‌اند. (عکسهای شمارهٔ ۶ و ۷) ارتفاع این پایه از سطح آب فعلا (۵ شهریور ماه)، شصت سانتیمتر است. روی این بدنه‌که قسمت شرقی آن کمی انحنا دارد، آجر باملاط ساروج چیده‌اند. قسمت کوتاه دیوار، سی‌وشش رگ و قسمت نزدیك به‌گاوپهلوی پل، به‌پنجاه رگ می‌رسد. برهمین بدنه، لوزی آجری گودی است که ظاهراً تزیین یانشانهٔ مخصوصی‌است. میان این‌لوزی، لبهٔ آجرهارا به‌اندازه‌های مختلف بیرون گذاشته‌اند.

مصالح اصلی‌پل آجروگچ سرندی‌است. درجان پناه غربی، آجرهائی به‌ابعاد ۱۹×۱۹ سانتیمتر وقطر ۳۵ میلی‌متر دیده می‌شود. باقی آجرها، بزرگتروبه‌ابعاد ۲۴×۲۴ سانتیمتر وقطر ٤۵ میلی‌متر است.

ارتفاع پل از لبهٔ جان پناه تاسطح آب ۱۸٫۸۰ متر است. ارتفاع جان‌پناه دوطرف، یك مترودرپاره‌ای جاهاکمی‌کمتر یاکمی زیادتراست. عرض پل باجان‌پناهها، ۷۹۰ سانتیمتر وبدون در نظر گرفتن عرض جان‌پناهها، هفت متر تمام‌است. سطح پل‌سنگ فرش وبند کشی آن باگچ سرندی است.

درطرف جنوبی سطح پل فضائی هموار است. پس از آن براثر تیزی طاق، سطح آن سر بالاست وپس از آن شیبی به‌اندازهٔ سربالائی دارد. پس ازگذشتن‌از سرازیری سطح پل، جهت پل به‌طرف دست راست منحرف می‌شود و بازاویه‌ای به‌طرف دست راست آب می‌رسد. قسمتی از سطح پل که دریك امتداد است، بادر نظرگرفتن قسمت سربالا وقسمت سرازیر آن، سی وپنج متر وقسمتی‌که به‌دست راست منحرف می‌شود، بیست وپنج متراست.

برای‌اینکه‌آجر کمتری درساختمان‌پل به‌کار رود وازفشارطاق پل‌کاسته‌شود،

معمار باذوق وهنرمند آن ، ازفضای دوطرف تیزی طاق استفاده کرده واطاق ومال‌بندی درآورده است . برای رسیدن به‌اطاق مسکونی شمالی ، از سطح پی‌شش‌پلهٔ کوتاه پائین می‌رویم و به ایوانی می‌رسیم که روی آن در بدنهٔ شرقی ساختمان اصلی پل است . (عکس شمارهٔ ۸) این ایوان با دری به‌طاق و از اطاق با در دیگری به‌ایوان غربی راه‌دارد . اطاق مذکور، به‌طول پنج‌متروعرض سه‌متر است وصفه‌ای به‌طول ۱۸۰ وعرض ۱۰۰ سانتیمتر، درضلع جنوبی اطاق‌ساخته شده‌است .دوطاقچه درطرفین این صفه است . در ضلع شمالی اطاق ، سه‌طاقچه درفواصل معین بنا شده است . عرض درهای شرقی وغربی اطاق ۱۰۵ سانتیمتر وارتفاع آنها دومتر است . ایوانهای شرقی وغربی ، به‌طول سه‌متر و عرض ۱۳۳ سانتیمتر است . لبهٔ ایوانها ، جان پناهی است‌که از یك رگ آجر تخت و یك رگ آجر نرساخته شده است.[1] طاق اطاق وایوانها وسردرگاهها ، جناقی است .

از فضای زیرشیب جنوبی پل نیز استفاده کرده و اطاقی به‌طول ۶٫۴۰ متر و عرض سه متر ساخته‌اند که ظاهراً مالبند و طویله است . ارتفاع در ورودی این اطاق بادر نظر داشتن تیزی سردرگاه ، دومتر و عرض آن ۱۰۵ سانتیمتر است . در دیوار غربی این اطاق ، دو پنجرهٔ نورگیر با سردرگاه جناقی است . در ضلع شمالی اطاق ، نزدیك در ورودی ، دری کوچك است که به‌اطاق‌کوچکی راه دارد .

در مزارع پائین دست پل ، طرف دست راست آب ، کوره‌ای برای پختن آجرهای پل‌زده بوده‌اند . درانتهای شمالی‌پل‌هم آثار کوره‌های‌گچ وآهك‌تاچندی پیش نمودار بود .

درحدود پنجاه سال قبل ، سیلی عظیم درختی آورد وزیرپل گیرکرد وپشت درخت ، سنگ وگل ودرختان دیگر انباشته گردید. راه عبورآب بسته شد وآب بالازد واز روی سطح شمالی‌پل ، آب رخنه کرد . آخرکار ، فشار آب ، درخت را شکست واین پل‌عظیم از خرابی‌نجات یافت ، اماشکستی برطاق‌آن خورد. مرحوم

۱ــ آجر نر آجری راگویند که عمودی قرار داده شده باشد .

حاجی‌میرزا تقی عموی احمدخان امیرشاهی ، سنگ فرش سطح پل را مرمت کرد وکم و بیش شکست آن را تعمیر نمود

درمحل معروف بود که این پل را دو برادر وخواهری از خاندان سلاطین گیلان ساخته‌اند. ایشان درقزوین که درآن وقت مرکزحکومت بود، تحت نظر بودند. از قزوین فرار کردند واز این راه به دیلمان می‌رفتند . رودخانهٔ شاهرود سر راه ایشان بود . خواهر خود را به‌آب زد تا به دست مخالفان نیفتد و برادران نیز به‌دنبال او به‌آب زدند وهرسه تن سالم ازآب بیرون‌آمدند. چون جن از مهلکه به‌دربردند قرارگذاشتند پلی برروی این‌آب بسازند . معماری خواستند و خواهر به‌مباشرت برسرکار ایستاد. روزی به نوکرخود ، برای دور ریختن سوخته تنباکوی قلیان گفت و گو می کرد. معمارکه چنین دید، دست از کارکشید. خواهر به‌فراست دریافت وکنار پل‌آمد واز معمار پرسید : اگر این پل ساخته شود پایهٔ پل کجا خواهد بود ؟ معمار بدو نشان داد. آن زن ، کیسه‌ای پرازسکه درآب انداخت و سپس جای پایهٔ دیگر را پرسید . معمار محل‌آن‌را نشان داد . زن کیسهٔ دیگری درآن‌طرف به‌آب‌انداخت. معمارمتوجهٔ جریان‌امرشدو به‌کارمشغول گردیدو پل را تمام کرد .

نگارنده پلهای زیادی درخاك مازندران وگیلان دیده است. ارتفاع‌هیچیك آنها به‌پل‌انبوه نمی‌رسد. هنرومهارت معمار دراینجاست‌که تمام‌آب شاهرود را از زیریك طاق راه داده است.

وقفنامهٔ قرآنی که دربقعهٔ فیلده‌است وپری سلطان دخترسلطان محمد حاکم کهدم وقف مرقد سید علی کیا کرده بوده‌است[۱]

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الذی انزل القرآن علی‌سبعة احرف کلها شف کاف واف والصلوة... الکتاب محمداً خیرمن اوتی الحکمة و فصل الخطاب وآله وصحبه خیرآل واصحاب هذا المصحف‌المجیدالذی لایاتیه

۱ـ متن‌این وقفنامه به شکل ناقص در ص۴۶۸،ج ۱، بخش یك آمده است .

البطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید

وقفت صفوة المخدرات السیده الایده العفیفه الرفیعه الجلیله الکریمه الحسیبه دوحة شجرة السلطنة والخلافة والاجلال پری سلطان بنت السلطان بن السلطن المغفور المبرور المنتقل الی جوار رحمة ربه السلطان محمد اسکنه الله الملک الشکور بحبیح الجنة والحور والقصور وهی المهد العلیا للسلطان العادل الکافل... الشامل عدله السطان بن الساطان بن السلطان امیره اسحق وقاه الله الملک الخلاق من... الافاق نیلا لثواب الله و ذخراً لیوم لاینفع مال ولابنون الا من اتی الله بقلب سلیم علی المشهد المنور المعطر والمرقد المعظم المطهر للسید الامام الهمام الفاضل الفاصل بین الحق و الباطل السید الشهید سیدعلی کیا بن سید الجید السید امیر ضاعف الله تعالی مراتب حسناته فعلی سکان هذا المشهد ومجاوریه ان یقرؤه ویستعملوه لیصل الثواب الی الواقفه عاجلا و آجلا وقفاً مؤبداً وحبساً مخلداً بحیث لایباع ولایوهب ولایرهن الی أن یرث الله وهوخیر الوارثین فمن بدله من بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم تحریرا فی غره جمادی الاول سنه احدی تسعمیه.»

بر حاشیهٔ سمت چپ پائین با خط شکستهٔ خوش مطلبی است که ظاهراً علت نقل قرآن را از بقعهٔ سیدعلی کیا به امامزاده فیلده نوشته است و این کلمات ازمتن آن خوانده می‌شود :

«این کلام مجید را که شخصی کهدمی دزدیده بود وبعداز تخصیص بمقبرهٔ سید علیکیا ... نداشت و ده جزء کلام مجید .... علی هذا کلام مجید را بفضیلت وصلاحیت وخیرات... ملامحمدصالح.... علاءالدین محمدحسینی عفی عنه.... بتاریخ شهر ربیع الثانی سنه خمس ثمانین والف.... امامزادهٔ واجب التعظیم .»(عکس شمارهٔ ۹)

پاره‌ای از ترجمه‌های قرآنی که پری‌سلطان دختر سلطان محمدکهدمی وقف کرده‌است.[۱] (عکس شمارهٔ ۱۰)

رحمةللعالمین ــ بخشایشی برهمهٔ خلق را.

انما یوحی ــ همی پیغام‌آید. | فتنة ــ آزمایشی.

فهل انتم ــ هیچ هستید شما؟ | متاع ــ برخورداری.

مسلمون ــ گردن نهادگان. | علی‌ماتصفون برآنچ

آذنتکم ــ آگهی دادم شمارا. | همی‌صفت کنید.

علی‌سواء ــ براشکارگی. | الساعه ــ رستخیز.

پاره‌ای از ترجمه‌های قرآنی که میرمحمدباقر فیلدهی وقف کرده است :[۲] (عکس شمارهٔ ۱۱)

در تمام موارد «أو» که به‌معنی «یا» است، به «تا» ترجمه شده است.

فاذادخلتم ــ چون درشوید. | نذیر بیم‌کننده.

انفسکم ــ تنهاء شما. | شریك ــ انباز.

آمنوا ــ بگرویدند. | واتخذوا ــ وهاگرفتند.

لم یذهبوا ــ بنروند. | لانفسهم ــ ازتنی خویش.

یستأذنه ــ دستوری خواهند. | شرکاء ــ انبازان.

استاذنوك ــ طلب دستوری کنند از تو. | یوقدون ــ برفروزید.

فاذن ــ دستوری ده. | عهد پیمان.

ماانتم‌علیه ــ آنچ شما برآنید. | یصلون ــ نه بپوندند.

تبارك‌الذی نزل ــ پاکا خداوندا آن | أن یوصل که بپوندند.

خدایی که فرو فرستاد. | وجه ربهم ــ رضای خدایشان.

۱ــ ازاین قرآن در ص۴۶۷،ج۱ بخش یك کتاب از آستارا تا استرباد یادآوری شده است.

۲ــ ازاین‌قرآن درص۴۶۸، ج ۱ بخش‌یك کتاب از آستاراتااستارباد یاد شده‌است.

أقاموا ـ بپای دارند.
یدخلون ـ درمی‌روند.
عقبی‌الدار ـ عاقبت سرای.
نعم‌عقبی‌الدار ـ نیک‌سرانجام‌سرای.

یفسدون ـ تباهی کنند.
سوءالدار ـ بدی‌سرای.
متع ـ برخورداری.

بخش هفدهم

۱ـ جغرافیای تاریخی دیلمان و سیاهکل

زمین دیلمان جائی است محکم — برو بر لشکری از گیل و دیلم
چو دیوانند گاه کوشش ایشان — جهان از دست ایشان شد خروشان
گروهی ناوک استبر دارند — به زخمش جوشن و خفتان گذارند
از آدم تاکنون شاهان بی‌مر — کجا بودند شاه هفت کشور
نه آن کشور به پیروزی گشادند — نه باج خود برآن مردم نهادند
هنوز آن مرز دوشیزه بمانندست — بدان یك شاه کام دل نرانندست

«ویس ورامین فخرالدین گرگانی»

دیلمان سرزمین قوم دیلم‌است که درمنطقهٔ کوهستانی‌مشرق رودخانهٔ سفیدرود زندگی می کنند. حدشرقی این سرزمین از یك منزلی غرب کلار فراتر نرفته است . اما هنگامی‌که پسران بویه قدرتی یافتند وطبرستان را تسخیر کردند، این نام به‌منطقهٔ کوهستانی میان قلعهٔ شمیران تارم ودشت‌گرگان اطلاق شد .

دیلمان امروز ، شامل ناحیهٔ کوچك سیاهکل در دشت و ناحیهٔ کوهستانی دیلمان در جنوب آن است . جمعیت این بخش در زمان رابینو (۱۳۳۱ هـ. ق.) به‌هزار ونهصد وهشتاد وچهارخانوارمی رسید.[۱]

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۷۸ .

بخش دیلمان، از شمال به لاهیجان و آب سفیدرود، از غرب به ییلاق رانکوه، یعنی سمام واشکور، از جنوب به‌خاك عمارلو و از غرب به رحمت‌آباد محدود می‌شود.

درازترین قسمت آن از شمال به‌جنوب سی‌وهفت کیلو متر وعرض آن از شرق به غرب بیست و سه کیلومتر است. خارج از حد جغرافیائی ییلاق وقشلاق، تپه‌های جنگلی در این ناحیه است که بیست‌وپنج کیلومتر ونیم وسعت آن است.

اراضی سیاهکل، جزء خاك لاهیجان بود. خان دیلمان، به‌اجازهٔ حکومت مرکزی، آن را خریداری کرد وبه خاك دیلمان افزود.

دهکدهٔ برفجان، مرکز اصلی سیاهکل بود که درزمان رابینو (۱۳۳۱ ه. ق.) شصت درخانه داشته است. بزار، حمام، مسجد وامامزاده‌ای دارد. این دهکده در شانزده کیلومتری لاهیجان و ده کیلو متری کسم وسی کیلو متری دیلمان است. برفجان درمحل آبادی قدیم «بربرجان» بنا شده است. این دهکدهٔ قدیمی، طبق روایت محلی، زمانی هفتصد دکان قلاب‌دوزی ابریشم داشته است.

ساکنان سیاهکل گیلك‌اند وبه زبان گیلکی سخن‌می‌گویند. درحدودشصت تن یهودی درسال ۱۲۹۳ ه. ق. از رشت بدینجا آمدند وساکن شدند.

مرکز اصلی دیلمان، دهکده‌ای به‌همین نام است[1] که دردامنهٔ جنوبی نخستین رشته‌ای که میان گیلان ودرهٔ شهرود است بناشده است. در زمان رابینو (۱۳۳۱ ه. ق) ساکنان این دهکده به‌سیصد خانوار می‌رسید. بازاری درحدود سی دکان و مسجدی نوساز و درخت چنار زیبای کهن سالی، به‌نام «سلطان درخت»[2] داشت که

۱ــ دهکدهٔ دیلمان درتقسیمات امروز، مرکز دهستان دیلمان بخش سیاهکل‌شهرستان لاهیجان است که درچهل و هشت کیلو متری جنوب سیاهکل و هیجده‌کیلو متری غرب امام وهفده فرسنگی شمال غربی قزوین است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۰۰ متر است.

۲ــ این درخت براثر فرسودگی فروافتاد. اراضی اطراف آن معروف به‌«زیرسلطان‌درخت» تا امروز معروف است.

مورد احترام اهالی بود. این دهکده بر خرابه‌های دهکدهٔ قدیمی دیلمان بنا شده است و کندوکوشهٔ آن پاره‌های آجرزیادی دیده می‌شود. سنگهای تراشیدهٔ منقش که روزی پایه‌های ستون بوده نیز وجود دارد. در زمان راینو، خرابه‌های هفت حمام قدیمی از زیر خاک بیرون آمده بود و تا امروز یکی از این حمامها که به دست میرزا علی میر بلوک تعمیر شده‌است، مورد استفادهٔ ساکنان این دهکده است. درمحل مسجد جامع، آجرهای بزرگی یافته ودردیوار مسجد فعلی به‌کار برده‌اند. بر آنها عبارت «عمارت کیارکابزن»[1] نقر بود. میرزاعلی کیا درسال ۸۶۷ هـ. ق. در دیلمان عمارت و باغی ساخت.

امیر حسام الدین فومنی قصبهٔ دیلمان را در سال ۹۰۹ هـ. ق. خراب کرد. دهکدهٔ دیلمان‌که بیشتر جغرافی نویسان آن را در چهار منزلی هوسم و در همین فاصله از دولاب دانسته‌اند، با نام این دهکده ربطی ندارد.[2]

ساکنان دیلمان

در کتاب مسالک‌الممالک دیلمیان «نحیف‌وسبکسر وناپاک» توصیف شده‌اند. اکثر اهالی خانواده‌هائی هستند که ازقزوین بدینجا آمده‌اند. بازماندگان دیلمیان قدیم، زمستان را در دهکده‌های کلارده و چوشل و تابستان را در کلاچ خانی می‌گذرانند. ساکنان دهکده‌های دیلمان، بیشتر دیلمی بوده‌اند، ولی زمینهای خود را فروخته و به‌رفیجان رفته‌اند.

درسالهای اول‌قرن اخیر، محمد رضاخان، عده‌ای اززندانیان رابه‌دیلمان آورد ودرآنجا جای داد. اینان چهارطایفه به‌نامهای: تالش، گسکری، جهانگیری و اشکوری هستند.

کردان عمارلو، ساکن دیارجان و گولک و کوچی و کلنج باغ و غیاث‌آباد و

۱ــ این آجرها در دیوار مسجد دیلمان به کار رفته بود واندازه‌های آنها را ذیل شرح مسجد دیلمان داده‌ام. ۲ــ گیلان راپینو، ص ۲۷۹.

زرد رود[۱] وتکام وتنگ رود و عین شیخ هستند.[۲] این کردان پیش از این گله دار بودند وتابستان را درز بر چدرهای سیاه ، در کوه تورار بهسرمی‌بردند. مالیاتهای سنگین‌وخالی شدن‌جیب ایشان بهدست مأموران‌دولتی ، سبب شدکه اینان‌دهنشینی را برگزیدند .

طایفهٔ صوفی، از عمارلو به‌دیلمان آمده‌اند ودر زمان رابینو (۱۳۳۱ هـ. ق.) از آمدن آنان پانزده سال گذشته بود.[۳]

از گذشتهٔ دور دیلمان اطلاع زیادی در دست نیست. رستم – عموی بهرام ساسانی – مرزبان دیلمان و خراسان بوده است. در شکست ایرانیان در قادسیه ، چهارهزار سرباز دیلمی به‌مسلمانان گرویدند و درجنگ جلولا، یارویاور اعراب شدند وسپس درکوفه سکونت گزیدند.[۴] عده‌ای‌ازساکنان دیلمان، به‌دست حسن‌بن زیدبه‌مسلمانی‌گرائیدند. ناصرالحق ابومحمدحسن‌بن‌علی نیزمجوسیان و بت‌پرستان دیلمان را به دین اسلام دعوت کرد. عدهٔ زیادی دعوت اورا پذیرفتند وعده‌ای نیز درحفظ آئین‌مذهبی‌خویش‌کوشیدند. پس‌ازاینها، علویان وکسانی‌که دعوی‌می‌کردند از اولاد علی‌علیه‌السلام هستند به دیلمان پناه می‌آوردند و دیلمیان نیز به یاری ایشان برمی‌خاستند. درطول بیش ازدوقرن یعنی از سال ۲۱۰ تا ۴۵۰ هـ. ق. سلسلهٔ «جستانیان» برخاك دیلمان حکمروائی داشتند. سلاطین این سلسله کم‌کم به زیر لوای اسمعیلیان آمدند و گه‌گاهی ملوك استندار رستمدار زیربازوی ایشان را می‌گرفتند و برپا می‌داشتند. پس از سقوط مرکز اسماعیلیان، یعنی قلعهٔ الموت ، سرزمین دیلمان حکمروایان زیاد پیدا کرد . درسال ۷۷۰ هـ. ق. درحقیقت سلطان دیلمان، کیاسیف‌الدین‌کوشیج اسماعیلی بود که درمرجه‌کولی اقامت داشت ونه‌سال پس ازاین تاریخ به دست سربازان سیدعلی‌کیا کشته شد. پس ازاو، یکی دیگراز

۱– بفتح دال ول . ۲– دهکده‌های قشلاق ولورنیز کردنشینند . این دو دهکده به دهکده‌های عین شیخ و تکام وزرد رود و دیارجان جزء خاك پیر کوه بود . مشیرالسلطنه این دهکده‌ها را جزء خاك دیلمان کرد . ۳و۴– گیلان رابینو، ص ۲۸۰ .

امیران کوشیج، درسال ۸۱۹ ه. ق. فرمانروای دیلمان شد. درهمین تاریخ کیا ـ مسعودکیا و کیا جهانشاه کوشیج حکمرانان خرگام بودند. در سال ۸۲۰ ه. ق. سلطان بیه‌پیش، دیلمان را به‌قلمرو خود افزود. درسنهٔ ۱۰۰۰ ه. ق.، شه عباس ـ اول گیلان را فتح کرد و حکمی برای ادارهٔ امور این ناحیه تعیین کرد. درزمان آقا محمدخان و فتحعلیشاه، محمد رضاخان ازسرشناسان گیلان بود. این مرد همان است که هدایت خان را هنگام فرار از انزلی به‌لنکران، با یك گلوله، در قایق از پای درآورد.[1]

گالشها گله‌دارانی هستند که زمستان را، درپای کوه، در نه یا ده کیلومتری جنوب سیاهکل وپائیزرا درکلهات، یعنی ارتفاعات جنگلی میان سیاهکل و دیلمان، مانند: سرداب، آتشکی، ده‌بن وکمدوم و تابستان را دربیلاق دیسمان می‌گذرانند. گالشانی که در این منطقه‌اند، به‌تیره‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱ ـ کلاردهی. ۲ـ چهارچاهی ۳ـ بوری. ٤ نظری. ٥ـ گسکری. ٦ـ لیه‌چاك. ۷ـ تالش کولی. ۸ـ درکی.[2] ۹ـ سیسه کوه. ۱۰ـ چراغ‌کوه. ۱۱ صوفی.[3]

با اینکه تختگاه ییلاقی سادات کیا، در قسمت غربی خاك دیلمان دهکدهٔ سمام (= شهرسمام — شرسمام) و در قسمت شرقی لوسن (درگاه امروز) بود، چنانکه از تاریخ سید ظهیر الدین مرعشی بر می‌آید، کارکیا سیدمحمد کیا و پسرش کارکیا میرزاعلی کیا به دهکدهٔ دیسمان آمده وآنجا را تختگاه ییلاقی‌خودکرده و کاخ و باغ درآنجا ساخته‌اند. همین دهکده مرکز ییلاقی کارکیا سید احمد کیا نیز بوده است. باآنکه در دوران این فرمانروایان، دهکدهٔ دیلمان روبه‌آبادی می‌رفت، ظاهرا در زمان گذشته نیز آباد بوده و ساختمانهای قدیمی داشته است. سیدظهیرالدین از زلزلهٔ روز یکشنبهٔ سیم‌شعبان موافق بیست وهشتم آذرماه قدیم سال ۸۸۹ یاد می‌کند ودربارهٔ دیلمان چنین می‌نویسد « ودر دیلمان بسیارازعمارات

۱ـ گیلان رابینو، ص۲۸۱. ۲ـ بفتح دال وراء مشدد. ۳ـ گیلان رابینو، ص۲۸۱.

کهنه بیفتاد، اما اهالی را خیر بود وبسیار مواضع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم بغلطید و بسیار مواشی را بهلاك آورد.»[۱]

از اتفاقات مهمی که در دهکدهٔ دیلمان روی داده است، توقف طولانی رضا شاه در آنجا است. وی در آن وقت رضاخان میرپنج یا رضاخان سرتیپ، خوانده می‌شد. سربازان و اطرافیان میرزا کوچك خان در دوستون از گیلان بر کوهستان دیلمان عقب نشینی کردند یك ستون به دامنهٔ دلفك رفت و ستون دیگری به املش رسید و از راه املش قصد رفتن بــه قزوین داشت. رضاخان سرتیپ در چنین حالی وارد دهکدهٔ دیلمان شد. مرکز اردو این دهکده بود ودر حدود سه هزار سرباز با او بود و مدت سه ماه در دیلمان‌ماندند و یك بارهم از دیلمان با سربازان به‌دلفك رفت.

میرزا کوچك خان پس از دویست سرباز کشته دادن از آنجا فرار کرد و خود را به لاکان و کسما رسانید. خبر ستونی که از املش به قزوین می‌رفت، در دیلمان به رضاخان سرتیپ رسید. سربازانش از دیلمان به‌طرف سمام بــه مقابله رفتند. این ستون نیز پس از مقاومتهائی عقب‌نشینی کرد. رضا خان سرتیپ باز به دیلمان آمد و سربازان خود را به‌کلیشم فرستاد و بعداً خود از دیلمان، ازراه کلیشم به‌انبوه‌وقزوین رفت. درشکست میرزا کوچك خان، خالوقربان‌واحسان‌الله‌ـ خان به خاك روسیه رفتند و خود او از گیلان به راه خلخال رفت.

مدتی را که سربازان رضا خان سرتیپ در دیلمان بودند، میرزا علی‌میرـ بدوك که ازسرشناسان دیلمان بود، آذوقه و مایحتاج ایشان‌را به‌شرح زیر روزانه به ایشان می‌داد:

نان ۱۵۰ من،[۲] روغن ٤ من، عسل ٤ من، گوشتی سی‌لش از برهٔ‌بزرگ، جو ۲۵۰ من برای هشتصد تا نهصد رأس قاطر و اسب. کاه ۵۰۰ من، علف ۲۰۰

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۴۵۴. ۲ــ من دیلمان موازی هشت کیلواست.

بورمه وهنگامی که سربازان به سمام می‌رفتند چون لباس گرمی نداشتند، هزار نیم‌تنه برای ایشان تهیه کرد.

رضا خان ده سر از اسبان واماسه را در دیلمان گذاشت و میر بلوک از آنها پذیرائی کرد و پس از یک سال آنها را به تهران برد و تحویل داد.

۲ـ آثار و بناهای تاریخی دیلمان

بقعهٔ آقا سید احمد فرزند امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ دیلمان بالای تپه در اراضی غزدارین[1]

بنای اصلی بقعه مربع شکل است وچهار طرف ایوان دارد. (عکس شمارهٔ ۱۲) عرض ایوانهای جوبی وغربی ۲۷۲ وعرض ایوان شرقی ۱۷۰ وعرض ایوان شمالی ۱۳۰ سانتیمتر است. جلو هر ایوان ده ستون چوبین چهارسو است. (عکس شمارهٔ ۱۳) دوستون از ایوان شرقی لاچ لنگری است (عکس شمارهٔ ۱۴) و زائده‌هائی چوبین بر آنها، کوبیده‌اند که چوب علم بقعه را بر آنها قرار می‌دهند. تمام ستونها، سرستون دارد. این نوع تراش سرستونها را در محل «کولك»[2] می‌خوانند، لبهٔ ایوانها تمام تکاثل تخته‌ای است که درمحل «صراحی»[3] می‌گویند.

بر یکی از سرستونهای شرقی، این عبارات با مرکب نوشته شده است.

«زهجرت گذشته هزارو دوست نود هفت دیگر فرون آمدش

بـه عالم ز اسماد علام رضا چنین صنعت‌خوش برون آمدش

بتاریخ سلخ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۹۷.»

برستون مدخل ایوان، از طرف داخل با مرکب چنین نوشته‌اند:

«برهرکسی‌که دوستی اظهار می‌کنم

خوابیده دشمنی‌است که‌بیدارمی‌کنم

۱ـ بفتح غین و سکون راء. ۲ـ بضم کاف وفتح لام. ۳ـ بضم صاد.

از بسکه درزمانه یکی اهل درد نیست

اظهار درد خویش به دیوار می کنم

عبدالفانی محمدرضای تفنگ‌ساز قزوینی بتاریخ نهم‌ذی‌القعدة‌الحرام ۱۲۹۷.»

در ورودی بقعه دولنگه، چوبین و ساده است و به‌طرف جنوب بازمی‌شود. صندوقی چوبین و ساده به طول ۱۹۲ و عرض ۱۴۱ و ارتفاع ۱۴۷ سانتیمتر در اطاقی به ابعاد چهار و نیم و چهارمتر است. سقف بقعه و ایوانها واشان کشی و پل کوبی‌است. حمالی در وسط اطاق بقعه ست که بر دوستون قطور هشت ضلعی متکی است.

اطراف بقعه حیاط محصوری است. پاره‌ای از سنگ قبرهائی که در حیاط است بدین شرح است:

«وفات مرحوم مغفور رمضانعلی ولد مرحوم آقاجعفر ۱۲۶۷. نشانه‌ها: سرو، مهر و تسبیح.»

«وفات مرحوم قربانعلی‌بیك ولد فرضعلی بیك شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۴۴. نشانه‌ها: سرو، مهر و تسبیح.»

درحیاط قبری کاشی‌کاری است. براین کاشیها چنین نوشته شده است:

«وفات مرحوم مشهدی محمدعلی عبدالله‌زاده درتیرماه ۱۳۱۵.»

این کاشیها درشهر رشت ساخته شده وکار احمدپوریوسف است.

سنگی‌ازمرمر که رنگ کدری دارد، درایوان بقعه‌است که طول آن ۶۵ و عرض آن ۲۲ سانتیمتر است. این عبارات برحاشیهٔ آن حك شده است:

«هذا المرقدالمنور و التربة المعزز استاد القابل ... خلیفه‌ن سعادت آئین سید علی بیك توفی فی شهر محرم الحرام من [شهور سنه سبع والف.»

حمام میر بلوك
دردهکدهٔ دیلمان

این حمام یکی از حمامهای قدیمی است که از زیر خاك بیرون آورده‌اند و پس از تعمیر و مرمتی که به دست میرزا علی میر بدوك شد به این نام شهرت پیدا کرد. این حمام با سه پله از سطح زمین به رختکن می‌رود. سطح رختکن ۵ × ۵ر۴ متر وحوض کوچکی برای پا شستن ویك در ورودی به‌حمام دارد. صحن حمام هشت ضلعی است. چهار ضلع آن بزرگ وچهار ضلع دیگر کوچك است که یکی درمیان قرار گرفته‌اند. دریکی‌ازاضلاع بزرگ خزینهٔ آب گرم وسه صفه یا شاه‌نشین درسه ضلع‌بزرگ دیگراست.دریکی‌ازاضلاع کوچك دری به« گرم‌درون» است‌که روی تون ساخته شده وگرمترین‌قسمت حمام است. درضلع کوچك دیگر دری‌است که‌به‌خزینهٔ‌آب سرد می‌رود.درصحن‌این‌قسمت تختگاه بزرگی‌ساخته‌اند. درضلع کوچك سوم، دری است که به تنوبرخانه و مستراح می‌رود. شالودهٔ بنا از سنگ و دیوارهای آن از آجر است . ابعاد این آجرها ۴ر۴ × ۵ر۲۱ × ۵ر۲۱ سانتیمتراست. پس‌ازتعمیر میربلوك، این‌حمام دوبار دیگر به‌دست‌آقای صدرالله خیرخواه تقوی که بازماندهٔ میربلوك است، تعمیرشده‌است. حمام تا امروز دائر است و سنت قدیم درپرداخت مرد حمام هنوز برجاست یعنی‌هرزن یك نان برای هربار حمام وهرمرد عزب درسال نیم‌من گندم وهرمرد زن‌دار درسال یك‌من‌گندم بابت مزد می‌دهد

مسجد میر بلوك
دردهکدهٔ دیلمان

این مسجد نیز بـه دستور میرزا علی میر بلوك تقوی درحدود صد و بیست سال قبل[1] بر جای مسجدی قدیمی بنا شده است. مصالح اصلی بنـا ، آجرهای

۱ـ فعلا سال ۱۳۴۹ شمسی‌است.

کهنهٔ قدیمی است که از اطراف و نقاط مختلف دهکدهٔ دیلمان از زیر خاك بیرون آمده است. ظاهراً این آجرها مربوط به کاخهای سلاطین کیائی است که در دیلمان برپا کرده‌اند. مقداری ازاین آجرها از پشت مسجد بیرون آمده و مربوط به کاخ سید رکابزن کیا بوده است.[1] برپاره‌ای از آنها عبارت «عمارت رکابزن کیا» نقر بود. ابعاد این آجرها ۸×۳۵×۳۵ سانتیمتر است. آجرهای نازکتری نیز دربنای مسجد بکار رفته بود که آنها نیز قدیمی هستند. ابعد این آجرها ۴٫۲×۲۲×۲۲ سانتیمتر یا ۴٫۵×۲۰٫۵×۲۰٫۵ سانتیمتر بود.

بقعهٔ ملاحیدر
در دهکدهٔ دیلمان

بنائی است چوبین و ساده که یك طرف آن ایوان دارد. ستونهای ایوان چهارسو و دارای سرستون است. سراسر بنا لت‌سر است.

پلی آجری بررودخانهٔ پاشوران
برسرراه اسپیلی بەدیلمان

رودخانه‌ای که از نزدیکی اسپیلی و دیلمان می‌گذرد، معروف به‌رودخانهٔ پشوران است. برروی این رودخانه، نزدیك دهکدهٔ دیلمان، پلی‌آجری یك ـ دهانه، ساخته بوده‌اند. این پل برسر راه دیلمان به اسپیلی بوده است. امروز اثری ناچیز از پایه‌های دوطرف آن برجای است.

گنگهای سفالین قدیمی
دردهکدهٔ دیلمان

آب مصرفی دهکدهٔ دیلمان را از قدیمترین ایام با گنگهای سفالین (تنبوشه‌ها)، از چشمه‌های اطراف، مانند: سیاخانی، صوفیان‌سر و کوره‌بن

۱ـ رابینو نیز ازاین‌آجرها یاد کرده است. (گیلان رابینو، ص ۲۸۸)

به این دهکده آورده‌اند . سیاحتی و صوفیان‌سر از دیث یکدیگر بد و تا دیلمان چهارکیلومتر فاصله دارند . چشمهٔ کوره‌بن درپنج کیلومتری دیلمان است . این لوله کشی قدیمی ، امروز مورد استفادهٔ اهلی دیلمن نیست .

باغ نو و عمارت کارکیا میرزاعلی کیا در دهکدهٔ دیلمان

سید ظهیرالدین مرعشی دربارهٔ این باغ و قصر چنین می‌نویسد «و واقعاً در موسم بهار، دیلمان رشک روضهٔ برین است. خصوصاً باغ نو که در آن مقام به‌طالع سعد احداث فرموده‌اند و گل و ریاحین بی‌شمر و درختان میوه‌دار ، از هر نوع که اگر تعداد آن رود ، به‌تطویل می‌انجامد ، درآنجا نشانده . ازجمله نزاهت و لطافت آب و هوای آن بقعهٔ مبارک یکی آنکه اول شکوفیدن گل که از تحویل آفتاب به جوزاست تا تحویل آفتاب به‌میزان ، بلکه درسالهائی که هوا به‌اعتدال گذرد تا اوایل عقرب درآن بستان همیشه گل سرخ می‌باشد . چنانکه دسته دسته باغبان چیده می‌آرد وآنقدر نیز گهی می‌شکوفد که درفصل‌خزان گلاب می‌کشند و به تحفه و هدایا نزد احبا و اخوان ارسال می‌دارند . غرض که چون روز چند به تفرج بهاریات و گشت و شکار مشغول شدند ، بنیاد عمارتی فرموده ، به اتمام آن سعی نمودند.»[1]

قبرمادر کارکیا سلطان محمدکیا در لوسن دیلمان

سید ظهیرالدین تاریخ مرگ اورا چنین ضبط کرده است و دربارهٔ مدفن او می‌نویسد « والدهٔ معظمهٔ حضرت سلطانی روز چهارشنبهٔ بیست ویکم شعبان موافق دهم آذرماه قدیم سنهٔ ۸۵۹ به‌جوار رحمت رب‌العالمین پیوست و به حوران جنان همعنان گشت. واورا درلوسن‌دفن کردند وقبه‌ای عالی جهت آن مرحومه بفرمودند ساخت و حفاظ را وظایف تعیین نمودند تا برخواندن قرآن مداومت نمایند.»[2]

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۴۲۸. ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۷۷.

عمارت کارگیا امیرکیای گوکه
دردهکدهٔ دیلمان

امیرکیای گوکه از طرف کارگیا سلطان محمد، حاکم دیلمان بود و عمارتی در آنجا داشت که یك شب سلطان محمد را در آنجا پذیرفت.[۱] پس‌از اینکه کارگیا امیرکیای گوکه در دوازدهم رمضان موافق چهاردهم آذرماه قدیم سنهٔ ۸٦۱ فوت شد، پسرش میرزا شهرخ به‌جای پدر به حکومت دیلمان رسید.[۲]

امامزاده محمد و امامزاده هادی پسران امام زین‌العابدین علیه‌السلام
معروف به بقعهٔ شاه شهیدان نزدیك دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان

بنای اصلی بقعه ازخارج به‌طول ۱۰٫۵ متر وعرض ۱۰٫۷ متراست. دیوار جنوبی و شمالی و شرقی از آجر و دیوار غربی از سنگ و گچ ومنحنی‌شکل بنا شده است. (عکس‌شمارهٔ ۱۵) آجرهائی که دراین بنا بکار رفته به‌ابعاد ۲۰×۲۰ و قطر چهار سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱٦) بنا از داخل مدور و قطر آن ۲۵٫٤سانتیمتراست. صندوقی چوبین‌که بدنه‌های‌آن تمام تنکه‌کاری است مرقد را پوشانده است. طول آن ۲۱۰ و عرض آن ۱۲۸ و ارتفاع آن ۱۲۰ سانتیمتراست. قسمت بالای صندوق، حاشیه‌ای به عرض بیست سانتیمتر مشبك است. در ورودی بقعه قدمتی ندارد واین بیت برلنگهٔ راست آن خوانده می‌شود:

«چو روز قیامت شود آشکار غلام‌علی را به‌دوزخ چه کار
۱۳۲۴»

این در به کفش کنی به‌طول ۹۸۰ وعرض ۳۳۰ سانتیمتر بازمی‌شود.دراین‌کفش‌کن قبورسران محل‌است. طاق کفش‌کن واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. در ورودی حرم دولنگه و به‌ارتفاع ۱٦۰ وعرض ۸۳ سانتیمتراست.(عکس‌شمارهٔ ۱۷) بردیوار حرم نقاشیهای مذهبی‌است. این صحنه‌ها بانقاشی متوسطی دیده می‌شود:

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۲٦۳. ۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۲۸٦.

صحرای کربلا و کشته شدن امام حسن علیه‌السلام . ذوالجناح ، حضرت علی‌اکبر، حضرت زینب ، معراج پیغمبر و براق وملائکه وشیر، جنگ ازرق‌شامی، زعفر جنی که به‌یاری حضرت حسین به‌صحرای کربلا آمده است و شمر بـا هفت پستان. برسقف مدور گنبدی شکل بقعه ، نقاشیهای قدیمی بارنگهای اصیل دیده می‌شود. وسط طاق خورشید است که شعاعهای بزرگ و کوچك از آن می‌تابد و پنج گل مدور که داخل آنها گل پنج پری است در فواصل شعاعهاست .

نقاشیهای مذهبی زیر بردیوارهای کفش کن است :

حضرت ابوالفضل . حضرت علی علیه‌السلام بـا قنبر ، حضرت رضا و انگور زهرآلود ، زهردادن موسی‌بن جعفر در زندان ، ضربت خوردن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، حضرت‌ابوالفضل، زنده شدن شیران پرده وبردست راست درحرم‌علمی نقاشی شده‌است. شاخ گوزن (= گنج‌گاو) بالای در ورودی‌آویخته است، دوطرف بن در، دوستون چهارسوست که دونبش‌آن را پخ زده‌اند. بام سراسر بنا ، قسمتی آهن پوش وقسمتی لت‌پوش‌است . لبهٔ بام‌سه‌پشته است. حیاط بقعه بسیار بزرگ و زمین آن قبرستان اهالی است . چند سنگ مرمر کوچك برقبرها بود . مطلب زیر شرحی است که بردو سنگ دیده شد :

«وفات مرحوم مغفور دوستعلی ولد مرحوم میرز علی سنه ۱۲۱۸.»

«وفات مرحوم مغفورقلی ولد مرحوم میرزامحمد سنه ۱۲۸۹. نشانه‌ها: شانه و مهر نماز .»

مسجدچوبی‌نسبهٔ قدیمی‌متصل به‌در ورودی حیاط بقعه‌است باپوشش سفالی. (عکس شمارهٔ ۱۸) چند اصله درخت کهنسال ون (زبان گنجشك) نیز در اطراف بقعه دیده می‌شود

بقعهٔ باباولی یا مدفن قادر پیغمبر
در دهکدهٔ باباولی دیلمان

بنای اصلی بقعه‌اطاقی‌است‌که طول وعرض داخلی‌آن ۳۸۰ X ۳۷۰ سانتیمتر

است . جلو ضلع شرقی ایوانی است که تکائل دارد و ستونهای آن چهارسو است. طرف شمال و جنوب بقعه نیز ایوان است. سقف ایوانها وبقعه واشان کشی وپل‌کوبی است و بام آنها سفالسر است .(عکس شمارۀ ۱۹)

بردیوارهـای اطاق بقعه نقاشی‌کرده‌اند . این مجالس را براین دیوارها می‌توان دید : جنگ حضرت قاسم با ازرق‌شامی، آمدن حضرت سیدالشهدا برسر نعش حضرت علی‌اکبر ، ام‌لیلی برسرنعش حضرت علی‌اکبر ، ضامن آهو ، معراج رسول‌اکرم،(عکس شمارۀ ۲۰) جنگ مسلم با کوفیان ، حارث و دوطفلان مسلم و ام لیلی وحضرت علی‌اکبر. (عکس شمارۀ ۲۱)

صندوقی در این بقعه است که بـر آن نقاشی و کنده کاریهای ظریف است (عکس شمارۀ ۲۲) طول آن ۲۲۷ و عرضش ۱۱۰ و ارتفاعش ۷۵ سانتیمتر است . صندوق برپایۀ چوبینی به‌ارتفاع ۲۰ سانتیمتر از کف بقعه است. عرض قسمتی‌که کتیبۀ صندوق بر آن است ۳۱ و ارتفاع آن ۶۱ سانتیمتر ومتن خود کتیبه به‌عرض ۲۰ و ارتفاع ٥٤ سانتیمتر است . بدنۀ قبلی و غربی صندوق تخته‌ای است . روی تخته را بـا رنگهای اصیل نقاشی کرده‌اند و سورۀ مبارك «یس» بـا مرکب سیاه برحاشیۀ بالای صندوق به خط نسخ‌خوش نوشته شده است . بدنۀ شمالی و شرقی قاب‌بندی است ، یعنی ازبالا به پائین آلتهای چوبین کوبیده و وسط آنها را بـا تخته‌های تنکه مانند پرکرده‌اند . (عکس‌شمارۀ ۲۳) برتمام این‌تنکه‌ها ، یکسره کنده‌کاری ظریف است. دروسط بدنۀ شمالی صندوق کتیبۀ بسیار خوش خطی است که بالای آن‌تاریخ ۹۹۹ بارنگ اکیس نوشته‌شده واین دوبیت در زیر آن‌حك شده است : (عکس شمارۀ ٢٤)

«گذشتگان که درین خاکدان ویرانند
خموش مانده و برحال خویش حیرانند
زاهل قبردردم این ندا درگوش جان‌آمد
که‌محنت خا[نۀ]داریم اینجامیتوان آمد»

در ورودی بقعه دولنگه بوده و کنده‌کاری ظریف داشته است که سال گذشته (۱۳۴۸ شمسی)، به‌سرقت رفته‌است. چهارچوب این درقدیمی باقی‌است. بر قسمت بالای چهارچوب این کلمات باخط خوش نسخ خوانده می‌شود :

«حیرکرد این در بباولی علیه‌الرحمه را شاه‌مراد بن علی عمل احمد زرگر لاهجی رزدرة بتاریخ شهر محرم اثنی اربعین والف.»

رابینو دربارۀ این بقعه چنین می‌نویسد «بقعۀ باباولی ، بنائی کوچك مربع شکل است که از سنگ بنا شده است. در ین بنا قبر قادر پیغمبراست. ضریح آن چوبین است ویك رباعی بر آن حك‌شده است وتاریخ ۹۹۹ بر آن خوانده می‌شود. داخل این بنا دو سنگ قبر زیبا از مرمر است که دو قبر را پوشانده است. یکی‌از آنها نیری‌بیك[1] مقتول درسنۀ ۹۹۵ ودیگری امام‌وردی‌بیك متوفی۱۰۱۴ قمری‌است. متولیان دریکی دواطاق متصل به‌امامزاده نشسته‌اند.»[2]

سنگهای قبور قدیمی که در ایوان وراهرو و حیاط بقعه هستند به شرح زیراند :

سنگ مرمری داخل ایوان‌است که طول‌آن ۱۵۰ وعرضش ۳۷ وارتفاعش ۱۷ سانتیمتر است . برحواشی سطح بالای آن چهارده معصوم ب خط خوش ثلث بدین‌شرح حك شده است : (عکس شمارۀ ۲۵)

«اللهم‌صل علی‌المصطفی محمد وصل علی‌المرتضی‌علی وصل علی‌البتول فاطمه‌وصل‌علی‌السبطین‌الحسن‌والحسین وصل علی‌زین‌العباد علی وصل علی‌الباقرمحمد وصل‌علی‌الصادق‌جعفر وصل‌علی‌الکاظم موسی وصل‌علی الرضاعلی‌وصل‌علی‌التقی محمد وصل‌علی‌النقی علی‌وصل‌علی‌العسکری الحسن وصل‌علی‌حجة‌القائم المهدی محمد صاحب الزمان صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین‌الطاهرین‌الطیبین‌من آل‌طه‌ویس‌اللهم‌وال‌من‌والاهم‌و عاد‌من‌عاداهم وانصر‌من‌نصرهم واخذل من‌خذلهم... وارزقنا شفاعتهم و

۱ــ پیری‌بیك است نه نیری‌بیك. ۲ــ گیلان رابینو ، ص ۲۸۷ .

احشر نامعهم ... دولة محمد سیدالاولین والاخرین واغفر برحمتك یا
ارحم الراحمین .»

قسمت بالای سنگ :

«کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام.»

متن سنگ :

«هذا [قبر] المبرور المغفور المرحوم المظلوم السعید الشهید پیری بیك بن پیری بیك تغمده‌الله بمغفرته و رضوانه فی تاریخ سنه نهصد و نودو پنج .»

دروسط سنگ درمیان گل و بوته نشانه‌هائی به‌این شرح است :

خودی برمحفه و محفه برپایه‌ای رحل مانند قرار دارد و به دوطرف آن ازپائین دومنگوله آویخته است. گرز ، خنجر ودرپائین سنگ نقش اسبی است بادهانهٔ کشیده وزین‌وبرگ وغاشیه وگرزی به‌طرف‌چپ‌نزدیك رکاب آویخته‌است‌و شخصی جلوی اسب نشسته ، ظاهراً مشغول عزاداری است . (عکس شمارهٔ ۲۶)

برحواشی بالای سطوح عمودی سنگ « نادعلیاً مظهرالعجایب » الخ ، حك شده است .

سنگ مرمر دیگری در ایوان است که این عبارات برآن حك شده است :

«هذا المرقدالمنور والتربة المعزز استادالقابل نادعلی بیك خلیفه‌بن سعادت ائین... سیدعلی‌بیك توفی‌فی‌شهر محرم‌الحرام سنة اربع‌والف.»

براین سنگ نشانه‌های زیر است :

خود برپایه‌ای رحل مانند ، دو انگشتر ، کمان سه‌چله وخنجری بزرگ در وسط .(عکسهای شمارهٔ ۲۷ و ۲۸)

سنگ قبر مرمر دیگری زیرلبهٔ ایوان شرقی بقعه‌است که طول‌آن ۱۷۰ و عرضش ۳۸ سانتیمتر است . برحاشیهٔ آن دوازده امام و برمتن، عبارات زیرحك شده است:

«هذالقبر المغفور مهدیقلی بیك ابن حمزه‌بیك شاه عود (؟) فی غره محرم سنه ۹۹۸.»

سنگ مرمر دیگری زیر دیوار راهروی بقعه است که طول آن ۱۱۰ و عرضش ۳۴ سانتیمتر است. این عبارات بر آن حك شده است:

«تاریخ وفات مرحوم امموردی بیك سنه اربع وعشر والف هجریه

صد آه که روح در بدن نیست مرا
این بلبل باغ در چمن نیست مرا
یاران‌و برادران شما خوش باشید
کردم سفری که آمدن نیست مرا
ای چرخ فلك خرابی از کینهٔ تست
بیدادگری شیوهٔ دیرینهٔ تست
ای خاك اگر سینهٔ تو بشکافند
بس گوهر قیمتی که در سینهٔ تست»

دوسنگ قبرزیر در حیاط بقعه است:

«وفات مرحوم نقدعلی ولد مرحوم جعفر سنه ۱۲۴۰.»

«وفات مرحوم ملائی مراد ولد مرحوم عسی‌خان ۱۲۷۲.»

امامزاده قاسم و امامزاده حمزه پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام[۱] در دهکدهٔ کومس (= کوه پس) دیلمان

بنای اصلی بقعه با آجر است. کفش کنی درجلو یعنی سمت شرقی است که طول آن چهار متر و عرض آن ۱۲۰ سانتیمتر است. طرف جنوبی بقعه بتازگی حسینیه‌ای ساخته‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۹) بردیوار بقعه که به‌طرف حسینیه است، نقاشیهای مذهبی است. بردیوارکفش‌کن نیز نقاشیهای مذهبی است. مجلسهائی از

۱ــ راببنو نام‌این امامزادگان را می‌برد وبه‌جای قاسم «کاظم» نوشته است. (گیلان رابینو، ص ۲۸۹)

جهنم، اژدهای هفت سر، ابراهیم، مالك اشتر، مختار وعلم بپرندگانی نظیر کبك دیده می‌شود.

در ورودی بقعه‌که درایوان شرقی است کنده کاریهای بسیار ظریف دارد. ارتفاع دهنهٔ چهار چوب ۱۲۸ و عرض آن از داخل ۸۰ سانتیمتر است. ارتفاع لنگه درها ۱۷۰ و عرض هریك ۴۳ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۳۰) هرلنگه شامل چهار پاسر و دوتنکه است. بردو تنکهٔ بالای هر دولنگه کتیبه‌هائی بسیار خوش‌خط حك شده است. این یك بیت بر لنگهٔ دست راست است: (عکس شمارهٔ ۳۱)

«بعیش و ناز درین جامخانهٔ عالی
هزار سال نشیناد صاحب منصور»

برلنگهٔ دست چپ این بیت حك شده است: (عکس شمارهٔ ۳۲)

«بسال نهصد و سی شد تمام اینخانه
که باد چشم بد از منظرو در او دور»

با خطی بسیار ریز زیر این بیت رقم استاد چنین است:

«عمل استاد احمدبن محمود دروگر بونی»[1]

این در به‌اطاقی به‌ابعاد ۵ر۵ × ۵متر بازمی‌شود. حمال قطوری دروسط سراسر بنا کشیده شده و برستونی قطورکه وسط اطاق است، متکی است.

دو صندوق چوبین ساده که با پارچه پوشیده شده، در این اطاق‌است، طول یکی ۱۸۹ وعرض آن ۱۱۳ وارتفاعش ۱۱۰ سانتیمتروصندوق دیگر به‌طول ۱۷۸ وعرض ۹۶ و ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر است.

بردیوار این اطاق نقاشیهای مذهبی به‌این شرح دیده می‌شود:

آمدن زعفرجنی به‌یاری حسین‌بن‌علی علیه‌السلام، موسی‌بن جعفر درزندان هارون، جنگ مسلم باکوفیان، اسرای صحرای کربلا، حارث و دو طفلان مسلم،

۱ــ بون از دهکده‌های رودبار محمدزمان‌خانی است.

قتلگاه وضامن آهو. عمل مشهدی آقاجان لاهجانی ۱۳۴۲ قمری.

سقف بقعه و کفش‌کن واشن‌کشی واز رو پل‌کوبی با درزپوش است. لنهٔ نام دوپشته و زیرپشته در اطـراف بقعه شیرسر نصب شده است. سراسر بام سفال است که چند سال پیش آقاملامحمدحسن خدمی آنها را تعویض کرده‌اند.

درحیاط بقعه سنگ قبری است که کنده‌کاری و خط ستعلیق بسیار زیبائی دارد. این سنگ به‌طول ۱۰۳ وعرض ۵۰ سانتیمتراست. این عبارات برمتن سنگ دیده می‌شود:

« وفات مرحوم مغفور مبرور آقاحسینقلی ولد مرحوم کربلائی حسن طالش کلی[1] فی‌سنه ۱۲۵۵.»

برحاشیهٔ سنگ این ابیات‌است:

«صد حیف که از صف جوانان رفتم
وز آمـدن جهـان پشیمان رفتـم
بردم دل پر ز حسرت خود برخاک
ناکام بری نچیدم از جـان رفتم
نخل قد من بود چه سرو آزاد
از تیشهٔ کین ... ی سرو سامان رفتم
چون بر فرس عمر نکردم جولان
با مـرکب چوبین ز میدان رفتم»

نشانه‌هائی‌که براین سنگ است: مهر، تسبیح وشانه می‌باشد

چنارکهن سالی که درحیاط بقعه بوده براثر فرسودگی افتاده و فعلا چناری چند شاخه به جای آن است. درختان ون (زبان گنجشک) ، بقعه نیز کهن سال هستند.

۱ــ طالش کل بضم کاف، از ده کده‌های دیلمان است

بقعهٔ سیدسرا
بر قلهٔ کوهی نزدیك دهکدهٔ سیدسرای دیلمان

این بقعهٔ چوبین و لت پوش، بربالای رشته کوهی است که مسلط به جلگهٔ گیلان است. ازبالای این کوه، اگرهوا مه‌آلود نباشد، یکی از زیباترین مناظر گیلان را می‌توان دید. می‌گویند دراین بقعه‌های چوبین پنج تن ازسادات به‌خاك سپرده شده‌اند که سه تن از ایشان مرد و دوتن زن هستند. اطراف بناها، چنداصله درختن کهن سال است. این بقعه مانند بقعه‌های تورار وگرده کول و فیروزکوه جزء بقاعی است که بربالاترین قلهٔ کوه ساخته شده‌اند.

امامزاده هادی‌بن‌موسی بن جعفرعلیه‌السلام
دردهکدهٔ میکال دیلمان[1]

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است کـه هرضلع طاقنما مانندی دارد. طرح داخلی‌بنا نیزهشت ضلعی‌است. میان هریك‌ازاضلاع داخلی، طاقچه‌ای‌بنا کرده‌اند. طول هریك از اضلاع داخل ۲٤۸ سانتیمتر است. مصالح اصلی بنـا آجرهائی است به ابعاد ٤٫٥×۲۲×۲۲ سانتیمتر که با گچ بند کشی شده‌اند. پی اصلی بناسنگ رودخانه است. میان حرم قبری از گچ وآجر به‌طول ۲۲۸ وعرض ۱۸۰ وارتفاع ۱۳٤ سانتیمتراست. سقف بناگنبدی شکل وسفیدکاری است. در ورودی حیاط بقعه ودر ورودی حرم دولنگه، چوبین وساده‌است.گنبدی‌آجری،باکمربند نسبةً بلندی برروی بنا زده‌اند وبالای‌آن را عرقچین مانند کاشی‌کاری‌کرده‌اند. پائین‌کمر بندگنبد بربالای دیوارهای بقعه، سطح صافی‌است که‌آبروی گنبداست. (عکس شمارهٔ ۳۳)

داخل بقعه، بردیوارها مجالس نقاشی مذهبی است، این مجالس به‌ترتیب ازاین قرارند:

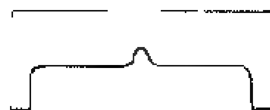
۱ـ میکال، دهی از دهستان دیلمـان بخش سیهکل و دیلمان، شهرستان لاهیجان ۷ کیلومتری شرق دیلمان. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

معراج رسول اکرم، حضرت علی علیه‌السلام در گاهواره دهان اژدها را پاره می‌کند، حضرت امام زین‌العابدین در بستر بیماری، حضرت ابراهیم درحال قربانی کردن اسماعیل، حضرت موسی‌بن‌جعفر در زندان، حضرت علی‌اکبر در قتلگاه، حضرت امام‌رضا درمجلس مأمون، حضرت ابراهیم‌خلیل‌در آتش، حضرت‌ابوالفضل سوار براسب، حضرت قاسم درمجلس عروسی وحارث ودو طفلان مسلم.

جلو در ورودی بقعه چندین سنگ قبرمرمر نسبةً قدیمی‌است‌که قدیمی‌ترین آنها مورخ ۱۱۹۷ ه. ق. است. این سنگها به‌ترتیب ازاین قرارند:



«وفات مرحوم زلفقار (= ذوالفقار) ولدمیرزاعلی ۱۲۵۶. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، قیچی و آلاتی بدین اشکال.»



«وفات مرحوم میرزاحسن ولد غلامعلی سنه ۱۲۶۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و رحل.»

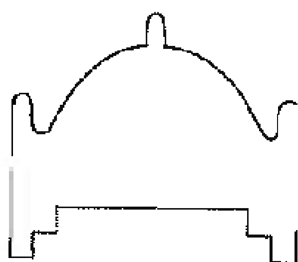
«وفات مرحوم نهال‌چمن جوانی‌آقا رمضانعلی ولد مرحوم‌نظرعلی ۱۲۵۶. نشانه‌ها: سرو، مهر، تسبیح و شانه.»

درحاشیه:

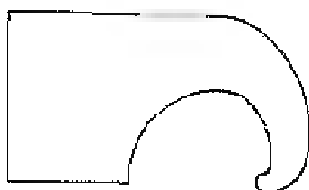
«ای خاک‌تیره دلبر ما را عزیز دار
کاین‌نورچشم‌ماست که دربرگرفته‌ای
افسوس قراحسن چو گل[1] باغ امید
از صرصر مرگ زود بر غارت رفت
آن تازه گل گلشن اهلیت کرد
از باد خزان دهر با رحمت رفت

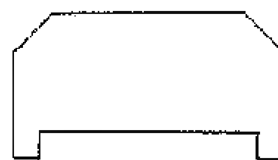
۱- بضم کاف.

در ماتم وی برادر و خویشان را
هوش از سر و خون ز دل . . . . . .
از پیر خرد چه سال فوتش جستم
حیران شد ،زو بخانهٔ فکرت رفت
پی ادب از میانه برداشت روان
گفتا خردم بجانب جنت رفت»



« وفات مرحومه سکینه خانم بنت مرحوم اسمعیل خان ۱۲۲۳. نشانه‌ها: دو انگشتر، تسبیح، مهر نماز، یك زوج گوشواره، سینه ریز، قیچی، آفتابه، هکن‌وکن، بینیکی و این نشانه‌ها.»





«وفات مرحوم آقا زینالعبدین (=زین‌العابدین) ولد مرحوم علی‌گل‌ناوی ۱۲٤۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و سرو.»

«وفات مرحومه علیاحضرت پری‌زادخانم بنت مرحوم عالیشان صفی‌خان‌سلطان فی‌جمادی‌الاولی ۱۲۱۰. نشانه‌ها: سینه ریز، مهر نماز، تسبیح و دو گوشواره.»

«وفات مرحوم مصطفی‌بیك ولد الله‌ویردی‌سلطان شاملو ۱۱۹۷. نشانه‌ها: مهر نماز، تسبیح، شمشیر، خنجر، نیزه و اسب.»

«وفات مرحوم عباسقلی ولد مرحوم آقا محمد سنه ۱۲۳۹.

ای مرگ هزارخانه ویران کردی
در هلاك [illegible]

نشانه‌ها. مهر نماز، تسبیح، کمان حلاجی و مشته.»

سه سنگ قبر نسبةً قدیمی درحیاط بقعه بدین‌شرح دیده شد:

«وفات مرحوم مغفور الله‌ویردی‌سلطان ولد مرحوم خدا ویردی بیک ۱۲۱۵.

گر من گنه جمله جهان کردستم
لطف تو امید است که گیرد دستم
گفتی که بروز عجز دستت گیرم
عاجزتر ازین مخواه که کنون هستم»

«وفات مرحوم الله‌داشت ابن کربلائی نقدعلی ۱۲۴۳. نشانه‌ها: مهر نماز، تسبیح، انگشتر، شانه، قلمدان و رحل.»

«وفات مرحومه مغفوره جواهر بنت سبزعلی سنه ۱۲۶۰»

تونل زیرزمینی
دردهکدهٔ میکال دیلمان

این تونل یا سمج که گویا فرارگاه قدیمی دهکدهٔ میکال یا فرارگاه قلعهٔ قدیمی این دهکده بوده است. یک‌سر آن در طویلهٔ حاجی طهماسبی معروف به‌پورمهدی است ویک سر آن لب رودخانه است.

سنگ دنگ
دراراضی کشتزار دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان

دراین‌اراضی‌چهارسنگ نتراشیده وطبیعی‌است‌که تقریباً بطول ۸۰وعرض‌و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر است وسط این سنگها گودالی نیم کره شکل کنده‌اند. قطردایرهٔ یکی از گودالها ۳۱ و عمق آن ۱۷ سانتیمتر بود. (عکس شمارهٔ ۳۴) اهالی نوروزمحله می‌گویند که اینها سنگهای دنگهای برنج‌کوبی است وبه‌همین

مناسبت خرابه‌های این منطقه را که آثار فراوانی دارد، به‌این نام خوانده‌اند.[۱] در میان خاکها، جوش کورهٔ آهنگری زیاد است. شاید روزی چندین دکان آهنگری در این‌جا بوده است. سفال شکستهٔ زیادی در این محل و اراضی کشتزار اطراف آن است.

بقایای حمام قدیمی
در نزدیکی سنگ دنگ نوروزمحلهٔ دیلمان

حمامی قدیمی برساحل چپ دره‌ای کم عمق که ازشرق اراضی سنگ دنگ می‌گذرد، قراردارد. درخرابه‌های این حمام آجری درست نیافتیم که ابعاد آن را اندازه‌گیری کنیم. قطراین آجرها ۴۳ × ۵۳ × ۶۰ میلی‌متر بود. اهالی می‌گفتند که شمع جهان خانم درحدود صد و پنجاه بار ازآجرهای این حمام را برای ساختمان خود، به‌اسپیلی برده‌است. آب حمام باکنگهای سفالین‌ازچشمهٔ «لبار» می‌آمده‌است.

قرآنی خطی
در دهکدهٔ بنه‌زمین نزدیك پیرکوه

قرآنی است بزرگ وخطی وساده بدون جدول وحاشیه. این قرآن را بنده ندیدم.

بقعهٔ آقا سیدابراهیم‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
یا امامزاده تورار برفراز قلهٔ کوه تورار

این‌بقعه که سائی‌مربع‌شکل و گنبدی مدوردارد برفرازکوهی بلنداست‌که در ۲۶۰ درجه درجنوب جنوب‌غربی‌قلهٔ فیروزکوه قرار گرفته واز اطراف نمایان است. دراصلی بقعه رو به‌جنوب است و طرفین‌آن دو سکو دارد و طاقنما مانندی

۱ــ نظیر این گودال در سنگ به صورت مخروط ناقص که قاعدهٔ آن در بالا است، درسرپل زهاب، منطقهٔ ریجاب کرمانشاهان ونزدیك غارچشمه سهراب برسر راه کرمانشاه به دینور، زیاد دیده شده است که تماماً آتشدان می‌باشند. با توجه به وضع منطقه و آثار مشهود دراطراف این گودال، ظن قوی می‌رود که آتشدان باشد نه‌سنگ دنگ.

بر بالای در است . دوسکوی دوطرف و راهروی وسط باسنگهای قبور فرش شده است . طرف چپ نمای جنوبی ، پلکانی‌است که بر بام می‌رود و طرف راست این قسمت طاقنمائی‌است که قرینه سازی کرده‌اند. بام بنا ازدوقسمت تشکیل می‌شود. قسمت وسط گنبدی مدور واطراف گنبد لت‌پوش است . (عکس شمارهٔ ۳۵) مصالح بنا ، آجروگچ است و طرح بنا درنقشه نشان داده شده است. جلوبنا دودرخت ون کهن برپاست که شاخهای بزکوهی و گنج گاو (=گاو کوهی = گوزن) که سابقاً بدانها کوبیده بودند ، امروز پوست درخت مقداری از آنها را درخودگرفته است. (عکس‌شمارهٔ ۳۶) در ورودی بقعه که ساکنان دهکده‌های اطراف برای‌آنها ارزش زیاد قائلند ، نه قدیمی است و نه ظرافتی دارد و اغلاط فراوان در متن نوشته‌های آن دیده می‌شود . با خط بد نسخ کنده‌کاری زیبدی براین دولنگه به‌این شرح شده است :

برحاشیهٔ لنگه دست راست:

«بسم لله الرحمن الرحیم نصر من‌الله وفتح‌قریب ومن یتوکل علی‌الله فهوحسبه افوض امری الی‌الله ان‌الله بصیر بالعباد یاغافرالخطایا یا کاشف‌البلایا[1] یا منتهی الرجایا یامجری العطایا یاواهب الهدایا یا رازق البرایا یا قاضی المنایا یاسامع الشکایا یابعث البرایا یامطلق الاساری یاذاالحمدوالثنایا یاذوالفخروالهیاما (؟) یاذوالمجدوالعلایا یا ذوالعفو و الرضایا یا ذوالمن و العطایا یاذاالقضا یاذا العزوالبقا یا ذاالآلاء والنعما اللهم انی اسئلک باسمک یاصانع یاواضح یارافع یا صانع یاسایل یاجامع یاشافع یاواسع یاموسع یاصانع کل مصنوع یاخالق کل‌مخلوق یارازق کل‌برایا یامالک کل‌مملوک یاکاشف‌کل مکروب.»

حاشیهٔ پائین همین لنگه

۱ـ شاید: خفایا.

«یا ناصر کل مخذول یا ساتر کل معیوب یا ملجا کل.. »

وسط لنگهٔ دست راست:

«یاعلی دریاب یاعلی دریاب نادعلیا مظهر العجایب تجده عون لك في النوائب کل هم وغم سینجلی بعظمتك یاالله بعزتك یاالله بقدرتك یاالله بجلالك یاالله نبوتك یامحمد و بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی بنبی عربی و رسول مدنی و اخیه اسدالله مسمی بعلی و بزهرا بتول[1] و بامر ولدتها و بسبطه وشبله الحلالی و بسجاد والباقر والصادق حق وبموسی وعلی و تقی و نقی و بذی العسکر والحجة و القائم بالحق الذی یضرب بالسیف[2] بحکم الازلی صلواتی و سلامی الف نهار ولیال وغدو وعشی اجب الیوم دعائی و ترحم جمراتی کل الهی وولی وتقبل لمقبول حسن رب دعاء زرت بعلی وعلی وعلی[3] اللهم صل علی محمد و آلهم الطیبین الطاهرین و حجة المقبولین المعین یا علی مدد یاعلی مدد.»

بر دماغه ازطرف داخل این بیت بی‌وزن و بی‌قافیه ، حك شده است:

« در آستانه بهرزه باز مکن

چون درآئی بکبر سجده مکن»[4]

برچهارچوبهٔ طرف راست در از سمت داخل:

«قل یاایها الکافرون ← لکم دینکم ولی دینی .»

بر دماغهٔ همین در ازطرف صحن:

«بسم الله الرحمن الرحیم الم نشرح لك صدرك ← الی ربك فارغب.»

برچهارچوب بالا از داخل :

الهی بحق محمد الهاشمی و آله وحرمت ابراهم لك خشع یاعلی مدد.»

۱ـ درمتن با طاء مؤلف نوشته است. ۲ـ دراصل با صاد نوشته است.

۳ـ عربی بی سروتهی است. ۴ـ ترکیب صحیح این بیت این طوراست:

در مسجد بهرزه باز مکن چون در آئی بجز نماز مکن

برهمین چهارچوب ازطرف صحن :

لك‌الحمد یا [ذاا] لجود و المجد ویعلی (والعلی) تبارکت تعطی (؟) وصل علیه مادعاك و موحدنا جاك الخیار رابع (؟) یا مفتح الابواب...»

حاشیهٔ لنگهٔ سمت چپ:

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین اللهم‌انی‌اسئلك بأسمك یا کریم یا رحیم یاعلیم یاحکیم یامقیم‌یاعظیم خلصنا من‌النار یارب یاسیدالسادات یا مجیب الدعوات یاقاضی‌الحاجات یارافع‌الدرجات یامعطی مسئلات یاغافر الخطیئات یاقابل‌التوبات یاسامع الصلوات یادافع‌البلیات یا خیرالغافرین یاخیر الفاعلین یاخیرالناصرین یاخیرالوارثین یاخیر-الحامدین یاخیرالذاکرین یاخیرالمنزلین یاخیرالمحسنین یامن‌له العزوالجمال یامن‌له‌القدر والکمال یامن‌له‌الملك والجلال یا من هو الکبیرالمتعال یا من هو منشیء السحاب الثقل یا من هوشدید العقاب یامن‌عنده‌حسن‌الثواب یامن‌عنده‌الکتاب اللهم انی اسئلك باسمك یاحنان یامنان یادیان یابرهان یاسامع الصلوات یا غفران.»

وسط لنگهٔ سمت چپ:

«یاعلی‌ادرکنی یاعلی‌ادرکنی انا فتحنالك فتحاً مبینا— نصراً عزیزا. هذا عمل استاد غلامحسین ابن مرحوم زین‌العابدین کلیشمی غفرالله ذنوبه سنه‌احدی وخمسین ومائتان بعدالف وقف هذا محمودبن‌محمد-خان بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لیلاف قریش— من‌خوف. بسم‌الله‌الرحمن-الرحیم الم‌تر کیف فعل‌ربك باصحاب‌الفیل— وجعلهم کعصف مأکول. صدق‌الله یاعلی ولی‌الله یاعلی ولی‌الله.»

برچهارچوبهٔ سمت چپ ازطرف داخل:

«تولج‌اللیل فی‌النهار— ترزق من‌تشاء بغیرحساب یا مفتح‌الابواب یا رازق‌الانام.»

برهمین چهارچوب ازطرف صحن:

«قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشاء— انك علی کل شیء قدیر.»

طرف شرقی صحن اطاقی است که بر در ورودی آن عبارات زیر است :

برلنگهٔ دست راست :

«الهی بحرمت قدرپیمبر بحق حیدز و اولاد حیدر ازجرم خادم بیچاره بگذر الهی تـراشنده را رحمت کنی ـ مقامش بفردوس جنت کنی. همایت [کذا] کننده را یا ذوالجلال غنی کن مراد وازمال حلال بعون الله تعالی.»

برلنگهٔ دست چپ:

«نظر لطف خدا ام شامل مهرعلی است

وز ره صدق و صفا باعث خیر جلی است

سنهٔ احدی و خمسین و مأتان بعدالف

وقف نمود این در را استـاد نظرعلی

بجهة مرحوم مهـر علی کلیشمی غفرالله له ذنوبه و جزاه ائمه فی یوم الحشر والنشور.»

ازقدیم جسد مردگان را بدین بقعه می‌آورده‌اند ودرقبرستان اطراف آن به‌خاك می‌سپرده‌اند. سنگ قبرها بیشترمرمرسفید بود و قدیمی‌ترین آنها تاجائی‌که این جانب دقت کرد به سال ۱۲۲۰ ه. ق. می‌رسید . اینك شرح پاره‌ای ازاین سنگها :

«وفات مرحوم مغفور محمدقاسم ولد مرحوم محمدیوسف ۱۲۲۰.»

« وفات مرحوم خداویردی سلطان ولد مرحمت‌پناه اللهویردی سلطان ۱۲۲۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح ، شانه ، دوتپانچه، قمه، شمشیر و اسب.»

«وفات مرحوم دانیال ولد علی‌خان ۱۲۲۲

ای خاك تیره دلبر ما را عزیز دار

این نور چشم ماست که دربر گرفتهٔ »

«وفات مرحومه مغفوره امی‌کلثوم‌خانم بنت مرحوم اللّه‌وردی سلطان شهررجب ۱۲۲۲

ای که برما بگذری دامن‌کشان از سر اخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها: مهر، تسبیح، قیچی، بینیکی، سجاده وهکن‌وکن.»

«وفات مرحوم اللّه‌بداشت ولد حسنعلی ۱۲۳۳. نشانه‌ها: گرباز، بیل و گ‌جمه.»

«وفات نهل چمن جوانی علی‌اکبر بیک ابن‌عالیشان عبداللّه‌بیک ۱۲۳۸

ای جان پدر هیچ نداری خبر من

کز گردش ایام چه آمد بسر من

من تازه‌گلی بودم اندر چمن دهر

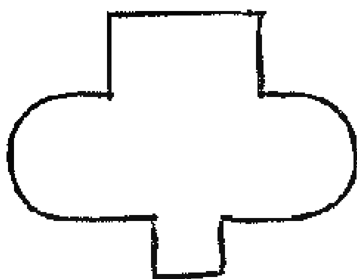
نشکفته فروریخت همه‌بال‌وپر من

نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر ورحل با قرآنی بر آن.»

«وفات مرحوم ملاعلی‌خان ولد کربلائی حاجی ۱۲۴۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و دوانگشتر.»

«وفات مرحوم خدیجه بنت ملاحیدر فی‌شهرشوال ۱۲۴۱.»

«وفات مرحومه ریحان خانم بنت مرحوم اللّه‌وردی سلطان ۱۲۴۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، دوانگشتر، سینه‌ریز، آفتابه، قیچی، بینیکی، هکن و کن، کشکول و نشانه‌ای بدین شکل که شناخته نشد.»



«وفات مرحوم آقابیک ولد مرحوم حسن‌خان بیک ۱۲۴۸

صد حیف که از صف جوانان رفتم

از تیشهٔ کین بی سر و سامان رفتم

نخل قد من بود چو سرو آزاد
ناکام بری نچیدم از جان رفتم
بردم دل پر ز حسرت خود درخاك
وز آمدن جهان پشیمان رفتم»

در بالای این سنگ بزرگ دو سنگ کوچك است که بر آنها « هوالعلی و هوالباقی» حك شده‌است.

«وفات مرحوم آقا ظهراب علی ولد مرحوم آقا قربان‌علی ۱۲۵۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، سجاده، تبر، دهره و گلدانی دروسط.»

«وفات مرحوم علی‌اکبر بیك ولد مرحوم سهراب خان ۱۲۵۳ نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه سجاده، خنجر، اسب با شمشیری‌آویخته به‌آن، دو تپانچه، دبهٔ باروت و ساچمه.»

«وفات مرحوم میرزاخان ولد مرحوم محمد ۱۲۶۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، تفنگ، تپانچه، تبر و چوبدستی.»

«وفات مرحوم‌کربلائی غلامعلی ولدمرحوم اللّهویردی ۱۲۷۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر، قلمدان، رحل، سروشکسته وشانه.»

«وفات مرحوم مغفورملاقاسم ولد مرحوم ملاکاظم سنه۱۲۷۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، قلمدان ورحل.»

«وفات فرضعلی ولد استاد قربان ۱۲۷۷. نشانه‌ها: انگشتر، مهر، تسبیح وشانه.»

«وفات مرحومه فاطمه بنت‌آقاآشورعلی ۱۲۸۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، دوعدد انگشتر، بینیکی، هکن‌وکن و آفتابه.»

«وفات مرحوم اوستادقربان حداد ابن کربلائی شاه‌ولد ۱۲۸۹.»

«وفات مرحوم حسنقلی ولد کربلائی علی‌حسین ۱۲۹۲. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، سجاده، تفنگ، دوتپانچه وآلتی‌نظیر تپانچهٔ اوله‌بلند.»

«وفات مرحوم حسین ولد موسی‌خان تنکابنی ۱۲۹۵ . نشانه‌ها: مهر ، شانه، تسبیح، خنجر و چوبدستی.»

سنگهای قبور دیگری که تاریخ آنها مؤخر برسنوات بالاست زیاد است ، ازذکرآنهاخودداری شد.ظاهراً ساکنان اطراف به‌این‌امامزاده زیاد اعتقاد دارندو جسد مردگان خودرا از دورترین نقاط واز بدترین راهها، بدین‌جا می‌رسانند.

غارهای دلفك

کوه دلفك درجنوب جنوب شرقی رشت ودر ۲۶۰ درجهٔ جنوب جنوب‌غربی اسپیلی و ۲۹۰ درجه ازقلهٔفیروزکوه است. ارتفاع آن از ۲٤۰۰تا ۳۰۰۰ متراست‌و درآنجا دوغار است. دریکی ازآنها یخ ودردیگری جانوران وآدمیان سنگ‌شده دیده می‌شود. کاپیتان «مکنزی»[1] در سال ۱۲۷۶ هـ. ق.(۱۸۵۹ م.) این دوغاررا دیده است ودربارهٔ آنها می‌نویسد :

دریکی از این غارها که نزدیك قله است یخ بلوری فراوان بود ودر دومی چیزی جزاستلاگتیت فراوان نبود که مردمان خوش‌باور رحمت‌آبادگمان کردند اینها مجسمهٔ آدمیان و جانداران است.[2]

راههای قدیمی خاك دیلمان

درخاك دیلمان راههای قدیمی فراوان است وروزی دیلمان برسرراه اصلی گیلان بوده است. پیش از اینکه راه کنونی گیلان ساخته شود، برای ورودبه‌خاك گیلان ، دوراه اصلی بود: راه گیلان بیه‌پس، ازتارم وخلخال وماسوله می گذشت و به فومن وگسکر و سایر بخشهای گیلان بیه‌پس می‌رفت. راه گیلان بیه‌پیش، از قزوین به رودبار ودیلمان و لاهیجان یا اشکور ورانکوه (= رحیم‌آباد) منتهی می‌... ازهمین راه قزوین به لاهیجان ، شاه‌عباس در سال ۱۰۰۰ هـ. ق. خود را

۱- ... Macken... گیلان رابینو، ص۲۸۲.

به‌لاهیجان رسانید . احتمال دارد درسفر سال۱۰۲۱ه.ق. بازگشت او به‌قزوین ازراه رانکوه‌واشکور بوده‌است . چه مؤلف عالم‌آرا می‌نویسد که او از رودسر به‌قزوین رفته است .[۱] همین مؤلف ازراه دیلمان که از کنار رودخانهٔ شیم‌رود می‌گذرد و به گیلان بیه‌پیش وارد می‌شود، نیز یادکرده است.[۲]

راه قدیمی
سیاهکل به دیلمان

قبل از اینکه بـه دستور شاه‌عباس اول این راه ساخته شود، راهی قدیمـی بـرساحل چپ یا راست شیم‌رود وجود داشته است. راه کنونی مالرو از سیاهکل به‌شب خسب لات (= شاغوزلات) ـ توتکی ـ بالا رود که تی‌تی‌کاروانسرا در اینجا بناشده‌است ـ سالارزمین ـ حمزاپرد[۳] ـ سرداب که کاروانسرائی‌قدیمی‌نیز دراینجا است ـ لارخانی[۴] ـ دیلمان می‌رود.

راه قدیمی باباکوه
ازسیاهکل به‌دیلمان

قسمت اول این‌راه کناررودخانهٔ شیم‌رود است و از محله‌ی سیاهکل ـ شب خسب لات (= شاغوز لات) ـ توتکی ـ بالا رود می‌گذرد . از بالارود راه باباکوه ازکنار تی‌تی‌کاروانسرا جدا می‌شود و به‌لش‌گیج[۵] ـ باباکوه ـ اغوزچال[۶] ـ تول‌دره‌ـ آتشکی[۷] ـ چلمه رود[۸] ـ سنگ‌ریز ـ لارخانی ـ دیلمان می‌رود.

راه قدیمی
دیلمان به قزوین

به دستورشاه عباس اول این راه قدیمی دستکاری و مرمت شد و پل عظیم و عجیب انبوه را بـرروی رودخانهٔ شاهرود برسر همین راه بساختند . این راه از

۱ـ عالم‌آرا، ج ۲، ص۸۵۳. ۲ـ عالم‌آرا، ج۲، ص۴۶۲. ۳ـ بفتح حاء مهمله وضم پ. ۴ـ بکسرداء. ۵ـ بفتح لام. ۶ـ بفتح الف. ۷ـ بکسر تاء . ۸ ـ بفتح چ.

محلهای زیرین می‌گذرد: دیلمان ـ باباولی ـ فیگورسر[1] ـ شاداران ـ زین‌پشته ـ ایزگی ـ بچه سرا ـ کلیشم ـ نواخنی ـ کرپنی‌انبو ـ کین گیرین ـ دستگرد ـ تلهٔ کما سار ـ سیاسنگ ـ احمدخنی ـ سبردر ـ رودخانهٔ انگشتک ـ الولک ـ گردنهٔ نیاق ـ ترتین[2] ـ اسماعیل‌آباد ـ قزوین.

راه قدیمی
دیلمان به املش

چندین فرسنگ از این راه در زمان شاه‌عباس اول ساخته و مرمت شد و پل عظیمی از آجر بر رودخانهٔ املش نزدیک بلوردکان زدند و در همین محل کاروانسرای عظیمی به‌سبک کاروانسراهای گیلان ساختند. این راه از محلهای زیرین می‌گذرد:

دیلمان ـ کومس[3] (کوپس)[4] ـ نیاوول ـ زیل بره ـ سیدسرا ـ شیرچاک ـ دیلمان دوراه ـ نتش کوه ـ زردشتان ـ خسیل دشت ـ خرکال ـ میان لنگه ـ هلی‌دشت ـ بلوردکان ـ حسین‌آباد ـ لات‌لیل ـ کهلستان ـ املش.

ازخسیل دشت‌راهی‌به‌امام[5] ـ چاکرود ـ بنه‌زمین ـ پیر کوه ـ تورار ـ کلیشم و از آنجا به قزوین می‌رود که دنبالهٔ آن درشرح راه دیلمان به قزوین آمده است.

راه قدیمی دیگری
از دیلمان به املش

این راه در تابستان و زمستان باز و قابل استفاده است و آمدو رفتی دارد و از نقاط زیر می‌گذرد:

دیلمان ـ کومس ـ نیاوول ـ زیل بره ـ لارنه ـ گنج‌گوپشته ـ لیارو ـ سرلیل ـ آنشه سره ـ لات‌لیل ـ املش. شاید از همین راه کارکیا میرزا علی کیا پسر سید محمدکیا درسال ۸۸۵ هـ. ق. به‌دیلمان رفته است. سیدظهیرالدین می‌نویسد:

«روزشنبهٔ بیستم ربیع‌الاول موافق بیست ودوم شهریورماه قدیم، عازم ییلاق

۱ـ Feygurcsar ۲ـ بفتح تاء وکسر راء. ۳ـ بکسرمیم. ۴ـ بفتح پ.
۵ـ بضم الف اول.

دیلمان گشتند. شب یکشنبه به قریهٔ سرلیل نزول همایون واقع شد. همین روز یکشنبه به‌طالع سعد، به دیلمان تشریف فرمودند.»[۱]

سالهای بعد نیز کارگیا میرزاعلی‌کیا ازهمین راه به رانکوه (= رحیم‌آباد) بارها رفته است. نگاه کنید به‌صفحات ٤٤٦ و٤٥٥ و٤٥٧ تاریخ گیلان و دیلمستان سید ظهیرالدین مرعشی.

راه قدیم دیگری
از دیلمان به رحیم‌آباد

دیلمان ـ کومس ـ آشورآباد ـ دیارجان ـ بویه (بوئی) سی‌خلوک[۲] ـ شوک[۳] (= شهوک) ـ پلام[۴] ـ پلام رود (= پلورود) ـ رحیم‌آباد.

راه‌آهتکوه (= عطاکوه)
از دیلمان به‌لنگرود یا لاهیجان

دیلمان ازسرهرز[۵] تا، ترین[۶] ـ لیل ـ فورده[۷] ـ سرچشمهٔ شاه‌خانی ـ اتاکوه (= عطاکوه) ـ دیوشل ـ لنگرود یا لاهیجان.

راه نو
ازسمام به رودسر

این راه ظاهراً درسال ۸٤۰ هـ. ق. ساخته شده است. هنگامی که میان کارگیا امیرسید احمد وکیاناصرکیا اختلاف پیداشد به کارگیا امیرسیداحمدگفتند چون کیاناصر کیا دررانکوه (= رحیم‌آباد) است، از راه رانکوه به‌رودسر رفتن پسندیده‌نیست مبادا که از کیا ناصرکیا حرکتی ناشایست دیده‌شود. بدو گفتند «که دراین جنگل راه پیداکنیم وبسازیم چندانکه به کنار پلورود بیرون رویم. ازآنجا

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۴۲۶. ۲ـ بضم خاء. ۳ بفتح شین و واو.
۴ـ بضم پ. ۵ـ یعنی ازسرتیرهٔ کوه. ۶ـ بکسر تاء وفتح یاء. ۷ـ بفتح راء و کسر دال.

به رودسر تشریف فرموده آید. فرمودندکه خوش باشد، همچنان بایدکرد. الغرض برقلهٔ کوه راهی بساختند و آن سال از آن راه به گیلان تشریف بردند و آن‌طریق اکنون(سال ۸۹٤)برجاست وراه نو می‌خوانند.»[۱] سال بعدنیز کارگیا امیرسیداحمد ازهمین‌راه ازسمام به گیلان رفت.[۲] تابستان سال‌بعدکارگیا رضاکیاپسرامیرسیداحمد ازرودسر از راه‌نو به‌سمام رفت.[۳] کیامحمد سپه‌سالار اشکور «با لشکر دیلم به‌راهی که ازآن‌راه مردم رودسر به‌سمام عبور داشتند، متوجهٔ رودسر شد.»[۴] کارگیا رضا کیا یك‌بار دیگرپس ازشکست درگیلان، ازاین راه‌متوجهٔ سمام شده است.[۵]

رابینو دربارهٔ این راه می‌نویسد که راه‌نو راهی است که ازسمام به‌رانکوه[۶] می‌رود، این راه را کارگیاسید احمد در سال ۸٤۰ هجری ساخت. این راه دربالای تیرهٔ‌کوه است وسپس ازجنگل می‌گذرد وبه کنار پلورود ختم می‌شود.[۷]

راه کنار سفیدرود به دیلمان

ازکنارسفیدرود به‌دیلمان ، راهی قدیمی‌است‌که از نقاط زیر می‌گذرد:

قهوه‌خانهٔ کتله[۸] این قهوه‌خانه قبل از ساختن سد سفیدرود ، برسر گدار این رودخانه بود. محل آن در دو کیلومتری رستم‌آباد ، سرراه منجیل به‌رشت ، برساحل چپ رودخانه بود. تونك‌بن(= تونکی). سندس[۹]. چلده‌بن[۱۰] ـ چره[۱۱] ـ چکاسر[۱۲] ـ دره دشت[۱۳] ـ چمل[۱۴] ـ لیاوول سفلی ـ سوسف[۱۵] ـ بره سر[۱۶] ـ پشت کلا ـ تاش ـ آسیاب بر ـ دیلمان .

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۲۲۹ و ۲۳۰. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۲۳۲. ۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۳۴. ۴ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۳۶. ۵ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۴۵. ۶ ـ اگر منظور رابینو از رانکوه،رحیم‌آباد امروزی‌است صحیح نیست زیرا نصرکیا که با امیرسیداحمد دشمنی‌داشت در رانکوه بود . اگر مقصود از رانکوه ناحیهٔ رانکوه است ، بـاز صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا هرراهی ابتدائی وانتهائی می‌خواهـد وانتهـای این راه رودسر امروزی بـوده است.
۷ـ گیلان رابینو، ص ۲۸۳ . ۸ـ بفتح کف و کسر تاء. ۹ـ بکسر سین و دال .
۱۰ـ بکسر چ ودال و فتح باء . ۱۱ـ بکسر چ و تشدید راء . ۱۲ بکسر چ .
۱۳ـ بفتح دال‌وراء. ۱۴ـ بضم چ‌ومیم. ۱۵ـ بکسرسین‌دوم. ۱۶ـبفتح‌باءوسین.

باقی بناها و آثار تاریخی خاك دیلمان

۱ـ بقعهٔ نیاوول در دهکدهٔ نیاوول دیلمان.[1]

۲ـ بقعهٔ بندبن در دهکدهٔ بندبن دیلمان. آستانه‌ای قدیمی است وگالشهای اطراف سمام بدان سوگند یاد می‌کنند.

۳ـ بقعهٔ رزدره در دهکدهٔ رزدره دیلمان. بقعه ایست چوبین، طرف در ورودی آن ایـوانی دارد. صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی است سراسر بنا و ایوان لت‌پوش است.

۴ ـ بقعهٔ عین‌شیخ دردهکدهٔ عین‌شیخ دیلمن. بقعه ایست چوبین، که یك طرف‌آن یعنی‌طرفی که در ورودی بقعه درآن است، ایوان دارد. بام بقعه وایوان لت‌پوش است.

۵ ـ بقعهٔ تالش‌کول در دهکدهٔ تالش‌کول دیلمان. بقعه ایست چوبین و لت‌پوش.

۶ـ بقعهٔ خانم‌زبیده دردهکدهٔ تنگه رود دیلمان. بنائی است چوبین با بامی لت‌پوش.

۷ـ غار کاش‌کوه درپشت دهکدهٔ تالش‌کول دیلمان. غاری است که در میان بند وپرتگاهی است. ازراه میان‌سرای‌شیدان و بعد اسپهبدان، می‌توان بدان راه یافت. احتمال دارد در این غارآثاری از گذشته‌ای بسیار دور پیدا شود. رابینو از این غاریاد کرده است.[2]

۸ـ بشکفته‌سنگ، نزدیك دهکدهٔ ملومه[3] دیلمان. شکافی عمیق و طولانی درکوه است. چون طبیعی‌است،ازنظرآثرتاریخی اهمیت چندانی ندارد. شاید چاه نزدیك ملومه ارزش تاریخی داشته باشد.

۹ـ بقعهٔ زیارتگاه نزدیك دهکدهٔ زیارتگاه دیلمان.

۱ـ گیلان رابینو،ص ۲۸۹. ۲ـ گیلان رابینو، ص۲۸۳. ۳ـ بضم میم اول.

قبرستانهای قدیمی خاك دیلمان

۱ـ قبرستان قدیمی در مرادتپه نزدیك سیاکاربن.[۱] ازاین قبرها دستبند و گوشوارطلا ومجسمه‌های‌مار وسنگ‌پشت‌گلی و سفالین و گوزن سفالین، به‌دست آمده است.

۲ـ قبرستان قدیمی پیله‌شاه نزدیك دهکدهٔ پیله‌شاه دیلمان.

۳ـ قبرستان قدیمی اروشکی نزدیك دهکدهٔ اروشکی دیلمان.

٤ـ قبرستان قدیمی آقاسیدمحمد طرف شمال‌شرقی دهکدهٔ لنگل[۲] دیلمان. ازاین قبرها مجسمه‌های فلزی گوزن وکل (قوچ وحشی) ، بیرون آمده است .

٥ـ قبرستان قدیمی زرکول[۳] در شمال‌غربی دهکدهٔ آسیاب‌بر دیلمان . از این‌قبرها گوشوار وانگشتر طلا، کشف شده‌است.

٦ـ قبرستان قدیمی ایشه‌کوه در شمال دهکدهٔ ایشه‌کوه دیلمان . از این قبرستان مجسمهٔ کل سفالین ، درآورده‌اند.

۷ـ قبرستان قدیمی لورتخت[۴] نزدیك دهکدهٔ لور دیلمان.

۸ـ قبرستان قدیمی در شمال دهکدهٔ لور دیلمان . از این قبرها مجسمهٔ قورباغه ، گوزن فلزی ، قمه و تیروکمان به‌دست آمده است.

۹ـ قبرستان درسوگل[۵] در شمال‌شرقی دهکدهٔ قشلاق دیلمان . ازاین قبرها جامهای شیشه‌ای بورین به‌قطر ۰٫۱ سانتیمتر، به‌دست آمده‌است.

۱۰ـ قبرستان قدیمی در محمد سالار نزدیك دهکدهٔ سیاکاربن دیلمان . از این قبرها مجسمهٔ گوزن گلی و کاسه‌های گلی ، پیدا شده است .

۱۱ـ قبرستان قدیمی در سیاه‌کوه دیلمان . برای رسیدن به‌این قبرستان ازامام[۶] به خوش‌خنی وازآنجا به سیاه‌کوه می‌رود .

۱ـ بضم باء. ۲ـ بفتح لام وضم گ ف. ۳ـ بفتح زاء. ۴ـ بکسرراء.
۵ـ بضم سین وگاف. ۶ـ بضم الف اول.

۱۲ـ قبر باباملحد سر راه سیاهکل به دیلمان میان راه کاروانسرای سرداب تا فیکورسر. محتمل‌است اینجا گور یکی‌ازسران اسماعیلی‌باشد.

۱۳ـ قبر باباملحد در سمت جنوب بقعهٔ باباولی دیلمان. اینجا نیز ممکن است گوریکی ازبزرگان اسماعیلی باشد.

۱٤ـ قبرستان قدیمی درسمت جنوبی بقعهٔ باباولی که به قبرستان باباملحد معروف است. ازاین قبرستان سپروشمشیر بیرون آورده‌اند.

۱۵ـ قبرستان قدیمی در یهودی‌محلهٔ‌دیلمان. فعلا از یهودیان و بناهای ایشان‌آثاری برجای نیست. سنگهای ساختمانی دراراضی این‌محلهٔ قدیمی، بسیار است. این سنگها طبیعی است و تراشی ندارد. از کوه نقره‌کول با گنگ، آب بدینجا آورده بوده‌اند. سفال فراوان دراراضی اطراف دیده می‌شود.

۱٦ ـ قبرستان قدیمی خرساخانی[1] در دهکدهٔ دیلمان. از این گورها مجسمه‌های سفالین کل و گنج گاو (= گوزن) و بز کوهی، درآورده‌اند. در کوه مقابل این‌قبرستان گنگهای[2] زیاداست که دنبالهٔ آن به خرساخانی می‌رود. مسلماً روزی از این چشمه، آب بدینجا می‌آمده است.

گنگهائی که در صفحت دیلمان با آنها لوله کشی کرده‌اند به طول ۳٤ سانتیمتر وقطر دایرهٔ طرف گشاد آن ۱۳ وطرف تنگ آن ۹ سانتیمتر است.

تی‌تی کاروانسرا

برسر راه سیاهکل به دیلمان

برساحل راست رودخانهٔ شیم‌رود برسردوآب شیم‌رود وباباکوه،کاروانسرائی قدیمی ازسنگ رودخانه وآجروگچ غربالی، بنا شده است. بانی این‌بنا ظاهراً زنی به‌نام «تی‌تی»[3] است. درمیان زنان خندان سادات‌کیائی و اسماعیلوند، افرادی به‌نام تی‌تی بوده‌اند.

۱ـ بفتح خاء.

۲ـ «گنگ» بضم گاف اول و سکون نون و گاف دوم، نوعی تنبوشهٔ‌دراز و باریك است.

۳ـ «تی‌تی»درلهجهٔ گیلکی به‌معنی«شکوفه»است.

زنی به‌نام «سلطان تی‌تی» صندوق مزار میرشمس‌الدین را درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان ، ساخته است. درمحل معروف است‌که بانی این کاروانسرا عمهٔ شاه عباس به‌نام «تی‌تی»، بوده‌است . این بنده هیچگونه سندی دربارهٔ این زن نیافتم.

این‌کاروانسراکه فعلا درآبادی بالارود است ، هیچگونه استفاده‌ای ازنظر کاروانیان ندارد. ساکنان محل،گاو وگوسفند درآن جا می کنند.

دیوارهای خارجی‌این‌کاروانسرا به‌قطر۸۱سانتیمتر وتا ارتفاع۱٤۰سانتیمتر ازسنگ رودخانه باملاط‌گچ چیده شده‌اند، باقی دیواربا آجر و گچ غربالی است. (عکس‌شمارهٔ۳۷)آجرهائی‌که دراین‌بنا به‌کاررفته‌اندبه‌ابعاد۵ر٤ × ۵ر۱۹ × ۵ر۱۹و ۵ر٤ × ۲۰ × ۲۰ سانتیمتر است . عرض در ورودی کاروانسرا ۲۴۰ سانتیمتراست . ازاین در به‌فضائی سرپوشیده با طاقی مدورآجری، وارد می‌شویم.(عکس‌شمارهٔ۳۸) طرفین این فضا دوایوان است. میان هـریك از ایوانها مدخلی به اطاقهای طرفین است. ازاین فضای سرپوشیده که طول‌آن شش‌متر وارتفاعش تا زیرطاق، نیز شش متراست به‌حیاط کاروانسرا می‌توان رفت. وسط حیاط حوضی مدوربوده است که امروزاثرکمی‌ازآن‌باقی‌است.آب‌اردوچشمهٔ کاشکو ویکابرك[1] باگنگ به‌این‌حوض می‌آمده‌وبا طاق[2]اززیردر ورودی‌کاروانسر خارج‌می‌شده‌است.درچهارکنج‌کاروانسرا، چهار اطاق ۳×۳ متر است‌که درهای ورودی آنها، دارای مدخلی سرپوشیده و به‌شکل پنج‌ضلعی است‌که دوضلع بیرونی آنها درازتر ازسایراضلاع است.(عکس شمارهٔ ۳۹) مقابل درورودی ، درضلع دیگر کاروانسرا ، شاه‌نشین مانندی است که عرض دهانهٔ آن ٤متراست. دو در ورودی در طرفین این شاه‌نشین است که هریك به‌اطاقی که چسبیده به‌اطاقهـای کنجی‌است ، می‌رود . (عکس شمـارهٔ ٤۰) در ضلع شرقی و غربی کاروانسرا میـان اطاقهای زاویه، دومال‌بند است. شکل اصلی کاروانسرا مربع وهریك ازاضلاع آن ۲۰ متراست.

طاق‌فضای سرپوشیدهٔ متصل به در ورودی وطاقهای اطاقهای زاویه‌آجری و

۱ــ بفتح باء وراء.   ۲ــ مجاری‌فاضل‌آب زیرزمینی که طاق‌آن‌را باآجرمی‌زده‌اند.

مدوراست. طاق اطاقهای طرفین فضای سرپوشیدهٔ نزدیک در ورودی وطاق مال‌بندها وطاقهای شاه‌نشین و اطاقهای طرفین‌آن وطاقهای فضاهای جلواطاقهای زاویه جناقی زده شده است. (عکس شمارهٔ ۴۱)

کاروانسرای سرداب
سرراه سیاهکل به دیلمان

این کاروانسرای نسبةً قدیمی در دو فرسنگ و نیمی کاروانسرای تی‌تی است. ازبانی آن خبری در دست نیست. نزدیک کاروانسرا قهوه‌خانهٔ معموری برپاست ودرجوار آن‌چشمهٔ آبی‌گواراست. بااینکه چندین‌بار به‌عزم‌مطالعه وبررسی در راه سیاهکل به‌دیلمان رفتیم ولی موفق به‌عکسبرداری و اندازه‌گیری از این کاروانسرا نشدیم.

حمزاپرد
نزدیک کاروانسرای سرداب

برآب شیم‌رود نزدیک کاروانسرای سرداب وزیر دست‌آن، پلی قدیمی از ازآجر ساخته بوده‌اند که فعلا قسمتی ازپایه‌های آجری آن درطرفین رودخانه دیده می‌شود.

دژها و قلعه‌کوتیهای خاک دیلمان

«کوتی» در لغت دیلمی به معنی تپه است. دهکده‌های قدیم خاک دیلمان، به شکل قلعه بربالای این ارتفاعات ساخته می‌شدند. نزدیک دهکده‌های قدیمی که تا امروز برجایند، یك یا دوقلعه کوتی است. این قلعه کوتیها معمولا کنار رودخانه یا نزدیک به چشمه‌ای پرآب است و از چشمه‌هائی که دور بوده‌اند با کنگ، آب بدین قلعه‌ها آورده‌اند.

دژها بر قلل سنگی منفرد که معمولا اطراف آنها پرتگاه و بلند است، بنا شده و مستحکمتر از قلعه کوتیها ساخته می‌شد و برای دفاع آماده‌تر بود.

۱ـ کافر قلعه: در جنوب دهکدهٔ رشه کوه دیلمان که یک طرف سنگ کوه را تراشیده‌اند و بالای آن را قلعه ساخته‌اند.

۲ـ برج تله‌گلو:[1] سمت شمال دهکدهٔ آسیاب‌بر دیلمان. اطراف این برج را حفاری کرده‌اند، آب‌انبر مانندی بیرون آمده است.

۳ـ کافر قلعه: در دهکدهٔ عین‌شیخ دیلمان. آثاری نظیر حمام در آن باقی است.

۴ـ کافرکول: نزدیك دهکدهٔ سیاسر دیلمان.

۵ـ قلعه‌کوتی کومس (= کوه‌پس): در دهکدهٔ کومس دیلمان پشت دهکده، سرراه نوروزمحله.

۶ـ قلعه کوتی میکال: نزدیك دهکدهٔ میکال دیلمان.

۷ـ قلعه‌کوتی بالا و پائین: در دهکدهٔ قشلاق دیلمان. درطرف جنوب ده دو تپهٔ مجزا دریك رشته کوه است که برسر آن آثار بنا وسنگهای فراوان و سفالهای لعابدار، دیده می‌شود.

۸ـ کهنه خونه مقر[2]: تپه ایست درجنوب دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. آثار سفال فراوان براین تپه دیده می‌شود.

۹ـ شلان دورور: تپه‌ایست درنزدیکی دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. سفال شکستهٔ فراوانی دراطراف آن دیده می‌شود.

۱۰ـ زنگبارخانی: نزدیك دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان. دراطراف این چشمه سفال شکسته و آجرپارهٔ فراوان است.

۱۱ـ قلعه‌کوتی: دردهکدهٔ دیلمان. اطراف خرابه‌های این قلعه سفال شکستهٔ زیادی دیده می‌شود.

۱ـ بفتح تاء و گاف. ۲ـ یعنی مقروجای خانه‌های کهنه وقدیمی.

قبرستانهای قدیمی پیرکوه
در پیرکوه از دهکده‌های فاراب عمارلو
که از نظر آبریز جزء خاک دیلمان است

۱ـ بقعهٔ سوکوتی با قبرستان قدیمی آن، درجنوب دهکدهٔ پیرکوه.

۲ـ امامزاده سیدابوالقاسم با قبرستان قدیمی آن، در بهرنشین.

۳ـ قبرستان سرچل در بنه‌زمین دوکیلومتری پیرکوه.

٤ـ بقعهٔ کلك[1] با قبرستان قدیمی آن، درغرب پیرکوه.

۵ـ قبرستان قدیمی اشتهمرر درغرب کلك پیرکوه

٦ـ قبرستان وحمامی قدیمی درچاکرود پیرکوه.

قلعه‌ها وقلعه کوتیهای پیرکوه

۱ـ قلعهٔ قاسم‌چاك[2] در کلك پیرکوه.

۲ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام «سولاخ‌سنگ» درغرب پیرکوه.

۳ـ قلعهٔ کوتی دردهکدهٔ بنه‌زمین دوکیلومتری پیرکوه.

٤ـ قلعه‌ای قدیمی درخرپو[3] از دهکده‌های فاراب عمارلو.

۳ـ آثار و بناهای تاریخی سیاهکل
بقعهٔ آقاسیداسماعیل و آقاسیدابراهیم فرزندان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

بنای اصلی بقعه اطاقی است با دیوارهای آجری به‌طول ۵۲۵ و عرض ٤۵۵ سانتیمتر. در ورودی بقعه شمالی وبه‌بلندی ۱۷۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتراست. بر در ورودی این عبارات را ابتدا ازچوب بیرون آورده وبرروی در چسبانیده‌اند:

بر لنگهٔ سمت راست:

۱ـ بفتح کاف ولام. ۲ـ بکسر میم. ۳ـ بفتح خاء و راء.

«یاقاضی‌الحاجات یارفیع‌الدرجات.»

«یامفتح‌الابواب یامسبب‌الاسباب.» (عکس شمارهٔ ۴۲)

بر لنگهٔ سمت چپ:

«یاولی‌الحسنات یغافر.»

«یامفتح‌الابواب یامسبب‌الاسب.» غلط حاك شده .(عکس شمارهٔ ۴۳)

درسه جهت اصلی دیگر نیز سه در ورودی است وبالای این درها پنجره‌های مشبك چوبین تعبیه شده است .

دوصندوق چوبین قدیمی درامتدادهم دراین اطاق است . (عکس شمارهٔ ۴۴) میان این‌دوصندوق راهرو مانندی است که درطرف شرقی‌آن در ورودی ودرغرب پنجره‌ای مشبك بدپهنای۹۳ و بلندی ۲۰۰ سانتیمتراست . (عکس‌شمارهٔ ۴۵)

مجموع اینها دارای سقفی واحد مشبك و گهواره‌ای است . طول صندوقها ۳۳۰ وعرض‌آنها ۲۲۸ وارتفاعشان۱۱۲ سانتیمتر ، وارتفاع قسمت سقف گهواره‌ای‌ـ شکل ۱۰۸ سانتیمتراست. پایه‌هائی‌که طاق برآنها استواراست، درعرض صندوقها می‌افتد . درشرقی دولنگه‌ایست و عرض چهارچوب دولنگه از داخل ۵۲ وارتفاع آن ۱۰۶ سانتیمتر است. بر چهارچوب بالای در راهروی میان دوصندوق ، این عبارات باخط خوش نسخ ومرکب نوشته شده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هر که درین روضه درآید بصدق

هست دعایش به یقین مستجاب

هر کس که بدرگاه توآید به نیاز

محروم زدرگاه تو کسی گردد باز

العبدالمذنب‌الاحقر محمدسعید دیلمانی .»

بر لنگهٔ سمت راست این عبارات با مرکب نوشته شده است:

«تاریخ وفات محمدحسین بیك فرزند مرحوم کلوبك(؟) در روزدوشنبه

بیست و هشتم جمادی‌الاول سنه ۱۱۳۷.»

کتیبه‌ها و کنده‌کاریهای صندوقها نیز مانند درها نوعی تازه است. یعنی کتیبه‌ها و نقشها را قبلا کنده و تهیه کرده‌اند و سپس روی بدنهٔ صندوقها چسبانیده‌اند.

کتیبهٔ صندوق شمالی بدین شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هم محمد رضا و والد او عامل این ضریح با برکات

کرد صادق سؤال تاریخش گفت . . . . . . تاریخات

کردگارا بحرمت شهدا بندگانرا برآوری حاجات

خاصه بر مؤمنان صاحب‌خبر روز محشر [ممندراه] نجات

از تواریخ هنر فزودیك (؟) بر محمد و آل او صلوات

کتبه محمد لاریجانی عطاء دیلمانی سنه ۱۱۱۵.»

دروسط بدنهٔ جنوبی صندوق شمالی، آیاتی از کلام‌الله‌مجید بداین شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس ـ تا ـ تنزیل عزیز رحیم. والله لااله‌الا هو الحی‌القیوم ـ تا ـ هو العلی‌العظیم.»

بر بدنهٔ شمالی صندوق جنوبی، آیتی از قرآن مجید بداین شرح است:

«نادعلیاً مظهرالعجایب تا یاعلی یاعلی یاعلی.» (عکس شمارهٔ ٤٦)

دروسط:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم. تا علی صراط مستقیم.»

بالای سطر دست راست افقی بخط ریزتر ازمتن، چنین نوشته شده‌است:

«این مشهد منور سادات‌العظام سیدکیامکی معمور ساخته است.»

قسمت پائین:

«عمل استاد میرحسن درتاریخ سنه احدی خمسین وتسعمایه.»

میان سقف بقعه سرکشی (=حمالی) کشیده و واشانها را برروی دیوارها و این سرکش استوار کرده‌اند. روی واشانها پلکوبی با درزپوش است.

چهارطرف بقعه ایوان دارد. جلوهریك ازایوانها، هشت ستون باسرستون است لبهٔ بام چهارپشته است. طاق ایوانها، واشانکشی واز رو پلکوبی بادرزپوش است طول ایوانها ۸/۸۰ متروعرض آنها ۲۱۰ سانتیمتراست لبهٔ ایوانها تکائل مشبك ودر ورودی ایوان نیزمشباك است.

بنای بقعه درجنگلی ازدرختان کیش وآزاد است. علمبندی بقعه شب اول محرم و علم واچینی روزعاشورا بعداز ظهراست. اطراف بقعه قبرستانی است که سنگهای قبورآن مؤخربرسال ۱۲۰۰ ه. ق. است. پارهای ازآنها بدین شرحاند :

«وفات مرحوم مغفورمبرور آقامحمدحسین ولدمرحوم احمدآقانارزی فی۶رمضان ۱۲۱۳. نشانهها : مهر،تسبیح ، شانه ، انگشتر و رحل.»

«وفات مرحوم کربلائیقربان ولد مرحوم شمسی ۱۲۲۰. نشانهها : مهر وتسبیح.»

«وفات مرحوم حاجیبابا ولد مرحوم کربلائینصیرصفیآبادی ۱۲۲۱. نشانهها : مهر، تسبیح وشانه.»

«وفات مرحوم میرزاهاشم ولد مرحوم برخورداربیك دیلمانی ۱۲۲۹. نشانهها : مهر، تسبیح ، انگشتر، شانه ، قلمدان واسب.»

بقعهٔ پیله همشیرهخانم[1]

درهمین محل بقعهٔ دیگری بهنام پیله همشیرهخانم یعنی همشیرهٔ بزرگ ، است. اطاقیاست زگالی باصندوقی چوبین بزرگ دروسط. سقف بقعه واشانکشیو پلکوبیاست. چهارطرف بقعه ایوان دارد. سقفایوانها نیز واشانکشیاست وبعضی قسمتهایآن پلکوبی با درز پوش است. هرایوان هفت ستون چهارسو با سرستون دارد. لبهٔ بام دوپشته و بامبنا، سفالسراست. سه سرداب عظیم در اینبقعه است.

۱ـ «پیله» درلهجهٔ گیلکی بهمعنی «بزرگ» است.

بقعهٔ کوچه همشیره[۱]

بقعهٔ کوچه‌همشیره یعنی همشیرهٔ کوچك، بنائی ساده و گلی است. ایوانی جلو در ورودی است. لبهٔ بام پره‌ای وبام آن سفال‌سراست. این بنا درمیان‌جنگلی از درختان کیش است.

بقعهٔ سیدابو نصار بن موسی بن جعفر علیهما السلام دردهکدهٔ پائین مالفجان سیاهکل

بنای اصلی زگالی وشامل یك اطاق و چهار ایوان است . صندوقی بزرگ سدهٔ تخته‌ای در وسط اطاق است. چهار طرف ایوان دارد و هر ایوان دارای شش ستون هشت‌ضلعی با سرستون است . تکائل ایوان تخته‌ای است . سقف ایوانها و بقعه واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی به درزپوش است . لبهٔ بـام سه‌پشته و بام سفال‌سر است درورودی ایوان وبقعه، شمالی است وپنجرهٔ کوچکی طرف شرق بقعه دارد. این بقعه میان انبوهی ازدرختان کیش و آزاد است. محیط یکی از درختان کیش ۱۲۵ سانتیمتر بود.

بقعهٔ آقاسیدبازو

در بالامحلهٔ مالفجان سیاهکل

بنای اصلی بقعه اطاقی زگالی است که چهارطرف آن ایوان دارد. هرایوان دارای پنج ستون چهارسو به سرستونهای قدیمی است . صندوقی سادهٔ تخته‌ای، در میان اطاق است . سقف بقعه واشن‌کشی و پل‌کوبی است . سقف ایوانها پل‌کوبی ندارد . سراسر بام لت‌پوش است . بنای بقعه درمیان جنگل انبوهی از درختـان کیش وآزاد کهنسال است . علم‌بندی این بقعه سوم محرم و علم‌واچینی شب قتل امام‌حسن‌علیه‌السلام یعنی عصر بیست‌وهشتم صفر، است .

۱ــ «کوچه» درلهجهٔ گیلکی به‌معنی «کوچك» است.

بقعهٔ آقاسیدمحمد بن امام موسی الکاظم علیه السلام در بالامحلهٔ مالفجان سیاهکل

این بنا بر سر بلندی و مسلط بر بیجارهای اطراف است. بنای اصلی، اطاقی زگالی است که سه طرف شرقی و شمالی و جنوبی ایوان دارد. هریك از ایوانها داری هفت ستون چهارسو است. لبهٔ ایوانها، تکائل کوتاه مشبك است. صندوقی چوبین وساده درمیان اطاق، قبر سیدمحمد را پوشانده است. در ورودی بقعه شرقی است وازطرف غرب پنجره‌ای دارد. سقف اطاق واشان‌کشی وپل‌کوبی است. سقف ایوانها فقط واشان کشی است. لبهٔ بام دارای شیرسر و سه‌پشته است. سراسر بام سفال‌پوش است. بنای بقعه در میان جنگلی ازدرختان کیش و آزاد است. علم‌بندی این بقعه سوم محرم و علم‌واچینی آن عصرعاشوراست.

بقعهٔ آقاسیدرضا بن امام موسی الکاظم علیه السلام در بالامحلهٔ مالفجان سیاهکل

بنائی ساده باایوانی جلو در ورودی است. این ایوان شش ستون باسرستون دارد. سقف بقعه و ایوان واشان کشی و پل‌کوبی است و روی پلها را درزپوش کوبیده‌اند. وسط اطاق بقعه را سرکشی (= حمال) کشیده وبرریك ستون هشت‌ضلعی‌استوار کرده‌اند. بقعه درمیان جنگلی ازدرختان‌کیش وآزاد است. علم‌بندی این بقعه دوم‌محرم و علمواچینی آن عصر عاشوراست. سنگ قبری مورخ ۱۲۲۹ـ هـ. ق. دراین بقعه دیده شد.

بقعهٔ آقا پیله آقا درده‌کدهٔ بیدرون سیاهکل

شامل بنائی سادهٔ زگالی است که دوطرف جنوبی و شرقی آن ایوان دارد. هرایوان دارای پنج ستون چهارسو با سرستونهای قدیمی است. لبهٔ ایوانها تکائل مشبك دارد. در ورودی بقعه کوچك وجنوبی است. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی

است. این بقعه درمیان جنگلی درختان کهنسال کیش و چهار اصله درخت آزاد قطور است.

بقعهٔ آقاسیدمحمدصالح و آقاسیدسلطان‌حسین پسران امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام در لمش مهربن[1] سیاهکل

بنای اصلی شامل طاقی است به‌ابعاد ٤×٥ متر باخشت ودیوارهای کاهگلی. صندوق چوبین تخته‌ای دروسط است‌که ضریحی مشبک چوبین به‌طول ۲۵۰ و عرض ۲۲۰ وارتفاع ۱۸۰ سانتیمتر اطراف آن است. میان اطاق سرکشی (= حمالی) ترش‌دار برروی دو ستون چوبی بزرگ سرستون‌دارهشت‌ضلعی زیبا، استوار است. سقف بنا واشان‌کشی وپل‌کوبی است ودرزپوشها شکاف پلها را پوشانده است. چهار طرف بقعه ایوان دارد. ازایوانهای شرقی‌وشمالی، دو دربه‌بقعه بازمی‌شود. (عکس شمارهٔ ٤۷) دیوارغربی بقعه پنجره‌ای به‌ایوان غربی دارد. هریک ازایوانهادارای هفت ستون چهرسوی سرستون‌دار است. در ایوان شمالی، دوستون بزرگتر از سایرستونها است ولاچ‌انگری مارپیچ راست بدچپ است. سقف ایوانها واشان‌کشی است ومتکی بردوشیرسراست. پل‌کوبی ولهٔ بام‌آنها سه‌پشته وسراسر بام، سفال‌سر است. جلوچهار ایوان، تکالل تخته‌ای است. علم‌بندی این بقعه دراول محرم و علم‌واچینی بعضی سالها هفتمین روز پس از قتل حضرت سیدالشهدا وبعضی سالها سرمحصول است.

دراطراف بقعه یکی دوسنگ مورخ بداین شرح بود:

«وفات‌محمدقاسم ولدملانصرالله ۱۲۲۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، سرو و دوپرنده بردوطرف سرو.»

«وفات مرحوم‌حسین ولدمرحوم حسن‌خان۱۲۲۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح،

۱ــ «لمش» بفتح لام وکسر میم وبا صورت اضافه به«مهربن». و «مهربن» بکسرمیم و راء و ضم باء تلفظ می‌شود.

شانه و خنجر.»

«هذا المرحوم صفر ولد چراغعلی ۱۳۳۰. نشانه‌ها : مهر و شانه.»

قلعهٔ لمش
نزدیك دهکدهٔ لمش

بر بالای قله‌ای منفرد ، آثار قلعه‌ای قدیمی است . امروز محل قلعه و اطراف آن را جنگلی عظیم پوشانده است. (عکس شمارهٔ ۴۸)

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ ازبرم[۱] سیاهکل

بنای اصلی بقعه ازخشت وطول آن‌ازخارج ۶۲۰ وعرض آن ۵۸۰ سانتیمتر است. صندوقی تخته‌ای ساده در وسط و ضریحی مشبك مورخ صفرالمظفر ۱۳۲۰ـ ه.ق. آن را احاطه کرده است . (عکس شمارهٔ ۴۹) درازای این ضریح ۲۴۹ و پهنا ۱۴۹ و بلندی ۱۴۶ سانتیمتر است و سقفی افقی دارد . این ضریح ساخت استادمیرزا ابراهیم‌خلخالی شاگرد ملاهادی دیلمانی است . در ورودی بقعه در ایوان شمالی باز می‌شود و بردیوارهای شرقی وغربی بقعه دوپنجرهٔ مشبك است.

چهارطرف بقعه ایوان است . هرایوان دارای هشت‌ستون چهارسو است . میان ستونهای ایوان شمالی دو عدد لاچلنگری درطرفین در ورودی ایوان است. سقف بقعه وایوانها ، واشن‌کشی وازرو پلکوبی‌است . واشنهای ایوان‌که بردیوار بقعه می‌افتند برشیرسر دوپشته‌ای استواراند. لبهٔ بام ایوان سه‌پشته وعرض هریك از ایوانها ، دو متر است . سراسر بام بقعه و ایوانها سفالسراست. تکثال جلو ایوانها مشبك‌کاری است . زیر بنای اصلی سه ردیف سرداب است که جسد مردگان را با کفن در آنها می‌گذارند و سپس در سرداب را می‌چینند . درمحوطهٔ ایوان جسد مردگان را در صندوق می‌گذارند و دفن می‌کنند . علم‌بندی این بقعه روز

۱ــ بکسر الف وسکون زاء وفتح باء و راء .

سوم محرم و علمواچینی پس از برداشت محصول است . بقعه درمیان جنگلی از درختان کیش و آزاد قراردارد .

سنگ قبری دراین بقعه است که بر آن عبارات زیر خوانده می‌شود:

«وفات مرحوم میرزاحسن ولد عالیجناب آخوند ملااسمعیل‌تحریر آفی ذیقعده سنه ۱۲۲۳. نشانه‌ها : مهر،تسبیح ، انگشتر ، شانه ، رحل و قلمدان.»

قلاکوتی کلدم‌سرا ۱

برسر کوهی به نام کلدم‌سرا در چهارکیلومتری سیاهکل

برسر قلهٔ کلدم‌سرا آثار قلعه‌ای قدیمی است . برای رسیدن به‌این‌کوه از سیاهکل به‌مهربن وشب‌خسب‌لات(=شاغوزلات) و کلدم‌سرا می‌روند . ازاین قلعه پدیهٔ برجی ازسنگ وآب‌انباری مربع شکل ازآجر وملاط ساروج که طاق آن فروریخته است . برجای است . برخرابه‌های قلعه درختان عظیم روئیده است .

قلاکوتی کلام‌سر ۲

قلعهٔ‌کلام‌سر بر بالای پشته‌ای به نام کرف‌پشته[۳] است . بالای آن پایه‌های بنائی ازآجر و ملاط ساروج دیده می‌شود . آثارسمجی دویل که فرارگاه قلعه بوده‌است، برجای است. دردامن پشته، چشمه‌ای به‌نام «گلزارچشمه» یا«لارچشمه» است . اهلی نزدیك به‌چشمه ازآب آن استفاده می‌کنند. درمحل معروف بود که این قلعه یکی از کاخهای خان‌احمدخن گیلانی است .

دزدك ۴

نزدیك چای باغ اکبرخان پرتوی

بربالای کوهی مخروطی شکل قلعه‌ای به نام «دزدك» است . بنهای این

۱ــ «قلا» شکل دیگری ازقلعه و«کوتی» به‌معنی‌تپه‌است. «کلدم» بضم کاف وسکون لام و ضم دال. ۲ــ «کلام» به‌ضم کاف به‌معنی«ساختمان گالش‌نشین»است . ۳ــ «کرف» بفتح کاف و راء ودر بیه‌پس گیلان «خرف» بفتح خاء و سکون راء به معنی«سرخس» است.
۴ــ «دزدك» به‌ضم دال وسکون زاء وفتح دال دوم به‌معنی «قلعهٔ کوچك»است .

قلعه از آجر وساروج بوده است .

کل‌نادم[1]
در کیش‌محلهٔ سیاهکل

برسر راه سیاهکل به‌دیلمان ، درجنوب توشی، برقله‌ای‌که مسلط به‌رودخانهٔ شیم‌رود است ، مزار کل‌نادم است . زیر این مزار داخل کوه ، سه‌آب‌انبار قدیمی است که هنوز پر از آب است .[2]

سید ظهیرالدین در دو مورد برسر راه لاهیجان به‌دیلمان ، از قریهٔ کلینادان یاد می کند. درمورد دوم ، این قریه را جزءِ خاك گوکه می‌داند .[3]

زیارت دستخط امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ کلام‌سر[4] سیاهکل

بنائی‌است دوطبقه وچوبین.(عکس‌شمارهٔ ۵۰) در ورودی بقعه ساده‌و تخته‌ای است که به اطاق طبقهٔ اول بازمی‌شود . بالا وپائین دیوارهای این اطاق تخته‌کوبی است و میان آنها درچهار دیوار ، پنجره‌های چوبی مشبك است . از طبقهٔ اول با نردبانی‌که درغرب اطاق است به‌طبقهٔ دوم می‌روند . طبقهٔ دوم اطاقی است مربع به‌ابعاد ۲۴۵ سانتیمتر. چهارطرف ایوانی به‌عرض ٦۵ سانتیمتردارد . ایوان‌شرقی و شمالی هریك دارای چهارستون چهارسو باسرستونهای ساده و ایوانهای جنوبی و غربی نیز هریك چهارستون دارد . یکی از ستونهای ایوان جنوبی هشت‌ضلعی و ستون دیگری تراش‌داراست . چهارستون ایوان غربی لاچلنگری است.دوستون لاچلنگری شکسته ویك ستون مارپیچ راست به‌چپ است . طبقهٔ دوم برروی چهار ستون چوبی قطور که دارای تراش است ، استوار است . درمیان اطاق طبقهٔ دوم صندوقی‌چوبین به‌درازای٦٦ وپهنای٤٤ و بلندی٤٥سانتیمتراست. می گفتندقرآنی

۱ــ بفتح کاف وکسر لام و دال . ۲ــ گیلان دابینو،ص ۲۸۵ . ۳ــ تاریخ گیلانو دیلمستان، ص۴۳۲ و۴۴۶ . ۴ــ بضم کاف وفتح سین .

کوفی به خط حضرت امام زین‌العابدین در این صندوق است . نگارنده برای باز کردن و دیدن صندوق به‌مخالفت متولی روبرو شد که با کمك ژاندارمری سیاهکل، درصندوق را گشود . متأسفانه ازقرآن قدیمی نشانی نیافت وبه‌جای آن قرآنی به‌خط نسخ متوسط دیده شد . کهن‌ترین تاریخ پشت قرآن تاریخ تولد یکی از فرزندان خانوادهٔ صاحب قرآن مورخ ۱۲۰۸قمری بود . برای استمطار ، صندوقی که قرآن درآن بوده است ازاینجا به‌بقعهٔ دیگری می‌برند و،گر باابودن در آن بقعه باران نیامد ، باز به‌بقعهٔ دیگری نقل می کنند . بنای چوبین زیارت دستخط درمحوطهٔ وسیعی است که درختان آزادکهنسال برآن سایه انداخته است . مراسم علم‌بندی زیارت دستخط اول محرم ومراسم علم واچینی عصر عاشورا برپا می‌شود.

بقعهٔ آقاسید احمدبن موسی‌بن‌جعفر علیهماالسلام در دهکدهٔ فشتال سیاهکل

بنای‌اصلی‌بقعه شامل‌اطاقی‌است‌که ازداخل به‌ابعاد۳۷۰سانتیمتر است. دراین اطاق‌صندوقی‌است‌که‌آن‌راضریح‌مشبکی‌احاطه‌کرده‌است. درازای‌ضریح ۲۱٤ و پهنا ۱۲۰ و بلندیش ۱٦۵ سانتیمتراست . بالای ضریح باز و بدون سقف وپوشش است . برچهاردیوارداخلی‌نقاشیهای‌مذهبی ودر زیراین‌نقاشیها اشعاری ازهفت‌بند محتشم کاشانی‌است. در ورودی درایوان شمالی‌است. چهارطرف‌بقعه‌ایوانهائی‌به‌عرض ۲۱۰ سانتیمتر است . هرایوان هشت ستون سدهٔ چوبین باسرستون دارد . جلو ایوان تکائل بند تخته‌ای است . سقف اطاق بقعه لمه‌کوبی‌ساده بدون درزپوش و سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. مراسم علم‌بندی این بعقه دوم محرم‌الحرام ومراسم علم‌واچینی سوم امام یا روز سیزدهم محرم است . این بقعه علم دیگری دارد که روز بیست وهشتم ماه صفرکه روز قتل امام حسن علیه‌السلام است ، وامی‌چینند . سه‌اصله درخت‌آزاد کهنسال درمحوطهٔ بقعه است که زنجیر بست ، به‌آنهاکوبیده شده بود.

سنگ قبر زیر در این بقعه دیده شد :

«وفات مرحومه فاطمه بنت پنجعلی[1] ۱۲۳۲.»

بقعهٔ آقاسید محمد و آقاسید محمود پسران امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لشکریان سیاهکل

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است آجری که از خارج به‌طول ۵۶۰ و عرض ۳۹۰ سانتیمتر است . دری شرقی و دری جنوبی دارد . هردو در ورودی ، دولنگه و منبت‌کاری دارای شمسه‌های خورشیدی‌است (عکس شمارهٔ ۵۱) چهارطرف بقعه ایوان دارد . هر ایوان دارای هفت ستون چوبی چهارسو با سرستونهای ساده‌است . سقف بقعه وسقف ایوانها، واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش‌است. لبهٔ‌بام ، دوپشته و بام‌بنا، سفال سر است . صندوقی تخته‌ای ساده درمیان اطاق است که اطراف آن را ضریح مشبک نسبتاً قدیمی احاطه کرده است. طول ضریح ۲۲۵ و عرض ۱۳۰ وارتفاع ۱۴۰ سانتیمتراست. سقف ضریح گهواره‌ای وارتفاع آن ۶۰ سانتیمتراست. بردیوار ایوان، اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی و تاریخ ۱۲۸۰ هـ . ق . دیده می‌شود . علمی با رنگ و روغن روی دیوار کشیده‌اند.(عکس شمارهٔ ۵۲) مراسم علم‌بندی ، در بقعه روز اول محرم و مراسم علم واچینی آن روز سیزدهم محرم که سوم امام است، برپا می‌شود . بنای بقعه داخل جنگلی از درختان کیش کهنسال است

بقعهٔ سیدابراهیم وسیداسماعیل پسران امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ برفجان[2] سیاهکل

بنای قدیمی بقعه را خراب کرده و بنائی نوساز وسیع به‌جای آن ساخته شده‌است .

۱ــ یعنی پنجه‌علی .	۲ــ بفتح فاء .

کهنه حمام
در دهکدهٔ برفجان سیاهکل

نزدیک بقعهٔ سید ابراهیم وسیداسماعیل حمامی قدیمی است که خرابه‌های آن برجای است. تاریخ بنا وقدمت آن معلوم نشد.

بقعهٔ آقاسید نجف‌الدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در پائین محلهٔ چوشل سیاهکل

بنای فعلی بقعه نوساز وآجری است. چهار طرف ایوان دارد. ازهرایوان دری به‌بقعه باز می‌شود. هرایوان نه‌ستون چهارسوی ساده، بدون سرستون دارد. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی وسقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام سراسر بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ آقاسید قاسم
درخورتو چوشل سیاهکل

بنای اصلی بقعه سکتی[1] واطاقی است که چهارطرف ایوان دارد. در ورودی بقعه درایوان شرقی است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. ایوانها دارای ستون چهارسو وتکائل تخته‌ای است. سقف اطاق واشان‌کشی و پل‌کوبی و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام سراسر بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ آقا سیدخلیل
در بالامحلهٔ چوشل سیاهکل

بنای اصلی بقعه سکتی وشامل یك اطاق است. چهارطرف ایوان دارد. در ورودی بقعه درایوان شمالی است. ایوانها دارای ستون چهارسو و تکائل تخته‌ای است. سقف‌اطاق واشان‌کشی وپل‌کوبی وسقف ایوانها واشان‌کشی است. سرسر بام بنا، لت‌پوش است.

۱ــ بفتح سین وکاف.

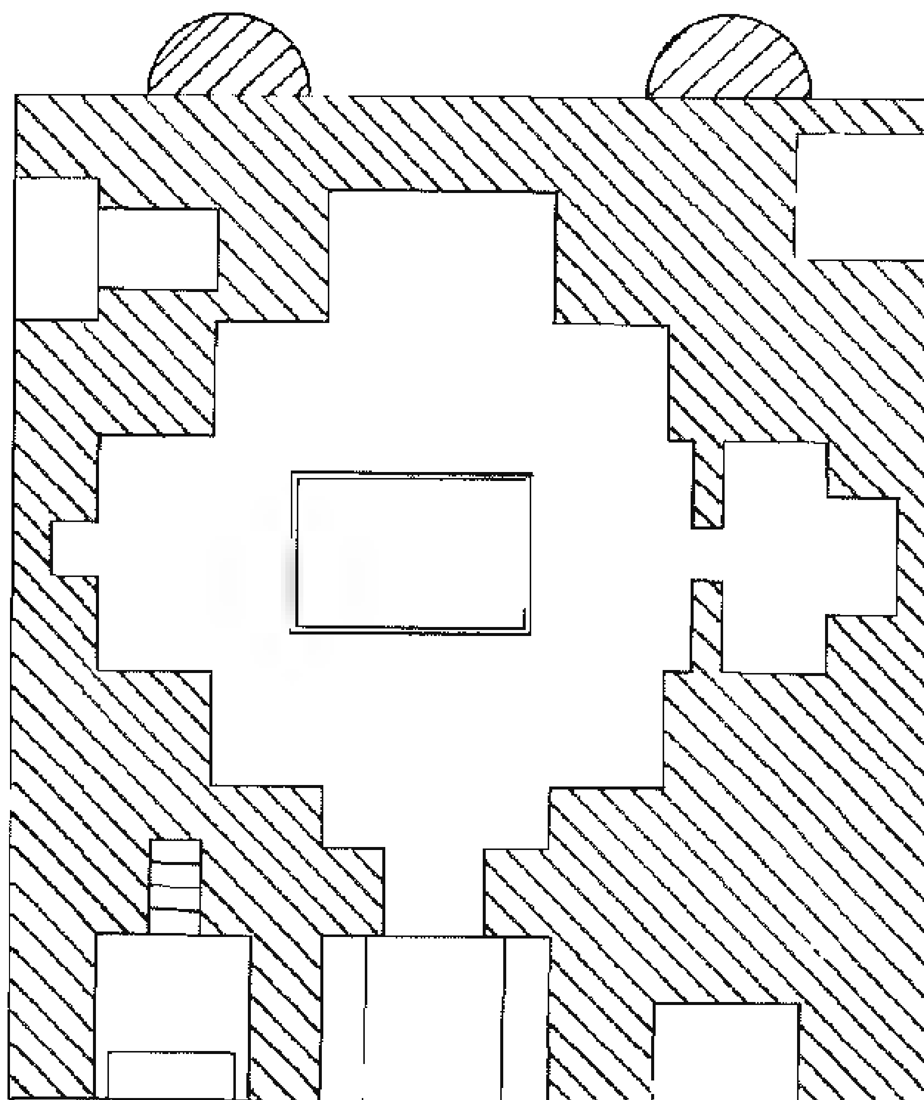
بقعهٔ آقا سیدقاسم
در روراور[1] چوشل سیاهکل

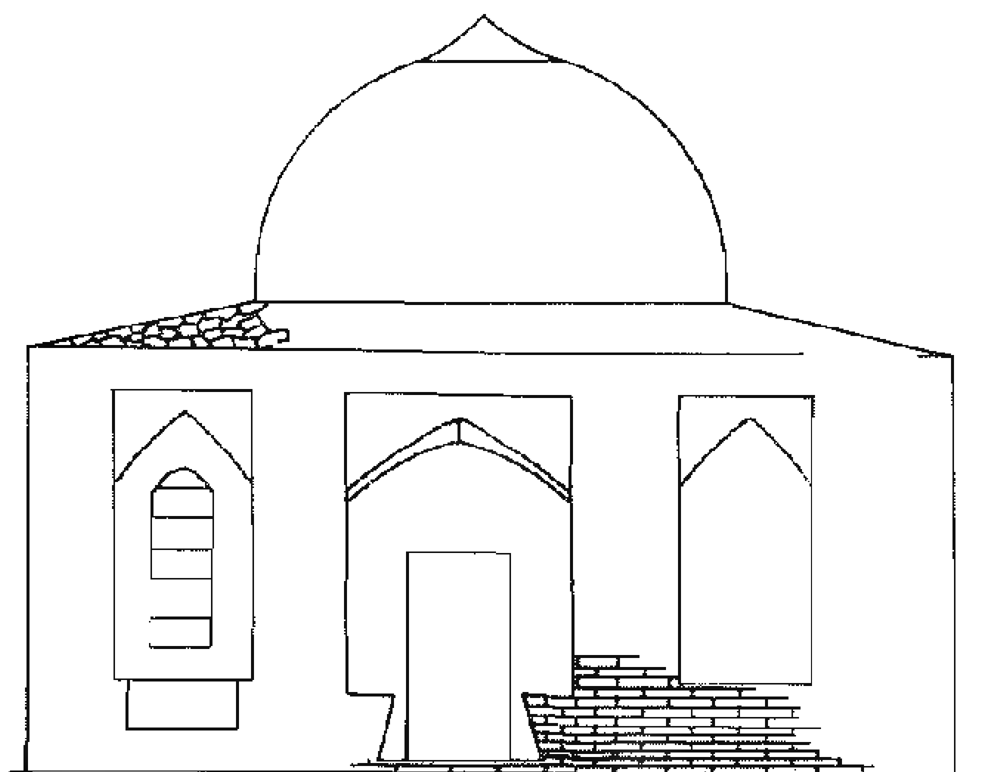
بنائی است نوساز و شامل اطاقی است که سه طرف آن ایـوان دارد طرف غربی‌بدون ایوان است. ایوانها دارای ستون چهارسو و تکائل مشبك است. سقف اطاق واشان‌کشی و پل‌کوبی و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. سراسر بام بنا، لت‌پوش است. این بقعه درمیان درختان عظیم‌کیش و آزاد قراردارد.

باقی بناها و آثار تاریخی خاك سیاهکل

۱ـ بقعهٔ آقا سیدحسین بن‌امام موسی‌الکاظم در بیدرون سیاهکل.
۲ـ بقعهٔ آقاسیدحسین در کته‌شست‌آبادان سیاهکل.
۳ـ بقعهٔ آقا سیدحسین درباز ارده.
٤ـ بقعهٔ آقا سیدمصطفی بن عبدالله بن محمد حنفیه درشیکاش.
۵ـ سه‌سر داب دربقعهٔ آقا دوبرادران درسیاهکل محلهٔ سیاهکل.

۱ـ Rowrâvar





بقعة تورار

بخش هیجدهم

۱- جغرافیای تاریخی لاهیجان

لاهیجان قدیمی‌ترین ومهمترین بخش گیلان است . ازشمال به دریای خزر ، ازمشرق به لنگرود و رانکوه ، ازجنوب به‌سمام ودیلمان، ازجنوب‌غربی به‌سیاهکل، ازغرب به سفیدرود و موازی ولشتنشاه ، محدود می‌شود . بیشتر اراضی آن دشت و سهل است . فقط چند کوهی درجنوب آن دیده می‌شود . درازای خاك آن ، ازشمال به‌جنوب ، یعنی از مصب قدیمی سفیدرود تا سرلیل ، چهل‌و چهارکیلومتر وپهنای آن از شرق به‌غرب ، یعنی از کیسم به دزبن ، بیست‌و پنج‌کیلومتر است .[1]

شهر لاهیجان زیباترین شهر شمالی ایران است . این شهر در کنارهٔ راست رودخانهٔ لنگرود (= لاهیجان رودخانه) و درچهل‌و پنج کیلومتری مشرق رشت‌و دوازده کیلومتری لنگرود، بنا شده است . ارتفاع این شهرازسایرشهرهای‌گیلان‌و شمال ایران بیشتر است و چون اطراف آن باز است ، هوایش بهتر از سایر نقاط گیلان است . حمدالله مستوفی ، در قرن هشتم می‌نویسد «لاهیجان شهری بزرگ است و دارالملك جیلانات ، آبش از جبال بر می‌خیزد وحاصلش برنج‌و ابریشم و اندك غله می‌باشد ونارنج‌و ترنج ومیوه‌های گرمسیری فراوان دارد .»[2] این‌شهر، روزی مهمترین شهرگیلان ومرکز اصلی اراضی دشت و سهل بوده است .

۱- گیلان رابینو ، ص ۲۹۱ .	۲- نزهة‌القلوب ، ص ۱۶۳ .

بنا بر روایات قدیمی ، این شهر به دست «لاهیج‌بن‌سام‌بن‌نوح» بناشده‌است . درایام گذشته ، به‌نام «دارالاماره» یا «دارالامان» و سپس به‌نام «لاهجان المبارک» خوانده‌اند . این شهر ، در سال ۷۰۵ هـ . ق . به دست اولجایتو فتح شد و در سال ۸۰۶ هـ . ق . امیر تیمور ، امیر شیخ ابراهیم را به گیلان فرستاد . امیران گیلان از توجه شاهزاده بالشکریگران، خبردار شدند . تحف و هدایای زیاد به‌خدمت تیمور فرستادند . وسید رضای کیا[1] که تواناترین امیران بود ، نزد تیمور رفت‌و قبول مالیات گیلان را کرد . مال گیلان در این وقت ، پانزده هزار من ابریشم و هفت هزار اسب و سه هزار دینار کپکی بود . از مالی که به سیدرضای کیا و امیر محمد رشتی می‌رسید ، ثلثی را به سیدرضا بخشید ومحصلان را دستور داد ثلث‌مال را مطالبه نکنند .[2] پس از امیر تیمور سیدامیرکیا ــ از سادات کیائی ــ بر شهر لاهیجان دست یافت . وپس ازسقوط سلسلهٔ کیائی ، حکام صفوی بیه‌پیش ، در آنجا جای گزیدند .

این شهر در دوران زندگی خود گرفتار زمین لرزه‌ها ، آتش سوزیها ، طاعونها و امراض ساری دیگر بوده است .

سیدظهیرالدین می‌نویسد که در زمین‌لرزهٔ سال ۸۹۰ هـ . ق . این شهر قربانی زیاد نداد ، اما حرکت زمین در این شهر شدید بود .[3]

درسال ۹۰۸ هـ . ق . ، لشکریان امیره‌حسام‌الدین‌فومنی ، این شهررا غارت کردند . غنایم ایشان ، شامل نقدینه و جواهر و ابریشم و اسب و قاطر و ظروف مسی وکاسه‌های چینی و قرآن و سایر کتب بود . پانصد تن زنان و دختران‌جوان نیز به دست لشکریان افتاد که بعداً ایشان را به والدین و شوهرانشان فروختند . در سالهای ۹۱۰ و ۹۱۴ هـ . ق . نیز این شهر غارت شد و مهاجمین قلعهٔ شهر را خراب کردند .

۱ــ سیدرضا ازسادات کیائی است که برناحیهٔ بیه‌پیش گیلان حکمروائی داشت ومرکز حکومت او شهر لاهیجان بود . ۲ــ روضةالصفا ، ج ۶ ، ص ۱۴۲ . ۳ــ گیلان سیدظهیرالدین ، ص ۴۳۹ .

بنا بر روایات محلی، در ابتدای سلطنت صفویه، آتش سوزی بزرگی در شهر روی داد و خانه‌های شهر را که تا بازکیاگوراب، ادامه داشت، سوزانـد و پانصد دکان قلاب‌دوزی ابریشم را تبدیل به‌خاکستر کرد.

در شوال سال ۱۰۰۰ هـ. ق. که شاه عباس، پس از آواره کردن خان‌احمد خان، به‌لاهیجان آمد، درختان باغ پیش‌قلعه را ریشه‌کن کرد و دوهزار جریب زمین را صاف کرد ومرکز چوگان بازی وقپق‌اندازی نمود. عبدالفتاح فومنی این کینه‌توزی وخرابکاری را چنین شرح می‌دهد:

«روز جمعهٔ هشتم شهر شوال سنهٔ ۱۰۰۰. هشت ساعت و هجده دقیقه ازروز مذکور گذشته، شه‌عبس به فراز تخت دولت خان‌احمدخان نزول نمود.[۱] وفرمان داد که بیلداران، باغ پیش‌قلعه را کـه از انواع و الوان گل و ریـاحین غیرت خلدبرین وازوفور اشجار میوه‌دار نمودار سپهر دواربود، هموار سازند. بیلداران مذکور، حسب‌الامر عمل نموده وجای‌آن زمین جنت تزئین‌را برهم زده، اشجارو ازهار و خیابانها را بخاك یکسان نمودند و اثری از آن باقی نگذاشتند و قریب دوهزارجریب زمین را که اکنون به «سبزه میدان»[۲] شتهار دارد، جهت چوگان‌ـبازی و قپق‌اندازی ترتیب دادند و درخت قپق نصب کردند. شاه‌عباس‌بنفسه متوجه شده، بـه اتفاق امرا ومخصوصان و معتبران، بـه‌لعب چوگان‌بازی و قپق‌اندازی مشغول شده، لوازم وشرایط امور مذکور به‌عمل‌آوردند وکردند آنچه کردند.»[۳]

شاه عباس در سال ۱۰۰۳ هـ. ق.[۴] و دو سال بعد یعنی سال ۱۰۰۵ هـ. ق.[۵] به شهر لاهیجان آمد ودرسال ۱۰۲۴ هـ. ق.، از راه گیلان[۶] به‌فرح‌آباد مازندران و اشرف‌البلاد[۷] رفت.

۱ـ تاریخ گیلان، ص ۱۰۳. ۲ـ این اراضی تاسال ۱۳۳۰ شمسی به‌شکل‌اصلی باقی بود، بتدا دوائر دولتی و سپس مردم در آنجا بنا ساخته‌اند. ۳ـ تاریخ گیلان، ص۱۰۳و۱۰۴. درروضةالصفا، ج۸، ص۱۰۸ شرحی دربارهٔ تسخیر گیلان دراین‌تاریخ آمده است. ۴ـ روضةالصفا، ج ۸، ص ۱۱۴. ۵ـ روضةالصفا، ج ۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. ۶ـ روضةالصفا ج ۸، ص ۱۷۱. ۷ـ اشرف البلاد، بعداً اشرف و امروز بهشهر خوانده می‌شود.

قطب‌الدین لاهیجی مؤلف محبوب‌القلوب، از آتش‌سوزی سال ۱۰۵۸ ه. ق. یاد کرده و بسیار متأسف بوده از اینکه خانهٔ او با کتابخانه‌ای که ششصد مجلد کتاب داشت، سوخته است.[۱] وهمو از زمین‌لرزه‌ای که در روز چهارشنبه عید قربان سال ۱۰۸۸ ه. ق. روی داده است یاد می‌کند و می‌نویسد که این زمین‌لرزه ده ساعت طول کشید و تمام مساجد، خصوصاً مسجد جامع ومناره‌های آن وامامزاده‌ها و حمامها وپلها و خانه‌های بی‌شمار را خراب کرد.

روسها در سال ۱۱۳۸ ه. ق.[۲] و سپس در سال ۱۱۳۹ ه. ق.[۳] وارد خاك گیلان شدند. درسال ۱۲۱۹ ه. ق. جنرال شفت روسی، از ساحل دریای خزر وارد خاك گیلان شد و میرزا یوسف مستوفی گرجی اشرفی مأمور دفع او گردید. جنرال شفت شکست خورد و از راه آمده بازگشت.[۴]

روسها در دوران تسخیر گیلان، دوقلعهٔ مستحکم در شهر لاهیجان ساختند و خندقی دور شهر کندند. از این زمان، لاهیجان مرکزیت اصلی خود را از دست داد و دهکده‌های بیه‌پیش و بیه‌پس روی در خرابی آورد. زیرا برای این دو ناحیه، یك حاکم تعیین شد که مرکز حکومت او شهر رشت بود.

طاعون سال ۱۲۴۷ ه. ق.[۵] از جمعیت شهر لاهیجان کاست و اهالی عماراو پس از مرگ ابراهیم میرزا درسال ۱۲۴۹ ه. ق.، این شهر را غارت کردند. وبای سال ۱۲۶۱ ه. ق.[۶] و آتش‌سوزی بیست و یکم صفر سال ۱۲۹۷ ه. ق.، لاهیجان را خرابتر از پیش کرد.

فریزر[۷] درسال ۱۲۳۸ ه ق.، ازسمت رودسر و لنگرود، به‌لاهیجان آمده و دربارهٔ مسیر خود و شهر لاهیجان چنین نوشته است:

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۹۲. ۲ــ روضة‌الصفا، ج ۸، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.
۳ــ روضة‌الصفا، ج ۸، ص ۲۲۳. ۴ روضة‌الصفا، ج ۸، ص ۱۶۸. ۵ــ رابینو این ناخوشی را وبای سال ۱۲۴۸ قمری می‌داند. (گیلان رابینو، ص ۲۹۳) ۶ــ روضة‌الصفا، ج ۱۰، ص ۶۲. ۷ــ Fraser

«رود شلمان سر راه بود . از پهلوی رشته تپهٔ کوتاهی گذشتیم که درامتداد آن مسیر مـ چندین پیچ می‌خورد . ستخرها و آبگیرهای زیادی در کنار این رشته تپه ساخته‌اند. قسمت اعظم مسیر ما به‌طرف لاهیجان ، درراه شاه‌عباسی بود. سنگهائی که روزی برای فرش این راه به‌کار رفته‌بود ، در بعضی‌جاها دیده می‌شد و به اشکال عبور ما ازاین راه می‌افزود . پس از بیست و دو میل راه‌پیمائی به‌شهر لاهیجان رسیدیم .[۱]

بهترین قسمت راه ، همان راه شاه‌عباسی است که مانند راههای خوب اروپا است ، به شرطی که سنگهای بزرگ در مسیرراه نباشد و فقط روی زیرسازی راه حرکت کنیم . درمحل توقف ما در سرراه امامزاده‌ای بود که شبیه امامزادهٔ ساری است و موضوع جالبی برای بررسی ومطالعه است .[۲] برای اینکه کسی به‌ملاقات من نیاید درکاروانسرای شهر ماندم . اما این عمل مانع دید و بازدید نشد .[۳]

شهر لاهیجان پانزده‌هزار جمعیت دارد . بازار آن مانند بازار آمل ، پر از مال‌التجاره است . ابریشم مال‌التجارهٔ اصلی است و ازاین شهر به رشت و انزلی و اصفهان فرستاده می‌شود . لاهیجان سه‌چهار کاروانسرای خوب ویك مدرسه دارد .[۴]

خسروخان حاکم سابق گیلان ، خرید و فروش ابریشم را انحصاری کرد ، اما محمدرضامیرزا حاکم فعلی که به رشت آمده است ، آن را از انحصار بیرون آورد .[۵]

روز نوزدهم می ، پس‌ازطی دوازده میل از شهر لاهیجان ، به کنار سفیدرود آمدیم . از این رودخانه ، با قایقی که پنج شش اسب را باسوار جای می‌داد ، گذشتیم وپس از طی بیست و هشت میل به شهر رشت وارد شدیم .»[۶]

ابت[۷] درسال ۱۲۵۹ هـ . ق . از راه اردبیل وارد خاك گیلان شد و از رشت

۱ـ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۷ . ۲ـ منظور نویسنده بقعهٔ شیخانور است . ۳ـ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۸ . ۴ ـ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۱۹ . ۵ـ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۲۰ . ۶ـ سفرنامهٔ فریزر ، ص ۱۲۲ ـ ۱۲۴ . ۷ـ Abbott

به‌لاهیجان آمد و شرحی که دربارهٔ مسیر خود وشهر لاهیجان نوشته است ، از این قرار است :

«از رشت به راه افتادیم . جادهٔ ما رو به بدی می‌رفت . از محلی که راهی از آنجا به‌طرف عازیان (= بندر پهلوی) می‌رفت گذشتیم و به‌کوچسفهان رسیدیم . این آبادی دکانهای زیادی داشت . پاره‌ای از آنها درتمام روزهای هفته‌باز است . اما تمام دکانها روز چهارشنبه باز می‌شود . از رشت تا رودخانهٔ سفیدرود پانزده میل است . درکنار سفیدرود ، اسبها را در قایق گذاشتیم و آن طرف رودخانه به‌دهکدهٔ کیسم وارد شدیم . درشش‌میلی‌کیسم ، شیم‌رود است. ولی دو دهانه داشت. در ده میلی به‌لاهیجان رسیدیم واز رودخانه‌ای‌که به‌طرف‌لنگرود می‌رفت‌گذشتیم و به شهر وارد شدیم . از شهرلاهیجان بیرون رفتیم و به راهی افتادیم که سنگفرش بود . فرش آن به‌قدری خراب بود که قابل عبور نبود و از راههای فرعی دوطرف جاده عبور می‌کردیم . این راه معروف به راه شاه عباسی است و از پای تپه‌ها می‌گذرد . درحدود دو میل‌ونیمی لاهیجان به‌امامزده‌ای رسیدیم که بسیار زیبا و کنار راه است .[۱] درهشت میلی به‌طرف شمال منحرف شدیم و راه شاه‌عباسی را از دست دادیم و به راهی آمدیم که پس از طی دومیل به‌لنگرود رسیدیم .»[۲]

مکنزی[۳] در سال ۱۲۷۵ هـ. ق.، راهی راکه «ابت» طی‌کرده بود ، پیموده و وارد شهرلاهیجان شده وشرح زیر را نوشته است :

«دریك‌فرسنگ‌و نیمی رشت ، راه پشته‌ای درحدود پ نصد فوت است . راه ازاینجا بدترمی‌شود وچاله‌های زیادی دارد. درفاصلهٔ سه‌ربع فرسنگی‌کوچسفهان، به للهرود رسیدیم . پل‌آن خراب بود وما ازطرف چپ پل‌به‌آب زدیم.[۴] از اینجا به‌بعد ، برروی رودخانه‌ها ، پلهای چوبی‌کوچکی بودکه نبودن آنها بهتر از بودن آنهاست . ازرشت تا کوچسفهان هفت پل برسرراه است . روزهای بازارکوچسفهان

۱ــ سفرنامهٔ ابت، ص ۲۵و۲۶. ۲ــ سفرنامهٔ ابت، ص ۲۸. ۳ــ Mackenzie

۴ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص۲.

روزهای یکشنبه و چهارشنبه است . پس از حرکت از کوچصفهان از این آبها گذشتیم: سراجو، رودبریك ، اربه‌جو ، تش‌جو، سپس‌وارد محلهٔ پیرموسی‌شدیم و قبل از رسیدن به سفیدرود ، از رشت‌آباد گذشتیم . سفیدرود در یك فرسنگی کوچصفهان ست . خاك لاهیجان برساحل راست سفیدرود است . پس از گذشتن از سفیدرود به بازارکیسم رسیدیم . خرج‌کیسم ، پل آجری زیبائی برروی رودخانهٔ کوچکی ساخته‌اند . فاصلهٔ کیسم تالاهیجان سه فرسنگ است وسمت راه ، شرقی و شرق جنوب شرقی است . ازکیسم که بیرون‌آمدیم ازچهار رودگذشتیم وررودخانهٔ پنجم شیم‌رود بود که به سفیدرود می‌ریزد . پلی چهار دهانه دارد که «فریزر» و «ابت» ذکر آن را کرده‌اند.[1] آخرین رودخانه ، «لاهیجان رودخانه» است . میان کیسم ولاهیجان دهکده‌های‌کولده، تجن‌گوکه و بازی‌کی‌گوراب برسرراه ما بود و چهار امامزاده دیدیم که مهمترین آنها «آستانه» است‌که درحدود یك فرسنگی لاهیجان است . سید جلال‌الدین اشرف پسر امام موسی الکاظم وبرادر امام رضا علیهما‌السلام ، دراینجا به‌خاك سپرده شده است . از «لاهیجان رودخانه» به آب زدیم . عمق آب آن ، دوفوت ونیم بود .کوچه‌های لاهیجان ازرشت پهن‌تراست . دراول شهر تکیه‌ای بودکه بردیوار آن نقاشیهائی از صحرای‌کربلا دیده می‌شد . این نقاشیها کار شوشتری نقش بود وایلچی فرنگی باللباس بر ازنده‌ای نقاشی شده بود .[2] شهر لاهیجان محلات متعدد به این شرح دارد : خومرمحله ــ پردسر ــ کاروانسرابر ــ شعرباف محله ــ میدان ــ گاوبنه ــ اردوبازار . در این شهرپنج کاروانسرا ویازده مسجد وهشت مناره وهفت تکیه وشش‌مدرسه وده حمام وبیست‌و دو امامزاده است.[3] مزار ومشهد امامزادگان در ایران زیاد است ولی درگیلان بیشتر از هرجاست . اگر اینان اولاد امامان باشند ، امامان بیش‌از اندازه توالد نسل کرده‌اند.» مکنزی ازسبزه میدان وکوه شاه‌نشین و سمام‌کوه شرحی‌نوشته و

۱ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص ۵. ۲ــ سفرنامهٔ مکنزی ، ص۶ . ۳ــ سفرنامهٔ مکنزی ، ص ۷.

از شهر خارج شده است.[۱] «از سبزه میدان به راه سنگفرش رسیدیم که مسیر آن به‌طرف مشرق بود واز کنار استخر می‌گذشت وبه پوزهٔ کوه شاه‌نشین می‌رسید. استخر لاهیجان درحدود دو صد قدم عرض وهفتصد قدم طول دارد. در وسط آن جزیره‌ایست و در جزیره بنائی از دوران قدیم ساخته‌اند. بر بالای کوه شاه‌نشین، خرابه‌های خانهٔ معتمدالدوله دیده می‌شد. پس از گذشتن از استخر، راه باشیبی به‌طرف تپه‌های لیلاکوه می‌رود. عرض این‌راه زیاد نیست و دوطرف آن، درختان جنگلی و بیشتر درختان شمشاد، است. طرف دست‌راست جاده، مسجدی جلب‌نظر می‌کرد. راه ما درحدود هفت میل یکنواخت بود وهمان راه قدیم شاه‌عباسی‌بود. این راه اکنون کمترمورد استفاده قرار می‌گیرد وراههای فرعی طرفین آن‌بیشتر آمد و رفت دارد. درراه اصلی سنگهای فرش‌بیرون‌آمده وگیاهان وحشی‌روئیده و اسباب زحمت کاروانیان است. راه لاهیجان به لنگرود، بهتر از راه کوچسفهان به لاهیجان است. دو تکیه طرف راست جاده است و دریای خزر روزهای صاف از این‌راه دیده می‌شود. امامزاده‌ای طرف‌راست جاده است که شکل عجیب وزیبا دارد.[۲] درنیم فرسنگی لنگرود راه سنگفرش را رها کردیم واز لیلاکوه به‌طرف دست چپ گشتیم و کنار رودخانه‌ای افتادیم. از اینجا راه سنگفرش تازه‌ای بود و چهار پل‌کوچک با وضع نسبتاً خوبی برسر راه ما بود که از آنها عبور کردیم و به شهر لنگرود رسیدیم.»[۳]

رابینو درسال ۱۳۳۳ ه. ق. شهر لاهیجان را دیده است ومی‌نویسد که این شهر هفت محله، دوهزار ودویست وشصت‌خانه باجمعیتی در حدود یازده‌هزار تن، پانزده مسجد، پنج تکیه، بیست و یك امامزاده که شش‌تای آنها متصل بمساجداست، حمامهای متعدد، چهار مدرسه، شش‌کاروانسرا و سه‌بازار باسیصد دکان دارد. دراین شهر دو زورخانه نیز بنا شده است. محله‌های شهرلاهیجان

۱ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص ۸.
۲ــ منظور نویسنده بقعهٔ شیخ‌نور است که جلب نظر «فریزر» را نیز کرده است.
۳ــ سفرنامهٔ مکنزی، ص۹.

درزمان رابینو به‌نامهای زیر خوانده می‌شدند :

۱ـ خومر کلایه: خانهٔ حاکم شهر نیز دراین‌محله‌است ـ بغریب آباد سیصدو پنجاه در خانه و سه مسجد دارد . یکی از این مساجد معروف به مسجد سلیمانیه است و متصل به مدرسه‌ای است این محله چهار امامزاده دارد .[1]

۲ـ محلهٔ اردوبازار: این محله نزدیک سبزه میدان است و سابقاً به محلهٔ قلعه مشهور بود . این قلعه‌که این‌محله به‌نام آن شهرت‌پیدا کرده است، درسال ۹۱۴ قمری به‌دست سربازان امیره‌حسام‌الدین‌فومنی‌خراب شد وسلطان‌احمدخان‌دوسال صرف تجدید بنای آن کرد . درسال هزار هجری، شاه‌عباس دراطراف همین قلعه اردوزد و نام «اردوبازار» ازاین وقت به‌وجود آمد . همین قلعه مدت مدیدی جایگاه حکمرانان صفوی بیه‌پیش بود. پس‌ازاین نمی‌دانیم درچه تاریخی خراب شده است . تپه‌ای کوچک و مقداری آجر، محل این قلعه را مشخص می‌کند. این محله سیصد درخانه دارد.[2]

۳ـ محلهٔ میدان: این محله مهمترین محلهٔ شهرلاهیجان است . در اطراف میدانی است که دورتادورآن دکانهائی بنا شده است . بیشتردکانها و کاروانسرای شهر دراین محله است . مزارمورد احترام این‌سرزمین یعنی بقعهٔ چهارپادشاهم، دراین محله است

۴ـ محلهٔ گابنه : پانصد درخانه در این محله است . بقعهٔ آقاپیرعلی و آقامیرابراهیم وخرابه‌های مسجدی زیبا به‌نام اکبریه که درسال ۱۲۳۹ قمری بنا شده است، دراینجاست . مسجدآقا و مسجدی متصل به‌بقعهٔ آقاپیرعلی نیز دراین محله است .[3]

۵ـ شعرباف محله : که سابقاً به‌نام « کوهستانکی » معروف بوده است .

۱ـ گیلان‌رابینو،ص ۲۹۳ و ۲۹۴ . رابینو نام این محله را خرماکلایه ضبط کرده و متوجه نشده است که «خومر» به معنی «سفالگر» است .   ۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۲۹.
۳ـ گیلان رابینو، ص۲۹۷.

دویست وپنجاه درخانه دراین‌محله‌است. ساکنان این محله درزمان رابینوحیدری بوده‌اند. بقعهٔ آقاسیدمحمدیمنی ویك مدرسه و مسجدآقسیدحسین ودوامامزاده که یکی به‌نام سرم‌علی[1] است، دراین محله است.[2]

۶ ــ محلهٔ پردسر[3]: کلمهٔ «پرد» درگیلکی به معنی پل است و ترکیب «پردسر» یعنی «سرپل» وچون این محله‌کنار پل تخته‌ای رودخانهٔ لاهیجان بوده، به این نام معروف شده است. پل‌تخته‌ای بعداً آجری شده و هنوز برپاست.

در این محله دو مسجد و مزار ملاعاقل و بقعهٔ آقاسیدابراهیم جزء آثار تاریخی شمرده می‌شود.

۷ــ محلهٔ کاروانسرابر: این محله ومحلهٔ پردسررا چون همجوار هستند، معمولا با یکدیگر نام می‌برند. درتکیه‌ای از این محله بقعهٔ آقاسیدجمال‌الدین اشرف است.

مردم لاهیجان

مردم لاهیجان بیشتر گیلك هستند. گالشها درکوه و ارتفاعات وگیلکها در زمینهای هموار و دشت زندگی می‌کنند. از قزوین وطالقان خاندانهائی بدینجا آمده و مقیم شده‌اند. زبان ساکنان شهرگیلکی است ولی با گیلکی رشت وفومن اختلاف دارد. جمعیت حومه بدون ساکنان شهر به ۴۹۲۳۵ تن می‌رسد. مردم بیه‌پیش‌چون به‌دست ناصرالحق مسلمان شده‌بودند،اغلب زیدی بودند. ناصرالحق درفاصلهٔ میان سالهای ۳۰۴ تا ۳۱۵ ه.ق. فوت شد. دوام این‌مذهب تا زمانی‌بود که کارکیا سلطان‌احمدخان والی بیه‌پیش شد. چون او شیعی اثنی‌عشری شده بود، رعیای خود را نیز کم‌کم وادار کرد تا به‌این مذهب بگروند. تاریخ این تغییر مذهب ازمادهٔ تاریخ «ترك طریق زیده»[4] معلوم می‌شود.

۱ــ بضم سین وفتح راء. ۲ــ گیلان رابینو، ص۲۹۷. ۳ــ بضم پ و کسر دال وفتح سین به‌معنی«پل». ۴ــ این‌حروف بحسب جمل،معادل سال ۹۶۰ه.ق.است.

۲ـ بلوك مختلف لاهیجان

۱ـ کوهپایه و کنار شهر: شامل دهکده‌های اطراف لاهیجان و پای‌کوه در جنوب وشرق شهر

۲ ـ پشم‌چاه : بدون شك همان بلوك قدیم «پاشیجا» است . درسال ۷۹۱ ه.ق. لشتنشاه قسمتی‌از پاشیجا شد اما کمی بعد به‌دست سید رضی‌کیا ، بخش‌جداگانه‌ای به‌حساب‌آمد. این‌بلوك درشمال لاهیجان تاحاشیهٔ دریای‌خزر وازغرب‌به‌لشتنشاه ، ازجنوب به راه شاهی بالا، ازشرق به راه شاهی پائین محدود می‌شود.

۳ـ کندرفریضه و راه شاهی پائین: درشمال لاهیجان واز شمال به‌دریای‌خزر، از غرب به پشم‌چاه ، از جنوب به سفیدرود و راه شاهی بالا و از شرق به لنگرود محدود می‌شود .

٤ـ راه شاهی بالا : درجنوب راه شاهی پائین وغرب جنوب غربی لاهیجان ، از مشرق به‌کوهپایه و کنارشهر و از جنوب به‌گوکه محدود می‌شود .

۵ ـ گوکه : در غرب لاهیجان ، بر کنارهٔ راست سفیدرود ، از شمال و شرق به راه شاهی بالا ، از جنوب به سیاهکل و ازمغرب به سفیدرود محدود می‌شود .

٦ـ چهار ده : درحقیقت شامل شش دهکده بر کنارهٔ چپ سفیدرود روبروی گوکه است که متعلق به بلوك موازی بود .

۷ـ لشتنشاه : سابقاً جزء لاهیجان بود . غیرازدهکده‌هائی‌که متعلق به‌خان لاهیجان بود ، در زمان خسروخان و منوچهرخان که دهکده‌های‌آن را خریدند، بلوك جداگانه‌ای شد و این دهکده جزء زمینهای شاهی درآمد .

در زمان رابینو درحدود شصت سال‌بوده‌که لنگرود از لاهیجان جدا شده و جزء رانکوه به حسب رفته است .

راهها

لاهیجان بر سر راه رشت به رودسر است . راه قدیم شاه عباسی از لاهیجان

ازراه ملاط به‌تمیجان رانکوه می‌رفت. آثارآن تقریباً ازمیان‌رفته‌است. چندمتری ازراه سنگفرش جلو ملاط باقی است.

۴- بناها و آثار تاریخی محلهٔ اردوبازار لاهیجان

بقعهٔ آقا سید احمدبن امام موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به‌آقا میرشهید

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به‌ابعاد ٤٨٠ سانتیمترکه چهارکنج‌آن را با چهارگوشوار جمع کرده‌اند وبالای آن راگنبد مدوری زده‌انـد و طاق‌گنبد را با شیشه‌های رنگین، شیشه نشن کرده‌اند. این بنا دارای چهار در، درچهار جهت اصلی‌است. درهای‌غربی وشمالی هریك دراطاق بزرگی باز می‌شود و درهای‌شرقی و جنوبی‌هریك به‌ایوان بزرگی راه دارد. درها چوبین وساده، ارتفاع هریك ١٩٠ و عرضشان ١٢٠ سانتیمتراست. بالای هریك با کچ‌کاری مشبك، خفنگی‌ساخته‌اند. (عکسهای شمارهٔ ٥٣ و ٥٤) سردرگاهها، وطاقهای‌گوشوارها، طاق جناقی تیز است. برکمربند گنبد، اشعاری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی ودر فواصل مصراعها «یا حسین مظلوم» باخط نسبةً خوش، کچبری شده است.

رقم آخرکتیبه چنین است:

«حرره علی‌نقی خلف صدق آقا میرزا علی‌رضا ١٢٠٦».

مرقـد در وسط بنا، ازگل وکچ ساخته شده و اطـراف آن ضریحی چوبین مشبك ظریف است. (عکس شمارهٔ ٥٥) طول این ضریح ٢٦٠ سانتیمتر وعرض آن ١٨٣ سانتیمتر وارتفاعش ١٦٧ سانتیمتر است. برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی ضریح این عبارات با خط نستعلیق متوسط خوانده می‌شود:

«لااله‌الاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله

چون محمدمحسن ازاخلاص‌دل این‌کارخیر

کرد یارب سعی‌او گردد دراین درگه قبول

همچو محسن سائل است تاریخ سال این ضریح

زد رقم گردد بگرد مرقد آل رسول

سنه ۱۱۳۳ عمل استاد حسین منجیلی.»

طول ایوان جنوبی بقعه، ۱۲٫۵ متر و عرض آن ٤٥ سانتیمتر است. در این ایوان، یازده ستون چهارسو است که هفت عدد آنها سرستون دارد. ایوان شرقی به طول ۱۰٫۵ متر و عرض ۳۰ سانتیمتر است. طاق هر دو ایوان لمبه‌کوبی است. لمهٔ بوم سه‌پشته و بام‌بنا، سفال‌سر است. بالای در ورودی نقاشی نسبةً ظریفی است. (عکس شمارهٔ ٥٦)

علم بزرگی در این بقعه است که مطالب روی آن به‌علت زنگ زدگی خوانده نشد. در قسمت مشبک‌کاری علم «نسبح بحمدربك» خوانده شد. بر حاشیهٔ بدنهٔ اصلی علم، نام دوازده امام حک شده است.

سنگ قبری از مرمر به‌درازای ۹۲ و پهنای ٤۲ سانتیمتر در ایوان بقعه قرار دارد که این عبارات بر آن حک است: (عکس شمارهٔ ٥۷)

«سنه هوالحی‌الذی‌لایموت ۱۲۲٤

از بار گنه شد تن مسکینم پست

یارب چه شود اگر مرا گیری دست

گر در عملم آنچه تو را شاید نیست

اندر کرمت آنچه مرا باید هست

میرزا احمد بود پاکیزه فرزند رسول

آنکه در ماتم او بس دل‌عالم‌شد ملول

ارشد اولاد مؤمن جنمهٔ میرزا قوام

کرد در فردوس اعلی پیش جدش او نزول

خامهٔ انشاء بتاریخش نوشت و عقل گفت

میرزا احمد بشد فرمان حق بادا قبول»

رابینو از بقعهٔ میرشهید یاد می‌کند و می‌نویسد که نزدیک سبزه‌میدان بنائی است که مرقد میرشهید است. این سید از فیروزکوه بدینجا آمد ودر این محل در قرن هشتم هجری کشته شد.[1]

بقعهٔ آقا میرشمس‌الدین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

رابینو چند سطری دربارهٔ این بقعه به شرح زیر نوشته است:

«بنائی است درمحلهٔ اردوبازار که مسجدی بدان متصل است. مرقد میر-شمس‌الدین صندوقی داردکه بریك طرف آن عباراتی است‌که نشان می‌دهد. اینجا مدفن میرشمس‌الدین موسوی است. ساختن این صندوق در سال ۱۰۱۷ قمری شروع شده و کتیبه‌های آن به خط سید محمدبن داود کیا است. بر طرف دیگر صندوق نوشته است. این صندوق که مرقد امیرشمس‌الدین حسینی را پوشانده است، به‌امرخان سلطان بی‌بی، هنگامی که درویش‌قاسم تولیت این‌بقعه‌را داشت، درسال ۱۰۱۸ به اتمام رسید. هردوکتیبه قلم یك نویسنده است.»[2]

وضع کنونی بنای بقعه وحسینیهٔ متصل به‌آن

زمین صحن و سطح بنای بقعه، به شکل مربع مستطیل است، که در ضلع جنوبی و شرقی آن از خارج دکانهائی بنا شده است. این دکانها جزء موقوفات بقعه است. قبل از ورود به‌صحن، مدخل شرقی آن جلب توجه می‌کند. بلندی این مدخل ۷ متر وپهنای آن ۳ متر و بر پایه‌های طرفین آن بنائی دوطبقه است که بلندی آن به ۱۲ متر می‌رسد. برهریك از پایه‌ها، دو اطاق و بر بالای بام مدخل نیز یك اطاق کوچك است. بام این اطاق به شکل گنبد کوچکی است که سطح خارجی آن‌از کاشیهای‌کوچك وظریف سبزرنگ، پوشیده‌شده‌است. برپاره ی از این کاشیها حرف «عین» دیده می‌شود. نظیر این مدخل، در اضلاع جنوبی و غربی نیز بوده است که در سالهای اخیر، آنها را خراب کرده و به جای آنها

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۴۹.
۲ــ گیلان رابینو، ص ۲۹۴.

دکانهائی ساخته‌اند. درقسمت شمال صحن، بنائی از چوب به نام حسینیه است که روی در خرابی دارد. (عکس شمارهٔ ۵۸)

بنـای اصلی بقعه از خارج چهارضلعی و از داخل هشت ضلعی و در وسط، صحن است. هرضلع داخلی آن ۲٤۸ سانتیمتر و در هرضلع، درگاهی پنج ضلعی به‌ابعاد ۱۵۸ و ۸۹ و ۸۵ سانتیمتر و به‌عمق ۲۰۵ سانتیمتر است.(عکس شمارهٔ ۵۹) نمای این هشت‌درگاه، کاشیکاری دوران قاجاری است. دورِبنا، ازداخل ازاره‌ای درهفت‌کاشی ویک لبهٔ حاشیه مانند که عرضش از نیم‌کاشی کمتر است، دیده می‌شود. بلندی این ازاره ۱۲۲ سانتیمتراست. طاقهای درگاهها، مقرنس‌ساده (عکس شمارهٔ ۶۰) و حاشیهٔ هلال طاق گچ‌بری ظریف دارد. (عکس شمارهٔ ۶۱) بالای‌درگاهها، رف مانندی دورچرخیده است. باساختن گوشواری در زوایای هشت‌ضلعی، هشت ضلعی را به دایره تبدیل کرده‌اند وگنبدی مدور بر آن زده‌اند.

چهار در ورودی درچهار جهت اصلی نصب کرده‌اند و بالای هریك خفنگی تعبیه شده است. بالای درهای جنوبی‌و شرقی، دونورگیر مشبك باشیشه‌های‌رنگین قرار دارد.(عکس شمارهٔ ۶۲) درهای جنوبی‌و شرقی‌و غربی درایوانها بازمی‌شود و درشمالی به حسینیه راه دارد.

درطرفین هلال‌طاق درگاهها، گچ‌بری ظریفی‌است وحد وسط بین دودرگاه، میان هلالین نیز گچ‌بری ظریفی دیده می‌شود. بالای طاقهای‌هشتگانه، میان دو حاشیهٔ گچ‌بری قصیده‌ای پانزده بیتی با قافیهٔ کاف از گلشن‌تخلصی، باخط نستعلیق خوش‌گچ‌بری شده است. ابیات اول و آخر این قصیده چنین است:

«ازآن کیست این خلوتگه پاك
که کمتر پایه‌اش اجرام افلاك
پی تاریخ وی گلشن همی گفت
جنان بنهاده اینجا چهره درخاك»[1]

۱ــ ماده‌تاریخ معادل ۱۲۷۴ ه.ق. است.

در این قصیده نامی از میرشمس‌الدین است که او را فرزند هفتم قبلهٔ دین دانسته است و یادی از عباس نامی می کند که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، این بقعه را بنا کرده است .

کف بقعه از کاشیهای مربع به‌ابعاد ۲۵ سانتیمتر، فرش شده است در سال ۱۳٤۸ شمسی مشغول آئینه‌کاری طاق بقعه بودند .

در شرقی به ایوانی بزرگ به طول ۱٤٫۵ متر و عرض ٤ متر باز می‌شود . ازارهٔ این ایوان با کاشیهای هشت ضلعی، کاشیکاری شده است . این ایوان دارای چهار فیلپای آجری است که قسمت پائین آنها مربع و وسط آنها هشت‌ضلعی و قسمت بالای آنها نیز به‌شکل مربع است . برچهارطرف هریک ازاین فیلپاها «کل‌شیء هالك‌الاوجهه» گچ‌بری شده است . گچ‌بری فیلپاها پرکار و حاشیهٔ ظریفی دارد سه حمال بزرگ روی این فیلپاهاست و واشانهای سقف روی حمالها می‌آید . سقف ایوانها از رو پل‌کوبی و لبهٔ‌بام سه‌پشته و سراسر بام و گنبد، سفال‌سر است . (عکس شمارهٔ ٦۳) در شمالی به‌ایوانی که دارای دو ستون سرستون‌دار است، باز می‌شود . کاشیهای ازارهٔ این ایوان، شش‌ضلعی و گچ‌بریهائی به‌شکل حاشیه‌بندی دارد . و دو در به دو اطاق زاویه دراین ایوان است .

در غربی به حجره حاشدی که مدفن افراد محلی است، باز می‌شود ودو در به‌دواطاق زاویه وسه در و سه پنجرهٔ نورگیر به‌خارج دارد.

ایوان جنوبی دارای دوستون باسرستون و تکائلی آهنی است و دو در به دو اطاق زاویه دارد . اطاق زاویهٔ جنوب‌شرقی آن کفش‌کن است . زائران از پلکانی از طرف جنوب به‌پاگرد می‌آیند و از آنجا به ایوان بزرگ شرقی و سپس از در شرقی به حرم وارد می‌شوند . نقش دو علم بردوطرف در ورودی بقعه است .

صندوق مزار، در وسط بنای اصلی و اطراف آن ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۳۰۵ وپهنای۲۰۵ وبلندی۲۰۵ سانتیمتر قرار دارد . بلندی خودصندوق ازسطح زمین بالغ بریك متراست. در وسط گنبد بالای ضریح، چلچراغی بلورین

آویخته است .

کتیبه‌های صندوق بدین شرح است :

درحاشیهٔ بالای دور صندوق :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم . الخ .»

بر بدنهٔ جنوبی صندوق عبارات زیر به‌خط نسخ متوسط ، دیده می‌شود :

« انما هوالعالم بما فی‌الصدور وناشرالاموات من القبور هذا المشهد للسید المؤید امیرشمس‌الدین‌الحسینی رحمه‌الله و وقفت هذا الصندوق خلاصة‌العفایف خان‌سلطان تی‌تی فی‌زمان تولیت فخرالمشایخ درویش قاسم سنه ۱۰۱۸ .»

کتیبهٔ وسط بدنهٔ جنوبی .

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تا ـ هوالعلی‌العظیم. کتبه سیدمحمدبن داود کیا . »

بر طرف دیگر همین بدنه :

«این صندوق مشهد منـور معطر امـامزاده واجب‌التعظیم و التکریـم امیرشمس‌الدین‌الموسوی علیه‌الرحمة والمغفرة درسنهٔ سبعة‌عشروالف صورت اختتام یافته است .»

رابینو درسفرنامهٔ خود متن این دو کتیبه را باکمی اختلاف آورده است .[۱]

علم‌بندی این بقعه عصر پنجم محرم وعلم واچینی غروب روز عاشوراست .

بقعهٔ حسن‌بگ دشت

بنای اصلی بقعه ، اطاقی ساده است . مرقد و مزاری در آن نبود . بتازگی مشتدقعلی نام ـ از دراویش لاهیجان ـ را در آنجا بـه خاك سپرده‌انـد . جلو بنا ایوانی است که بردیوار آن مناظری از صحرای کربلا نقاشی شده است . (عکس شمارهٔ ٦٤)

۱ ـ سفرنامهٔ مازندران واسترآباد ، ص۵۹ و ۶۰

بقعهٔ آقامیر صادق [1]

بنای اصلی بقعه، مربع شکل به ابعاد ٥٥٤ سانتیمتر است. سه در ورودی درسه جهت شرقی و جنوبی و غربی دارد. درها تخته‌ای ساده به‌بلندی ۱۹۸ و پهنای ۱۳۸ سانتیمتر است. بالای هریك خفنگی مشبك چوبین ظریف است. بر ساختن چهارگوشوار درچهارکنج، مربع‌را به‌شکل دایره درآورده و گنبدی مدور بر آن زده‌اند. گوشوارها دارای طاقهای جناقی تیز است.

صندوقی ساده و چوبین بدون نقش وکنده‌کاری در وسط و ضریحی مشبك چوبین ظریف به‌درازای ۲۷۰ و پهنای ۱٦۲ و بلندی ۱٥۳ سانتیمتر اطراف صندوق است. (عکس شمارهٔ ٦٥) خارج دیوار بقعه، گچبریهای ظریف و زیر سقف حاشیه‌بندی دارد. بر دیوارها نقاشیهای مذهبی ومناظری از صحرای کربلاست.

طرف شمالی بقعه، آبدارخانه وانبار ودرهای جنوبی و غربی و شرقی به‌مسجدی تازه‌ساز، باز می‌شود.

علم بقعه برنجی ونسبةً قدیمی است. بریك طرف آن «یاالله یامحمد یاعلی فتح‌لك ۱۲٤۲» خوانده می‌شود. بر بدنهٔ اصلی علم «الله محمد علی فاطمه حسن و حسین ـ یامنان یاحنان» حك شده ومیان این‌قسمت «یاحسین شهید» مشبك‌کاری گردیده‌است. درهمین‌قسمت «ماشاءالله ـ لاحول ـ ولا ـ قوة ـ الابا ـ الله» خوانده می‌شود. برطرف دیگرعلم «فاطمه ـ حسن ـ حسین ـ نصرمن ۱۲٤۲ ـ انافتحنا ۱۲٤۲» حك شده است.

سبزه‌میدان و بناهای شاه‌نشین

سبزه‌میدان درمشرق شهر لاهیجان است ودرمشرق‌سبزه‌میدان‌کوهی‌کوتاه جنگلی خرم شاه‌نشین است. پای این کوه استخری به درازای هفتصدگام وپهنای دویست‌گام که مخزن آبی برای آبیاری مزارع برنج است، دیده می‌شود. دروسط این استخر روی جزیرهٔ کوچکی بنائی قدیمی وجود داشته است. رابینو از قول

۱ـ قسمتی ازمحلهٔ اردوبازار امروز به‌نام محلهٔ «آقاصادق» معروف‌است.

امین‌الدیوان می‌نویسد که پادشاه لاهیجان در این عمارت بود و یکی از فرستادگان روسیه به‌خدمت اورسید. شاه برای اینکه قدرت وتسلط خود را به افراد و رعایا، حتی جانداران وحشی این مرزوبوم به او نشان دهد، شب هنگام که قورباغه‌ها سروصدای زیادی می‌کردند وسمیررا ناراحت کرده بودند دستورداد، روده‌هائی را که قبلا برای‌این‌کارآماده کرده بودند بادکردند ودراستخر انداختند. قورباغه‌ها روده‌ها را مار انگاشتند و فوراً ساکت شدند. فرستاده از این امر متعجب شد و قدرت و تسلط اورا تصدیق کرد.

ازاین کاخ که متعلق به میرزاکاظم بوده است درزمان خچکو[1] چندآجری باقی مانده بوده است خچکو می‌نویسد که این آجرها بسیار زیبا و خوش‌تراش بوده‌اند.

دو بندی معتمدالدوله را هم مکنزی دیده است و می‌نویسدکه هردو درپای کوه شاه‌نشین بنا شده‌اند و در پای خزرچشم‌انداز این دو بناست.[2]

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ اردوبازار لاهیجان

۱ـ بقعهٔ چهل‌گیسو .

۲ـ مسجد پاشویان. ظاهراً بامسجدی که سید ظهیرالدین درتاریخ گیلان و دیلمستان ص ۲۶ ، ازآن یدمی‌کند، یکی است .

۳ـ مسجد متصل به‌بقعهٔ آقا میرسید شهید .

٤ـ بقعهٔ آقاسید رسول

٤ـ بناها و آثارتاریخی محلهٔ پردسر[3] لاهیجان

بقعهٔ ملاعاقل[4] (= عاقلیه)

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به طول ٥٦٠ سانتیمتر و عرض ٥٠٠

۱ـ Chudzku ۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۹۹. آقای ابوالقاسم‌غمگسار درسالنامهٔ دبیرستان ایرانشهرلاهیجان درصفحات ۱۶ و ۱۷ و ۱۸، مطالبی دراین‌باره نوشته‌اند .

۳ـ بضم پ و کسرداب . ۴ـ گروهی این‌بقعه‌را به‌نام «ملاعقیل» می‌شناسند .

سانتیمتر. حمالی درمیان درطول قرار داردکه واشانهای طاق بر آن متکی است . کف اطاق گچ وخاك است . طاق لمبه‌کوبی وبام سراسربنا ، سفال سراست . درهای ورودی بقعه شمالی وشرقی‌است وهریك به‌ایوانی‌باز می‌شود جلوهریك‌ازایوانها چهرپایهٔ آجری نظیرفیلپاست.[1] پائین وبالای پایه‌ها مربع ومیان‌آنها هشت‌ضلعی است . محیط این هشت ضلعی بالغ بر ۲۱٦ سانتیمتر است . (عکس شمارهٔ ٦٦) درغربی به مسجد محقری باز می‌شود که فعلا متولی درآن ساکن است . قبری به‌درازای۱۸۹ وپهنای ۸٦ وبلندی٤۰ سانتیمتر دراین اطاق است . این‌قبر روزی پوشیده از کاشیهای هشت‌ضلعی گلدار بوده است . این کاشیها امروز به‌هم‌خورده‌و مقداری ازآنها درروی قبر وپهلوهای آن به‌طور نامنظم به‌کار رفته است.(عکس شمارهٔ ٦۷) فواصل قسمتهائی‌که کاشیکاری‌آن مرتب است ، کاشیهای ستاره‌ای‌به‌کار برده‌اند . طول هرضلع کاشیهای هشت ضلعی، ٥ر٥ سانتیمتر وفاصلهٔ دوضلع مقابل ۱۲ سانتیمتر است . عبارات زیر روی کاشی شکسته‌ای که در روی قبر است ، به‌نظر رسید :

« بولایتک یاعلی یاعلی یاعلی بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنه تسع و تسعین و [تسعمایه ؟].»

قبرهای این‌بقعه سه مرتبه‌ایست. یعنی‌سه‌جسد برروی‌هم در دخمه‌هائی که طاقهای مدور آجری دارند ، نهاده شده‌است . اطراف بقعه درختان آزاد ، چنار و لی(— نارون جنگلی)، دیده می‌شود .

بقعهٔ آقامیرجمال‌الدین اشرف بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام

بنای اصلی بقعه اطاقی است به‌طول ٦۹۰ وعرض ۳۸۰ سانتیمتر که در آن ضریحی مشبك چوبین نزدیك به‌ضلع شمالی قرار گرفته‌است . درازای این‌ضریح ۲۰۸ وپهنای آن ۱۳۰ وبلندی آن ۱۲۸ سانتیمتر است که روی پایه‌ای به‌ارتفاع ۲۰ سانتیمتر نهاده شده است . در ورودی درایوان غربی وپهلوی درپنجرهٔ کوچك

۱— نیمی ازیکی ازپایه‌های ایوان شرقی در دیوار است.

نورگیری نصب‌است. درضلع جنوبی‌بقعد، پنجرهٔ آهنی‌تازه‌کاری تعبیه‌کرده‌اند. لبهٔ بام‌بقعه سه‌پشته و بام‌آن، سفال‌سراست. درزاویهٔ جنوب‌شرقی حرم،گلدسته‌ایست‌که بلندی‌آن درحدود ۱۲ متر است . نمای خارجی‌آن هشت‌ضلعی است که‌کاشیکاری سبزرنگ ظریف دارد.داخل‌گلدسته پلکانی‌آجری مارپیچ‌است‌که تابالای‌گلدسته می‌رود . بالای گلدسته علمی فلزی است که در هلال صفحهٔ آن «نصرمن‌الله وفتح قریب» دیده می‌شود . در ایوان بقعه سنگ قبری از مرمر به‌درازای ۷۱ و پهنای ۲۳سانتیمتر است که عبارات زیر برآن حك است :

«هو الحی‌الذی لایموت

چون فتاده است مرا برسر این راه گذر

همه کس را بود ای خواجه براین راه گذر

برسرتربت ما چون گذری فاتحه‌خوان

بدعا روح مـرا شاد کن ، آنگاه گذر

وفات مرحمت و غفران‌پناه جنت‌و رضوان‌آرامگاه‌الواصل‌الی‌رحمت[1] الله‌الملك الغنی کربلائی معصوم طـاب‌ثـراه و جعل‌الجنة مثواه ابن محمدهادی سنه ۱۱۸۹.»

نزدیك به‌بقعه، مسجدی است‌که دری از ایوان غربی بقعه به‌این‌مسجد باز می‌شود . این مسجد جدیدالبناست و برشالودهٔ مسجدی قدیمی ساخته شده است . بردرهای ورودی مسجد دو قسمت کنده‌کاری برچوب از صندوق یادری قدیمی ، وسط دوقسمت در نصب کرده‌اند وفعلا بارنگ آبی بدرنگی، این نقش‌ونگار زیبا و پرکار را رنگ زده‌اند . در مقابل بقعه ومسجد، حسینیه‌ای با بام سفال‌سراست .

بقعهٔ آقاسید مرتضی درگورستان عمومی شهر که درمحلهٔ پردسر قرار دارد

ساختمان قدیمی این بقعه مستطیل شکل بود . درقسمت غربی اطاقی‌مربع

۱ــ ظاهراً بادهٔ گردصحیح است .

شکل قرار داشته است که قبر سید مرتضی به بلندی ۲۰ سانتیمتر در آن گچکاری شده بود. کف حرم از کاشیه‌ی بزرگ سبزرنگ، مفروش بود. بر بالای قبر علمی برنجی به ارتفاع یك متر نصب بود که در وسط هلال آن آیهٔ «نصر من الله و فتح قریب» خوانده می‌شد. در دیوار جنوبی حرم پنجره‌های مشبك باشیشه‌های رنگین داشت. اطاق متصل به حرم مسجد مانندی بود که دو دیوار آن پنجره‌های مشبك داشت. درجلو بقعه ومسجد، ایوانی سراسری بود. درجلو ایوان پنج پایهٔ آجری فیلپا مانند ساخته بودند که سرتال و واشانهای ایوان بر آنها متکی بود.

این بنای قدیمی امروز از میان رفته و به‌جای آن بنائی با بتون و آهن ساخته‌اند ومسجد بقعه، مقبرهٔ خانوادگی سرشناسان لاهیجان شده است.

بقعهٔ آقاسید محمد یمنی بن موسی بن جعفر علیهما السلام در گورستان عمومی

بنای قدیمی بقعه را خراب کرده وبه‌جای آن بنائی نوساز باآهن وآجر و سیمان ساخته‌اند. ضریح نسبةً قدیمی مشبك به‌درازای ۲۶۰ وپهنای ۱۶۰ وبلندی ۱۴۰ سانتیمتر اطراف مرقد را پوشانده است. سقف این ضریح تخته‌ای و صاف است. (عکس شمارهٔ ۶۸)

باقی بناها وآثار تاریخی محلهٔ پردسر

۱ــ بقعهٔ آقاسیدابراهیم.

۲ــ بنای دومسجد دراین محله.[1]

۵ــ بناها وآثار تاریخی محلهٔ خومرکلایهٔ لاهیجان

بقعهٔ سیدمحمد رشید بن امام موسی الکاظم علیه السلام

بقعهٔ قدیمی با دیوارهای اطراف آن خسراب شده بود. بتازگی بنـائی تازه

۱ــ گیلان رابینو، ص ۲۹۸.

به‌جای بقعهٔ قدیمی ساخته بودند . مرقد سید محمد بین دو قبر دیگر که متعلق به دوتن از سران مذهبی بوده‌اند ، قرار دارد . مسجد معروف محلهٔ خومرکلایه متصل به همین حرم است جرزها و دیوار جنوبی حرم قدیمی است وبقیهٔ بنا را هنگام تعمیر بقعه، مرمت کرده‌اند.

فیلپاهای داخل مسجد نیز قدیمی است و در دیوار قدیمی یك ردیف طاقچه است که بالای آن اشعاری از محتشم کاشانی با حروف برجستهٔ نستعلیق ، گچ‌بری شده است. منارهٔ مسجد هشت ضلعی و قدیمی ودر زاویهٔ جنوب شرقی حرم قرار گرفته است . ارتفاع این مناره درحدود پانزده متر و از راهروی مرپیچی داخلی آن، پس ازبالارفتن بیست وهفت پله به‌گلدسته ومؤذنه می‌رسد.

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ خومر کلایهٔ لاهیجان

۱ـ بقعهٔ آقا سیدعلی‌کیا.

۲ـ بقعهٔ آقا سیداسماعیل.

۹ ـ بناها و آثار تاریخی شعرباف محلهٔ لاهیجان

شعرباف محله سابقاً به نام « کوهستکی » معروف بوده است . در زمان رابینو(۱۳۳۱ ه‍.ق.)، دویست و پنجاه درخانه داشت وساکنان آن حیدری بوده‌اند. بقعهٔ آقـا سید محمد معروف به‌یمنی که به قول رابینو شش قرن پیش ، از یمن به‌لاهیجان آمده بود ، دراین‌محله است . دراین محله یك مسجد به‌نام مسجدآقا سیدحسین ویك مدرسه ودو امامزاده که یکی‌ازآنها به‌نام سرم علی[۱] است، تازمان رابینو برجای بوده است .[۲]

بقعهٔ سید محمد یمنی

این بقعه درمنتهی‌الیه جنوب شرقی شهر درگورستان قدیمی‌لاهیجان،است .

۱ـ بضم سین وراء. ۲ـ گیلان رابینو،ص۲۹۷.

بنای قدیمی بقعه را درحدود پنجاه سال قبل خراب کرده و بنائی دیگر به جای آن ساخته‌اند. این بنانیز بتازگی تجدید شده‌است . درقسمت شمالی حرم‌آرامگاه خنوادگی‌یکی ازسرشناسان شهراست .کاشیه‌ی قدیمی‌را دربنای فعلی‌دردیوارها و ستونها تاارتفاع یک‌متر، به‌کاربرده‌اند .

سنگ مزار شعر باف محله

این سنگ درکنار کوچه درمیدانگاه کوچکی است . داخل آن خالی واز خارج به‌شکل مکعب مستطیل به‌درازای۱٦٤وپهنای۳٦وبلندی٦۳ سانتیمتراست. روزهی پنجشنبه وجمعه مردم به‌زیارت‌آن می‌آیند ودورآن‌شمع روشن‌می‌کنند. سابقه وعلت‌احترام سنگ راکسی نمی‌دانست ومتولی بقعه‌هم دراین زمینه‌اطلاعی نداشت . در سطوح جانبی آن آیاتی از کلام‌الله مجید حك شده است که باران و تبش آفتاب آنها را سائیده واز میان برده است . پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین شکل خوانده شد :

«قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی

قل یا عبادی‌الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة‌الله»[۱]

این سنگ در زیر شش درخت‌آزاد نسبةً کهنسال است .

این‌سنگ نظیرسنگ قبرهائی است‌که یکی ازآنها دربقعهٔ پیرقطب‌الدین نزدیك دهکدهٔ باغچه سرای آستارا[۲] ، وهفت عدد دیگر در دهکدهٔ امیر بکندهٔ خشك‌بجار خمام موازی[۳] و یکی ازآنها در سفیدبقعهٔ لنگرود دیده شده است .

مسجد شعر بافان

بنای قدیمی مسجد را خراب‌کرده بودند ، وبنائی تازه به‌جی آن ساخته بودند . ازآثار قدیمی این مسجد منارهٔ آجری‌هشت ضلعی است باگلدستهٔ‌آجری.

---

۱ ــ سورة الزمر ۳۹ ، آیهٔ: ۵۳. پاره‌ای از کلمات این آیه ریخته است .

۲ــ از آستارا تا استاربد ، ج اول ، بخش‌اول ، ص ۲۲. ۳ــ ازآستارا تا استارباد، ج اول ، بخش اول ، ص ۳۰٦.

بام این گلدسته از آجر وهرمی شکل است . (عکس شمارهٔ ۶۹) قبر یکی از امامان جماعت دراین مسجد است .

باقی بناها و آثار تاریخی شعرباف محله

۱ـ مدرسهٔ محلهٔ شعرباف .
۲ـ مسجد آقا سیدحسین .
۳ـ بقعهٔ سرم‌علی .

۷ـ بناها و آثار تاریخی محلهٔ کاروانسرابر لاهیجان

بقعهٔ آقاسید جلال‌الدین بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام

این بقعهٔ قدیمی را نیز خراب کرده ونوسازی کرده‌اند . امروز مرقد سید جلال‌الدین ، قبری‌گچکاری درمیان مسجدی نوساز مستطیل‌شکل است . دوفیلپای چهارضلعی در میان بنا ودر طول آن ساخته‌اند وحمالی برروی‌آنها کشیده و واشانه‌ی سقف متکی به‌آن است . درهـی بقعه آهنین وسقف آن لمبه‌کوبی و بام‌بنا ، سفال‌سر است .

مسجد قدیمی کاروانسرابر

بنای اصلی وقدیمی مسجد مستطیل شکل باچندین درهـی ارسی در ضلع شمالی بود و بالای درها پنجره‌هائی نورگیر باشیشه‌های رنگارنگ داشت . جلو این قسمت ایوانی‌سراسری قرارداشت‌که پایه‌هائی ازآجر برلبهٔ آن بناشده بود . سقف‌واشان‌کشی و بام‌بنا، سفال‌سر بود این‌بنارا درسال۱۳۴۵ه.ش. خراب کردند و بنائی‌نوساز باتیرهای آهن ودرهای‌آهنین وشیشه‌های مات ومحرابی تازه ساختند.

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ کاروانسرابر

۱ـ بقعهٔ آق سیدمرتضی .
۲ـ بقعهٔ آسوم‌علی .

۸ ـ بناها و آثار تاریخی محلهٔ گابنهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقا میر ابراهیم بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

بنای اصلی بقعه در مقابل مسجد اکبریه است و اطاقی ساده به‌طول ۶۰۰ و عرض ۵۳۰ سانتیمتر، است. در ورودی در ایوان غربی است و دو طرف آن دوپنجره دارد. درشمالی به‌انبری بزمی‌شود. سقف ایوان واطاق لمبه‌کوبی است. فرش کف اطاق کاشی آبی است. درجنوبی بقعه به‌آرامگاه خنوادگی باز می‌شود. ایوان غربی یازده ستون گرد چوبی دارد. لبهٔ بام یک‌پشته و بام سراسر بنا، سفال سر است.

صندوقی در وسط اطاق به‌درازای ۱۸۵ وپهنای ۹۵ وبلندی ۹۹ سانتیمتر قرار گرفته که اطراف آن را ضریحی به‌درازای ۲۵۷ وپهنای ۱۹٤ وبلندی ۱۵۰ سانتیمتر احاطه کرده است.

برحاشیه‌های بالا وپائین وحشبه‌های عمودی، سورهٔ مبارکهٔ «یس» حک‌شده است. بربدنهٔ شمالی نام چهارده معصوم داخل هشت‌ضلعی‌هائی روی تخته، کنده‌کاری‌شده است. درهمین بدنه تاریخ ساختن صندوق را بدین ترتیب حک‌کرده‌اند:

«بتاریخ غره شهرذیقعدة الحرام درسنهٔ ساحت‌نو[1] ۱۲۵۳.»

برضلع جنوبی در دوستون این عبارات حک شده است:

«الباعث‌الخیر استاد امیربناالمحله غفرالله لك ولوالدیك وخاجه موسی سویاستری سواب این عمل دست گیرد[کذا] یدالله یامحمد.»

درضلع شرقی صندوق نامهٔ پنج‌تن حک شده است.

بقعهٔ پیرعلی[2]
درمحلهٔ پیرعلی گابنهٔ لاهیجان

طرح بقعهٔ پیرعلی بسیار زیبا وهمانند طرح بقعهٔ میرشمس‌الدین در محلهٔ

۱ـ این حروف باحساب جمل، معدل ۱۲۵۳ نیست.

۲ـ رابینو از بقعهٔ پیرعلی ومسجد متصل بدان یادکرده است. گیلان رابینو، ص۲۹۷.

اردوبازار لاهیجان است . بنای اصلی هشت ضلعی است که طول هرضلع آن ۱۹۲ سانتیمتر است . هرضلع شامل صفه‌ای پنج‌ضلعی است . طول اضلاع بلند دوطرف ۸۵ وطول اضلاع متصل به‌این دو ضلع ۷۳ وطول ضلع مقابل ۴۸ سانتیمتر است . عمق هرصفه ۱۴۵ سانتیمتر وفصلهٔ میان هردو صفه قسمتی از اضلاع هشت ضلعی اصلی است که طول آنها هریك ۲۰سانتیمتراست . چهاردر، درچهار جهت اصلی‌است که به‌ایوانها باز می‌شود وبالای هردر خفنگی مشبك هلالی است . سقف حرم از داخل ، کوتاه وآجری‌است و برجستگی‌گنبد بسیار کم و توسری‌خورده‌است .

در کمربند داخلی‌گنبد ابیاتی ازهفت بند محتشم‌کاشانی نوشته شده است‌که تاریخ‌تحریر آن سال ۱۲۳۵ ه‌.ق. است . روی این اشعار سیه است وآثارتعمیر و مرمت دیده می‌شود .

چهار ایوان درچهار جهت‌است . عرض‌ایوانها ۱۴۰سانتیمتراست . هرایوان هفت ستون چهرسوی‌پخ‌زده ، دارد. مجموع ستونهاکه همانند یکدیگرند ، بالغ بر ۲۸ عدد است . سقف ایوانها واشان‌کشی و از رو پل‌کوبی با درزپوش است . لبهٔ بم یك‌پشته و سراسربام، سفال‌سراست . کف بقعه باکاشیهای سبزچمنی به‌ابعاد ۲۲سانتیمتر،فرش‌شده‌است. صندوق مزارچوبی‌وساده ودروسط بنا است و برپیه‌ای به‌بلندی۲۰ سانتیمتر قرار دارد . درازای صندوق ۲۲۰ و پهنای آن ۱۱۸وبلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است .

اطراف‌بنای بقعه صحن نسبةً وسیعی است. درشمال وغرب این‌صحن‌حجرات حسینیه است درضلع جنوبی صحن . تکیه‌ای قدیمی‌است . درازای این تکیه ۲۱ متر وپهنای آن ۵ متر است . بردیوار تکیه در دوردیف دو کتیبه است. کتیبهٔ بالا ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است ودرتاریخ ۱۳۲۱ ه‍. ق. نوشته شده است . جلواین تکیه ایوانی‌سرتاسری است. هشت فیلپاکه پائین وبالای آنهاچهارضلعی و میانهٔ آنها هشت ضلعی است ، ازآجر دراین ایوان ساخته‌اند . پائین فیلپاهارا در چهار ردیف ازکاشی‌سبزرنگ ، کاشیکاری کرده‌اند . سقف تکیه لمه‌کوبی ، لبهٔبام

سه‌پشته و بام‌بنا ، سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا میرابراهیم

بقعهٔ آقا میرابراهیم شامل اطاقی مربع شکل است که قبری درمیان آن است. صندوقی ازچوب آزاد براین‌قبراست که اطراف آن ضریحی مشبك است. درحاشیهٔ بالای صندوق سورهٔ مبارکهٔ «یس» حك شده است.

مسجد اکبریه

این‌مسجد شامل سه‌طاق بلند درامتداد هم است‌که برشش پایهٔ اصلی‌بناشده است . (عکس شمارهٔ ۷۰) فاصلهٔ میان پسایه‌های اصلی بنا ۷ متر و عرض و طول هرپایه ۱۲۰ سانتیمتراست . طرفین‌این سه‌طاق اصلی سه‌طاق‌کوچك است‌ومجموع هرسه‌طاق طرفین تقریباً شبیه یك راهرو است . بطن‌بنا آجرهای نازك قدیمی‌و ملاط آن گچ و خاك است. درطرفین محراب ، دواطاق کوچك انبار مانند است‌که درهای بزرگی دارند. دیوارها ، ازفاصلهٔ هشتاد سانتیمتری زمین‌کاشی‌کاری است و تمام کاشیها همزمان بنای مسجد است . اطراف محراب وضلع جنوبی بنا کاشیهای تازه کارکرده‌اند.(عکس‌شمارهٔ ۷۱) بالاسر محراب جدید ، «بسمله وتقدیمی‌حاجی عبدالله یزدان» نوشته شده‌است. طرفین محراب سورهٔ«القدر» تاآخردیده می‌شود . داخل محراب«الله نورالسموات والارض‌ــ‌تــ وهو بکل‌شیء‌علیم.» نوشته‌شده‌است . مجموعهٔ‌بنا بتازگی‌تعمیرشده‌است.درسمت شمال سه‌در ورودی بزرگ به‌محوطه‌ای که حوض وضو وچاه‌آب درآن‌است، نصب کرده‌اند. گلدسته وقسمتی‌از بنا که زیر آن قرارمی‌گیرد ، تجدید بنا نشده است . (عکس شمارهٔ ۷۲)

کتیبه‌ای برسنگ بردیوار داخلی مسجداکبریه

« بعهد فتحعلــی‌شاه شهریــار عجم طراز افسر کاوس‌و زیب مسند جم
شهنشی که پی خاکبوس درگه او قدسپهر زبــدو وجــود آمده خم
حریم حرمت اورا همال‌می‌جستم فتاده وهم در اندیشهٔ حریم حرم

فکنده شمسهٔ چترش چه بر زمین پرتو — گشوده رایت عدلش چو در زمان پرچم
ظلام ظلم بپوشید روی از گیتی — لوای جور نگونسار گشت در عالم
زمین درگه او هست بوسه جای ملوک — رواق حضرت او گشت سجده گاه امم
ز طوق طاعت او کرده اند زیب رقاب — بطوع تاجوران ترک و تازی و دیلم
سپهر جاه علی اکبر آنکه از نامش — بود علو و بزرگی ممهد و محکم
بهیمن و یسر جهانیش در یمین و یسار — که آفتاب نوال است و آسمان کرم
بریده داد وی از صعوه مخلب شاهین — شکسته عدل وی از گرگ پنجهٔ ضیغم
ز نیش حادثه هر جا که شد دلی مجروح — نهاده لطف دل آسای او بر آن مرهم
کنم چگونه ز کیفیتش بیان کامد — کفش بگاه کفایت فزون ز کیف و ز کم
کمند فکر بقصر نوال او نرسد — بلی بچرخ برین کی توان شد از سلم
بحکم خسرو عادل بشهر لاهیجان — فراز مسند فرمان دهی نهاده قدم
بذات کعبهٔ طاعت بجان مدینهٔ علم — وز آن مدینهٔ علم آمده است بیش نه کم
بنا نهاد چنین مدرس و چنان مسجد — که این مدینهٔ علم است و آن حریم حرم
چه مدرس آمده خاکش چو عنبر سارا — چه مسجد آمده آبش چو کوثر و زمزم
چه خاک! عالم از او گر کسی بود جاهل — چه آب! روشن از او گر دلی بود مظلم
فروغ دانش لقمان در آن بود مضمر — هوای روضهٔ رضوان در این بود مدغم
ز بانی این دو بناشد چو اکبریه بنام — بماند نام نکویش همیشه در عالم
نوشت از پی تاریخ هر دو کلک صبا — شده مدینهٔ علم و حرم قرین بهم[1]

کتبه المذنب زین العابدین کاشانی مستوفی دیوان اعلی ۱۲۳۹ .»

باقی بناها و آثار تاریخی محلهٔ گابنه

۱ـ مسجد آقا.[2]

۱ـ این قصیده با تغییراتی در سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۷۳ـ۷۵ آمده است .

۲ـ گیلان رابینو ، ص ۲۹۷ .

بناها و آثار تاریخی محله‌های
میدان و تکیه‌بر و جواهرپشته (= فرخ‌آباد)
بقعهٔ چهار پادشاه[۱]

این محل در ابتدا مرقد سیدخرم‌کیا یا سیدخورکیا مقتول در سال ۶۴۷ ه. ق. بود. چون سیر سادات زیدی کیائی را در جوار سیدخرم کیا به خاک سپردند، این محل به‌نام چهار پادشاه شهرت پیدا کرد.[۲]

شرحی که رابینو دربارهٔ این بقعه نوشته، از این قرار است:

«قسمت اعظم بنای چهارپادشاه، مزارسیدهادی کیاست. این بنا وقتی برپاشد که اجساد برادرانش سیدعلی‌کیا و سیدحسن کیا و اجساد افراد دیگر یعنی سید ابراهیم کیا و سیدعبدالله کیا پسران سیدعلی‌کیابن‌سیدنصرکیا را در اینجا به خاک سپردند. ایشان درسال ۷۹۱ قمری در جنگ رشت کشته شدند. اجساد ایشان پنج ماه پس‌ازکشته شدن بدینجا منتقل شد.»

سیدظهیرالدین دربارهٔ انتقال جسد ایشان چنین نوشته است:

«سیدهادی کیا نزد امیره دباج فومنی فرستادند و بنیاد دوستی و صداقت کردند ورسل ورسایل‌ازطرفین روان‌کردند وقراررفت‌که شهدای رشت‌را به‌لاهجان آرند وهمچنان‌که عهد کرده بودند، امیره‌دباج علما وصلحای آن دیاررا بفرستاد، تا سادات را نبش نموده به مردم لاهجان بسپارند. و از لاهجان علما و فقها و صلحا و حفاظ و خواجگان معتبر، مجموع لباس سوگواری دربر کرده با انواع صدقات وموهبت روان گشتند و سادات را ازرشت نقل کرده به تکبیر وصلوات و ختم قرآن وفقرا و مساکین را صدقات وهبات به نیت ارواح مطهرهٔ سادات کرام تقسیم نمایان به‌لاهجان درآوردند و سیدهادی کیا با فرزندان و سایر بزرگان پا برهنه به استقبال اقدام نمود وبه سر بازار لاهجان به قرب جوار سید مغفرت‌پناه

۱ــ ثبت تاریخی‌این‌بقعه به‌شمارهٔ ۳۲۲ ودرفهرست بناهای تاریخی‌واماکن‌باستانی‌ایران ص۱۳۰، شرحی راجع به‌این‌بقعه است. ۲ــگیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین، ص۹۳.

سیدخورکیا دفن فرمودند. ومردم لاهجان را ازفقها وصلحا وشهریان ولشکریان، آش تعزیت دادند وهفت روز به‌ختم قرآن و خواندن وعظ و تقسیم درهم و دینار جهت رفع مظالم شهدا مشغول گشتند و بربالای آن مزار بنیاد عمارت عالی‌کردند و جهت مستحقان ومترددان و فقرا و مساکین اوقاف تعیین نمودند.»[1]

کتیبه‌ی صندوقها خوش‌خط ومتعلق به‌قرن هشتم واوایل قرن نهم ه. ق. است. درهای ورودی چوبی است و کنده‌کاری دارد. تاریخ کتیبهٔ آنها به۱۰۱۵ه.ق. می‌رسد. دراین کتیبه شجرهٔ نسب سیدخورکیا و نام هدیه کنندهٔ آن یعنی قاضی‌محمدخان، دیده می‌شود. خط کتیبه از محمدبن داود کیا و نجار آن عبدالفتاح لاهیجی است.

در ورودی دیگر کار استاد شهاب‌الدین بن نظام‌الدین درودگر قزوینی است. کتیبه‌ای دارد که نشان می‌دهد این قسمت از مزار در سال ۷۹۱ ه. ق.، به‌دستور الحاج‌خواجه حاجی‌زنگی‌شاه‌نظر، ساخته شده است.

بریکی ازصندوقها که برمزار سیدخورکیاست که در ربیع‌الاول سال ٦٤٧ ه.ق.کشته شده‌است، کتیبه‌ایست که نشان می‌دهد، این‌صندوق به‌دستور حاجی‌علی‌بن‌شهاب الدین‌لاهیجی ساخته شده است

برصندوق دیگر کتیبه‌ایست‌که ازمطالب آن معلوم می‌شود که درزیر این صندوق سیدرضی‌کیا پسر سیدعلی کیاالحسینی متوفی روز اول جمادی‌الاولی سال ۸۲۹ ه.ق.، مدفون است. خط‌کتیبه ازحسین‌بن‌علی‌الصالحی‌الجیلی است. روی پاره تخته‌ای که برای تعمیر صندوق به‌کاررفته است ومربوط به جای دیگر است، نام سیدعلی‌بن‌امیر.خوانده می‌شود.

این‌مزار دوقرآن‌قدیمی دارد، یکی به‌خط کوفی‌است‌که‌چندصفحه‌ای‌ازاول‌و آخر آن افتاده است. قرآن دیگرمورخ سال ۸۸۳ ه. ق. است وبه‌خط نظام‌الدین بن شمس‌الدین مداحی نوذری است. مسجدی نیز در جوارمزارچهارپادشاه است.[2]

۱ــ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین،ص۹۵و۹۶. ۲ــ گیلان رابینو، ص۲۹۵.

مرحوم سعیدنفیسی تحقیقی دربارهٔ مدفونین دربقعهٔ چهرپادشاهان کرده و مطلبی به‌این شرح نوشته است:

«احوال سیدخورکیا درکتاب تاریخ رابینومفصلا نگاشته شده وتنها نکته‌ای که می‌توان از احوال این سیدخورکیا دانست این است که قطعاً او از خندان سدات معروف به‌کیائی بوده که یك سلسلهٔ ایشان در مغرب مازندران دراواخرقرن هفتم و اوایل قرن هشتم حکمرانی داشته‌اند و یك سلسلهٔ دیگر در مشرق گیلان مقیم بوده‌اند ومخصوصاً بعضی ازایشان درلاهجان سکونت داشته‌اند. یکی‌ازسادات این خندوادهٔ دوم معروف به‌سیدامیرکیا به خیال سلطنت گیلان افتاد ودرسال ۷۶۳ رحت‌کرد وپس‌ازاوپسران وی به‌حکمرانی گیلان رسیدند ومدتی نزدیك به۲۳۷ سال یعنی‌ازسال (۱۰۰۰–۷۶۳)، وقتی‌که خان‌احمدخان‌آخرین پادشاه ازاین‌سلسله منکوب شه‌عباس‌صفوی‌شد و به‌استانبول فرارکرد، این خاندان درگیلان‌حکمرانی داشته‌اند. سیدخورکیا از همین سلسله بوده است و درلاهیجان سکن بود و در آنجا به سال ٦٤٧ کشته شد. ازمقامت او والقابی که برصندوق مزار او نوشته‌اند، معلوم می‌شود، درزمن خویش‌یکی ازپیشوایان دینی‌بوده واین نکته‌کاملا باتاریخ موافقت دارد. زیرا که این سلسله پیش ازآنکه به‌سلطنت برسند چه درگیلان و چه در مازندران پیشوایان دین و اولیای مذهب شیعه بوده‌اند وهم در زمانی که حکومت داشته‌اند، پیشوائی دین خودرا باسلطنت توأم ساخته‌اند وچون ازاولاد ائمه بوده‌اند، همواره مردم را نسبت به ایشن اعتقادی بوده است. صندوق مرقد سیدخورکی نمونه‌ایست ازصنعت مخصوصی‌که درگیلان به‌اوج‌کمل رسیده است و آن عبارت است ازمنبت کاری ونقاشی ونقاری برچوب و به‌اصطلاح صنعت‌گران، کنده کاری.»

اطاقی جداگانه درشرق بنای چهارپادشاه

اطاقی به‌طول ۷٤٥ و عرض۲۹٥ سانتیمتر در شرق بنای چهار پادشاه است. دراین اطاق صندوقی به درازای ۱۸۰ وپهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۰۰ سانتیمتراست.

ازصندوق قدیمی فقط بدنهٔ شمالی آن به‌جای است. سه‌بدنهٔ دیگر صندوق و قسمت بالای آن به یغما رفته است و به‌جای آن صندوقی کثیف و رنگین ساخته و بدنهٔ شمالی را در آن جای داده‌اند و روی این بدنه را با شیشه‌ای یك‌پارچه پوشانده‌اند.

بدنهٔ شمالی به‌سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود و میان هر دو قسمت حاشیه‌ای کنده‌کاری دارد. تمام کتیبه‌های این بدنه به‌خط ثلث است. (عکس شمارهٔ ۷۳)

کتیبهٔ افقی بالاوپائین بدنهٔ شمالی:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌ق والقرآن‌المجید ـ تا ـ وعندنا کتاب حفیظ.[۱] بل‌کذبوا بالحق لماجاءهم ـ تا ـ کل زوج بهیج تبصرة.»[۲]

این‌عبارات برحاشیهٔ قسمت سمت راست بدنهٔ شمالی این صندوق حك است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌اللهم‌صل‌علی‌محمدالمصطفی‌وعلی‌المرتضی‌وعلی‌البتول‌فاطمه والسبطین‌الحسن والحسین وصل‌علی‌زین‌العباد علی‌والباقر محمد والجعفر الصادق وموسی الکاظم والرضا وعلی‌محمدالتقی و علی‌النقی‌الزکی والحسن العسکری حجة‌الله وخلیفته‌القائم المنتظرالمظفر الهادی صاحب العصر و الزمان خلیفة‌الرحمن سیدالانس و الجان صلوات‌الله علیهم اجمعین حرره العبد الاحقر محمد جعفر بن محمد اللاهجانی عمل استاد رسول نجار بن اکبر قزوینی.»

کتیبهٔ قسمت وسط بدنهٔ شمالی صندوق:

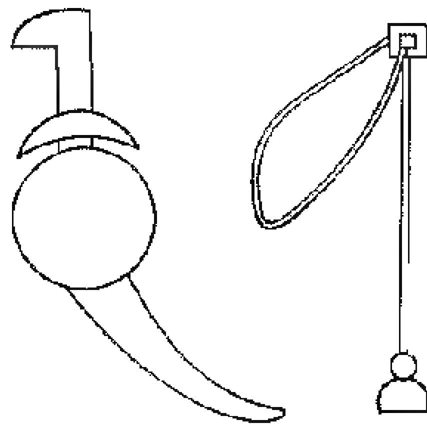
«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم عم یتسآءلون عن‌النبأ العظیم ـ تا ـ وخلقناکم ازواجا.»[۳] (عکس‌شمارهٔ ۷٤)

در ورودی این اطاق در دیوار شمالی و دوپنجره درطرفین آن است. یك پنجره نیز در دیوار غربی اطاق است.

۱ـ سورهٔ ق ۵۰، آیات : ۱ـ۴. ۲ـ سورهٔ ق، آیات: ۵ـ۷ ویك‌کلمه ازآیهٔ: ۸.

۳ـ سورة النبأ ۷۸، آیات: ۱ـ۸.

دراین اطاق سنگهای قبر مرمر زیادی است که تاریخ آنها میان ۱۲۱۸ و ۱۲۴۳ ه.ق. است. یکی‌ازسنگها که نقوش‌ناشناخته‌ای بر آن بود، جلب نظر کرد. مطالب و نقوش حک‌شدهٔ براین سنگ از این قراراست:



«وفات المرحوم المبرور المغفور آقایوسفعلی طاب ثراه فی سنه ۱۲۱۸. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، خنجر، تپانچه و آلاتی بدین‌شکل.»

مرحوم سعیدنفیسی درمجلهٔ تعلیم و تربیت دربارهٔ حجرهٔ اول چهارپادشاهان چنین نوشته است:

درحجرهٔ اول‌سه‌قبراست. برصندوق‌اول‌کتیبه‌ایست‌که در آن نام سیدرضی‌کیا بن سید علی‌کیا متوفی در اول جمادی الاولی سنه ۸۲۹ است. این سید رضی کیا ازهمان سادات سلاطین‌کیائی گیلان است‌که درلاهیجان سلطنت داشته است.

سیدظهیرالدین‌مرعشی‌در تاریخ‌گیلان ودیلمستان،درباب رحلت‌وی‌می‌نگارد:

«چون ازتقدیر ربانی سال هجری به‌سنهٔ ۸۲۹ رسید،روزدوشنبهٔ غرهٔ جمادی الاولی موافق دوازدهم تیرماه قدیم‌که‌آفتاب جهان‌فروز شب سیزدهم به‌برج‌شرف خودکه اول نقطهٔ اعتدال ربیعی است، تحویل کرد... سیدرضی‌کیا دعوت حق را لبیك گفت.» این تاریخ با تاریخ کتیبه موافقت دارد ومسلم می‌شودکه سیدرضی‌کیا روز دوشنبه غرهٔ جمادی‌الاولی سال ۸۲۹ ه. ق. درگذشته است.

اما درکتیبهٔ صندوق قبر دوم نام ابوتراب سیدرضابن سیدعلی‌بن سیدامیر کیاست و نسب او تا حضرت رسول درکتیبه آمده است ودرآخر تاریخ آن چنین است:

«فی اول جمادی الاول یوم الاثنین سنة تسع و عشرین و ثمانمائه.»

در باب این شخص که معلوم می‌شود از بزرگان سادات صحیح النسب و از اولیای زمان خویش بوده است، کتب تاریخ ذکری به میان نیاورده‌اند. همین قدر معلوم است که وی به پانزده پشت به امام اول علی بن ابی طالب علیه السلام، می‌رسیده و جد ششم او علی غزنوی است. از عجایب تصادف این است که این ابوتراب رضا بن علی درهمان روز دوشنبه غرهٔ جمادی الاولی سنهٔ ۸۲۹ ه. ق. که امیر سید رضی کیا، پادشاه گیلان درگذشته است، نیز رحلت کرده و شگفت است دو نفر که مزار هردو در جوار یکدیگر واقع شده دریک روز رحلت کرده باشند و آنهم یکی سید رضی و دیگری سید رضا نام داشته است.

در صندوق قبر سوم نام سید علی بن امیر الحسینی خوانده می‌شود. این شخص پدر همان سید ابوتراب رضا است که درسال ۸۲۹ ه.ق. درگذشته است. چون پسر او در اوایل قرن نهم درگذشته، به سیاق طبیعت بایستی این پدر از اواخر قرن هشتم و به فاصلهٔ سی الی چهل سال پیش از پسر خود درگذشته باشد و این مصادف است با سال ۷۹۹ یا ۷۸۹ ه. ق.

یك جفت در کهنه در این حجره مانده است که گویا در زمانهای قدیم در این حجره بوده و بعد از آن چون کهنه شده بود، آن را عوض کرده‌اند و به جای آن دری تازه‌تر ساخته‌اند. بر این در نو کتیبه‌ای نیست اما بر در کهنه کتیبهٔ زیر خوانده می‌شود:

«امر بعمرة هذه البقعة الشریفة الحاج خواجه حاجی زنگیشاه الناظر فی سنه احدی و تسعین و سبعمائه عمل استاد شهاب الدین بن استاد نظام الدین درودگر قزوینی.»[1]

این در درسال ۷۹۱ ه. ق. ساخته شده و از آن معلوم است که این بقعه را نیز درهمان سال بنا کرده‌اند. پس این حدس که سید علی بن امیر الحسینی به سال ۷۹۹ یا ۷۸۹ ه. ق. درگذشته است چندان دور نیست و چون بقعهٔ وی را درسال ۷۹۱ ه.ق.

۱ ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۵۷ و ۵۸.

ساخته‌اند، ممکن است وی درهمان‌سال یعنی ۷۹۱ درگذشته باشد واین ظن نزدیك به یقین است.

پس به‌طور کلی بقعهٔ چهارپادشاه، مزارچهارتن از بزرگان لاهیجان است، به‌این شرح:

۱ـ سیدخورکیا متوفی درسال ٦٤٧ هـ. ق.

۲ـ سیدعلی حسینی متوفی درسال ۷۹۱ هـ. ق. (ظاهراً)

۳ـ سیدرضاحسینی متوفی درسال ۸۲۹ هـ. ق.

۴ـ سیدرضی کیا متوفی درسال ۸۲۹ هـ. ق.

از این‌جا معلوم است که نخست سیدخورکیا در سال ٦٤٧ درگذشته ووی را دراین محل دفن کرده‌اند و حجره‌ای و بقعه‌ای برای مرقد وی ساخته‌اند. پس‌از آنکه سیدعلی درسال ۷۹۱ هـ. ق. (ظاهراً) یعنی چهل وچهارسال بعد رحلت‌کرده، درطرف‌چپ‌آن حجره، حجره‌ای دیگرساخته‌اند ووی را درآن به‌خاك‌سپرده‌اند. شاید برای‌آنکه درحجرهٔ اول جائی نبوده است. زیرا آن حجره چنانکه‌می‌نماید جا برای یك مرقد بیشترندارد. پس‌از آن درسال ۸۲۹ هـ. ق. یعنی سی وهشت سال بعد سیدرضاحسینی‌پسرسیدعلی درگذشته ووی‌را درجوارپدرش به‌خاك سپرده‌اندو چون درهمان روز سیدرضی‌کیا پادشاه گیلان نیزرحلت‌کرده، وی را درهمان‌حجره دفن کرده‌اند. ازاینجاست که این بقعه به‌نام چهرپادشاهان معروف شده. زیرا که یکی از مدفونین آن سیدرضی‌کیا پادشاه گیلان است و سه نفر دیگر از اولیای مشایخ دین. در ایران همیشه معمول بوده است‌که اولیا و پیشوایان دین و عرفای نامی را پادشاه وقت خویش می‌خواندند و این سه نفر پیشوا را نیز پادشاه خوانده‌اند، لهذا نام چهرپادشاه پیدا شده است.[1]

۱ـ مقاله‌ای در موضوع چهرپادشاه به‌قلم مرحوم سعیدنفیسی در مجلهٔ تعلیم و تربیت سال سوم، ص ۲۶۶ به‌بعد.

اطاق شمارهٔ یك
مرقد سیدعلی کیا و سیدرضی کیا

دراطاق اول صندوقی به‌درازای ۲۳۲ وپهنای ۱۱۹وبلندی۹۱سانتیمتراست. بدنهٔ شمالی صندوق شامل سه قسمت اصلی است ومیان هردوقسمت حاشیه مانندی گل‌و بوته‌دار کنده‌کاری شده است. (عکس شمارهٔ ۷۵) برقسمت وسط، این عبارات به خط بسیار خوش نسخ حك شده است:

«کل شیء هالك الاوجهه
هذا المرقد المنور و المشهدالمعطر للسیدالمرحوم المغفور المنتقل الی رحمه ربه الغفورالسیدرضی‌کیابن‌السیدالامام‌السیدعلی‌کیاالحسینی نورالله تعالی‌قبره فی اول‌جمادی‌الاول سنة تسع وعشرین وثمانمایه من هجرة خیرالبریه.»[1] (عکس شمارهٔ ۷۶)

برحاشیهٔ بالای همین بدنه:

«[انا نحن نحی‌الموتی و نکتب‌ما] قدموا و اثارهم وکل ـ تا ـ قالوا ربنایعلم انا الیکم [لمرسلون].»[2]

بدنهٔ شرقی‌دروسط نقش‌ونگاروطرفین چهارحاشیهٔ‌کنده‌کاری دارد. برحاشیهٔ بالای همین بدنه:

«الا البلاغ‌المبین ـ تا ـ طیرکم معکم.»[3] (عکس‌شمارهٔ ۷۷)

بربدنهٔ جنوبی‌صندوق‌نام ابوتراب‌رضا بن‌سیدعلی باشجرهٔ نسب او وبرحاشیهٔ بالای آن آیاتی ازسورهٔ مبارکهٔ «یس» به‌این شرح است:

«هذاالمرقد المنور والمشهدالمعطر للسید المرحوم المغفور المنتقل الی رحمة ربه الغفور ابی‌تراب رضابن علی بن امیر بن‌حسین بن‌حسن بن

۱ــ این کتیبه با اختلافاتی در سفرنامهٔ مازندران و استرآباد رابینو ص ۵۹، دیده می‌شود. ۲ــ سورهٔ یس۳۶، قسمتی‌ازآیهٔ:۱۲ وتمام‌آیهٔ:۱۳و۱۴و۱۵ وقسمتی‌ازآیهٔ:۱۶.
۳ــ سورهٔ یس ۳۶، قسمتی ازآیهٔ: ۱۷ وتمام‌آیهٔ: ۱۸ وقسمتی ازآیهٔ:۱۹.

علی بن احمد بن علی الغزنوی بن محمد بن ابی زید بن حسین بن احمد بن عیسی بن علی بن حسین الاصغر بن علی بن حسین بن علی ابن عم رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم فی اول جمادی الاول یوم الاثنین سنة تسع و عشرین و ثمان مائه من هجرة خیر البریه.»[1] (عکس شمارهٔ ۷۸)

بر حشیهٔ بالای همین بدنه:

«بسم الله الرحمن الرحیم یس والقرآن الحکیم ـ تـ ـ فاغشیناهم فهم لا [یبصرون].»[2]

بر پائین بدنهٔ جنوبی صندوق این کتیبه باقی است:

«ندمت الهی ما اکتسبت جهالة وانت غفور عبدك العفو آمل
تقبل خضوعی واعف عنی خطیئتی فانت کریم عبدك العفو سائل
کتبه حسن بن علی الصالحی الجیلانی.»[3]

طرف چپ این بدنه قسمتی ریخته یا به‌سرقت رفته است و به‌جای آن کتیبهٔ دیگری از محل دیگر یا صندوق دیگر این بقعه، برجای آن نصب کرده‌اند. این عبارات بر این قسمت خوانده می‌شود:

«هذا المشهد المنور والمرقد المعطر للسید السعید والامام الشهید المقتول المظلوم علی بن امیر الحسینی نور الله مضجعه.»[4]

صندوقی دیگر در اطاق شمارهٔ یك

بالای سر صندوق اصلی صندوقی تخته‌ای به‌درازای ۱۳۹ و پهنای ۱۰۰ و بلندی ۸۸ سانتیمتر قرار دارد که بر آن کتیبه‌ای دیده نشد.

۱ـ این کتیبه با اختلافاتی درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۵۹ آمده است.
۲ـ سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱ـ۸ وقسمتی از آیهٔ ۹. این قسمت ریختگی ودست‌خوردگی زیاد دارد.
۳ـ این دو بیت با رقم آخر آن درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص ۵۹، دیده می‌شود.
۴ـ دنبالهٔ آن شکستگی و ریختگی دارد. این کتیبه درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص ۵۹، نیز آمده است.

این دوصندوق در اطاقی به‌درازای ۹۸۰ و پهنای ۱٤۰ سانتیمتر قرار گرفته‌اند. این اطاق شامل سه در ورودی است. درشمالی در وسط به بلندی ۲۰٤ و پهنای ۱۲۵ سانتیمتر است. این دولنگه درنوساز و قسمتهای کهنهٔ دری را به بلندی ۱۷۳ و پهنای ٤۸ سانتیمتر، بر آنها نصب کرده‌اند. دمغهٔ در قدیمی‌است و بر لنگهٔ نوساز نصب شده است.

بر بالای لنگهٔ سمت چپ این در، عبارات زیر خوانده می‌شود:

«امر بتجدید عمارة هذا المشهد المنور صاحب السعادة و السجایا و التأدب و...»

بر بالای لنگهٔ سمت راست این عبارات است:

«الشجاعه تاج الدین الثار ادامت(؟) الله فی تریخ سنة عشرین و ثمانمائه.»

طرفین این در، دو در به‌اندازهٔ در بالاست و هر دو نوساز ند.

در بالای هر سه در ، خفنگی مشبك چوبین ظریف است که بالای آنها هلالی‌شکل است.

درسمت شرقی اطاق در ورودی مشبك ظریفی دیده می‌شود. در ورودی مسجد درسمت غربی و در ورودی انبار درسمت جنوبی اطاق است.

سقف تمام بنا، لمبه‌کوبی با درزپوش خطدار است.

اطاق شمارهٔ دو چهار پادشاه

این اطاق درردیف اطاق اول ودرغرب آنست. امروز به‌جای مسجد از آن استفاده می‌شود و کتیبه و آثاری ندارد. احتمال دارد اجساد سیدابراهیم و سید عبدالله کیا پسران سیدعلی‌کیا بن‌سیدناصر کیا یاافراد دیگر را که اهمیتی نداشته‌اند، دراینجا به‌خاك سپرده باشند.

اطاق شمارهٔ سه چهار پادشاه

دراین اطاق نیز مانند اطاق دوم کتیبه و اثری نیست و امروز به‌جای آبدارخانه از آن استفاده می‌شود محتمل است دراین‌اطاق نیز اجساد افرادی از خاندان کیائی به‌خاك سپرده شده باشد .

اطاق شمارهٔ چهار
مرقد سیدخورکیا

اطاقی است مربع شکل با چهار صفه درچهارجهت اصلی. ابعاد اصلی اطاق ۸۶۰ و دهانهٔ صفدها ۴۸۰ سانتیمتر است. در ورود اصلی که از نظر هنری ارزش داشته است درحال حاضر در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود. (عکس شمارهٔ ۷۹) درفعلی به بلندی ۱۹۸ و پهنای آن ازلبهٔ چهار چوب ۱۱۰ سانتیمتر است. در فعلی دولنگه و پهنای هرلنگه ۵۰ و بلندی آن ۱۶۷ سانتیمتر است. دردیوارشرقی اطاق دری به آبدارخانه بازمی‌شود. بالای هردو درخفنگی مشبك چوبین است.

درحاشیهٔ بالای اطاق، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم کاشانی گچ‌بری شده ودرفواصل مصراعها «یاحسین مظلوم» خوانده می‌شود. سراسر سقف بنا، لمبه‌کوبی است. و ازآنجا که چهارکنج بنا حالت جمع شدن دارد، محتمل است که در اصل، بنا دارای گنبد بوده است واهالی نیزبراین امر گواهی می‌دادند.

صندوقی چوبین مرقد سیدخورکیا را می‌پوشاند که به علت قراردادن ضریح چوبین مشبك به درازای ۳۲۵ و پهنای ۱۹۰ و بلندی ۱۶۵ سانتیمتر دورصندوق و اضافه کردن شیشه از داخل درپشت ضریح، مطالب حك شدهٔ روی صندوق درست خوانده نشد. (عکس شمارهٔ ۸۰) آنچه از نوشته‌های صندوق که به خط ثلث ونسخ خوش است وخوانده شد ازاین قراراست:

بربدنهٔ شمالی صندوق:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم ـ تا ـ فهی‌الی‌الاذ.»[۱]

این آیات بربدنهٔ شرقی صندوق است:

قان‌فهم‌مقمحون ـ تا ـ وسواء علیهم.»[۲]

این آیات بربدنهٔ جنوبی صندوق است:

۱ـ سورهٔ «یس» ازاول تا آخرآیهٔ: ۸.

۲ـ سورهٔ یس، از اواخر آیهٔ : ۸ تا ابتدای آیهٔ : ۱۰.

«أأنذرتهم ام لم تنذرهم ـ تاـ اذجآء ها المرسلون.»[1]

این آیات بر بدنهٔ غربی صندوق حك است:

«اذارسلنا الیهم ـ تا ـ وماانزل.»[2]

کتیبهٔ اصلی بدنهٔ شمالی بدین شرح است :

«هذا الصندوق المشهد المبارك الامام الهمام الناسك المرحوم الشهید السید خورکیا نورالله مرقده واناره مضجعه قتل فی شهر ربیع الاول سنة سبع واربعین وستمایه الهجریه امر بعمارة هذا الصندوق حاجی علی بن شهاب الدین اللاهجی.»[3]

در ورودی فعلی درجهت شمال است و درمحل معروف بود که این در را از امامزاده‌هاشم بدینجا آورده‌اند. این عبارات بر آن حك بود:

بر بالای دماغهٔ در :

«عمل استاد بایزید.»

بر تمکهٔ لنگهٔ سمت چپ :

«الله مفتح الابواب.»

وبر حاشیهٔ بدنهٔ همین لنگه:

« هذا[ال]مرقد المنور والمشهد المعطر الامام بن الامام الخامس الطاهر الطاهر محمدالباقر بن الامام علی زین العابدین علیهم السلام قال النبی الامی العربی المدنی... صلوات الله علیه وآله وسلم... الله الله فی اهل بیتی من اذاهم فقد اذانی ومن اذانی فقد اذی الله ومن اذی الله.. »

بر تمکهٔ پائین همین لنگه :

۱ـ سورهٔ یس، از اوایل آیهٔ: ۱۰ تا انتهای آیهٔ: ۱۳.	۲ـ سورهٔ یس، از اوایل آیهٔ: ۱۳، تمامی آیهٔ ۱۴ وقسمتی ازآیهٔ: ۱۵.	۳ـ این کتیبه باتغییراتی درص ۵۸، سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو آمده است. ودرمجلهٔ تعلیم وتربیت سال سوم از صفحهٔ ۲۶۶ به بعد مرحوم سعید نفیسی مطالبی دربارهٔ این محل نوشته است.

«عمل علی نجار التبریزی.»

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت راست:

«الله مسبب الاسباب.»

وبرحاشیهٔ بدنهٔ همین لنگه:

«قال الله تبارک و تعالی رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید وقال سبحانه وتعالی.»

دنبالهٔ این قسمت آیاتی از قرآن مجید است.

بر تنکهٔ پائین همین لنگه:

«عبدالکاتب خواجکی الکرمانی.»

برحاشیهٔ سمت راست همین لنگه:

«[قال] محمد علیه التحیة والسلم مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجا ومن عطف عنها غرق صدق رسول الله صلی الله علیه وسلم.»

کتیبهٔ در ورودی قدیمی مرقد سید خورکیا

«چون مشهد و درنو سید خوریکیا
مـاند بباغ خلد و در منظـر بهشت
واعظ که از لآلی نطق کلام اوست
گوش زمـانه پر ز در و گوهر بهشت
تاریخشن نگرچـه مناسب فتـاده است
کان روضه گشته وین شده همچون در بهشت
بهر بنـای مشهـدو در گفته قطعـهٔ
از لـطف مـی‌تراود از او کـوثر بهشت

باعانة مفتح الابواب وقع تحّر هذا الباب اوان دولت السلطان الاعظم فتح اقالیم العالم صاحب النسب النبوی والحسب العلوی ابی الفتـوح شاه عبـاس الحسینی الموسوی الصفوی دامت دولتـه صدرة الصدور

الامجد العظیم‌الشأن مفتاح بب‌الفضل والاحسان قاضی محمدخان[1]
دامت سعادته حسب اشارة الوالی‌ا عالی الداعی لدوام دولة المقدم
والتالی عبدالوحید الواعظ ابدت افادته ـ کتبه‌العبد؟ محمدبن‌داو[د]کیا
فی‌سنه ۱۰۱۵ اللهم صل علی قدوة الانبیاء و قبلة الاولیا ابی‌القاسم
محمدالمصطفی وصل علی‌سیدالاوصیاء و سندالاصفیاء علی‌المرتضی و
صل‌علی سیدةالنساء فاطمةالزهرا وصل‌علی‌سبط لمصطفی‌الحسن‌المجتبی
وصل‌علی‌صاحب‌المحنةوالبلاء الحسین‌الشهیدبکربلاوصل‌علی‌علی‌زین‌ـ
العباد والعباد وصل‌علی‌البحرالزاخرمحمدالبقر وصل‌علی‌شمس‌الشارق
جعفرالصادق وصل‌علی‌الامام‌العالم‌موسی‌الکاظم وصل‌علی‌الامام‌ابی‌الحسن
علی‌بن‌موسی‌الرضا وصل‌علی السیدالجوادمحمدالتقی وصل‌علی‌الامامین
الهمامین‌المدفونین بسرمن رای کاشفی‌الضر والمحن علی‌النقی الزکی و
حسن‌العسکری وصل‌علی‌الامام التمام بقیةالله فی‌الانام محمد المهدی
الهدی صلوات‌الله علیه وعلیهم اجمعین ـ نسب‌السید الاعظم الارشد و
السندالاکرم الامجد ذی‌الحسب الطاهرالمنیف والنسب‌الشریف‌الظاهر
السید السندالسعید المقدول المملوم المقتول المظلوم ابی‌المحاسن
السیدخرم‌کیابن ابی‌الرضابن علی‌بن‌یحیی‌بن محمدبن علی‌بن محمدبن
عبدالله بن محمد بن حسن بن محمد الطباطبا ابـرهیم بن اسمعیل
دیبـاج‌بن ابراهیم‌بن حسن مثنی‌بن الامدم‌الحسن‌بن علی‌ابن‌ابی‌طالب
صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌ـ عمل‌عبدالفتاح نجار لاهجی.»[2](عکس شمارهٔ ۸۱)

۱ـ دربارهٔ قاضی‌محمدخان که دراین کتیبه لقب صدرالصدور به‌اوداده شده است‌وظاهراً مردی بزرگ وسرشناس بوده است خبری نداریم عبدالفتح فومنی در‌تاریخ گیلان خود، از مردی به‌نام درویش‌خان‌اروملو حکمران لاهیجان، نام می‌برد که درهمین ایام می‌زیسته‌است. ولی هیچگونه دلیلی نمی‌توان یافت‌که این مرد بااین قاضی‌محمدخان یکی باشد.

۲ـ سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو، ص ۵۶ و۵۷.

ایوان شمالی چهار پادشاه

درشمال چهاراطاق اصلی چهارپادشاه، ایوانی به طول ۲۹٫۷۴ متر وپهنای ۳٫۳۵ متراست. عرض ایوان تا لبهٔ بیرونی فیلپاها چهارمتر وقسمت زیر پره سه‌پشتهٔ ایوان، ۱۳۳ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۸۲) طاق ایوان لمبه‌کوبی با درزپوش پهن است وپرهٔ ایوان بردو شیرسرمتکی‌است. سراسربام اطاقها وایوان، سفال‌سر است.

دراین ایوان شش در و دو پنجرهٔ مشبك نورگیر و هفت خفنگ نورگیر است. طاق ایوان برشش فیلپا استوار است و در طرفین این فیلپاها دو فیلپانما ساخته‌اند. پائین وبالای فیلپاها مربع ومیان آنها هشت‌ضلعی دوبدو برابر است. پائین‌آنها ازاره‌ای ازکاشی به‌پهنای ۱۷۰ و بلندی ۸۵ سانتیمتر کاشی‌کاری است. (عکس شمارهٔ ۸۳) کاشیها گل وبوته‌دار ونقوش دیگری غیرازگل و بوته درآنها دیده می‌شود. ابعاد کاشیهای قدیمی ۱۲ × ۱۲ و ۱۸ × ۱۸ بود. در مطالعهٔ بعدی کاشیهای نو به‌جای کاشیهای قدیمی گذاشته بودند. (عکس شمارهٔ ۸٤)

فضائی درمقابل این ایوان و ایوان اطاق جداگانهٔ چهارپادشاه است. این حیط دارای دو درغربی وشمالی است.درشمالی قدیمی وقاب وگره است. بر بالای چهارچوب آن این آیات از سورهٔ فتح با خط نسخ حك شده است:

«السوء علیهم دائرة السوء و غضب‌الله ــ تا ــ تسبحوه بکرة واصیلا.»[۱]
(عکس شمارهٔ ۸۵)

قرآنی با خط نسخ جلی متعلق به‌بقعه

این‌قرآن به‌درازای٤۳وپهنای۳۱٫۵سانتیمتراست. درهر صفحه ترجمهٔ‌آن‌به فارسی نسبهٔ کهنه نوشته شده است. کلمات معرب وسرآیه‌ها، دایرهٔ مطلای شش قسمتی‌است. درحاشیهٔ پاره‌ای ازصفحات نقش دیده می‌شود، نقشهی ازاکلیل‌وسرانج و

۱ــ سورةالفتح ۴۸، قسمتی از آیهٔ : ۶ وتمام آیت : ۷ و۸ و۹.

طلاست. نشانه‌های موارد وقف وسایر علامات درمتن دیده می‌شود. خط سرسوره‌ها سفید، حاشیهٔ آنها طلا واطراف آنها لاجورد است. صفحهٔ اول قرآن افتاده و از صفحهٔ چهار تصفحهٔ ۱۲۸۱ جزء قرآن اصلی‌قدیمی‌است. جلد وشیرازه، تازه‌تعمیر شده و صفحات افتاده، نو نویس شده است.

نمونه‌ای‌ازکلمات ترجمه شدهٔ فارسی:

«بدشخواری ـ بگستردم ـ نه‌آسان ـ دردمند ـ پشت‌برکند، به‌آنچه کرد ـ گروگانست ـ بگر دیدیم ـ چنانك ـ برنه‌انگیزد ـ بیسودیم ـ بشنود ـ باناك (= به انك) ـ سیستکاری ـ و دربـرند ایشان را در دوزخ.»

نقاره وعلمهای چهارپادشاه

چهارپادشاه نقاره داشت وتا شهریورهزار وسیصد وبیست مورد استفاده بود. معمولا در مواردی که این بقعه معجزه می‌کرد، نقاره را به صدا درمی‌آوردند. این بقعه علمهای متعدد داشته است. دوعلم اصلی آن فعلا درمنزل حاجی توکلی است.

علم‌بندی‌این بقعه روزسوم محرم ساعت یازده تاپنج بعدازظهر وعلم‌واچینی روز بیستم صفرکه چهلم امام‌است، صبح تاظهرانجام می‌شود. گذشته از علمها، این بقعه یك شش‌گوشه و دوحجله دارد. شش‌گوشه یادآور قبرحسین‌بن‌علی‌علیه‌السلام است، آن‌را تزئین می کنند وچهارتن بردوش می‌گیرند ودرایام محرم باحجله‌های آئینه‌بندی شده به‌حرکت درمی‌آورند.

متولیان بقعهٔ چهار پادشاه، به‌خاك سپرده شدگان ایـن بقعه را به این ترتیب می‌شناسند: ۱ـ سیدخورکیا. ۲ـ سیدعلی کیـ. ۳ـ سیدرضی کیـا. ٤ـ سیدیحی کیا.

مسجد جامع [۱]

مسجد جامع که مهمترین مسجد شهر لاهیجان است، درمحلهٔ قدیمی میدان بنا شده است. طاقی تاریك و سرپوشیده به نام «طاق گبری» متصل به این مسجد است. می‌گویند قسمتی از آتشکده‌ای قدیمی بوده است که این مسجد را به جای آن بناکرده‌اند.

مسجدجامع بنائی ساده است. درحدود یك قرن پیش ازتاریخی که رابینو کتاب تاریخ گیلان خود را می‌نوشت، یعنی سال ۱۳۳۱ ه.ق. ، حاجی‌علی‌اکبر نامی ـ حاکم لاهیجان ـ این مسجد را توسعه داده بود.

بنای‌کنونی به شکل مستطیلی است که طول آن دو برابر عرض است. پنج فیلپای اصلی در امتداد یکدیگر در میان مسجد است و ده فیلپای دیگر که نیمی از آنها در دیوارهای طرفین است، روبروی این پنج فیلپا قرار گرفته‌اند. فاصلهٔ فیلپاها از یکدیگر، درعرض وطول بنا، شش‌متراست. عرض وطول فیلپاها یك‌مترو نیم است. طاق سراسر مسجد براین فیلپاها استوار است و طاق میان هر دوفیلپا که درطول قرار می‌گیرد، گهواره‌ای است.

طرف شرق مسجد، چهار در ورودی است که دو در آن به آبدست و محل وضو ساختن می‌رود. طرف غرب فقط یك در است که به مدرسهٔ متصل به مسجد راه دارد.

دراین مدرسه چاهی قدیمی است که می‌گویند حضرت امام‌حسن‌علیه‌السلام از آن چاه برای وضوساختن، آب کشیده‌است. مردم طلا وپول درچاه می‌اندازند و برلبهٔ آن شمع روشن می‌کنند.

سطح دیوارها و فیلپاها تا ارتفاعی بیش از یك متر ازاره‌ای کاشیکاری دارد. کاشیهای ازارهٔ دیوارها منقوش وگل وبوته‌دار است. کف مسجد را که از کاشیهای

۱ ـ این همان مسجدی است که کارگیا سلطان محمد کیا روز شنبه عید قربان سال ۸۹۳ه. ق. درآن نماز گزارد.

ظریف قدیمی مفروش بوده ، کنده‌اند و به‌جای کاشیها «بتون» ریخته‌اند. سراسر بام مسجد، سفال‌پوش است. بالای مسجد منارهٔ‌ای کوتاه و قدیمی است.(عکس شمارهٔ ۸۶)

می‌گویند که تاجری غلام خود را برای خرید اجناس تجاری با پول فراوان به لاهیجان فرستاد. غلام پولی که در دست داشت صرف بنای این مسجد کرد . پس از مدتی غلام نزد تاجر رفت. تاجر دربارهٔ خرید مال‌التجاره از او پرسش کرد. غلام گفت «من اجناسی خریده‌ام که به‌کار این جهان نیاید .» سپس شرح داد که مبلغ مذکور را به‌چه مصرفی رسانده است. تاجر برای عمل خیری که غلام انجام داده بود، آزادش کرد.

کتیبه‌ای بر سنگ
درمسجد جمع لاهیجان

«رسالت پناه و ائمهٔ طیبین صلوات‌الله علیهم‌اجمعین

هوالسلطان المتعال حکم جهان مطاع شدآنکه وزیر گیلان بیه‌پیش بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که چون از هنگامی که مهرهٔ انجم بر تختهٔ زرنگار فلك آبگون سیماب‌نمون بدست قضا چیده کمترین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش جهة گردیده گنجور گنجینهٔ وجود بمؤدی حقانیت اقتضای قوله اللهم مالك الملك توتی‌الملك من‌تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من‌تشا وتذل من‌تشا بیدك‌الخیر انك علی کل‌شیئ قدیر» درهم و دینار تمام‌عیار دولت و اعتبار ورزده دهی پادشاهی و فرماندهی عرصهٔ روزگار را جهت این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت وولایت در مخزن هستی در کمال تردستی محفوظ ومضبوط داشته جهة سپس این نعمت بی‌قیاس و ادای شکر این عارفهٔ محکم اساس دراین عهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون درآغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مأنوس واوان شکفتگی گلشن آمال عامهٔ نفوس

است همت صافی طویت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضاءت شریعت پرور بحکم آیهٔ وافی هدایهٔ «الذین مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» بجرای اوامر و نواهی خالق و عقل کل خاتم انبیا و رسل بفحوای صدق انتمای «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون» معطوف و مصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که بمضمون بلاغت مشحون «قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها و ما بطن» پرده گیان پرده کش پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده باناملِ عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت بارز ننموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردیده و سکنان خطهٔ ایمان و مقیمان دارالسعدهٔ ایقان به مضمون حقیقت نمون «یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» دست باساس دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز ممات مات و فیل بند حیرت و هیمان هنگامهٔ عرصات ساخته معلوم شود که آنچه نرده در باخته اند سالك طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالك محروسه را که هر سال مبلغهای خطیر میشد بتخفیف و تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر فرمودیم و در این ابواب صدور عظام و عدمای اعلام و فقهای اسلام وثیقهٔ انیقهٔ علیحدهٔ موکدهٔ بلعن ابدی و طعن سرمدی که موشح و مزین بخط گوهر بنان همیون ماست بسلك تحریر کشیده اند می باید که آنوزارت پناه بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع «لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع» مقرر دارد که در کل محال ضبطی خود ساکنین و متوطنین بقانون از هر شریعت غرا و طریق اظهر ملت بیضا ناهج منهج صلاح و سداد بوده و مرتکب امور مذکور نگردند و بدکاران

را در حضور اهالی شرع شریف و کلانتران و ریش‌سفیدان محلات توبه داده مرتکبین محرمات مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام بازیافت نموده هرگاه اشتغال بآن افعال ذمیمه نمایند برنهج شرع مطاع حد جاری ومورد مؤاخذه و بازخواست سازد وچنانچه احدی بداعمال شنیعهٔ دیگری مطلع گشته اعلام ننماید آن شخص را به‌نوعی تنبیه نماید که موجب عبرت دیگران گردد و آن وزارت‌پناه بعلت وجوهات مزبوره چیزی بازیافت ننموده نگذارند که آفریدهٔ بدانجهة دیناری طمع و توقع نماید و خلاف‌کننده ازمردودان درگاه الهی و محروم از شفاعت حضرت رسالت‌پناهی وائمهٔ طیبین صلوات‌الله‌علیهم اجمعین ومستحقان لعنت و نفرین ملائکهٔ آسمان و زمین باشد واهالی و اوباش را نیز از کبوتربرانی وگرگ دوانی ونگاه داشتن گاو و قوچ و سایرحیوانات جهة جنگ وپرخاش که باعث خصومت وعناد وموجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمرند و دقیقهٔ دراستحکام احکام مطاعه واشاعت و اجرای اوامر شریفه فروگذاشت ننمایند واز جوانب براین جمله روند ورقم قضاشیم معدلت مضمون را برعموم خلایق خوانده برسنگ نقش و درمسجد جمعه نصب نمایند و در این ابواب قدغن داشته هرساله رقم مجدد طلب ندارند و درعهده شناسند تحریراً فی‌شهرشوال سنهٔ ۱۱۰۶ ه.[۱] (عکس شمارهٔ ۸۷)

کتیبهٔ سنگی دیگری بردیوار ایوان مسجدجامع لاهیجان

«هوالعلی»

در زمان فخر شهان جهان سلطان حسین

وارث ملک سلیمان خسرو مالک رقاب

۱ــ این کتیبه درسفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص۷ــ۱۰، باسقاط یک سطر و اختلافاتی چند آمده است.

روی هست از رسوم کارداریها چو تافت
عدل‌جو دستور صاحب رأی طاهرانتساب
به دل شاد از خرد تاریخ او کردم طلب ۱۱۰۷
گفت دارد دادگر عار از رسوم بیحساب»[1]

(عکس شمارهٔ ۸۸)

سنگ قبرهائی‌که درایوان مسجد جامع است

«تاریخ وفات مرحومه مغفوره حلیمه مرحمت زوجه وخانم‌غفران‌پناه حاجی‌شیخ‌حسین پیشنماز بنت مرحوم‌آقاشفیع دهکانی به‌تاریخ سلخ شهرشعبان المعظم سنه ۱۲۱۷.

ای خاك تیره دلبر ما را عزیز دار
کاین نور چشم ماست که دربر گرفتهٔ»

«تاریخ وفات مرحوم مغفور میرزا کریم نو جوان ... بن‌محمدصالح خادم مسجد جامع فی‌یوم بیستم‌شهرمحرم‌الحرام من‌شهورسنه‌۱۲۲۳.»

«وفات مرحوم مغفورمحمدجعفر ابن‌ملامحمدصالح سنه ۱۲۲۸

ای خاك تیره دلبر ما را عزیز دارد
کاین نور چشم ماست که در بر گرفتهٔ

نشانه‌ها : مهروتسبیح.»

مدرسهٔ متصل به‌مسجد جامع

متصل به مسجد جامع مدرسه‌ای قدیمی است که هنوز طلبه‌نشین است و مدرسی چند درآنجا به تدریس مشغول‌اند. بناچوبین است واز نظرهنرمطلبی‌قابل بحث ندارد.

حمام گلشن نزدیك مسجد جامع

این حمام قدیمی‌که قسمتی از آن درخیابان افتاده‌است ، هنوز به‌کار است .

۱ــ این‌اشعار باتغییراتی درسفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو ص۱۰۹و۱۱۰، آمده‌است.

سربینه و گرمخانهٔ آن بسیار جالب است. ستونهای سنگین و طاقهای جناقی آن حکایت از قدمت بنا می‌کند. مصالح اصلی بنا آجر و گل آهك وساروج است.

درسراسر شهرهای معتبر حاشیهٔ دریای خزر حمامهائی به نام گلشن دیده می‌شود و تقریباً سبك بنای آنها یکسان است.(عکس شمارهٔ ۸۹)

بقعهٔ سیدرضی بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام

بقعهٔ سیدرضی درکنار خیابان تکیه‌بر و روبروی مسجدی واقع است. این مسجد جزء بنای بقعه‌بود. درحدود سال۱۳۱۷شمسی که خیابان تکیه‌بر را احداث کردند، قسمت غربی آن خراب شد.

طرح اصلی بنا مستطیل است واز آجرساخته‌اند. سرکشی (= حمالی) در سراسر بناست که روی چهارفیلپای شش ضلعی استواراست. در حاشیهٔ بالای بنا، اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی نوشته شده است. صندوقی کنده‌کاری برروی مزار سیدرضی است. ایوانهای اطراف بنا ستونهای ضخیم چوبین دارد.

بقعهٔ آقاپیررضا بن موسی‌بن جعفر علیهما‌السلام

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است. دوضلع مقابل یکدیگر از این هشت ضلعی به طول ۳۵۷ سانتیمتر و دوضلع دیگرکه روبروی یکدیگرند ٦٤سانتیمتر طول دارند. چهار ضلع دیگر را به زوایای قائمه و منفرجه تقسیم کرده و از مستقیم بودن بیرون آورده‌اند. در اضلاع بزرگ درگاههائی به عمق ۸٦سانتیمتر ساخته‌اند. ازارهٔ داخلی بنا کاشیکاری درهفت ردیف به‌رنگ سبز وسیاه و به‌بلندی یك متر است. سر درگاهها، تمام طاقهای جناقی دارد. درحاشیهٔ زیر سقف اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی نوشته‌است. سقف ازداخل لمبه‌کوبی با درزپوش است. درشرقی وجنوبی بقعه به‌ایوان باز می‌شود وپنجره‌ای به‌خیابان غربی‌دارد. ایوان فیلپاهای‌آجری داشته که فعلا درفواصل‌آنها پنجره‌گذاشته‌اند.درهرطرف پنجره‌های سرتاسری سه فیلپاست.

دروسط بنا صندوقی قدیمی ازچوب آزاد به درازای ۱۹۷ و پهنای ۱۰۷ و بلندی ۱۰۵ سانتیمتر است. بدنهٔ شرقی صندوق به سه قسمت اصلی تقسیم شده است. پاره‌ای از آن نقش و نگار و گل و بوته است و بر دو پارهٔ دیگر آیاتی از کلام‌الله مجید به این شرح حک شده است:

بر پارهٔ دست چپ:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم الله لااله الا هو الحی القیوم ــ تا ــ حفظهما و هو العلی العظیم.»

بر پارهٔ دست راست:

«لااکراه فی الدین ــ تا ــ هم فیها خالدون.» (عکس شمارهٔ ۹۰)

بدنهٔ جنوبی صندوق شامل هفت قسمت است: قسمت اول نقش و نگار و گل و بوته. قسمت دوم درچهار مربع مستطیل عباراتی داخل هم و در بالا و پائین همین قسمت، در دو نیم‌دایره عباراتی حک شده است که خوانده نشد. قسمت سوم نقش و نگار و گل و بوته. (عکس شمارهٔ ۹۱) قسمت چهارم در یک نیم دایره و دو مستطیل نوشته‌هائی حک شده است و نگاری ستاره مانند دراین قسمت است. قسمت پنجم شامل نقش و نگار و گل و بوته. قسمت ششم درچهار مستطیل و دو نیم دایرهٔ بالا و پائین نوشته‌هائی حک شده است. قسمت هفتم نقش و نگار و گل و بوته. (عکس شمارهٔ ۹۲)

بر حاشیهٔ دست راست این بدنه به خط خوش نسخ عبارات زیر حک شده است:

«قدامر هذاالصندوق محیط علی مضجع الشیخ العالم بحقیق المعارف المخصوص بعنایات الملك الاعلی پیررضا فی شهورسنه.»

بر حاشیهٔ دست راست همین بدنه دنبالهٔ این عبارات چنین است:

«من مأته الاولی من الف الثانی من هجرة النبویة المصطفویه و کتب هذه السطور الفقیر المحتاج الی الله الغنی محمدبن داود کیاء الحسینی غفرالله لهما.»

بر بدنهٔ غربی صندوق، حدیثی از امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بدین شرح حک شده است:

«کتب امیر المؤمنین امام‌الرحمة و یعسوب‌الامة علی‌بن‌ابی‌طالب‌الی ابنه الحسین علیهما‌السلام فان‌الصبر کرم والحلم‌شرف والادب زین والحفظ سودد والرفادة من البرّ مرحمة والتقوی سعدة والصدق حصن والاناة موئل والرفق معدن والعرمنقصة والوقیعه خبث والکذب شین والضغن والحقد والنمیمة تلف وانّ افضل الاخوان من‌کان معیناً علی‌التقوی دلیلاعلی...حافظاً للصدیق راعیا للرفیق مواسیا بنفسه فی‌السرا والضرا والسلام.» (عکس شمارهٔ ۹۳)

بدنهٔ شمالی‌صندوق تمام تعمیری‌است و کتیبه و نوشته‌ای ندارد. درچهاربدنهٔ صندوق در قسمت بالا حاشیه‌ای دارد که کتیبه‌ای به‌این شرح در آن حاشیه آمده است:

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم یسبح‌لله ما فی‌السموات ـ تا ـ ثم استوی علی العرش.»

بقعهٔ آقاپیررضا، از نظرمراسم علم‌بندی‌جزء چهارپادشاه است. چهارم محرم علم‌بندی و روزچهلم سیدالشهدا علم واچینی است. علم طلا و علم‌نقره و کشکول پرارزش بقعه به‌سرقت رفته است. این بقعه زیارتنامه نداشت و از نذورات پول و شمع وتخم‌مرغ به بقعه می‌آورند.

بقعهٔ آقاسیدحسین و آقاسیدابوالقاسم امام‌جمعه

مرقداین دوتن که روزی امام‌جمعهٔ لاهیجان بوده‌اند دراطاقی مربع‌به‌ابعاد ۴۴۵ سانتیمتر است. قبرها گچکاری ساده و بالاتر از سطح زمین است. آقاسید حسین‌پدر و آقاسیدابوالقاسم پسراوست. اطاقهای متصل به‌اطاق اصلی‌مسجد است. این محل مقبرهٔ خانوادگی است.

بقعهٔ سیداحمد یمنی بن موسی بن جعفر علیهماالسلام

این مرقد فعلا قبری ساده و کاشی‌کاری است. کف بقعه نیز از موزائیک فرش شده است. طاق بقعه لمبه‌کوبی است. بام پیش‌آمده و پره مانندی تشکیل داده است. حسینه‌ای قدیمی در جوار این بقعه است. اطراف بقعه قبرستان قدیمی است. در دامنه‌ای شیب‌دار، دخمه‌های سه‌پشته و چهارپشته با طاقهای نیم دایره‌ای آجری، دیده می‌شود.

مدرسهٔ کیافریدون

حسن‌بیك منشی درشرح وقایع سال ۹۰۰ هـ. ق. می‌نویسد که کارکیامیرزا علی والی بیه‌پیش به‌شاه‌اسمعیل که از دست رستم‌بیك می‌گریخت، درمحلهٔ میدان لاهیجان روبروی مدرسهٔ کیافریدون خانه‌ای داد از این مدرسه امروز اثری نیست.[۱]

حمام لاهیجان

حمام لاهیجان چنانکه سیدظهیرالدین مرعشی نوشته است به‌امر سیدحسن کیا ـ والی بیه‌پیش ـ ساخته شده است.[۲]

دخمهٔ کیااسماعیل

دخمهٔ کیااسماعیل درلاهیجان بود و امیره‌فلك‌الدین رشتی را درآنجا دفن کردند.[۳]

باقی بناها و آثار تاریخی محله‌های میدان و تکیه‌بر و جواهر پشته

۱ـ بقعهٔ شیخ‌باقر.

۲ـ بقعهٔ سیدمحمد.

۳ـ بقعهٔ آقاسیداحمد درمحلهٔ جواهر پشته (= فرخ‌آباد).

٤ـ بقعهٔ آقاسیدحسن والی بیه‌پیش، درباز کیاگوراب.

۱ـ گیلان رابینو، ص ۲۹۷.

۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۵۰.

۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۳۶۱.

بناها و آثار تاریخی حومهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقامیرملک[1] بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کوچکده لاهیجان

بنای اصلی بقعه تقریباً مربع‌شکل و به‌ابعاد ۶۱۰ × ۶۲۰ سانتیمتر است. سه طرف بقعه غیراز طرف شمالی ایوان دارد عرض ایوان جنوبی و شرقی دو متر و ایوان غربی ۲۲۰ سانتیمتراست. صندوق مرقد تخته‌ای و دروسط بنای اصلی بقعه است. سقف سراسربنا لمبه‌کوبی‌است. ستونهای ایوانها چهارسو و دارای سرستون است. لبهٔ بام دو پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. بربدنه‌های خارجی و داخلی دیوارهای بقعه، نقاشیهای مذهبی ظریف قدیمی است، که پاره‌ای از مجالس آنها کم وبیش محو شده است.

روزهای علم‌بندی و علم‌واچینی، نذرهائی که شامل یک سرته ابریشم، پول، نفت، چراغ و شمع است، بدین بقعه می‌آورند. نمک‌سنگ را دردرگاه در ورودی می‌گذارند وبرای حفظ سلامتی به انسان وحیوان می‌دهند. درمحوطهٔ بقعه‌درختان آزاد کهنسالی بوده است که فعلا بسیاری از آنها را بریده‌اند و سه اصله از آنها باقی است. مراسم علم‌بندی دراین بقعه، اول محرم و مراسم علم‌واچینی روز قتل امام‌حسن یعنی بیست وهشتم ماه صفر، برگزارمی‌شود.

۱ـ بفتح میم و لام.

بقعهٔ آقابی‌بی گوهرخانم

کناره راه نزدیك بازکیاگوراب از بلوك کنارشهر و کوهپایه [1]

بنابر نظر اهالی دهکده‌های نزدیك این‌بقعه ، بی‌بی‌گوهر خواهر سیدجلال‌الدین‌اشرف و دختر امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام است. بنای اصلی بقعه اطاقی‌ساده است وصندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانیده است.

در ورودی بقعه جنوبی است که بالای آن خفتکی مشبك تعبیه کرده‌اند. ایوان شمالی بقعه دارای شش ستون است‌که دو ستون آنها لاچلنگری است. سرستونها هریك تراشی جداگانه دارد. (عکس شمارهٔ ۹٤)

مسجدی متصل به ضلع غربی بقعه است که میان آن دو ستون و یك فیلپای آجری مربع در امتداد یکدیگر بنا شده است. واشانهای صاق قدیمی مسجد بر سرکشی (= حمال) است که بر این دو ستون چوبی استوار است و فیلپای آجری وسط ، جدیداً بنا شده است . در ضلع شمالی مسجد هفت در ارسی قدیمی است . قسمتی از مسجد بتازگی بنا شده و در این قسمت دو پنجرهٔ جنوبی و دو پنجرهٔ غربی نصب کرده‌اند. چند درخت کیش کوچك و دو سه درخت آزاد در حیاط بقعه است .

بقعهٔ شیربنده

مدفن سیدمحمد وسیدابراهیم فرزندان امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام

دراراضی بازکیاگوراب لاهیجان

بنای اصلی‌بقعه به‌شکل مربع است وصندوقی ساده وچوبین مرقدراپوشانده است. مسجدی نوساز متصل بـه‌بقعه بنا کرده‌اند وآبدارخانهٔ مسجد درپشت بقعه ساخته شده است.

۱ــ گیلان رابینو ، ص ۳۰۸.

آستانهٔ آقا پیر زنجیر
در دهکدهٔ بازکیاگوراب از بلوک کنار شهر و کوهپایهٔ لاهیجان

در محل اتصال راه فرعی سیاهکل به راه اصلی لاهیجان بهرشت بقعه‌ای است با بنائی ساده که زیاد از نظر هنری ارزش ندارد.

بقعهٔ آقا پیر جنگی
در اراضی دهکدهٔ بازکیاگوراب لاهیجان

بنای اصلی بقعه آجری و نسبةً قدیمی است.(عکس شمارهٔ ۹۵) چهار در ورودی در چهار جهت اصلی بناست. در ورودی اصلی جنوبی است، در شمالی به ایوانی که پشت بناست بازمی‌شود. در ورودی شرقی بقعه به‌مسجد متصل به‌آن راه دارد، و در غربی به‌ایوان غربی بقعه بازمی‌شود. این چهار در هریك از صفه‌ای به داخل بقعه گشوده می‌شوند. اضلاع طرفین صفه‌ها، مستقیم نیست و دارای پیش‌آمدگیها و عقب رفتگیهائی است. اندازه‌های این اضلاع منکسر نیز مختلف است. دو ضلع طرفین صفهٔ جنوبی که درجنوبی بقعه درآن بازمی‌شود، ۴۳ سانتیمتر و پیش رفتگی طرف غربی این ضلع ۳۵ سانتیمتر و طول دیواری که پس ازاین پیش‌رفتگی در امتداد ضلع اصلی صفه‌است، ۱۰۸ سانتیمتر وضلع شرقی‌غربی متصل به‌آن ۱۵۵ سانتیمتر است. بالای هردر ورودی خفنگی کوچك برای رسیدن نورکافی وتهویه، قرارداده شده است.

بالای چهاردرگاه ورودی مقرنسهائی است که روی آنها را سفیدکاری کرده‌اند. درچهارکنج بنا،چهارگوشوارمقرنس گچکاری ظریف‌است وزیرهرگوشوار درطاقچه‌ها نیز مقرنس است.(عکس شمارهٔ ۹۶) پائین طاقچه‌ها دردوربنا، حاشیه‌ای گچبری وپائین این‌حاشیه، ازاره‌ای از کاشی گلدار درهفت ردیف، به‌بلندی ۱۱۲ سانتیمتر است.

بالای چهار گوشوار بنا دوردیف حاشیهٔ گچبری است. میان این دو حاشیه کتیبه‌ای با خط‌خوش نستعلیق به‌این شرح حك شده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تبارك الله از این بارگاه عرش نشان
که آستانش بالاتر است از کیوان
زهی شگفت بنائی و محکم ارکانی
که هست‌گنبد او همچوگنبد هرمان[1]
خهی رفیع‌بنائی‌که چهارمین چرخش
ز شمس تابان بنموده شمسهٔ ایوان
چنین بنائی‌عالی وخوب ودلکش ونغز
ندیده چشم‌فلك تاکه بوده‌است جهان
چه خوش رواقی پرنقشهای گوناگون
که میبرند براو رشك قصرهای جنان
فضای‌او چو بهشت عاری‌از کدورت‌وعیب
هم از جهات ششش‌نور کردگار عیان
غبار درگـه او زافتخـار می روبنـد
گروه جن و ملك صبح وشام ازمژگان
مراین‌شرافت‌واین قدرومنزلت‌زانست
که هست مدفن‌آقاپیرجنگی اندرآن
زیمن مرقدآن پیر باصفاست که خلق
برند سجده برآن آستانه پیروجوان
پی‌رضای خداوند این عمارت ساخت
جهان فضل و هنر حکمران لاهیجان
یگانه خان زمان میرزا محمد علی
امین دیوان فخر ممالك ایـران

۱ــ دراصل با حاء حطی نوشته شده است.

یگانهٔ که ز وی در جهان پدید آمد
سخای حاتمی و عدل و داد نوشروان
پناه و یاور وی باد تا که هست فلک
بهر زمان و مکان روزو شب امام زمان
بحکم حضرت وی میرزا کمال الدین
که هست ..... و منشی‌خان
زبهر تاریخ بنوشت‌این قصیده‌وخواست
جزای گفتن تاریخ حور از رضوان
حرره‌الراجی الی‌الله محمدتقی الایروانی غفرله فی ۱۲۷۹.»

باچهرگوشواری که ذکر آن رفت، کنجهای بنا راجمع‌کرده و گنبدی‌مدور بر آن زده‌اند.

صندوقی سادهٔ چوبین در میان این بناست که ضریحی مشباك ظریف آن را احاطه کرده است. (عکس‌شمارهٔ ۹۷) درازای این ضریح ۲۶۴ و پهنای‌آن ۱۸۲ و بلندیش ۱۵۵ سانتیمتراست وسقف آن گهواره‌ای است.

درقسمت غربی ایوان شمالی، دری است‌که به اطاقی هشت ضلعی می‌رود که گچ‌بریها و مقرنسهای ظریف داشته و بیشتر آنها خراب شده است و فعلا از این اطاق به‌جای انباراستفاده می‌شود.

درقسمت شرقی بقعه مسجدی است که پنج فیلپای هشت ضلعی، در امتداد یکدیگر درطول بناساخته‌اند. درفاصله‌های چهارفیلپا سه پنجرهٔ سراسری است. درضلع قبلی‌مسجد پنجره‌ای‌کوچك نورگیر ودرضلع شمالی یك پنجرهٔ سراسری و یك درورودی ازحیط است ودرغربی به‌بقعه بازمی‌شود.

بقعه سیدرضا داورکیا معروف به دوزخ بهشت دردهکدهٔ بیجاربنهٔ لاهیجان

بنای اصلی از آجر و به ابعاد ٤٦٥ سانتیمتر است. در ورودی شرقی‌است و

به ایوانی باز می‌شود. (عکس شمارهٔ ۹۸) در دیوارهای غربی و شمالی داخل حرم، هر یک سه طاقچه و بر دیوارهای شرقی و جنوبی هر یک دو طاقچه بنا شده است. غیر از دیوار غربی، در بالای اضلاع دیگر بالارفی ساخته‌اند. نقاشیهای مفصلی از وقایع صحرای کربلا و سایر مناظر مذهبی بر دیوار است.

در وسط حرم صندوقی تخته‌ایست به درازای ۲۰۸ و پهنای ۱۱۵ و بلندی ۱۰٤ سانتیمتر. بر حاشیهٔ بالا و پائین چهار ضلع صندوق و حاشیه‌های عمودی دو طرف ضلع شرقی، آیاتی از کلام‌الله مجید به این شرح با خط خوش نسخ حک شده است:

بر حاشیهٔ بالای ضلع شمالی، این آیات حک شده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم یس والقرآن الحکیم - تا - علی اکثرهم فهم.»[1]

بر حاشیهٔ بالای ضلع شرقی، این آیت خوانده می‌شود:

«لایؤمنون انا جعلنا فی اعناقهم - تا - فهم لایبصرون سواء.»[2]

بر حاشیهٔ بالای ضلع جنوبی، آیات زیر حک است:

«علیهم أأنذرتهم ام لم تنذرهم - ت - اذجاءها المرسلون.»[3]

بر حاشیهٔ بالای ضلع غربی، این آیات حک شده است:

«اذ ارسلنا الیهم اثنین فکذبوهما - ت - الابشر مثلنا وما.»[4]

بر حاشیهٔ پائین ضلع شمالی، این آیت است:

«حرم النبی - تا - عذاب الیم قالوا طائرکم.»[5]

بر حاشیهٔ پائین ضلع شرقی، این آیات حک شده است:

«معکم ائن ذکرتم بل انتم - تا - اتبعوا من لایسئلکم.»[6]

بر حاشیهٔ پائین ضلع جنوبی، این آیات خوانده می‌شود:

---

۱ سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱-۷. ۲- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۸ و ۹. ۳- سورهٔ یس ۳۶، آیت: ۱۰-۱۳. ۴- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱۳ و ۱۴. ۵ - در سورهٔ یس ذکری از حرم النبی نیست. باقی آیهٔ ۱۹ سورهٔ یس است. ۶- سورهٔ یس ۳۶، آیات: ۱۹ و ۲۰ وقسمتی از آیهٔ ۲۱.

«اجراً وهم مهتدون - تا - قیل ادخل الجنة.»[۱]

برحاشیهٔ پائین ضلع غربی، این آیات حك است:

«قال یالیت قومی یعلمون - تا - من السماء وما کنا منزلین.»[۲]

برحاشیهٔ سمت راست ضلع شرقی صندوق عبارات زیر است:

«قداتفق اتمام هذاالصندوق المضجعه السید المغفور المبرور المشهور بسیدرضا داورکیا علیه الرحمة.»

برحاشیهٔ سمت چپ همین ضلع، عبارات زیر حك شده است:

«فی شهرمحرم الحرام من سنة ثمان عشر والف هجریة لمصطفویه من سعی جناب سعادت واقبال مآب خواجه علی.» (عکس شمارهٔ ۹۹)

دوش‌کشی در وسط سقف اطاق و سراسر سقف لمبه‌کوبی است. چهارطرف بقعه ایوان است. جلو هرایوان ده ستون چهرسو با سرستون است. سقف ایوانها واشان‌کشی است. لبهٔ ایوانها لتازهٔ تخته‌ایست که افقی به‌ستونها کوبیده‌اند. کف بقعه و ایوانها گلی است. لبهٔ بام دوپشته و بام سراسر بنا، سفالسر است.

بردیوارخارجی بقعه درچهارطرف نقاشیهای مذهبی است. درداخل بقعه دو شیر، براق ومعراج پیغمبر، ضامن آهو، جنگ ابوالفضل، بردن اسرای کربلا به‌شام، صحرای کربلا ونظایر آنهاست.

آستانهٔ آقاسیدرضاکیابن امام موسی الکاظم علیه‌السلام درنخجیرکلایهٔ لاهیجان

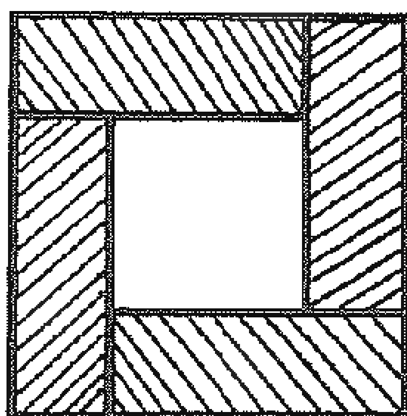
بنای این بقعه بامسجد درزیریك سقف بنا شده است. معمولا دراین قسمت از گیلان به بناهائی برمی‌خوریم که بقعه‌ها در کنج بناهای مساجد ساخته شده یا قسمتی ازبناهای مساجد را تشکیل می‌دهند.

بقعهٔ سیدرضا درگوشهٔ بنای مسجدی مستطیل شکل است. صندوق وضریحی

۱ـ سورهٔ یس ۳۶، قسمتی ازآیهٔ:۲۱ و آیات : ۲۲-۲۶. ۲ـ سورهٔ یس ۳۶ ، آیات:۲۶-۲۸.

ساده مرقدرا پوشانده‌است. سقف بقعه ومسجد لمبه‌کوبی وبام سراسربنا، سفال‌سر است. مسجد مدفن اشخاص سرشناس محل است.

بقعهٔ آقامیرحاجی بن امام موسی‌الکاظم در نخجیرکلایهٔ لاهیجان



بنای بقعه متصل به‌مسجدی‌قدیمی است که درهای ارسی پرکار دارد.

صندوق وضریحی چوبین ساده در وسط بناست. در ورودی بقعه نوعی‌قاب‌ـ گره‌است‌که هرنگار آن بدین‌شکل‌است:

بنای بقعه و مسجد درمحوطه‌ایست که درختان کیش کهنسال دارد.

مدفن شاهزاده حاجی‌محمدمیرزا کاشف‌السلطنه در کوه‌بیجار لاهیجان

این مرد نخستین کسی است‌که چای را درایران کشت کرد. جسد اورا نیز بنابر وصیت خودش بربالای تپه‌ای دفن کردند که مسلط برباغهای چای است. اخیراً بنائی عظیم برمرقد اوساخته‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۰۰)

سنگ قبر او، سنگ کبود رنگی به درازای ۱۷۲ و پهنای ۷۸ سانتیمتر است و این عبارات بخط خوش نستعلیق برآن حك شده است:

«هوالباقی

جایگاه ومزار شاهزاده حاجی‌محمدمیرزا کاشف‌السلطنه چایکار است که پس از اتمام تحصیلات در اروپا درسنهٔ ۱۳۱٤ هجری در سن ۳۵ سالگی بسمت ژنرال قنسولی هندوستان رفت ودرضمن توقف در آن سرزمین فن زراعت چای را آموخته و این محصول گرانبها را با

هزاران هزار مشقت[1] برسم ارمغان بوطن عزیز خود آورد .
اول کسی بود که چایکاری را در ایران وظیفهٔ همت خود دانسته و تمام عمر علاوه بر خدمات عمده که بر دولت و ملت نموده با نهایت سعی در این راه کوشیده و مجدداً برای توسعهٔ کشت چای در سن ۶۵ سالگی مأمور به هندوچین و ژاپون شده و در مراجعت از راه بوشهر درروز شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۰۸ شمسی دوساعت بعد از ظهر در کتل ملوب با اتومبیل پرت و این جهان را باجهانی آرزو به جهانیان واگذارد و شهید راه وطن شد ۱۳۰۸ شمسی .»

بقعهٔ آقاسیدابراهیم
در دهکدهٔ بجارباغ کته‌شال لاهیجان

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی زگالی است . صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده‌است چهارطرف بقعه ایوان دارد. هر ایوان دارای شش‌ستون چهارسوی- پخزده با سرستونهای پرکار است . دو عدد از ستونهای ایوان شرقی لاچ لنگری است. یکی‌ازاین ستونها چهارسو است که بر آن خطوط هفت وهشت مانند ، حك شده‌است ودیگری مارپیچ چپ به راست است . جای علم براین ستونهاست. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی . لبهٔ بام دو پشته وسراسر بام‌بند، سفال‌سر است.

علم‌بندی این‌بقعه سوم محرم وعلم‌واچینی روز هفدهم یاهیجدهم محرم‌است. ساکنان کته‌شال ، بجارباغ ، ستل‌سر وعلی‌سره برای شرکت در مراسم علم‌بندی و علم‌واچینی بدین بقعه می‌آیند. درمحوطهٔ اطراف بقعه پنج درخت آزاد کهنسال و مقدار زیادی درختان کیش است. سقه‌های جوان درخت کیش را به‌عنوان دخیل به‌تکائل وصندوق می‌زنند.

---

۱ ــ صدورتخم چای‌دراین تاریخ ازهندوستان ممنوع بود . کاشف‌السلطنه داخل عصای خودراخالی‌کرد ومقداری تخم‌چای درآن پنهان نمود وباخود به‌ایران آورد .

بقعهٔ آقامیرمظفر
دردهکدهٔ سوستان (= سیستان)لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است بطول پنج متر و نیم و عرض چهارمتر. ضریحی مشبك چوبین در وسط بناست که درازای آن ۱۹۰ و پهنای آن ۱۰۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. سرکشی (= حمالی) درطول بنا دروسط کشیده و واشانها را بر دیوار و این سرکش قرار داده‌اند. سقف داخل بقعه لمبه‌کوبی و دارای درزپوش است. دو در ورودی در دوجهت شمال و جنوب است. درجنوبی کوچکتر از در شمالی است. چهارطرف بقعه ایوان است و هر ایوان هشت ستون چهارسو دارد. سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. بام بنا سفال‌سر و بنا کرسی بلند است.

علمی بسیار بزرگ در این بقعه است که درازای قسمت پائین یعنی قسمت اصلی آن، ۸۶ سانتیمتر و پهنیش ۷۲ سانتیمتر و بلندی آن تا زیرتیغه ۲۲۵ سانتیمتر و بلندی تیغه ۱۳۰ سانتیمتر است. در طرفین قسمت اصلی علم دواژدهای ریختگی است. (عکس شمارهٔ ۱۰۱) این نوشته‌ها بر این علم مشبك‌کاری شده‌است:

دور قسمت اصلی علم:

«نامهای چهارده معصوم ودرقسمت بالا آیهٔ اول از سورهٔ مبارکهٔ نور.»

درقسمت وسط:

«علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین حیدر لب بمهر [خوانده نشد].»

این بقعه دارای علمی دیگر است که مفرغی و قدیمی است. بالای آن سه‌شاخه وطرفین آن دو اژدهای ریختگی است. درقسمت اصلی علم «الله محمد علی» خوانده میشود. (عکس شمارهٔ ۱۰۲)

علم‌بندی این بقعه روزسوم محرم وعلم‌واچینی روزسوم امام یعنی عصرروز دوازدهم محرم، است. روز جمعه روز زوارکشی این بقعه است. درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزاد وپلت و انار فراوان دیده می‌شود.

بقعهٔ فتح منصور
در دهکدهٔ ده سر تخم‌شل لاهیجان

بنای اصلی بقعه، اطاقی سدهٔ سکتی است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است. چهارطرف بقعه ایوان دارد. هرایوان دارای شش ستون چهارسوی ساده است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای دارد که وسط تخته‌هارا لوزی درآورده‌اند. سقف بقعه و ایوانها، واشِ نکشی است . در ورودی بقعه شرقی است. بام‌بنا لت‌پوش است. شاخه‌های جوان کیش را به عنوان دخیل به درزهای تکائل ایوان می‌زنند. در محوطهٔ بقعه یك درخت «تره‌کوچین» و دو درخت آزاد کهنسال و جنگلی از درختان کیش است.

بقعهٔ آقاسیداسماعیل بن امام‌موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درمیان محلهٔ تخم‌شل لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی سکتی به طول ۳۸۰ و عرض ۳۲۰ سانتیمتر است . صندوقی تخته‌ای دروسط وضریحی‌مشبك چوبین به‌درازای۲۲۸وپهنای۱۵۸و بلندی ۱۵۵سانتیمتر آن‌را احاطه کرده‌است. بالای ضریح هرمی باقاعدهٔ مستطیل،ازچوب ساخته‌اند وعلمی بربالای هرم قرارداده‌اند. دودرورودی دردو جهت شمال وجنوب است. درشمالی مشبك ودرجنوبی تخته‌ایست .(عکس‌شمارهٔ ۱۰۳) بلندی در شمالی ۱۶۰ وپهنای آن ۷۱ سانتیمتر است . در دیوار غربی بنا، پنجره‌ای مشبك درشت است.(عکس شمارهٔ ۱۰۴) چهار طرف بقعه‌ایوان است وهر ایوان هفت‌ستون دارد. ستونها چهارسو است و سرستونهای پرکار وظریف دارد. پهنای ایوانهای شمالی و جنوبی ۲۲۰ وپهنای ایوانهای شرقی وغربی ۱۷۵ سانتیمتر است. لبهٔ ایوانها تکائل تخته ایست که مثلث‌هائی میان تخته‌ها درآورده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۰۵) تکائل ایوان جنوبی قدیمی‌است ووسط تخته‌ها را مربع درآورده‌اند. سقف تمام ایوانها،

واشان‌کشی است. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام بنا، سفال‌سر است . در محوطهٔ بقعه جنگلی از درختان کیش وچند درخت آزاد است.

مراسم علم بندی بقعه روز چهارم یا پنجم محرم برگزار می‌شود و مراسم علم‌واچینی اگر روزبیست وهشتم صفر که قتل امام‌حسن است برپانشد، دریکی از شبهای جمعهٔ بعداز بیست و هشتم علم واچینی می‌کنند و اگر موفق نشدند، علم تا سرمحصول سال بعد می‌ماند. در سرمحصول مراسم علم‌واچینی برپا می‌شود.

بقعهٔ آقاسید پرنور بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ تخم‌شل لاهیجان

طول بنای اصلی بقعه از خارج ۵۲۰ و عرض آن ٤٧٠ سانتیمتر است . صریحی مشباك چوبین صندوق مرقد را احاطه کرده است. دو درورودی دردوجهت شمالی و جنوبی بقعه است. چهار طرف بنا ایوانهائی بدپهنای ۱۵۰ سانتیمتر دارد. هر ایوان دارای هشت ستون چهارسوی پخ‌زده است . ستونها دارای سر ستونهای ظریف است . بریکی از ستونهای غربی این عبارت نوشته شده است:

«عمل استاد میرزاعلی و استاد میرعلی ابن استاد غلام رضای خلخالی
من نمانم روزگار خط بماند یادگار سنه ١٣٤٦».

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی واز رو پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . یك سر واشانهای ایوانها برروی شیرسراست. لبهٔ بنا سه‌پشته و بام‌آن، سفال‌سر است. جنگلی از درختان کیش ودرختان‌آزاد، بنای بقعه‌را دربرگرفته است .

مراسم علم‌بندی‌این‌بقعه بعدازظهردوم‌محرم ومراسم‌علم‌واچینی روزسوم‌امام یعنی‌عصردوازدهم‌محرم، برگزار می‌شود. روز زوارکشی این‌بقعه، روزجمعه است.

بقعهٔ آقاسید محمدبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سوخته‌کوه لاهیجان

این‌بقعه اطاقی سادهٔ سکتی‌است به‌ابعاد٣٦٠سانتیمتر که اطاق دیگری‌متصل

به آن است.(عکس شمارهٔ ۱۰۶) صندوقی تخته‌ای مرقد را پوشانیده است. قسمت بالای آن مشبک است و قدیمی‌تر به‌نظر می‌رسد. بدنهٔ تخته‌ای صندوق روزی نقاشی ظریفی داشته‌است. درازای این صندوق ۲۰۵ و پهنای آن ۱۲۲ و بلندی آن ۱۲۸ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. میان سقف قسمتی مشبک است. مبن این قسمت مشبک مستطیلی است که در آن حملهٔ «انا المحمود[خوانده نشد] واللهم‌صل‌علی محمد و آله» مشبک کاری شده است. (عکس شمارهٔ ۱۰۷) قسمتهای دیگر نوشته و حاشیهٔ آن که با خطی ریز نوشته شده بود، خوانده نشد گویا این قسمت مشبک‌کاری متعلق به صندوقی قدیمی بوده است که هنگام تعمیر درسقف جای داده‌اند، یمربوط به‌قاب‌کاری‌خود سقف‌است. بر بدنهٔ داخلی دیوارها، نقاشیهای مذهبی ظریف و قدیمی است که دستی تواند آنها را مجلس‌سازی کرده است. ابیاتی از هفت‌بند محتشم بر بالای نقاشیهاست.

طرف جنوبی بنا، پنجره‌ای مشبک‌چوبی‌ظریف وطرف شرقی آن درکوچکی است که به اطاقی انبرمانند می‌رود. درورودی بقعه شمالی است و سابقاً نقاشیهای ظریفی داشته است. پهنای این در ۸۲ و بلندی آن ۱۶۲ سانتیمتر است.

علمی دربقعه است که درسال ۱۲۰۸ ه. ق. ساخته شده است. این آیات و حملات بر آن حک شده است :

درقسمت بالای علم «یاالله» درقسمت وسط واطراف بدنهٔ اصلی آن «نصر من الله وفتح قریب ـ عمل استادغلامعلی.»

چهارطرف بقعه ایوان دارد. ایوان شمالی دارای یازده ستون چهارسواست. ستونها دارای سرستون است ودوسرستون دوطرف درورودی بسیار پرکار وظریف است.(عکس شمارهٔ ۱۰۸) ایوانهای غربی وشرقی هریك هفت‌ستون وایوان‌جنوبی ده‌ستون دارد. طول ایوانها ۱۳٫۹۰ متروعرض آنها ۲۵۰ سانتیمتراست. لبهٔ ایوانها تکائل مشبك درشت دارد.

سنگ مرمری به‌درازای ۴۱ وپهنای ۲۳ سانتیمتر دراین بقعه است‌که این

عبارات بر آن حک است :

«وفات مرحوم آقاحسن ولدمرحوم عنایت بیک ۱۲۴۲. نشانه‌ها : مهر، تسبیح وشانه.»

علم این بقعه را شب چهارم محرم می‌بندند وروز سوم امام یعنی عصر دوازدهم محرم، بازمی‌کنند. این علم را دوباره می‌بندند وروز بیست وهشتم صفر که روز قتل امام حسن است، بازمی‌کنند.

جنگلی از درختان کیش کهنسال بقعه را دربرگرفته ودرخت آزاد کهنسالی درمحوطهٔ بقعه بود که محیط آن از یک متری زمین ۴۸۰ سانتیمتر بود.

بقعهٔ آقا سیدحسین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سوخته‌کوه لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است ساده که چهارطرف آن ایوانی نوساز دارد. عرض ایوانها درحدود یک‌متر است. ایوانهای جنوبی وشرقی هریک هفت‌ستون و ایوان غربی شش ستون وایوان شمالی هشت‌ستون دارد.

در ورودی بقعه شرقی است. سقف بقعه لمبه‌کوبی وسقف ایوانها واشان ـ کشی است. لبهٔ بنا یک پشته و سراسر بام بنا، سفال‌سر است. این بقعه درمیان جنگلی از درختان کیش قرار دارد.

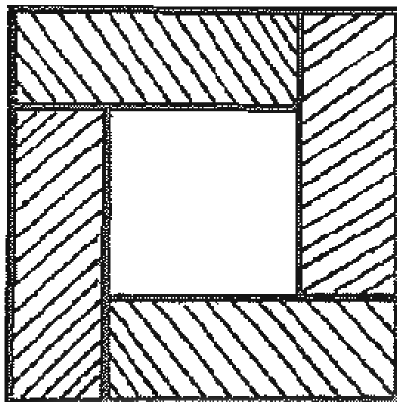
علم بندی این بقعه با بقعهٔ آقـا سید محمد که پیش ازاین ذکرآن رفت، یکی است.

بقعهٔ سید علی کیا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لیالمان لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است مربع به‌ابعاد ۶۷۵ سانتیمتر که دو در ورودی در دو طرف شمال وجنوب دارد. ضریحی چوبین مشبک به درازای ۲۷۰ وپهنـای

۱۹۵ وبلندی ۱۴۵ سانتیمتر مرقد را احاطه کرده‌است . سقف ضریح گهواره‌ای و مشبك است . درهریك از اضلاع بنا دوطاقنماست که طاق جناقی دارد. چهارطرف بقعه ایوانهائی به درازای ۱۳٫۳۰ متر و پهنای ۲۸۰ سانتیمتر است . هر ایوان یازده ستون چهارسو بدون سرستون دارد . لبهٔ تمام ایوانها تکائل تخته‌ای ساده است وطاق آنها لمبه‌کوبی است .

در ورودی بقعه شمالی است . پهنای آن ۱۱۵ و بلندی آن ۱۶۵ سانتیمتر است . کار لنگه درها نوعی قاب‌گره است که نگار اصلی آن بدین شکل است :

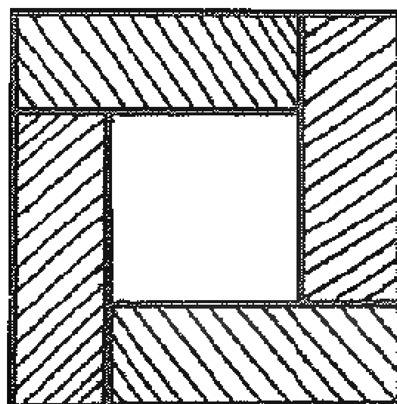


بالای بدنهٔ دیوارهای داخلی‌بقعه شیرسرهای متعدد تعبیه شده‌است . لبهٔ بام یك پشته است و کف بقعه ازکاشیهای بزرگ سبزرنگ مفروش است . اطراف‌بقعه محوطهٔ وسیعی است که چندین اصله درختان آزاد و کیش قدیمی درآن است . محیط دایرهٔ یکی از درختان‌کیش ۱۴۸ ودیگری ۱۰۲ سانتیمتر بود .

بقعهٔ ملاپیر شمس‌الدین

دردهکدهٔ لاشیدان‌حکومتی لاهیجان

بنای اصلی‌بقعه شامل‌ساختمانی‌آجری است‌که ازخرج به‌ابعاد ۷۳۰ X ۷۲۰ سانتیمتر واز داخل ۵۴۵ X ۵۴۰ سانتیمتر ومسجدی متصل به‌آن است.(عکس شمارهٔ۱۰۹) میان اطاق صندوقی چوبین مرقد را پوشانیده‌است.کارصندوق‌نوعی قاب گره است‌که نگار اصلی آن بدین شکل است :



ضریحی مشبك ظریف و پرکار

صندوق را احاطه کرده است . (عکس شمارهٔ ۱۱۰) درازای آن ۲۶۰ و پهنای آن ۱۸۵ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است . کف بقعه از کاشی سبزرنگ فرش شده و دور تا دور ازاره‌ای از کاشی گلدار به‌ارتفاع ۱۰۴ سانتیمتر که شامل هفت ردیف کاشی‌است، ساخته‌اند . در ورودی بقعه جنوبی‌است و بالای آن‌خفنگی‌نورگیر‌است. در ورودی شرقی دولنگه ، به‌پهنای ۸۸ وبلندی ۱۷۲ سانتیمتر است و برتنکه‌های بالای آن به کنده‌کاری متوسطی این دو مصراع برآنها حک شده است :

«پی‌شادی صاحب این بب   بگشا یامفتح الابواب»

برهریك از دیوارهای داخلی‌بقعه سه‌طاقنمای بلند باطاق جناقی تیز است. ابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی در دو ردیف دربالای طاقنماها نوشته شده‌است و درپائین‌این اشعار مجالس نقاشیهای مذهبی‌است . سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی به درزپوش‌زده است .

ایوان شرقی بقعه به‌درازای ۱۰٫۵ متر و به پهنـای ۲۹۰ سانتیمتر است . لبهٔ ایوان دوفیلپای هشت ضلعی است که محیط آن ۲۴۰ سانتیمتر است . پائین و بالای این فیلپاها چهارضلعی است . انتهای شمالی این ایوان دیواری کشیده‌اند و پنجره‌ای روبه محوطهٔ بقعه در آن نصب کرده‌اند . درازا و پهنـای ایوان جنوبی همچون ایوان شرقی است ولبهٔ آن دارای چهار فیلپا باهمـان مشخصات فیلپاهای ایوان شرقی است . (عکس شمارهٔ ۱۱۱)

بربدنهٔ خارجی دیوار بقعه مجالس نقشیهای مذهبی است ودرحـاشیهٔ زیر سقف ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی‌است . پائین دیوارها وسه فیلپای ایوانهـا ، ازاره‌ای از کاشی دوران قاجاری است . لبهٔ ایوانهای بقعه سه‌پشته و طاق ایوانها واشانهای رنگین‌کشیده‌اند وبعداز پل‌کوبی، درزپوشهای رنگین برپلها‌زده‌اند . بام سراسر بنا، سفال‌سر است . بردیوار شرقی بقعه سنگ مرمری به‌ابعـاد ۳۲ و ۵۸ سانتیمتر است‌که این عبارات برآن حك شده است :

«هذاالمرقد المنور المطهر النورانی پیرملاشمس‌الدین علیه‌الرحمة و

الرضوان قدتوفی فی‌عشر شهر ذالحجه بتدریخ‌سنه‌تسع وخمسین‌وتسعمایه هجریه النبویــه علیه‌السلام تعمیر کردن بقعهٔ مبــارکه درقوئیل سنهٔ هزار و دویست و هفتــاد و پنج ۱۲۷۵ حاصل موقـوفات حضـرت باستصواب کربلائی سیدهادی است.» (عکس شمارهٔ ۱۱۲)

دربالای این سنگ کاشی رنگینی است بهابعاد ۱۵ سانتیمتر که این عبارات برآن خوانده می‌شود :

« سنه ۱۲۷۹

افسوس که عمر بی عبادت چکنم
طبعم بگنــاه کرده عــادت چکنم
گویند کریمست گنه مــی‌بخشد
گیرم که ببخشد زخجالت چکنم

تاریخ روز جمعه نوشته‌شد یادگار ملاعلی لاشیدانی پسر کدخداهدی غریق رحمت باد کسی‌که‌کاتب را باالحمدی یادکند.»

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام دردهکدهٔ دموچال لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی آجری است‌که از داخل درازای آن ۵۲۷ وپهنای آن ٤۷۵ سانتیمتر است.(عکس شمارهٔ ۱۱۳) صندوقی تخته‌ای ساده دروسط بناست که مرقد را پوشانده است . ضریحی چوبین مشبك به‌درازای ۲٦۰ و پهنای ۱۸۰ و بلندی ۱٦۰ سانتیمتر صندوق مذکور را احاطه کرده است . سقف ضریح چوبین و مشبك وبه‌شکل هرم مستطیل‌القاعده است .

بردیوار بقعه نقاشیهای مذهبی درمجالس مختلف دیده می‌شود .

یکی ازمجالس‌دوطفلان مسلم ودیگری‌حضرت‌علی‌اکبراست.(عکسهای‌شمارهٔ ۱۱٤ و۱۱۵) سه در ورودی بقعه درسه‌جهت شرقی وغربی وجنوبی است .

درغربی دولنگه وبه‌اندازهٔ در شرقی است . این چهارلنگه در روزی برسر جای‌اصلی خود بوده‌اند. ظاهراً درتعمیرومرمتی آنها را جابه‌جا کرده‌اند و یکی‌از درهارا واژگون قرارداده‌اند. نگارنده درشرح ودرعکسها لنگه‌ها را به‌جای خود قرار داد. وضع آنها پس ازتغییر وجا به‌جا کردن به‌شرح زیر است :

بربالای لنگهٔ سمت راست درغربی عبارت زیرحك شده است :

«یامسبب الاسباب.»

بربالای لنگهٔ سمت چپ عبارت زیرحك شده است :

«یامفتح الابواب»

برقسمت وسط در وتنکه‌های پائین گل وبوته‌ی ظریف کنده شده است . پهنای این دولنگه ۹۰ وبلندی آن ۱۶۰ سانتیمتر است . (عکس شمارهٔ ۱۱۶)

برلنگهٔ سمت راست درشرقی‌که یکی ازلنگه‌های‌آن دردرگاه غربی‌گذاشته شده بود یکی دوآیه ازسورهٔ مبارکهٔ «یس» بدین ترتیب حك شده است :

برلنگهٔ سمت راست :

« لایؤمنون اناجعلنا فی‌اعناقهم اغلالا.»[۱]

برلنگهٔ سمت چپ :

«فهی‌الاذقان فهم مقمحون وجعلنا.»[۲] (عکس شمارهٔ ۱۱۷)

بریکی ازستونهای ایوان شرقی این عبرات خوانده می‌شود :

«عمل استادخانجن واستاد تقی اشکوری الاصل بتاریخ شهرمحرم ـ الحرام لوی‌ئیل ۱۲۹۸ حرره‌الاقل اب را ه ی م.»

برجدار خارجی و داخلی دیوارهای بقعه نقاشیها مذهبی است و برجدار داخلی برطرفین در ورودی دوعلم نقاشی شده که بردو طرف هریك دو تورنگ (=قرقاول) کشیده‌اند. نقشیها ازرضاکفاش صورتگر ومورخ ۱۳۶۶ قمری است .

۱ـ سورهٔ یس ۳۶، آخرآیهٔ:۷ وقسمتی‌ازآیهٔ : ۸. ۲ـ سورهٔ یس۳۶، قسمتی‌از آیهٔ: ۸ و ابتدای آیهٔ:۹.

سقف بقعه لمبه‌کوبی ساده ، بدون درزپوش است . میان سقف شمسه‌ای دارد که میان شمسه عبارت «الحق مع علی» را در دوجهت مخالف یکدیگر نوشته‌اند. بالای دو در از درهای ورودی بقعه دوخفنگ چوبین مشباك ظریف نصب شده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۱۸)

ایوان جنوبی برسه فیلپا وچهار ستون متکی است . پائین و بالای فیلپاها بشکل مربع ومیان آنها هشت ضلعی است . سرستونها ظریف ورنگین وحمالهای بالای آنها نیزرنگین است وکنده‌کاری دارد . طول ایوانها ۱۲٫۴۰ متروعرض آنها ۲۸۰ سانتیمتر است . سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش زده است . بالای دیوار ایوانها ، شیرسرهای زیادی است که واشانهای ایوانها برآنها متکی هستند . لبهٔ بام بنا سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

این بقعه علمی قدیمی داردکه برسرآن «یافتاح» وبربدنهٔ اصلی «نصرمن‌الله و فتح قریب» وبرطرف دیگر بالای قسمت اصلی « یاالله یامحمد یاعلی » ودر سمت پائین «عمل محمد یوسف ولد محمد علی سنه ۱۰۷۹ » مشبك کاری‌شده است .

بقعهٔ آقاسیدقاسم
درمیان محلهٔ رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه نوساز وصندوقی چوبین ساده دارد . ایوانی در مقابل در ورودی بقعه است . سقف بقعه و ایوان لمبه‌کوبی است . مسجدی تازه ساز متصل به‌بناست . ازبنای قدیمی هیچگونه نشانی نبود .

بقعهٔ آقاسیدحسن بن موسی بن‌جعفر علیهماالسلام
در دهکدهٔ لاکمه‌سر[1] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه‌آجری است. (عکس شمارهٔ ۱۱۹) صندوق وضریح ودرها

۱ـ لاکمه‌سر زمانی‌جزء آستانه وگاهی جزء رودبنه بوده است . این دهکده‌درچهار کیلومتری شمال آستانه وشش کیلومتری دهشال است.

آثار هنری زیادی ندارد. ایوانهای بقعه شرقی وشمالی وجنوبی است. ایوان شرقی دارای سه فیلپاست که درفواصل آنها هشت ستون چهارسو بسرستون قرار دارد. ایوان شمالی دارای دوفیلپاست که درمیان آنها دوستون چوبی چهارسو با سرستون است. ایوان جنوبی دارای سه‌فیلپاست که قـعدهٔ آنها مربع است وپنج ستون چهارسوی چوبین درفواصل آنهاست. طرف غرب بقعه، مسجدی تازه ساز است که متصل به‌بقعه است. ظاهراً ایوان غربی را خراب‌کرده ومسجد را به‌بقعه وصل‌کرده‌اند. سقف‌بقعه‌وایوانها لمبه‌کوبی. لبهٔ‌بام‌سه‌پشته وسراسر بام سفال‌سراست.

علمی قدیمی در این بقعه است که درحاشیهٔ بدنهٔ پائین‌آن چهارده معصوم و در وسط «الله محمد‌علی» شبکه‌کاری شده است. (عکسهای شمارهٔ ۱۲۰و۱۲۱)

آستانهٔ دوبرادران
درموتار محله — موتال محله — متعلق محلهٔ نوبیجار
از بلوك کوهپایه ۱ وکنار شهر لاهیجان

این دوبرادر بنام آقا سیدتقی وآقاسید ابراهیم شهرت دارند. ازپدرآنان نام ونشانی نیافتیم. بنای بقعه در قلهٔ‌کوهی است که مسلط برباغهای چای وشالی‌زارهاست وبسیارادید وسیعی دارد ومنـظر اطراف آن روح افزاست. این بقعه اطاقی ساده است که سه‌طرف آن ایوان دارد. عرض ایوانهای شمالی و جنوبی ۲ متر و عرض ایوان شرقی ۱۳۰ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است وایوانها فقط واشان‌کشی دارد. ستونهای ایوانها، چهارسو و ساده، بدون سرستون و بن‌تال است.

باقی بناها وآثارتاریخی حومهٔ لاهیجان

۱ــ امام مزار وآقاسید حسین در دهکدهٔ لیالستان.

۲ــ بقعهٔ آقاسید حسین وپیرملاحسین دردهکدهٔ نالک‌شر.

۱ــ متعلق‌محلهٔ‌نوبیجار، ده‌ازدهستان حومهٔ‌بخش‌مرکزی‌شهرستان‌لاهیجان‌پنج کیلومتری شمال‌شرقی‌لاهیجان، سه‌کیلومتری شمال راه لاهیجان‌به‌لنگرود. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

۳- بقعهٔ آقاسیدرضا بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ شاده سر = شیداسر.

۴- بقعهٔ آقا سید یحیی و آقا سید ذکریا معروف به دوبرادران در دهکدهٔ حاجی سلیم محله.

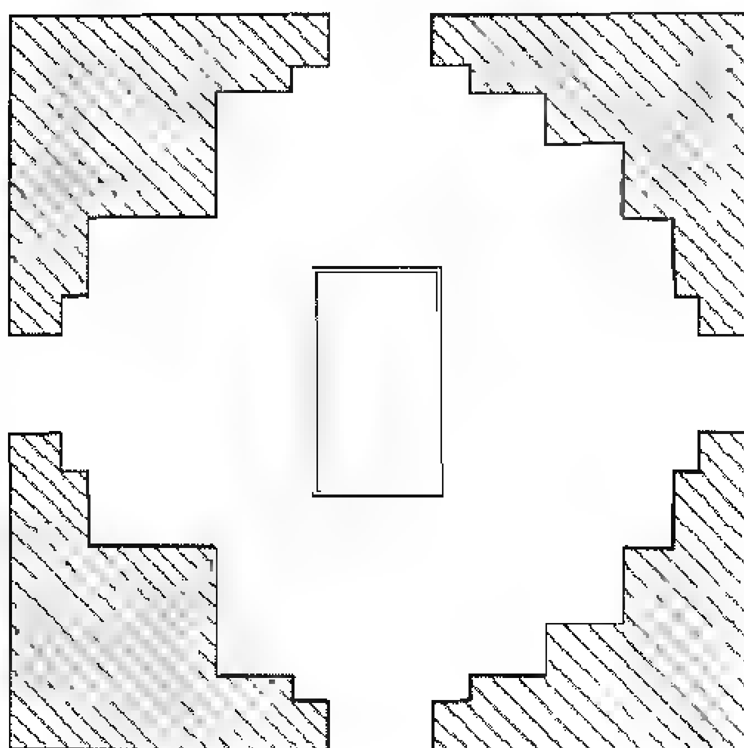
۵- بقعهٔ آقا فضلعلی معروف به فرض علی، در دهکدهٔ دمچال.[1]

۶- بقعهٔ آقاسید شفیع در نال کیاشر.[2]

۷- بقعهٔ سید رضاکیا در دهکدهٔ سیدور[3] = سی ور ناصر کیاده.

۸- بقعهٔ آقاسید نصیر بن امام موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ سر اجار[4] که دارای ستونهای چوبی جالبی است.

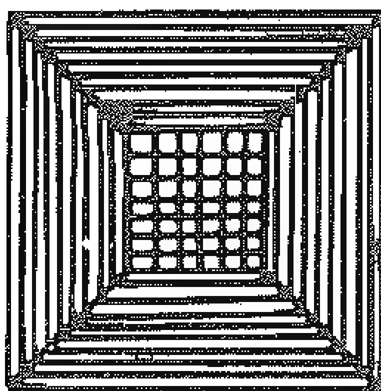
۹- بقعهٔ میرمسعود و بقعهٔ شیخ حسن در دهکدهٔ ده بنه.



بقعهٔ آقا پیرحنگی در اراضی ـز کیاگوراب

۱- بضم دال ومیم.　۲- بفتح شین.　۳- بفتح واو.　۴- بضم سین.

اطاق چهارپادشاه ــ مقبرهٔ سید خورکیا



نگار اصلی ضریح مقبرهٔ سید خورکیا

بناها و آثار تاریخی بلوک لاهیجان

۱- بناها و آثار تاریخی بلوک کوهپایه و کنار شهر لاهیجان

طاق کیاجو

سیدظهیرالدین دربارهٔ طاق کیاجو و حفر نهری برای مزارع گوکه و کیسم و لاهیجان به‌امر سیدعلی‌کیا، شرح زیر را نوشته است:

«چون مردم ولایت گوکه و کیسم و بعضی‌از لاهجان جهت زراعت برنج‌از قلت آب درزحمت می‌بودند، مردم‌کاردان‌را بفرستادند تاملاحظه نمایند که‌هیچ‌ممکن هست‌که آب سفیدرود را بردارند و جهت مزارع مذکوره جاری سازند. در سنهٔ سبع وثمانین وسبعمایه، عمل وکارکنان ومبصران و معتمدان که جهت تحقیق آن حال رفته بودند، چنان رسانیدندکه درموضعی‌می‌توان طاقی بستن وبالای‌آن‌جوی آب جاری ساختن وجهت جریان آن حفرجوی‌کردن. اما کاریست عظیم وخرجی بسیار درخورست. چون صورت حال را معلوم فرمودند، اشارت کردند از ولایت تنکابن وشکورمردم را خبردهند تا گیل‌ولوم(؟) مجموع، جهت‌کارخیر جمع‌شوند و نیت عمل برّ بکنند و بدان مهم ساعی ومجدگردند تاهرخرجی‌که باید از دیوان بیت‌المال رجاءً للثواب وطلباً لمرضات‌الله کرده‌آید. چون این امر به‌سمع اهالی ملك رسید، بلاتوقف وتأنی وبلااجبار واکراه، جمع شدند و امامت پناهی بنفسه سوار شده بااولاد واخوان برسرکار رفت وبنیاد طاق‌کردند واستادان بنّارا برآن

داشتند ومردم به‌اعتقاد تمام بابیل وکرباس به‌حفرجوی مشغول شدند وبه‌مدت دو سال آن طاق وآن‌جو به‌اتمام رسید . وآن آب جـاری شد . الحمدلله علی جزیل نعمائه . وآن طاق تاایام حکومت مغفرت پناهی سید ناصرکیـا نورقبره ابن سید غفران شعاری کارکیا امیرسید محمد برّدمضجعه برحال خود بود . وبعداز آن خلل برآن طاق‌راه یافت وفرو افتد ومغفرت پناهی مشارالیه . بالاتر ازآن حفر جوی عظیمی فرمودند ومتصل بدان جوی اول ساختند والحال هذه همچنان‌آب جاری و ساری است . ومردم ممالک مذکوره از آن انتفاع می‌یابند.»[۱]

خشت پل
بر رودخانهٔ شیم‌رود

درفاصلهٔ نیم‌کیلومتری بقعهٔ سیدحاجی دان آق ، رودخانهٔ شیم‌رود در بستر اصلی خود جریان دارد . نزدیک این بقعه بر این رودخانه پلی‌آجری قدیمی‌است که دارای پنج چشمه است. چشمهٔ میانین ازچشمه‌هـای دیگر بزرگتر است ودر هرطرف این چشمه دوچشمهٔ کوچکتر است . طاق چشمه‌ها هلالی است . بلنـدی ابهٔ طاق چشمهٔ میانین از سطح آب بیش از چهارمتر است . طول پل‌بیش ازپانزده متروسطح آن سنگ‌فرش است .

خشت پل
بر رودخانهٔسیم رود (=سیم‌جو) نزدیک شهر لاهیجان

میرظهیرالدین مرعشی در ذکر وقایع سال ۸۹۲ هـ. ق. می‌نویسد . «دراین سـال جناب افضل المتقدمین واعلم المتأخرین مولانا نعمت‌الله طبیب خلد فضله و کمالاته که درعلوم متداوله علامهٔ دوران واعجوبهٔ زمان بود بتخصیص درعلم‌طب که درآن فن‌ازعلمی‌وعملی‌نفس‌مسیحا ویدبیضا داشت رغبت‌نمودکه‌ثواباًلله‌تعالی‌و طلباً لمرضاته به‌رودخانه‌ای‌که مشهور و ملقب است به‌سیمرود برگذر شهرلاهیجان

۱ـ تاریخ‌گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۷۳ و ۷۴ .

مبارک، احداث پلی از خشت وسنگ و آهك بفرمایند. فلهذا از خدام خلیفهٔ رحمانی اجازت‌طلبیده، استدعای همت عالیهٔ خسروانه نمود وتوقع فرموده که بمطلب استاد یعقوب بنّای رویانی نزدملوك کلارستاق خلد ملکهم بفرستند تا حاضر گردد، درآن مهم مبارك شروع نماید. بنابرتوقع فضایل‌مآبی، اشارت شدکه بمطلب حرفت‌مآبی بفرستند. بنابرامر اعلی، استاد یعقوب را حاضر ساختند. واسباب آن عمارت‌را حکمت پناهی، خرج بسیارکرده، مهیا ساخته بود. روز شنبهٔ دوازدهم جمادی‌ـ الاول موافق آبان‌ماه قدیم را بنیاد آن عمارت عالی کردند واز جانب مشرق و مغرب دوطاق بزرگ، ودر وسط طاقین، یك طاق کوچك برآوردند وخدام‌حضرت خلافت پناهی، همت عالی مصروف داشته، بانواع امداد عنایت فرمودند وغرهٔ محرم سنهٔ ۸۹۲ اثنی وتسعین وثمانمائه راکه چهارسال وهفت ماه وهشت روز باشد آن عمارت صورت تتمیم پذیرفت.»[۱]

رابینو درسال ۱۳۳۱ ه. ق. یا کمی مقدم براین تاریخ این پل را دیده و متوجه شده است که همان پل نعمت‌الله طبیب است. درحدود صدوهفتاد سال پیش مردی خیرخواه به‌نام حاجی جعفر کاشانی، پل آجری کنونی را به‌جای پل سابق بنا کرد.

این پل پس ازخرابی به‌دستور عمهٔ حجی امین‌الدیوان مرمت شد ودرسال ۱۲۷۱ قمری، تاجری لاهیجی به‌نام حاجی قربان، این پل را ازنوساخت. وسط این پل برآمده است وزاویهٔ آن به‌سی‌درجه می‌رسد.[۲]

این پل‌محکم برروی رودخانهٔ لاهیجان‌است‌که به‌لنگرود وچمخاله‌می‌رود و سرچشمهٔ معینی ندارد و از نشت‌آب زمینها، تشکیل می‌شود و جریان آبش از مغرب به مشرق است. این پل شامل دو چشمهٔ اصلی و دو چشمهٔ کوچکتر درطرفین این دوچشمهٔ اصلی است. عرض دهانه‌های اصلی ۱۲٫۷۰ متر و ارتفاع

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین، ص۴۳۲. ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۰۴.

آن ازسطح آب ۵ر۱۰ متر وعرض دهانه‌های کوچک ۲۳۰ وارتفاع آنها ازسطح زمین ۲۵۰ سانتیمتر است. طاقهای هرچهار چشمه جناقی تیز است. راهروئی در پایهٔ میان دو دهانهٔ بزرگ بنا شده که عرض آن ۱۵۰ سانتیمتر است. در طرفین پل از بالا یعنی محلی که گذر دن عبور می‌کنند، جان پناهی بدارتفاع ۸۰ سانتیمتر از آجر و گچ ساخته‌اند. فاصلهٔ میان دو جان‌پناه یعنی عرض پل بدون درنظر گرفتن پی جان‌پناهها، ۴۷۰سانتیمتر وطول پل، هفتادمتر است. جلو پایهٔ اصلی که میان دو طاق بزرگ پل است سیل برگردان مدوری ساخته‌اند. همچنین پهلوی دهانهٔ کوچک جنوبی نیزسیل برگردانی بندشده‌است. درامتداد لهٔ شمالی دهانهٔ بزرگ، دیواری از آجر، درکنار رودخانه ساخته‌اند، تاآب را بداخل دهانه هدایت کنند. قسمتی از پل که در جنوب قرار می‌گیرد، دست خورده و تعمیری است. (عکس شمارهٔ ۱۲۲)

بقعهٔ شیخ تاج‌الدین ابراهیم معروف به‌شیخ زاهد گیلانی[1] دردهکدهٔ شیخانور

قریهٔ شیخانور برسر راه لاهیجان به‌لنگرود، نزدیک به‌نخجیرکلایه و لیالستان‌است. مرقدشیخ تاج‌الدین‌ابراهیم گیلانی- مرشد شیخ‌صفی‌الدین‌اردبیلی- دراینجاست.

شیخ زاهد درسال ۶۱۵ هجری‌قمری در سیاوه‌رود گیلان متولد شد وبعداز عصرسه‌شنبه ۲۴ربیع‌الثانی‌سال ۷۱۱ه.ق. بدرود زندگانی گفت. خود شیخ‌می‌خواست که مرقدش در سیاوه‌رود باشد، ولی عده‌ای که به شیخ علاقهٔ فراوان داشتند، می‌خواستند جسد او را به‌مولد و موطن خود ببرند. شیخ زاهد، داماد و شاگرد خود- شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی- را بخواست ونظرخود ودیگران را بدو باز گفت. شیخ‌صفی‌الدین که علاقهٔ اورا به‌سیاوه‌رود می‌دانست، وسایل حرکت اورا به‌سیاوه‌-

۱- درفهرست بناهای تاریخی‌واماکن باستانی ایران،ص۱۳۰ و۱۳۱، شرح‌مختصری راجع به‌این بقعه است.

رود فراهم آورد واو را بدین محل رسانید . پس از چهارده روز اقامت در آنجا، شیخ زاهد خرقه تهی کرد وجان به‌جانان فرستاد . جسدش را به خاك سپردند و حرمی گرد آن بساختند .

حسن‌بیك روملو درشرح وقایع سال ۸۹۲ هجری می‌نویسد[1] که سلطان‌حیدر صفوی دراردبیل به‌خواب دیدکه شیخ ابراهیم زاهدگیلانی ، او را مخاطب ساخته است ومی‌گوید که مزار من نزدیك است درآب دریا فرورود وبه او دستور داد تا جسدش را به‌جائی دیگر که درامان است، حمل کند . سلطان حیدر، از اردبیل به‌شیروان رفت وازآنجا با بنّایان و نجار به کشتی نشست و به‌گیلان آمد . جسد او را به‌جائی دیگر برد وبقعه‌ای عالی برای او بنا کرد . مزاری‌که امروز برسه کیلومتری لاهیجان بابنائی زیبا وگنبدی چهارگوش عجیب ، بردامن‌کوهی دیده می‌شود ، همان بناست .گنبد این‌بقعه هرمی‌شکل وکاشیهای‌آن بسیار ظریف‌است. شاید تنها راهی‌که برای باقی ماندن این‌گنبد به‌نظر معماران زمان رسیده است ، ساختن‌آن به‌شکل‌هرم است تاآب باران به‌سرعت از روی آن بگذرد ورطوبتی باقی نگذارد.(عکس شمارهٔ ۱۲۳)

این‌مزار صندوقی‌چوبین منقش وکنده‌کاری شده داشته است‌که رابینومعتقد است که دریکی از آتش‌سوزیهای قبل اززمان او (سال۱۳۳۱ هجری‌قمری) طعمهٔ حریق شده است .

مرحوم سعید نفیسی نیز همین اعتقاد را دارد و می‌نویسد که درحریق سال ۱۲۸۲ یا ۱۲۹۲ وبابین آنها صندوق چوبین‌مرقد از میان رفته است .[2]

خوشبختانه کتیبه‌های این مزار در کتاب درن[3] و دیگران محفوظ مانده و

۱ــ آقای ابوالقاسم غمگسار درسالنامهٔ دبیرستان‌ایرانشهرلاهیجان صفحات ۱۶و۱۷و ۱۸، شرحی راجع به‌شیخ نوشته‌اند و تاریخ وفات اورا درماه رجب سال ۷۰۰ هجری ذکر کرده‌اند. ۲ــ مرحوم سعید نفیسی درمجلهٔ فرهنگ سال‌چهارم، صفحات۴-۱ و۱۱و۲۷-۳۴ و ۶۹-۷۸، شرحی راجع به‌این مزار نوشته‌است. ۳ــ Dorn .

رابینو درسفرنامهٔ مازندران و استراباد خود ازآنها یادکرده است. ازمجموع این کتیبه‌ها مطالب زیر به‌دست می‌آید.

ازکتیبهٔ صندوق مستفاد می‌شودکه جسد شیخ‌زاهدکه درروز سه‌شنبه بیست‌و چهرم ربیع‌الاخرسنهٔ ۷۱۱ ه.ق. فوت شده درایسجاست ونجاری صندوق‌کار عبدالله درو[د]گراست. دیگراینکه در ورودی را سید رضی‌بن مهدی باشکجانی در سال ۸۲۲ هجری تقدیم کرده است ونجارآن استاد احمد یادگار بوده است. اینک اصل کتیبه‌ها:

کتیبهٔ صندوق مقبرهٔ شیخ زاهد

«کل شییءٍ هالك الاوجهه ــ له‌الحکم والیه ترجعون ــ هذا المرقد للسالك فی‌مسالك المعارف ذی الریضة المرضیة العارف العابد الشیخ الزاهد وتاریخ وفاته بعدالعصر من‌یوم الثلثاء اربع‌وعشرین ربیع‌الثانی سنة احدی عشر وسبعمایه ــ تاریخ وفات شیخ فاضل و مقتدی الکامل شیخ الزاهد المرحوم طاب‌ثراه و جعل الله فی الجنة مثواه آخر روز سه‌شنبه بیست و چهارم ماه ربیع الاخر سنه احدی عشر وسبعمایه ــ عمل عبدالله دروگر.»

کتیبه‌ای بر در ورودی

«امر ... هذا الباب الفقیر سید رضی‌بن مهدی‌الحسینی الباشکجانی[1]
سنة اثنی وعشرین‌وثمانمائه.
براین درگاه این در یادگار است
زاستاد احمد و از یادگار است»[2]

دراین یکی دو صحیفه مطالب متناقض و آشفته‌ای را پشت سرهم آوردیم

۱ــ ظاهراً باشکجا بعداً پشیجا و امروز پشم‌چاه شده است. ۲ ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۱۲.

تانشان بدهیم کـه مورخین ما تاچه اندازه در نوشتن مطالب تاریخی بی‌دقتی نشان داده‌اند . اگر شیخ زاهددرسه‌شنبه بیست وچهارم ربیع‌الثانی سال ۷۱۱ فوت شده و در همین‌جا به‌خاك سپرده شده باشد ، چگونه اورا ابتدا به‌دستور شیخ صفی‌الدین اردبیلی به‌سیاوه‌رود آورده‌اند وپس ازچهارده روز در آنجا فوت شده است وسپس درسال ۸۹۲هجری سلطان‌حیدر، قبراورا نبش‌کرده وجسد اورا بدین‌جاآورده‌است.

دیگر اینکه امروزقبری زیرگنبد هرمی‌شکل است‌که باید مزارشیخ زاهد باشد. زیرا این‌گنبد زیبا واین‌بنای‌عضیم را برای مردی‌بزرگ چون‌او باید ساخته باشند . ولی برگوری‌که درزیرگنبد است ضریحی‌است‌که نشان می‌دهد اینجا مزار سید رضی‌بن مهدی‌الحسینی‌الباشکجانی است‌که درسال ۸۳٤ هجری روی درنقاب خاك کشیده است . اینك کتیبهٔ این صندوق :

« کل‌شیيء هالك‌الاوجهه هذا المرقدالمنور والمضجع المعطرللسید المکرم والشیخ المعظم السید رضی‌بن مهدی الحسینی الباشکجانی و انتقل فی‌شهرالله المبرك رمضان سنة اربع وثلثین وثمانمائه عمل‌استاد محمودبن شهاب‌الدین دروگر .

قد کان صاحب هذا القبر لؤلؤة

عـزّ لقـد صغها البری مـن اللطف

عزّت ولـم تعرف الایم قیمتهـا

فرّدهـا غیرةً منها الـی الصدف »[۱]

وبردری که همزمان این صندوق بوده است و فعلا اثری از آن نیست این عبارات خوانده می‌شده است .

« عمل استاد یادگار دروگر سنة خمس وثلثین وثمانمائه . »

دیگر اینکه اگر به‌قول رابینو ومرحوم سعید نفیسی ، صندوق مزار شیخ

۱ـ سفرنامهٔ مازندران و استرآباد رابینو، ص ۱۱. درحاشیهٔ بالای این صندوق سورهٔ یس ـ تا ـ خشی‌الرحمن ، باخط خوش نسخ، حك شده‌است.

زاهد ودر ورودی آن را که سید رضی بن مهدی الحسینی الباشکجانی تقدیم کرده است ودر آتش سوزیهای سال ۱۲۸۲ یا ۱۲۹۲ یادر فواصل این سالها طعمهٔ حریق شده است ، چرا صندوق قبر سیدرضی متوفی سال ۸۳٤ که در همین اطاق بوده تاامروز باقی مانده است ؟ احتمال دارد کـه صندوق مزار شیخ زاهد و در ورودی بقعهٔ آن که ارزش تاریخی وهنری داشته است مانند صندوق عظیم میربزرگ درآمل یاصندوق چهارپادشاهان درلاهیجان وصدها صندوق ودر دیگر، بهیغما رفته باشد.

این سید رضی بن مهدی الحسینی الباشکجانی کـه در ماه رمضان سال ۸۳٤ هجری بدرود زندگی گفته است ، غیر ازسید رضی کیا پسر سید علی کیاست کـه خود یکی از شاهـان لاهیجان بوده و در سال ۸۲۹ هجـری مرده است.[1] این سید رضی شایدآن کسی است که میر ظهیرالدین درصفحهٔ ۱۸۳ کتاب تاریخ گیلان خود اورا یاد کرده است.

باشکجان که درمتن کتیبه آمده است ، شاید همان دهکدهٔ پشیجاست که یکی از دهکده‌های لفمجان است که زمانـی شاه‌نشین بوده و میر ظهیرالـدین در تـاریخ گیلان خود بـارهـا نام این محل را آورده است . این نام در فرهنگ جغرافیئی بهشکل « پشم چاه » ضبط شده است .

وضع کنونی بقعهٔ شیخانور

سه طرف بنای اصلی دارای ایوان است . درازای ایوان جنوبی و درازای بدنهٔ بنا ۸۲۵ سانتیمتر وپهنای ایوان ۲۶۰ سانتیمتر ، درازای ایوان شرقی و درازای بدنهٔ بنا ۸۹۰ سانتیمتر وپهنای ایوان ۲۸۰ سانتیمتر ، درازای ایوان شمالی ۲۰ مترو پهنای آن ۲۸۶ سانتیمتر است . از ایوان شمالی که وارد حجرهٔ اول می‌شویم ، قبر سید رضی بن مهدی الحسینی الباشکجانی را باصندوق چوبین آن می‌بینم ، بلندی درورودی شمالی ۱۸۷ سانتیمتر وپهنای آن ۱۱۰ سانتیمتر است. دردیگری بدهمین پهنا و بلندی دربقعه است. هردوساده و تخته‌ای هستند. بنای اصلی بقعه ازداخل

۱ــ سید ظهیرالدین درکتاب گیلان ودیلمستان خود مکرراز این مرد یادکرده است.

مربع شکل وابعاد آن ۶۱۰ سانتیمتر و بچهار گوشوار که برچهار کنج بنا ساخته‌اند، طاق را جمع کرده و به شکل گنبد درآورده‌اند و بقیهٔ بام بنا ، سفال‌سر است . بدنهٔ بنا تا ۱۴۳ سانتیمتر از زمین کاشی کاری است وابعاد کاشیها ۱۲ سانتیمتر است. کاشیها به‌رنگ زرد و آبی و نقش عمی درمیان آنهاست. چهار در در چهار طرف بناست واز در غربی آن بداطاق مجاور می‌روند .

بر دیوار شرقی سنگ مرمری است که اشعار زیر را بخط خوش نستعلیق بر آن حک کرده‌اند و نشان می‌دهد که میرزا ابوطالب نامی را در سال ۱۱۷۱ ه.ق. دراین محل به‌خاك سپرده‌اند :

«قوام شکر و تمکین و شهدشان و نیکوئی
چراغ دودمان زبدهٔ اولاد پیغمبر
چو عرفانش زهمت پشت‌پا بر ملك هستی‌زد
بفردوس برین گردید لطف ایزدش رهبر
مه تابندهٔ اوج شرف میرزا ابوطالب
که از نور صفاتش برج عزت یافتی زیور
طراز گلبن عزت بهار گلشن فطرت
سحاب مزرع دانش محیط علم را گوهر
دلیل سالکان راه‌حق تهذیب اخلاقش
ز تحریر کمالش عجز آمد عقل دانشور
سروش غیب گفت از بهر تاریخ وفات او
فتاد اکلیل دانش گشت علم و معرفت بیسر
۱۱۷۱
بهار گلشن عز و شرف میرزا ابوطالب
چو بوی گل‌مسافر شداز این بستان بیحاصل
ندای ارجعی از عالم عیش به‌گوش آمد
روانش شد ببزم لامکان راجع از این منزل

زفیض ناخدا و لطف ایزد کشتی جان را
کشید از یك نفس زین بحر پر آشوب بر ساحل
چو از جان طالب حق بود سال رحلت او را
خرد گفتا بمطلوب حقیقی گشت او واصل
۱۱۷۱

صندوق مزار سید رضی بن سید مهدی در این اطاق است. درازای آن ۲۷۵ سانتیمتر و پهنای آن ۱۶۴ سانتیمتر و بلندی آن ۱۶۰ سانتیمتر و بر لبه‌ای که ۲۵ سانتیمتر از کف بالاست و نمای آن را یك ردیف کاشی‌کاری کرده‌اند، قرار دارد. ضریحی چوبین شمع ودستك دور این صندوق است. طاق این ضریح نیز شمع و دستك گهواره‌ای شکل است.

از در غربی مزار سیدرضی، به اطاق غربی که طول آن شرقی غربی است، می‌روند. درازای این اطاق ۱۱ متر و پهنای آن ۴۳۰ سانتیمتر است. کف اطاق کاشی‌کاری است و دیوارها به بلندی ۱۱۰ سانتیمتر نیز کاشی‌کاری دارند.

ضلع جنوبی این اطاق طاقنما دارد که کف یکی از طاقنماها به ارتفاع یك متری از کف اطاق است. دو طاقنمای دیگر از کف اطاق ۲۵ سانتیمتر بالاتر بنا شده‌اند. در ضلع غربی بنا، سه پنجرهٔ چوبین و در ضلع جنوبی چهار پنجرهٔ چوبین ودری درضلع شمالی ودری درضلع شرقی دارد.

در فاصلهٔ دومتری ضریح چوبین این اطاق قبری کاشی‌کاری است که بالای آن گهواره‌ای است. بلندی این قبر از سر گهواره تا کف اطاق ۱۲۰ سانتیمتر و درازی آن ۲۱۰ سانتیمتر وسراسر روی آن کاشیکاری قدیمی نقش‌دار است.

مزار ضریح‌دار این اطاق را مرقد شیخ زاهد می‌دانند و گوری که در جوار آن و کاشی‌کاری‌است، می‌گویند قبرغلام شیخ است. اما رابینو این گور را گور یکی ازپسران تیمور می‌داند.[1]

۱ـ گیلان‌رابینو، ص ۳۱۰. مرحوم سعیدنفیسی درمقالهٔ خود یکی‌ازدختران تیمور نوشته‌است.

آقای صالحی درمجلهٔ نوبهار، مقاله‌ای به‌عنوان «گنبدشیخانور» نوشته‌اندو بدون مراجعه به‌محل، مزار سید رضی‌بن سید مهدی باشکیجانی را مرقد آقا سید حسین کیا دانسته‌اند ومرحوم‌کسروی‌هم درشمارهٔ بعدهمان مجله صفحهٔ۱۶۴،انتقاد مفصلی برمقالهٔ ایشان نوشته‌اند.

کتابچهٔ سودمندی هم آقای محمد علی کیلك به‌نام «شیخ زاهدگیلانی» در ۱۳۱صفحه نشرکرده‌اند. اما چون باورندارند که‌آرامگاه شیخ ممکن است روزی نزدیك سفیدرود و دریـا بوده باشد، درباب درستی جای آرامگاه تردیدی پیش آورده‌اند.

یادآوری مطالب زیر شاید کمی این مطلب را روشن‌کند وبرای جغرافیای تاریخی این سرزمین نیز مفید باشد.کسانی‌که باجغرافیا سروکار دارند، می‌دانندکه رودهای‌بزرگ نزدیك دهانه ومصب خود بدشاخه‌هائی تقسیم می‌شوند وجزیره‌ها و دلتـهائی‌می‌سازند ودرطول‌زمان‌بسترخودرا درنزدیکی‌مصب گاه‌به‌گاه‌تغییرمی‌دهند. سفیدرود هم ازاین‌سیرطبیعی برکنار نبوده است و بی گفتگو بارها بستر خود را درنزدیکیهای‌مصب جابجا کرده‌است. سفیدرود امروز نزدیك‌آستانه پیچ‌می‌خوردو به‌سمت شمال‌غرب منحرف می‌شود ودر حسن کیاده به‌دریا می‌ریزد. ولی درگذشته این چنین نبوده است. در روستاهای شمال لاهیجان بستری از سفیدرود برجاست که روستائیان آن‌را «کَنَه سفیدرود» یعنی سفید رود کهنه و قدیمی می‌نامند. این بستر کـه هم اکنون برجاست و دلیل زندهٔ جبجا شدن سفیدرود در جلگهٔ گیلان‌است، ازکیسم به‌آستانه وازآنجا به‌کمچال[۱] وکنف‌گوراب[۲] وسپس به‌رودبنه می‌رسد واز روستاهای پهمدان[۳] ـ گابیه (= گاویه) ـ شیرجوپشت ـ بینه‌کلا[۴] ـ رودپشت ـ فشوش پشته (= فوش‌پشته) ـ نوشر ـکچلـم[۵] ـ ایوان سر ـ ناصر کیاده ـ هسال ده (= حسنعلی ده) ـ تیته ورزه (= تی‌تی پریزاد) و پائین رود-

۱ـ بضم کاف. ۲ـ یعنی روستاهائی‌که به‌لاهیجان وشیخانور نزدیکند ۳ـ بفتح پ ومیم. ۴ـ بفتح باء ونون. ۵ ـ بفتح کاف و چ وضم لام.

پشت می‌گذشت و در دهکدهٔ جیرباغ به‌دریا می‌پیوست دهکدهٔ دهنه‌سر، مقابل جیرباغ، بندر آن زمان بشمار می‌آمده است. (خود واژهٔ دهنه در گیلکی به‌معنی مصب رود است.) اما زمانی رسید که سفیدرود راه خود را کج کرد و برای خود بستر تازه‌ای گشود. ناگزیر این بستر کهن در طول دهها کیلومتر همچون خشکرودی برجا ماند و دهکده‌های آن سامان را که بدنام «ملاجُش[1] = مالادان= مالفجان» شهرت داشت و به معنی سرزمین ماهیگیران است و پیش از این هم براثر کودی رودخانه کم‌آب بود، یکباره بی‌آب کرد.

کم‌کم میان روستائیان، برای علت جابجا شدن بستر سفیدرود که از لحاظ طبیعی امری عادی بود، داستانهائی پدید آمد. گروهی گفتند که چون آب رودخانهٔ سفیدرود از کنار آستانه یعنی آرامگاه سیدجلال‌الدین‌اشرف، می‌گذشته و بیم آن بوده است که یکباره آنجا را بشوید و ببرد، امامزاده آن را برگرداند. در نتیجهٔ این جابجا شدن چون روستاها و شالیزارها بی آب ماند، مردی بنام سید علی اکبر، نهری ازموضع سغلسان[2] (= صیقلستان) یا کیسم‌جو که درازای آن بدیك فرسخ می‌شد از سپیدرود جدا کرد و آب‌آن را در بستر کهن سپیدرود جاری ساخت تاروستاها بی‌آب نمانند. این رود که درهمان بستر کهنهٔ سفیدرود احداث شد «سید علی‌اکبری» نامیده شد. سپس چون آب این جو برای روستاها کافی نبود، درزمان انقلاب جنگل، دکترحشمت از نزدیك کیاجو (یعنی نهری‌که به‌امر سادات کیا کنده شد وشرح آن را میرظهیرالدین درتاریخ‌گیلان ودیلمستان آورده‌است)،[3] نهردیگری‌احداث‌کرد و آب‌را بافشار بیشتری به‌نهرسیدعلی‌اکبری پیوست.

برای جابجا شدن بستر سفیدرود از تاریخ‌گیلان میرظهیرالدین‌نیزمی‌توان گواهی آورد. اومی‌نویسد که سیدمحمدکیا وسیدرضی‌کیا، برادر خود‑سیدحسین‌کیا‑

۱- بفتح ج. ۲- بفتح سین وغین وسکون‌لام. ۳- تاریخ گیلان ودیلمستان سید ظهیرالدین، ص ۷۳ و ۷۴.

را که شریك پادشاهیشان بود، دستگیر و بر کنار ساختند و از برخی اراضی بخش کرده بدو دادند. «از آن جمله به‌کنار سفیدرود، قریب به‌فرضهٔ لنگرود، قریه‌ای که موصوف وموسوم است به راه‌پشته بدو بخشیدند ...»[۱]

اگر قریهٔ راه پشتهٔ لنگرود روزی نزدیك به سفیدرود بوده است، احتمال آن را می‌توان داد که دهکدهٔ شیخانور نیز روزگاری کنار سفیدرود بوده و از راه رفت و آمد کشتیها دراین رودخانه به‌دریا، نزدیکی داشته است. این نوع امور جزئی و وسایل کوچك را نباید دستاویزی برای کاستن ارزش یك آرامگاه تاریخی ساخت.[۲]

مرقد فاطمه خاتون دختر شیخ زاهد گیلانی

درحرمخانهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی درشهر اردبیل ده قبر است که قبر دوم مرقد فاطمه خاتون دخترشیخ زاهدگیلانی وهمسر شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی است که درسال ۷۳۵ هجری‌قمری فوت شده است. صندوق مرقد اوبه‌درازای ۱۹۰و پهنای ۶۳ وبلندی ۱۱۵ سانتیمتراست و این عبارت بر آن حك است :

« هذالمرقد المنور لابنة العرف بالله الشیخ ابراهیم الزاهد و زوجة الواصل الی الله صفی الحق والدین قدس الله ارواحهم وفیت فی سنة خمس و ثلثین و سبعمائه . »

باغ و عمارت منجم باشی لنگرودی
در دهکدهٔ دیوشل

دردهکدهٔ دیوشل که درنه‌کیلومتری‌لاهیجان، برسرراه لاهیجان به‌لنگرود و میان دو دهکدهٔ لیله‌کوه و دزدبن است، منجم‌باشی لنگرودی عمارتی ساخته و باغی احداث کرده است که سکنهٔ این نواحی بدان می‌نازند. باغش همانند باغهائی است که درسایر نقاط ایران احداث شده است.

۱ــ گیلان ودیلمستان، ص۲۰۱.   ۲ــ از یادداشتهای آقای عبدالرحمن‌عمادی.

این باغ در پای کوهی جنگلی است و آبی دائمی در میان جویهای سنگی آن جاری است. درختان سرو و کاج و سایر درختان غیر بومی آن بسیار شاداب است وگلهای مختلف فراوانی دراینجا کاشته‌اند.[۱]

عمارت خلوگا

بر بلندترین قلهٔ اهتکو (= اتاکوه = عطاکوه)

سید ظهیرالدین دروصف قلهٔ اهتکو می‌نویسد « اهتکو ازکوهستان دیالمه و طوالش است وکوهی است در میان گیلان واقع که هیچ طرف ازاطرافش متصل به‌کوه دیالمه نیست »[۲] و در جای دیگر می‌نویسد « امیره سید محمد به‌اهتکو در آمد که آن جبل مشرف است برملاط . »[۳] نیز در جای دیگر می‌نویسد که امیره انوز از تومه‌شل (= تخمه‌شال) خود را به‌دامن اهتکو رسانید.[۴] بنابراین قله‌ای که امروز در جنوب شرقی لاهیجان و معروف به عطاکوه است قابل تطبیق باهمین قله است .

کارگیا سید ناصر کیا (متوفی ۸۵۱ هـ . ق) برسر این قله عمارتی ییلاقی ساخته است. سید ظهیرالدین دربارهٔ این عمارت چنین می‌نویسد « در این زمان چون هوا گرم بوده ومتعفن وایشان را به کوه رفتن عادت شده بود وجهت حوادث معدومه آن سال به‌شکور تشریف بردن تعذر داشت. دراهتکو بموضعی‌که خلوگا می‌خوانند و قله‌ایست از سایر قلل اهتکو ارفع ، آنجا عمارت فرموده ، تشریف داشتند.[۵]

مزار و راه زیرزمینی اهتکو

برقله و دامن اهتکو

رابینو دربارهٔ این مزار و راه زیر زمینی که‌آن را غار خوانده‌است ، چنین

۱ـ گیلان رابینو ، ص ۳۱۱ .
۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۲۱۳ .
۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص ۱۰۵ .
۴ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۶ .
۵ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۲۱۲ .

می‌نویسد «عطاکوه را مورخین محلی قدیمی «اهتکو» ضبط کرده‌اند. این کوه درپشت دهکدهٔ دیوشل وطرف مشرق آن قرار گرفته است. برسر قلهٔ آن مزاری است. درجوار این مزار غاری است که چیزهای کوچک نظیر دستمال، یاحیوانات کوچکی مانند گربه را جلوآن بگذارند بخود می‌کشد».[۱]

غاری که رابینو از آن یاد می‌کند، معروف به «چاه باد» است و ظاهراً دنبالهٔ راه زیر زمینی وسمجی‌است که ازاینجا به‌قلعهٔ دزدبن می‌رفته است.این راه ازنزدیك شیخانور، درمکانی معروف به «سنگ عمر» می‌گذرد وتا چندی پیش دهانهٔ آن باز بود.

پاره‌ای از ده نشینان سالمند می‌گفتند دنبالهٔ این راه به ساختمان شاه‌نشین که برپوزهٔ شیطان‌کوه و مسلط به‌استخر لاهیجان بوده، می‌رسیده است.

بقعهٔ آقا سید سالار بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کته‌شال نزدیك دهکدهٔ سوسان

بنای اصلی بقعهٔ مستطیل و طول شمالی جنوبی آن ۵۱۳ سانتیمتر و عرض شرقی غربی آن چهار متر است. چهار طرف بقعه ایوان دارد. عرض ایوان شرقی ۱۵۰ و عرض ایوان شمالی ۱۵۷ و عرض ایوانهای جنوبی و غربی ۱۲۵ سانتیمتر است. سقف بقعه وایوانها لمبه‌کوبی است.(عکس شمارهٔ ۱۲٤) ستونهای ایوانها چهرسوی پخ زده، باسرستون وچهار ستون آن لاچلنگری است.(عکس شمارهٔ ۱۲۵) صندوق بقعه مشبك درشت به‌درازای۲٦۰ و پهنای۱٦۰ وبلندی ۱٤۰ سانتیمتراست. بام سراسر بقعه و ایوانها، سفال‌پوش است.

شمعدانی سفالین و قدیمی دربقعه بود که ردیف اول آن که طرف پائین بود، جای هشت شمع و ردیفهای دوم و سوم و چهارم جای هفت شمع داشت. در ردیف چهارم جای دو شمع اضافه برطرفین و بالای دو دستهٔ شمعدان بود. ردیف بالا یی ردیف پنجم نیز جای هفت شمع داشت.(عکس شمارهٔ ۱۲٦) نذورات امامزاده

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۱۱.

گهوارهٔ کوچک برای بچه‌دار شدن، چراغ و نفت و شمع است. لوازمی که در امامزاده دیده شد شامل: شیپور وطبل وسنج وپارچه‌های روپوش مزار وچند علم بود. افراد مریض بانواع ناخوشیها برای شفا به‌این امامزاده می‌آیند. نزدیك امامزاده خم نفت سیاهی است که نفت‌آن را برای گوش درد می‌برند.

مراسم‌علم‌بندی روزسوم‌محرم وعلم‌واچینی روز نوزدهم‌محرم برگزارمی‌شود. بقعه زیر درختان‌آزاد و کبش است. مسجدی حلب‌پوش نزدیك بقعه است.

چهل ستون
در دهکدهٔ زاکله بر[1]

چهل ستون یا زیارت آقا سید ابراهیم‌بن موسی الکاظم علیه‌السلام صندوقی چوبین تازه وضریحی‌آهنین نوساز دارد. بنای اصلی بقعه که دروسط چهار ایوان است به‌عرض ۵۸۰ سانتیمتر وطول شش‌متر تمام است. عرض ایوان جنوبی ۲۳۰و عرض ایوان غربی ۱۹۰ و عرض ایوان شمالی ۲۵۰ و عرض ایوان شرقی ۲۴۰ سانتیمتر است. وسط ایوان شرقی‌را ازدوطرف ستون بندی‌کرده وسرسرا مانندی بوجود آورده‌اند. تمام ستونها، چهارسو و دارای سرستون است. (عکس شمارهٔ ۱۲۷) سقف بقعه وایوانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونهای‌ایوانها سی‌وشش عدد وستونهای سرسرا مانندی‌که درایوان شرقی‌است، چهارعدد است وروی‌همرفته تعدادآنها به‌چهل‌عدد بالغ می‌شود، به‌همین‌جهت این‌بقعه به‌نام چهل‌ستون شهرت یافته‌است. لبهٔ بنا ازبیرون چکش‌گردان و سه‌پشته ودارای لمبه‌کوبی حاشیه‌دارو جلو ایوانها به‌جای لتازه، قابسازی‌ازچوب‌کرده‌اند. ستونهای مقابل بقعه به‌طرف شرقلاچ‌لنگری‌است. بام‌تمام بقعه سفال‌پوش‌واطراف‌آن درختان‌کیش‌وآزاد است.

مراسم علم‌بندی دراین‌بقعه شب‌چهارم محرم ومراسم علم واچینی بعدازظهر روزقتل که شب یازدهم‌محرم‌الحرام‌است، برگزار می‌شود. می‌گویند این‌بقعه تور (= دیوانه) وکور وتب‌دار را شفا می‌بخشد و روزهای پنجشنبه و جمعه روزهای

۱ـ بسکون کاف و فتح لام و باء.

زوارکشی است وزائران این‌محل گالشهای : ملاگوبر[1]، رسکوتی[2]، چیشنه‌کوتی[3]، زاکلی‌بر و خورتا هستند.

شمعدانی سفالین کهنه نظیر شمعدان بقعهٔ آقاسید سالار بن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام، در بقعه است.

بقعهٔ آقا شیخ ابوالوجیه
در کهله‌بر دهکدهٔ زاکله‌بر

بنای اصلی بقعه اطاقی‌است تقریباً مربع شکل بدابعاد ۵۰۰سانتیمتردر ۵۱۰ سانتیمتر. چهار طرف بقعه دارای ایوان است. عرض ایوان شرقی ۲۴۰ سانتیمترو‌ایوان شمالی ۲۵۰ سانتیمتر وایوان جنوبی ۱۴۰ سانتیمترو‌ایوان غربی ۱۶۰ سانتیمتر است. سقف بقعه و ایوانها، واشان‌کشی و روی واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونهای ایوانها چوبی چهارسوی پخ‌زده است. تمام ستونها سرستون دارد. لبهٔ بام سه‌پشته و دور تا دور دارای چکش‌گردان است. چهار ستون مقابل در ورودی بقعه، لاچ لنگری است. برآمدگی قبر از سنگ و گل و دورآن دارای ضریح مشبکی‌است. حاشیهٔ بالای ضریح سورهٔ «یس» است‌که باخط خوش نسخ حك شده است. این حاشیه، باقی ماندهٔ صندوق قدیمی بقعه مورخ محرم الحرام سنهٔ ۹۴۸ هجری بوده که پس از اینکه صندوق از میان رفته است، کتیبهٔ حاشیهٔ آن را برضریح نصب کرده‌اند وکتیبهٔ اصلی صندوق را که برتخته پاره‌ای بوده‌است وشاید روزی درصندوق کار گذاشته بوده‌اند، فعلا دردست متولی‌و درخانهٔ اوست، که شرح آن بعداً خواهد آمد. کف اصلی بقعه نوسازی شده و موزائیك‌فرش کرده‌اند. کف ایوانها گلی است. بام سراسر بنا، سفال‌سر است. آب و گل بقعه را برای شفای انسان و چهارپایان مریض و محصولات آفت‌زده می‌برند. آب چاه نظر کرده است و تب و امراض دیگر را رفع می‌کند. می‌گویند این امامزاده تور (= دیوانه) و مصروع را معالجه می‌کند.

۱ــ بضم میم وفتح باء. ۲ــ بفتح راء و سکون سین. ۳ــ بسکون شین و کسر نون.

مراسم علم‌بندی روز اول محرم و علم واچینی روز سیزدهم است. هنگام خشکی مراسم شیلان‌کشی دارند. اطراف بقعه درختان کیش و آزاد است.

کتیبهٔ چوبی مشهد آقا شیخ ابوالوجیه در کهله‌بر دهکدهٔ زاکله‌بر

«الله محمد علی

این مشهد منور و مرقد مقدس حضرت وحیدالزمان فی العالم الفقه المحصل الشیخ الکامل العلام استاد الفقهی والعما المحققین المجتهد السعی لبین الفروع و اصول الدین الشیخ ابوالوجه[کذا]المشهور بین الانام الشیخ بچویه عیه الرحمة والرضوان می‌بشد و مجتهد بمذهب اهل البیت علیهم السلام و در عصر امیره پهلوان العادل بلّ‌الله ثراه بالمغفرة والرحمة ودر عصر خود ازجملهٔ اورع واتقی وافضل و اعلم بوده واورا مرتبت ورفعة عظمی بدرجهٔ کبری رسیده واواهل ریاضات و کشف اسرار که بتحریر میسر نشد ومشهور ومعروف زمانه واین صندوق مرقد منور درمحرم الحرام سنه ثمان واربعین وتسعمایه هجریة نبویه ازفرموده خواجه معظم خواجه‌کمال صراف لاهجی تقبل حسناته وقوع یافته‌است قبول باد عمل استاد شاه‌حسین اللاهجی کتبه العبد علی بن احمد السیستانی[۱] عفی عنه والسلام والاکرام م م.»(عکس شمارهٔ ۱۲۸)

این کتیبه برروی تخته‌ای که درازای آن ۶۹ وپهنایش ۲۴ سانتیمتر می‌باشد، حک شده است.

بقعهٔ آقا سید ابراهیم در کهل بن[۲] لاهیجان

بنای اصلی چهارضلعی است به درازای ۳۸۰ وپهنای ۲۸۰ سانتیمتر. چهارطرف ایوان دارد. در بقعه در ایوان شرقی است که عرض آن ۱۳۰ سانتیمتر است. عرض ایوان

۱ــ سیستان یاسوسان از دهکده‌های لاهیجان است. ۲ــ بضم کاف و باء.

جنوبی ۱۱۰ سانتیمتر و عرض ایوان غربی ۷۰ سانتیمتر و عرض ایوان شمالی ۱۰۰ سانتیمتر است. قبر در وسط بنای اصلی است. درازای صندوق ۱۹۰ و پهنای آن ۸۰ و بلندی آن ۷۰ سانتیمتر است. درحدود سی سال پیش در این محل آتش سوزی شده است و بقعه و مسجدی که درجوار آن بوده سوخته است. بقعه را تعمیر کرده اند ولی مسجد به حال خرابی باقی مانده است. خود بقعه برسر بلندی و زیر درختان آزاد و کیش است. بام بقعه و ایوانها سفال پوش است .

بقعهٔ آقا سید قاسم
در میان محلهٔ لیل[1] لاهیجان

بنای بقعه بربالای بلندی وزیر درختان آزاد و کیش است . قطر یکی از آزادها که جلب نظر کرد از یك متری زمین، ۴۶۰ سانتیمتر بود . براین درخت چندین شاخ گوزن را افقی نصب کرده بوده اند که فعلا بیشتر شاخها جزئی از تنهٔ درخت شده است . فقط نوك تیز یکی دوتا از آنها بیرون بود وپوست تنهٔ درخت بیش از پانزده سانتیمتر روی بدنهٔ شاخها پیش آمده و آنها را پوشانده و به شکل پستانی شده بود. طول بنای بقعه ۴۰۰ سانتیمتر وعرض آن ۳۸۰ سانتیمتر است. صندوقی به درازای ۱۵۰ سانتیمتر و پهنای ۸۰ سانتیمتر و بلندی ۱۰۰ سانتیمتر برمدفن امامزاده نصب شده است . چهارطرف این بنا را ایوانی فرا گرفته است . عرض ایوان جنوبی ۱۹۰ سانتیمتر است ودر ورودی بقعه دروسط این ایوان قرار گرفته است . عرض ایوان شرقی وشمالی وغربی ۱۲۰ سانتیمتر است .

تمام ستونها دارای سرستونهای زیباست که پاره ای از آنها کنده کاری مارپیچ دارد ومقطع بعضی ازستونهای جلو ایوان اصلی هشت ضلعی است. اطراف ایوان لنتزهٔ مشبك ظریف دارد وخود در ورودی نیز مشبك ظریف است. برهٔ آن سه پشته است و

۱ــ لیل دهی است درطالشستان لاهیجان محکم ومضبوط وراهها ناهموار وشوارع صعب المسالك وطرق دشوار دارد ودر زمان حکام لاهجان زندان جای ایشان بود وهرکس را غضب می کردند یادر قتل تأملی داشتند بدان صوب می فرستادند . (عبدالفتاح فومنی، ص ۲۲۰)

سراسر بام‌بنا، سفال‌پوش است.

مراسم علم‌بندی و علم واچینی در این امامزاده برپا می‌شود. رویهم‌رفته بنای امامزاده و محیط اطراف آن بسیار جالب است و یادآور معابد دور افتادهٔ هندوان است. قبرستان اطراف امامزاده سنگ قابل توجهی نداشت.

بقعه‌های دیگر بخش لیل

۱ـ پیش‌مزار در بالا لیل.

۲ـ مهرعلی بزرگوار در بالا لیل.

۳ـ بارکلی[1] آستانه مجاور بارکلی.

٤ـ بانو بزرگوار وحمید بزرگوار در باندر[2] محلهٔ لیل.

٥ ـ تنارو[3] بزرگوار درتناروی لیل.

٦ـ پنسی[4] (= پنج سو = پنج سید = پانصد سید) در بالای سر لیل. معروف است که پانصد سید دراینجا آرمیده‌اند.

۷ ـ دو بزرگوار در خرمابن[5]

۸ ـ خانم بزرگوار درمحل بیبسه باغ[6]

۹ ـ شیخ طاهر بزرگوار ومختار بزرگوار در سل‌اوکش[7]

غار گیلیژگه[8]
نزدیك دهكدهٔ سر لیل

درسرلیل درمیان‌جنگلی‌که به‌نام گیلیژگه معروف است، غاری است سنگی که مانند اطاق‌ازسنگ تراشیده‌اند وبرای‌رفتن به‌درون‌آن از پله‌هائی‌که درسنگ کنده‌اند باید بالارفت وازاین‌اطاق به‌وسیلهٔ پله‌هائی به‌اطاقهای دیگرمی‌توان‌رفت.

۱ـ بکسر راء وکاف. ۲ـ بضم دال. ۳ـ بفتح تاء. ۴ـ بضم پ وسکون نون.

۵ـ بضم خاء وباء. ۶ـ بفتح باء اول. ۷ـ Sel-ow-Kaš ۸ـ بفتح گاف دوم.

سپالشکر۱
نزدیك دهکدهٔ لیل

نزدیك آبادی گلش‌نشین بیرم، جائی به‌نام سپالشکر است. در اینجا نشانه‌های آبادانی کهن فراوان است.

امامزاده ابراهیم و امامزاده خلیل
در دهکدهٔ لیلا کوه

بنای اصلی بقعه چهارضلعی به‌درازا وپهنای ۷۰۰سانتیمتر است. چهارطرف آن ایوان دارد. ایوان شرقی وشمالی وجنوبی به‌عرض ۲۳۰سانتیمتر وایوان غربی به‌عرض ۱۱۰ سانتیمتر است. قبر این دوتن دربنای اصلی درفاصلهٔ کمی‌ازیکدیگر بنا شده‌است. در زیارتنامه‌ای که دراین‌بقعه است، پس‌از زیارت وارث، زیارتنامهٔ مختصری به‌نام این‌دوتن‌هست ولی‌پدران‌آنها معلوم‌نیست. این‌بقعه برسر بلندی‌و مسلط به‌سهل لنگرود است وشهر‌لنگرود پس‌از بیجارها دیده می‌شود. فعلااطراف بقعه چایکاری است و در شمال بقعه کارخانهٔ چای اخوان بنا شده است. سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

قلعهٔ دزدبن ۲
نزدیك دهکدهٔ دزدبن

دهکده‌ای‌که پی قلعه افتاده‌است به‌نام دزبن یادیزبن یادزدبن مشهوراست. این دهکده برسرراه لاهیجان به‌لنگرود، میان لیالستان ودیوشل است. برکوهی که درپشت‌این‌آبادی‌است، غاربزرگی بوده که روزی پناهگاه راهزنان‌بوده‌است وبا پناه بردن به‌آن، شب‌وروز بخیالی راحت به‌کار راهزنی‌خودمشغول‌بوده‌اند. چنین مشهوراست‌که روزی تاجری‌لاهیجی‌چند مار سمی‌خطرناك راگرفت ودرصندوقچهٔ جواهری پنهان‌کرد. دزدان صندوقچه‌را زدند وبه‌پناهگاه خود بردند. درگشودن

۱ـ بضم سین. ۲ـ دیزبن، ده از دهستان حومهٔ بخش‌مرکزی شهرستان‌لاهیجان، هشت‌کیلومتری مشرق‌لاهیجان، کنار راه لاهیجان به‌لنگرود. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

همان ویکایك ایشان ازپای در آمدن همان. ازاین راه خلایق را از آزار راهزنان خلاص کرد. زمان این داستان برما پوشیده است شاید قبل ازاینکه بربالای این کوه قلعه‌ای ساخته شود وآبادی دزبن درپای قلعه وجود پیدا کند، این دزدان به‌راهزنی مشغول بوده‌اند.

باکتب تاریخ که سروکار پیدا می‌کنیم معلوم می‌شودکه گور سالوك مرداویج که ازسرداران بنام شاهان کیای لاهیجان و از رزم آزمودگان دیلم بود، دراین قریه است. میرظهیرالدین می‌نویسد «که سالوك مرداویج، یکی ازطرفداران و اطرافیان سید علی‌کیا بود، اما بعداً بااو دشمنی ورزید و عیبه اوقیام کرد. بعدها امیر علاءالدین فومنی، او را به‌یاری سید حسین کیا که باسید هدی کیا مخالفت داشت، فرستاد. چون به‌کوتمك‌ملاط دولشکر به‌هم رسیدند، محاربه قائم‌گشت و شکست برسید حسین‌کیا افتاد وبه‌انهزام تمام بازگشتند وبگریختند. اسواران در عقب ایشان می‌تاختند و اسواری می‌کردند. وهرکه را می‌یافتند، از اسب انداخته، دستگیر می‌کردند. و بعضی را به‌قتل آوردند. فرزند سید هادی کیا ـ ابراهیم کیا نام ـ بامسعود محمد نام اسواری، در قریهٔ دزدبن به‌سالوك مرداویج رسیدند واز اسب انداخته به‌قتل آوردند.»[۱]

قلعهٔ دزبن در زمان میرظهیرالدین آبادبوده‌است. این‌مؤلف درشرح وقایع زمان نصرکیا درحدودسالهای۸٤٥و۸٤٦هجری می‌نویسد.«برفورخلابران رانکوه را نفرمود تامجموع، جبه وجوشن بپوشیدند وسیدمحمد را(که درزندان ناصرکیا بود) سوار ساخته، بدیشان بسپرد وگفت به‌قلعهٔ دزبن لاهجان برید و به‌کوتوال قلعه بسپارید.»[۲]

درسال ۸۳۳ هجری بازاری در دزبن برپا می‌شد ودرسال ۹۱۲هجری سدید نامی که نیابت سلطنت خان احمدخان را داشت، به ساختن قلعهٔ مستحکمی در اینجا دست زد تابتواند علیه‌خان احمدخان قیام‌کند و با او دشمنی ورزد. پس از

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۱۰۱. ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۲۲۱.

ساختن قلعه کوتوالی آن را به یونس ـ غلام خود ـ داد.[۱]

گملین[۲] می‌نویسد « هنگامی که روسها گیلان را در سالهای ۱۱۴۵ـ۱۱۳۵ قمری(=۱۷۲۲ تا ۱۷۳۲ میلادی) تسخیر کرده بودند، می‌خواستند غار را بشکافند و خزائنی را که گمان داشتند دراینجا مخفی است ، به‌دست آورند.»[۳]

امروز از بناهای این قلعه بجز قسمتی از دیوار قلعه (عکس شمارهٔ ۱۲۹)و آب انباری که دربالاترین نقطهٔ قلعه‌بنا شده است ، آثاری برجای نمانده است . (عکس شمارهٔ ۱۳۰) این آب‌انبار به درازای ٤ متر وپهنای ۳۱۳ وبلندی ٤۱۵ سانتیمتر، بناشده است . طاق آن فروریخته است . بلندی مدخل آب انبار ۲۸۰ و پهنـای آن ۱۱۰ سانتیمتر است . سنگهای کوهی‌که قلعهٔ دزدبن برآن بناشده است سنگهای ساختمانی ست ومدتی است که سنگهای آن را می کنند ودر شهرها به فروش می‌رسانند ، دیری نخواهد گذشت‌که از خودکوه نیز اثری نماند . (عکس شمارهٔ ۱۳۱)

گورسالوك مرداویج[۴]
در دهکدهٔ دزدبن

سیدظهیرالدین درتاریخ‌گیلان ودیلمستان درمورد محل‌گورسالوك مرداویج چنین نوشته‌است که پس‌از تسلط سیدهادی کیا بر دوتن برادرزادگان خود سیدحیدرو سیدحسین . ازامرای بیه‌پس کمك خواستند وجنگی در کوتمك برپا شد، شکست برسید حسین افتاد ومخالفان ازایشان هرچه توانستندکشتند و آنان‌را دنبال‌کردند تابه‌قریهٔ دزبن رسیدند . دراینجا سید .براهیم کیا ـ پسر سیدهادی کیا ـ بامسعود محمد به‌سالوك مرداویج رسیدند واورا کشتند وبدان موضع‌که‌او کشته‌شد اکنون (سال۸۹٤ قمری)، به کیشه‌سنگ مشهوراست ، بربالای اوتودهٔ سنگ ریخته‌اند و

۱ـ تاریخ خانی، ص۳۰۲ و۳۰۳. ۲ـ Gmelin ۳ـ گیلان رابینو، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ . ۴ـ سالوك دزد وراهزن ومرد قلدر را گویند. اعراب صعلوك گویند. (شهریاران گمنام، ص ۵۹)

درخت شمشادی درمیان آن سنگها برآمده‌است . بعضی مردم از عابرین سبیل که نمی‌دانند که آن چه موضع ،ست ، به تصور آن که زیارت بزرگی است فاتحه می‌خوانند و وصلهٔ کهنه برشاخه‌های آن‌درخت می‌بندند وآنها که می‌دانند در شیب آن تودهٔ سنگ چیست و کیست که آنجا قرین مالك دوزخ است ، لعنت می کنند و می‌گذرند .[۱]

باغ‌منظریه
در کوه بجار

کوه بجار نزدیك لاهیجان است . در اینجا باغی متعلق به‌میرزا کاظم‌خان لاهیجی‌وجود داشت‌که در آن انواع‌درختان‌میوه وگلهای سرخ فراوان بوده‌است.[۲]

بقعهٔ آقاسیدحسین بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کوه بجار

بنای اصلی‌بقعه به‌ابعاد شش‌متر است ، طرف جنوب ایوانی به‌طول بقعه و به‌عرض‌سه‌متر دارد . طاق ایوان و بقعه لمبه‌کوبی‌است. سه‌طرف‌ایوان به‌جای لتازه مقواکوبی‌کرده‌اند . ستونهای ایوان ساده و چهارسو ، بدون سرستون است. لبهٔ بام یك‌پشته وبام سفال‌پوش‌است. مقبرهٔ امامزاده‌ازسنگ‌وگل‌وروی آن‌کاشی‌کاری‌است. اطراف مقبره‌ضریحی‌با آلتهای آهنین‌دارد. بنای بقعه زیردرختان آزادوکیش‌است.

مراسم علم بندی دراین بقعه ، عصرپنجم محرم یعنی شب ششم ومراسم علم‌واچینی روزقتل امام حسن برپا می‌شود .

عمارت و باغ حاجی امین‌الدیوان
در دهکدهٔ سوستان (= سیستان)

سوستان درپای تپه‌های نزدیك لاهیجان است ومتصل به‌نمکایه و کوه‌بجار است . در اینجا حاجی امین‌الدیوان عمارتی ساخته ودر دامن تپه باغ مرکباتی

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۰۲ و۱۰۳. ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۱۳.

گرفته است .[۱]

باغ شاه
در دهکدهٔ چهارخانه‌سر

در دهکدهٔ چهارخانه‌سر که گاهی چهٔ نه‌سر نیز می‌خوانند ، کاشف‌السلطنه باغی احداث کرده‌است . دراینجا انواع درختان غیربومی را به‌دستور مظفرالدین‌شاه ازهندوستان آورده وکاشته است . بوتهٔ چای یکی ازآنهاست .[۲]

بند چمنک[۳]
در دهکدهٔ چمندان

دریکی از دره‌های این دهکده چمنک نامی سدی بسته وقصد داشته است پس‌ازجمع شدن آب ، آب سدرا به‌لاهیجان ببندد وشهررا خراب کند . در زمان رابینو(۱۳۳۱ه.ق.) چهل‌سال ازاین‌امرگذشته‌بود وآثارسدکم‌وبیش‌نابود شده‌بود.[۴]

باقی بناها وآثار تاریخی بلوک
کوهپایه وکنار شهر لاهیجان

۱ـ سنگهای تراشیده در دهکدهٔ گمبل[۵]

۲ـ بقعهٔ چهارسیدان درمحلهٔ زیارتگاه دهکدهٔ کلرودبار.[۶] کلرودبارشامل سه‌محلهٔ بالا و پائین وزیـارتگاه است . بقعهٔ چهارسیدان بنـائی قدیمی در محلهٔ زیارتگاه است .

۳ـ بقعهٔ آقا سید احمد دردهکدهٔ دیوشل .[۷]

٤ـ آستانهٔ دهکدهٔکوشال . این آستانهٔ قدیمی درمحلی به‌نام جالکه[۸] است‌و روستائیان اطراف به آن احترام زیـاد می‌گذارند . از همین دهکده ، در آغـاز

۱ـ گیلان رابینو ، ص۳۱۶.　۲ـ گیلان‌رابینو، ص۳۱۷.　۳ـ بفتح چ ومیم‌ونون.
۴ـ گیلان رابینو . ص۳۱۷.　۵ ـ بضم گاف و باء.　۶ـ بکسر گاف و سکون لام.
۷ـ گیلان رابینو ، ص۳۱۱.　۸ـ بفتح لام و کاف.

مشروطیت آخوندی به‌نام شیخعلی‌شاه به‌دشمنی بامحمدعلی‌شاه قاجار برخاست، او را دستگیر کردند ودم توپ گذاشته وکشتند.

۵ـ بقعهٔ آقا سیدحسن والی بیه‌پیش دردهکدهٔ بزکیاگوراب. بنای زیبائی است وخیابانی دارد که دوطرف آن درختان آزاد کاشته‌اند.[۱]

۶ـ بقعهٔ آقا سیدمظفر در دهکدهٔ سوستان (=سیستان).

۷ـ بقعهٔ عط دردهکدهٔ دیوشل.[۲]

۲ـ بناها و آثار تاریخی بلوک کوهپایه وراه شاهی بالا
زنجیر آستانه = آستانهٔ امامزاده سید علی غزنوی بن امام جعفر الصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ تجن‌گوکه

دهکده‌های تجن وگوکه که بعدها تجن‌گوکه[۳] خوانده شده، از دهکده‌های کهن ونامدار لاهیجان است. دهکدهٔ تجن بیش ازهزارسال پیش‌آبدان بوده ونام آن درحدود العالم آمده‌است.[۴] ازاین دو دهکده‌مردان بنامی برخاسته‌اند وزمان درازی شاه‌نشین‌کوچکی بوده است. پاشاکیای تجنی[۵]، ار همراهان وموافقان سید امیر کیای ملاطی(سردودمان شاهان‌کیائی‌لاهیجان) از آنان است. امیرکیای‌گوکه[۶] مدتی بایکی ارشاهان‌کیائی لاهیجان جنگیده است.

رابینو درسفرنامهٔ خود می‌نویسد «بعداز عبور از گیودره یا سیاه‌رود، از روی پل‌آجری نزدیك گوکه که درجوار دهکدهٔ تجن‌گوکه است، گذشتیم وبنای امامزاده علی‌غزنوی راکه از اولاد امام جعفر الصادق‌است مشاهده‌کردیم.»[۷] سپس

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۰۸. ۲ـ دیوشل:ده ازدهستان مرکزی بخش‌لنگرود شهرستان لاهیجان، ۳ کیلومتری جنوب غربی لنگرود، نزدیك راه لنگرود به لاهیجان. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۳ـ تجن گوکه:ده ازدهستان حومهٔ بخش‌آستانهٔشهرستان لاهیجان، ۶ کیلومتری غرب آستانه.(فرهنگ جغرافیائی ایران) ۴ـ حدود العالم، ص ۱۴۹. ۵. تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۷. ۶ـ تاریخ گیلان و دیلمستان درصفحات مکرر. ۷ـ سفرنامهٔ گیلان و مازندران، ص ۳۷.

درصفحهٔ ۲۲۶همین کتاب متن کتیبهٔ صندوق اورا نقل کرده‌است.

رابینو در کتاب گیلان نیز از این کتیبه یادکرده واین مزار را متعلق به‌سید علی غزنوی دانسته‌است که یکی ازاسلاف امیرکیا ـ حکمران بیه‌پیش ـ است . و سپس می نویسد این همان محل است که میرظهیرالدین در تدریخ گیلان به‌نام بقعهٔ رفیع غزنوی خوانده وبرسرراه کیسم به‌لاهیجان بوده است .[1]

قاضی نورالله شوشتری دربارهٔ این مرد می‌نویسد : «سید علی غزنوی ، بنابر آنکه چندگاه در مدرسهٔ مولانا عبدالوهاب غزنوی به‌تحصیل اشتغال داشت بدین لقب موسوم گردید .»[2] فرزندان وپسران سید علی غزنوی در کتیبهٔ سرتربت سمام هم نام برده شده‌اند .

بنای اصلی آستانهٔ سیدعلی غزنوی، اطاقی است به‌طول وعرض ٦٤٥سانتیمتر، چهارگوشوار درچهارکنج بنست و گنبدی مدور وبلند برسردیوارها وگوشوارها بناشده است . درچهارجهت اصلی چهار درورودی دارد . بلندی درها ۲٤٥ وپهنای آنها ۱۲۵ سانتیمتر است . بالای هر درخفنگی چوبین ومشبك بوده است . امروز فقط یکی ازآنها برجای است . (عکس شمارهٔ ۱۳۲)

صندوقی ظریف وپرکار قاب وگره در وسط بناست که درازای آن ۲۳۷ و پهنایش ۱۱۵ وبلندیش ۹٤ سانتیمتر است وبرچهار پایهٔ چوبین به‌بلندی ۲۸ سانتیمتر قراردارد . (عکس شمارهٔ ۱۳۳) بدنهٔ شمالی آن شامل سه‌قسمت اصلی است . قسمت وسط کتیبهٔ تدریخ وطرفین آن دوقسمت گل وبوته‌دار است .کتیبهٔ وسط بخط خوش نسخ بدین شرح حك شده است :

« کل شیء هالك الاوجهه امره الواثق بالصمدالغنی علی‌بن محمد الحسینی فی سنة احدی وسبعین وثمانمئه.» (عکس شمارهٔ ۱۳٤)

درحاشیهٔ زیر همین کتیبه بخط ریزتر، این کلمات حك است :

«عمل استاد محمدبن یدگار بن حاجی مسافرتبریزی.»

۱ـ گیلان رابینو، ص۳۳۱.　　۲ـ مجالس المؤمنین ، ج ۲، ص ۳۷۱.

برحاشیهٔ بالای همین‌بدنه سورهٔ مبارکهٔ «یس» باخط خوش نسخ، بدین‌شرح حك شده است :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم یس والقرآن‌الحکیم ـ تا ـ اناالاوهی الی.» (عکس‌شمارهٔ ۱۳۵)

دنبالهٔ آن بربدنهٔ شرقی بدین ترتیب است :

«الاذقان فهم ـ تا ـ ام لم‌تنذرهم.» (عکس‌شمارهٔ ۱۳۶)

بدنهٔ جنوبی :

«لایؤمنون ـ تا ـ اذارسلناالیهم اثنین.» .

بدنهٔ غربی :

«فکذبوهما فعززنا ـ تا ـ وماانزل‌الرحمن.» (عکس شمارهٔ ۱۳۷)

سطح بالای صندوق کنده‌کاریهای‌پرنقش ونگار است .

چهار طرف بنای اصلی، چهارایوان دارد . ایوان غربی سابقاً درهای ارسی داشته وبه‌جای مسجد بقعه از آن استفاده می‌شده است . درازای این ایوان ۱۴٫۵ متروپهنای‌آن ۴۲۰ سانتیمتراست.درازای‌ایوانهای دیگرهمانند ایوان‌غربی‌است و پهنای آنها بدین ترتیب است :

پهنای ایوان شمالی ۳۵۰ وایوان جنوبی ۲۰۰ وایوان شرقی ۲۹۰سانتیمتر است . پایه‌های جلوایوانها آجری است . هرایوان بادرنظر داشتن پایه‌های دو کنج ، هفت پایه‌دارد. طاق ایوانها لمبه‌کوبی خطدار، لبهٔ بام سه‌پشته ، وبام سراسر بنا ، سفال سراست . طول‌بنا از خارج ۱۷٫۵۳ متر و عرض آن ۱۶٫۱۰ متر است . بنا کرسی بلنداست و بلندی کرسی آن از سطح زمین۱۹۰سانتیمتر است . مصالح اصلی‌بنا،آجر است .

گلدسته‌ای آجری بربالای بنست‌که سابقاً راه‌آن دردیوار غربی‌بوده است. فعلا این راه را بسته‌اند وبانردبانی چوبین‌ازطرف شرق به‌پشت گنبد می‌روند وبه طرف شمالی می‌گردند وازغرب داخل‌گلدسته می‌شوند .

محوطهٔ اطراف بنا بسیار زیبا و فرح‌بخش است. درختان آزاد متعدد و قطور منظرهٔ خوشی به بنا داده‌است. سردر این محوطه شامل پنج اطاق و یك تالار بزرگ است.

مراسم علم بندی در این بقعه اول محرم و مراسم علم‌واچینی سیزدهم محرم برگزار می‌شود.

دری دولنگه در ورودی به‌راهروی گلدسته بوده است. یك لنگهٔ آن درحدود پنجاه سال پیش به‌سرقت رفته و لنگهٔ دیگر نزد آقای اکبر محمدزاده است. این لنگه به‌بلندی ۱۶۹ و پهنای ۴۷ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۳۸) بر تنکهٔ بالای آن این بیت باخطی خوش حك شده است:

«بر درت جا کنند اهل نجات رفع‌الله قدرهم درجات»

(عکس شمارهٔ ۱۳۹)

بر بائوهای طرفین و تنکهٔ وسط و پائین وچهار پسار بالا و پائین کنده‌کاریهای ظریف و بسیار پر کار دارد.

دری نوساز برای پاك‌خانه (=غسال‌خانه) ساخته‌اند وچهار قسمت از سطح بالائی صندوق مرقد را بیرون آورده و برای تزئین درتنکه‌های بالا و پائین این در بکار برده‌اند.

سنگ قبر مرمری دربقعه به‌درازای ۵۰ و پهنای ۲۶ سانتیمتر دیده شد که این اشعار وعبارات بر آن حك بود:

«ای مرگ چه‌خانه‌ها که ویران کردی
در ملك وجود غارت‌جان کردی
هردانه [...] آمد به جهان
بردی و بزیر خاك پنهان کردی

تاریخ وفات مرحوم مغفور حاجی‌محمدعلیخان ابن‌حاجی محمدحسین سنه ۱۲۱۶ عمل سیدمهدی.»

بقعهٔ آقا سیدمحمد بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ امیرهندهٔ تجن‌گوکه

بنای اصلی بقعه اطاقی‌است به‌درازای ٥٤٥ و پهنای ٥٠٠ سانتیمتر. صندوقی چوبین ساده در وسط بناست . درازای صندوق ۱۷۸ و پهنایش ۱۰۳ و بلندیش ۱۰۵ سانتیمتر است . در ورودی اصلی در ایوان شرقی است . در این ایوان پنج ستون چهارسوی چوبین است . در دوجهت شمال وجنوب نیز در دارد. بنا کرسی‌بلند و کرسی آن آجری است . مصالح اصلی بنا نیز آجر است . سقف سراسر بنا واشان‌کشی ولبهٔ بنا دوپشته وسر اسر بام‌بنا،سفال‌سر است. درمحوطهٔ بنا چند درخت کیش ویك اصله‌درخت آزادتنومند ویك اصله درخت عناب بود .

بقعهٔ امیر سلطان برادرسید جلال‌الدین اشرف و پسر امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ امیرهندهٔ تجن‌گوکه

بنای اصلی بقعه به‌درازای ٥٧٥ وپهنای ٤٧٠ سانتیمتر است . در ورودی اصلی درایوان جنوبی است ویك در ورودی درطرف شمال نیزدارد . ایوان شمالی دارای هفت ستون چهارسوی چوبین است . ایوان غربی یازده ستون چهارسوی چوبین دارد . درجنوبی بقعه درایوانی است که هفت‌ستون چهرسوی چوبین‌دارد . درایوان شمالی دری است‌که وارد مسجد می‌شود . این‌مسجد بنائی تازه‌ساز است .

سقف اصلی بنا لمبه‌کوبی خطدار و درحاشیهٔ زیر سقف ، اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی گچ‌بری شده است . در قسمت پائین این‌کتیبه ، گچ‌بری ریزوساده‌ای است. زیر این‌گچ‌بری، درداخل طاقچه‌هاو بر بدنهٔ دیوار، نقاشیهائی ازعام‌وطاووس‌و تورنگ وچندقسم گل، دیده می‌شود.

صندوق بقعه نسبةً قدیمی است ومنبت‌کاریهای آن ترسیمی‌است . قسمتی‌از آن شطرنجی وقسمتی لوزی شکل است . صندوق نوشته وتاریخی نداشت .

ضریحی مشبك چوبین و نوساز به‌درازای ٢٣٤ وپهنای ١٥٣ و بلندی ١٥٤

سانتیمتر صندوق را احاطه کرده است . سقف ضریح گهواره‌ایست .

علم بندی در این بقعه روز دوم محرم و علم‌واچینی غروب دوازدهم محرم است وگاهی تابیست وهشتم ماه‌صفر، علم‌بسته باقی می‌ماند .

درسمت شمال غربی این بقعه ، بقعهٔ سادهٔ دیگری است که چهار طرف آن ایوان دارد. این بقعه معروف به« کوچك‌بقعه» بود واخیراً به‌نام آقا سید ابراهیم خوانده شده است . در ورودی این بقعه درایوان جنوبی است .

بقعهٔ آقا سیدحسین بن‌امام جعفر الصادق علیه‌السلام
در دهکدهٔ تجن‌گوکه

این بقعه‌برطرف راست راه‌کیسم به‌لاهیجان است ومیان تجن‌گوکه وشیم‌رود قراردارد .[1] بنای اصلی بقعه ، اطاقی است به‌درازای ۵۹۰ وپهنای ۵٤۰ سانتیمتر. بنای قدیمی این بقعه درسه جهت غربی‌وشرقی وشمالی ایوان داشت . بنارا خراب کرده و نوسازی کرده بودند .

صندوقی چوبین در گوشهٔ جنوب شرقی اطاق است‌که ضریحی چوبین مشبك آن را احطه‌کرده‌است. این‌ضریح متعلق به‌بقعهٔ خواهرامام درشهررشت‌بوده‌است که در اسفند سال ۱۳٤۵ بدینجا منتقل‌کرده‌اند . درازای این‌ضریح ۲۳۵ وپهنای آن ۱۵۸ وبلندی‌آن ۱٦۰ سانتیمتر است وسقفی گهواره‌ای دارد . قسمت بالای ضریح مشبك وپائین‌آن نوعی‌مشبك‌کاری است بدین‌صورت‌که ابتدا تختهٔ نازکی را مشبك می‌کنند وسپس روی تختهٔ کلفت‌تری می‌چسبانند .

بقعهٔ مراد دهنده
دردهکدهٔ مراددهنده

بنای اصلی بقعه در وسط وچهار طرف آن ایوان است . درازای دیوارهای شمالی وجنوبی بنای اصلی ٦۳۵ ودرازای دیوارهای شرقی و غربی ٦۰۷ سانتیمتر است . عرض ایوان شمالی ۲٤۰ وعرض ایوان شرقی ۱۷۰ و عرض ایوان جنوبی

۱ــ گیلان رابینو، ص۳۳۱ .

۱۸۰ وعرض ایوان غربی ۱۵۰ سانتیمتراست . دری در ایوان شمالی ودری در ایوان جنوبی به‌بنای اصلی بقعه بازمی‌شود . وسط بنای اصلی بقعه سرکشی(= حمالی) چهارسو کشیده و واشانها را بر آن قرارداده وسراسر سقف را لمبه‌کوبی کرده‌اند. سقف‌ایوانها، پل‌کوبی با درزپوش است. هشت عدد ازستونهای‌ایوانها،لاچ‌لنگری و مابقی چهارسوی ساده یا چهارسوی پخ‌زده است . تمام ستونها سرستونهای ظریف دارد . لبهٔ ایوانها لتازهٔ چپ‌و راست است . لبهٔبام دوپشته وبام‌بنا ، سفال‌سر است .

مراسم علم‌بندی اول محرم ومراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برگزار می‌شود . روزهای پنجشنبه و جمعه روزهای زوارکشی است . اهالی معتقدند که این بقعه‌تور (= دیوانه) وشل ومصروع ورویگاری را شفا می‌بخشد . آب و گل از امامزاده برای شفای آدمیان ودامها می‌برند . نذرهای مردم برای این بقعه ، چراغ وشمع ونفت وپارچه‌های سبزاست . مسجدی درجوار بقعه است .

درمحوطهٔ بقعه درختان توی وبه ودرختان‌آزاد بلند است .

سنگ قبر زیر دراین بقعه دیده شد :

«وفات مرحومه مغفوره گل‌خاتون بنت مرحوم‌آقاکاظم دیلمانی۱۲۶۱.
نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، انگشتر، سینه ریز. قیچی،آفتابه وبینیکی .»

خشت پل
در دهکدهٔ تجن‌گوکه

این پل‌آجری شامل دوچشمه باطاقهای جناقی است . (عکس شمارهٔ ۱٤۰) در دوپایهٔ طرفین این دو چشمه دواطاق‌کوچك ودرپایهٔ میان دو چشمه نیز اطـاق کوچك دیگری است.(عکس شمارهٔ ۱٤۱) درازای پل ٦۰ متر و پهنای آن ٤۲۵ سانتیمتر است . پهنای دیوارهای آجری جان پناه ۳۵ سانتیمتر وپهنای سنگ‌ـ فرش وسط ۳۳۰ سانتیمتر است . بلندی پل از وسط تیزی جناق طاق تاسطح آب ٦۳۰ سانتیمتر وقطرپل ازتیزی جناق طاق تاسطح پل،۱۲۰ سانتیمتر است .

دربازوی جنوبی یك اطاق ویك دهانهٔکوچك است . قطرطاق این دهانه. از

نیزی طاق تاسطح پل ۶۵ سانتیمتر و پهنای این دهانه ۲ متر است . اطاق بازوی شمالی ، مربع‌شکل وبه‌ابعاد ۱۳۵ سانتیمترکه در دوطرف پل‌دودر ورودی به‌پهنای ۶۳ وبلندی ۱۴۵ سانتیمتر دارد . در دنبالهٔ این بازو ، هلال جناقی طاقی نظیر بازوی جنوبی است که فعلا زیرخاك رفته است .

بقعهٔ سید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لفمجان [1]

رابینو دربارهٔ این بقعه می‌نویسدکه بنای آجری کوچکی است ومدرسه و مسجدی متصل به‌آن است ودور هرسه بنا دیوار است.[2] نگارنده پس از جستجو درمحل معلوم‌کرد که مسجد ومدرسه‌ای متصل به‌این بقعه نبوده است .

بنای اصلی بقعه به درازای ۴ متر و پهنای ۳۸۴ سانتیمتر است . صندوقی چوبین دردکه اطراف آن‌را ضریحی مشبك به‌درازای ۱۸۴ وپهنای ۱۰۸ وبلندی ۱۱۵ سانتیمتر احاطه کرده است . بالای ضریح گهواره‌ای شکل و بلندی آن ۹۰ سانتیمتر است . در ورودی شمالی مشبك تخته‌ای ، یعنی تخته‌ای را پس از اینکه مشبك‌کرده‌اند برتختهٔ دیگری چسبانیده‌اند ودرجنوبی مشبك است و با آلتهای ظریف ساخته‌اند . درشرق وغرب‌بنا دوپنجرهٔ نورگیراست. چهارطرف ایوان‌دارد. ستونهای ایوانها چهارسو وبدون سرستون است . ایوانهای جنوبی وشمالی هریك یازده‌ستون وایوانهای شرقی وغربی هریك ده‌ستون دارد . سقف سراسر بنا لمبه‌کوبی، لبهٔ بام دوپشته وبام سراسربنا ، سفال‌سر است.

سنگ قبر مرمری درحیاط بقعه به‌این شرح دیده شد :

«وفات مرحوم محمدباقر ولدآقاحسنقلی فی‌شهرربیع‌الاول‌سنه۱۲۶۵.
نشانه‌ها : مهر ، تسبیح وشانه.»

سنگ‌کوچك سیاه رنگ دیگری به‌این شرح دیده شد :

«وفات مرحومه بلقیس بنت مرحوم آقاصفر ۱۲۷۸ . نشانه‌ها : مهر،

۱ــ بفتح لام وسکون فاء و فتح میم .	۲ــ گیلان رابینو،ص ۳۲۹.

تسبیح ، مشربه ، آفتابه و بینیکی.»

بقعهٔ آقاسید اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه‌السلام درد‌هکدهٔ کلنگران[۱] لفمجان

بنای اصلی اطاقی ساده است . صندوقی مشبك چوبین ساده دروسط اطاق است . سقف بقعه لمبه‌کوبی است چهار طرف ایوان دارد . در ورودی بقعه در ایوان شرقی است . سقف ایوانها واشن‌کشی است . لبهٔ ایوانها تکائل چوبین دارد لبهٔ‌بام سه‌پشته و بام سفال سراست . درمحوطهٔ اطراف بنا درختن‌آزاد کهنسال و درختان کش زیاداست .

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك کوهپایه و راه شاهی بالا

۱ـ بقعهٔ آقا سیدحسین در دهکدهٔ دراپشتان[۲] لفمجان .

۲ـ بقعهٔ آقا سید نصرالله در بازارسرای گوکه .

۳ـ بقعهٔ آقا سید محمد دردهکدهٔ امیرهندهٔ لفمجان .

۴ـ بقعهٔ ملك شاهمیران دردهکدهٔ تهام[۳] لفمجان .

۵ـ بقعهٔ آقسید مرتضی دردهکدهٔ جوپیش لفمجان .

۶ـ تازه آستانه دردهکدهٔ لاحشر لفمجان .

۷ـ بقعهٔ آقا سید حاجی دردهکدهٔ پشاکی.[۴]

۸ـ مقبرهٔ بی‌بی خانم عمهٔ شاه عباس بزرگ ، در دهکدهٔ شکاکم .[۵]

۹ـ حشت‌پل در دهکدهٔ شکاکم .

۱ـ بضم کاف وفتح لام وسکون نون وفتح گاف. ۲ـ بفتح دال و ضم پ.

۳ـ بضم تاء . ۴ـ رابینو می‌نویسد نام این دهکده دراصل پشاکاجی بوده‌است. (گیلان رابینو ، ص۳۳۰)

۵ـ بفتح‌شین وضم‌کاف دوم .

۴- بناها و آثار تاریخی بلوک آستانهٔ لاهیجان

بقعهٔ آقا سیدحسن یا سید ابراهیم
معروف به سلطان سید جلال الدین اشرف بن
امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ آستانه [1]

آستانه بر کنارهٔ شرقی سفیدرود ومتصل به دهکده‌های چورکوچان[2] و نیاکوه است . نام قدیمی این دهکده ظاهراً کوچ ن یا کچ‌ن بضم کاف بوده و نامهای چور-کوچان (= کوچان بائر وخراب) و سیاکوچه و کوچسفهان (— کوچ + اسپاهان) که تمام در نزدیکی آستانهٔ فعلی هستند یادآور نام قدیمی این‌محل است. خصوصاً نام «چورکوچان» خودنشان می‌دهدکه روزی دهکده‌ای به‌نام‌کوچان در این محل بوده وبعداً خراب شده است .

سید ظهیر الدین در تاریخ گیلان خود از مردی به‌نام دائی (؟) کجائی[3] یاد می‌کندکه ازپیروان وسرداران سیدعلی‌کیا ــ سلطان لاهیجان ــ بوده‌است . ظاهراً این مرد منسوب به‌همین «کچان» مورد بحث ماست .

را بینو اصرار دارد کلمهٔ «پلته‌استان» راکه درکتاب تاریخ گیلان سیدظهیرالدین دیده است ، به «پیله آستانه» که درگیلکی به‌معنی آستانهٔ بزرگ است، یکی بداند و این تحریف و تصحیف را به‌گردن نساخ بیندازد . به‌نظر من «پلته‌استان» به‌معنی کانون ومرکز ومحل روئیدن درخت پلت (— افرا) است ونظیر این نام‌گذاری در هلیستن (= هلی‌استن)[4] می‌توان دید که به‌معنی مرکز «هلی» است که در گیلکی به معنی آلوچهٔ جنگلی است و هیچگونه تحریف و تصحیفی در این نام روی نداده است .

۱ــ آستانه درتقسیمات سی‌سال قبل‌جزء بلوک کنارفریضه وراه‌شاهی پائین بوده است.

۲ــ بفتح چ و واو به‌معنی بائر و خراب است . ۳ــ بضم کاف. ۴ــ دهکده‌ای نزدیک توشهر امروز است .

رابینو می‌نویسد که دهکدهٔ آستانه روزی برساحل عربی سفیدرود بوده است. مدفن سیدجلال‌الدین‌اشرف که مورداحترام تمام‌گیلانی‌ن‌است، دراینجاست. هنگام به‌دست آمدن نوغان، زائرین این محل چندین برابر می‌شود و بازاری برای خرید وفروش این متاع دراین محل برپا می‌گردد.

بنای این مزار ابتدا درسال ۳۱۱ هجری[1] برمدفن سیدجلال‌الدین اشرف از اولاد واحفاد حضرت امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام برپا شد. این‌سید بزرگوار درجنگ باسران گیلان، در اینجا کشته شده است. چون روی جسد او نوشته‌ای یافتندکه‌گور او باید درمحلی باشدکه آب سفیدرود به‌آن برسد، او را دراینجا به‌خاك سپردند. سیلاب سفیدرود بقعه را خراب کرد و چندسالی است‌که بنای‌آن را ازنوساختند ودرهای‌کنده‌کاری برای آن تهیه‌کردند وبام بنارا باحلب‌پوشاندند. دوزوج ازاین درها را یکی ازاهالی رشت‌خریداری‌کرده وبرده است. کتیبه‌های این درها بایکدیگر سازش ندارد و ناقص است. کتابی که به‌نام زندگانی سید جلال‌الدین اشرف، درتبریز به‌چاپ رسیده است، فقد جنبهٔ تاریخی است وارزش زیادی ندارد.[2]

این بقعه چندین بارگرفتار سیلابهای عظیم سفیدرود شده و یکی دو بار بکسره از میان رفته است. آخرین بار، درحدود هشتاد سال پیش، بنای بقعه را سیلاب سفیدرود یکسره خراب کرد. امام جمعهٔ لاهیجان کمرهمت به‌تجدیدبنای آن بست وباکمك مردمان خیراندیش آن را از نوساخت. پس از مدتی میرزا فتح‌الله خان سردار منصورکه خیالی‌شده بود، گنبدقملی را برآن بناافزود.

متولیان بقعه می‌گفتندکه چهار تن از اولاد موسی بن جعفر علیه‌السلام از یك مادر و پدرند:

۱ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام. ۲ـ حضرت فطمه معصومه سلام‌الله علیها.

۱ـ معلوم نشد این تاریخ را رابینو ازکجاپیدا کرده‌است؛ شاید اوهم گرفتار کلمهٔ «قرون» شده‌است. ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۲۱.

۳ـ بی‌بی هیبت درشهر بادکوبه. ۴ـ سید حسن معروف به سلطان سید جلال‌الدین اشرف در آستانه.[۱]

ایشان اظهار می‌کردند که قدیمی‌ترین سند این بقعه علمی است که بر بالای گنبد است و این عبارات بر آن حک شده است :

« بانی بقعهٔ متبرکهٔ سلطان سید جلال‌الدین اشرف گوهرشادخانم بنت کیارستم در سنهٔ « قروه »[۲] یا « فروه »[۳]. ».

ازگوهرشادخانم دخترکیارستم اطلاعی نداریم اما عبدالفتاح دربارهٔ پدرش چنین نوشته‌است: کـه کیارستـم مدت ده سال درقلعهٔ الموت حبس بود ودر زمـان خدابنده محمدشاه خلاص شد و به‌لاهجان آمد و به‌منصب سپه سالاری رسید و خان احمدخان سه ماه اورا دردهکدهٔ لیل حبس کرد تادرسال ۹۸۹ قمری اورا درهمان جا به‌قتل آوردند ودرسیاهکله‌رود ، درآستانهٔ سید حسین ناصر ، دفن کردند.[۴]

ازکیارستم نامی که درحدود سالهای ۲۹۱ تا ۳۱۱ هـ. ق. در گیلان سرشناس بوده باشد هیچگونه اطلاعی دردست نیست وضبط سنوات باحروف جمل نیزدراین سالها رسم نبوده است .

متولی دیگرمی‌گفت‌که وزن این علم ۲۱کیلواست ودر گوشهٔ‌آن «هوالمتعال» وزیرآن « وقف نمود گوهرشاد خانـم بنت‌کیارستم » حک شده است . درصورتی‌که اظهارات این شخص‌را صحیح بدانیـم هیچگونه دلیلی نمی‌توان آورد که این علم وقف این بقعه شده باشد.[۵] والله اعلم بحقایق الامور .

بنای کنونی بقعه

بنای اصلی بقعه به‌شکل مربـع به‌ابعاد ۷۶۰ سانتیمتر است ودرچهار جهت اصلی ، چهـار در ورودی دارد. درشرقی به‌ایوان و کفش کن، درجنوبی به‌مسجد و

۱ـ این‌اظهارات با هیچیک از مشجرات‌که در دست است قابل انطباق نیست .

۲ـ حروف قروه به‌حساب جمل معادل ۳۱۱ است.   ۳ ـ حروف فروه معادل ۲۹۱ هجری‌است.   ۴ـ تاریخ گیلان، ص۳۴.   ۵ ـ نگارنده این علم را ازنزدیک‌ندید.

حسینیه، در غربی به‌مسجد زنانه ودر شمالی به‌مسجدی دیگر باز می‌شود. بالای درها پنجره‌های نورگیر است. داخل بنای اصلی، ازاره‌ای به‌ارتفاع ۱۱۸سانتیمتر شامل یك ردیف کاشی سبز وشش ردیف کاشی گلدار آبی با زمینهٔ سفید است.

بر حاشیهٔ داخلی گنبد، روی کاشی آبی، باخط نستعلیق عبارات زیر خوانده می‌شود:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، آیةالکرسی تاآخر و «وان‌یکاد» تاآخر، در آخر این آیات، صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم و نحن علی ذلك من الشاکرین[1] والحمدلله رب‌العالمین. معمّر طاق مبارك حضرت اجل ارفع آقامیرزا فتح‌الله‌خان سردار منصور وبسعی و اهتمام حضرةالحاج حاجی یعقوب‌کارخانهٔ حاجی یوسف‌کاشی‌ساز رشتی کتبه العبدالفقیر شیخ محمد رشتی‌بن سید احمد قزوینی سنه۱۳۲٤.»

ضریحی‌فلزی‌دروسط بناست‌به‌درازای۲۸۵وپهنای۲۰۰وبلندی۱۵۵سانتیمتر. این ضریح برروی پایه‌ای از مرمر به‌ارتفاع ۳۰ سانتیمتر نصب شده‌است. ضریح مشبك وقرقره و گوی‌دار است.

نمای گنبد و گلدسته از کاشی سبز وباقی بامها سفالسر است. (عکس شمارهٔ ۱٤۲) جلو حرم مطهر ایوان بزرگی است. طرفین ایوان دو کفش‌کن مخصوص زنان ومردان است. درورودی حرم ساده وبتازگی در ورودی قدیمی را که فرسوده شده بود برداشته و در فعلی را به جای آن گذاشته‌اند. رواق وبالای در ورودی آئینه‌کاری است.

مسجدی مجاور حرم است که طول آن درحدود پانزده متر است. دوفیلپا درمیان مسجد ودر طول آن ساخته‌اند. پایهٔ فیلپاها، مربع وسطح جانبی آنها کاشیکاری است. ازارهٔ مسجد تاارتفاع یك متر کاشیکاری گلدار است. درهای مسجد نسبةً قدیمی است وبالای‌آنها پنجره‌های مشبك باشیشه‌های رنگین دیده می‌شود.[2]

۱ ــ ظاهراً شاهدین. ۲ ــ این قسمت امروز نوسازی شده است.

پهلوی کفش‌کن مردانه کتابخانه‌ایست که درسال ۱۳۳٦ شمسی تأسیس کرده‌اند. صحن بقعه نسبةً وسیع‌واطراف‌آن را اخیراً دیواری‌آجری ونردهٔ آهنی‌کشیده‌اند. گورستانی قدیمی اطراف بقعه است وبتازگی پولداران رشت ولاهیجان، دراراضی این محل، مقبره‌های خانوادگی ساخته‌اند. قبر محقق واعظ لاهیجی، متوفی‌محرم سال ۱۳۲٤ دراین گورستان است.

بقعهٔ آقا سید حسن بن موسی الکاظم علیه السلام در دهکدهٔ حسین‌آباد آستانه

بنای اصلی‌اطاقی به‌درازای ٦۰۰ وپهنای ٥٤۰ سانتیمتر است. باساختن چهار گوشوار، در چهار کنج بنا، بنای مربع شکل را جمع کرده وبه‌دایره تبدیل نموده‌اند وگنبدی مدورآجری بلند برآن زده‌اند. چهار در ورودی درچهار جهت اصلی است. در شرقی ازایوان وکفش‌کن به‌حرم بازمی‌شود. در جنوبی نیزبه‌ایوان جنوبی می‌رود. (عکس شمارهٔ ۱٤۳) در غربی به‌مسجد متصل به‌بقعه و در شمالی به‌آبدارخانه باز می‌شود. ضریحی چوبین تازه ساز که مشبك چهار گوشه است در وسط بناست که بالای‌آن گهواره‌ای شکل‌است

بقعهٔ آقا سید جانی بن امام موسی الکاظم علیه السلام دردهکدهٔ سیاه‌کوچهٔ آستانه

این‌بقعه درهفت کیلومتری مغرب‌لاهیجان، برسرراه رشت ودرمحل سیاه‌کوچه بنا شده است. بنای اصلی، اطاقی‌آجری‌است که درازای‌آن ٦۲۰ وپهنایش ٥٥٥سانتیمتراست. چهاردر چوبین درچهار جهت اصلی دارد. خفنگی‌کوچك بالای هر در است. درها به‌ایوانهائی به‌درازای ۱۱٫٥ متر وپهنای ۲۱٥ سانتیمتر باز می‌شود. درلبهٔ هرایوان، شش پایهٔ‌آجری، به‌جای شش ستون قدیمی ساخته‌اند [۱] ستونهای لاچ‌لنگری ظریف قدیمی را، در طول نصف کرده و دو طرف پایه‌ها کار

۱ ــ ایوان شمالی فقط ٥ پایه دارد.

گذاشته‌اند . (عکس شمارهٔ ۱٤٤) و یکی دو ستون نیم شده را زیر تکائل ایوان خوابانده‌اند. طرفین در ورودی نقش دو علم با چهار تورنگ است .

صندوقی چوبین سادهٔ مشبک به درازای ۱۸۰ و پهنای ۱۰۰ و بلندی ۱۳۵ سانتیمتر در وسط بقعه است. داخل و خارج بقعه نقاشیهای مذهبی با نامهای «پنج‌تن» و «نصرمن‌الله و فتح قریب» و «صلوات»، از راست به‌چپ وازچپ به‌راست دیده می‌شود . درحاشیهٔ بالای ایوانها ابیاتی از هفت‌بند محتشم‌کاشانی نوشته‌شده‌است. نقاشی و نوشته‌ها ،کار استاد آقاجان لاهیجانی ولد استاد غلام حسین نقاش است . سقف بقعه لمبه‌کوبی با درپوش‌خطدار و سقف ایوانها واشان‌کشی بدون پل‌کوبی است . چند درخت آزاد ویک درخت عناب در صحن بقعه بود . علم بندی این بقعه روز سوم محرم و علم واچینی روز سوم امام یعنی روز سیزدهم محرم است .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام رضا علیه السلام در کماچال آستانه

این بقعهٔ قدیمی‌را نوسازی‌کرده بودند. بنای‌کنونی اطاقی جدید با پنجره‌های آهنی است که وسط آن ضریحی آهنین گذاشته‌اند . مسجدی متصل به‌بقعه است که آن نیز جدیدالبناست .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام جعفرالصادق علیه‌السلام درآستانهٔ اشرفیه

این بقعه درشمال غربی‌آستانه برسرراه گورستان مشهور به « وادی» است. بنای اصلی مربع شکل وبه‌ابعاد ٦٢٠ سانتیمتر است. چهاردر ورودی درچهارجهت اصلی است . بالای درها تازیر سقف خفنگ دارد . در جنوبی از ایوان و کفش‌کن وارد حرم می‌شود . جلو این ایوان هفت ستون چوبی است . در شمالی به‌ایوان‌کم عرضی باز می‌شود که طول آن برابر طول دیوار بقعه است . در دو طرف شرق و غرب بقعه دومسجد وسیع است . سقف سراسر بنا ، لمبه‌کوبی با درزپوش‌خطدار و بام آن سفال‌سر است .

بقعهٔ آقا پیرمزار (= ترک مزار) [۱]
از فرزندان امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در نیاکوی آستانه

بنائی سادهٔ زگالی است درمیان شالیزار برسرراه نیاکو به‌آستانه. غیر از طرف غربی، سه‌طرف دیگر ایوانی ساده دارد. در ورودی درایوان جنوبی‌است. صندوقی چوبین و ساده در وسط بناست. سقف بنا، واشان‌کشی و بام آن سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا سید محمد ملقب به‌آقای پر نور
از نوادگان امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درپائین محلهٔ نیاکوی آستانه

در حدّ بیه‌پیش گیلان به‌بقاعی می‌رسیم که بامسجد یك‌جا ساخته شده‌اند، یعنی حرم بقعه‌ها، جزئی از بنای مسجد است. این گونه بقاع گاهی دیوارهائی دارندکه حرم را ازمسجد جدا می‌کند وزمانی ضریح وصندوق درخود مسجد قرار می‌گیرد. حرم آقا سید محمد اطاقی است که جزء بنای مسجد ودر کنج جنوب‌ـ غربی‌آن است. درازای سراسر بنا ۱۴٫۱۰ متر و پهنای‌آن ۹۴۰ سانتیمتر است. بنای اصلی بقعه اطاقی است که ابعاد داخلی آن ۵۹۰ و ۴۷۰ سانتیمتر است. ضریح مشبك چوبین به‌درازای۲۶۰ وپهنای۱۴۰ وبلندی۱۷۰سانتیمتر دروسط این اطاق است که بالای آن‌گهواره‌ای شکل است. درهای ورودی شرقی وشمالی بقعه به‌مسجد باز می‌شود. در ورودی جنوبی به‌طرف صحن است و بالای آن خفنگی مشبك باشیشه‌های الوان، است.

دردیوار شرقی مسجد سه فیلپست که زیر حمال سقف است ودرفواصل آنها هفت پنجره‌است. در ورودی مسجد که بالای‌آن خفنگی دارد دراین سمت است.

۱ ـ بفتح تاء وسکون راء وکسر کاف.

درضلع شمالی مسجد ، دری و پنجره‌ای نورگیر به کفش‌کن ویك در ویك پنجره به‌صحن دارد . در دیوار شمالی دو فیلپای مدور در وسط و فیلپای چهار گوشهٔ دیگری نزدیك ضلع غربی، بنا شده‌است . درضلع شرقی متصل به‌دیوار جنوبی کفش‌کنی زائده مانند درصحن پیش رفته واطراف آن درهای ارسی چوبین است . سقف بنا لمبه‌کوبی با درزپوش و سراسر بام‌بنا ، سفال‌سر است .

خشت پل[1] (= پل آجری)
در بالا محلهٔ نیاکوی آستانه

پل آجری نیاکو برسرراه لاهیجان به رشت است . راهی کـه از لاهیجان به‌حاجی‌آباد و بازکیاگوراب می‌آید ، در آخر آبادی بازکیاگوراب به سه شاخه تقسیم می‌شود : ازاین سه راه ، راهی به سیاهکل و راهی به‌تجن گوکـه و کیسم و رشت وراهی‌به‌نیاکو وجسیدان و آستانه ولولمان و کوچسفهان ورشت می‌رود. خشت پل برسرراه سوم درمحلهٔ نیاکو بنا شده است . این پل به‌پهنای ۵۸۰ سانتیمتر ودو طرف جان پناهی‌از آجر به‌پهنای ۳۷ سانتیمتر وسنگ فرش روی‌آن به‌پهنای ۴۷۰ سانتیمتر است . درازای سراسر پل ۵۰ متراست . این پل شامل دودهنهٔ کوچکتر درطرفین‌آنهست. پهنای دهانه‌های‌بزرگ هر یك ۲۳۰ سانتیمتروبلندی‌آنها ازوسط هلال‌شکستهٔ طاق تا کف زمین، ۱۴۰ سانتیمتراست. آجرهائی که برای ساختن این دو دهـانه به‌کار رفته است به‌ابعاد ۱۷ سانتیمتر وقطر ٤ سانتیمتر است . درطرفین این دو دهـانه ، دوطاق دیگر است کـه استحکام این دو دهانه را بیشتر می‌کنند . بلندی‌کف پل تاسطح آب ۶ متر است . آجرهای دیگری به‌ابعاد ۲۰ سانتیمتر و قطر ۵ سانتیمتر نیز درساختمان این پل بکار رفته است .

۱ـ بفتح خاء وسکون شین وکسر تاء.

بقعهٔ حاجی سید علی ملقب به‌حاجی دان آقا
از نوادگان امام موسی الکاظم علیه السلام
در بالامحلهٔ نیاکوی آستانه

این بنا همانند بقاعی است‌که بقعه ومسجدآن درزیر یك سقف است. بنای اصلی بقعه تقریباً به‌شکل مربع به‌درازای ٤٥٠ وپهنای ٤١٠ سانتیمتراست. مسجد در ضلع شمالی بقعه ومتصل بدان است. درازای‌آن ۸۲۰ وپهنایش ٤۳۰ سانتیمتر است و طرف شرقی بقعه نیز دنبالهٔ این مسجد به‌درازای ٥۲۰ وپهنا ۳۰۰ سانتیمتر جلو حرم قرار می‌گیرد. در ورودی مسجد دردیوار شرقی و چهار پنجرهٔ نسبةً بزرگ دردیوار شمالی و سه پنجره و یك نورگیر کوچك در دیوار غربی است. درورودی بقعه دردیوار شرقی وبالای آن خفنگی مشبك است. دردیوار جنوبی و غربی بقعه نیز پنجره‌های نورگیری تعبیه شده است. (عکس شمارهٔ ١٤٥)

ضریح مشبك چوبینی به‌درازای ۲۲٥ وپهنای ۱۳۸ وبلندی ١٦٥ سانتیمتر که برروی پدیه‌ای به‌بلندی ١٥ سانتیمتر قرار دارد، دروسط بقعه است. بالای ضریح خیمه‌ای شکل و همچون هرمی مستطیل‌القاعده است. سقف بناهای بقعه و مسجد لمبه‌کوبی خطدار و بام سراسر بنا، سفالسر است.

بقعهٔ پیر میر محمد
درکنار رودخانهٔ شیم‌رود و شمال‌غربی بقعهٔ حاجی دان آقا

ساختمان بقعه ومسجد مستطیل شکل است. حرم درگوشهٔ جنوب غربی بناست. درچهار دیوار حرم نزدیك به‌سقف پنجره‌های مشبك نورگیر است. در مسجد پنج فیلپای قدیمی وسه ستون استوانه‌ای چوبین است‌که حمال طاق برآنها متکی است وواشانها ازدو طرف روی حمال می‌آید. صندوق بقعه کهنه وفرسوده شده است وقبر ازشکستگیها آن نمایان است.

بقعهٔ آقا سید محمدبن امام جعفرالصادق علیه السلام
در دهکدهٔ پینچا از دیهای آستانه

بنای اصلی‌شامل اطاقی مربع به‌ابعاد ٦٤٥سانتیمتراست. صندوقی دروسط و ضریحی مشبك‌آن را احاطه کرده است (عکس‌شمارهٔ١٤٦) ایوان جنوبی بدپهنای ٢٧٠ سانتیمتر است که دری مشبك چوبین به حرم دارد. و چهار حرز آجری چهرگوشه به‌جای ستون ساخته‌اند.(عکس شمارهٔ ١٤٧) ایوان‌شمالی بدپهنای٢٥٠ سانتیمتر ودرازای٥ر١١ متراست. دراین ایوان دری نظیر در ایوان شمالی‌است. این در قدیمی است و این عبارات در قسمت بالای سمت راست آن کنده‌کاری شده است:

«هذا مسجد لمبارك لصاحبه ومالكه‌الفقير المحتاج الى رحمةالله‌تعه.»
برسمت راست، دنبالهٔ این عبارات چنین‌است:

« فقیه احمدبن ابوالرضی‌بن علی پینچئی سنه ثمانین وسبعمائه .»

ایوان غربی به پهنای ٣٤٠ سانتیمتر و درازای ٣٠ر١٣ متر است ضلع شرقی ایوانی ندارد. سرذل هریك ازایوانها متکی برچهار فیلپای آجری چهار نبش است.

در ایوان غربی، دری چوبین به‌بلندی ١٨٢ وپهنای ١٠٥ سانتیمتر است. این عبارات برلنگهٔ سمت راست آن خوانده می‌شود:

« بردرت جاکنند اهل نجات رفع الله قدرهم درجات »

درحواشی این دو مصراع این آیات از کلام‌الله مجید حك شده است:

« ربنا لاتزغ قلوبنا بعداذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع‌الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعاد ان‌الذین‌کفروالن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم »[٢]

زیر مربع بالا این آیات حك شده است:

١ــ دراصل: الا . ٢ ــ سورهٔ آل‌عمران ٣ ، آیات: ٨ و ٩ ونیمی ازآیهٔ:١٠.

«لایکلف‌الله نفساً الا وسعا ولها ما کسبت وعلیها مااکتسبت[1] ربنا ویومن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقی ـ تا ـ اولئك اصحاب النارهم فیها خالدون .»[2]

برقسمت پائین همین لنگه این عبارات حك شده است :

« أتمام این عمارة ... الفقیر المحتاج الی رحمة‌الله فقیه احمدبن فقیه ابوالرضی محمدبن فقیه علی‌بن‌فقیه مرتضی‌بن فقیه محمدبن... غفرالله ذنوبهم . »

زیر نام بانی ، این آیات از کلام الله مجید حك شده ست :

« لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم ولله جنودالسموات والارض وکان‌الله علیماً حکیماً لیدخل المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار ـ تا ـ فوزاً عظیماً . »[3]

برقسمت بالای لنگهٔ سمت چپ این در، این بیت حك شده‌است :

« ای درت کعبهٔ ارباب نجات قبلتی وجهك فی کل صلات »

درحواشی دومصراع بالا، این آیات کلام‌الله مجید خوانده می‌شود :

« من‌الله شیئاً واولئك هم وقودالنار کدأب آل فرعون والذین من قبلهم کذبوا بایاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شدید العقاب قل للذین کفروا ستغلبون و . »[4]

درقسمت پائین آیات بالا ، آیات زیر حك است :

«لاتؤاخذنا ان نسینا اواخطأنا ولاتحمل علینا اصراً کما حملته . »[5]

درقسمت وسط دراین آیات باحاشیهٔ گل و بوته‌دار حك شده‌است :

بسم‌الله الرحمن الرحیم الله لااله الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه ـ تا ـ

۱ ـ سورة البقره ۲ ، آیهٔ : ۲۸۶ ۲ ـ سورة البقره ۲، آیات: ۲۶۲ و ۲۶۳.
۳ ـ سورة الفتح ۴۸ ، قسمتی ازآیهٔ: ۴ و تمام آیهٔ : ۵ . ۴ـ سورهٔ آل عمران ۳ ، قسمتی ازآیهٔ: ۱۰ و آیهٔ: ۱۱ وقسمتی ازآیهٔ: ۱۲. ۵ـ سورة البقره ۲، قسمتی ازآیهٔ : ۲۸۶.

من الغی[۱] بالله . »

درحاشیهٔ تنکهٔ پائین در، آیاتی ازسورهٔ فتح بدین‌ترتیب خوانده می‌شود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناً ـ تا ـ فی قلوب المؤمنین . »[۲] (عکس شمارهٔ ۱۴۸)

بردیوارغربی بقعه ازخارج نقاشیهای مذهبی بدین شرح کشیده شده‌است :

صحرای کربلا، امام حسین درمیدان جنگ باعلی اصغر در بغل وزعفر جنی درپشت سراو، درویش عرب ونمه رسان.

درطرف چپ شکلهای زیر است :

ابوالفضل العباس بامارد بن سدیف .

بردیوار شمالی این نقشیهاست :

علی اکبر و ام‌لیلی و گهوارهٔ علی اصغر و رباب ، خوابیدن حضرت امام زین العابدین ، حضرت قاسم باازرق شامی و پسرانش . عمل استاد آقاجان نقاش لاهیجانی.

بردیوار جنوبی بقعه نقاشیهای زیر است :

سوار شدن پیغمبر بربراق ورفتن بمعراج. (عکس شمارهٔ ۱۴۹) حرکت اسیران کربلا واجساد شهدا درمیدان کربلا

ابیاتی از هفت‌بند محتشم‌کاشانی درحواشی‌این‌نقاشیهاست تاریخ۱۳۳۳قمری درذیل رقم ومیان اشعار دیده می‌شود.

درطرفین در ورودی اصلی، دوعلم ودو تورنگ نقاشی شده‌است .

سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی واررو پی‌کوبی بادرزپوش‌زده است .

مراسم علم بندی در این بقعه روز اول محرم و مراسم علم‌واچینی شب دوازدهم که شب سوم امامت است ، برپا می‌شود .

۱ـ سورةالبقره۲، آیهٔ ۲۶۱: ۲وقسمتی از آیهٔ: ۲۶۲. ۲ـ سورةالفتح ۴۸، آیات: ۲و۱ و۳ وقسمتی ازآیهٔ : ۴ .

درصحن بقعه دو درخت آزاد کهنسال دیده شد .

بقعهٔ میرعلی
دریك کیلومتری جنوب بازکیاگوراب
سرراه لاهیجان به رشت

بنائی است قدیمی به‌شکل مربع که چهار گوشهٔ آن را باچهارگوشوار جمع کرده وگنبدی مدور باآجر وگچ برآن زده‌اند . درهرضلع از داخل طاقنمائی بزرگ ساخته شده و بالای طاقنماها گل و بوته‌هـای زیبائی گچ بری شده است . درسه جهت بقعه ایوانهای‌کم عرضی است. لبه‌های ایوانها پایه‌های آجری به‌جای ستون چوبی‌ساخته‌اند وسرتال و واشانهای ایوانها برآنها قراردارد. ازارهٔ داخلی بقعه و پائین پایـه‌های ایوانهـا کاشیکاری است . کاشیهی داخل حرم هشت ضلعی است . مسجد بقعه متصل به‌بنای بقعه است . اضلاع جنوبی و غربـی آن دیوار و اضلاع شمالی وشرقی آن درهی ارسی چوبین است .

بقعهٔ آقا سید محمد بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ پائین‌لسکوکلایه[1] از دهکده‌های آستانه

بنائی است اجری‌که ابعاد داخلی آن ۵ر۳ × ٤ متراست . میان بنا ضریحی مشبك چوبین باسقف‌گهواره‌ای است . چهار طرف ایوان دارد. طرف شرقی وغربی چهار جرز آحری جلو ایوانها به‌جای ستون ساخته‌اند . دوطرف جنوبی وشمالی ایوانها ، هریك سه جرز آجری ودوستون چوبی دارد . ستونهـا سرستون ندارد . دودر ورودی بقعه دردو جهت شرقی وغربی است. سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی‌و پل‌کوبی است . لبهٔبام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفالسر است .

مراسم علم‌بندی روزاول‌محرم ومراسم‌علم‌واچینی روزسوم‌امام برپا می‌شود.

۱ــ لسکوکلایه: ده ازدهستان دهشال، بخش‌آستانهٔ شهرستان‌لاهیجان، هجده کیلومتری شمال شرقی آستانه ، شش‌کیلومتری حسن‌کیاده.(فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

بقعهٔ آقا سید زکریا
در دهکدهٔ لفوت از دهکده‌های آستانه

بنای اصلی آجری است وچهار طرف ایوان دارد . به‌جای ستونها جرزهای آجری، جلو ایوانها ساخته‌اند . لبهٔ بام یک‌پشته وسراسر بام‌بنا، حلب‌سر است.

باقی بناها و آثار تاریخی بلوک آستانهٔ لاهیجان

۱ـ بقعهٔ آقا سید محمد دردهکدهٔ ششکل[1] دهشال .

۲ـ بقعهٔ گیلده دردهکدهٔ گیلده[2] دهشال .

۳ـ بقعه‌های دهکدهٔ فوشزده[3] دهشال .

٤ ـ بقعهٔ آقا سید اکبر در دهکدهٔ لفوت .[4]

۵ بقعهٔ دهکدهٔ دهکا[5] ازدهکده‌های دهشال .

٦ ـ بقعهٔ آقا زینل در جیر رودپشت دهشال .

۷ ـ نام کهنه کلکه[6] در دهکدهٔ جیر رودپشت که یادآور پرستشگاه و معبدی قدیمی است .

۸ ـ محل دیگری به‌نام « اسپه شورون » در دهکدهٔ جیررودپشت است و برکنار « پیله خله » (ـ شاخهٔ بزرگ رودخانه) قرار دارد . می‌گویند در قدیم استخر بزرگی برای شست وشوی اسبان پادشاهان درست کرده بوده‌اند .

۱ـ ششکل : ده از دهستان بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان ، چهار کیلومتری شمال شرقی دهشال، شانزده کیلومتری آستانه.(فرهنگ جغرافیائی ایران) ۲ـ گیلده : ده از دهستان دهشال بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان، هجده‌کیلومتری شمال شرقی‌آستانه، شش‌کیلومتری دهشال. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۳ـ فوشاذده: ده ازدهستان دهشال بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان.(فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۴ـ لفوت:ده از دهستان مرکزی بخش‌آستانه، شهرستان لاهیجان، ده‌کیلومتری شمال‌آستانه، هشت کیلومتری شمال پل‌سفیدرود.(فرهنگ جغرافیائی‌ایران) ۵ـ بفتح دال . ۶ـ بفتح کاف و لام.

۴ـ بناها و آثار تاریخی بلوک کنار فریضه و راه شاهی پائین لاهیجان

بقعهٔ آقا سید حسین کیا پسر امام موسی الکاظم علیه‌السلام معروف به‌امامزاده ذوالفقار در دهکدهٔ کیسم

بنـای اصلی بقعه اطاقـی است به درازای ۴۹۰ سانتیمتر و پهنـای ۴۰۰ سانتیمتر، چهارطرف ایوان دارد وجلوهریک از ایوانها هفت ستون چوبی چهار-سوی پخ زده است. طول هر یك از ایوانها ۱۰٫۵ متر است. پهنای ایوان شمالی کمتر وایوانهای شرقی وغربی وجنوبی پهن‌تر وعرض آنهـا ۱۹۰ سانتیمتر است. ایوان جنوبی یك ستون لاچلنگری هفت وهشت ضلعی دارد. تمام ستونها سرستون دارند. (عکس شمارهٔ ۱۵۰)

صندوق بقعه درمیان بنای اصلی‌است وبدنهٔ جنوبی‌آن هشت تکه کنده‌کاری ظریف دارد و برپایه‌ای از گچ به‌بلندی ۲۰ سانتیمتر برقرار است. (عکس شمارهٔ ۱۵۱) درازای صندوق ۲۱۸ وپهنایش ۱۱۸ وبلندی‌آن ۷۰ سانتیمتر است. ضریحی مشبك چوبین صندوق را احاطه کرده است. (عکس شمارهٔ ۱۵۲)

بردیوارها ازداخل، نقاشیهای مذهبی به‌قلم استاد آقاجان لاهیجانی است و زیر لبهٔ طاق ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است ودرفواصل مصراعها «اللهم‌صل علی محمد وآل محمد» گچ بری شده است.

سقف بقعه واشان‌کشی وازرو پل‌کوبی بدرزپوش‌زده است. ازارهٔ دیوارهای بقعه، درپنج ردیف کاشی‌کاری به‌ارتفاع ۸۰سانتیمتراست. سقف ایوانها واشان‌کشی، لبهٔ بام یك‌پشته وسرـسر بدمند، سفال‌سر است. تخته‌ای ازصندوق قدیمی درایوان بود که درازای آن ۶۸ و پهنـایش ۲۶ سانتیمتر بود و کنده کاری بسیر داشت. (عکس شمارهٔ ۱۵۳)

درایوان جنوبی یك‌تخته ازچوب صندوق قدیمی‌را به‌دوستون لاچلنگری‌و

ستون پهلوی آن میخ‌کوب کرده بودند . این قسمت از آیت کلام الله مجید بر آن خوانده می‌شود.

«[لایؤ] منون انما تنذر من اتبع الذکر وخشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة و اجر کریم . انا نحن نحی الموتی و نکتب ماقدّموا و آثارهم و کل شیی ء احصیناه فی امام مبین و ضرب لهم مثلا اصحاب القریة اذجاءها المرسلون.»[1] (عکس شمارهٔ ۱۵٤)

رابینو از این بقعه یاد کرده است .[2]

بقعهٔ آقا سید شفیع
در دهکدهٔ بجاربست‌سر

بنای اصلی بقعه مستطیل و ابعاد شرقی و غربی آن ۷ متر و ابعاد جنوبی و شمالی آن ٤٦۰ سانتیمتر است . طرف شمال بقعه ، آبدارخانه‌ای بنا شده است . طرف شرق و جنوب بقعه ایوانی است . عرض ایوان شرقی ۳۳۰ وعرض ایوان جنوبی ٤۸۰ سانتیمتر است . سقف داخل بقعه و ایوانها لمبه‌کوبی است . لبهٔ بام یك‌پشته و بام سفال‌سر است . مراسم علم‌بندی دوم محرم و مراسم علم و چینی روز بیست وهشتم ماه صفر که قتل امام حسن مجتبی است، برگزار می‌شود . روز علم بندی سرته می‌آورند و گوسفند قربانی نذر می‌کنند .

قرآن کوفی
در دهکدهٔ مالده

رابینو می‌نویسد که دراین دهکده قرآنی است که می‌گویند به‌خط علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و بنائی که این قرآن در آن است . بـه « دستخط امیرالمؤمنین » مشهور است .[3]

۱ـ سورهٔ یس۳٦، قسمتی ازآیهٔ: ۱۰ وآیات: ۱۱و۱۲ و۱۳. ۲ـ گیلان‌رابینو، ص ۳۲۹ . ۳ـ گیلان رابینو ، ص ۳۲۷.

این بنا، بنائی است چوبین ودوطبقه. ابعاد داخلی طبقهٔ بالا ۳۷۰ × ۴۵۰ سانتیمتر است. میان این بنا صندوقی بزرگ است که داخل آن صندوقی کوچکتر قرار دارد صندوق بزرگتر به‌درازی ۱۱۸ وپهنای ۷۱ وبلندی ۹۰ سانتیمتر است و صندوق کوچکتر به‌درازای ۵۷ وپهنای ۴۶ وبلندی ۴۵ سانتیمتر است.

چهار طرف این بنا ایوان است ودیواره‌ای تخته‌ای دارد. درهرطرف بنا سه پنجره است. سقف بنای اصلی واشان‌کشی و پل‌کوبی است و سقف ایوانها فقط واشان‌کشی است. طبقهٔ زیرین این بنا مسجد است درمحوطهٔ اطراف این بنا درخت آزاد کهنی است که محیط آن ۷۷۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ فضل عیار معروف به‌آقای رکابدار
دربالا محلهٔ دهکدهٔ کیسم

بنای اصلی بقعه اطاقی ساده است که ابعاد داخلی آن ۴۴۰ × ۴۲۰ سانتیمتر است. درمیان این بنا، صندوقی مشبك تخته‌ای است. سقف صندوق به شکل هرم مستطیل القاعده است که درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۰۲ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. این صندوق برپایه‌ای کاشیکاری به‌بلندی ۱۵ سانتیمتر قرار دارد. ازارهٔ بنا را رنگکاری کرده‌اند. سقف بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش است. چهار طرف بنا ایوان است. طول ایوانها ۸۷۰ وعرض آنها ۱۶۰ سانتیمتر است. هرایوان دارای هفت ستون با سرستون است. سقف ایوانها واشان‌کشی و قسمتی پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. لمهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

علم بندی این بقعه روز اول محرم و علم واچینی آن در روز بیست و هشتم صفر است روز زوارکشی معینی ندارد.

بقعهٔ آقا سید احمد یمنی بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
درمیان محلهٔ دهکدهٔ کیسم

بنای اصلی این بقعه را بنا به‌گفتهٔ اهلی، آب یکسره برده است و فعلا بقعهٔ آقا سید محمد مکی به‌جای آن است.

بنای اصلی این بقعه مربع‌شکل است که از خارج ابعاد آن ۴۶۰×۴۸۵ سانتیمتر است. چهار طرف بنا ایوان دارد. درازای ایوانها ۷۴۰ سانتیمتر و پهنای آنها غیر از ایوان جنوبی که ۵۰ سانتیمتر است، ۲۰۵ سانتیمتر می‌باشد. هر ایوان، هفت ستون باسرستون دارد سه عدد از ستونهای ایوان شمالی لاچلنگری است. دو عدد که در دو طرف قرار می‌گیرند هشت ضلعی هفت و هشت و ستون وسط دردو قسمت مارپیچ راست به‌چپ است. بقعه دارای دو در ورودی در ایوانهای شمالی و شرقی است که یکی از آنها مشبك تخته‌ای به‌پهنای ۹۳ و بلندی ۱۶۰ سانتیمتر است.

درمحوطهٔ این بنا چند اصله درخت آزاد است که محیط یکی از آنها بالغ بر ۵۷۰ سانتیمتر است.

خشت پل
بر رودخانهٔ حشمت رود دردهکدهٔ کیسم

این پل برسر راه شاهی است که از لاهیجان به‌کیسم می‌رفته است. مصالح اصلی آن آجر و درازای آن ۲۱ متر و پهنای آن ۳۲۵ و بلندی آن ازسطح آب ۵۷۰ سانتیمتر است. این پل شامل یك دهانه باطاق جناقی است که بلندی طاق آن ۹۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۵۵) پهنای جان‌پناه آجری آن ۶۵ سانتیمتر است. در ساختمان این پل دونوع آجر به‌ابعاد ۴×۲۱×۲۱ و ۵×۲۳×۲۳ سانتیمتر بکار رفته است.

بقعهٔ آقا سید عبدالله بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
معروف به‌آقا سید بازو
در دهکدهٔ بازان کیسم

بنائی است ساده که چهارطرف آن ایوان دارد. هر ایوان دارای هفت ستون چهارسو بدون سرستون است. این بقعه دارای صندوقی تخته‌ای سادهٔ بدون نقش است. بردیوار گلی بقعه نقاشیهای مذهبی کرده‌اند. سقف بنا واشان‌کشی، لبهٔ بام یك‌پشته و بام بنا سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا سید رسول وسیده حوری
در دهکدهٔ تجن کیسم

بنائی ساده و نوسازکه چهرطرف ایوان دارد. هرایوان هفت ستون چهارسو دارد . صندوق چوبین‌که میان اطاق قرار دارد قبر این دوتن را پوشانده است . در ورودی بقعه، درایوان جنوبی‌است. سقف بنا و ایوانها واشن‌کشی و بام سراسر بنا، سفال‌سر است .

بقعهٔ سید زکریا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در میان کوی حسن کیاده

این بنا اطاقی ساده است که ازبیرون نمای آن هشت ضلعی است‌که اضلاع آن دو به‌دو مساویند و از داخل مربع مستطیل است . چهارطرف بنا ایوان دارد. ستونهای ایوانها چوبی و ساده است . داخل بنا ضریحی مشبک چوبین صندوق را پوشانده است . بام بنا حلب‌سر است.

بقعهٔ آقا سید لنگرکیا
در اشکم چال [1]

بنای اصلی بقعه ساده وگلی وزگالی است . چهار طرف بنا ایوان است. جلو هرایوان سه جرزآجری و شش ستون است. لبهٔ ایوان تکائل مشبك چوبین کوتاه دارد . درمیان بنا صندوقی است کــه ضریحی مشبك چوبین بزرگ آن را پوشانده است. قسمت پائین ضریح تخته‌ای ساده وقسمت بالای‌آن مشبك است. سقف ضریح گهواره‌ای است . لبهٔ بم بنا یك‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است .

مراسم علم‌بندی این بقعه روزهــای اول و دوم و سوم محرم و علم‌واچینی عصر روز دوازدهم محرم برگزار می‌شود .

۱ــ بکسر الف وضم‌کاف.

دهکدهٔ تی‌تی پریزاد

این دهکده متصل به حسنعلی‌ده و ناصرکیاده است. می‌گویند این آبادی را تی‌تی دختر خان احمد خان والی لاهیجان احداث کرده است. عبدالفتاح فومنی تی‌تی را دختر قرامحمدچپك و زن‌خان احمدخان می‌داند.[۱]

باقی بناها و آثار تاریخی بلوك کنارفریضه و راه شاهی پائین لاهیجان

۱ــ بقعهٔ آقـ سید مزار یـا شهیده‌زار. بنای این بقعه میان حسن کیاده و لسکوکلایه است.[۲]

۲ــ بقعهٔ آقا سید ابوجعفر بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام.

۳ ــ بقعهٔ امامزاده محمد دردهکدهٔ کیسم.[۳]

٤ ــ بقعهٔ آقا سید حجی دردهکدهٔ پاش‌کی.

٥ ــ بقعهٔ دهکدهٔ کماچال میان بازکیاگوراب و رودبنه.

٦ ــ بقعهٔ دهکدهٔ گوهردان.

۷ ــ بقعهٔ سه بـرادران در دهکـدهٔ بجاربست‌سر، کـه به بجـارپردسر نیز مشهور است.

۸ ــ بقعهٔ آقا سید نصرالله در دهکدهٔ بارارسر.

۹ ــ پل آجری بر آب کیسومث.[۴]

۱۰ ــ بقعهٔ آقا شیخ سلیمان دردهکدهٔ لاشه (ـــ لاشك).[۵]

۱۱ ــ بقعهٔ آقا سید ابراهیم بن امم موسی‌الکاظم دردهکدهٔ کشل.[۶]

۱۲ ــ بقعهٔ آقا سید محمدبن امام موسی الکاظم دردهکدهٔ ماشك.[۷]

۱۳ ــ مسجد پیله‌خاکی نزدیك دهکدهٔ ماشك.[۸]

۱ــ گیلان‌دابینو، ص۳۲۵. ۲ــ گیلان‌دابینو، ص۳۳۲. ۳ــ گیلان‌دابینو، ص۳۲۹. ۴ــ گیلان‌دابینو، ص۳۲۶. ۵ــ گیلان‌دابینو، ص۳۳۳. ۶ــ بفتح کاف وشین. ۷ــ بکسر شین. ۸ــ عبدالفتاح فومنی ازاین مسجد یادکرده است. (گیلان دابینو، ص ۳۳۳)

۵- بناها و آثار تاریخی بلوک چهار ده ورودبنهٔ لاهیجان
بقعهٔ آقا سید نصرالدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کوکهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه اطاقی است آجری به‌درازای ۷۴۰ و پهنای ۴۵۰ سانتیمتر. دو در جنوبی وشرقی ازدو ایوان ودر غربی ازمسجد متصل به‌بنا در حرم بقعه باز می‌شود . سقف بنا واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش است. صریحی مشبک چوبین نسبةً قدیمی به‌درازای ۲۱۰ و پهنای ۱۴۰ وبلندی ۱۶۰ سانتیمتر قبر را پوشانده است . طاق صریح گهواره‌ای وبلندی آن ازسقف ضریح ۶۰ سانتیمتر است .

ایوانهای شرقی وجنوبی هریك هفت ستون چهارسوی ساده بدون سرستون دارد . سقف ایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است . لبهٔ ایوان تکائل مشبك چوبین و لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

سنگ قبری‌ازمرمر به‌درازای ٥٤ وپهنای ۳۵ سانتیمتر دربقعه قرار دارد که عبارات زیر بر آن حك‌است :

« وفات مرحوم کربلائی میرزا ولد مرحوم مرتضی قلی ۱۲٤۲ .

چون قندرست مرا قبر براین راهگذر

همه‌کس‌رابودای خواجه براین راه‌گذر

برسرتربت ما چون گذری فاتحه خوان

بدعا روح مرا شادکن آنگاه گذر »

سنگ مرمر دیگری به‌درازای٦۵ وپهنای ۲۹ سانتیمتر دراین‌بقعه بود که این‌عبارات بر آن حك بود:

« وفات مرحوم فیروزه خانم بنت مرحوم آقا محمد قاسم بتاریخ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۳۵ .

ای خاك چه طالع منور داری — هرجا که پری‌رخیست دربرداری

خوبان‌جهان سیرزعالم شده‌اند — تو سیرنمی‌شوی چه درسر داری

نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، انگشتر وسرو . «

مراسم‌علم‌بندی این‌بقعه روز اول‌محرم وعلم‌واچینی روزقتل امام‌حسن یعنی بیست وهشتم صفر است . این بقعه درمیان درختان آزاد کهنسال است .

حمامی قدیمی در بازارسر گوکه جزو موقوفات این بقعه بوده است . خرابه‌های این حمام امروز برجاست .

پلی آجری
نزدیك دهكدهٔ گوكه

پلی آجری یك‌دهنه نزدیك دهكدهٔ گوكه است . درازای آن۱۰ متر و پهنای آن ۷۵۰ وبلندی‌آن ازسطح آب ۲٤۰ سانتیمتر است. بنای این پل از دو نوع آجر است . آجرهای بزرگتر به‌ابعاد ٤ ×۲۸ × ۲٤ سانتیمتر و آجرهای کوچکتر به‌ابعاد ٤ × ۱۸ × ۱۸ سانتیمتر است .

بقعهٔ سید ناصرالدین بن امام موسی الکاظم
در کاچا محلهٔ چهار ده لاهیجان

برای رسیدن به‌چهار ده ، باید نزدیك اولمان از آب سفیدرود گذشت و به‌ساحل راست رودخانه رفت . دهی بزرگ وآبادان است . از بناهای تاریخی این دهکده ، بقعهٔ سید ناصرالدین است که از نظر سبك معماری ، قابل دقت وبررسی است . بنای اصلی بقعه ازداخل چهرگوشه وازچهار جهت چهار در ورودی دارد . درها در درگاهی صفه مانند قراردارند. عرض دهانهٔ صفه‌ها ۱۵٦ وعمق آنها ۸۵ سانتیمتر است . در چهار کنج بنا ، چهارگوشوار است که باساختن‌آنها ، گوشه را جمع کرده وتوانسته‌اند گنبد مدوری براین بنای چهارگوشه بزنند . زیر هریك ازگوشوارها دوطاقچه است . بالای هریك ازدرهای ورودی، خفنگی نورگیر شده است که طاقهای جناقی دارد .

ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۱۳۸ و پهنای ۱۳۰ و بلندی ۱۵۹ سانتیمتر

میان بنای اصلی است که قبر را پوشانده است. طاق آن نیز مشبک است واز دو طرف چون بامهای شیروانی، شیب دارد.

در شرقی بقعه به‌ایوانی مربع شکل باز می‌شود که سمت شرقی آن باز است. درطرفین شمال وجنوب دو اطاق است که ابعاد آنها از داخل دومتر است. کنج جنوبغربی اطاق شمالی وکنج شمالغربی اطاق جنوبی بادو کنج بقعه مماس است. پنجره‌های این دو اطاق پنجره‌های ارسی بوده که قسمت پائین آنها عوض شده است.

اضلاع اصلی بقعه ازخارج ۷۸۰ سانتیمتراست و سه طرف شمالی وغربی و جنوبی آن ایوان دارد. عرض هر یك از ایوانها ٤ متر است. ایوان غربی دارای چهار فیلپاست‌که پائین آنها مربع وبالای آنها هشت‌ضلعی است. درفواصل فیلپاها، ستونهای چوبین چهارسو، بدون سرستون است.

ایوان جنوبی نه‌ستون چهارسوی ساده، بدون سرستون ویك فیلپای‌آجری دارد و ایوان شمالی دارای چهارستون ویك فیلپاست. ابعاد زمینی که قسمتهای مختلف بنابرآن است ۱۳٫۳۰ متر است. مصالح اصلی بقعه آجر، جدارهای داخلی بنا، سفیدکاری ودیوارهای بقعه را تازه رنگ کرده بودند.

مراسم علم‌بندی این‌بقعه اول ماه محرم‌الحرام وعلم‌واچینی‌آن بیست وهشتم صفر است و اگر دراین روز مراسم‌علم واچینی برپا نشد، سرخرمن علم را وا می‌چینند.

مقابل‌ایوان‌شرقی، تختی‌برای تعزیه‌خوانی ساخته ومسقف‌کرده‌اند. لبه‌های تخت، ده ستون‌چوبین لاچ‌لنگری‌است. دوراین‌تخت، هشت فیلپا نظیرفیلپاهای‌بقعه است وهیجده ستون چوبین درفواصل‌آنهاست. سقف این تخت واشان‌کشی وبام‌آن سفال‌سر است. گورستان نسبةً وسیعی اطراف بقعه است.

بقعهٔ آقا سید عبدالرضا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در کاچرای چهار ده لاهیجان ۱

بنای اصلی بقعه تقریباً چهارگوشه وابعاد آن ۵۵۲ X ۵۵۶ سانتیمتراست. چهار طرف آن ایوان است . عرض ایوانها ۲۲۰ سانتیمتراست. بقعه دارای سه در اصلی غربی وشمالی وجنوبی است که دراین ایوانها باز می‌شوند . ایوانها هریك دارای نه ستون چوبین‌چهارسوی ساده بدون سرستون می‌باشند . سقف ایوانها ، و سقف بقعه واشان‌کشی و لمبه‌کوبی است . لبه‌های ایوانها تکائل چوبی‌است. دو در ایوان شمالی وجنوبی تخته‌ای ساده ودر ایوان غربی مشبك است .

ضریح بقعه مشبك وچوبین است که درازای آن ۲۲۰ وپهنایش ۱۱۸ و بلندیش تاقاعدهٔ مثلث ساق،۱۴۵سانتیمتراست . طاق ضریح مشبك شیروانی شکل و ازدو طرف شیب دارد . اطراف بقعه محوطه‌ی باز وگشاده‌است . مصالح اصلی بنا آجر است .

بقعهٔ آقا سید ابراهیم
در دهکدهٔ نوبیجار لاهیجان

بنای اصلی بقعه ازآجروازخارج به‌ابعاد ۳۹۵ X ۳۲۰ سانتیمتراست . چهار طرف بنا، چهار ایوان‌ودرچهارگوشهٔ ایوانهاچهارجرز آجری‌است‌که میان‌هردوجرز، چهارستون چهارسوی قرار دارد . پاره‌ای ازستونها گرد است وتراش ندارد . عرض ایوان جنوبی ۲۱۰ و عرض ایوان غربی ۱۱۵ وعرض ایوانهای شمالی و شرقی ۱۳۵ سانتیمتر است . دراصلی ورودی بقعه شرقی است . لبهٔ بام دوپشته و بم سراسر بنا، سفالسر است . اخیراً سقف بقعه وایوانهارا لمبه‌کوبی کرده بودند.

مراسم علم‌بندی این بقعه روز سوم محرم و علم‌واچینی بیستم صفر باچهلم امام، برپا می‌شود. درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان کهنسال خوج وآزاد زیاد بود.

۱ ـ رابینو درکتاب گیلان خود ص ۳۳۴، ازاین بقعه نام‌برده واز بقعهٔ دیگری به‌نام سید رضا نیز یاد می‌کندکه نگارنده آن را نیافت .

بقعهٔ آقا سید علی بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ مو تار محلهٔ (= متعلق محله) نو بیجار لاهیجان

بنای اصلی بقعه آجری و از خارج به ابعاد ٥٦٤ × ٦٨٠ سانتیمتر است ، در سه جهت شمال و غرب وجنوب . ایوان دارد. عرض هریك از ایوانها ۲۸۰ سانتیمتر است. ایوان شمالی و غربی هریك هفت ستون چهارسو بسرستون و ایوان جنوبی شش ستون چهارسو باسرستون دارد . در اصلی بقعه جنوبی است .

صریحی مشبك چوبین درمیان بنای اصلی است که درازای آن ۲۳۰ و پهنایش ۱۵۵ و بلندیش ۱۷۲ سانتیمتر است .

بر دیوار خارجی بقعه نقاشیهـای مذهبی ، کار استاد آقـاجـان ولـد استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی است که مورخ به سال ۱۳۵۳ هجری قمری است. بر بالای دومجلس از این نقاشیها ، این عبارت دیده می‌شود :

« باعث و بانی این دومجلس مشهدی صفرعلی کدخدا ولد علی اکبر و کربلائی جعفر ولد اصغر متعلق محلهٔ . »

سقف بقعه واشان‌کشی و لمبه‌کوبی بادرزپوش است. سقف ایوانها واشان‌کشی و لمبه‌کوبی است .

درهای ورودی بقعه شمالی وجنوبی است .

بر لنگهٔ سمت راست در شمالی این عبارات حك شده است :

« خدای تعالی رحمت کند باعث و بانی را سنه ۱۲۲٤ . »

بر لنگهٔ سمت چپ همین در، چنین حك شده است:

« عمل میرزا حسن نجار ابـن مرحـوم میرزا محمد علی ساکن کوشال غفرالله لك و لوالدیك . »[1]

لبه‌های بنا دو پشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. علم‌بندی این بقعه روز اول محرم وعلم واچینی بیست وهشتم صفر است .

۱ـ ظاهراً : له ولوالدیه .

مسجدی ازطرف شرق متصل به‌بقعه است . درورودی ایـن مسجد از ایوان شمالی‌است. وسط این‌مسجد دوفیلپاست وطرفین فیلپ‌ها سه ستون چوبین‌است. سقف مسجد واشان‌کشی و لمبه‌کوبی است . در محوطهٔ بـاز اطراف بقعه ، درختان آزاد کهنسال است .

بقعهٔ آقا سید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لاکمه‌سر لاهیجان

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۵۶۵ × ۶۳۰ سانتیمتر است . درسه جهت شرقی و جنوبی و شمالی ، ایوان است . عرض ایوانهـای شرقی وجنوبی چهار متر و عرض ایـوان شمالـی ۳۱۰ سانتیمتر است . ایوان شرقی دارای سه جرز با هشت ستون چوبین سادهٔ چهـارسو با سرستون و ایـوان جنوبـی دارای دو جـرزوشش ستون چهارسوی ساده است‌که سه‌تای‌آنها سرستون دارد . ایوان شمالی دارای دوجرز و دوستون چوبین چهارسو باسرستون است .[1]

بقعه سه در ورودی به‌سه ایوان دارد ودر غربی به‌مسجدی که متصل به‌بنای بقعه است باز می‌شود . سقف بقعه وایوانها لمبه‌کوبی با درزپوش است وبام سراسر بنا، سفال‌سر است علمی قدیمی دراین‌بقعه بودکه برحاشیهٔ آن «صلوات‌کبیر» ودر وسط آن « الله محمد علی » مشبک‌کاری شده بود . دو طرف علـم دوازدهای خوش تراش بود.

مراسم علم بندی این بقعه روز سوم محرم ومراسم علم واچینی روز بیست و هشتم صفر برپا می‌شود .

بقعهٔ آقا سید مقصود بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در رعیت محلهٔ (= سادات محله) کاویهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهـار ضلعی وچهـار طرف آن ایوان است . سقف بقعه و

۱ــ جرزهای کنج ایوانها از دو طرف به حساب آمده است .

ایوانهـ واشان‌کشی و پل‌کوبی ، لبهٔ بام سه پشته وسراسر بام‌بنا ، سفال‌سر است .
ایوانها دارای ستونهای چوبین بـ-رستون است.

بقعهٔ آقا سید امیر کیا بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ شیرجوپشت [1] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه ازآجـر وملاط آن فرش وآهك وبه‌ابعـد ۶۵۰ X ۶۵۰ سانتیمتر است . صندوقی چوبین در وسط بناست کـه ضریحی مشبك چوبین پر کار بەدرازای ۲۹۱ وپهـنای ۱۸۰ وبلندی ۱۵٤ سانتیمتر آن را احاطه کـرده است . سقف این ضریح مشبك وبه‌شکل شیروانی‌است. بقعه دارای سه در اصلی شرقـی و شمالی وجنوبی‌است . درهای شمالی وشرقی ساده وجنوبی‌کنده‌کاری دارد . (عکس شمارهٔ ۱۵٦)

بردولنگهٔ سمت راست و چپ ، ایـن‌بیت برتنکه‌های بالا، باخط نسخ حك شده است .

« هیچ نگشاید زدرهای دگر آن در زتست
ربنـا افتح بیننا ذا انت خیـر الفاتحین »
(عکسهای شمارهٔ ۱۵۷ و ۱۵۸)

چهارطرف بقعه ایوان دارد. عرض ایوان جنوبی ۲٤٤ وایوان شمالی ۲۵۰و ایوان غربی ۲٤۲ وایوان شرقی ۳۰۰ سانتیمتر است . چهـار فیلپا جلو هرایوان است. پائین فیلپاه ، مربعی به‌ابعاد ۸۰ X ۸۰ سانتیمتر است ، قسمت وسط آنهـا مدور وقسمت بالای‌آنهـا نیز چهارگوشه است . (عکس شمارهٔ ۱۵۹) نقاشیهـای مذهبی بردیوار خارجی بقعه است و بـالای آنهـا آیـاتـی از کلام‌الله مجید نوشته شده است .

سقف ایوانها پل‌کوبی ، لبهٔ بام دوپشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است .

۱ــ شیرجوپشت : ده از دهستان رودبنه ، بخش مرکزی لاهیجان.(فرهنگ جغرافیائی ایران) این‌دهکده کنار بستر قدیمی سفیدرود است .

مسجدی نزدیك به‌ضلع جنوبی بقعه است .

سنگ مرمر تیره رنگ قدیمی درایوان شمالی بود کـه این‌عبارات بر آن حك بود :

« وفات مرحوم مشهدی خواجه محمد ولـد حاجی علی‌اکبر فی‌تاریخ دهم شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۲٤٦ .

پیدا چه گهر زقطرهٔ آب شدیم از دست اجل چه درّ نایاب شدیم

بودیم بخواب در شبستان عـدم بیدار شدیم وباز درخواب شدیم

نشانه‌هـا : مهـر ، تسبیح ، دوانگشتر، سجاده و زیر آنهـا گلدانـی باگل وبوته . »

بقعهٔ سید جلال‌الدین اشرف کوچك‌ابن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ بالارودپشت رودبنهٔ لاهیجان ۱

بنای اصلی‌بقعه چهارضلعی وضریحی‌چوبین مشبك میان‌آن‌است. چهارطرف آن ایـوان دارد . ایوانهـا دارای ستونهـای چـوبین چهـارسو و دو ستـون لاچلنگری مارپیچ وهفت وهشت است . ستونهای سه ایوان دارای سرستون است . درچهـار کنج ایوانهـا چهـار جرز آجری است . ایوان شرقی شش ستون بدون سرستون ، ایـوان شمالـی هفت ستون باپنج سرستون کـه یکی ازستونهـای آن لاچلنگری‌است . ایوان غربی شش ستون با چهارسرستون که یکی‌ازستونهای آن لاچلنگری‌است. ایوان جنوبی شش ستون دارد که چهـارتای آن دارای سرستون است . سقف بقعه لمبه‌کوبی وسقف ایوانهـا واشان‌کشی وپل‌کوبـی است. لبهٔ بـام دوپشته وسراسر بام‌بند، سفال‌سر است .

بقعه آقا سید موسی پسر موسی‌بن جعفر علیه‌السلام ۱ دردهکدهٔ بارگوسرای لاهیجان

ابعـاد بنای اصلـی بقعه ۶۲۰ × ۶۶۵سانتیمتراست . ضریحی مشبك چوبین

۱ ــ این دهکده کنار بستر قدیمی سفیدرود قرار دارد .

ظریف به‌درازای ۱۹۳ وپهنای ۱٤۳ وبلندی ۱٤۸ سانتیمتر دروسط بناست. طاق این ضریح مشبك وشیروانی شکل است. چهارطرف بنای بقعه ایوان است و چهار کنج ایوانها، چهار جرز است. هرایوان، هفت ستون چهارسو باسرستون دارد. سه در ورودی، در سه جهت شرقی و شمالی و جنوبی بـه ایوانهـا باز می‌شود. لبهٔ ایوانهـا دارای تکائل تخته‌ای ساده است. سقف بنای بقعه واشان‌کشی و پل‌کوبی است وواشانها برشیرسر متکی‌است. سقف ایوانها، واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش است. درایوانها نیز واشانها بر شیرسر اتکا دارند. لبهٔ بام چهارپشته و سراسر بام سفالسر است. برجدار داخلی و خارجی دیوارهـای بقعه، نقاشیهـای مذهبی است. بالای سر در ورودی جنوبی بقعه، این عبارات نوشته شده است:

«تعمیرات این بقعهٔ متبرکه ازبنیاد تااین مکان باعث وبانی‌آقا مشهدی علی‌اکبر کدخدا ولد مرحمت پناه‌آقا مشهدی جبار بامشهدی صفرعلی ولد مرحوم مشهدی نظر محمد ساکنان بارگوسرا عمل استاد آقاجان ولـد مرحمت پناه استاد غلامحسین نقاش ساکن لاهیجان بتاریخ شهـر محرم الحرام هذالسنه ۱۳۳۰.»

علم‌بندی این بقعه روز سوم محرم ومراسم علم واچینی عصر روز دهم محرم برپا می‌شود. اطراف بقعه محوطه‌ای وسیع وباز بود.

بقعهٔ آقا سید حسن
در دهکدهٔ سغل‌بنه ۱ لاهیجان

بنای اصلی بقعه آجـری و به‌درازای ٤۸۷ و پهـنای ۳۸۰ سانتیمتر است. ضریحی چوبین مشبك وسط بناست. چهـار طرف بقعه ایوان دارد. در هرایوان شش ستون چهـارسو باسرستون است. لبهٔ ایوان تکائل چوبـی ساده دارد. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. واشانها متکی برشیرسر هستند. لبهٔ بام سه‌پشته وبام سفالسر است. برجـدار داخلی وخارجی دیوارهای بقعه نقاشیهـای

۱ــ بفتح سین وغین‌وباء.

مذهبی‌است ودرحاشیهٔ بالا ، اشعاری ازهفت‌بند محتشم کاشانی نوشته شده است .

بقعهٔ فوشا (= بقعهٔ سید ابوجعفر) بن امام رضا علیه‌السلام

درسادات محلهٔ بارکوسرای لاهیجان

بنای اصلی بقعه ۴۷۰ × ۵۱۶ سانتیمتر است . صندوقی سادهٔ چوبین وسط بناست . دو پنجرهٔ مشبك چوبین دربناست . چهـارطـرف بقعه ایوان دارد. دوکنج ایوان شرقی، دوجرز آجری است ومیان آنها پنج ستون چهارسو باسر ستون است . ایوانهای شمالی وجنوبی هریك شش‌ستون وایوان غربی‌پنج‌ستون‌چهارسوی‌چوبین دارد . بقعه دارای دو در ورودی است . در جنوبی چوبین وساده است ودر شرقی ظریف ودارای کنده‌کاریهای زیر است .

کنده‌کاریهای لنگهٔ سمت راست :

بربائوی سمت چپ :

« الله لااله الا هوالحی القیوم ــ تا ــ یشفع عنده الاباذنه یعلم . »[۱]

برپاسار پایین همین لنگه :

« مابین ایدیهم وماخلفهم . »[۲]

بربائوی سمت راست همین لنگه :

« ولایحیطون بشیئ من علمه الا بماشاء ــ تا ــ ولا یؤده حفظهما و هوالعلی العظیم . »[۳]

برپاسار بالای همین لنگه:

« لااکراه فی‌الدین . »[۴]

برتنکهٔ بالای همین لنگه:

« الله محمد علی فطمه حسن حسین یاقاضی الحاجات . »

برپاسار دوم بالای همین لنگه :

۱ــ سورة البقره ۲، قسمتی‌ازآیهٔ :۲۶۱. ۲ــ سورة البقره۲، قسمتی‌ازآیهٔ:۲۶۱.

۳ ــ سورة البقره ۲ ، دنبالهٔ آیهٔ : ۲۶۱. ۴ــ سورة البقره ۲، قسمتی‌ازآیهٔ : ۲۶۲.

« کتبه کمترین بخشعلی طالقانی المسکن سوهانی[1] فی‌سنة ۱۲۶۵ .»

برپاسار دوم پایین همین لنگه :

« این راکند اوستاد امیر بن استاد .... المسکنی ۱۲۶۵ . »

کنده‌کاریهای لنگهٔ سمت چپ .

بر باهوی سمت چپ :

« من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت ــ تا ــ لاانفصام لها والله سمیع علیم . »[2]

برپاسار پایین همین لنگه :

مقداری ازحروف تراشیده شده بود و کلمات آن خوانده نمی‌شد .

بر باهوی سمت راست همین لنگه :

« من الظلمات الی‌النور والذین کفروا ــ تا ــ فیها خالدون. »[3]

برپاسار بالای همین لنگه .

مقداری ازحروف آن تراشیده شد بود و کلمات آن خوانده نمی‌شد .

بر تنکهٔ بالای همین لنگه :

« یاعلی مددی ازتو شفاعت میخواهم درروز قیمت . »

برپاسار دوم بالای همین لنگه :

« باعث وبانی این آستانهٔ متبرکه مشهدی علی‌عسکرناز لوئیه . »

برپسار دوم پایین همین لنگه :

یادافع البلیات یارفیع الدرجات مددی سنه ۱۲۶۵ . »

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی نادرزپوش است واشانها برشیر ـ سر متکی‌است . لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بناء سفال‌سر است.

---

۱ ــ سوهان ازدهکده‌های طالقان است . ۲ ــ سورة البقره ۲، قسمتی ازآیهٔ : ۲۶۲ . ۳ ــ سورة البقره ۲ ، قسمتی‌ازآیهٔ : ۲۶۳.

بقعهٔ آقا سید محمدبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ شه‌شال [1] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهارضلعی و آجری است . چهارطرف ایوان دارد . ایوانها دارای ستونهای چهارسوی چوبین است . بنای اصلی دارای یك در ورودی است. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است وسراسربام سفال‌سر است .

درمحل معروف بود که دهکدهٔ شه شال معمور و آبادان بوده است . پس از کشته شدن سید محمد به‌دست اهالی و به‌خاك سپردن دراین دهکده ، این آبادی بزرگ رو به‌ویرانی‌نهاد.

بقعهٔ آقا سید محمد
در دهکدهٔ فشوپشتهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۴۸۰ × ۵۴۰ سانتیمتر است که از آجر بنا شده است . ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۲۲۰ وپهنای ۱۳۲ و بلندی ۱۴۶ سانتیمتر که طاق آن صاف است ، دروسط بناست . چهار طرف بقعه ایوان دارد . چهارکنج ایوانها، چهارجرزآجری است وفواصل آنها پنج ستون چهارسوی ساده باسرستون است . لبهٔ ایوانها تکائل تخته‌ای است . بقعه دارای دو در شرقی و جنوبی است .

برتنکه‌های‌بالای لنگه‌های راست وچپ درشرقی‌این‌بیت حك شده‌است:

«هیچ نگشاید زدرهای دگر آن درزتست

ربنا افتح بيننا ذا انت خير الفاتحين»

(عکس شمارهٔ ۱۶۰)

برجدارهای داخلی وخارجی دیوارهای بقعه ، نقاشیهای مذهبی است . برحواشی نقاشیهای داخل ، ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است . نقاشیها مورخ ۱۳۲۵ قمری است ونام نقاش درآنها پیدا نشد .

---

۱ ــ بکسرشین اول.

سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی و واشانها متکی برشیرسراست. لبهٔ بام چهارپشته و بام سراسر بنا ، سفالسر است .

بقعهٔ آقا سید رضا کیا بن امام علی النقی علیه‌السلام در دهکدهٔ ناصر کیاده رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه از خارج ۱۳٫۰۸ × ۱۱٫۲۵ متر است . ضریحی مشبك چوبین به‌درازای ۲۶۸ وپهنای ۱۸۶ وبلندی ۱۴۶ سانتیمتر دروسط بناست . طاق آن مشبك وشیروانی شکل است . درازای داخلی بقعه ۱۰٫۵ × ۸ متر است . هرضلع بقعه دارای دوپنجره است ومحرابی داخل بقعه دیده می‌شود. بقعه دارای دو در ورودی شرقی و غربی است .

بر در گنجه‌ای که داخل بقعه بود ، تکه‌های کنده‌کاری وکتیبهٔ دری را نصب کرده بودند . این کتیبه باخط خوش ثلث ومطالب آن ازاین قراراست :

بر لنگهٔ سمت راست :

« دیده روشن از سجود خاك این درشد مرا
شکرها گویم که این دولت میسر شد مرا »
(عکس شمارهٔ ۱۶۱)

بر لنگهٔ سمت چپ :   ۷۷۹

« بردرت جاکنند اهل نجات   رفع الله قدرهم درجات »
(عکس شمارهٔ ۱۶۲)

داخل بقعه ، دوفیلپای هشت ضلعی است‌که اضلاع آن دوبه‌دو برابر است . درفواصل فیلپاها سه‌ستون چوبین چهارسوی پخ‌زده‌است که حمالهای سقف برآنها استوار است وواشانها برحمالها متکی است . سقف بقعه واشان‌کشی وپل‌کوبی بادرزپوش است .

در داخل بقعه بردیوار شرقی این‌عبارات خوانده می‌شد :

« عمل محمد حسین بنّا لنگرودی ۱۳۳۶ . »

ایوان بقعه شرقی است ودو جرز آجری مربـع دردو کنج آن است . طاق ایوان واشانکشی وپلکوبی بادرزپوش است . واشانهای لبهٔ ایوان برسرنال چهار- سوئی متکی است . لبهٔ بـام بنا سه‌پشته ، وسراسر بـام سفالسر است . جلو ایوان حفاظی ازتخته است که دری ورودی دارد .

بر کنج شمالی این ایوان این‌عبارات دیده می‌شود :

« تاریخ تعمیر اول شوال روز پنجشنبه ۱۳۳٦ شمسی عمل استاد محمد حسین بنّا انگرودی . »

درمحوطهٔ بازاطراف بقعه، یك درخت آزادکهنسال به‌محیط ٤۷۰ سانتیمتر است. درخت انجیری درارتفاع سه متری ازمیان‌آن روئیده ودونوع شاخ وبرگ ازیك تنهٔ درخت دیده می‌شود .

بقعهٔ آقا سید علی‌بن سید خرم‌کیا در دهکدهٔ بالاچاف[۱] رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است . سه طرف شمالی و شرقی وجنوبی ایوان دارد. بنای اصلی دارای دو در ورودی است. ضریحی‌چوبین مشبك در وسط بناست. سقف بقعه واشانکشی ولمبه‌کـوبی بادرزپوش است . ایوانهـا دارای ستون چوبین چهارسوی ساده است . سقف ایوانهـا واشانکشی ولمبه‌کوبی بادرزپوش است . بام سراسربنا، سفالسر است . درمحوطهٔ باز اطراف بنا یك درخت آزادکهنسال دیده می‌شود .

بقعهٔ آقا سید یحیی ازنوادگان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در پائین‌چاف رودبنهٔ لاهیجان

بنای اصلی بقعه چهارضلعی است وچهـار در ورودی درچهـار طرف است . ضریحی مشبك چوبین دروسط بناست . چهـار طرف بقعه ایوان دارد . چهـار کنج

۱ـ چاف : ده ازدهستان رودبنهٔ شهرستان لاهیجان . (فرهنگ جغرافیائی ایران)

ایوانها چهار جرز آجری است . هر ایوان ده ستون چوبین چهارسو دارد که بر دو صرف ستونها ناوهئی در امتداد بندی ستونها، جهت درهای ارسی، درآورده‌اند . سقف بنا وایوانها واشان‌کشی ولمه‌کوبی بادرزپوش است . بام سراسر بنا، سفال‌سر است .

راه شاه‌عباس از لاهیجان به‌رشت و دیلمان

راه‌ازلاهیجان به‌پردسر(=خشت‌پل)واز پردسروارد باغ شیخ‌مرتضی‌می‌شود که در دهنهٔ کیاجوب است ، جاده دوباره به‌رودخانهٔ لاهیجان می‌رسد . از رودخانه کنارنهر کیاجوب درمسیر راه قدیمی لاهیجان بدشکاکم پیش می‌رود درشکاکم ازروی خشت‌پل موجود می‌گذرد ، سپس به‌گلرودبار واز آنجا بدسیاهکل می‌رسد . درسیاهکل راه شاه عباسی دوقسمت می‌شود یکشعبهٔ آن به‌دیلمان می‌رود وازتی‌تی کاروانسرا وکاروانسرای سرداب که هردو شاه‌عباسی‌است می‌گذرد و به‌دیلمان می‌رسد. شعبهٔ دیگر ازسیاهکل به‌پاشاکی (= پس کیاده) وازآنجا به‌رشت می‌رود.

باقی بناهاو آثار تاریخی بلوک چهار ده و رود بنهٔ لاهیجان

۱ ـ جاده بالای کوه آهندان که به‌توندی ختم می‌شود .

۲ ـ درلیالستان آثاری اززمان شاه‌عباس بر پوزهٔ کوه دیده می‌شود.

۳ ـ در زربوته که ازراه فودره می‌رود، سنگهای تراشیده دیده می‌شود.

٤ ـ بقعهٔ نوبیجار دست چپ جادهٔ لاهیجان بالنگرود .

۵ ـ بقعهٔ حاجی سلیم محله (= مسلیم‌محله) نزدیك بەلنگرود.

٦ ـ بقعهٔ لیالمان .

۷ ـ بقعهٔ داخل درده‌کدهٔ داخل شمال لاهیجان.

۸ ـ بقعهٔ پائین محلهٔ درگاه در شمال لاهیجان.

۹ ـ پلی نزدیك دهکدهٔ پینچا .

۱۰ ـ بقعهٔ آقا سید مرتضی دردهکدهٔ جوپیش لفمجان .

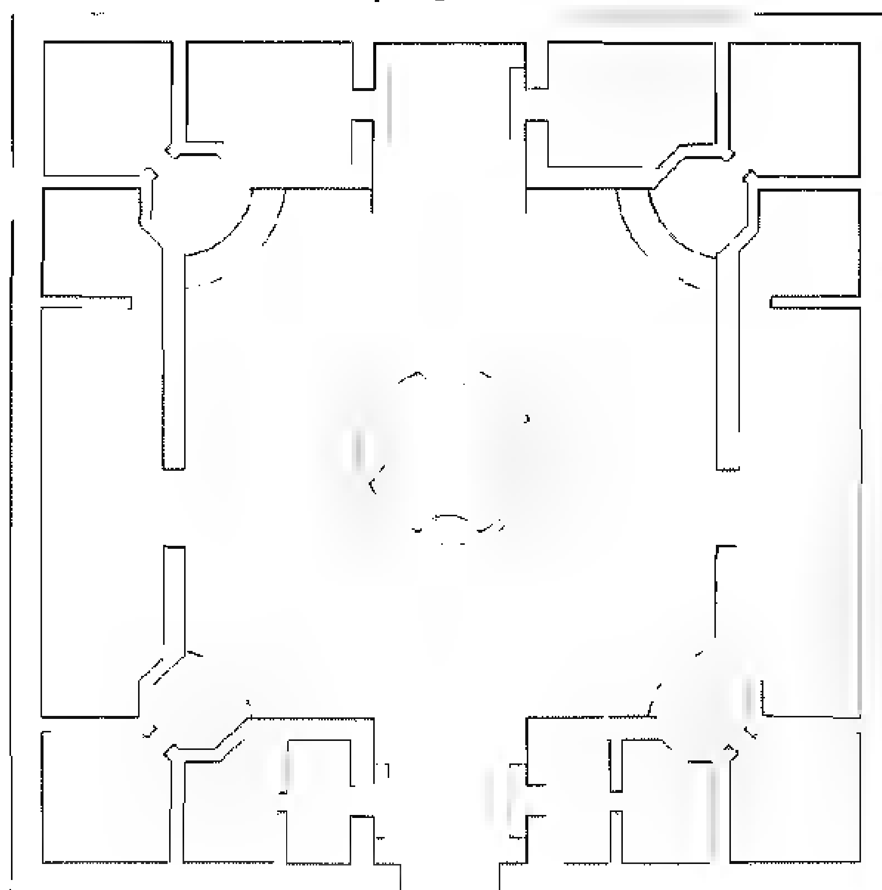
۱۱ ـ بقعهٔ آقا سید ابوالقاسم درمیان محلهٔ رودبنه .

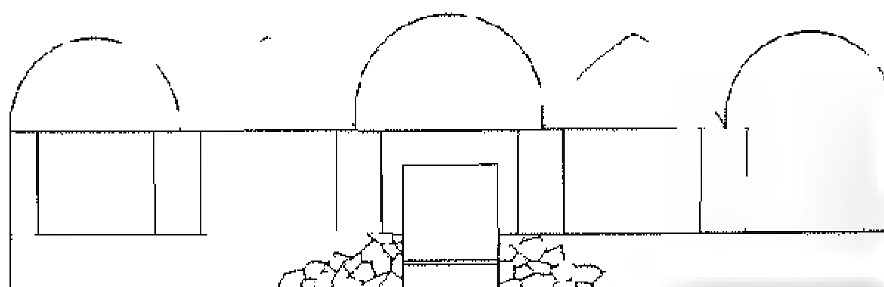
۱۲ ـ بقعهٔ متعلق محلهٔ ارباستان .

۱۳ ـ بقعهٔ آقا شیخ مراد دردهکدهٔ پایین محلهٔ پاپکیاده .

۱۴ ـ بقعهٔ بالا محلهٔ پاپکیاده .

۱۵ ـ بقعهٔ خالکیاسر .





تی ی کاروسرا

بخش نوزدهم

۱ - جغرافیای تاریخی رانکوه

بخش رانکوه آخرین بخش شرقی گیلان است. ازشمال به‌دریای خزر، از شرق به‌تنکابن مازندران، ازجنوب به‌رودبار الموت ورودبارحسینقلی‌خانی یارودبار محمد زمان خانی وازغرب به‌دیلمان ولاهیجان محدود می‌شود. حداصلی رانکوه درمشرق دریاسر بوده‌است، اما درحدود صد سال است که لنگرود ودهکده‌های اطراف آن، ازلاهیجان جدا شده وبه‌رانکوه ملحق شده است. ازآن وقت تاامروز این بخش به‌نام رانکوه ولنگرود خوانده می‌شود. پهنای آن ازکناره‌های لنگرود تارود سورخانی[1] که مازندران‌را ازگیلان جدا می‌کند، چهل وچهارکیلومترودرازای آن ازمصب پلورود تا گردنهٔ گون‌کل[2]، پنجاه وسه کیلومتر است. زمین هموار و دشت آن، ازپای ارتفاعات تاکنارهٔ دریای خزر، در امتداد املش، نوزده تابیست کیلومتر ودرنزدیکی‌سمان مازندران به‌سه کیلومترمی‌رسد و اراضی کوهستانی آن شامل اشکور وسمام وشاهجان‌است.

گذشتهٔ رانکوه زیاد برما روشن نیست. پاره‌ای ازنویسندگان که رابینو نیز ازآنهاست رانکوه را همان جبال «رویَنج» جغرافی‌نویسان قدیم دانسته‌اند که در شمال ری بوده است.

۱ــ بضم سین، به‌معنی سرخ‌چشمه است.   ۲ــ بفتح گاف وواو وکسرنون وضم کاف.

ابن اسفندیار می‌نویسد که رانکوه قسمتی از طبرستان بود که از غرب تملاط می‌رسید. واشکور را مثل اینکه جزء کوهستان دیلمان به‌حساب آورده است.[۱]

کوتم[۲] و هوسمــ سابقاً مرکز مهم واصلی رانکوه شهرکوچك کوتم بوده‌است. همین نام است که جغرافی نویسان هوسم ضبط کرده‌اند. مقدسی درسال ۳۷۵ ﻫ. ق. دربارهٔ این شهر می‌نویسد: بازارش معمور است و مسجد جمع آن نزدیك خانهٔ سلطان است. رودخانه‌ای ازمیان شهر می‌گذرد وجسری بر آن تعبیه کرده‌اند. دراین وقت داعی برآنجا حکومت داشت.[۳] ایـن شخص همان داعی محمد [بن] حسن‌ـ الاطروش است که درنیمهٔ دوم قرن سوم، سلطان مستقل این صفحات بود. ابوالفدا در۷۲۱ ﻫ. ق. باغهای این شهررا ستوده‌است.[۴] حمدالله مستوفی درسال ۷٤۰ ﻫ. ق. می‌نویسد «کوتم از اقلیم چهارم است ودرکنار دریا افتاده‌است وبندرگه کشتی‌که از گورگان وطبرستان وشیروان [آید] ازآنجا بیرون می‌آید وحاصل عظیم دارد.»[۵]

اسپهبد حسام‌الدوله شهریار (۵۰۲ ـ ٤٦٦ ﻫ. ق.) پادشاه مازندران پس از آنکه به‌خاطر پسرش ـ نجم‌الدوله قارن (۵۱۰ ـ ۵۰۲ ﻫ. ق.) ازسلطنت کناره‌کرد درهوسم انزوا اختیار کرد وساکنان ازجیل و دیلم به‌دور اوگرد آمدند.[۶] پس از این، شهر هوسم رو به‌خرابی رفتـه است. زیرا میرظهیرالدین می‌نویسد کـه سید رضی‌کیا (۸۲۹ــ ۷۸۹ﻫ ق.) سلطان‌لاهیجان، این‌شهررا ازنوبساخت و دو نهر برای آوردن آب به‌شهر ودهکده‌های کنار ساحل ازرودخانهٔ پلورود[۷] جدا کرد. یکی‌از این‌نهرها ازحاشیهٔ تپه‌ها می‌گذشت وداخل سدی‌که دردره‌ای بسته بودند می‌ریخت. دیگری به‌کاورود می‌ریخت وتا ولیسه امتداد می‌یافت. سید رضی‌کیا، هوسم را که بعدها رودسر نامیده شد تعمیرکرد زیرا «ازآن ایام‌که هوسم ویران گشته بودکسی چنانکه شرط است، به‌عمارت آن قیام ننمود واکثر اهالی آن ملك را خط ترخانی

۱ــ تاریخ طبرستان، ص۵۶ و ۷۴. ۲ــ بضم تاء. ۳ــ احسن‌التقاسیم، ص۳۶۰.
۴ــ تقویم‌البلدان، ص۴۲۸ و ۴۲۹. ۵ــ نزهة‌القلوب، ص۱۶۳. ۶ــ گیلان‌درا بینو، ص ۳۳۵ و ۳۳۶. ۷ ــ بضم پ و لام.

دادند وازتکالیف دیوانی محفوظ ومصون گردانیده، بجز آنك خرج دستوری مقرری می‌دادند وباهیچ کس غیری راکاری نبود.. بعدازآن موضعی را قریب به کنارگوارود انتخاب کرده، مسجدجامع احداث فرمودند وبه درمسجد، میدان بزرگ بساختند و به طرف شرقی آن میدان بازار ودکان بنیاد کردندوبه درمسجدحمام بنیادکرده، تمام ساختند وبعدازآن طرف جنوبی آن میدان حرم‌سرای را احداث نموده، قصرمرغوبی درآنجاانجام کردندوطویلهٔ اسبان وموضع ومسکن مترددان وصفهٔ اهل دیوان رابه‌سعی تمام به‌اتمام رسانیدند ورودخانه‌ای که ازآب فلام‌رود(=پلورود) به‌نیم فرسخی شهر جاری بود، بفرمود به‌چندقدم بالاتر آن رودخانه چنان‌جوی کنندکه آب آن به‌پهلوی آن حرم‌سرا به‌طرف جنوبی جاری شد وآن نهررا شیرارود(=شیررود) می‌گویند و اکنون (درزمان میرظهیرالدین) نیزهمچنان جاری است وبه‌رودخانهٔ گوارود منضم گشته به‌دریا می‌رسد. وازآن جوی دونوع فیده تصورکرده بودند: یکی آنك مردم شهر رودسر را ازآن آب منفعتی باشد. دوم آنك چون به‌آب گوارود ملحق گردد جهت کشتی بانان، کشتیهای بزرگ‌را آسان‌تر باشدکه عبور به‌دریا نمایند واسطلخی عظیم درپایان قریهٔ کله‌دره بنیاد کرده، به‌اندك مدت تمام فرمودند.»[۱]

فریزر درهجدهم ماه مه ۱۸۲۲ (۱۲۳۸ ه.ق.) ازرودسر گذشته است ودربارهٔ این شهر می‌نویسد «ازنورود(= کیارود)که ازوسط آبادی می‌گذردگذشتیم. فرازو نشیب پل این رودخانه بقدری زیاد بود که یکی ازاسبهای ما هنگام بالارفتن برزمین افتاد. پس ازطی سه میل به‌دهکدهٔ زموجان رسیدیم در این دهکده رودی آرام بودکه پلی با طاقی جناقی بسیار تیز داشت.»[۲]

خچکو جمعیت رودسر را درسال ۱۲۵۵ ه. ق. (=۱۸۳۹ میلادی) چهارصد خانواده نوشته است و این عدد صحیح به‌نظر نمی‌رسد زیرا مکنزی که بیست سال پس‌از این تاریخ شهررا دیده است می‌نویسد که رودسر صدو ده دکان، دومسجد، پنج امامزاده، چهار تکیه وصدوبیست درخانه وچهارصد تن سکنه دارد.

۱ــ گیلان میرظهیرالدین، ص۱۴۳ و ۱۴۴. ۲ــ سفرنامهٔ فریزر، ص ۱۱۷.

«ابت» درسال ۱۲۵۹ ه.ق. درسفرنامهٔ خود ازرودسر چنین یاد کرده‌است «در هشت میلی لنگرود به‌دهکدهٔ رودسر رسیدیم. رودخانهٔ کیارود میان این دهکده است ویلی یك دهنه باشیبهای تند دارد. این دهکده ملك شخصی حاکم لاهیجان است. جمعیت آن به‌صد خانوار می‌رسد. بازار کوچکی دارد ودریك میل ونیمی ساحل دریاست. از رودسر که بیرون آمدیم، درفاصلهٔ کمی سنگهای قبور قدیمی بانوشته‌های عربی بود. داخل این سنگها خالی بود. شاید برای آسانی حمل ونقل به‌این‌کار پرداخته‌اند.[۱]

مکنزی درسال ۱۲۷۵ ه. ق. دربارهٔ رودسر چنین نوشته است «نزدیك رودسر راه بهترشد واز روی پل آجری بسیاربلندی گذشتیم. این‌پل دودهانه دارد ولی‌ابت یك دهانه یاد می‌کند. روز بازار رودسر روز یکشنبه است. رودسردارای دومسجد، دوحمام، چهار تکیه وپنج امامزاده است. نزدیك خانهٔ ما مقبره‌ای خرابه ازقدیم الایام باقی مانده بودکه بسیار زیبا بود. درفضای اطراف آن سی وسه اصله درخت آزاد است. ازرودسر به سیاهکله‌رود رفتیم. دو میل ونیمی خارج رودسر قبرستانی است‌که ملاامیره نامیده می‌شود. سنگهائی‌صندوقی شکل دراین‌قبرستان است که نوشته‌های عربی داشت ومن نتوانستم آنهــا را بخوانم. بازار رودسر یك میل ازدریا فاصله دارد. رودسر جزء رانکوه است ولی ملکیت آن متعلق به‌حاکم لاهیجان بود.»[۲]

ملگونوف درذیل‌فصلی‌که دربارهٔ ولایت‌گیلان‌نوشته‌است، به‌بلوك ومحالات‌و حاکم نشینهای گیلان می‌پردازد و دربارهٔ تقسیمات شرقی گیلان چنین می‌نویسد:

«ولایت لاهجان، مجاور است با مازندران یا تنکابن و سخت‌سر، درشرقی آن رود سفید تمیشه، درغربی سفیدرود و شیم‌رود و لاله‌رود نیز آنجاست. شهر لاهجان بیست ورستی دریاست.

بلوك لنگرود، درشرقی‌لاهجان است بارودخانه‌های شلمان و رودسر.

۱ـ سفرنامهٔ ابت، ص۲۸.　　۲ـ سفرنامهٔ مکنزی، ص۱۳و۱۴

محال رودسر، ازشرقی وشمالی لنگرود است تا شرقی پلورود .

بلوك رانکوه ، درشرقی رودسر است .[۱]

رودسردرسی وهفت درجه وشانزده دقیقه عرض‌شمالی وپنجاه درجه وچهارده دقیقه طول شرقی واقع است . فاصلهٔ آن از لنگرود، سیزده کیلومتر وتاآب گرم سختر (= رامسر) چهـل وسه کیلومتر راه است . شامل دومحله‌بـه‌نام : رودسرو سرپل است. در رودسرمحله پلی قدیمی برروی رودخانهٔ گواروداست ونزدیك آن مسجدی وبازاری بزرگ به‌شکل کاروانسرائی‌که چهار در دارد، بنا شده‌است .[۲]

محلهٔ سرپل، برکنارهٔ راست شیررود بنا شده است . درزمان رابینو بازاری داشته‌که ازبازار رودسر چهارصد وپنجاه مترفاصله داشته است. مردم ازپلی چوبین بدان طرف رود می‌روند .

تمیجان

تمیجان پس‌ازهوسم مرکزمهم و اصلی رانکوه شد. تمیجان یاتیمجن درسال ۷۰۶ه.ق.به‌دست‌امیره محمدبود واو درآنجا حکومت داشت. سربازان اودرمقابل اولجایتو یکی‌دوبار ایستادگی کردند ولی‌درآخر امیره محمد تسلیم‌اولجایتو شد.

درسال ۸۲۰ سید رضی ـ پسر وجانشین سید علی‌کیا ـ سلطان بیه‌پیش شد . درتمیجان قصری عالی ازآجر وساروج ساخت‌که درسال ۸۹۰ ه. ق. زمین لرزه‌ای آن‌را خراب کرد. سراهائی برای پذیرائی سفراومهمانان ، طویله‌هائی‌ازسنگ‌و گل وآجر بابامهائی سفالین ساخته بود .

در گوراب‌بـالا مسجدی زیبا ساخت وتیرها وستونهای آن را ازصنوبرهائی (کاجهائی)که درسیجران (= سجیران امروزی) بودند بساخت . بـازاری تـازه پایین‌تر از بازار اولی ساخت وگوراب سفلی‌نـامید . بـازارنو برساحل ولیسارود

۱ـ نسخهٔ عکسی سفرنامهٔ مازندران ، ص ۹۴ ، فیلم شمارهٔ ۱۶۸۸ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران. ۲ـ گیلان‌رابینو،ص ۳۳۷.

(= ولیسه رود) بود وامر کرد که بازرگانان تمیجان، مال‌التجارهٔ خود را بدانجا نقل کنند.[1] بازرگانان ازمکان جدید و ترک مقام قدیم آزرده خاطر بودند نقدینه‌ای دادند و اجازهٔ بازگشت گرفتند.

تمیجان به‌نام رانکوه یا کوراب رانکوه یا شاهان‌کوراب معروف بوده‌است.[2] این شهر درسالهای ۹۰۸ و ۹۱۰ و ۹۱٤ به‌دست سربازان حسام‌الدین فومنی غارت شد. بسقوط سلسلهٔ سلاطین امیرکیا درسال ۱۰۰۰ ه. ق.، شهر تمیجان رو به‌خرابی رفت و دیگر مورخان نامی از آن به‌میان نیاوردند.

فریزر فاصلهٔ میان تمیجان و رودسر را پراز درختان جنگلی دیده ومناظر آن‌را ستوده است و می‌نویسد که شهرواطراف آن را سیلاب رودخانه، بسیرخراب کرده. پلی قدیمی‌که میان آن زیاد برجسته است، راه عبور ناهمواری برای مسافران است. سپس ذکری از بازار آن می‌کند.

بازاری راکه او یادکرده است دیگر اثری از آن باقی نیست. تمیجان در چهار یاپنج کیلومتری رودسر وسی‌وپنج کیلومتری لاهیجان است.[3]

درسال ۱۲۵۵ ه. ق. (=۱۸۳۹ میلادی)، خچکو صوفیان را مرکز اصلی و مهم رانکوه می‌داند. پس ازآنکه لنگرود به رانکوه ملحق شد. مرکزاصلی‌ومهم رانکوه شهرلنگرود شده است.[4]

۲- جغرافیای تاریخی لنگرود

نام لنگرود نخستین بار درسال ۵۱۲ ه. ق. دیده می‌شود. دراین سال، پس از مرگ سلطان محمدبن ملکشاه بن‌الب‌ارسلان،[5] فرامرز بن مرداشاه‌لنگرودی،

۱- گیلان رابینو، ص۳۳۹. تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۴۰ و۱۴۱. ۲- مصر رانکوه و سرهسران درکنارهٔ غربی‌شاهان‌کوراب و برساحل شرقی ولیسارود بوده است.

۳- گیلان رابینو، ص۳۴۰. ۴- گیلان رابینو، ص۳۴۱. ۵- دوران حکومت سلطان محمد از ۲۳ جمادی الاولی ۴۹۸ تا ۲۴ ذی‌الحجه ۵۱۱ ه. ق. بود.

از زندان بیرون آمد و باعلاءالدوله علی ـ شاه مازندران ـ از اصفهان به طبرستان و از آنجا به لنگرود آمد.

درحدود سال ۷۹۰ هـ . ق. که میان پسران سید علی کیا ـ سید حسین کیا و سید رضی کیا وسید محمدکیا ـ برسر پادشاهی بیه‌پیش نزاع درگرفت، سید حسین کیا از برادران خود شکست خورد وبه قولی سه‌سال وبه‌روایتی پنج سال درزندان دو برادر دیگرماند. سپس او را رهانده، املاکی چند به‌او دادند تاسرگرم باشد. سیدظهیرالدین مرعشی دراین‌باره چنین می‌نویسد:

«چون ازحبس کارکیا سیدحسین کیا سه‌سال یاپنج سال والعلم عندالله بگذشت و درملک قراری پدیدآمد، او را خلاص دادند وبه‌انواع، نصایح گفتند وپیشیجا را بدومسلم داشتند. چون شش ماه‌کمابیش ازآن بگذشت، سید حسین کیا توقع نمود که اورا به‌لاهیجان جای بدهند تا به‌عبادت حق‌تعالی مشغول گردم‌که درپیشیجا بودن نمی‌توانم. برموجب ارادت او درلاهیجان موطن ومسکن‌که خاطرخواه بود، تعیین کردند ودر شهر وبازار وقراء هرجا نصیبی افراز نموده بدو دادند. ازآن جمله به‌کنار سفیدرود قریب بفرضهٔ لنگرود، قریه‌ای‌که موصوف وموسوم است براه‌پشته بدو بخشیدند. وآن قریه را اراضی غامربیش از عامر بود وسبب‌خراب بودن آن مقام قلت آب بود که جهت مزارع برنجار وفا نمی‌کرد. سیدحسین کیا سعی بسیار نمود وآبگیری وسطلی[1] در آن مقام احداث فرمود. چنانکه تمامی خرابیهای قریه برآن آب آبدان ومعمور گشت. والحاله هذه عمران آن‌مواضع ازآن برکه وآبگیراست.»[2]

در دوران حکومت سلجوقیان و خوارزمشاهیان، لنگرود جزء سرزمین بیه‌پیش به‌حساب می‌آمد و به‌دست سادات کیائی اداره می‌شد.

۱ـ بفتح سین و طاء به‌معنی استخر است. ظاهراً این کلمه را باید با ته نوشت.

۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص ۱۱۸. درزمان سیدظهیرالدین مرعشی آبادانی آن مواضع ازآن استخر بود و امروز نیزچنین است.

در زمان صفویان خصوصاً دوران حکومت شاه‌عباس‌اول، به‌نام لنگرود زیاد برمی‌خوریم. از آن جمله درمورد جنگ فرهادخان ــ سردارلشکریان شاه‌عباس ــ باخان احمدخان است. صاحب تاریخ عالم‌آرای عباسی دربارهٔ این جنگ چنین نوشته است:

«خان‌احمد، بعداز رفتن لشکریان، از نقود و جواهر واسباب خزاین و طلاآلات ونقره آلات، آنچه دست مکنتش بآن می‌رسید، فراهم آورده، بجانب لنگرود و رودسر فرستاد که درکشتی نهاده وآمادهٔ فرار باشد ومخدرات حرم را مصحوب‌کیا فریدون که از امرای‌معتبرگیلان وسالار حرم بود، ازلاهیجان‌بیرون فرستاد وخود منتظر بودکه ازپردهٔ غیب چه‌صورت روی نماید»[1]

شاه عباس که مادرش از سادات مرعشی مازندران بود، به صفحات ساحلی دریای خزر علاقهٔ فراوان داشت واغلب برای شکار زنگل به‌صفحات گیلان که مرکز شکارخوك بود می‌آمد. صاحب تاریخ عالم‌آرا دراین باره مطالب زیر را نوشته است:

«چند روزی هوای سیردریا کنار ونشط شکارخوك درخاطر همایون جای گرفته. درجنگل گیلان محلی است‌که خوك بسیار می‌باشد و همیشه حکام گیلان درفصل بهار، به‌شکار آن‌کوهسار رفته، خوك بسیار صید می‌نمایند وبه‌شکار زنگل اشتهار دارد و فی‌الواقع تماشای غریبی است.

راقم حروف درصیدگاه درملازمت اشرف بود وملاحظه نمودکه حضرت‌اعلی ده پانزده خوك بزرگ قوی هیکل‌که هریك برمثال گاوی بود، به‌نوك ناوك‌دلدوز شکار فرمودند.»[2]

هنگامی‌که افغانان درمرکزایران حکومت می‌کردند، خاك گیلان راروسها اشغال کردند، ولی نادرایشان را بیرون راند.

درزمان سلطنت نادرشاه، لنگرود اهمیتی پیدا کرد ومرکز نیروی‌دریائی

۱ــ عالم‌آرا، ج ۲، ص۴۵۰. ۲ــ عالم‌آرا، ج ۲، ص ۴۹۲.

شمال شد . سرپرسی سایکس - مؤلف تاریخ ایران - دراین باره چنین می نویسد :

«نادرشاه نخستین پادشاه ایران است که ارزش نیروی دریائی را درك نمود و از این حیث شایستهٔ احترام است . دریاسالار یا دریابیگی او بااینکه وقتی که این شغل را به‌عهده گرفت ، هیچ کشتی ندیده بود ، ازسیاست دریداری نادرپشتیبانی می‌کرد . درژانویهٔ سال ۱۷۴۳ میلادی ، جن التن[۱] به‌ریاست کل کشتی سازی تعیین شد و به‌لقب «جمال بك» مفتخر گردید.» اینك دنبالهٔ جریان کشتی‌سازی جان‌التن‌و سیاست دریداری نادرشاه را از سفرنامهٔ هنوی که خود شاهد وناظر و دست در کار بوده است دراینجا نقل می کنیم :

لنگرود از نظر هنوی

درسوم دسمبر سال ۱۷۴۳ (۱۱۵٦ ه. ق.) به‌بندر لنگرود رسیدم. ناخدای کشتی به‌من‌خبر دادکه مسترالتن ار رشت به‌لنگرود آمده است تاامور دریاداری این محل را که به‌عهده گرفته است ، اداره کند . من ورود خود را بـه‌اطلاع او رساندم . دوتپ‌نچه وچیزهای دیگررا که بـا میل علیقلی‌خان تهیه شده بود، به‌او دادم.[۲] مسترالتن بااین مرد طرح آشنائی ریخته‌بود ، چون روشن می‌دیدکه‌روزی پادشاه ایران خواهد شد وچهارسال بعد، این‌امراتفاق افتاد .

محل اقامت مسترالتن درلنگرود ، هشت‌میلی ساحل بود . این‌محل‌درمیان جنگلی است‌که اطراف آن را باتلاق فراگرفته است و راه رسیدن به‌آن بسیـار مشکل‌بود وپای کوه بلندی‌که مسلط به‌دریا بود قرارداشت . این کوه مانع‌جریان هوا بود ومنطقه‌ای ناسالم بوجود آورده بود . گیلان را پارگین‌ایران دانسته‌اند، اما لنگرود پارگین‌گیلان است . چون فصل بارانی بود وهوای گیلان در همه‌جـا رطوبتی یکسان دارد ، احساس ناراحتی نمی‌کردیم . هفت روز بااین‌مرد گذراندم‌و بیشتر وقت ما صرف بحث تجارت دریای خزر می‌شد .

۱- John Elton ۲- سفرنامهٔ هنوی، ج ۲، قسمت۳، فصل‌پانزدهم ، ص۱۰۶ .

نادرشاه برای مدتی طرحهائی تهیه کرده بودکه کشتیهائی در دریای خزر بسازد. منظور اومرتب کردن اوضاع کشتیرانی این صفحات بود ومی‌خواست که به‌سرکوبی تاتارهای لزگی‌نیز بپردازد. لزگیان‌کوه‌نشینان شجاعی بودندکه‌درمقابل لشکریان ایران ایستادگی‌کرده بودند. شاه می‌دانست قشون‌کشی‌به‌سرزمین ایشان بدون کمکهای خارجی‌که باید ازراه دریا به‌او برسد، غیر ممکن است. واز روسها نیز کشتی‌خواستن‌نتیجه ندارد. زیرا ایشان مایل‌بودندکه ازلزگیها طرفداری‌کنند، چون ایشان سد محکمی درمقابل روسها بودند.

تاتارهای ترکمن‌ساحل‌شرقی دریای خزرنیز، باحملات مداوم، قوای ساحلی نادررا رانده‌بودند وگشودن‌این‌سرزمین‌ازراه دریانیز بهتربود. سهیم‌بودن در تجارت دریای خزر و تسلط براین دریا نیز ازعواملی است‌که باید نادر را وادار به‌کشتی سازی دراین دریا کرده باشد.

نادر چند سال قبل سفیری به‌دربار روسیه فرستاده بود وکشتی سازانی خواسته‌بود. ملکهٔ روسیه جواب داده بودکه کشتی‌سازان اونیز ازکشورهای دیگر آمده‌اند وطبق قرارداد باید در روسیه کار کنند وملکه حق فرستادن ایشان را به‌کشورهای دیگر ندارد.

ایرانیان می‌دانستندکه مسترالتن قصد ساختن‌کشتی ندارد، بلکه می‌خواهد نادر را برای انجام‌این‌طرحها مشغول نگاه دارد. اما ظاهراً بسیارکوشا بود ونشان می‌داد که می‌تواند برمشکلات فائق‌آید.

ایرانیان از وضع موجود خود شکایت داشتند، تاچه رسد به‌اینکه بخواهند مالیات تازه‌ای برای‌ساختن کشتی‌بدهند، درحالیکه هیچگونه اطلاعی‌از دریاداری ندارند. دهقانان نه‌تنها بیگاری می‌کردند، بلکه وسایل زندگی خود را خودشان باید تهیه کنند. عده‌ای کار زراعت برنج ونگهداری نوغان را ترک‌کرده وبه‌کار پرزحمت تازه پرداخته بودند. عده‌ای به‌محض آمدن به‌محوطهٔ کشتی‌سازی فرار می‌کردند، زیراکارگزاران وسایل زندگانی‌ایشان را مرتب‌نمی‌کردند. بیشتر فراریان

بی‌دست‌وپا تنبیه می‌شدند ، به‌این‌معنی که گوش‌ایشان را بدنبال کشتی‌می‌کوبیدند. پس‌ازاینکه‌چندساعتی‌بدین‌وضع می‌ماندند،تبرزینی‌به‌سرایشان نزدیك می‌کردندو ایشان مجبور می‌شدند سر خودرا کنار بکشند.بدین‌ترتیب‌گوشهای‌ایشان پاره‌می‌شد.[۱]

مستر التن الوار خوبی درگیلان پیدا کرده بود، اما راههای خراب مانع آوردن این الوارها به‌بندرگاه بود درمازندران سنگ آهن هست ولی کسی که لنگر بسازد نیست . مسترالتن درجستجوی لنگری بودکه چند سال قبل روسها در اینجا گم کرده بودند. بادبانها را ازپنبه وطنابهارا ازکنف ساخته وحاضر کرده‌بود اما احتیاج مبرمی به‌نجار داشت. اوچند نفر هندی وچندتن روسی نومسلمان‌را با یك تن‌کشتی‌ساز انگلیسی‌که کشتی ناخدا « وودروف »[۲] را رهاکرده بود،گردآورده بود. بااینهمه کاری ازپیش نمی‌رفت . التن بامشکلاتی روبرو بود امااین مشکلات زیاد اورا ناراحت نمی‌کرد .[۳]

هنوی دوباره روز ۲۶ فوریهٔ سال ۱۷٤٤ از لنگرود گذشته و به‌رشت رفته است.[۴] وی‌برای بار سوم صبح روز پنجم اپریل درلنگرود بوده ومسترالتن را ملاقات کرده است . دراین سفر دربارهٔ لنگرود می‌نویسد که کشتیهای ساحل دریا راگرفته‌اند تالوازم ومصالح بنا را به‌بلخان ببرند، زیرا نادرشاه قصد دارد در بلخان نیز استحکاماتی بسازد تا ترکمانان را بترساند.[۵]

هنوی‌دربارهٔ کشتی‌سازی بندرلنگرود چنین‌می‌نویسد:«اوایل‌ماه اپریل‌مستر التن دماغهٔ دنبالهٔ کشتی را ساخته بود. کشتی‌سازان اغلب هندی بودند وکار خودرا بدقت انجام می‌دادند اما بسیار کندکار می‌کردند و کارهای بزرگ را نمی‌توانستند انجام دهند. میرزا مهدی‌خان، در بادار لنگرود است اما تاکنون‌کشتی‌ندیده‌است.»[۶]

۱ــ سفرنامهٔ هنوی، ج ۲ ، قسمت ۳ ،فصل‌پانزدهم، ص۱۰۷ .
۲ــ Woodroofe
۳ــ سفرنامهٔ هنوی، ج۲ ، قسمت۳ ،فصل‌پانزدهم،ص۱۰۸ .
۴ــ سفرنامهٔ هنوی،فصل۳۲، ص۱۵۳ .
۵ ــ سفرنامهٔ هنوی ، قسمت سوم ، فصل چهلم ، ص۱۸۰ .
۶ــ سفرنامهٔ هنوی،قسمت سوم، فصل چهلم ،ص ۱۹۲ .

هنوی از لنگرود به‌طرف استراباد می‌رود و در سیزدهم ماه مه سال ۱۷٤٤ میلادی قاصدی را نزد مستر التن می‌فرستد تاجریان رفتن کشتیها را به بلخان با ناخدا «وودروف» به او خبر دهد. همین قاصد خبر می‌آورد که گاومیشها برای حمل الوار در استراباد حاضر می‌باشند. اینها قوی‌تر از گاو نر هستند. بسیار با نیرو هستند و از زمین باتلاقی و آب خوششان می‌آید.[1]

هنوی باز در بیست و سوم ژوئیه به لنگرود می‌رسد و درباره کشتی سازی لنگرود چنین می‌نویسد: «کشتی مستر التن که برای شاه می‌خواست، حالا رو به اتمام است. به آب انداختن این کشتی مشکلی دیگر بود. زیرا کشتی بر کنار بندرگاهی بود که پهنای آن از طول کشتی کمتر بود. کشتی در آبی که شش فوت عمق آنست باید به آب انداخته شود. عمق آب اینجا در بعضی جاها فقط چهار فوت بود. پیشنهاد کردند سدی بسازند تا سطح آب بالا بیاید و کشتی بتواند در آب رود. کارهای قسمت پائین کشتی تمام است. بادشمال سطح آب را مقدار زیادی بالا می‌آورد اما از لبهٔ باتلاقها فرو می‌ریزد. مستر التن از دزدان دریائی روسیه هم وحشت داشت، زیرا ایشان قصد داشتند کشتی را بسوزانند. التن بادبانی اضافی برای کشتی ساخت تا بتواند کشتی را از تنگنا بیرون آورد و نگهبانی برای حفاظت آن معین کرد و پیشنهاد کرد که زمین همواری در مرداب به‌وجود آورند و یك عراده توپ در آنجا تعبیه کنند. این دزدان دریائی که التن از ایشان وحشت داشت، چندین کشتی ایرانیان را نزدیك باکو دزدیده بودند.»[2]

هنوی باز روز دوازدهم اوت به لنگرود می‌آید و می‌نویسد حالت مزاجی مستر التن مثل سابق بود. از مسئولیتی که برعهده دارد وضع دماغیش مختل شده است.[3]

۱ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل‌وسوم، ص ۱۹۸. ۲ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل و هشتم، ص ۲۲۰. ۳ ـ سفرنامهٔ هنوی، قسمت سوم، فصل چهل‌وهشتم، ص ۲۲۱.

لنگرود از نظر ابت در سال ۱۲۵۹ ه.ق.

«ده بزرگ یاقصبه‌ایست که دردو طرف رودخانه ساخته شده‌است. آب رودخانهٔ لنگرود بسیارکند حرکت می‌کند. آبادی لنگرود درهشت میلی دریاست. زیرزمینهای این‌شهر پرازشن دریا وگوش ماهی است و معروف است که آب دریا چند سال یکبار اینجا را فرامی‌گیرد . ولی‌فعلا سی‌سال گذشته که آب دریا به‌این شهر نیامده است. هنوی می‌گویند که این پیشروی آب هرسی‌سال یکبارتجدید می‌شود. این شهر بناهسای خوبی دارد که متعلق به‌تجار وصاحبان املاك است . رودخانه، پلی آجری ودوچشمه وپلی چوبین‌صاف دارد. قایقهای بسیری‌که برنج ازمازندران آورده‌اند، کنار رودخانه لنگر انداخته‌اند مناظر اطراف این‌شهر زیبـست ، ولی بتلاقهـای فراوان اطراف آن، هوای شهررا خراب‌کرده ست . در همین شهر لنگرود است که در زمان نادرشاه ، التن مأمور ساختن کشتیهای‌جنگی شد . این‌کشتیها ، کشتیهـای بزرگ نبوده‌اند . ز یرا عرض رودخانه نزدیك شهر درحدود هفتاد فوت وعمق آن نیز زیاد نیست. باقیماندهٔ یکی‌ازاین‌کشتیها،دریکی ازمردابهای نزدیك شهردیده می‌شودکه ظاهراً یکی‌ازکشتیهای‌شکستهٔ لتن‌است.»[1]

مکنزی دربارهٔ لنگرود درسال ۱۲۷۵ ه. ق. در سفرنامهٔ خود چنین نوشته است:«درنیم فرسخی لنگرود راه سنگ‌فرش را رها کردیم واز لیلاکوه ، به‌طرف دست چپ منحرف‌شدیم وکنار رودخانه‌ای افتادیم . ازاینجا راه سنگ‌فرش‌تاره‌ای بود وچهارپل کوچك باوضع بسیارخوبی برسرراه‌مابود . درشهرلنگرود، درخانه‌ای طرف راست رودخنه وارد شدیم ، کمی بالاتر بررودخـانه پل‌آجری دو دهانه و نزدیك خانهٔ مامسجدی بود درلنگرود چهارمسجد وچهار تکیه وهشت‌امامزاده‌و چهارحمام است . از لنگرود حرکت کردیم . طرف‌چپ جاده امامزادهٔ دوبرادران است[2] وامامزادهٔ بی‌نام ونشان دیگری کمی جلوتر وآن نیز طرف چپ‌جاده‌است .

۱ــ سفرنامهٔ «ابت» ، ص ۲۶ و۲۷و۲۸.

۲ــ اراضی این امامزاده امروز به‌خانقاه‌تبدیل شده‌است.

در اینجا از روی پل آجری کوچکی عبورکردیم . استخری طرف راست نزدیك جاده و پر از درخت است . آخرین آبادی متعلق به‌حومهٔ لنگرود کی‌کلایه (= کیاکلایه = شه‌کلایه) است. درحدود یك‌میل انگلیسی از لنگرود، خانه‌ایست متعلق به‌حاجی میرزا رضاکه داماد منجم‌باشی است وپل آجری کوچکی ومسجدی[۱] نزدیك اینجاست . پس از اینها پل دیگری است وجاده بسیارخوب می‌شود، بطوریکه می توانستیم چهارنعل ویرتمه برویم . سپس به پل آجری دیگر و امامزاده‌ای رسیدیم . از اینجا بخش رانکوه شروع می‌شود. دهکدهٔ کلیدبر در دوطرف جاده است وقبل از رسیدن به‌این دهکده ، طرف راست جاده امامزاده‌ای به چشم می‌خورده در این امامزاده چاهی است که مردم برای سلامتی خود پول در آن می‌اندازند . پس از کلیدبر قسمتی از راه خوب است وپس‌از آن تا رودسر بسیار خراب است .[۲]

ملگونوف در کتابی که دربارهٔ سواحل دریای خزر نوشته مطالب زیر را درباره لنگرودآورده است :[۳]

«لنگرود در زمینی هموار ویك فرسخ ونیمی دریاست. معروف است‌که‌این شهر نخست درکنار دریاولنگرگاه‌بوده است . دهنهٔ لنگرود را چمخاله می‌گویند. اجارهٔ شیل[۴] این شهرسیصد تومان است .

محلات لنگرود : ۱ـ محلهٔ فیشکلی‌که بقعهٔ آقا سیدحسین درآنجاست . ۲ـ درمسجد . ۳ـ راه‌پشته . ٤ـ گسکرمحله . ٥ـ کی‌کلا . ٦ـ انزلی‌محله . در این شهر، سه‌باب کاروانسرا وهفت دربقعه وچهار درحمام وچهار درتکیه‌وصدو

۱ـ خانهٔ آجری وحرابه‌های پل‌ومسجد تاامروزباقی‌است. ۲ـ سفرنامهٔ مکنزی، صفحات ۹ـ۱۲. ۳ـ این کتاب درسال ۱۲۷۷ قمری = ۱۸۶۰ میلادی نوشته شده‌است و عین این مطالب در ترجمهٔ سفرنامهٔ مزندران ملگونوف ص ۱۲۲ و۱۲۳ ، نیزآمده است .

۴ـ کلمهٔ «شیل» گیلکی وبه‌معنی بندوسدی است که درآن ماهی می گیرند. این کلمه درزمن سلاطین قاجار به «شیلات» جمع بسته شده است .

پنجاه دردکان و پانصد و چهل درخانه است.»

رابینو دربارهٔ این شهرچنین نوشته است:

«لنگرود در دوازده کیلومتری شرق جنوب شرق لاهیجان وده کیلومتری غرب شمال غرب رودسراست. این شهر در فصلهٔ ده‌کیلومتری حاشیهٔ دریه و کنار رودخانهٔ لنگرود است که ازاراضی لاهیجان سرچشمه می‌گیرد. مردابهای اطراف و گرمای تابستن، هوای آن را عفونی می‌کند و کسانی که توانائی مالی دارند به کوهستان پناه می‌برند.»

هنوی می‌نویسد: «اگر گیلان را پرگین ایران بدانیم، لنگرود پسارگین گیلان است.»

رابینو بانظر او مخالف است و می‌نویسد: «از کناره‌های رودخانهٔ لنگرود شهر لنگرود زیباترین منظره‌ایست که من درایران دیده‌ام.»

این‌شهر هم مانند شهر رشت ولاهیجان، چندین بارگرفتار آتش سوزی‌شده است. بااین همه جمعیت واهمیت تجاری آن در صدسال اخیر روبه‌افزایش رفته است. در زمن رابینو، این شهرهشت محله وهزارخانه داشته است. دویست در از این خانه‌ها، بامهای سفالین ومابقی گالی‌پوش بوده است. خانه‌ها از یکدیگر دور وباغها وحیاطها، حد فصل میان آنها می‌شده است.

خچکو درسل ۱۲۵۵ هـ. ق. = ۱۸۳۹ میلادی، خانه‌های لنگرود را بیش ازصدوده درقمی‌داند وبیست سال پس از این تـارنخ مکنزی می‌نویسد «لنگرود چهارصد درخانه وصدوچهل‌وهشت دردکان، سه‌کاروانسرا، چهارمسجد، چهارتکیه، هشت امامزاده، پنج حمام و دوهزار تن جمعیت داشته است.»

در زمـان رابینو(۱۳۳۱ هـ. ق.) این شهر چهارصد وپنجاه دکان، نه‌حمـام، بازاری جدید شـامل شصت دکان که در دست سـاختمان بوده‌است، هشت مسجد، نه‌امامزاده، پنج تکیه ودرحدود پنج هزارتن جمعیت داشته ودارای محلات زیر بوده‌است:

۱ــ سوتال محله. ۲ــ درب مسجد. ۳ــ فشکالی محله. ٤ــ گشته مردخال. ٥ــ ارلی محله. ٦ــ کاسه‌گر محله. ۷ــ قصاب محله. ۸ ــ محلهٔ راه‌پشته.[۱]

نویسندهٔ کتاب استراباد و مازندران و گیلان دربرهٔ لنگرود مطالب زیر را نوشته است:

«از دست راست که امامزادهٔ دوبرادران است، رد شده داخل لنگرود می‌شود که بندر لاهیجان و رانکو باشد و کرجیهای بزرگ از مازندران شکر و برنج و روغن و عسل و کنجد و باقلا و قیان‌کدو و کُل‌نمد[۲] و کرباس و پنبه وغیره می‌آورند. واز بندر نزلی (= پهلوی) ماهی‌شور و ماهی خشک و حصیر و نفت می‌آورند [و] به‌حیطهٔ فروش می‌رسانند.

و آب این رودخانه از لاهیجان می‌آید و یک قنطره پل اجری دوچشمه. در روی رودخانه بنا شده است و کنار رودخانه عمارتهای بسیار خوب بنا کرده‌اند.

[لنگرود] سه محله دارد: اول فشکلی، دوم درمسجد و سیم راپشته. هفت آستانه امامزاده، چهار باب مسجد، چهار باب تکیه، چهار باب حمام، سه باب کاروانسرا، یکصدو پنجاه باب دکان و پانصدو چهل خانه.

کج تابیدهٔ خوب در لنگرود عرض سال هزار من به‌عمل می‌آید که یک من ازسه الی پنج تومان دادوستد می‌نمایند و ابریشم یک من ازچهارده تومان الی شانزده تومان [است]. ودرتابستان هوای بدی دارد.

از بابت اجارهٔ صید حلال رودخانهٔ لنگرود، مبلغ سیصد تومان است. مظنه‌جات و نرخ مأکولات فرضهٔ لنگرود به تریخ شهر جمادی الاول یکهزار و دویست و هفتاد وپنج:

برنج مازندران یک‌من به‌وزن شاه، یک‌قران وهفت‌شاهی. برنج آکولهٔ تنکابن یک من دوقران، روغن تنکابن یک‌من نه قران. روغن کرمانشاه یک‌من هشت‌قران و نیم. نان یک‌من سی‌ودوشاهی. گوشت یک من دوازده عباسی. پنیر یک‌من پنج‌قران.

۱ــ گیلان رابینو، ص ۳۴۲. ۲ــ بضم کاف.

قند یك من چهارده قران . چائی یك گیروانکه سه قران . نبات یك من چهارده قران . شکرمازندران یك من شش قران .[۱] نفت یك من هفت‌عباسی. نمك یك من دوعباسی .

از پهلوی بزار و خانه‌های لنگرود، به‌دریا دوفرسخ وبه‌لاهیجان دوفرسخ [است]. والحالة هذه‌حاکم لنگرود ورانکوه میرزامهدی‌خان پسرمیرزاعبدالباقی منجم‌باشی است . ابوابجمع مالیات هشت هزار تومان [است] . وازلنگرود، کنار دریا[از] راه سفیدرود، به‌فرضهٔ انزلی، دوازده فرسخ‌است. وازراه لاهیجان به‌شهر رشت نه فرسخ [است] .[۲]

چمخاله

چمخاله بندرگاه لنگرود ودریك فرسخی‌شمال شمال‌شرق این‌شهر،درساحل رودخانه است. فاصلهٔ آن ازاین‌شهر نه کیلومتر وششصد متر است.

درزمان رابینو شانزده کرجی برای بارگیری یاخالی‌کردن بارهـای‌تجاری میان لنگرود وچمخاله‌کار می‌کردند. جمعیت آن‌گذشته ازگمرکچیان وکشتی‌بانان و ماهیگران، عده‌ای گاومیش‌بان هستندکه زمستان را درکنار رودخانهٔ چمخاله می‌گذرانند .[۳]

۳ـ بلوك رانکوه

۱ـ لنگرود : شامل شهر ودهکده‌های متصل به‌آن.

۲ـ رانکوه : در زمینهای هموار و صاف این بخش شامل : شلمان ، املش و سیاهکله رود.

۱ـ این‌شکر به‌شکر سرخ معروف است کـه ازنیشکر می‌گیرند و نوعی خورش برنج است. ۲ـ کتاب استرآباد ومازندران وگیلان وسمنان ودامغان وغیره نوشته‌شده دربیستم ذی‌القعدةالحرام ۱۲۷۷، نسخهٔ عکسی کتابخانـهٔ مرکزی دانشگاه تهران به‌شمارهٔ ۶۱۴۴ متعلق به‌آکادمی‌علوم شوروی. ۳ـ گیلان‌رابینو، ص۳۴۲ و ۳۴۴.

۳ــ گزافرود[1] : چند دهکدهٔ جدا از این بخش .

٤ ــ سمام : در جنوب املش محدود به‌عمارلو و رودبار قزوین . این بلوك کوهستانی است، ازغرب به‌دهکده‌های کردنشین دیلمان وازشرق به‌اشکورمحدود می‌شود .

٥ ــ سیاهرستاق در دامن کوه ، درمغرب پلورود ومغرب اشکور علیا.

٦ــ اشکورسفلی که به‌نام جیرولایت نیزمعروف‌بوده‌است، منطقه‌ای کوهستانی است. ازشمال به‌رانکوه ، ازغرب به‌سمام، ازجنوب به رودبارقزوین واز شرق به‌اشکور علیا محدود است.

۷ــ اشکورعلیاکه به‌نام بالاولایت نیزمعروف بوده است، منطقه‌ای کوهستانی است. ازشمال به‌رانکوه و سخت‌سر، ازجنوب به رودبارقزوین ، از غرب به‌اشکور سفلی، وازشرق به‌بالااشکورتنکابن محدود می‌شود .

ساکنان رانکوه

ساکنان زمینهای هموار و دشت ، گیلك‌اند و زبانشان گیلکی است . افراد زیادی از ایشان تابستان را در کوهستان می‌گذرانند . پاره‌ای از مردمان کوهستان بازماندگان دیلمیان هستند. جمعیت اصلی این نواحی درنزاعهای داخلی وپی‌درپی ازمیان رفته‌اند . عده‌ای ازطالقان وبیشتر از قزوین بدینجا مهاجرت کرده‌اند . زبانشان گیلکی، ترکی وپارسی است .

بیشتر ساکنان این بخش شیعی مذهب‌اند. مردم رانکوه واشکور، در اواخر قرن سوم هجری به‌دست ناصرکبیر به‌مذهب زیدی گرویدند. ازقرن بعد نیز از زرتشتیان دهکده‌های دور افتادهٔ کوهستانی اخباری به‌دست داریم .

درسال ٥۹۰ هـ. ق. که قسمتهای غربی‌سخت‌سر(ـــ رامسرامروزی) تادهکدهٔ ملاط به‌دست ملك هزار اسب بن شهرنوش به‌اسماعیلیان واگذار شد، آئین ایشان جای مذهب زیدی راگرفت . اما در زمان تسلط علویان‌کیائی، رواج مذهب زیدی

[1]ــ بضم کاف وکسرفاء.

به‌اوج خود رسید، تازمـان سلطان احمدخان‌کـه او به‌مذهب شیعیان اثنی عشری گرائید، تمام اهالی نیز مذهب اورا پذیرفتند .

٤ـ بناها و آثار تاریخی لنگرود وحومهٔ آن

بقعهٔ آقا سید حسین و آقا سید ابراهیم ابنان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام

در فشکالی[1] محلهٔ لنگرود سمت راست رودخانه

بنای این بقعه ازآثار تاریخی و با‌ارزش لنگرود است. ظاهراً این بقعه مدفن سید حسین‌کیا ـ برادر سیدرضی‌کیا وسید محمدکیا ـ پسران سید علی‌کیا ـ است. زیـرا این مرد پس‌از مخالفت بابـرادران و به‌زندان افتادن وخلاصی‌اززندان، در حدود سال ۷۹۶ هـ . ق . ، قریهٔ راه‌پشته را بدو دادند ودر همان جا دوران زندگی خودرا گذراند ودرهمـان جا فوت شد ودراین بقعه به‌خاك سپرده شد.[2] درزمـان رابینو (۱۳۳۱ هـ . ق .) محل سکونت‌او در راه‌پشته، به‌نام بازارده شهرت داشت و چاه آب واستخری به‌نام «سید حسین‌کیا استلخ» ازاو بجای مانده بود .

اهالی می‌گفتند که قبر برادر کوچك اوبنام «سید ابراهیم» نیزنزدیك برادر بزرگ است وزیارتنامهٔ قدیمی بقعه نیز حاکی ازاین مطلب است .

حرم بقعه به‌ابعاد ٤٧٨ سانتیمتر است که چهار کنج آن را باچهار گوشوار جمع کرده وگنبدی مدور برآن زده‌اند. گرداگرد گنبد از داخل، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی است که درفواصل آنها : «یااباعبدالله الحسین ادرکنی»، «بسم‌الله الرحمن‌الرحیـم» و «نصرمن‌الله وفتح قریب» باخط نستعلیق، گچ‌بری شده‌است. در ضلع شمالی وجنوبی، دوخفنگ چوبین با طاقی جناقی است که پهنای‌آنها ۱۰۰ و بلندی آنهـا تازیـر نیزی طاق ۱۱۰ سانتیمتر است. درهمین دوضلـع، دردوطرف خفنگها ، چهـار طاقچه است که طاق آنهـا نیز جناقی است. اطراف بدنهٔ داخلی

۱ـ بضم فاء.　　۲ـ درمقدمهٔ بخش‌نوزدهم شرح مختصری از زندگانی اورا نوشتیم.

دیوارها، ازاره‌ای ازکاشی آبی رنگ شش‌گوشه، به‌بلندی ۸۵ سانتیمتر بردیوار نصب است. کف حرم بقعه سابقاً باکاشی قالب بزرگ سبزرنگ مفروش بود که آن را درنوسازی به‌موزائیك تبدیل کرده‌اند. درورودی اصلی درضلع شرقی ودرضلع غربی در ورودی دیگری بوده که سابقاً به ایوانی نظیر ایوان شرقی باز می‌شده، امروز به‌حسینیهٔ تازه‌سازی بازمی‌شود هردو درکنده‌کاری‌است وکتیبه‌هائی به‌خط نسخ دارد.

ضریحی که‌گور این دوبرادر را پوشانده به‌درازای ۲۸۰وپهنای ۱۸۰وبلندی ۲۰۵ سانتیمتر است ودرچهار کنج بالای آن، چهار سرستون مانندکه طرح مقرنس دارد وازتکه‌های مختلف چوب ساخته‌اند، نصب کرده‌اند. سقف‌این‌ضریح چوبین‌و کمی برآمده است. دری دولنگهٔ مشبك درجهت شرقی‌ضریح مقابل در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۱۲۰ وپهنای آن ٦۰ سانتیمتر است.

در دولنگهٔ شرقی از چوب آزاد و پهنای آن با در نظرگرفتن چهارچوب ۱۳۲ وبلندی آن ۲۱٦ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱٦۳)

عباراتی‌که برلنگهٔ دست راست این در است:

برپاسار بالا:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم.»

برباهوی سمت چپ همین لنگه:

«اللهم بالغ کل خبیر- مصنوع یاخالق کلشیی‌ء- یارازق کل مرزوق- یامالك کل مملوك ه - یاکاشف کل مکروب.»

برپاسار پایین همین لنگه:

«یاخارج کل مهموم.»

برباهوی سمت راست همین لنگه:

«یاارحم من کل رحیم- یاناصر کل مخذول ویا - ساتر کل می‌وطه(؟)- یامن هورب کل شیی‌ء- یامن هوالله کل شیی‌ء.»

عباراتی‌که بر لنگهٔ دست چپ این در حك شده است :

بر پاسار بالای همین لنگه:

«انما یعمر مساجدالله من آمن بالله.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«یااعظم من کل عظیم - یااکرم من کل کریم - یاارحم من کل رحیم - یااعلم من کل علیم - یااکبر من کل کبیر.»

بر پسار پایین همین لنگه :

«یااحکم من کل حکیم.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«یااخبر من کل خبیر - یااشرف من کل شریف - یا ابصر من کل بصیر - یاارٔیف من کل رؤف - حرره حسین طالقانی سنه ۱۲۰۰.»

در دیوار غربی حرم نیز دری دولنگه ازچوب آزاد، به‌بلندی ۲۱۶ سانتیمتر، بادر نظرداشتن چهارچوب وپهنای ۱۳۳ سانتیمتر است که چهار سال پس از آتش‌سوزی لنگرود که درسال ۱۲٦۸ هـ . ق . روی داده،ساخته شده است. (عکس شمارهٔ ۱٦٤) این عبارات بر دو لنگهٔ آن حك شده بود :

عباراتی‌که بر لنگهٔ سمت چپ خوانده می‌شد :

بر پسار بالای این لنگه :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«اللهم انی - اسئلك باسمك یاالله - یارحمن یارحیم - یاکریم یامقیم - یاعظیم یاقدیم.»

بر پسار پایین همین لنگه :

«یاعلیم یاحکیم یاحکیم.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه

« یااسبحانك ـ الله الا سبحانك انت ـ یالااله الاانت ـ الغوث‌الغوث خلصنا ـ من‌النار یارب ه .»

برچهار پاسارهای میانین همین لنگه :

«یاعلی ادرکنی ـ یاکمیل منك بامقبل ـ یاسندمن لاسندله ـ کتبه حسین فی‌سنه ۱۲۷۲ .»

عباراتی‌که برلنگهٔ سمت راست حك شده است :

برپسار بالای این لنگه :

« یاعلام الغیوب .»

بربائوی سمت چپ همین لنگه :

« یاغفار الذنوب ـ یاستار العیوب یا کاشف ـ الکروب ـ یامقلب القلوب و ـ یامنور القلوب . »

برپاسار پایین همین لنگه :

«یاطبیب القلوب .»

بربائوی سمت راست همین لنگه :

«یاانیس القلوب ـ یامفرج الهموم ـ یامفرج الغموم سبحانك ـ یالااله الا انت ـ الغوث الغوث .»

برچهار پاسارهای میانین همین لنگه :

« انا فتحنالك فتحاً مبیناً ـ خلصنا من‌النار یارب ـ اللهم انی‌اسئلك ـ بسمك یاجلیل یاجمیل .»

برخارج دیوار غربی بقعه‌که امروز درحسینیه افتاده است، سنگ مرمر کدری به‌پهنای ٤٩ وبلندی ۱۲٦ سانتیمتر نصب است‌که شرحی دربارهٔ آتش‌سوزی سال ۱۲٦۸ قمری لنگرود برآن به‌خط نستعلیق حك شده است. اینك اشعارآن :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

کل شیء هالك الا وجهه

لنگرود از حوادث دوران سوخت روزی سیه شود شامش
آستانه که آستانش را بسته بودند خلق احرامش
تکیه گاهی محل ذکر حسین که ملک داشت پاس اکرامش
مسجد و مدرس و محله و شهر منهدم شد نماند جز نامش
بهر تعمیر این عظیم بنا از میان خواص تا عامش
فخر تجار و خیر خلق زمان آنکه حاجی حسن بود نامش
توسن سبقت او بمیدان تاخت ملهم غیب کرد الهامش
آنچه بایست کرد بیش نمود تا یابد کمال ، اسلامش
سرور[1] تاجران گیلانی همه مستی کنند از جامش
سر عقل آنکه رهنمای[2] همه است به همه پختگی بود خامش
آسمان باوجود رفعت شأن خیمهٔ کوچکی است در بامش
باخرد گفتم این بزرگ بنا که زحاجی حسن شد انجامش
درجزایش خدا چه خواهد بود روز محشر بخویش و ارحامش
در جوابم دوبار گفتا خلد هم ازو گیر سال اتمامش

خ	ل	د	خ	ل	د
٦	٣	٤	٦	٣	٤
..	.		..	.	

۱۲٦۸ ماه وتاریخ ساختن آستانه وتکیهٔ لنگرود حاجی حسن انجام رسانید.»

کلمهٔ «خلد» به حساب جمل عدد ٦۳٤ است که مضاعف آن عدد ۱۲٦۸ است که سال تعمیر یانوسازی بقعهٔ سیدحسین کیا است . اگر سال آتش‌سوزی را همین سال ۱۲٦۸ بدانیم تاریخ در ورودی اصلی شصت وهشت سال مقدم براین تاریخ و تاریخ دردیگر چهارسال پس‌از این تاریخ است .

۱ـ دراصل : سردار. ۲ـ دراصل راهنمایی.

چهارطرف بقعهٔ آقا سید حسین، ایوانهـای مجلل داشته است. امروز ایوان شرقی تقریباً به‌شکل اصلی باقی مانده است. این ایوان به‌درازای ۱۵٫۴۳ متر و پهنای ۴۶۳ سانتیمتر است. بر دیوار این ایوان ازاره‌ای از کاشی به‌بلندی ۶۵ سانتیمتر است که در آن کاشیهایی است به‌قطر ۱۱٫۵ سانتیمتر که زمینهٔ آنها سفید و نقوش آنها نیلی رنگ است. نقوش کاشیهای این ایوان و کاشیهائی که درایوان شمالی بکار رفته است پرندگانی نظیر: طوطی، طاووس، گنجشک، کبوتر، تورنگ و جانداران دیگر نظیر خرگوش، آهو، بزکوهی (= کل) و نقشهای دیگری شامل گل و بوته و اسلیمی و نقش زیرگنبدی و نظایر آنها است. تعداد کاشیهای قدیمی ایوان شرقی بالغ بر ۱۰۰ عدد است که بریکی از آنهـا نقش اژدها و بر دیگری رقم کاشی‌ساز به‌این‌شرح دیده می‌شود:

«عمل خلیل‌بن احمد کاشی‌گر.» (عکس شمارهٔ ۱۶۵)

برسر در ورودی شرقی بقعه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» ازدوجهت گچبری شده است. بر بدنهٔ خارجی دیوارشرقی بقعه، نقشیهای مذهبی و بالای آنها، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم کاشانی‌است. درمیان مصراعها عبارت «یااباعبدالله الحسین ادرکنی» گچبری شده است.

چهارپایهٔ آجری درچهارکنج ایوانها بوده است‌که امروز دوپایهٔ شرقی آنها برقرار است. پایین پایه‌ها چهارگوشه و بدابعاد ۸۸ سانتیمتر است وکمر آنها، هشت ضلعی دوبه‌دو برابر است. درمیان این دوپایه، نه‌ستون چوبین چهارسو باسرستون است. جلو ایوان، تکائل مشبك چوبین است‌کـه طرحش نظیر طرح شبکهٔ ضریح است. (عکس‌شمارهٔ ۱۶۶)

ازایوان شرقی درگاهی به‌ایوان جنوبی است. بردیوارهـای ایوان جنوبی نیز مجالسی از نقاشیهای مذهبی دیده می‌شود که قدمت آنها بیشتر است. (عکس شمارهٔ ۱۶۷)

ایوان غربی، فعلا درحسینیه افتاده وبسیار ساده‌است. بالای سر در ورودی

غربی بقعه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» ازدوجهت گچ‌بری شده ودرطرفین آن منظرهٔ چهار زیارتگاه قدیمی نقاشی شده است.

قسمتی ازایوان شمالی نیز تاامروز باقی است. بربدنهٔ خارجی دیوار شمالی بقعه دراین ایوان ازاره‌ای ازکاشی به‌ارتفاع ۶۵ سانتیمتر است.

کاشیهای آن نیز مانندکاشیهای ایوان شرقی‌متعلق به‌دورانهای مختلف‌است‌و نقوش کاشیهای قدیمی آن نظیر نقوش‌کاشیهای ایوان شرقی‌است وظاهراً کار همان خلیل‌بن احمد کاشی‌گراست. توگلوی این کاشیها، کاشیهای ستاره‌ای شکل چهارپر قرارداده شده است‌که امروز چند عدد از آنها درهمین بدنه دیده می‌شود. در باقیماندهٔ ایوان شمالی نیز نقاشیهای مذهبی دیده می‌شود. بام ایوانها واشان‌کشی‌و لمبه‌کوبی بادرر پوش پهن است. متن‌بنا آجروساروج است که روی آن را سفیدکاری کرده‌اند. سراسربام بقعه وایوانها سفال‌سر است. بربالای تیزی بام، کاشی‌لعابدار آبی‌رنگ قبه‌مانندی است‌که روزی فوارهٔ سقاخانهٔ بقعه بوده است.

مراسم علم‌بندی این‌بقعه روز اول‌محرم ومراسم علم‌واچینی آن روز ۲۸ صفر است. درمحوطهٔ اطراف بقعه، درختان چنار قدیمی دیده می‌شود.

براثر اعتقاد وایمانی‌که ساکنان لنگرود به‌این بقعه داشته‌اند، ازقدیم این بقعه محل بست بود و بی‌پناهان، یاجنایت‌کارانی‌که می‌خواسته‌اند ازچنگال انتقام خلاصی یابند، بدین بقعه روی می‌آورده‌اند. در وردی صحن وزنجیر بست آن، درنوسازیهای اخیر ازمیان رفت. اطراف این بقعه نیز حجرات زیاد داشت‌که مأموران دولتی پیش ازشهریور ۱۳۲۰ خراب کردند.

مسجد آقا سید حسین
نزدیك بقعه درفشکالی محلهٔ لنگرود

بنای اصلی مسجد دست‌کاری شده است و نوسازی کرده‌اند. داخل بنا اثر قابل ذکری ندارد. این مسجد دارای دری کنده‌کاری نسبتاً قدیمی درایوان غربی است و به‌نظر نگارنده ظریف‌ترین درکنده‌کاریست که در صفحات رانکوه دیده

می‌شود . این در دولنگه و بادرنظر داشتن چهارچوب به‌پهنای ۱۴۴ و بلندی ۲۰۲ سانتیمتر است . چهارچوب و دماغهٔ آن نیز کنده‌کاری دارد . (عکس شمارهٔ ۱۶۸) این در درایوانـی به‌درازای ۱۳٫۴۳ متر و پهنای ۲۵۲ سانتیمتراست. دوپایه در طرفین ایوان است . بالا و پائین پایه‌ها چهارگوشه و به‌ابعـاد ۸۸ سانتیمتر است . میان پایه‌ها هشت‌ضلعی‌است‌که هرضلع آن یك نیم‌ستون استوانه‌ای‌شکل‌است.هشت ستون‌چوبین سادهٔ چهارسو باسرستون ، میان پایه‌هاست. سقف این ایوان قدیمی، واشان‌کشی‌وپل‌کوبی بادرزپوش زده است. لبهٔ ایوان تکائل چوبین دارد. لبهٔ بالای ایوان سه‌پشته و بام سراسر بنا، سفال‌سر است.

عباراتی‌که برلنگهٔ سمت‌راست درحك شده است :

برپسار بالای این لنگه :

«قوله تعالی‌الله نورالسموات والارض .»

بربائوی سمت چپ همین لنگه :

«مثل نوره کمشکوة ــ فیها مصباح المصباح فی‌زجاجة الزجاجة ــ کانها کوکب دری یوقدمن . شجرة مبارکة .»

بربائوی سمت راست همین‌لنگه :

«زیتونة‌لاشرقیة‌ــ ولاغربیه یکادزیتهایضیء ـ ولولم تمسسه نارنورعلی‌ــ نوریهدی الله لنو.»

برپسارهای میانین همین‌لنگه:

« ره من یشاء ویضرب‌الله الامثال ــ للناس والله بکل شیءعلیم[1] ــ وان یکادالذین کفرو الیزلقونك .»

برپاسار پایین همین لنگه :

«بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه .»[2]

برتنگهٔ بالای همین لنگه :

۱ــ سورة النور ۲۴، آیهٔ : ۳۵.   ۲ــ سورة القلم ۶۸، آیهٔ : ۵۱ .

«حبذا مرحبا ازین استاد که دری اینچنین ز نو بنهاد
از برای دخول اهل صلاح روی دیور مغربی بنیاد
راقم احمد ابن کربلائی سید علی عطار .»

بر تنکهٔ پایین همین لنگه :

«سال تاریخ در تراشیدن از خرد خواستم جواب این داد
حل این نکته ازحسب جمل جوی از باب مغربی زا زاد»

این عبارات بر لنگهٔ سمت چپ خوانده می‌شود :

در پاسار بالای این لنگه :

«اعوذبالله من الشیطان الرجیم .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

« اللهلااله‌الا ـ هوالحی القیوم لاتأخذه سنة و ـ لانوم له مافی‌السموات‌و ما فی‌الارض ـ من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه . »

بر پاسار پایین همین لنگه :

«کتبه العبد المذنب محمد حسین طالقانی فی ۱۲۷۷.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«یعلم ما بین ایدیهم و ـ ومن خلفهم ولا یحیطون بشیء ـ من عدمه الا بماشاء وسع کرسیه ـ السموات والارض ولا .»

بر پاسارهای میانین همین لنگه :

« یؤده حفظهما وهوالعلی العظیم ـ لااکراه فی الدین قدتبین الرشد ـ من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن »[1]

بر تنکهٔ بالای همین لنگه :

«که بنیش ز حاجی رجبعلی‌است بانیش را خدا بیامرزاد
در چوبین که رشک برده از او نقش شاپور وصنعت فرهاد»

---

۱ ـ سورة البقره ۲ ، آیات : ۲۶۱ و ۲۶۲

بر تنکهٔ پایین همین لنگه :

«ب ا ب م غ ر ب ی ز ز ا د

۲ ۱ ۲ ٤ ۱: ۲: ۲ ۱۰ ۱۷ ۷ ۱ ٤

۱۲۷۷ »

روی کلاه چهارچوب در این عبارات حک شده است :

« وانا مدینة العلم وعلی بابها ربنا تقبل منّا انك انت سمیع علیم باعث خیر کهف الحاج حاجی رجبعلی انگرودی فی ۱۲۷۷ . »

سقاخانهٔ بقعهٔ آقا سید حسین

درجنوب شرقی بقعهٔ آقاسیدحسین بنائی مستطیل به درازای ٥ر۱۱ متر و پهنای ۲٦۲ سانتیمتر است که درقسمت شمالی آن سقاخانه‌ای بابعاد ۲۸۲ × ۲۷٥ سانتیمتر بنا شده است. درسقاخانه غربی است و بر بدنهٔ دیوار شرقی ازداخل، چهار مجلس کاشی‌کاری است که رقم سازندهٔ کاشیها وموضوع مجالس بر آنها نوشته شده است. درضلع شمالی وجنوبی بجای دیوار ازدو پنجرهٔ آهنین قدیمی استفاده شده است.

چهار کنج بنای سقاخانه، چهار ستون‌نما ازکاشی است ودر دوطرف سقاخانه نیز نظیر این ستون نماها، دو ستون‌نمای دیگر است. (عکس شمارهٔ ۱٦۹) این ستون نماها از چهار قسمت کاشی ساخته شده‌اند. نزدیك به در سقاخانه، حوض آبی مستطیل شکل برای استفادهٔ عموم ساخته‌اند.

مجالسی که برکاشیها نقش شده و شامل چهار مجلس است، در دو ردیف بردیوار چسبانیده شده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۷۰)

برمجلس سمت راست ردیف بالا این عبارات خوانده می‌شود :

« قتلگاه ونعش شهدا – آمدن شیر سر بالین کشته‌ها – حضرت سید الشهدا – سر نعش علی اکبر – عرب شتر سوار – قاصد مدینه – بانی خیر حاجی علی آش‌پز. »

برروی کاشی دیگر این عبارات نوشته شده است :

« هوالله رقم عبدالله سنه ۱۳۲۰. »

برمجلس سمت چپ ردیف بالا این عبارات نوشته شده است :

« ماه بنی‌هاشم - ابوالفضل العباس- خیمه‌گاه حسین - امام‌زین‌العابدین. »

برمجالس پایین این‌عبارات خوانده می‌شود :

« رفتن سلطان قیس به‌شکار عمل استاد آقائی ـ شمایل سیدالشهدا و درویش کابلی- عمل استاد آقائی نقاش. »

بردو کاشی دیگر :

« بانی‌سقاخانه غلام حضرت عباس‌حاجی‌علی‌آشپز بتاریخ یوم یکشنبه غره ذی‌القعده لوی‌ئیل ۱۳۴۱. »

برسنگ مرمر کوچکی به‌پهنای ۲۳ و بلندی ۲۹ سانتیمتر که داخل حوض سقاخانه‌بود این‌عبارات که پاره‌ای از آن را تراشیده بودند، خوانده می‌شد :

« هو

وقف مؤبد نمود حاج‌علی.... حسینیه وعباسیه وغریب‌خانه را وقف....

ایدم .... با ورثهٔ خود قرار داد فی‌شهر محرم الحرام ۱۳۲۰. »

سقف سقاخانه را ازداخل با شیرسر جمع‌کرده بودند وپس‌ازنصب سه چهار ردیف شیرسر، برآن طاق زده بودند.

مقبرهٔ خانوادگی منجم‌باشی
درجنوب صحن بقعهٔ آقا سید حسین

بنای اصلی این مقبره چهار طاقی‌است که‌ابعاد آن ۳۰۵ × ۲۸۲ سانتیمتر است. عمق درگاههای چهارطرف ۸۶ سانتیمتر وطاق آنها جناقی است وبرروی جناقهای درگاهها، طاق عرقچینی توسری خورده‌ای زده‌اند. جلو بنا قبل از در ورودی اصلی، ایوانی به‌عرض ۱۴۰ سانتیمتر بوده که درحال حاضر به‌مقبره اضافه

شده است. این محل از قدیم محل اجتماع اهل علم لنگرود بوده وامروز نیز چنین است .

دراین مقبره دوسنگ قبر بردیوار نصب است . یکی از آنها به‌پهنای ۲۸ و بلندی ۱۰۴ سانتیمتر است که بربالای آن «هوالحی الذی لایموت» و ده بیت شعر عربی بر آن است ومورخ ۱۱۷۷ است. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.

برسنگ قبر دیگری که مورخ ۱۱۸۶ است، شش بیت شعر فارسی باقافیهٔ «باء» دردوازده قسمت حک شده‌است. بربالای آن «قل‌هوالله - تا- کفواً احد» وبرحاشیهٔ سمت چپ «اللهلااله‌الا- تا - هوالعلی‌العظیم» وبرحاشیهٔ سمت راست «صلوات‌کبیر» خوانده می‌شود .

احکام ومدارکی که دردست آقای برکاتی متولی کنونی بقعهٔ آقا سید حسین است

حکم برگذاری تولیت بقعه به‌حسین خادم

«چون تولیت وخدمتگذاری آستانهٔ متبرکهٔ آقا سید حسین و آقا سیدابراهیم علیهما الرحمه مفوض بمرحوم مشهدی علی وطایفهٔ او بود این‌اوقات‌که مشارالیه برحمت ایزدی پیوسته لذا عمل‌تولیت وخادمی بقعهٔ متبرکه را برگذار بحسین خادم پسر عموی مرحوم مشهدی علی نموده ازقرار این حکم باید مشارالیه ازروی حسن عقیدت وراستی و صداقت و نیکی ذات بعمل خدمتگذاری این بقعهٔ متبرکه اقدامات وافیه مرعی داشته بهیچوجه تعلل وتسامح جایز ندارد آنچه ازوجوهات بریه ونذورات را بعدازمصرف لازمهٔ بقعهٔ متبرکه بقیه بصرف مخارج عیال [و] اطفال صغار آن طایفه ومرحوم مشهدی متولی برساند مقرر اینکه عالیجاه آقابزرگ‌کدخدا بطوریکه دراین ورقه مسطور ومرتسم است کمال مراقبت واهتمام را دربارهٔ حسین متولی بعمل آورده‌که در

خدمات آستانهٔ مبارکه وسایر لوازمات خادمی و نظافت صحن وجاروب-کشی وغیره بهیچوجه تعاون و تقاعد نورزد و آنچه تحصیل می‌کند بعد ازمصارف لازمهٔ مقرر بخرج منابر برساند بطوریکه قلمی‌شده‌است.... کوتاهی نورزد فی ۱۲ شهر جمادی‌الاول سنهٔ تنگوزئیل ۱۲۰۷.»

درپشت حکم مهر «منجم باشی» خوانده می‌شود.

حکم برگذاری تولیت آستانهٔ آقا سید حسین بهملامحمد حسن

«غرض ازتحریر این نمیقه وباعث برتسطیراین وثیقه آنست چون امر تولیت آستانهٔ متبرکه و مزار ذوی‌الاقتدار آقا سید حسین رحمه‌الله تعالی واقعه در محلهٔ فوشکالی جوار رودخانهٔ فرضهٔ لنگرود مفوض بمرحمت و غفران‌پناه رضوانجایگاه جنت آرامگاه ملا محمد مهدی شیخ‌الاسلام طاب‌ثراه وجعل الجنة مثواه شده مادام الحیوة در شغل تولیت مزبوره اشتغال وضبط وربط حاصل وقفیات آنرا ساعی بعداز ممات او بولد ارشد و ازهد او عالیجناب شامخ الالقاب علامی‌مطاعی آخوند ملامؤمن دام فضله تفویض از اینکه عالیجناب سابق الالقاب ارادهٔ تحصیل‌علوم دینیه ومعرف یقینیه‌داشته‌تولیهٔ مسطوره‌را بمرحوم مغفور آقا محمدجان اخ عینی خود واگذاشته بود و در این روزها آقا محمد جان رحل اقامت بجنة المأوی انداخته و عالیجناب معظم‌الیه باستصواب وصلاح علما وفضلا واهالی این ولا تولیهٔ مزار مزبور ووقفیات آنرا به‌برادر عینی‌خود ملامحمد حسن تفویض‌نموده و آقا احمد اخ عینی خودرا هم ازقبل خود امین و قیّم شرعی گردانیده که بضابطهٔ حساب وشرع مستطاب درتعمیر عمرت مزار ذوی‌الاقتدارو ضبط و ربط وقفیت مزار ساعی بوده حق التولیة را صرف خود نموده از جادهٔ شرعمصطفوی تجاوز ننمایند باسترضای جمیع اهل این ولا

مراتب مزبوره بوقوع پیوست چنانچه احدی دراین باب متعرض اخوان مزبورگردد مستوجب سخط وغضب الهی ولعن ونفرین حضرت رسالت پناهی خواهد بود تحریراً فی ۱۵ شهر ربیع‌الاول مطابق بهذه السنه پیچیں سنه ۱۲٤۰ محل مهر مرحمت وغفران پناه
آقا محمدشفیع امام.»

برحاشیهٔ بالای همین حکم برگذاری، این عبارات خوانده می‌شود:
«بسم‌الله تعلی مضمون الکتاب مقرون بالصدق والصواب ومعینة فی‌هذا الباب ممدوح عند اولی‌الالباب بل‌ماجورومثاب لدی المسبب‌الاسباب‌و متعرضه ومزاحمه معذب فی یوم الحساب حرره. محل مهرغفران پناه جنت‌آرامگاه ملامحمد شفیع امام.» باشهادت نه‌تن دیگر.

سفارش‌نامه‌ای از نصرالسلطنه به‌منجم‌باشی حاکم رانکوه و لنگرود دربارهٔ آقا شیخ حسین متولی و خادم آستانهٔ آقاسید حسین علیه‌الرحمه

« جناب جلالتمآب آقای منجم‌باشی حاکم رانکوه ولنگرود دام مجده نظر بسجلات واحکام علماءِ اعلام کثرالله امثالهم ازقدیـم جدید تولیت بقعهٔ متبرکه ومزار پرانوار آقا سید حسین علیه‌الرحمه اباً عنجد آقا شیخ حسین بوده‌است ازآنجائیکـه مشارالیه دراین امـر پدر برپدر ذوی‌الحقوق وبسیار معیل ومعسر[و] پریشان است‌کماکان تولیت بقعهٔ مـزبور باید بشیخ حسین باشد شماکمال تقویت را دراین باب مرعی داشته ونگذارد از احدی نسبت به‌او تعدی شود مشارالیه هم باید در نهایت خدمتگذاری درتعمیر وتنظیف بقعهٔ متبرکه قیام و اقدام نماید زیاده چه‌نگارد فی ۱۳ شهرجمادی‌الاول تنگوزئیل ۱۳۱۵ .»

درپشت نامه مهر «نصرالسلطنه» خوانده می‌شود.

منزل دریابیگی
در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود

درکنار رودخانهٔ لنگرود، کنار جادهٔ عمومی، دیواری آجری و بلند که دو طرف آن به دو بنای برج مانند ختم می‌گردد دیده می‌شود در نیمهٔ بالای این دیوار ارسیهای متعدد به‌چشم می‌خورد که پنجره‌های طبقهٔ دوم اطاقهای حواشی وخدمتگزاران است . دو در بزرگ چوبی با گل‌میخها و کوبه‌های قدیمی دراین دیوار نصب شده است. هردو در پس‌از گذشتن‌ازدالان وهشتی کوچکی به‌حیاط راه دارد. هنگامی که داخل حیاط می‌شویم بنای‌اصلی و اربعت‌نشین این‌خانه درمقابل چشم شما قرار می‌گیرد.(عکس‌شمارهٔ۱۷۱)این‌بنا شامل‌دوطبقه وهرطبقه سه‌اطاق داردکه اطاقهای وسط این دوطبقه شامل تالار و شاه‌نشین است . جلو هردوطبقه نیز ایـوانی چوبی بالتازه‌ای ظریف بناشده‌است. نقشها ونقاشیها وارسیها وگچ‌بریهای تالار وشاه‌نشین طبقهٔ دوم ازشاهکارهای هنری دوران قاجاری است . (عکسهای شمارهٔ ۱۷۲و۱۷۳) اینك شرح این قسمت ازبنا :

تالار وسط به‌درازای ۶۴۰و پهنای ۴۲۵سانتیمتر وشاه‌نشین این‌تالار به‌درازای ۳۱۰ و پهنای ۱۹۸ سـانتیمتر است. طاق شاه‌نشین سراسر مقرنس‌کاری وطرف مقابل آن سه طاقچه وطرفین راست وچپ آن هریك دو طاقچه دارد . بر دوقسمت دیوار تالارکه درطرفین شاه‌نشین قرار می‌گیرند، دو طاقچه است‌کـه داخل آنها دوآئینه نصب شده است . این اشعار باخط خوش نستعلیق برحاشیهٔ سمت چپ آئینهٔ سمت راست و حاشیهٔ سمت راست آئینـهٔ سمت چپ از داخل روی شیشه نـوشته شده و برطرفین آئینه نصب شده است :

« ای روی تـو آفتاب ثانی — وصل تـو نهایت امـانـی
در یکنظر تـو مختصر شد — مجموع مـراد دو جهـانـی
ازحسن تو چون کنم عبارت — کز هیچ صفت بیان نداری »

برحاشیهٔ بالای آئینهٔ سمت راست و آئینهٔ سمت چپ این بیت دیده می‌شود :

«جمالت آفتاب هر نظر باد [تو]خوبی‌روی‌خوبت‌خوبتر باد»

برحاشیهٔ پایین آئینهٔ سمت راست و آئینهٔ سمت چپ این بیت نوشته شده است :

«دلی کو عاشق رویت نباشد همیشه غرقه درخون جگر باد»

برحاشیهٔ چپ آئینهٔ سمت چپ وحاشیهٔ راست آئینهٔ سمت راست این ابیات نوشته شده است :

«ای خلعت ملك برتو زیبا وی غرّه دولت از تو غرّا
وی دیدهٔ نو عروس دولت برشکل و شمایل تو شیدا
انوار شکوه شهریاری برروی مبارك تو پیدا»

درمیان دوپهنای تالار، دو در ورودی دولختی است که روی آنها پرندگان و گلها بارنگ وروغن نقاشی شده‌اند.(عکس شمارهٔ ۱۷٤) بردوطرف هریك ازاین درها دوطاقچه است که داخل آنها آئینه‌ای به‌بلندی ۸٦سانتیمتر وپهنای ٤٦ سانتیمتر باقابی‌چوبین ازچوب‌آزاد، نصب شده‌است . دیوارهای تالار و شاه‌نشین ازیك متری دیوار به‌بالا، نقاشیهای ظریف وهنری بارنگ‌و روغن دارد. ازقرارمعلوم یك متر پائین دیوارها نیزچنین نقش ونگاری داشته که براثر تعمیر ازمیان رفته است .

گیلوئی تالار ، مقرنس‌کاری ظریف است وبرطاق تالار پس از لمبه‌کوبی پارچه‌ای‌که کمی‌ازعرض وطول تالارکوچکتر است چسبانده وبرآن نقاشی‌کرده‌اند. بالای درهای ورودی طرفین تالار، برروی طاق ، عکس دومرد جوان خوش صورت بالباسی‌بلندکه تاجی برسردارند دیده می‌شوند. در دست یکی‌ازآنها جامی‌شراب و دردست دیگری گلی است .

بعدازاین دوصورت دریك طرف طاق صورت دوزن ودومرد جوان زیبا روی است . زن طرف چپ دسته گلی دردست دارد ومرد طرف چپ فنجان کوچکی از

قهوه در دست راست و گلی در دست چپ دارد. مرد سمت راست بیاضی از غزل در دست راست دارد و دست دیگر را به‌کمر زده است و مشغول غزلخوانی است و زن سمت راست آئینه‌ای به‌دست دارد و روی زیبای خود را در آئینه نگاه می‌کند.

ارسیهای تالار شامل پنج قسمت دوتکه‌ایست و متن ارسیها مشبك کاری ظریف است که درفواصل آنها شیشه‌ه‌ی رنگین بسیار زیبا و خوش‌رنگ، قرارداده شده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۷۵)

بسیار بجاست که مسؤولان امر، با خرید و تعمیر این بنا، آن را ازخرابی و ویرانی که روی در آن دارد، نگاه دارند.

منزل قدیم منجم‌باشی در فشکالی محلهٔ لنگرود

بنای منزل منجم‌باشی‌را اگر نتوان زیباترین بنای رانکوه دانست، می‌توان آن را زیباترین بنای لنگرود خواند[1]. خانه‌ای بسیار وسیع است و طویله‌های بسیار بزرگ دارد. محلی‌برای تابستان نشین، مسلط برسبزه میدان بناکرده‌اند که بر بالای ستونهای چوبین استوار است و بامی سفال‌سر دارد.[2]

ساختمان اصلی این منزل را حاجی‌آقابزرگ منجم‌باشی برپاکرد. درآتش‌سوزی قبل‌از سلطنت فتحعلی شاه درلنگرود، بنای مذکور نیز طعمهٔ حریق شد و خرابه‌های آن اکنون درصحن بنای کنونی است. حاجی‌آقا بزرگ پسری به‌نام میرزا عبدالباقی منجم‌باشی داشت. این‌مرد داماد فتحعلی‌شه بود و یکی ازدختران اورا به‌حبالهٔ نکاح درآورده بود. از این ازدواج، میرزا مهدی خان منجم‌باشی پای به‌عرصهٔ حیات گذاشت. قسمتی از بنای کنونی را پس از آتش‌سوزی، همسر میرزاعبدالباقی یعنی دخترفتحعلی‌شاه ساخت وقسمت‌دیگرآن را میرزامهدی خان بنا نهاد، این دوقسمت متصل بیکدیگرند. این بنا، بنائی عظیم و دوطبقه است.

---

۱ ــ به‌نظر نگارنده خانهٔ دریابیگی بمراتب از خانهٔ منجم‌باشی زیباتر بوده است.
۲ ــ گیلان‌درابینو، ص ۳۴۳.

دراطاق شمالی طبقهٔ دوم آن دودر ارسی ظریف در دیوار شمالی وشرقی است. این دوارسی آلتهای ظریف وشیشه‌های رنگین زیبا دارد. (عکسهای شمارهٔ ۱۷۶ و۱۷۷)

سردر ورودی این خانه را میرزاموسی منجم‌باشی که رئیس قشون ومنجم‌باشی نایب السلطنه عباس میرزا بود ساخت. (عکس شمارهٔ ۱۷۸) قسمتی از بنای خانهٔ منجم‌باشی نیز به‌دست میرزا عیسی‌خان - پسر میرزا مهدی‌خان منجم‌باشی - ساخته شده است. این قسمت از بنا که درطرف دست راست کوچهٔ میان دو بنا قرار می‌گیرد، پس‌از میرزا عیسی‌خان به‌حسین فرشود وپس‌از او به‌دخترش ایران خانم فرشود می‌رسد. خانم نامبرده این قسمت از بنارا به‌ادارهٔ آموزش وپرورش فروخت. آن اداره این بنارا اختصاص به‌دبستان دخترانهٔ پرتو داد وخانم نامبرده فعلا مدیرهٔ این دبستان است. این بنا نیز دوطبقه است و درطبقهٔ دوم آن سه‌اطاق است. این اطاقها دارای آلتهای بسیار ظریف و شیشه‌های رنگین زیبا هستند که باقیماندهٔ پنجره‌های ارسی قدیمی آنها است. (عکسهای شمارهٔ ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱) یکی از اطاقهای شمالی‌پنجره‌های ارسی باشیشه‌های رنگین زیبائی دارد. (عکس شمارهٔ ۱۸۲) سقف این اطاق قاب بندی ده سانتیمتر درهفده سانتیمتر تقریب است که بر هر یك نقش‌گلی است. درمستطیل وسط طاق، قابی جداگانه به‌درازای ۱۳۵و پهنای۸۰ سانتیمتر است که میان‌آن، دونقش تکراری ازدختر وپسری زیبا روی است ووسط این دونقش، شکل خورشید ترسیم شده است. (عکس شمارهٔ ۱۸۳)

حمامی‌معروف به‌میرزااحمدی درشمال‌غربی‌این‌خانه‌است‌که حمام‌خانوادگی منجم‌باشی بوده است. این حمام شامل سر بینه، گرمخانه ودو خزینهٔ‌کوچك آب سرد وگرم است. دور حمام و دورسربینه، ازاره‌ای از کاشیهای شمایل‌دار دوران قاجاری است‌که نسبةً ظرافتی دارد.

قسمتی ازبنای اصلی منجم‌باشی متعلق به‌آقای عیسی مسیحا است‌که درهای آن بسته بود ونگارنده نتوانست داخل‌آنرا ببیند. این قسمت از بندگویا تزئینات فراوانی دارد.

فرمانهای قاب‌شده در تالار پذیرائی

منزل منجم‌باشی

فرمانی از فتحعلی شاه قاجار

« بسم‌الله تعالی شأنه العزیز[۱]

الملك لله

سلطان صاحبقران

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی[۲]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز[۳] که عالیجاه رفیعجایگاه عزت وسعادت همراه فضیلت وکمالات دستگاه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت آگاه مقرب‌الخاقان فدوی قدیمی حاجی آقا بزرگ منجم‌باشی نـ یب گیلان بعواطف‌خاطر پادشاهی‌مفتخر ومباهی بوده بداندکه عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادت همراه مجدت و نبالت انتباه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت آگاه مقرب‌الخاقان اجل‌الخواص معتمدالدولة العلیه ـ العالیه منوچهرخان که شرفیاب حضور آفتاب ظهور گردید کیفیت اوضاع و قرار ومدار امور را مفصلا معروض خدمت همیون داشت و مراتب‌کارگذاری وکاردانی‌آ نعالیجاه فدوی در مجاری خدمات حجة طهور یافت وبروثوق و اعتماد خاطر همیون بحسن کفایت و کفالت آ نفدوی افزود و از قراری که معروض داشت فدوی مشارالیه و آن فدوی را از بابت تنخواه دیوان وحجتهائیکه ازحکام گرفته‌اند خاطر۔ جمعی حاصل آمده‌است فرامین مطاعه درتأکید سرانجام وجوه‌دیوان و

۱ـ این قسمت زرانـدود است. ۲ـ این بیت بـرمهـر فتحعلـی شه است.
۳ـ این قسمت زراندود است.

وصول و ایصال آن بهریك از عالیجاهان حکام و مباشرین شرف صدور یافت که در قسطهای مقرره باطلاع و استحضار فرزند مسعود والـی گیلان وآنفدوی ایفاد دارند بامرآنفدوی مراقب بوده نهایت قدغن و اهتمام معمول دارد که تنخواه دیوان بتعویق نیفتد وهریك از قسطهای مقرر واصل و عاید شود اشفاق شاهانه را دربارهٔ خـود بسرحد کمـال دانسته بانهیت استحضارمشفول مناظم مهمات مرجوعه گردیده باشد و مستدعیاتی که داشته باشد عرض .... التفات مشمول بعزّ انجاح وشرف اسعاف مقرون داند و در عهده شناسد تحریراً فـیشهر جمیدیالاول ۱۲٤۰».[1]

فرمانی دیگر از محمدشاه قاجار

«بسمالله تعالیشانه العزیز[2]

الملك لله

محمدشاه غازی صاحب تاج و نگین آمد

شکوه ملك وملت رونقآئین ودین آمد ۱۲۵۰

الملك لله تعـالی شانـه العزیـز[3] آنکـه چون اکنـون کـه بتأئید آفریدگـار انجم و افـلاك و تأثیر سیر اجرام تبناك نیّر عالم افروز سلطنت عظمی را از مطلع کشورگشائی آغاز نـورافشانی است و اشعهٔ آفتـاب خلافت بیخلاف در قطع مدارات عدل و انصاف غیرتافـزای سعود سیارات آسمانی اگرآسمان ذاتالبروج است در عـروج اختر اقبال مابذروهٔ رفعت و اعتلا از مجرّه کمر اهتمام بر میان بسته و اگر زمین با تمکین است مکمل تقـدیر دولتاند اتصال را علی الاتصال در مرصد حصول آمال مترصد نشسته شمشیر شعرا شعاع جنودانجم خیر شهریاری در عرصهٔ جهانگیری شعری شعار مـعروف و مشتهر و سپاه

۱ـ این فـرمـان برکاغـذی ساده و بـه انـدازهٔ ۴۱×۳۲ سانتیمتـر است .

۲و۳ـ این دوقسمت زرانددود است.

ثوابت شمار پدشاهی درسیر منازل منازلت و مجاهدت ستاره آثر سیار ساحت هفت کشور آمده ما را که مهبط اینگونه تأئید و مطرح اضواء عنایات خداوند مجیدیم درحذای عطایای خدائی و ازای مؤیدات کبریائی منظور انظر خورشید بها و مکنون خاطر ساطع الضیاکه ضیاافزای اقطاع و اصقاع و از غایت بها و ضیا اظهر من الشمس علی اعلی هزارات الارتفاع است آنستکه از موالیان دولت روزافزون و پرودگان شوکت ابدمقرون آنکه از مساعدت اختر ساعد و معاونت طالع مساعد دست تمسکشان بعروة الوثقی این همیون دولت استوار وطریقهٔ سیره خدمت و بندگی را باقدام صداقت رهسپار باشند مدارج اعتبارشان را از تفویض مناصب منسب افزائیم و در تسعید ساعات روزگارشان دقایق التفات متداول فرمائیم ترسیم رقوم این احکام و ترقیم رسوم این ارقام تقویم و تحریر احوال سعادت مآل عالیجاه رفیع جایگاه عمدة و سعادت همراه فضیل و کمالات اکتناه مجدت و مناعت انتباه صداقت وعقیدت آگاه نجم سماء فضل و دانش و اختر باضیای برج کمال و بینش نتیجة الاعاظم والافاخم مقرب الخاقان میرزا عبدالباقی منجم باشی است که ابا عن جد صفحات خدمت این دولت سدبدرا برقوم صداقت و دولتخواهی موشح و مرقوم داشته و خلفاً بعد سلف از جدول مستقیم رأس پای خلاف بیرون نگذاشته معانی کمالات صوری و معنوی را در صورت استعداد کامل ظاهر کرده و معالی نسب با محاسن حسب برحسب قابلیت در پیشگاه قبول خاطر اقدس ما مجتمع آورده ولهذا اجزای حقوق خدمات قدیم در حق مشارالیه ملزوم همت حق شناس و تجدید التفاتی جدید دربرهٔ او منظورنظر مهر التباس آمده درهذه السنه پیچی ئیل خجسته دلیل و مابعدها او را کماکان منجم باشی دیوان قدرنشان فرمودیم و از توکیل منصب مزبور که از قرار فرامین خواقین جنت

مکین مبرور و خاقان مغفور نوّرالله مضجعهم بحکم وراثت و استحقاق قابلیت اورا مسلم بوده مایهٔ اعتبارش را افزودیم مواجبی که از دیوان اعلی در وجه مرحوم حاجی آقا بزرگ منجم‌باشی سابق والد عالیجاه مشارالیه مقرر بوده کمافی‌السابق اورا مخصوص داشتیم وقرا ومزارعی که از ملکی و موروثی متصرف بوده‌اند بدستور باز گذاشتیم که بی تحمیل جدید منافع را صرف مخارج خود و دیگر ورثه نماید و مواجب مقرره را بجهة خود بازیافت نموده از روی فراغت خاطر به لوازم خدمت مزبور اقدام و اهتمام معمول دارد مقرر آنکه صدور انجمن وزارت و اولیای دولت ابد آیت مستوفیان دیوان و نایب و دبیران دارالانشای درایت مقرران نظام‌عساکر و محرران دفترخانهٔ‌قدر مراتب مقرب‌الخاقان مشارالیه را منجم‌باشی باستقلال دانسته در لوازم احترام و توقیر مشارالیه تقصیر جایز ندانند و هرساله مواجبی که در وجه منجم‌باشی مقرر است رسانیده شرح فرمان را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نمایند و از نوایب تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند فی‌شهر جمیدی‌الثانی ۱۲۵۲.[1]

فرمانی دیگر از محمدشاه قاجار

«هوالله تعالی شأنه العزیز»[2]

محمد شاه غزی صاحب تاج و نگین آمد
شکوه ملك وملت رونق آئین و دین آمد[3]

۱۲۵۰

هوالله تعالی شأنه‌العزیز[4] که سرحدات و ثغور دولت جاوید آیات

۱ــ این فرمان با حاشیه بندی گل وبوته‌دار اسلیمی زراندود و باندازهٔ ۷۰×۵۰ سانتیمتر بر کاغذ سمرقندی تحریر شده است.
۲ــ این عبارت زراندود است.
۳ــ این بیت بر مهر محمدشه حك شده‌است.
۴ــ این‌عبارت زراندود است.

ابـدی علامات مملکت ایران زمین بکفالت و ایـالت سرحدداران و حکمرانان ممالك... [1] چون سدی محکم ومتین است که قضاء مبرم از آن‌سو گذرکردن نتواند و دست برحوادث دوران... [2] کـه سـدی استوار و بنائی برقرار است یاجـوج فتنه چون شخص ستم در زنجیر است و از هرثغری از ثغور که سد سکندری باستحکام و انتظامش اگر لاف برابری زند چون نقش برآب و خانهٔ حباب بی‌پا و بـی‌ثـبـت مأجوج شرّ و الم دستگیر واسیر خاصه سرحد گیلان که از حـدود و ثغور معتبر دولت جاوید مأثور ایرانست عامه‌آن مرز و بوم کائناً من کان از طلبه علوم وعمله رسوم و عالم فـاضل ومفتی مقبل و خـواقین صداقت‌آئین و ارباب حرف و سکان هرطرف مغمور الطاف و معمور اعطاف‌حضرت‌اقدس همایون ما میباشند بناءً علی‌هذا المراتب مرزبان دارالمرز گیلان بندهٔ بـاید که بفرّ فطنت و فرط کفیت وحسن درایت متحلی و بـرزانت رأی و حصافت عقـل و سجاحت خلق و سمـاحت طبع متجلی باشد تا تکفل این شغل جسیم و تقلد ایـن مهم عظیم را بوجهی نیکو و طرزی پسندیده ازعهده برآید و در معرض اشغال و اعمال دیوانی بزرگان‌آن خطه وحاکمان آن نواحی سمت خدمت اورا ارتسام نموده اطاعت او را الـزام نمـایند از بنـدگان حوزه دیـوان چاکری که باین دلایل موشح و بندهٔ که باین مخایـل مـزیـن است عالیجاه رفیعجایـگاه مجدت ونبالت اکتناه شهامت و نباهت‌انتباه اخلاص و ارادت آگاه فدوی آزادهٔ دولت ابد بنیان مقرب‌الخاقان میرزا عبد ـ الباقی منجم‌باشی است که اصالةً وکفالةً و کفایةً و درایةً تمیمـات مذکوره و علامات مشهوره اختصاص یافته و از بدو چاکـری در حجر ارادت‌نما نموده و بیمن عاطفت مـ متربی شده محض آسایش و رفـاه

۱ و ۲ــ دراینجا فرمان پارگی داشت و چندکلمه خوانده نشد.

حال اهالی گیلان در هذه السنه فرخنده قوی‌ئیل اورا به ایالت و حکمرانی دارالمرز گیلان سرافراز و سربلند فرمودیم که در اسعاف اهواء واستمالت دلها و ترفیه قوافل وتنظیم سواحل وتعمیرعمارات و تشخیص مآلات و تنسیق امور جمهورآ نسرحد سعی وافی و جهد وافر مصروف دارد و حسن ایالت وعدالت و رعیت‌داری خودرا در پیشگاه حضور بمنصهٔ ظهور رساند و بر اعتماد خاطر و الطافات ظاهر شاهنشاهی در حق خود بیفزاید مقرر آنکه قاطبهٔ سکان گیلان از وضیع و شریف و غریب و بومی عالیجاه مشارالیه را حکمران خود دانسته اوامر ونواهی او را متابع ومطاوع بشند ودر عهده شناسند حرر فی شهرصفر سنه ۱۲٦٤.»

فرمانی دیگر از ناصرالدین‌شاه قاجار

«بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز
الملک‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت[1]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز که چون عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت و نجدت ....فضایل وکمالات اکتناه فخامت و مناعت انتباه عمدة‌الاعاظم و الاشباه مقرب‌الخاقان میرزا عبدالباقی‌منجم‌باشی اباًعنجدٍ درین دولت جاوید مدت از روی راستی و صداقت خدمت نموده وطریق عبودیت‌و بندگی را به قدم ارادت پیموده و همیشه پدر بر پدر در این شوکت قوی مکنت از همگنان برتری داشته و از اعطای مناصب عالیه سر

۱ـ این بیت بر مهر ناصرالدین‌شاه حک شده است.

مفاخرت بعرش اعلی می‌افراشته‌اند خود او نیزسالهاست کـه بخلوص نیت خدمت میکند ودر شاهراه چاکری با حسن عقیدت وصفای‌طویت قدم میز ند لهذا حقوق خدمات قدیم در حق عالیجاه مشرالیه ملـزوم همت حق‌شناس حضرت اقدس همایون ما آمده در هذه السنه مبرکـه تخاقوی‌ئیل خیریت تحویل و مابعدها کماکان اورا منجم‌باشی دیوان قدرنشان فرمودیم و از توکیل منصب مزبور کـه از قـرار فـرامین خواقین جنت‌مکین مغفور و شاهنشاه مبرور اناراللّٰه بـرهانهم بـحکم وراثت و استحقاق اورا مسلم بود پایهٔ اعتبارش را افـزودیم و مواجبی که از دیوان از بابت مواجب والدش مرحوم حاجی آقابزرگ دروجه عالیجاه مشارالیه مقرر بود کماافی‌السابق اورا مخصوص داشتیم قـرا و مزارعی هم‌که‌از ملکی و موروثی متصرف بوده‌اند بدستور بازگذاشتیم که بی‌تحمیل جدید مداخل و منافع را صرف مخارج خـود سازد و مواجب مقرره را نیز دریافت نموده از روی فراغت خطر بلـوازم و مراسم‌خدمت محوله پردازد مقررآنکه صدور انجمن وزارت‌واولیای دولت ابدآیت مستوفیان دیـوان دیانت و محرران دفترخـانهٔ قدر سرایت مقرب‌الخاقان مشارالیه‌را منجم‌باشی بالانفراد دانسته درلوازم توقیر واحترام وتبجیل[1] واکرام او تقصیر جایز ندارند ومواجب اورا هرساله بنحو مقرر رسانیده شرح منشور قضا مأثور را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نمـوده و در عهـده شناسند حرر فی شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۶.»

برحاشیهٔ سمت چپ همین فرمان این عبارات به خط و امضای ناصرالـدین شاه دیده می‌شود:

«میرزا عبدالباقی منجم‌باشی از نوکران خوب ماست و پدرش حاجـی

۱ـ دراصل: تجبیل.

آقا بزرگ در عهد خاقان مرحوم خدمات زیاد کرده است الطافات ما در حق منجم‌باشی بسیار بسیار است و بهمین منصب که از آبا واجداد ارث داشت سرافراز فرمودیم فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۶۶ ق.[1] امضا

سند دیگری در خانهٔ مرحوم منجم‌باشی است که در آن میرزا عبدالباقی منجم‌باشی مقداری از اراضی دیوشل و چندین فقره جواهرات گران قیمت را به خان بی‌بی‌خانم ملقب به شاه جهان خانم دختر فتحعلیشاه و همسر خود واگذار کرده است . ظاهراً این واگذاری به دستور فتحعلی شاه صورت گرفته است . این احکام و فرمانها را خانم فاطمه ملقب به شوکت‌السلطنه منجمی در اختیار نگارنده گذاشتند. گشاده روئی و مهمان نوازی و محبت ایشان قابل ستایش و قدردانی است . خانم نامبرده اظهار می‌کردند که شجرهٔ خاندان منجم‌باشی را که از زمان شاه‌عباس‌اول سرشناس بوده‌اند ، میرزا کاظم وکیل‌التجار قزوینی خریداری کرد و امروز باید دردست ورثهٔ او باشد.

خشت پل‌لنگرود
بر روی رودخانهٔ لنگرود درفشکالی محلهٔ لنگرود

بر رودخانهٔ لنگرود که عرض آن بالغ بر ۲۷ متر است ، پلی آجری دودهانهٔ بلند زده شده است ، تا دوقسمت شهر را بههم مربوط کند . (عکس شمارهٔ ۱۸۴) این پل به‌نام «حاجی آقا پرد» معروف است واحتمال دارد که حاجی آقا بزرگ منجم باشی این پل را ساخته باشد . بالادست پل آجری ، پلی تخته‌ایست .[2] درسال ۹۱۲ ظاهراً بهجای این پل آجری پل چوبین بوده است . صاحب تاریخ خانی می‌نویسد که زمانی که سلطان هاشم‌را سرباران سلطان احمدخان تعقیب می‌کردند، درلنگرود از پلی‌چوبین گذشت و برای اینکه وقفه‌ای در کار دنبال کنندگان پیدا شود، تخته‌های این پل‌را کشیدند.[3]

۱ـ این فرمان بر کاغذ ابریشمی ساده وبدون حاشیه‌بندی است وبه‌اندازهٔ ۶۶×۴۶ سانتیمتر است. ۲و ۳ـ گیلان در بینو، ص ۳۴۲ متن وحاشیه.

این پل امروز فشکالی محله را به محلهٔ راه‌پشته مربوط می‌کند و برسر راه قدیمی لنگرود به‌لاهیجان نیز بوده است. سطح بالائی پل شامل سه قسمت اصلی است. دروسط سطحی صاف ودر دوطرف شیبی‌تنداست. مجموع طول این‌سه‌قسمت ۳۷ متر است. پهنای پل باجان پناه طرفین ٤٦٥ سانتیمتر و پهنـای جان پناه‌ها ٤٧ وبلندی‌آنها ازسطح پل ٦۰ سانتیمتر است.

دوطرف پل به‌جادهٔ دو طرفه که موازی جریـان آب ست، ختم می‌شود. برای اینکه انتهای دوشیب پل‌برجادهٔ اصلی سوار شود، این جادهٔ دوطرفه را از طرفین سربالا ساخته‌اند. چنین طرحی در هیچیك از پلهای گیلان تا اکنون دیده نشده است.

قطرپل ازآخرین نقطهٔ تیزی طاق هشتاد سانتیمتر و بلندی آن ازسطح‌آب با ارتفاع جهان‌پناه ۹۷۰ سانتیمتر است. باساختن یك پایهٔ اصلی در وسط رودخانه پل را به‌دو دهانه تقسیم کرده‌اند. عرض هردهانه ۱۱متراست.

طاق پل ابتدا زده شده. سپس آجرهائی در امتداد گردش طاق، از طرفین به‌اندازهٔ دوازده سـانتیمتر جلوتر نصب کرده‌اند. چنین به‌نظر می‌رسد که هلال دیگری برروی طاق زده‌اند. پس‌ازآن آجرهارا افقی‌چیده وپل‌را تخت‌کرده‌اند. (عکس شمارهٔ ۱۸۵)

درطرفین‌پایهٔ میانین‌پل، سیل برگردانی مثلث شکل است‌که درازای اضلاع خارجی آن بالغ بر ۳۳۵ سانتیمتر است. قطرپایهٔ پل که متصل به‌قاعدهٔ این مثلث است چهـارمتر و بلنـدی این مثلث ۲۵۰ سانتیمتر است. داخل این پایـه، در ارتفاع سه‌متری، دهانه‌ای باطاق جناقی است‌که پهنـای آن ۱۱۸ وبلندی آن از ابتدای هلال طاق، ۲۰۸ سانتیمتر است. کف این دهانه آجرفرش است.

در بالای همین دهانه، درگاه دیگری است‌که تقریباً به‌همان اندازه است و طرفین آن دوطاقچهٔ بزرگ است. ابتدای این دهانه، درگاه مانند وسپس‌این‌درگاه را جمع کرده وعرض آن را به‌پنجاه سانتیمتر رسانده‌اند. جهت دیگر این‌دهانه

نیز به‌همین‌ترتیب است . بالای دو طاقچهٔ کوچك ، سطحی از آجرهای پل را عقب نشسته‌اند وظاهراً محلی برای کتیبه ساخته‌اند .

پل آجری کوچکی
نزدیك خشت پل بزرگ لنگرود

نزدیك خشت پل بزرگ لنگرود ، برروی نهری‌که فاضل‌آب استخری‌است که‌آب‌آن ازیکی زنهرهای سفیدرود است ، پلی‌آجری‌کوچك ساخته‌اند تامحلهٔ راه‌پشته در امتداد رودخانه راه داشته باشد . طاق این پل خراب شده ودیوارهای دوطرف‌آن‌باقی‌است . ظاهراً حاجی‌موسی نامی ازاهالی لنگرود ، یك‌بار طاق این پل را مرمت کرده است .

مسجد کاسه‌گر محله
درکاسه‌گر محلهٔ لنگرود رانکوه

مسجدکاسه‌گر محله مسجدی‌است نوبنیاد ولی در ورودی‌آن متعلق‌به‌مسجد آبیرام (= آقا بهرام) در سبزه‌میدان لنگرود بوده است که در دوران نوسازی لنگرود یعنی سالهای ۱۱-۱۳۱۰ شمسی ، شهرداری لنگرود این مسجد را مانند گنبد پیربه‌در خراب کرد. در این‌مسجد خراب شده را حجی‌احمدخان پسر آقا بهرام به‌منزل خود برد ومدتی درآنجا نگاه‌داشت. چندی بعدآقای محمدحسین‌زاده بانی خیرشدند ومسجدکاسه‌گر محله را بنا کردند وچون خبرداشتندکه چنین دری درمنزل حاج احمدخان است نزد نامبرده رفتند ودر را طلب‌کردند که‌دراین مسجدنوبنیاد از آن استفاده کنند. حاج احمدخان هم در را به‌ایشان سپردوایشان آن درقدیمی را در ورودی این مسجد کردند.[1] این در شامل دولنگه ویك چهارچوب ویك دماغه است . بائوهای سمت راست وچپ و کلاه چهارچوب بهم‌خورده‌و نوساز است . دماغهٔ در نیز قدیمی نیست . احتمال دارد که بر کلاه چهارچوب در ، تاریخی داشته که فعلا ازمیان رفته است . دولنگهٔ درکنده‌کاری است ، اما

۱ـ این‌جریان را خودآقای محمدحسین‌زاده که‌دوران کهولت راطی‌می‌کردند، گفتند.

تخته‌های مربع شکل داخل تسکه‌ها، بدون نقش است. پهنای این در با در نظر گرفتن چهارچوب ۱۲۵ و بلندی آن ۲۰۰ سانتیمتر است.

این عبارات بر لنگهٔ سمت راست حک شده است:

بر پاسار بالای این لنگه:

«لااله الاالله»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«یا من هورب ـ کلشییء و یامن هواله ـ کلشییء یامن هو ـ خالق کلشییء یامن هو ـ صانع کلشییء.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«یامن هو قبل کلشییء یامن.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه:

«هو بعد کلشییء ـ یامن هو فوق کلشییء ـ یامن هو عالم کلشییء ـ یامن هو قادر علی کلشییء ـ یامن هو یبقی و یفنی کلشییء.»

بر چهار پاسار میانین همین لنگه:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ قل هوالله احد الله الصمد ـ لم یلد و لم یولد و لم یکن ـ له کفواً احد.»

بر لنگهٔ سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای این لنگه:

«محمد رسول الله علیاً ولی الله.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ اللهم انی اسئلك باسمك باالله ـ یا رحمن و یارحیم یاکریم ـ یامقیم یاقدیم یاعظیم یاعلیم ـ یاحکیم [یا] حلیم سبحانك.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«لااله الا انت الغوث.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

« الغوث خلصنا من‌النار ـ یارب یاخیرالفاتحین یا خیرالناصرین ـ یا خیرالحاکمین یاخیر ـ الرازقین یا خیرالوارثین یاخیر ـ الحامدین یاخیرالذاکرین .»

برچهار پاسار میانین همین لنگه :

«اعوذ برب‌الناس ملك ـ الناس من شرالوسواس ـ الخناس الذی یوسوس فی‌صدور الناس من‌الجنة والناس کتبه‌حسین .»

مسجد انزلی محله
در انزلی محلهٔ لنگرود رانکوه

سراسر مسجد نوسازی شده بود واثرقابل‌توجهی نداشت. دری نسبةً قدیمی میان کفش‌کن وبنای اصلی مسجد بود . پهنای‌آن بدرنظرگرفتن چهارچوب ۱۳۰ و بلندی‌آن ۱۷۰ سانتیمتر بود .

این عبارات برلنگهٔ سمت راست حك بود :

برپاسار بالای این لنگه :

«الله لااله الاهو.»

بر بائوی سمت‌چپ همین لنگه :

«الحی‌القیوم لاتأخذه ـ سنة ولانوم له‌مافی ـ السموات ومافی‌الارض ـ من ذا الذی یشفع عنده .»

برپاسار پایین همین لنگه :

«الا باذنه یعلم مابین.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«ایدیهم وماخلفهم و ـ لایحیطون بشیی‌ء من ـ علمه‌الابماشاء وسع کرسیه ـ السموات والارض .»

بر پاسار وسط همین لنگه :

«لایؤده حفظهما وهو .»

این آیات بر لنگهٔ سمت چپ حک شده بود :

بر پاسار بالای این لنگه :

«وهوالعلی العظیم .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«لااکراه فی‌الدین قد ـ تبین‌الرشد من‌الغی ـ فمن یکفر بالطاغوت ـ و یومن بالله فقد .»

بر پاسار پایین همین لنگه :

«استمسك بالعروة الوثقی.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

« لاانفصام لهـ والله ـ سمیع علیم الله ـ ولی‌الذین کفروا او ـ لیاهم الطاغوت .»

بر پاسار میانین همین لنگه :

«باباقنبر (؟) کتبه حسین رمضانعلی ۱۲٦۸.»

مسجد گلشن = مسجد آقا شیخ یحیی در محلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود رانکوه

بنای اصلی مسجد مستطیل شکل است . فیلپائی در وسط بندست وسرکشی چهارسوی پخ‌زده ، برروی فیلپاست . واشانِه‌ی‌سقف بردیوار وسرکش متکی‌است. سراسر سقف پلکوبی بدرز پوش زده است . ایوانی درطرف قبلی بنابوده‌که فعلا جزو مسجد شده است . بام سراسر بنـا سفال‌سر است . در ورودی مسجد قدیمی و پرکار بوده است . لنگهٔ سمت چپ آن به‌سرقت رفته است و لنگهٔ سمت راست را به‌جای لنگهٔ سمت چپ وارونه قرار داده‌اند و اخیراً روی آن رنگ زده‌اند که کار خواندن‌کتیبهٔ آن را بسیار مشکل کرده‌است. این لنگه به‌پهنـای ٦٤ وبلندی

۱۸۷ سانتیمتر است .

آنچه از این لنگه خوانده شد بدین ترتیب است : بر تنکهٔ پایین که روزی تنکهٔ بالا بوده است :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی‌النبی الامّی العربی الهاشمی المکی المدنی القرشی. ..»

بر دنبالهٔ بائوی سمت راست :

«نادعلیا مظهر العجائب تجده‌عون لك فی‌النوائب‌کل هم وغم‌سینجلی.»

بر پاسار پایین همین لنگه :

«بعظمتك یا الله بنبوتك یامحمد بولایتك یاعلی یـاعلی یاعلی ادرکنی بلطفك .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه .

« الخفی من شرّ اعدائی برّی برّی عندك حمدی علیك معتمدی بحـق ایاك نعبدوا و نستعین .»

بر تنکهٔ وسط :

«المسدّد بلمدینه العبد الرسول المؤید المصطفی المحمود حبیب‌الله العالمین المحمود الاحمد ابی‌القاسم محمد اللهم صل‌علی‌سید....»

سنگ قبری قدیمی در گورستان وادی گورستان عمومی شهر لنگرود

سنگی‌رسوبی به‌درازای۸۶ وپهنای۲۵ وبلندی ۳۷ سانتیمتر در این‌گورستان است‌که برسطح بلای‌آن نقش سروحك شده است وبریك بدنهٔ‌کوچك آن‌دوموزه کنده‌اند . حاشیهٔ بالای سطوح‌جانبی سنگ ، حاشیه‌بندی دارد وبریکی‌ازبدنه‌های بزرگ آن یك بیت شعر فـارسی است‌که مصراع اول آن به اشکال بدبن تـرتیب خوانده شد :

«کاش‌کان روز که درپای توشد خاراحل»

داخل سنگ را برای سبک شدن خالی کرده‌اند . نظیر این سنگ درسفید۔ آستانه برسر راه لنگرود به‌کیاکلایه (=شاه‌کلایه) نیز دیده می‌شود .

مسجد آقاشیخ حبیب‌الله
درمحلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود رانکوه

مسجد کوچکی‌است‌که ایوان‌شرقی‌آن نسبةً زیباست. این‌ایوان به‌درازای ۹٫۵ متر و پهنای ۳ متر است . طرفین این ایوان دوپایه است که بدنهٔ آن هشت ضلعی دوبه‌دو برابر است . درمیان این دوپـایه پنج ستون چهارسوی پخ زده بـا سرستون است. سقف واشان‌کشی وواشانها برشیرسرهای دوطرف متکی است .روی واشانها ، پل‌کوبی بادرز پوش‌است . لبهٔ بام چهارپشته ومراسربام‌بنا، سفال‌سراست . درورودی اصلی مسجد دراین ایوان است‌که پهنای آن بادرنظر گرفتن‌چهارچوب ۱۱۵ وبلندی آن ۱۹۰ سانتیمتر است .

این عبارات برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

«الله‌لااله‌الاهو ــ الحی‌القیوم لاتأخذه ــ لاتأخذه[1] سنة ــ ولانوم‌له‌مافی.»

برپاسار پایین همین لنگه وارونه نوشته شده است :

«السموات والارض.»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«من ذا الذی یشفع ــ عنده الاباذنه یعلم ــ مابین ایدیهم وماخلفهم ــ و لایحیطون بشیء .»

بریکی ازپاسارهای همین لنگه باخط نستعلیق :

«انا مدینة العلم وعلی بابها ۱۲۷۰ .»

---

۱ ــ این دوکلمه تکرار شده است.

بر لنگهٔ سمت راست این عبارات خوانده می‌شود :

بر پاسار بالای این لنگه :

«من علمه الا بماشاء .»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه :

« وسع کرسیه السموات [1] ـ ولایؤده حفظهما ـ وهوالعلی العظیم ـ لااکراه فی‌الدین قدتبین »

بر پاسار پایین همین لنگه وارونه حك شده است :

«الرشد من‌الغی فمن یکفر بالط .»

بر بائوی سمت راست همین لنگه :

«و ویؤمن‌بالله فقد ـ استمسك بالعروةالوثقی ـ لاانفصام لهاوالله‌ـسمیع علیم الله ولی.»

بریکی از پاسرهای میانین همین لنگه :

«انافتحنالك فتحاً مبیناً هو ۱۲۷۰ .»

مسجد جامع
درمحلهٔ درمسجد لنگرود [2]

این مسجد دوسه بار نوسازی شده واثر تاریخی قابل توجهی نداشت. بردر سابق آن این دوبیت حك بود :

«مسجدی‌بود سیصدوسی‌سال   که فروریخت از قضای اله
هـاتفی گفت بهر تـعمیرش   که مکان عبادتست اینجاه» [3]

۱ـ کلمهٔ «والارض» ازمتن افتاده است. ۲ـ درگیلان‌درابینو، ص ۳۴۲، نام این مسجد آمده است. ۳ـ این دوبیت ازگفتهٔ آقای برکاتی نقل‌شد.

گنبد پیر بهادر
درمحلهٔ بازار لنگرود نزدیك مسجد حاجی‌علی

گنبد پیر بهادر بنائی مربع‌شکل است‌که بربالای آن گنبدی است‌که‌درحال خرابی‌است . این‌گنبد نزدیك پل‌وطرف راست رودخانهٔ لنگرود است محتمل که این گنبد گور یکی‌ازسادات یاحکمرانان محلی باشد.[1] این‌گنبد نزدیك مسجد حاجی‌علی ، در وسط بازار ، سالها باشالوده‌ای از هم پاشیده باسه‌پایه برپای بود . درسال ۱۱- ۱۳۱۰ شهرداری لنگرود به‌خیال نوسازی، این بنای آجری قدیمی را که گنبدآن دوپوش وگنبد بالائی به‌شکل‌کلاه هشت‌ترك درویشی‌بود ، خراب‌کرد. امروز نشانی ازآن برجای نیست .

مسجد حاجی‌علی (مسجد سر بازار)
درمحلهٔ بازار لنگرود

مسجد نوسازی شده است واثر تاریخی‌قابل توجهی درآن نبود . دری‌مورخ ۱۲۴۱قمری داردکه‌کمی دارای ظرافت‌است . بادرنظرداشتن چهارچوب پهنای آن ۱۵۰وبلندی آن ۲۰۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۸۶)

این عبارات برلنگهٔ سمت راست درحك شده است :

برپاسار بالای این لنگه :

«گشاده باد بدولت همیشه این درگاه.»

برباهوی سمت چپ همین لنگه :

«اللهم یاصانعك ـ کل مصنوع یاخالق کل مخلوق یارازق کل[2] ـ یامالك کل مملوك یانسفکل فارج ـ مهموم یا کل .»

برپاسر پایین همین‌لنگه :

«یا اغنی من‌کل غنی یااجود من‌کل‌کل .»

۱ـ گیلان‌درابینو ، ص ۳۴۳

۲ـ کلمهٔ مرروق ازکتیبه افتاده است .

بر بائوی سمت راست از بالا به‌پایین:

«یا راحم مرحوم مکروب ـ یا ناصر کل مخذول یاساتر کل معیوب و یا کل ـ ملجاکل مطرود یامنهورب‌کل‌شیی‌ء یامن ـ هواله‌کل‌شیی‌ء یا صانع کل.»[1]

بر تنکهٔ بالای همین لنگه:

«اذ مدینة العلم وعلی بابه.»

بر سه پاسار میانین همین لنگه:

«یااقرب‌کل قریب یااعبر من‌کل عبیر یاابصر من کل ـ یااجبر من‌کل جبیر یااشرف من‌کل شریف کل بصیر ـ یاارفع من کل رفیع‌یااقوی من کل قوی.»

عباراتی که بر لنگهٔ سمت چپ درحك شده است:

بر پاسار بالای این لنگه:

«بحق اشهدأن لااله الاالله.»

بر بائوی سمت راست از پایین به‌بالا:

«یامنهو رب کل شیی‌ء ـ یامنهواله کل شیی‌ء یامنهوخالق‌کل شیی‌ء ـ یامنهوصانع کل شیی‌ء یامنهوقبل‌کل شیی‌ء ـ یامنهوبعد کل شیی‌ء.»

بر بائوی سمت چپ همین لنگه، از پایین به‌بالا:

«یامنهوا فوق کل کل ـ شیی‌ء یامنهو عالم کل‌عالم یامنهوقادر کل ـ علی کل‌شیی‌ء یامنهو یبقی‌ویفنی‌کل شیی‌ء ـ یااعلم من‌کل‌علیم.»

بر پاسار پایین همین لنگه:

«الیه کل یامن شیی‌ء یامن یسبح بحمده کل شیی‌ء.»

بر تنکهٔ بالای همین لنگه:

«انامدینة العلم وعلی بابها.»

۱ـ نویسنده و کنده‌کار در نوشتن و کندن این کتیبه‌ها بی‌دقتی نشان داده‌اند.

برسه پاسار میانین همین لنگه :

«یامن خاضع کل شیئ له یامن موکل کل شیئ ـ یامن کل شیئ مسبب الیه یامن خالق کل شیئ ـ یامن قائم کل شیئ به یامن ضار کل شیئ.»[1]

بردماغهٔ لنگهٔ سمت چپ :

«عمل استاد عبدالرحیم ـ بتاریخ شهرشعبان المعظم سنه ۱۲۴۱.»

برمیان کلاه چهارچوب :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم انامدینة العلم وعلی بابها الله محمد...»[2]

مسجد حاجی محمدخان امینی لنگرودی
در راستهٔ زرگرهای لنگرود

مسجد امینی، مسجدی‌است بزرگ وبارونق . درخود مسجد اثری دیده‌نشد. این مسجد را حاجی محمدخان اگنطی (=اگند)[3] امینی‌متوفی۱۳۰۲ شمسی تجدید بنا کرده‌است . درحیاط مسجد اطاقی است‌که مقبرهٔ خانوادگی‌امینی است . سنگی بردیوار این اطاق نصب است‌که این مثنوی برآن حک شده است :

چه ماه قوس آمد بار دیگر	جهان پیر از نو شد مکدّر
خزان بگرفت‌گیتی را درآغوش	شده سرو چمن از غصه مدهوش
عروسان چمن از بیقراری	بتن کردند رخت سوگواری
شدند مرغان زباغ و راغ‌محروم	نیاید صوتشان جز نالهٔ بوم[4]
چه‌گل‌ازگلستان شد صوت بلبل	ازین پس نشنوی در شاخهٔ گل
زمستان این مصیبت سر بدر کرد	به‌فامیل اگنطی هم اثر کرد
همان حاجی‌محمدخان‌که بودی	یگانه خیرخواه لنگرودی
یگانه خیّر از خود بیخبر بود	به‌ایتام زن بیوه پدر بود

۱ـ کلمات درهم‌ریخته ولایقرء است ومفهوم درستی‌ندارد. ۲ـ دنبالهٔ این قسمت خوانده نشد. ۳ـ همان کلمهٔ انگلیسی agent است باتلفظ روسی‌به‌معنی‌نمایندهٔ تجاری.
۴ـ بیتی سست است.

زراه بذل و بخشش بی‌قرین بود | کفش همچون صدف درّ ثمین بود[1]
از آنجائیکه دنیا دار فانی است | فقط اعمال نیکو جاودانی است
شب پنجشنبه کمین آخر شب(؟) | هـزار وسیصد و دو بـرج عقرب
نـدای ارجعی آمد زلـولاك | برفت از این جهـان بانیّت پـاك
ز خود بگذاشت آثری موقر | بنـای مسجد و محـراب و منبر
همیشه نـام او پاینده بـاشد | نمیرد این چنین کس زنده بـاشد

حاجی محمدخان پسری به‌نام حاج حسینعلی محتشم دیوان امینی داشت که او نیز درسال ۱۳۰۸ شمسی فوت ودرهمین مقبره به‌خـاك سپرده شده است . پسر محتشم دیوان ، علی امینی است‌که او نیز درسل ۱۳۳۸ شمسی روی درنقاب خاك کشیده ودرهمین مقبره مدفون است .

زیلوهای مسجد امینی ، دراردکان یزد بافته‌شده وبرحاشیهٔ آنها این‌عبارات دیده می‌شود:

«وقف نمود حـاجی حسینعلی محتشم امینی برمسجد مرحوم حـاجی محمدخان اکنط درلنگرود بسعی حاجی‌آقا علی اردکانی سنهٔ ۱۳٤٦.»

حاجی یحیی پردسر[1]

بررودخانهٔ میان لیالستان ونالکیاشر

راه قدیمی لاهیجان به‌لنگرود ، قبل ازاینکه به‌دستور شه عباس کبیر راه شاهی ساخته شود ، بدین‌قرار بود :

لاهیجان ـ لیالستان ـ نالکیاشر ـ کوشالشـا ـ سیاهکل ده ـ لوکلایه ـ حاجی ابراهیم ده ـ لنگرود .

این پل‌آجری را حاجی یحیی نامی‌بناکرده است . درازای آن ازسرتیزی

۱ـ ابیاتی سست وبی‌معنی‌است. ۱ـ بضم پ وکسر دال.

جناق طاق یازده متر از طرفین است که مجموعاً به‌بیست و دومتر می‌رسد. بلندی تیزی جناق طاق تاسطح آب ۶۵۰ سانتیمتر وعمق آب درتاریخ ۳ر۴ر۵۰ سه متر است. پهنای پل بادرنظر گرفتن پهنای جان‌پناهها ۳۸۳سانتیمتر وپهنای هر جان‌پناه ۳۵ سانتیمتر است. این پل شامل یك دهانهٔ اصلی در وسط به‌پهنای ۹۹۰ و دو دهانهٔ کمکی درطرفین که هر یك به‌پهنای ۲۱۰ سانتیمتر است. سطح پل سنگ‌فرش است. معمار دراول طاقهای دهانه‌را زده وسپس آجرهارا درامتداد آجرهای طاق دوازده سانتیمتر جلوتر قرار داده است. چنین به‌نظر می‌رسد که طاق دیگری برطاق اصلی زده شده است. سپس آجرها را مسطح قرار داده و پشت طاقها را پرکرده است. در دوطرف دهانهٔ اصلی دو سیل برگردان درجهت موافق ومخالف مسیر آب ساخته‌اند. اندازهٔ آجرهای پل، ۴ × ۲۰ × ۲۰ سانتیمتر است. (عکس شمارهٔ ۱۸۷)

بقعهٔ آقاسید حسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ لیالستان لاهیجان[1]

بنای اصلی بقعه مربع شکل وبه‌ابعاد ۵۵۸ × ۵۵۰ سانتیمتر است. چهار طرف ایوان دارد. پهنای هریك از ایوانها ۲۴۰ سانتیمتر است. هرایوان هشت ستون چهارسوی پخ‌زده و لاچ‌لنگری دارد. درهای ورودی بقعه‌شرقی وغربی‌است. بالای در شرقی خفنگی چوبین مشبك ودوصرف در نیز دو خفنگ چوبین مشبك است. برجدار دیوارهای داخلی وخارجی بقعه، مجالس‌نقاشی مذهبی کارمشهدی آقاجان ولد مرحوم استاد غلامحسین لاهیجانی است. صندوقی چوبین و ضریحی مشبك چوبین، درمیان بنای اصلی، مرقدرا پوشانده‌است. سقف بقعه‌واشان‌کشی و لمبه‌کوبی با درزپوش است. سقف ایوانها، واشن‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش زده است. لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بند، سفال‌سر است.

۱ــ این آبادی طرف‌راست رودخانهٔ لنگروداست ودرتقسیمات جزوخاك‌لاهیجان‌است.

درمیان نقاشیهای ایوان این‌عبارات به‌چشم می‌خورد :

«بانی بقعه متبرکه جناب مشهدی سید آقا مباشر ولد مرحوم آقاسید کاظم لیدلستانی یونت‌ئیل سنه ۱۳۲٤.»

درمحوطهٔ بازاطراف بقعه ، درختان آزاد تنومند زیاد است .

علم بندی این بقعه چهارم محرم و علم واچینی عصر دوازدهم محرم است .

بقعهٔ آقاسید محمد مشهور به‌سفید‌آستانه
برسمت راست جادهٔ‌آسفالته دراراضی کیاکلایه (=شاه‌کلایه) لنگرود ۱

در بنای اصلی بقعه ، اثری تاریخی به‌چشم نخورد . سنگ قبر کوچکی در بقعه بود که این عبارات بر آن خوانده می‌شد :

«وفات مرحوم شهربانو بنت مرحوم قربانعلی ۱۲۵۵ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، آفتابه ، قیچی ، دو انگشتر ، بینیکی وهکن وکن .»

درمحوطهٔ بازجلو بقعه ، سنگ‌قبری‌قدیمی‌است به‌درازای۱۷٤وپهنای۵۵ و بلندی۵۰ وقطر۱۰سانتیمتر. میان سنگ را برای‌اینکه سبک شود خالی‌کرده‌اند. برحاشیهٔ بالای آن آیةالکرسی دورتا دور حک شده است. چون سنگ‌راواژگون کرده‌اند وازآن برای‌آبشخور استفاده می‌کنند ، مطالب روی سنگ خوانده‌نشد. (عکس‌شمارهٔ۱۸۸) نظیر این سنگ درگورستان وادی لنگرود نیزدیده شد.

علم بندی سفیدآستانه تابع قصب محلهٔ لنگرود است که درشب هفتم‌محرم علم را می‌بندند . مراسم علم‌بندی درمحلهٔ راه پشتهٔ لنگرود شب هشتم ودرفشکالی محله شب نهم محرم برپامی‌شود .

بقعهٔ آقا سیدجواد بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ مویندان لنگرود

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به‌درازای ۵ وپهنای ٤٫۵ متر. ضریحی

۱ـ درگیلان رابینو ص۳٤۳ ، ازاین بقعه‌یاد شده است.

مشبک چوبین به‌درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۱۸ و بلندی ۱۲۵ سانتیمتر در وسط اطاق است. سرکشی درمیان سقف بقعه‌است که واشانه بر آن متکی‌است. بالای واشانها پل‌کوبی بدرر پوش‌است. بقعه دارای دو در شمالی وجنوبی‌است که هردوبه‌ایوان بازمی‌شود. در دوطرف غرب وشرق نیز ایوان بوده‌است که فعلا جلوآنهرا با آجر چیده و به رواق تبدیل کرده‌اند.

هفت اصله درخت آزاد، درمحوطهٔ باز بقعه است که محیط یکی‌از آنها بالغ بر ۴۶۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ آقا سید کریم
در دهکدهٔ شلمان لنگرود

بنای اصلی بقعه از خارج چهار ضلعی به‌ابعاد ۵۲۵ × ۵۰۰ سانتیمتر است. ضریحی مشبک چوبین از چوب آزاد به درازای ۲۶۰ و پهنای ۱۸۵ وبلندی ۱۷۵ سانتیمتر مرقد را پوشانده‌است. سقف ضریح مسطح و چوبین است. بقعه دارای دو در ورودی درایوان شرقی وجنوبی است. طرف غربی بقعه ایوانی ندارد. سقف ایوانها به‌درازای ۹ متر و پهنای ۱۶۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چهارسوی پخ زده با سرستون است. ایوان شرقی شش ستون، ایوان شمالی پنج ستون وایوان‌جنوبی نیزپنج ستون دارد. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. لتهٔ بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

بقعهٔ آقا شیر ستون‌الدین
در دهکدهٔ شلمان لنگرود

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است. ضریحی مشبک چوبین در میان بناست. دو در ورودی درایوان جنوبی وغربی است. چهار حقنگ چوبین مشبک درچهار طرف بناست. برجدار داخلی وخارجی دیوارهای بنا، مجالس مذهبی نقاشی‌شده و اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی برحاشیهٔ بالای آنهاست. در ایوان جنوبی

سنگ قبری به پهنای ۳۸ و بلندی ۵۵ سانتیمتر قرار دارد که این اشعر بر آن حك است :

« از مدادش اشك حسرت ریزد از چشم دوات
زار می‌نالد قلم از دوریش مانند نی
چرخ کو[ئی] دایماً در قصد جان آدمیست
دست رد نگذارد این نامهربان بر هیچ‌شییء
میدهد این بیوفا تخت سلیمان را بباد
میرباید تاج شاهی از سر کاوس کی
دوش کردم جستجو در خلوت دل هر طرف
از پی تاریخ سال فوت آن فرخنده پی
ناگهان آمد یکیو بهر تاریخ وفات
گفته شد محشور صادق با نبی و آل وی
نشانه‌ها : مهر، تسبیح و شانه . ۱۱۷۲ »

بقعهٔ شاه اولیا
در دهکدهٔ خاله‌جیر لنگرود رانکوه

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است . ستونی قدیمی و قطور از چوب آزاد در میان بناست . پائین آن چهارسو و میان آن هشت‌ضلعی است و سرستونی درازو جالب نظر دارد که به‌جای سرکش از آن استفاده شده است. دو در ورودی شرقی‌و غربی در دو ایوان باز می‌شود . ستونهای ایوانها چوبین چهارسو با سرستون‌است. سقف آنها واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش زده است. لبهٔ بام دوپشته و بام‌سراسر بنا،سفال‌سر است . درمحوطهٔ باز اطراف بقعه ، درختان‌آزاد کهن ودرختان پلت ، للیکی ، انار وکیش دیده می‌شود.

خشت پل ولیسه [1]
در دهکدهٔ ولیسهٔ لنگرود رانکوه

در پنجاه متری شمال پل کنونی آهنی و سیمانی رود ولیسه، [2] آثار پل آجری قدیمی در دو بدنهٔ رودخانه دیده می‌شود. بدنهٔ سمت راست فعلا خوابیده و بدنهٔ سمت چپ برپا بود.

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ فتیده لنگرود رانکوه

بنای اصلی مسجد نوسازی شده است. در ورودی مسجد در ایوان شرقی است که ایوانی بسیار قدیمی است. درازای آن ۱۱٫۵ متر و پهنایش ۲۳۰ سانتیمتر است. دو خفنگ مشبك چوبین ظریف در این ایوان است. در دو کنج ایوان، در پایهٔ آجری چهارگوشه به ابعاد ۸۰×۸۰ سانتیمتر است و نه ستون چوبین چهارسوی پخ زده به سرستون میان آنهاست. تکائلی مشبك چوبین جلو ایوان است و در ورودی ایوان نیز مشبك و چوبین است. سقف ایوان واشان‌کشی و پل کوبی با درزپوش زده است. واشانها از طرفین بر شیرسر متکی است. لبهٔ بام پیشته و سراسر بام ایوان و مسجد، سفال‌سر است.

در ورودی شرقی مسجد از درهای مسجد آقا بیرام (= بهرام) یا مسجد حکومتی محلهٔ سبزه‌میدان لنگرود است که معلوم نشد به‌چه طریق به‌اینجا رسیده است. پهنای این در ۱۳۸ و بلندی آن ۱۹۸ سانتیمتر با درنظر داشتن چهارچوب است. این در نسبةً ظریف و پرکار است. (عکس شمارهٔ ۱۸۹)

این عبارات بر لنگهٔ سمت راست در حك شده بود:

برپاسار بالا:

۱ــ در متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ص۱۷، ازاین پل یاد شده‌است.

۲ــ آب رود ولیسه به‌شلمان‌رود می‌ریزد.

«ان ربکم الله الذی.»

بر بائوی سمت چپ این لنگه:

«خلق السموات ـ والارض فی ستة ایام ثم ـ استوی علی العرش یغشی ـ اللیل.»

در پسار پایین همین لنگه:

«النهار یطلب حثیثا و.»

در بائوی سمت راست همین لنگه از پایین به بالا:

«والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له ـ الخلق والامر تبارک الله رب ـ العالمین.»[۱]

بر سه پاسار میانین همین لنگه:

«ادعوا ربکم تضرعاً وخفیةً ـ انه لا یحب المعتدین ـ ولا تفسدوا فی الارض بعد.»[۲]

عباراتی که در لنگهٔ سمت چپ همین در خوانده می‌شود:

در پاسار بالا:

«الله نور السموات والارض.»

در بائوی سمت چپ همین لنگه:

«مثل نوره ـ کمشکوة فیها ـ مصباح المصباح فی زجاجة ـ الزجاجة کانّها.»

در پاسار پایین همین لنگه:

«کوکب دری یوقد من.»

در بائوی سمت راست همین لنگه:

«شجره مبارکة ـ زیتونه لاشرقیة ولا غربیه ـ یکاد زیتها یضیء و لولم ـ تمسسه نار نوره [کذا].»

۱ـ سورة الاعراف ۷، آیهٔ: ۵۴. ۲ـ سورة الاعراف ۷، آیهٔ: ۵۵ وقسمتی از آیهٔ: ۵۶.

در سه پاسار میانین همین لنگه:

«علی نور یهدی‌الله لنوره ـ من یشاء ویضرب‌الله الامثال للناس ـ والله بکل‌شیء علیم کتبه حسین‌بن طاهر رحیم ۱۲۸۰.»

سنگ قبری در قلهٔ آهنکوه (اتاکوه)

این سنگ متعلق به‌قبر میرزا محمد رضای محلاتی منشی میرزا عیسی‌خان منجم باشی پسر میرزا مهدی‌خان منجم باشی بود و تاریخ ۱۲۶۵ قمری بر آن خوانده می‌شد. گور این مرد را به‌خیال یافتن گنج شکافتند وسنگ را از محل حرکت دادند. امروز اثری از آن به‌جای نیست.

کهنه حمام
دریکی از باغهای چای کوملهٔ رانکوه

اهالی می‌گفتند که آب این حمام با کنگ ازپرش‌کوه می‌آمده است.مصالح اصلی بنای حمام آجر وملاط آن چیزی مانند ساروج سفید بود. دو دیوار قطور که میان‌آن دو، حوضی مستطیل شکل بود و متصل به‌یکی از دیوارها و دیواری نیم‌دایره شکل، دیده شد. کف حمام کاشی‌کاری و دیوار آن سفیدکاری بوده‌است. (عکس شمارهٔ ۱۹۰)

خشت‌پل شلمان‌رود
برسرراه قدیم برروی رودخانهٔ شلمان

آثاراین پل‌آجری درصدمتری‌جنوب پل‌آهنی وبتونی کنونی دیده‌می‌شود. ظاهراً چهاردهنه داشته‌است. پس‌از ریختن طاقهای‌آن، بالای پایه‌هارا باالوار و تخته پوشانیده بوده‌اند

راههای لنگرود

۱ـ راه اصلی لنگرودکه دنبالهٔ راه‌کناره است، ازلاهیجان به‌لنگرود و از

لنگرود پس‌از گذشتن‌ازدریاسر وشلمان به‌رودسرمی‌رسد. فاصلهٔاین راه‌ازلنگرود تا رودسر چهارده کیلومتر است .

۲ـ راه‌کومله که از لنگرود شروع می‌شود، درآبـادی کلیدبرمی‌پیچد وبه کومله می‌رود . فاصلهٔ این راه شش‌کیلومتر است .

۳ـ راه لیلاکوه ، ازلنگرود شروع‌می‌شود وبعدازطی سه‌کیلومتر بەلیلاکوه می‌رسد .

٤ـ راه گل‌سفید ، از دریاسر ازراه اصلی‌جدا می‌شود وسپس بدقاضی‌محله و قتیده وپس از آن به گل‌سفید می‌رسد . فاصلهٔ این راه شانزده کیلومتراست.

٥ـ راه لنگرود بەقزوین‌که مالرواست ، از لنگرود شروع می‌شود وپس‌از گذشتن از کومله وخرشتم وامدش وبالاردکان ، در راه شاه عباسی می‌افتد وبالاخره از مرّبو وکلیشم می‌گذرد وپس ازطی رودبار بەقزوین می‌رسد .

٦ـ راه بندبن، ازلنگرود بەلیلاکوه وملاط وپرش‌کوه و کومله می‌رود .

باقی بناها و آثار تاریخی لنگرود و حومهٔ آن

۱ـ بقعهٔ پیرملا یـ بقعهٔ‌کوچاك درمحلهٔ درب‌مسجد لنگرود. (گیلان‌رابینو، ص ۳٤۲)

۲ـ دوتکیه درمحلهٔ درب‌مسجد لنگرود. (گیلان رابینو،ص ۳٤۲) این دو تکیه نزدیك مسجدجامع‌بود. هردورا در دوران نوسازی خراب کرده‌اندوبه‌جای آنها دکان ساخته‌اند .

۳ـ سبزه‌میدان‌درفشکالی‌محلهٔ لنگرود . رابینو می‌نویسدکه این‌میدان‌سابقاً (قبل از سال ۱۳۳۱ هـ ق.) وسیع بوده است . براثر تجاوزات خاندان منجم‌باشی خیلی محدودتر از سابق شده است (گیلان رابینو، ص۳٤۳) بیشتر اراضی آن امروز تبدیل به‌مدرسه شده است .

۴ـ خانه‌ای آجری درکی‌کلایه.[1] (گیلان‌رابینو،ص۳۵۳) امروز این‌خانه دردست آقای میرزائی است و آثار قابل ملاحظه‌ای نداشت.

۵ـ مسجد کیاکلایه درکیاکلایهٔ لنگرود.(گیلان رابینو، ص ۳۵۳) آثارقابل ملاحظه‌ای نداشت.

۶ـ پل آجری کیاکلایه ، دریک‌کیلومتر و نیمی مشرق‌لنگرود.(گیلان‌رابینو، ص ۳۵۳) آثار ناچیزی ازآن بجای مانده بود.

۷ـ بقعهٔ آقا سیدعلی کیا در دهکدهٔ نالکیاشر لنگرود.

۸ـ بقعهٔ آقا سید حسین در دهکدهٔ نالکیاشر لنگرود.

۹ـ بقعهٔ آقاسید عبدالله درفشکالی محلهٔ لنگرود.

۱۰ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ کوشالشاده لنگرود.

۱۱ـ بقعهٔ سیدعلی‌کیا درمحلهٔ راه پشتهٔ لنگرود.

۱۲ـ بقعهٔ آقا سید زینب درفشکالی محلهٔ لنگرود.

۱۳ـ بقعهٔ آقا سیدمحمدبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام درقصاب‌محلهٔ لنگرود.

۱۴ـ بقعهٔ آقـا سید محمد در محلهٔ سبزه‌میدان لنگرود (گیلان رابینو، ص ۳۴۳) اثر قابل ذکری نداشت.

۱۵ـ مسجد اعرابی (عرب زاده) درمحلهٔ سبزه‌میدان لنگرود.

۱۶ـ بقعهٔ آقاسید رضـا بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ چـالکیاسر لنگرود.

۱۷ـ بقعهٔ‌آقاسید خلیل درمحلهٔ راه‌پشتهٔ لنگرود. این‌بقعه سراسر نوسازی شده‌بود. دو درخت‌آزاد به‌محیط ۴۴۱ و ۵۱۰سانتیمتر درمحوطهٔ بقعه بود.

۱۸ـ مسجد و بقعهٔ آقا سیدعلی‌کیا درآن‌سر محلهٔ لنگرود. هردو نوسازی شده بود.

۱ـ کی‌کلایه ـــ کیاکلایه = شاه‌کلایه. نام این‌محل درزمان اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی به«شاه‌کلایه» تبدیل شد.

۱۹ـ مسجد و بقعهٔ آقا سید محمد در رکنج محلهٔ لنگرود. هردو نوسازی شده بود.

۲۰ـ بقعهٔ سیدعلی کیا در رودپس. رودپس بعداً قاضی کلایه و پس از آن به قاضی محله معروف شد.

۲۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ جیر بیجار لنگرود.

۲۲ـ مسجد سید خرم کیا در سیاهکل ده چهار کیلومتری لنگرود از راه کنار رودخانه.

۲۳ـ بقعه‌ای درسیگارود شلمان لنگرود.

۲۴ـ بقعهٔ سید جلال دربالامحلهٔ شلمان لنگرود.

۲۵ـ آستانه ومسجد گاوه‌سرا(=گو،سرا)ی رانکوه.

۲۶ـ بقعه ومسجدی در خیفه محله (=گلستان محله) در بالا محلهٔ شلمان رانکوه.

۲۷ـ بقعه‌ای درچیچان رانکوه.

۲۸ـ خشت‌پل‌لوکلایه درحدود یک کیلومتری گورستان پشت‌وادی لنگرود.

بقعهٔ دوازده تن
مقبرهٔ خانوادگی سلسلهٔ کیائی
در دهکدهٔ ملاط رانکوه [1]

همسر سید محمدکیا، در سال ۸۲۰ هـ. ق. بمرد ودر ملاط که مهد سلسلهٔ امیر کیا ملاطی بود، به‌خاك سپرده‌شد. شوهرش گنبد مرتفعی برگور اوبرافراشت و خود بعدها در همین‌جا روی در نقاب خاك کشید. سید محمد دراینجا قصرومسجد جامع، سراهائی‌از آجروسنگ وگل، برای‌مسافران واسطبلهای سفال‌سروخانقاه و بازار واستخر ساخت و اطراف آن را بانشاندن درختان مختلف به‌باغ تبدیل‌کرد.

۱ـ ملاط: ده ازدهستان مرکزی‌بخش‌لنگرود شهرستان‌لاهیجان، چهارکیلومتری‌جنوب لنگرود وسه‌کیلومتری لیلاکوه. (فرهنگ جغرافیائی‌ایران)

سید ظهیرالدین مرعشی درباره این بناها و آبادانی چنین می نویسد :

«در آن مابین والدهٔ فرزندان عظام ایشان دعوت حق رالبیك اجابت فرمود. واز آن سبب بسیار ملالت بخاطرمبارك راه یافت ونعش مبارکش را بقریهٔملاط نقل کرده ، دفن کردند . وجهت آن مرحومهٔ مغفوره مشهد عالی بفرمودند تمام کردن . وخودنیز اکنون همانجا مدفونند وبعدازآن عمارات ملاط را بهاهتمام‌تمام بنیاد نهادند وقصری درغایت لطافت و مسجدجامع درغایت نزاهت ، تمام ساختندو خانه‌های چند جهت مترددان و ابناء سبیل مجموع را از سنگ وگل تمام‌کردند. وطویله‌های‌اسپان واستران به‌اتمام فرمودند رسانید وغماء مجموع‌را باز به‌سفالوی سرخ بپوشانیدند . وگرداگرد مشهد مبارك ، دیواری از سنگ در غایت محکمی احداث فرمودند وغماء آن‌را به‌سفالواز آب باران محفوظ ساختند ودرون‌مشهدرا درختهای نارنج و ترنج ولیمو وآبی وآلو نشاندند و آن موضع را رشك جنت نعیم وخلدبرین‌گردانیدند وحفّاظ را وظایف‌تعیین نموده تاشب‌وروز به‌تلاوت‌قرآن مجید مشغول باشند و اکنون نیز هستند .

وخانقاهی بساختند وامر کردند که صبح وشام را به‌فقرا ومساکین وابناء السبیل آش بدهند وبردر مسجد حفرچاه آب فرمودند وگوراب بغایت خوبی بفرمودند ساختن ومدرسه‌ای طرف غربی آن گوراب ومسجدتمام کردند . ومرتبهٔ دیگر شیب از آن‌گوراب ،گورابی دیگر بساختند و چاه آبی برسرراه فرمودند کندن تا درتابستان‌که آب رودخانه‌گرم می‌شود ، ابناءالسبیل ومتوطنان آن مقام، از آن آب بنوشند وبرسرآن گوراب ، دکانهای چند فرمودند ساخت و مردم صنعت‌کار ، از هرنوع آنجا بنشاندند وباغ وسیعی‌بنیادکردند واز هرنوع‌میوه‌های خوب وانگورهای لطیف بفرمودند نشاندن وجهت آبخور برنجار ومزارع سکان آن‌مقام ، برکه‌ای عظیم بساختند ، چنانکه‌مزرعهٔ آن قریه‌وسایر قرا که درحوالی آن قریه‌اند از آن متمتع وبرخوردار گشتند.»[۱]

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۱۴۱ و۱۴۲.

دهکدهٔ ملاط در دامنهٔ کوههای جنوبی لنگرود واقع شده است. این کوهها از نظر وضع طبیعی دارای موقعیت نظامی می‌باشند و شك نیست که سیدعلی کیا و بازماندگان او نیز از همین نظر بدین منطقه روی آورده‌اند. شاید روزی مسکن اصلی سادات کیائی در این دهکده بوده است. در شمال شرقی ملاط استخری است که تاامروز به‌نام «علی‌کیا استلخ» معروف است.

بقعهٔ ملاط که درهمین دهکده بناشده، شامل بنائی مربع‌شکل است که هرضلع آن به‌یازده متر می‌رسد. (عکس شمارهٔ ۱۹۱) چهار طرف آن را ایوانی فراگرفته است. پهنای ایوان شمالی سه‌متر و پهنای ایوان‌شرقی و غربی ۲٤۰ سانتیمتر و پهنای ایوان جنوبی یك متر است. هریك از ایوانها دوازده ستون چوبین چهارسو دارد. بردیوارهای ایوانها نقاشیهای مذهبی است. پله‌های ورودی به‌ایوان شمالی درزاویهٔ شمال‌غربی تعبیه شده است. در ورودی بقعه به‌طرف‌شمال ودری نیز به‌طرف مشرق دارد که فعلا بسته است. داخل بقعه در زاویهٔ شمال غربی، سکوئی است وروی آن سنگی‌است‌که براثرمالیدن سنگ‌دیگری بر آن، گودشده است وفعلا به‌مقدار یك استکان آب داخل این‌گودی می‌ریزند وسنگ دیگر را در داخل گودی‌می‌سایندو رنگ آب سفید رنگ می‌شود. معتقدین اظهار می‌دارند که تبدیل به‌شیر می‌شود. این شیر را به‌مرضی می‌دهند تابهبود یابند.

دوازده قبر در دو ردیف دراین بقعه هست. دریکی ازقبرهای ردیف‌غربی دوتن پهلوی یکدیگر دفن شده‌اند ودر هریك از مابقی قبرها یك تن آرمیده است در ردیف شرقی دوقبر متصل بیکدیگر است، سپس یك قبر منفرد است و پس از این، دوقبر در امتداد هم قرار گرفته است. مجموع افرادی که در این بقعه آرمیده‌اند به‌دوازده نفر می‌رسد و به‌همین مناسبت این‌بقعه را «دوازده‌تن» نیز می‌گویند. نام این دوازده تن چنانکه در زیارتنامه آمده است به این قرار است: سیدعلی‌کیا وسید محمدکیا دوپسر امام زین‌العابدین، سیدیوسف، سیدیونس، سید حسن، سید مظفر، سید موسی، سیدحیدر، سید صالح، سید اسکندر، سیدخاورو

سید ابوذر پسران امام پنجم امام محمدالباقرند .

چنانکه ازمتن زیارتنامه برمی‌آید دوتن از اینان پسران امام زین‌العابدین علیه‌السلام وده تن دیگر پسران امام محمدالباقر علیه‌السلام‌اند .

سیدظهیرالدین چنین می‌نویسد ، دراینجا مسجد و حمامی نیزبوده است و ساکنان محل این موضوع را تأیید می‌کردند . چه‌آبی را که سیدظهیرالدین یاد می‌کند ، تاامروز باقی است . درختان نارنج کهنی که امروز دیده می‌شود ، بدون شك متعلق به‌زمان‌آبادی این محل است . شاید زلزله وطاعون دوران فتحعلی شاه یاکمی پیش از آن ، درخرابی و ویرانی اینجا نیز اثر داشته است .

جدهٔ شاه عباسی که از تیمجان ،بلاهیجان می‌رود ولنگرود به‌دست راست این جاده ، در کنار می‌افتد ، از وسط دهکدهٔ ملاط می‌گذرد وآثار آن تا امروز باقی است .

کسانی که دربقعهٔ ملاط به‌خاك سپرده شده‌اند

۱ــ همسر سید محمدکیا درحدود سال۸۲۰ هـ. ق.

۲ــ سیدمحمدکیا که پسرانش‌اورا در دژالموت زندانی‌کرده‌بودند . درآنجا بمرد وجسدش رااز الموت به‌ملاط آورده ، به‌خاك سپردند . ولادت او درسال۸۲۵ درقلعه لمّسر بود .[۱]

۳ــ سلطان هاشم‌که علیه برادر زاده‌اش ــ سلطان احمدخان ــ قیام‌کرده‌بود به‌دست سدید ــ وزیر سلطان احمدخان ــ کشته شد ودرملاط مدفون شد وبرای او گنبد و بارگاهی ساختند.[۲]

دوسد و دونهر
برای شالی‌زارهای رانکوه

[سیدمحمدکیا] جهت مزارع عموم‌هالی رانکوه، دوجوی عظیم از رودخانهٔ

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص۱۴۶.   ۲ــ گیلان رابینو ، ص ۳۶۰.

پلام رود (=پلورود) حفر کرد. «یکی قریب به‌دامن کوه و بر دره‌ای که در آن مابین مانع گذر آب بود، سد محکمی بفرمودند بستند وجوی آن آب را به‌مزارع مردم آن دیار رسانیدند وشیب آن‌جو، جوی دیگر برداشته، آب را به‌رودخانهٔ گوارود رسانیدند و بر آن رودخانه سدی بسته، از آنجا بگذرانیدند و به رودخانهٔ ولیسا رود آوردند. وتقسیم آب نموده، به‌وجه‌کفف آب را به‌قرائی که در سواحل بحر واقع است، رسانیدند.»[۱]

مسجد جامع، حمام وقصر حرم سرای سید محمد کیا در کنار گوارود رانکوه

«وبعد از آن موضعی را به‌کنار گوارود انتخاب کرده. مسجد جامع احداث فرمودند وبه درمسجد، میدان بزرگ بساختند وبه‌طرف شرق آن میدان، بازارو دکان بنیاد کردند. وبه درمسجد. حمام بنیادکرده، تمام ساختند. وبعد از آن میدان، حرم‌سرای را احداث نموده، قصر مرغوبی درآنجا انجام کردند وطویلهٔ اسپان و موضع ومسکن مترددان و صفهٔ اهل دیوان را به سعی تمام به اتمام رسانیدند و رودخانه‌ای‌که از آب پلام رود (=پلو رود) به‌نیم فرسخی شهر جاری بود، بفرمود به‌چندقدم‌بالاتر آن رودخانه، چنان جوئی‌کنندکه‌آب‌آن به‌پهلوی آن حرم‌سرا به طرف جنوب جاری شد وآن نهررا «شیرارود» می‌گویند واکنون (در زمان میرظهیرالدین) نیز همچنان جاریست و به‌رودخانهٔ‌گوارود منضم‌گشته، به دریا می‌رسد. و از آن جوی دونوع فیده تصورکرده بودند: یکی آنکه مردم شهر رودسر را از آن آب منفعتی باشد. دوم آنکه، چون به آب گوارود ملحق گردد، جهت کشتی بادن، کشتیهای بزرگ را آسان‌تر باشد که عبور به دریا نمایند و این‌دو منفعت، اعظم منفع آن رودخانه است.»[۲]

۱ــ گیلان ودیلمستان، ص ۱۴۱ و۱۴۲.　۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۴.

استخری بزرگ
در پایین دهکدهٔ کله‌دره

«و [امیرسیدمحمد] استلخی عظیم در پایان قریهٔ کله‌دره بنیاد کرده، بـه اندك مدت تمام فرمودند که مرغابیان بسیار از آنجا صید می‌کردند و مـ‌ـحتاج مردم شهر از نی و علف که حصیر می‌بافند و سرخانه‌ها بدان می‌پوشانند، حاصل می‌شد.»[1]

بقعهٔ سیدابراهیم ومیرابوالحسن
در دهکدهٔ کوملهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه به درازی ۹۶۰ و پهنای ۵٦۰ سانتیمتر است و ایوانی غربی و به‌پهنای ۲۳۰ سانتیمتر دارد . قبر این دوتن در وسط بنا و به‌درازی ۱۹۵ و پهنای ۱۷۵ سانتیمتر است. درسال ۱۳٤٤ شمسی این بنا را نوسازی کرده‌اند قبرستان عمومی اطراف این‌بقعه بود وسنگ قابل توجهی نداشت.

بقعهٔ ملامریم
در دهکدهٔ پرش‌کوه[2] رانکوه

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ٤٤۰ سانتیمتر است. سه طرف آن ایوان است. این بنا که روی در خرابی داشت چهل‌سال پیش به‌دست شیخ فضل‌الله صیحانی تعمیر و مرمت شد. در محوطهٔ باز بقعه درختان آزاد کهنسال و شب خسب (گل ابریشم) زیاد است. دو مسجد قدیمی‌تر دیك بقعه بود که آنها را خراب‌کرده وقصدنوسازی داشتند .

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ص۱۴۴. این نی به نام «گالی» یا «لیغ» معروف است.

۲ــ بکسر ب و راء و شین. درتاریخ گیلان و دیلمستان ص۲۳ ، نام این دهکده «پریشکوه» آمده‌است.

بقعه‌ای بی‌نام و نشان
در دهکدهٔ مریدان ۱ رانکوه

بنای اصلی چهارگوشه و به ابعاد ۵۷۰ سانتیمتر است. سه طرف شرق و غرب وجنوب آن، ایوانهائی به پهنای ۲۳۰ سانتیمتر دارد. لبهٔ جلو ایوانها لتازهٔ دستک تکائل دارد. صندوقی چوبین به درازی ۲۰۰ و پهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۳۰ سانتیمتر دروسط بنای اصلی‌است. ایوانها دارای‌ستونهای چهارسوی وسرستونهای خوش‌تراش‌است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی‌است. سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است.

دومسجد بزرگ با پنجره‌های ارسی قدیمی نزدیک بقعه بود که اهالی قصد داشتند خراب‌کنند ومسجدی نوبسازند.

بقعهٔ آقا سیدعبدالله
در مریدان رانکوه

بنای اصلی بقعه۴۹۰×۴۲۰ سانتیمتر است که میان‌آن صندوقی به‌درازی ۱۹۰ و پهنای ۱۵۰ وبلندی۱۲۰ سانتیمتر گوررا پوشانده است. مدخل اصلی بقعه در ایوان جنوبی است. پهنای ایوان جنوبی۱۲۰ وایوان شرقی۱۹۰ وایوان‌شمالی ۸۰ و ایوان غربی ۹۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو با سرستونهای پرکار وزیباست. جلو ایوانها لتازهٔ چوبین دارد. (عکس‌شمارهٔ ۱۹۲)

مقابل در ورودی بقعه کمی به‌طرف راست، چهارچوبه‌ای به بلندی دو متر که فواصل‌پایه‌ها راچوبهائی‌چپ‌وراست‌کوبیده‌اند، دیده‌می‌شود.بام این بنا لت‌پوش بود. به دوچوب چپ‌وراست وسط طاق، سیمی بسته‌بودکه پیه‌سوزی سفالین چهار شاخه به‌این سیم آویخته‌بودند. این چهارچوبه یادآورکلکهای جنوب ایران‌است که درتکیه‌ها و حسنیه‌ها دیده می‌شود. درمحل این‌چراغ «چهارچراغ» یا«چراغ واسن» خوانده می‌شود. (عکس شمارهٔ ۱۹۳)

۱ــ بضم میم و کسر راء و سکون یاء.

بقعهٔ آقا سیدخلیل و آقا سیدجلیل
در دهکدهٔ شهیدان (= شادان) رانکوه

بنای بقعه درمحلهٔ کفش‌کن‌شهیدان ، درمیان برنجزارها بود . ابعاد این بنا ۴۹۰ سانتیمتر وقبر این دوتن درمیان بنا و چسبیده به یکدیگر بود. درازای آن ۱۹۰وپهنای‌آن۱۱۵ وبلندی‌آن ازکف اطاق۹۵ سانتیمتر بود. در ورودی بقعه در ایوان شرقی است‌که پهنای‌آن۱۱۰سانتیمتراست. پهنای ایوانهای شمالی وغربی‌و جنوبی ۱۳۰ سانتیمتراست . (عکس شمارهٔ ۱۹۴) بردیوار بقعه نقاشیهای مذهبی است. در مقابل در ورودی بقعه ، کمی به طرف راست ، بنائی چوبین چهارگوشه است‌که بلندی آن به‌دومتر می‌رسد. بام‌بنا لت‌پوش است. ازمیان سقف‌آن، چهار شاخهٔ‌ای‌سفالین‌که با روغن چراغ روشن می‌شود آویخته‌اند. این روغن‌سوز درست مانند چهارچراغ(= چراغ واسن) بقعهٔ آقا سید عبدالله درمریدان بود . (عکس شمارهٔ ۱۹۵)

بقعهٔ سیدعلی‌کیا
در محمدجعفرمحلهٔ اطاقور بیجارپس رانکوه

بنای بقعه بربلندی است و برمزارع برنج اطراف تسلط دارد. این بنا به ابعاد ۳۷۰ سانتیمتر و چهارطرف‌آن ایوانی به پهنای ۱۵۰سانتیمتراست. پاره‌ای از ستونهای ایوانها، لاچ‌لنگری و دارای سرستونهای زیبا وپرکاری‌است. (عکس شمارهٔ ۱۹۶) صندوق بقعه به درازی ۱۶۰ و پهنای ۷۰ و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر است. بقعه دارای علم است و درآن مراسم علم‌بندی و علم واچینی برپا می‌شود. در محوطهٔ بز اطراف بقعه، درختان قطور آزاد وکیش فراوان بود. قطرسه‌اصله درخت‌کیش بدین ترتیب بود : ۱۸۰ و ۱۵۰و۱۴۰ سانتیمتر .

بقعهٔ خانم معصومه
نزدیك اطاقور بیجارپس رانکوه

بنای اصلی بقعه درمیان مزارع برنج است . بنا چهارگوشه وازچهار طرف

ایوان دارد . بام بنا لت‌پوش بود و روی درخرابی داشت. صندوق بقعه را از محل خود برداشته ودر ایوان گذاشته بودند . قبر را بیش از دومترکنده و پائین رفته بودند و زیر دیوارها را نیز نقب زده بودند .

بقعهٔ آقا سیدابوالقاسم
در دهکدهٔ شکرکش[1] بیجارپس رانکوه

طرح بنای اصلی بقعه مربع‌شکل وهریك از اضلاع آن ٤٨٠ سانتیمتراست. در ورودی بقعه شرقی است. پلههای در ورودی ایوان در زاویهٔ شمال شرقی بقعه است. چهارطرف بقعه ایوان‌است. پهنای ایوانهای شمالی وجنوبی‌وشرقی یك‌مترو یوان غربی ۱۱۰ سانتیمتر است . (عکس شمارهٔ ۱۹۷) ایوانها دارای ستونهای لاچ‌لنگری زیبا و سرستونهای پر کار است. (عکس شمارهٔ ۱۹۸)

وسط بنای اصلی‌صندوقی مشبك چوبین به‌درازای۱۹۰ و پهنا و بلندی۱۲۰ سانتیمتر قرار دارد . بالای بدنهٔ شمالی‌آن‌عبارات زیرحك شده است .

«یاالله محمد علی فاطمه حسن‌وحسین اذاجاء نصرالله والفتح ورایت الناس یدخلون فی‌دین‌الله افواجا فسبح بحمدربك و استغفره انه کان توابا سنه۱۲۹۰.»

بربالای دو لنگهٔ در ورودی این‌عبارات حك شده‌است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناًوکفی‌بالله‌شهیدا محمداً رسول‌الله نصرمن‌الله وفتح قریب .»

روی لنگهٔ دست راست باخط ریز این عبارات خوانده می‌شود

«این در را وقف نمود ابراهیم خان .»

سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و سراسر بنا سفال سر است . درمحوطهٔ باز اطراف بقعه، درختان آزاد کهنسال زیاد بود

سنگ مرمری پائین ایوان شرقی‌بقعه دیده می‌شودکه عبارات زیر بر آن

۱ــ بکسر شین و بفتح کاف اول و دوم .

حك شده است .

«وفات مرحوم قربانعلی ولد مرحوم آقامحمدگالش ۱۲۴۸. نشانه‌ها :
تبر، داس، مهر، تسبیح ، وشانهٔ چوبین .»

برسنگ سیاه دیگری در همین محل این عبارات دیده می‌شود :

«وفات مرحوم آقامحمد ولد مرحوم ملامحمد سنه ۱۲۹۵ . نشانه‌ها :
داس ، تبر، مهر، تسبیح، وشانهٔ چوبین .»

برسنگ بزرگ دیگری در همین‌جا این عبارات خوانده می‌شود :

«وفات مرحوم مغفور برجعلی ابن آقاعلی‌محمد سنه ۱۲۷۰.

ای جان پدر هیچ نداری خبر من[1]
از گردش ایام چه[2] آمد بسر من
من تازه گلی بودم اندر چمن دهر
نشکفته فرو ریخت همه بال و پر من

نشانه‌ها : سرو، داس، مهر و تسبیح .»

در نزدیك امامزاده مسجدی باپنجره‌های ارسی چوبین است که قدمت زیاد ندارد.
سنگی بریکی ازقبور نزدیك این مسجد است که عبارات زیر بر آن دیده می‌شود :

«وفات مرحوم عاشور ولد مرحوم الله‌وردی ۱۲۵۹.

چون نامهٔ جرم مابهم پیچیدند بردند بمیزان عمل سنجیدند
بیش از همه‌کس گناه ما بود ولی ما را بمحبت علی بخشیدند

نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه .»

بقعهٔ آقا سیدحسن بن امام محمدباقر علیه‌السلام
در دهکدهٔ کش‌کلایهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه ۵۷۰ × ۵۳۶ سانتیمتر است. سه ایوان در سه طرف جنوبی و

۱ــ در اصل : خبر ازمن . ۲ــ در اصل چو .

شرقی و شمالی دارد. پهنای ایوان جنوبی ۱۹۰ و ایوان شرقی ۲۲۰ و ایوان شمالی ۲۱۰ سانتیمتر است. ایوانها دارای ستونهای چهارسو باسرستون است. لبهٔ ایوانها تکائل چوبین قدیمی است. در ورودی بقعه در ایوان شرقی است. سقف بقعه و ایوانها، واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش نقش‌دار است. لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام سفال‌سر است. تمام کارهای چوبین این بنا، بسیارظریف وقدیمی است.

برسه دیوارجنوبی‌وشرقی‌وشمالی بقعه از خارج، نقاشیهای دورنمای بسیار زشت بارنگهای‌زننده کشیده شده‌بود. بالای دورنماها «بسمله وسورهٔ حمدونامهای دوازده امام و پنج‌تن» نوشته شده وآخرآنها این بیت سعدی است:

«بماند سالها این نظم و ترتیب زما هر ذره‌خاک افتاده جائی»

رقم ابوالقسم کلیشمی و تاریخ ۱۳۶۶ درمیان نوشته‌است. ظرافت بنای بقعه را این نقاشیها ازمیان برده است.

در زاویهٔ جنوب‌شرقی‌بنای‌بقعه، بچهارپایهٔ چوبین، بنائی‌ازچوب‌ساخته‌اند. فواصل بین پایه‌ها، از روی زمین ۱۳۶ و ۱۴۰ سانتیمتر است. بلندی این بنای چوبین به‌یک‌مترونیم می‌رسد. پیه‌سوزی ازسقف این‌بنا آویخته و روشن‌است. دو شاخ‌گنج‌گاو (=گوزن) به پایهٔ چوبین جای چراغ پیه‌سوز ویک شاخ به درخت آزاد جلو بقعه که‌محیط آن ۳۴۰ سانتیمتر‌است، آویخته بود.

بنای بقعه درمیان درختان‌کیش و آزاد است. قطورترین درخت آزاد این بقعه به‌محیط ۳۶۰ سانتیمتر بود.

زوارکشی بقعه روز دوشنبه است وبازار کوچکی در اینجا تشکیل می‌شود در فصل تابستان میوه و هندوانهٔ زیادی به‌فروش می‌رسد. علم‌بندی بقعه روز ششم محرم وعلم واچینی عصرسیزدهم محرم است.

بقعهٔ آقا سیدابراهیم وآقا سیدمحمد
در دهکدهٔ شب‌خسب‌لات رانکوه

بنای اصلی‌به‌ابعاد ۴۵۰ × ۴۲۰ سانتیمتر است ودارای دودر ورودی‌شرقی‌و

غربی است. صندوقی چوبین در وسط بناست که درازای آن ۱۱۵ و پهنایش ۷٤و بلندیش ۹۰ سانتیمتر است . سه طرف شرق و غرب وجنوب ایوان دارد . پهنای ایـوان شرقی ۱۷۰ و جنوبی ۲۰۰ و غربی ۱۹۰ سانتیمتر است . ایوانها دارای ستونهـای چهارسو با سرستون است . سقف بقعه و ایوانها فقط واشانکشی است. بنای بقعه در زیر درختان کیش کهنسال بود . یك اصله درخت للیکی کهنسال در محوطهٔ بقعه بود .

بقعهٔ آقا سید بزرگ
در دهکدهٔ آسیابسران رانکوه

بنای اصلی بقعه به ابعاد چهار متـر است . دو در ورودی شرقـی و جنوبی دارد . چهار طرف بنـا ایوان است . پهنای ایوان شرقی ۲۵۰ و جنوبی ۲۰۰ و غربی ۱۵۰ و شمالی ۱۱۰ سانتیمتر است . ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو بـا سرستون است . لبهٔ ایوانهـا لتـازه دارد . صندوقی چوبین در وسط بنـای اصلی است . درازای صندوق ۱۳۵ ، پهنایش ۹۰ و بلندیش ۱۰۰ سانتیمتر است . سقف بقعه واشانکشی و پلکوبی است . سقف ایوانهـا فقط واشانکشی است . بر جدار خارجی دیوارهای بقعه مجلس نقـاشیمذهبی است . اشعاری نیز در بالای نقاشیها بوده که فعلا از میان رفته است .

آستانهٔ چهارتن
در دهکدهٔ سیفدارین رانکوه

بنای اصلی شمل سه اطاق است که اطاق وسط مسجد است .طول بنا ۱۳٫۸۰ متر و پهنای ایـوان جنوبی که جلو سـراسر بناست، ۱۲۵ سانتیمتر است . از در ورودی که در این ایوان است ، ابتدا به مسجد و پس ازآن به بقعهها میروند . ایوان دارای ستونهای چهارسو است وبهجای لتازه ، پنجرههایارسیمسجدقدیمی را که خراب کرده بودند ، جلو ایوانها نصب شده بود .

درمسجد این بقعه سنگ مرمری است که این عبارات بر آن حك شده است :

«آرامگاه مهدی‌خان بیك چهادهم شهرجمادی‌الثانی ۱۲٦٤.»

در فاصلهٔ چهل‌متری شرقی بنـای این بقعه ، بنای دیگری است که ارزش تاریخی ندارد .

بقعهٔ آقا سیدحسن بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در اراضی اشکرمیدان رانکوه

بنای اصلی مربع شکل و به ابعاد ٤۲۳ × ٤۱۰ سانتیمتر است . در ورودی در ایوان شرقی به‌پهنای ۸٦ و بلندی ۱٦۰ سانتیمتر است . صندوقی در میان بنای بقعه است که درازای آن ۱۸۰ و پهنایش ۹٦ و بلندی آن ۱۵۰ سانتیمتر است . چهارطرف بنای اصلی ایوان است . پهنای ایوان غربی ۸۵ و ایوان جنوبی ۹۰ و ایوان شرقی ۱۱۰ وایوان شمالی ٦۰ سانتیمتر است . جلو ایوانـها لتازهٔ چوبین است. ستونهای ایوانها چهارسوی پخ زده و یکی ازستونهای ایوان ، لاچ‌لنگری است . سقف ایـوان و بقعـه واشان‌کشی و پل‌کوبی با درزپوش زده است . بـام سراسر بنا، سفال‌پـوش است و یك کبوترنشین دارد. بنـای بقعه در زیر درختان سرکشیدهٔ آزاد و کوب (= نمدار) و یك درخت عظیم اوجا(لی) و درخت انجیرو کیشهـای فراوان بود . محیط یکی از درختان قطور آزاد ۳۵۰ و محیط درخت کوب ۳۲۰ سانتیمتر بود .

بقعهٔ آقا شیخ بنده حیدر
در دهکدهٔ کیاکلایهٔ رانکوه

صندوق بقعه در وسط بنای اصلی بقعه و به درازای ۱۸۰ و پهنای ۱۱۰ و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر بود . دو طرف بنای اصلی ایوان است . پهنای ایوان شرقی ۱۵۰ و پهنـای ایوان جنوبی ۲۸۰ سانتیمتر است . ستونهـای ایوانهـا ، دارای سرستون و یکی از ستونهای ایوان شرقی لاچ لنگری است و بردوستون ایوان

شرقی جای چوب علم است . سقف ایوانها، پل کوبی با درز پوش زده ، لبهٔ بام دو پشته و سراسر بام بنـا ، سفال سر است . بنای بقعه در زیر درختان آزاد و کیش است . محیط یکی از درختان کیش به ۴۲۰ سانتیمتر می رسید .

علم بندی ایـن بقعه روز سوم محرم و علم واچینی سـیزدهم محرم است . مسجدی متصل به بقعه است که سراسر نمای آن پنجره های ارسی تخته ای ساده بود .

بقعهٔ آقاسید زکی بن امام موسی الکاظم معروف به بقعهٔ آقا سید تربت در دهکدهٔ زربیجار رانکوه

بنای اصلی بقعـه ، چهار گوشه و به ابعاد چهارمتر است . طرف شرقی و جنوبی ایوان دارد. پهنای ایوان شرقی ۱۹۰ و پهنای ایوان جنوبی ۱۵۰ سانتیمتر است ، در ورودی بقعه در ایوان جنوبی است و بلندی آن ۱۳۰ و پهنای آن ۸۰ سانتیمتر است . دری هم در ایوان شرقی دارد . صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است . درازای صندوق ۱۸۰، پهنایش ۱۷۰ و بلندیش ۱۳۰ سانتیمتر است . ایوانهـای بقعه دارای ستونهای چهارسو با سرستونهای قدیمی و پرکار است . سقف ایوانها فقط واشان کشی است . لبهٔ بام دوپشته و سراسر بام سفال سر است . مسجدی با پنجره های ارسی ساده در جنوب غربی بنای بقعه است . ساختمان بقعه و مسجد درزیر درختان کیش و آزاد و لیلکی است .

بقعهٔ آقاسید معین و آقا سید مبین فرزندان امام موسی الکاظم علیه السلام برسرراه دهکدهٔ املش نزدیک تمیجان رانکوه

بنـای اصلی بقعه ۷۶۰×۷۵۰ سانتیمتر است . دو در ورودی جنوبـی و غربی دارد . بالای در ورودی جنوبی خفنگی مشبک ظریف و بالای در ورودی غربی خفنگی مشبک چوبین عادی است . در دیوارهای شرقی و شمالی پنجره های

مشبك نـور گیر است . صندوقی تخته‌ای به درازای ۲٦۰ و پهنای ١٦۰ و بلندی ۱۳۰ سانتیمتر میـان بناست . برجدارهای دیـواره‌ی داخلی بقعـه مجالسی از نقاشیهای مذهبی است . ایوانها دارای ستونهای چهارسو با سرستونهای عادی است . ایوان جنوبی دری ورودی مشبك دارد . سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی است .

مراسم علم بندی روز اول محرم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود .(عکس شمارهٔ ۱۹۹) سنگ قبرمرمری دربقعه‌بودکه تاریخ«چهاردهم شهر ذی‌حجه سنهٔ ١١٤٥ بر آن خوانده می‌شد .

بقعهٔ آقا سیدابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در محلهٔ جیراملش رانکوه

بنای قدیمی بقعه به دست جعفرخان یحیی‌پور صوفی املشی خراب شده و گویا قصد دارد نوسازی کند و بیش ازسی و پنج هزار و هفتصد مترمربـع اراضی اطراف بقعهٔ نامبرده را دیواری از بلوك سیمانی کشیده‌اند و دو درآهنی بزرگ در غرب و جنوب این زمین گذاشته‌اند . ازقـرار معلوم می‌خواهند برای شـهر قبرستانی بزرگ ترتیب دهند . خداوندکسـانی را که نیت‌خیر دارند ، جزای خیر دهاد .

بقعهٔ آقا سیدحسین‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ املش رانکوه

بنای اصلی بقعه شامل چهار پایهٔ آجری در چهرگوشه که فواصل آنهـا جداری مشبك چوبین‌است.(عکس شمارهٔ ۲۰۰) چهارطرف این‌اطاق مشبك، ایوان است .

بنای اصلی به‌ابعاد٥١٠ X ٤٩٠سانتیمتراست . پهنای دری‌که درمیان جدار شرقی‌است۱۳۰وبلندی‌آن۲۰۰سانتیمتراست. پهنای ایوان‌جنوبی۳۱۰سانتیمتر و

در ورودی به این ایوان به پهنای ۱۲۰ و بلندی ۲۰۰ سانتیمتر است. در طرفین در دو جرز آجری از آجر محلی است. پهنای ایوان غربی ۳۳۰ و پهنای ایوانهای شرقی و شمالی هریک ۳۹۰ سانتیمتر است.

ایوانهای شرقی و غربی، هریک دارای سه جرز مربع به ابعاد ۷۰ سانتیمتر است و ایوانهای شمالی و جنوبی دارای چهار جرز آجری است.

صندوقی مشبک چوبین ظریف در میان بنای اصلی است که درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۳۰ و بلندیش ۶۰ سانتیمتر است. اطراف سقف بقعه، لنبه‌کوبی و قسمت وسط آن پل‌کوبی است. سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی است. لبهٔ بام دوپشته و سراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. روبهم رفته بنائی بسیار زیباست و بنای اصلی بقعه که تمام مشبک است، در شب با روشن شدن چراغ داخل آن، بسیار جلب نظر می‌کند. اطراف بقعه قبرستانی قدیمی است.

بقعهٔ سیدعلی کیا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام در انارستان محلهٔ املش رانکوه

بنای اصلی و قدیمی بقعه را واچیده و مشغول نوسازی بودند. مسجد کوچکی درجوار بقعه بود. در محوطهٔ اطراف بقعه درختان کیش و آزادکهن زید بود. روزجمعه و روزهای عید، روزهای زوارکشی این بقعه است. این بقعه مراسم علم‌بندی و علم‌واچینی نداشت و اگر باران درموقع مقرر نبارد، علم‌بندی مختصری می‌کنند. اهالی معتقدندکه خاک این بقعه جسد مرده را به‌خود قبول نمی‌کند.

بقعهٔ آقا سید نصیرالدین بن امام موسی الکاظم علیه السلام در میان‌محلهٔ املش رانکوه

بنای قدیمی را خراب کرده و بنائی تازه به جای آن ساخته بودند. بنای تازه شامل یک اطاق و یک راهرو و دو ایوان شرقی وجنوبی بود. مراسم علم‌بندی روز هفتم محرم وعلم‌واچینی شب سیزدهم‌محرم برپا می‌شود.

سنگ مرمری درقبرستان این‌بقعه‌بودکه این‌عبارات‌بر آن خوانده می‌شد:

« وفات مرحوم آقاحسن ولد مرحوم با قاسم ۱۲۲۹

ای که برمابگذری دامن‌کشان   از سر اخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و چیزی نظیر منقل وآتشدان . »

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ کیاکلایهٔ املش رانکوه

حمامهای این نواحی معمولا برسطح زمین بنا می‌شود . بنای این حمام‌نیز بدین‌ترتیب است . حمام دارای سربینه ، گرمخانه وخزینهٔ آب‌گرم است . ازشاه‌نشین حمام به خزینهٔ آب‌سرد نیز می‌توان رفت. در طرفین خزینهٔ آب گرم دو حوضچه برای شستن لنگ است . قسمت پائین بنا را با سنگ رودخانه و گل و آهك چیده‌اند و قسمت بالا و طاقها با آجرهائی به ابعاد ٤ × ۲۰ × ۲۰ ساخته شده است .

خانه‌های قدیمی
در دهکدهٔ املش

در دهکدهٔ املش خانه‌هائی نسبةً قدیمی متعلق به دوران قاجار است که زیاد جنبهٔ هنری و تزئینی نداشتند . از آنها می‌توان خانه‌های زیر را نام برد :

۱ــ خانهٔ‌احمدعلی‌خان صوفی. ۲ــ خانهٔ علی‌اکبرخان پیرکوهی . ۳ــخانهٔ تقی‌خان صوفی. ٤ــ خانهٔ امان‌الله‌خان صوفی.

بقعهٔ آقا سید حسین بن‌سلمان
برسر کوهی مسلط بردشت املش

بنائی است‌سادهٔ زگلی باچهار ایوان درچهارطرف ، ستونهای ایوانهاچوبین چهارسو است . در ورودی بقعه درایوان شمالی است . در محوطهٔ باز اطراف بقعه

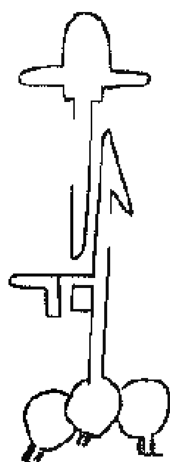
درختان کهنسال کیش ولیکی و یک اصله درخست تادانه (تـاغ) به محیط ۴۵۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ آقاسید خلیل
در دهکدهٔ کیاز نیك رانکوه

بنائی است سادهٔزگالی، چهار طرف ایوان باستونهای چوبین چهارسو دارد. دوسنگ قبر نسبهٔ قدیمی به این شرح دربقعه است :

«وفات مرحوم رستم ولدمحمدخان۱۲۶۳. نشانه‌ها : مهر،تسبیح‌وشانه.»

«وفات مرحوم‌مغفورمحمد حسین بیك ولدمحمد علی‌خان .
گلی بودم بباغ زندگـانی
جوان مردم نکردم‌کامرانی
نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانـه و آلتی بدین شکل :



بقعهٔ غریب آقا
در اراضی کیاز نیاك رانکوه

بنائی‌است سادهٔ زگلی ، سه‌طرف ایوان باستونهای چهارسوی چوبین‌دارد . درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزاد وکیش کهنسال فراوان است .

بقعهٔ آقا سیدزکی بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ زربیجار رانکوه

بنائی‌است ساده وزگالی ، دوطرف ایوان بستونهای چهارسوی چوبین‌دارد. مسجدی قدیمی نزدیك بقعه‌است .

بقعهٔ آقاسیداسماعیل و آقاسید ابراهیم
ابنان امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ جورکاسر رانکوه

بنائی‌است ساده وزگالی، سه‌طرف ایوان باستونهای چهارسو دارد. لبهٔ بام دوپشته وبام‌بنا، سفال‌سر است. درمحوطهٔ اطراف بقعه درختان آزادوکیش کهنسال زیاد است.

نهر نومحل
از نهرهای رودخانهٔ پلورود

این نهر درنزدیکی یوسف‌آباد از رودخانهٔ پلورود جدا می‌شود وازمحله‌ی زیر می‌گذرد: کیازنیك ـ منده‌محله (میان ده‌محله) ـ جیرمحله ـ پائین املش ـ کیاکلایه ـ مشکله ـ خلیل محله و استاد محله.

بقعهٔ آقا سیدنصیر بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ چلارس [1] رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع و به‌ابعاد ۴۳۰ سانتیمتراست. صندوقی مشبك‌چوبین به درازای ۲۰۰ وپهنای ۹۰ وبلندی ۱۰۰ سانتیمتر در وسط بناست. سه‌طرف‌بقعه ایوان دارد. پهنـای ایوان جنوبی ۱۸۰ وایوان شرقی ۱۹۰ و ایوان شمالی ۲۲۰ سانتیمتراست. ایوانها دارای ستون وستونها دارای سرستون است. سه‌در ورودی بقعه دراین ایوانهاست. در ایوان شرقی مشبك ودرهای ایوانهای جنوبی وشمالی تخته‌ایست. (عکس شمارهٔ ۲۰۱) جلو ایوانها لتازهٔ چوبین است. لبهٔ‌بام سه‌پشته و سراسر بام‌بناء سفال‌سراست.

برجدار دیوار داخلی وطـ‌قچه‌های بقعه مجالسی ازنقاشیهای مذهبی به‌شرح زیر است:

۱ـ بکسر چ وفتح راء.

تمثال پیغمبر درحال معراج ـ ضامن آهو که برشتر سوار است ـ اما موسی الکاظم درزندان ـ امام حسین باحضرت علی اصغر در بغل او در صحرای کربلا ـ گودال قتلگاه واجساد شهدای کربلا ـ حضرت زینب و سه تن ازز نان که برشتر سوارند و به شام می روند ـ طفلان مسلم وحارث وحضرت امام حسن و امام حسین در دامان پیغمبر که دوطرف این تمثال دوآهو رسم شده است که به دو درخت بسته اند .

در درگاه سمت چپ دیوار شمالی گلدانی کشیده شده که دو پرنده دو طرف آن است .

در ایوانها نیز مجالسی ازاین قبیل است : قیام مختار ـ منظرهٔ جهنم ـ جنگ حضرت قاسم باازرق شامی ـ تمثال حضرت عباس و حضرت علی اکبر .

بالای این مجلس اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است . درمیان این ابیات تاریخ ۱۳٤۲ قمری بچشم می خورد .

دوعلم نسبةً قدیمی مفرغی دراین بقعه بود که بر یکی «الله محمد علی مدد» و بردیگری «نصر من الله وفتح قریب» مشبک کاری شده بود .

آلتی دیگر دیده شد که شامل ورق آهین دایره ای شکل بقطر ۶۰ سانتیمتر بود که حاشیهٔ آن سوراخهائی داشت وازهر سوراخ زنجیری بدرازای ۵۰ سانتیمتر آویخته بود. وسط این ورق آهن جای دستهٔ چوبین بود ودستهٔ چوبین بلندی به درازای ۱۸۰ سانتیمتر در آن جای داده شده بود . در روزهای محرم ، هنگام سینه زنی ، ب آهنگ سینه زنان ، این چوب را برزمین می کوبند واز حرکت زنجیرها صدائی شنیده می شود که سینه زنان را به جوش می آورد .

روز علم بندی بقعه روز اول محرم وعلم واچینی آن شب دهم است . علمها هردو باهم بسته می شود . بردوستون ایوان جنوبی جای چوبهای علمها بود .

بنای بقعه درمیان درختان للیکی، خوج ، ون ، آزاد ، کوسه ، بید ، کهل، لی ویث اصله درخت کیش کهنسال است . اطراف بقعه کشتزارهای برنج است .

بقعهٔ آقاسید غلامعلی از فرزندان موسی بن جعفر علیه‌السلام در مشکلهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۵۶۰ X ۴۰۰ سانتیمتر است. دو در ورودی در ایوان شرقی وجنوبی‌دارد . پهنای ایوان جنوبی ۲۵۰ وپهنای ایوان شرقی ۷۰ سانتیمتر است . صندوقی ساده به‌درازای ۱۶۰ وپهنا و بلندی ۹۰ سانتیمتر در میـان بنـای اصلی است. سقف بقعه‌وایوانها واشن‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونهای ایوانها دارای سرستون است. لبهٔ ایوان لتازهٔ مشبك دارد. لبهٔ‌بام سه‌پشته وسراسر بام‌بنا ، سفال‌سر است .

دراین بقعه دوعلم قدیمی مفرغی بودکه بالای یکی از آنها سه‌شاخه وبالای دیگری پنجه‌ای است . در وسط هردو علم کلمات « الله محمد علی » مشبك‌کاری شده است .(عکس‌شمارهٔ ۲۰۲)

مراسم علم‌بنـدی بقعـه روز ششم محرم و علم‌واچینی روز سیزدهم محـرم است . بنای‌بقعه درمیان درختان‌پلت ، اَج ،آزاد ، انار، کیش ، للیکی ، لی‌وانجیر است .

درگورستان‌اطراف بقعه دوسنگ‌قبردیده شد که‌مطالب زیربرآنهاحك‌بود:

«وفات مرحوم محمدعلی ولد مرحوم محمدعلی‌بیك ۱۲۶۹ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، گل و شانه.»

«وفات مرحوم ملاعلی اکبر ابن محمد اسمعیل ساکن مشکله من‌قریهٔ رانکوه بتاریخ شهرشوال سنه ۱۲۲۳. نشانه‌ها : مهر، تسبیح وشانه.»

بقعهٔ آقا سیدخلر[1] در دهکدهٔ خرشتم[2] رانکوه

بنای اصلی‌بقعه به‌ابعاد ۴۰۰ X ۳۷۰ سانتیمتراست . سه‌طرف بناایوان‌است.

۱– بضم خاء وکسرلام . ۲– بفتح خاء وکسرراء وضم‌ت ء .

پهنای ایوان جلو یاجنوبی ۱۶۰ و پهنای ایوان شرقی ۱۱۰ و پهنـای ایوان غربی ۹۰ سانتیمتر است. ستونهای ایوانها چهارسو و دارای سرستون است. سقف بقعه و ایوانها پلکوبی با درزپوش‌زده است. برجدار دیوار ایوانها، مجالسی از نقاشیهای مذهبی است. بالای مجالس ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است. نقاشیها عمل استاد مشهدی آقاجان ولد مرحوم استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی است که درسال ۱۳۳۵ قمری کشیده شده است.

مـراسم علم‌بندی این بقعه هفتم محرم و مـراسم علمواچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود.

شاه نجف
در شسته رود[1] رانکوه

برطرف چپ راهی که از املش به بلوردکان می‌رود، در دل جنگلهای دور افتاده، چهار بقعه است که مجموع را به‌نام «شاه نجف» می‌خوانند. این بقعه‌هـا بسیار آراسته و مرتب و آبادان بود و در امتداد یکدیگر بربالای تیرهٔ کوهی بنا شده بود.

بقعهٔ اول

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۶۰۰ × ۳۱۰ سانتیمتر است و دارای دو ایوان جنوبی و غربی است. دوصندوق ساده دربنای اصلی است. در ورودی درایوان غربی است. سقف بقعه وایوانها، واشان‌کشی و پلکوبی با درزپوش‌زده است. ستونها چهارسو و دارای سرستون است. لبهٔ بام سه‌پشته و بام‌بنا، لت‌پوش است.

بقعهٔ دوم

بنای اصلی بقعه به‌درازای ٤٤٠ و پهنای ۳۹۰ سانتیمتر است. صندوق‌مرقد کنده‌کاری، باگل و بوته‌ها و اسلیمیهای بسیار ظریف است. دو طرف بقعه ایوان

۱ـ بفتح شین.

است . پهنای ایوان شرقی ۱۵۰ و پهنای ایوان جنوبی ۱۸۰ سانتیمتر است . ستونهای ایوانها تمام از چوب آزاد وچهارسوی پخ‌زده است . دوستون لاچ‌لنگری بسیار ظریف درمیان آنهاست . بردیوار جنوبی وشرقی بقعه مجالسی از نقاشیهای مذهبی‌کار «غلامحسین سال ۱۳۰۹ قمری»است . بالای مجالس ، اشعاری از هفت‌بند محتشم‌کاشانی نوشته شده است .

بقعهٔ سوم

ابعاد بنای اصلی ۳۸۰×۳۷۰ سانتیمتر است . صندوقی چوبین ساده داخل بنست . پهنای ایوانهای شرقی وجنوبی دومتر است . ستونهای ایوانها ، چهارسو است . ایوانها لتازهٔ تخته‌ای دارند . لهٔ بام دوپشته وسراسر بام حلب‌پوش است . آئینه‌ای بربالای قبر جوانی نصب شده بود که نشانهٔ جوانمرگ شدن اوست .

بقعهٔ چهارم

بنای اصلی بدابعاد ٤٦۰ × ٤۳۰ سانتیمتر است. سه‌طرف آن ایوانی به‌پهنای ۱۹۰ سانتیمتر دارد . در ورودی اصلی درایوان جنوبی است . یکی از ستونهای ایوانها ، لاچ‌لنگری مارپیچ و مابقی چهارسوی پخ‌زده است . سرستونها قدیمی و ظریف است . سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی است .

این چهاربقعه درمیان درختان گردو ، اربه ، للیکی ، آزاد ، کیش، خوج و شرم است .

سنگ قبری درجلو این بقعه بود که این عبارات بر آن حک شده بود :

«وفات مرحوم امیرعلی ولدمرحوم غلامحسین۱۳۱۵. نشانه‌ها : مهر، تسبیح وشانه.»

جلو بقعهٔ چهارم بقعهٔ دیگری است که معروف است مدفن خانمی است . مردان وزنان شکم‌دار را درآنجا راه نیست . مسجدی درطرف شمال شرقی بقعهٔ چهارم است . چون این‌بقعه‌ها ازآبادی دورهستند ، مراسم علم‌بندی و روز معینی برای زورکشی ندارند .

بقعهٔ سید علی کیا
در دهکدهٔ شکرپس[1] رانکوه

بنای اصلی بقعه به‌ابعاد ۴٦۰ X ۳۷۰ سانتیمتر است. سه‌طرف ایوان دارد. پهنای ایوان‌شرقی ۱۴۰ وپهنای ایوان جنوبی ۱٦۰ و پهنای‌ایوان غربی ۱۳۰ سانتیمتر است. صندوقی سادهٔ تخته‌ای در میان بناست که درازای آن ۱۸۰ و پهنایش ۹۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است. ستونهای ایوانها، چهارسو و دارای سرستونهای زیباست. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی و درزپوش‌زده است. لبهٔ بام سه‌پشته وسراسر دم‌بند، سفال‌سر است.

علمی مفرغی قدیمی دراین بقعه بود که روی آن «نصرمن‌الله وفتح‌قریب‌و بشّرالمؤمنین» مشبک‌کاری شده بود.

علم‌بندی بقعه روز سوم محرم و علم‌واچینی درصورتی‌که مخارج و وسایل آن‌جور شود، روز سیزدهم محرم و در غیر این صورت تا روز اربعین علم بسته باقی می‌ماند.

درختان اطراف این بقعه شامل آزاد، کیش، خوج، انار، لی، للیکی و هلی است.

آستانهٔ سوخته‌کیش
بالای کهنه‌کویهٔ رانکوه

بنای قدیمی بقعه گرفتار نوسازی شده بود و بدجای آن مسجدی تازه‌ساز دیده‌می‌شد. درخت نارنج کهنسالی درمحوطهٔ آستانه، حاکی ازقدمت بنای آن‌بود.

آستانه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ رمشایهٔ رانکوه

بنای قدیمی را خراب کرده بودند ومشغول نوسازی بودند.

۱ـ بکسر شین وفتح کاف وپ.

بقعهٔ سیدابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سانه‌سرای رانکوه

در میان بنای اصلی بقعه ضریحی‌مشبك بلند است. چهارطرف ایوان دارد. ستونهای ایوانها، چهارسو و دارای سرستون است. سقف بقعه و ایوانهـ واشان‌کشی و پل‌کوبی است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. مصالح اصلی بنا آجر است. کف ایوانها فرش‌کاشی داشته که فعلا روی در خرابی دارد.

بقعهٔ آقاسیدخورکیای بزرگ و کوچك و آقا سیدعبدالجواد و آقاسیدعبدالله در دهکدهٔ چینجان رانکوه

بنای بقعه در دست تعمیر بود. در این بقعه چهارتن از سادات با نامهـای آقا سیدخورکیای بـزرگ و آقا سیدخورکیای کوچك نوهٔ نامبرده و آقـا سید عبـدالله و آقا سیدعبدالجـواد است. ساکنان محل از ایشان خوارق عدت نقـل می‌کردند. سنگ قبری قدیمی در اینجاست که به‌علت فرسودگی خوانده نشد. مسجد قدیمی بقعه، هنگام ساختن راه‌کناره، از میان رفت و فعلا پنج سال است که مسجدی از نو ساخته‌انـد.

رابینو از دو بقعهٔ دیگر در دهکدهٔ چینجان نام می‌برد و می‌نویسد دراین دهکده، در کنار رودخانه‌ای به نـام چینجان، مرقد میرکاظم و مرقد سید رضا است.[۱] نگارنده این دو بقعه را نیافت.

بناها و آثار تاریخی رودسر و حومهٔ آن

مشهد سیدحسین‌ناصر یا کعبهٔ کوچك یاوادی ملاامیره در رودسر

پس ازاینکه جسد سیدحسین‌ناصر، از سران و پیشوایان زیدیه در رودسر

۱. گیلان رابینو، ص ۳۶۵.

به خاك سپرده شد ، اطراف مرقد او گورستان عظیمی به وجود آمد و اجساد سلاطین و سپه‌سالاران و بزرگان گیلان بیه‌پیش به‌این‌گورستان آورده شد .

دامنهٔ این‌گورستان قدیمی ، از نزدیك پی شرقی امروزی رودسر تا حوالی بنای دادگستری کنونی بوده است . دراین فاصله تپه‌هائی‌کوچك و بزرگ بود که شباهت به تپه‌های میان صفا و مروه داشت . اهالی مازندران و گیلان ، برای آموختن آداب حج بدین جا می‌آمدند و سه‌چهارماه از سال را به تمرین آداب و مراسم حج می‌گذراندند . بدین سبب این گورستان را «کعبهٔ کوچك» خوانده‌اند.

زیر دست دبیرستان ۲۲ بهمن و درطول میدان‌امام‌امروزی ، سرتاسر ، درختان آزاد کهنسال در دو ردیف کاشته شده بود که به نام « آزار رچه »[1] معروف بود . در دو طرف درختان آزاد ، بقعه و مسجد و گورستان بودکه قبل از خراب کردن‌آن ، در زمان حکومت رضاشاه ، به نام « وادی‌ملا‌امیره» شناخته می‌شد . در این وقت بقعهٔ معروف این قبرستان به‌نام «سیدمحمد» خوانده می‌شد .

مکنزی می‌نویسد که در رودسر بقعه‌ای زیباست که روی در خرابی دارد . بنای این بقعه نزدیك خیابانی است که درختن آزاد کهنسال ، در دو طرف آن است و سایه برکف خیابان انداخته‌اند. رابینو پس از نقل این مطلب می‌نویسد نزدیك قبرستان قدیمی ملاامیره ، مسجد ومرقد آقا سیدابراهیم است .[2] رابینو محل گورستان قدیمی ملاامیره را بیرون بازار رودسر نوشته است و پس‌ازتعیین محل آن می‌نویسد «درخت آزادی بزرگ که مورد احترام‌اهالی است ، در اینجا دیده می‌شود . سنگهای قبور این‌گورستان به شکل صندوق است و نوشته‌هائی که بر این سنگهاست ، به مرور زمان محو شده است. سنگهـ متعلق به قرن نهم هجری است.»[3]

۱ــ در گیلکی درخت‌آزاد را «آزاره» می‌خوانند و «رچه» به معنی ردیف است .

۲ــ گیلان رابینو ، ص ۳۳۸.   ۳ــ گیلان رابینو ،ص ۳۳۸ .

همین مؤلف درسفرنامهٔ مازندران واسترایاد خود، محل بقعهٔ ملاامیره و گورستان قدیمی آن را بیرون دهکدهٔ رودسن یاد می‌کند.[1]

آثاری که از این گورستان قدیمی برجای مانده بقعه‌ای نوساز به نام سیدمحمد و سنگ قبری است که زیر درخت آزاد گورستانی‌است که امروز نیز به نام «قبرستان ملاامیره» معروف است. این سنگ قبر که شکسته است به درازی ۱٦٤ و بلندی ۵۰ و پهنای ٤۰ و قطر ۷ سانتیمتر است. داخل سنگ را برای آسان شدن حمل‌ونقل در آورده‌اند. این سنگ نظیر سنگ سفیدآستانه، برسر راه لنگرود به دریاسر و سنگهای امیر بکندهٔ خشك‌بجارخمام و سنگ قبری در پیر قطب‌الدین باغچه‌سرا است. در چهارطرف حاشیهٔ بالای سنگ، «بسمله‌وآیة‌الکرسی» است. درسطح بالای سنگ سه حفرهٔ نیم‌کره‌ای شکل به‌قطر ۱۷ سانتیمتراست. این سه حفره در امتداد یکدیگر ودرطول سنگ است. پهلوی این سه حفره، حفره‌های کوچکتری نیز نقر شده است.

بقعهٔ آقا سید محمد که نوسازی شده است، در گورستانی متروك، درشمال شرقی گورستان ملاامیره است. ظاهراً این گورستان نیز قسمتی ازگورستان قدیمی سیدحسین‌ناصر است. در این گورستان نیز قسمتی از سنگ قبری قدیمی، نظیر سنگ سابق‌الذکر دیده شد که برحاشیهٔ بالای آن «آیة‌الکرسی» وبربدنهٔ اصلی، دوحاشیهٔ نقش‌دار و وسط اشعاری به‌زبان‌فارسی بوده که کلماتی‌از آن خوانده می‌شد.

کسانی که درگورستان قدیمی مشهد سیدحسین‌ناصر به‌خاك سپرده شده‌اند

سیدظهیرالدین‌می‌نویسد که‌مشهدسیدحسین ناصردر رودسراست و درصفحات چندی از کتاب خود، کسانی را یادآور می‌شود که در این گورستان قدیمی روی درنقاب خاك‌کشیده‌اند. دربارهٔ سلطان بوسعیدپسر کارگیامیراحمد چنین‌می‌نویسد:

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استرایاد رابینو، ص ۳۸.

« کارگیا میراحمد را فرزندی بود بوسعید نام ، او را علت نقرس طاری گشت و براثر این مرض بمرد. اورا پهلوی مشهد مبارک سید پاکیزه‌گوهر حسین نصر علیه‌الرحمة والغفران دفن کردند وعمارت عالی بر آنجا بساختند و حفّاظ را وظایف مقرر کردند تا متصلة لا منفصله ، به آواز قرآن مجید روح آن نتیجهٔ آل رسول را شادگردانند.»[1]

در بارهٔ سیدرضی‌کیا چنین نوشته است :

« در قریه‌ای از قرای رودبار بامنصوری ، کارگیا میراحمد و پسرش سیدرضی‌کیا به خانهٔ کدخدا فرود آمدند او را نوکری بود - حاجی‌حسن نام - خواست که اسب خود را به زیر آن خانه درون ببرد و باز دارد. ستونی در راه خانه مانع بود. آن بی‌دولت ندانست‌که خانه را قیام بر آن ستون است. چون آن ستون ببرید ، به‌یکبار خانه فرود آمد و کارگیا میراحمد وفرزندش رضی‌کیا، در شیب آن گل و سنگ بماندند .... از قضای ربانی کارگیا میراحمد را زنده یافتند و فرزندش را مرده برداشتند . کارگیا میراحمد فرزند را بر نعشی نهاده باسپهسالارخود- حسام‌الدین- همراه‌گردانیده به گیلان فرستاد. اورا به رانکوه بردند وپهلوی برادرش - سلطان بوسعید - در رودسر ، دفن کردند.»[2]

در بارهٔ سلطان حسین چنین می‌نویسد :

« سلطان حسین برادر سلطان علی‌میرزا حاکم گرجیان بود . شب چهارشنبه پنجم ماه رمضان مطابق بابیست‌وسوم اسفندیارماه قدیم سنه ۸۸۵ فوت شد. جسد او را به‌مزار حسین‌ناصر به رودسر آوردند.»[3]

در سال ۹۰۸ قمری سلطان محمد - بزرگترین پسرسلطان حسن بیه‌پیش - نیز در همین‌جا مدفون شد. درسال۹۸۹ قمری کیارستم- سپهسالارخان احمدخان- نیز در این‌گورستان به خاک سپرده شد[4] این مرد مدت ده سال در قلعهٔالموت

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان،ص۲۲۳. ۲- تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۲۵۱و ۲۵۲. ۳- تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۴۲۹. ۴- گیلان درابینو ، ص ۳۳۹

حبس بود و در زمان خدابنده محمدشاه خلاص شد و بدلاهجان آمد و به منصب سپهسالاری رسید . خان احمدخان ، سه‌ماه اورا در لیل‌حبس کرد و در سال ۹۸۹ درهمانجا اورا بقتل‌آوردند و درآستانهٔ سیدحسین ناصرمدفون ساختند.[۱]

خشت‌پل رودخانهٔ رودسر
بر رودخانهٔ گوا رود در مغرب شهر رودسر

بالادست پل بتونی‌کنونی‌که برسر راه لنگرود به رودسر و متصل به شهر رودسر است، روزی پل‌آجری عظیمی برپای بوده است. آنچه ازپایه‌ها نمودار است، ظاهراً دارای دودهانهٔ اصلی بوده است . برسمت راست ومتصل به‌دیوارپل ، آثاری از یك حلقه چاه و بنائی آجری نیم‌دایره‌ای نظیر سیل برگردان ، دیده می‌شود . زیرخانه‌ای که متصل به این بناست آثار دیوارهٔ متعدد از آجر دیده می‌شود. روزی که این پل بنا می‌شد، این رودخانه به‌نام «گوارود»[۲] یا «کویارود» شهرت داشت . در زمان رابینو «کیارود» می‌خواندند .[۳] غیر از پل ، آثاری که ازآن یاد کردیم ، مسجد و بازاری بوده که به شکل کاروانسرای چهار در ساخته بوده‌اند.[۴] رابینو درسفرنامهٔ خود ازاین پل یاد کرده و می‌نویسدکه بسیار بلند و پرشیب بوده است .[۵]

تمیجان و آثار تاریخی آن

دهکدهٔ تمیجان برسرراه املش ویك فرسخی غرب رودسر است . بناهای تاریخی ونیمه ویران آن نشان می‌دهدکه روزی بسیر آبادان بوده است . آبادی آن درسال ۸۲۰ هـ. ق. به‌دست سیدمحمدکیا شروع شد وظاهراً پیش‌ازاین تاریخ نیز آبادانی داشته است . سید ظهیرالدین دربارهٔ این دهکده چنین می‌نویسد :

« وبازار تیمجان سابقاً درهمین موضع که اکنون است هم بوده است . اما

۱ـ تاریخ گیلان عبدالفتاح، ص ۳۴. ۲ـ بضم گاف. ۳ـ گیلان‌رابینو، ص۳۴۹.
۴ـ گیلان رابینو ، ص۳۳۷. ۵ـ متن‌انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واسترآباد، ص۱۷.

دکان حریبی چند که مناسب دولت قاهرهٔ ایشان نبوده ، بود . بفرمود تا آن بازار را به سر گوراب نو که احداث فرموده بودند نقل کنند. واز دو طرف بر سر آن میدان، دکانهای مرغوب مستحسن ، به اندك مدت تمام ساختند و بقال و بزار تیمجان را امر شد که رخت خود را بدانجا برند و آن مقام از یمن عالی عاطفت آن حضرت چون روضهٔ خلد برین گشت و تاریخ احداث آن بازار و گوراب را به خط مبارك سیادت قبابی نوشته دیدم که عشرین ذی‌حجه سنهٔ عشرین و ثمانمائه بود . و وقتی که تمام شده بود ، مؤلف حقیر را برخاطر است که مردم تیمجان که بدین بازار نقل کرده بودند، بسیار تضرع و زاری می‌نمودند که مسکن و موطن پدران مادر تیمجان است و از آنجا ناایمن تردد نمودن بر ایشان صعوبت تمام دارد و ملك موروثی و خانه‌های قدیمی خود را بازگذاشتن و بدینجا نقل نمودن هم متعذر، ملتمس ایشان را بعداز دوسال قبول کردند و مبلغی که آن جماعت بنا بر آن برخود گرفته بودند ، بستاندند و ساز شهر و بازار را بدان مقام اصلی نقل فرمودند و آن جماعت بدان راضی و خشنود گشتند .»[1]

سید ظهیرالدین دوسه بار از «شاهان گوراب» درنزدیکی تمیجان یاد می‌کند.[2] برای ما روشن نیست که این شاهان گوراب همان کهنه‌گوراب کنونی است که دهکده‌ای درنزدیك تمیجان است یا نام قدیمی تمیجان.

خشت پل
بر رودخانهٔ تمیجان رانکوه

در آبادی تمیجان ، پل آجری عظیمی از بناهای شاه‌عباس دیده می‌شود . این پل برسر راهی است که شاه‌عباس درسراسر مازندران و گیلان کشیده بود و به‌اردبیل متصل می‌شد . این راه از رودسر (=هوسم) به کاکاسرا[3] . از آنجا به کرف‌محله ، از آنجا به‌تمیجان واز تمیجان به کهنه‌گوراب که تاامروز برسرچاه کهنه‌گوراب پل

۱- تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص ۱۴۱. ۲- تاریخ گیلان و دیلمستان ، صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ و۲۴۳. ۳- بفتح کاف اول.

آجری راه باقی‌است.[1] از آنجا به‌استدکلابه‌که هنوز آثر پل‌آجری این محل‌نیز باقی است. از آنجا میان چهارده بالا وپائین، از پل آجری می‌گذشت وبه‌چهارراه کومله می‌رسید از کومله تالاهیجان راه شاه‌عباسی تاامروز در دامن‌کوه باقی‌است

طول پل تمیجان ۶۰ متر و عرض آن ۵ متر تمـام است. درطول پل‌سه‌دهنهٔ اصلی و دو دهنهٔ کوچك درطرفین دهانه‌های اصلی است. بلندی طق جناقی‌دهانهٔ اول از سطح آب ۶۲۰ سانتیمتر و بلندی دهـانهٔ دوم‌که مقداری ازکف آن از گل پرشده است، ۴۵۰ سانتیمتروبلندی دهانهٔ سوم‌که دهانهٔ شرقی است، ۳۸۰سانتیمتر است. در دوطرف طق جناقی میانین، دواطق کوچك، درمیان پایه‌های‌پل‌ساخته شده است که درهرطرف پل دوپنجره دارند. طاق این دواطاق آجری ومدوراست. دواطاق‌کوچك دیگر نیز دردل پایه‌هائی‌که میان طاقهای‌کوچك دوطرف ودو دهانهٔ طرفین‌است، بناشده‌است. دوطرف عرض پل‌جان‌پناهی‌آجری به‌بلندی ۵۰سانتیمتر ساخته‌اند تا از افتادن افراد وچهار پایان جلوگیری‌کنند. (عکس‌شمارهٔ ۲۰۳)

راهی که از روی این پل می‌گذرد، ازطرف شرق به کرف محله[2]، دیودره و ناصرسرا می‌رود.

پل‌آجری کوچکی درنزدیکی مسجدجمع واین پل بزرگ است که برسر راه سورکو، شیخ‌آباد، گواسرا و ولیسه است و سپس به جادهٔ کناره، یعنی راه آسفالت امروزی می‌رسد.

مسجد جامع نزدیك پل‌آجری درتمیجان رانکوه

بنای مسجد از آجر است. فیلپائی‌که مقطع آن ستاره‌ای شکل است، در وسط بناست‌که سرکشی (=حمالی) برآن قراردارد و واشنهای سقف بردیوارهای دوطرف واین سرکش متکی است. در ورودی مسجد ساده وچوبین ورو به مشرق

۱ــ از رودسر به دیودره وناصرسرا نیز راهی است‌که درهمین مسیر قرار می‌گیرد.
۲ــ بفتح‌کاف وراء.

گشوده می‌شود . صحن مسجد شامل دو قسمت اصلی است . قسمتی که مخصوص زنان است ، باچوب بناشده وسطح آن درحدود دو متر بالاتر ازکف اصلی مسجد است . بربالای طاقنماهای اطراف مسجد ، گچ‌بریهای قدیمی است محرابی در طرف قبلی مسجد است ودو پنجره در دوطرف آن است .

دراین مسجد سنگ مرمر سفیدی به‌درازای ۵۰ وپهنای ۲۵ سانتیمتر است که این عبارات بر آن حک شده است :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله بتاریخ شهر ذیقعدة‌الحرام‌سنه ۱۰۷۵ حاجی‌محمدصالح تیمجانی ولدحاجی‌خور توفیق ساختن‌حوض‌و لاکه ومنبر یافت یارب ذخیرهٔ روز موعودش گردان .»

آثار حوضی شش ضلعی که هرضلع آن ۶۰ سانتیمتر است ، در زیر چهار اصله درخت آزاد ، درطرف چپ جاده‌ای که بداملش می‌رود و آثار لاکه که منبع آب کوچکی است به درازای ۱۹۰ وپهنای ۱۲۰ سانتیمتر ، در طرف راست همین جاده نزدیک مسجد تا امروز بر جای است . گنگی (=تنبوشه) سفالین نیز در این لاکه دیده می‌شودکه ظاهراً آب را به‌حوض می‌رسانیده است . پایهٔ آجری مناری مدور نیز ، نزدیک همین لاکه تاامروز باقی است .[۱]

سنگ قبری به‌درازای ٤۱ وپهنای ۳۱ سانتیمتر دراین مسجد است‌که‌بالای آن جناقی است . این عبارات و نشانه‌ها بر آن است :

« وفات مرحوم میرزا حسین ولد میرزا محمد ۱۲۲۲ .»

بالای‌سنگ مهر،تسبیح، دوانگشتر ویکشانه وپائین‌آن‌شکل اسبی‌است که در دوطرف آن دو بلبل وگل وبوته حک شده است .

حمام خرابه‌ای
درتمیجان رانکوه

درمشرق پل آجری عظیم تمیجان ، کرف‌محله است . درنزدیکی کرف‌محله

۱ــ در تیرماه ۱۳۵۰ که این مسجد مورد بررسی مجدد قرارگرفت ، معلوم شد پایهٔ آجری منار زیربنائی نوسازکه متصل به‌مسجد ساخته‌اند ، رفته است .

خرابه‌های حمامی قدیمی دیده می‌شود . این حمام همان حمامی است که یکی از رقبات موقوفات سرتربت امام[1] بوده است و در کتیبهٔ وقفنـامهٔ آن به‌نام « حمـام تیامه‌جان» آمده است . اطراف این حمام ، پاره‌آجرهای فراوان درجاده‌ومزارع و نهرها دیده می‌شود که نمودار آبادانی مفصل این ناحیه است .

ضرابخانهٔ شاه اسماعیل
در تمیجان رانکوه

در دهکدهٔ تمیجان ، در زمان سلطنت شاه اسماعیل اول ، ضرابخانه‌ای بنـا کرده بوده‌اند . سکه‌هائی که دراین محل‌ضرب شده است ، تاامروز باقی است .[2]

قبور سادات مرعشی
در تمیجان رانکوه

عده‌ای‌ازسادات مرعشی مازندران‌که به‌سلاطین‌گیلان پناهنده شده‌بودند، در تمیجان به‌خاك سپرده شده‌اند که ذیلا به‌نامهای ایشان اشاره می‌شود :

سید نصرالدین (۸۳۶ هـ . ق .) و برادر زادهٔ او عبدالوهـاب بن غیاث بن کمال‌الدین و زین‌العابدین برادر عبدالوهاب وپسران او و علی‌اکبر کمال‌الدین و عبدالعزیز و سید احمد بن ظهیرالدین بن قوام‌الدین مرعشی‌آملی . گورستانی‌که ایشان درآن به‌خاك سپرده شده‌اند به‌نامهـای : سیاسر ، سیاه سره یـا سارەسران تمیجان موسوم خوانده شده‌است .[3]

خانم‌آستانه
در تمیجان رانکوه

بنای اصلی بقعه مستطیل شکل است . چهار طرف بنای اصلی ایوان دارد . ایوانهادارای ستونهای‌چوبین‌چهارسو وسرستون‌است. لبهٔ ایوانها تکائل‌چوبین‌است.

۱ــ ضمالف . این‌حمام را سلطان میرزا علی‌کیا درسال ۸۸۳ هـ.ق. وقف سرتربت کرده‌است وظاهراً بەامر سیدمحمدکیا ساخته شده است.   ۲ ــ گیلان رابینو، ص۳۶۴.
۳ــ گیلان رابینو،ص۳۴۰.

سقف بقعه وایوانها واشانکشی و ... سراسر بنا ، سفالسر است . درختان کهنسال کیش ، مرخ[1] ، کنوس[2] ، لی و کهل[3] براین آستانه سایه انداخته‌اند .

گنبد آجری پیرمحله
درده‌کدهٔ پیرمحلهٔ رانکوه

دهکدهٔ پیرمحله ، ده‌کیلومتری رودسر است. ازحسن‌سرا که‌هفت‌کیلومتری شرق رودسر است ، جاده‌ای به طرف جنوب می‌رود و از دهکده‌های اسماعیل‌آباد (= بی‌بی‌نظیر) . سل‌محله (= سلومحله) ،کیان پشته (=کیوان‌پشته) و احمد ـ آباد می‌گذرد . نرسیده به دهکدهٔ رودمیانه ، راه پیرمحله ، از دست راست جاده جدا می‌شود ومستقیماً به پیرمحله می‌رود . این دهکده‌گیلک نشین وجمعیت‌آن به سی خانوار می‌رسد.

در این دهکده گنبدی آجری بملاط گچ است که نسبت به بناهای تاریخی گیلان بی سابقه است . (عکس شمارهٔ ۲۰٤) این بنا شامل گنبدی هشت ضلعی در جنوب ودو اطاق ویك راهرو متصل بدآن ، در شمال است . درزیر گنبد دوپوشی که قسمت اصلی بناست ، روزی جسد مرد بزرگی یاجسد خاندان سرشناسی بخاك سپرده شده است .[4] دواطاق متصل به آن نیز مخصوص حفّاظ بنا شده است تا در آنجا بخواندن کلام‌الله مجید مشغول بشند. ازقرار تقریر آقای سیدهاشم‌سجادی، کف بقعه بابنای اصلی شش پله داشته است . این پله‌هابه نظرنویسنده بسردابی که زیر کف فعلی بقعه است، می‌رفته است.

بنا،کرسی بلند وکرسی آن‌آجری است . ضلع شرقی‌آن ۸۸۰ وضلع شمالی

۱ـ بکسرمیم وراء . ۲ـ بضم‌کاف. ۳ـ بضم‌کاف و هاء. ۴ـ دراعلام جغرافیائی‌حاشیهٔ دریای‌خزر، معمولاً کلمهٔ «محله» بانام‌اهل‌حرف وصنایع‌نظیر: آهنگرمحله، خومرمحله و شرف‌محله. یا بانام تیره وطایفه نظیر : آخوندمحله ، شیخ‌محله و پیرمحله ترکیب می‌شود. شاید نام دهکدهٔ «پیرمحله» ارتباط بانام پیری داشته‌باشدکه دراینجا بخاك سپرده شده است.

۹۵۵ وبلندی کرسی از سطح زمین اصلی ۳۰ سانتیمتر وپهنای کرسی ٤٥ سانتیمتر است. درازای شرقی بنا ۸۲۰ ودرازای اضلاع خارجی گنبد ۳٦۰ سانتیمتر است. دهنهٔ درگاه هرضلع ۲۲۰ وپهنی مدخل اصلی بناکه شمالی است ۱۸۰ و بلندی آن ۳۳۰ سانتیمتراست. پهنای درورودی گنبد اصلی ۱۱۰ ودر ورودی اطاق شرقی وغربی ۹۰ و پهنای راهرو میان دو اطاق ۱۸۰ ودرازای آن ۲۸۰ سانتیمتر است . وپهنا ودرازای اطاق غربی ۱۹۰ × ۱۸۰ سانتیمتراست . دهنهٔ در ورودی پلکان بام که دراین اطاق است ۷۰ سانتیمتر وهمین دهنه پس از بالا رفتن از دو پله ۸۰ سانتیمتر می‌شود. بلندی پله‌ها ۲۵ سانتیمتر و درازا و پهنای اطاق شرقی ۲٤٥ × ۱۸٥ سانتیمتر و درازا وپهنای پنجرهٔ شرقی و غربی گنبد ۱۰۰ × ۸۰ سانتیمتر است . در ورودی شرقی و غربی که زیر دو پنجره ها قرار دارد، به پهنای ۱۰٥ سانتیمتر و بلندی ۱۸۰ سانتیمتر است . درازای داخلی اضلاع گنبد ۱۸٥ و دهنهٔ هر درگاه میان اضلاع، ۱۳۰ سانتیمتر است . قطر دایرهٔ گنبد ،از دو کنج مقابل هم ٤۸۰ سانتیمتر وقطر دایره از داخل طاقنماها ٥۳۰ سانتیمتر است. دهنهٔ محراب گنبد ۹۰ و بلندی آن ۱۷۰ سانتیمتر است . بلندی طاقنماهای داخلی به ۳۳۰ سانتیمتر می رسد . عمق طاقنماهای درونی وبیرونی گنبد ٤۰ سانتیمتر وقطر دیوار گنبد ۱۱٥ سانتیمتر و قطر دیوار اطاقها ٦٥ سانتیمتر است.

دراطاق غربی پلکانی است که با هیجده پلهٔ بیست و پنج سانتیمتر بـه بام اطاقها و راهرو می رود. عظمت گنبد ازبام بیشتر محسوس است . بلندی کمربند گنبد ۱۸٥ سانتیمتر ومحیط دایرهٔ این کمربند بیست متر تمام است . بلندی گنبد بیرونی ٥٥۰ سانتیمتر و قطر طاق آن ۷۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان گنبد درونی و بیرونی ٥۰ سانتیمتر است .

اگر برای بناهای تاریخی گیلان عجایب هفتگانه‌ای درنظربگیریم، گنبد پیرمحله بی‌شک یکی از آنها خواهدبود.

بقعهٔ سید نصر الدین بن امام موسی الکاظم علیه السلام
در دهکدهٔ گولکاسرای رانکوه

بنای اصلی بقعه به درازای ۷۵۰ سانتیمتر و پهنای ۵۵۰ سانتیمتر است. دو در ورودی شرقی و جنوبی دارد. بالای درشرقی پنجره‌ای مشبك بدون شیشه و بالای درجنوبی پنجره‌ای مشبك شیشه‌دار بسیار ظریف تعبیه شده‌است. (عکسهای شمارهٔ ۲۰۵ و ۲۰۶) بر دیوار داخلی وخرجی بقعه، سراسر نقشهای مذهبی‌است. چهارطرف بقعه چهارایوان به‌پهنای ۲۵۰سانتیمتراست ستونهای‌ایوانها چهارسوی پخ‌زده و لتازهٔ آن‌ازدوطرف مشبك‌است.در ورودی ایوانها دروسط ایوان‌غربی‌است. بر سنگ مرمری‌که در ایوان شرقی بردیوار نصب بود این اشعار حك شده بود:

«مکانی شد بنا چون قصر فردوس
ملایك بردرش صف‌بسته چون طیر
نه بیند اینچنین جائی بمیضی
بصرت گر کنند گرد جهان سیر
چو جستم سال تاریخش خرد گفت
بود حاجی امیر بانی این خیر»

داخل بقعه دوسنگ مرمر کوچك است بریکی از آنها این عبرات حك شده بود:

«وفات مرحوم ربیع ولد موسی ساکن‌نصرسرای ۱۲۰۷. نشانه‌ها: تسبیح، مهر وشانه.»

وبر دیگری عبارات زیر خوانده می‌شد:

«وفات مرحوم کربلائی محمد علی ولد محمد صفی قرداقلی ۱۲۰۹. نشانه‌ها: تسبیح، مهروشانه.»

سنگ مرمری جلو در ورودی است واین عبارات برآنست:

«وفات مرحومه نازدارخانم‌بنت مرحوم‌دائی‌علی‌مردان۱۲۱۲. نشانه‌ها:

مهر، تسبیح و دوانگشتر.»

بر سنگ بزرگ دیگری عبارات و نشانه‌های زیر است:

«وفات مرحوم مغفور فاطمه ساخانم بنت مرحوم آقا محمد باقر ۱۲۳۶. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گردن بند، دوانگشتر، آفتابه، قیچی، بینیکی و شکلی کوزه مانند.»

اطراف بقعه را درختان کیش، آزاد و انار فراگرفته است. محیط دایرهٔ یکی از آزادها شش متر تمام بود.

آستانهٔ سید حبیبه معروف به‌خانم خانمها
در چیرکویهٔ رانکوه

بنای اصلی بسیار ساده است. قبری ساده بدون صندوق و ضریح در وسط بقعه است. دو ایوان ساده در دو طرف با ستونهای چهارسو است. بام حلب‌پوش است. اطراف بقعه را درختان آزاد و کیش فراگرفته است.

آستانهٔ نصرعلی کیا بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کویهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع شکل و به ابعاد شش متر است و دارای دو در ورودی شمالی و جنوبی است. صندوقی مشبک ساده در میان بنای اصلی است و «آیة‌الکرسی تا فیها خالدون» به خط خوش نسخ بر آن حک شده است. بر سطح داخل و خارج دیوارهای بقعه، سرتاسر نقاشیهای مذهبی است. (عکس شمارهٔ ۲۰۷) نقاشیها عمل مردی به‌نام غلامحسین لاهیجانی است. در حاشیهٔ نقاشیهای داخل بقعه این عبارات و اشعار نوشته شده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم خورشید آسمان و زمین نور مشرقین ــ پروردهٔ کنار رسول خدا حسین ــ یا امیرالمؤمنین یا حیدر ــ شد کشته حسین و ز غم آزاد شد آدم ــ در حق پدر این پسر الحق پدری کرد ــ یا ابا عبدالله

اغثنی ـ دربارگاه قدس که جای ملال نیست ـ سرهای قدسیان همه‌بر زانوی غم است.... روزی که شد به‌نیزه سر آن بزرگوار ـ خورشید سر برهنه بر آمد زکوهسار ـ یاابا عبدالله اغثنی.»

بر سطح دیواره‌ی خارج نیزکم وبیش همین اشعار واشعاردیگری ازهفت‌بند محتشم کاشانی باخط متوسط نستعلیق، نوشته شده‌است.

چهارطرف سقف داخل بقعه، سه چکش‌گردان دارد وواشانها روی‌چکش‌گردان سومین متکی است. بالای واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است.

بر دو لنگـهٔ چپ و راست یکی از درهای ورودی اشعار عـربی ذیل دیده می‌شود:

«بلغ العلی بکماله ـ کشف الدجی بجماله

حسنت جمیع خصاله ـ صل الله علیه و آله» [کذا]

تاریخ بر حاشیهٔ لنگهٔ دست راست، نـزدیك چهارچوب است و سال ۱۳۱۲ هجری قمری رانشان می دهد. زیارتنـامهٔ بقعه باخط خوش نسخ و مورخ به سال ۱۳۱۶ هجری قمری است.

سه طرف بنای اصلی بقعه، ایوان است. ایوان شمالی وغربی به‌پهنای ۲۵۰ سانتیمترو ایوان شرقی سه‌متر است. سقف ایوانها واشان‌کشی است وبرسه چکش‌گردان دوطرف متکی‌است.(عکس شمارهٔ ۲۰۸) روی واشانها پل‌کوبی بادرزپوش‌زده است. ستونهـای ایوانهـ چهارسوی پخ‌زده و سه‌تـای آنهـا لاچ‌لنگری است. سرستونها، ظریف و پرکار است. لبهٔ بام پنج چکش‌گردان ویك‌پشته است و بسیار زیباوهنرمندانه کارشده‌است. لبهٔ ایوانها لتازهٔ چپ وراست وطرف غربی، دیواری کوتاه جای لتازه را گرفته است. سراسر بام بقعه و ایوانها سفال پوش است.

مراسم علم‌بندی روز سوم محرم و علم واچینی روز سیزدهم همان مه اجرا می‌شود.

بقعهٔ عاشورعلی کیا
در پائین لشکاجان رانکوه

بنای اصلی بقعه متصل به‌مسجد است. سه‌طرف آن ایوان است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و روی واشانها پل‌کوبی بدرزپوش زده است. ستونها چهارسو باسرستون ویکی ازستونها لاچ‌لنگری است درخت آزادکهنسالی درمحوطهٔ بقعه است.

بقعهٔ سیدبگم برادرزادهٔ سید حبیبه
دردهکدهٔ کرفستان رانکوه

بنای اصلی بقعه دروسط وچهار طرف آن ایوان است. پهنای ایـوان شمالی یك مترونیم وایوانهای شرقی وجنوبی یك متر و ایوان غربی ۸۰ سانتیمتر است. سقف بقعه واشان‌کشی و روی آن تخته کوبی است. وسقف ایوانها واشان و روی واشانها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. ستونها چهارسوی پخ‌زده وچهارستون‌ایوان جلو، لاچ‌لنگری است.ستونها تمام دارای‌سرستون است. لبهٔبام دوپشته وبام‌سفال‌ـ سراست.لبهٔایوانها دورتا دورلتازهٔ چپو راست دارد. اطراف‌بقعه رادرختان‌کیش و آزاد ویك اصله‌کوب ویك اصله‌توی وچند اصله‌کنوس فراگرفته است.

مراسم‌علم‌بندی شب‌اول‌محرم‌ومراسم علم‌واچینی روزاربعین است. روزهای جمعه روضه‌خوانی و زوار کشی است.

بقعهٔ آقاسید احمد و آقاسید محمود
درسله‌سر (=استلخ‌سر) کرفستان رانکوه

دردوطرف جنوب وشرق‌بقعه، ایوانی‌به‌پهنای۱۱۰ سانتیمتراست. ستونهای ایوانها چهارسو وبدون سرستون است. لبهٔایوانها،لتازهٔ تخته‌ای است. سقف‌بقعه و ایوانها واشان‌کشی است. لبهٔبام دوپشته وبام‌حلب پوش‌است. درختان کهن آزاد و

کیش بر بقعه سایه انداخته‌اند. مراسم علم‌بندی در این بقعه روز اول محرم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم همین ماه برپا می‌شود.

آستانه‌ای بی‌نام و نشان
در دهکدهٔ اشکرمیدان رانکوه

بنای اصلی بقعه رگالی و ایوانهای آن درسه طرف غرب و جنوب و شرق، بنا شده است. صندوقی ساده و تخته‌ای درکنار محوطهٔ بنای اصلی است. سقف بقعه واشان کشی واز رو پدکوبی وسقف ایوانها، فقط واشان کشی است. ستونهای ایوانها چهار-سوو بدون سرستون است. لبهٔ ایوان لتزهٔ تخته‌ای است. سه درورودی بقعه در سه ایوان سبق الذکر باز می‌شود. لبهٔ بام دوپشته و بام سفال پوش است.

مراسم علم‌بندی در این بقعه روز هفتم و مراسم علم واچینی روز سیزدهم محرم برپا می‌شود.

بر سر سه‌راهی اشکرمیدان آستانه‌ی قدیمی بوده است که فعلاً خراب کرده بودند. مسجدی قدیمی و مسجدی نوساز نزدیک خرابهٔ این بقعه بود درختان کهنسال کیش و پلت و آزاد برمحوطهٔ بقعه سایه انداز بود.

حمامی قدیمی و خراب
دردهکدهٔ پیش بیجار رانکوه

کنار جاده‌ای که به پیش‌بیجار وارد می شود، حمامی آجری قدیمی است که دارای سربینه و گرمخانه و یک خزینهٔ آب‌گرم و یک خزینهٔ آب سرد است. چاه آبی درجاو حمام وحوض مربع شکلی نزدیک آن است. آب چاه، پس‌از کشیدن و ریختن دراین حوض باتنبوشه به‌حوض سربینه وخزینه‌ها می‌رفته است.

حمامی آجری وقدیمی دیگر دراین محل است که آن نیز روی درخرابی داشت.

خانه‌ی قدیمی پیش‌بیجار بسیار عظیم و پنجره‌های مشبک و ارسیهای آن بسیار زیبا و هنرمندانه ساخته شده بود.

بقعهٔ سید مرتضی بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ ماچیان رانکوه

بنای اصلی بقعه شامل اطاقی است به درازای ۶۶۰ وپهنای ۶۳۰ سانتیمتر و قطر دیوار آن ۹۰ سانتیمتر است، چهار طرف این اطاق ایوان دارد. درازای هر یك از ایوانهای چهارطرف یازده متر و پهنای آنها ازاین‌قرار است: ایوان‌شرقی و شمالی وغربی ۱۹۰ سانتیمتر و ایوان جنوبی ۲۲۰ سانتیمتر. بلندی در ورودی بقعه ۱۵۰ وپهنای آن ۹۵ سانتیمتر است. درمیان بنای اصلی بقعه صندوقی سادهٔ تخته‌ای است که اطراف آن راضریح مشبکی بدرازای ۲۶۰ وپهنای ۲۱۰ وبلندی ۱۵۰ سانتیمتر فرا گرفته است. سقف داخل بقعه پنج شیرسر تخته‌ای دارد. وسط سقف مربعی است که سطح آن گودتر از سایر قسمتهای سقف است و پنج تختهٔ ۲۰ سانتیمتر داخل آن راپوشانده است. سقف ایوانها، ازطرف دیواربقعه، دارای دوشیراست واز طرف ستونهای ایوان دو پشته است. بالای شیرسرها وپشته‌ها، واشان چهارنبش و بالای آنها پل‌کوبی با درزپوش‌زده است. جلو ایوانها، ستونهای چوبین چهارسوی پنجزده وشش عدد لاچلنگری ماربیچ و هفت و هشت است. لبهٔ ایوانها لتازه و ایوان جنوبی که در ورودی بقعه در آن است، تکائل دارد. ستونها دارای‌سرستون و پره‌های ایوانها، چهارپشته است. بام سراسر بنا، سفال‌سرخ است.

بردیوار شرقی وغربی داخلی بقعه دوخورشید ترسیم شده است. دروسط و حاشیهٔ اطراف، اشعاری ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی و درفواصل مصراعها «یاباعبدالله اغثنی» خوانده می‌شود. دردوطرف خورشیدها، عبارت «الحق مع‌علی» ازراست به چپ وازچپ به راست نوشته شده‌است.

برنمای خارجی دیوار بقعه، درضلع جنوبی «الله محمد علی» ودو گوزن در

طرفین وزیر آنها دو طووس و طرفین طاووسها، دو علم و زیر تمام این نقوش و نوشته‌ها، اژدهای بزرگی ترسیم شده‌است (عکس شمارهٔ ۲۰۹).

بر نمای خارجی دیوار غربی، حضرت ابوالفضل سوار بر اسب است و حضرت زینب مشکی در دست دارد و بدو می‌دهد. سایر زنان صحرای کربلا، هر یک کاسه‌ای به‌دست دارند. طرفین تمثال، دو شیر شمشیر به‌دست و زنجیر به‌گردن دیده می‌شود. طرف راست این تمثال، عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و زیر صلوات، مصراع «در مدیحش مدایح مطلق» خوانده می شود.

بر نمای خارجی ضلع شمالی عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و «الحق مع علی» و نامهای پنج تن، از راست به‌چپ و از چپ به‌راست نوشته شده‌است. طرفین نام‌های پنج‌تن دو علم نقش شده‌است. در حاشیهٔ بالا، اشعاری از هفت‌بند محتشم کاشانی و فواصل مصراعها، عبارت «یا اباعبدالله ادرکنی» خوانده می‌شود.

بر نمای خارجی دیوار شرقی در بالا، عبارت «خیر البشر علی» گچ‌بری شده‌است. حضرت رقیه در وسط و فرشتگان در طرفین و ایستاده‌اند. عبارت «الحق مع علی» و «نصر من الله وفتح قریب» و «در مدیحش مدایح مطلق- ذهق الباطل است، جاء الحق» در چپ و راست تمثال از راست به چپ و از چپ به راست دیده می‌شود. بالای این نوشته‌ها و نقشها، جای دو آئینه بوده است که، لای آئینه‌ها «تجده عونالك فی النوائب» و بالای آن کبوتری ترسیم شده است.

علم‌بندی در این بقعه روز هفتم محرم و علم‌واچینی روز دهم همین ماه یعنی عاشوراست. زورکشی این بقعه روزهای جمعه است.

اطراف بقعه درختان بلند لیلکی، کیش، انار، گردو، آزاد، به و سرو است. محیط دایرهٔ تنهٔ سرو تر و تازه و بلند و رسای این بقعه به ۲۹۰ سانتیمتر و محیط دایرهٔ تنهٔ آزاد کهن سال آن، به ۲۵۰ سانتیمتر می‌رسید (عکس شمارهٔ ۲۱۰).

بقعهٔ آقاسید محمد نوهٔ امام موسی الکاظم علیه السلام
معروف به فصل و فاضل
در سیارسناق رانکوه

طول و عرض بنای اصلی بقعه پنج متر و در ورودی آن به بلندی ۱۶۰ و پهنای ۱۱۰ سانتیمتر در میان دیوار جنوبی است. چهار طرف بنای اصلی ایوان است. درازای ایوان جنوبی ۸۶۰ سانتیمتر و پهنای آن دومتر، درازای ایوان شرقی ۸۴۰ و پهنای آن ۱۸۰ سانتیمتر، درازای ایوان شمالی ۸۷۰ و پهنای آن ۱۴۰ سانتیمتر است. صندوقی در وسط بنای اصلی بقعه است. صندوق آلت دار و میان آلتهای آن باقابهای چوبین پر شده است. در ورودی بنا نیز به همین ترتیب از چوب ساخته شده است. سقف داخل بقعه دارای پنج شیرسر است که مربع وسط آن کمی گودتر از سایر قسمتهای سقف است.

سقف ایوانها، از طرف دیوار بنای اصلی بقعه و سر بال ستونهای ایوان، دو شیرسر دارد. واشانهای چهارسو برشیرسرهاست و بالای واشانها، پدکوبی به درز پوش زده است. یازده ستون این بقعه لاچ لنگری است. نوع لاچ لنگرها مارپیچ و منکسر است. در ورودی ایوانها عربی است و تمام ایوانها تکائل دارند. تکائل ایوان جنوبی مشبک است (عکس شمارهٔ ۲۱۱).

مراسم علم بندی در این بقعه هفتم محرم و مراسم علم واچینی سیزدهم محرم یا روز سوم از قتل حسین بن علی علیه السلام برپا می‌شود.

مسجدی کهنه و قدیمی درغرب بقعه است که ارسیهای بزرگ و پرکار دارد. درشرق و غرب این مسجد دو پنجرهٔ مشبک ظریف دیده می‌شد.

اطراف بقعه و مسجد درختان ای (= نارون)، نارنج، للیکی، انار، به، کنوس (= ازگیل) سیب، خوج و گردو است. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی از نارونها چهار متر تمام بود

آستانهٔ پیچان
در دهکدهٔ میرك محلهٔ [1] سیارستاق [2]

درازا وپهنای بنای اصلی بقعه چهارمتراست . در ورودی بقعه غربی‌است . چهارطرف‌بقعه ایوان است . درازای هریك ازایوانها ۷۵۰سانتیمتر وپهنای ایوان شرقی ۱۷۰ وجنوبی ۲۱۰ وغربی ۱۹۰ وشمالی ۱٤۰ سانتیمتر است . درایوان جنوبی سه‌ستون لاچلنگری ست که دوتای آن ماربیچ و یکی هفت‌و هشت‌است . برهر سه‌ستون جای‌علم‌تعبیه شده‌است. هفده ستون دیگر، چهارسوی بخرده‌است تمام سرستونها دهان اژدری است. طرفین ایوانها، یعنی طرف دیوار بقعه وطرف سرنال‌ستونها، شیرسرظریفی داردکه روی آنها واشانهای چهارسو و روی واشانها ، پلکوبی با درزپوش‌زده‌است. سقف اصلی‌بقعه نیزمانندسقف ایوانهاست پرهٔ ایوانها سه‌پشته است وبام سراسر بنا، سفال پوش است.

مراسم علم‌بندی روزهفتم‌محرم وعلم‌واچینی عصرسیزدهم‌محرم‌برپا می‌شود.

بنای اصلی بقعه بامسجدی که درجوار آن است، میان درختان‌کیش،آزادو خوج است ، محیط دایرهٔ تنهٔ درخت آزادکهنی که دراینجاست به ۳۸۰ سانتیمتر بالغ بودو براین درخت شاخ گنج‌گاو (=گوزن) شش ساله کوبیده بودند.

بقعهٔ آقا سید ابراهیم‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ کلدرهٔ [3] رانکوه

بنائی‌است زگالی‌ومربع‌شکل. در ورودی‌بقعه شرقی‌است.چهارایوان‌درچهار طرف بقعه است. ایوانها دارای ستون چوبین چهارسو باسرستونهای پرکاراست. ایوان شرقی هفت‌ستون دارد که یکی از آنها لاچلنگری هفت وهشت است . سه

۱ـ تلفظ محلی،مرك‌محله (بفتح میم‌وکسر راء). ۲ـ سیارستاق شامل نه پاره آبادی به‌این‌شرح است: صیادمحله، قاضی محله، کوگا «Kowgâ»،شه‌مرادمحله، علی‌اوسط محله، کندبن،کندس، جابازمحله ، بزاستان (بکسرباء). ۳ـ بفتح کاف و دال.

ایوان دیگر هریك شش ستون دارد. پائین ستونها چهار ضلعی ومقطع بالای آنها هشت ضلعی دوبه‌دو برابر است. چشمه‌ای جلوبقعه است ودرخت آزادی کهنسال که محیط دایرهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتراست، نزدیك این‌چشمه است.

بقعهٔ آقاسید زکریا
در دهکدهٔ سالومحلهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه مربع شکل‌است. دودر ورودی درجنوب وشرق دارد چهار طرف‌بقعه ایوان است. هر یك از ایوانها هشت‌ستون چهارسو دارد یکی ازستونهای ایوان شرقی لاچ‌لنگری است. سقف بقعه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی‌است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام‌بنا، سفال‌سر است. مسجدی‌نزدیك بقعه‌است که پنجره‌های ارسی قدیمی دارد.

بقعهٔ امیر حیدر وامیر احمد
در دهکدهٔ امیربندهٔ رانکوه

بنای اصلی بقعه ۱۲ × ۱۲ متراست. داخل اطاقی دوصندوق چوبین ساده است. میان دوصندوق جداری مشبك چوبین ونزدیك این‌جدار، ستونی‌قطور لاچ‌لنگری بسرستونی زیبا است. سرکشی درعرض بنا، روی‌این‌سرستون است. چهار طرف بقعه ایوان دارد. پهنای ایوان قبلی ۲۵۰ سانتیمتر وپهنای ایوانهای شرقی‌و غربی وشمالی هریك ۱۴۰ سانتیمتراست. لبهٔ ایوانها تکائل چوبین مشبك ظریف است. ایوانهای شمالی وجنوبی هریك‌یازده ستون وایوانهای شرقی وغربی هریك هشت ستون دارد. دوستون لاچ لنگری درایوان قبلی است (عکس شمارهٔ ۲۱۲). سقف ایوانها وبقعه‌ها سه ردیف شیر سر داردکه سقف بربالای ردیف آخرزده شده است. لبهٔ بالای ایوان سه چکش‌گردان ویك پشته دارد (عکس‌شمارهٔ ۲۱۳). بام سراسر بنا سفال‌سراست. مسجدی نسبةً قدیمی درجواربقعه است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه درختان قطور آزاد است.

در کاوشی که درخرداد ماه سال ۱۳۴۵ در این بقعه می‌شد، ساختمانی باکاشی‌کاری و زینتهای گوناگون پیدا شد. ازطرف دادگاه دستور داده‌شدتارسیدن مأموران باصلاحیت دولتی، نگذارندکسی درآنجا دستکاری کند. هنوز روشن نیست که این بنا چیست؟

مسجد قدیمی گیلاکجان
درو هکدهٔ گیلاکجان رانکوه

مسجد گیلاکجان ازمستحدثات امام ناصر کبیر است. هنگامی‌که سیدعلی کیادر حدود سال ۷۷۲ هـ. ق. قصد تسخیر رانکوه را داشت و یکی دو بار بامیره‌ها و پادشاهان محلی این ناحیه جنگید، در این مسجد بماند و مردم ولایت رانکوه از اطراف وجوانب بداعتقاد صادق می‌آمدند و بیعت می‌کردند و از فسق وفجور و عصیان متحرز و مجتنب می‌گشتند ودرمقام اطاعت و فرمانبرداری وظایف عبودیت به‌تقدیم می‌رسانند.»[1]

از دهکدهٔ کلاکجان (= گیلاکجان) درجامع التواریخ رشیدی به‌نقل‌ازتاریخ حسن‌صباح نیزیاد شده‌است. درآنجا می‌نویسد «... کیااسماعیل بالشکری بفلام‌رودبار[2] رفت به‌جائی که کلاکجان خوانند وبجنگ بگرفتند و پنجاه شصت کس را بکشتند.»[3]

مسجد امروز گیلاکجان، بنائی است‌که ابعاد داخلی‌آن ۱۰٫۶۰ × ۱۰٫۲۰ متر است. قطر دیوارهٔی آجری آن ۹۰ سانتیمتراست. درفاصلهٔ ۵۵۰ سانتیمتری دیوارقبلی‌سرکشی درطول بناست‌که برستونی عظیم چوبی لاج‌انگری متکی‌است. این ستون دارای سرستونی بزرگ و پرکار و خوش نقش است. کف مسجد سابقاً باکاشیهای هشت ضلعی به قطر ۱۴۵ سانتیمتر مفروش بوده است. بر کاشیها گردو

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۳۷. رابینو در ص ۳۵۷ گیلان خود ازاین مسجد یاد کرده است.

۲ــ این ناحیه به‌نامهای «پلام رود» و «پلام رودبار» و «فلام رود» و «پلورود» و «پلورودبار» نیزخوانده شده‌است. درمتن جامع‌التواریخ «فلام‌رودبار» آمده‌است.

۳ــ جامع التواریخ رشیدی، قسمت اسمعیلیان، ص ۱۵۹.

بوته‌های سفید بر زمینه‌ای فیروزه‌ای کار شده است و به‌نظر می‌رسد که متعلق به دوران پیش از صفویان است. فرش امروز مسجد، کاشیهای شش ضلعی است که قطر آنها ۲۴ و درازای هر ضلع ۱۴ سانتیمتر است. سقف مسجد واشان کشی است. واشانها بر سرکش وسط و دیوارهای دوطرف متکی است. بالای واشانها پل کوبی بادرزپوش است.

محرابی صرف قبلی است و دوطرف آن دو پنجرهٔ شیشه دار است که به‌محوطهٔ باز اطراف مسجد گشوده می‌شود. دو خفنگ نورگیر مشبک چوبین نیز درهمین طرف است. درطرف شمال دو در ورودی بزرگ به‌بلندی ۱۸۶ و پهنای ۱۶۰ سانتیمتر است که بالای هر یک خفنگی نورگیر مشبک چوبین است. سقف بنا یک پشته و بام آن سفال‌سر است. آجرهای بنا به‌ابعاد ۴ × ۱۹ × ۱۹ سانتیمتر است.

نهرهائی که از رودخانهٔ پلو رود جدا می‌شوند

نهرهای زیر درمشرق رانکوه هستند و از نهر اصلی ماچین منشعب می‌شوند:

۱ـ نهر شیرارود، ازماچیان تشلمان را آبیاری می‌کند.

۲ـ نهر لاکلایه، از لاکلایه تا کلان کلایه ادامه دارد.

۳ـ کلدره،[۱] سرنند آن ماچین است. به کلدره و لاکلایه و ترشیه[۲] تا جادهٔ آسفالت پیش می‌رود.

۴ـ نهر سیارستاق، آبادیهای سادات‌محله و قاضی‌محله و هادی‌کیاشر را آبیاری می‌کند.

۵ـ نهر هردورو، ددامحله، پیرمحله، سرجومحله[۳]، ماسایه و لسبومحله و گسکرمحله را آبیاری می‌کند.

۶ـ نهر انارستان کنار میرک محله کشیده شده است.

۷ـ نهر چناربن که دهکده‌های چناربن، احمدآباد، سلطان‌سرا و کوتکان را آبیاری می‌کند.

۱ـ بفتح کاف و دال. ۲ـ بضم تاء و کسر یاء. ۳ـ بضم سین و ج.

۸ـ نهر بالالم،[۱] از بالالم به سیاوان محله و وشال[۲] می‌رود.

۹ـ نهر خالکه به‌کین پشته ومیرون‌محله و بهادرمحله می رود و شعبه‌ای از آن به گیلاکجان و شهر محله می‌رسد.

۱۰ـ نهر گیلاکجان که گیلاکجان وسالومحله را آبیاری می‌کند.

۱۱ـ نهرسالومحله که قسمتی از سالومحله و تمام حسنات‌سرا را آبیاری می‌کند.

راه شاه‌عباسی
در ناحیهٔ شرق رانکوه

ازسورختی به دریاپشته، به‌گاوماست واجارگاه به‌بندبن واجرگاه، به‌سالاک‌ـ جان واجرگاه، به‌نعمت‌سرا، به‌گلدشت، به‌کش کلایه[۳] می‌رود. سپس از بالای دهکدهٔ آزاربن وباغ‌های چای سی‌ور[۴] می‌گذرد

قلاکوتی فشکل‌پشته[۵]
درفشکل‌پشتهٔ واجارگاه رانکوه

این قلعهٔ قدیمی امروز به‌باغ چای تبدیل شده است. کندوکاوی که درمحل کرده بودند، نشان می‌داد که آجر جزء مصالح اصلی بنا بوده است.

قلاکوتی واجارگاه
در دهکدهٔ واجارگاه رانکوه

سطحی که روزی قلعه بر آن بناشده‌است، بیش ازهزار ودویست مترمربع است. دراین اراضی آجر پاره و سفال پیدا می‌شود. طرف شرق قلعه، رودخانهٔ لزوجان[۶] وطرف جنوب آن دیودره است.

۱ـ بفتح باء ولام‌دوم. ۲ـ بکسر واو. ۳ـ بفتح کاف‌ولام. ۴ـ بکسرواو.
۵ـ بفتح فاء و کاف. ۶ـ بفتح لام وکسر زء.

قلاکوتی شب‌خسب کله
درشب خسب کلهٔ واجارگاه رانکوه

دوراین قلعه خندق است. درمحل قلعه که درحدود ۱۳۰۰ مترمربع است آثار سنگ وآجر وسفال پیدا می‌شود. این اراضی امروز به‌باغ چای تبدیل شده است

قلاکوتی گزافرود [1]
در اراضی کلاچای رانکوه

درمحل قلعه آجر وسنگ وسفال پیدا می‌شود. پهلوی این قلعه چاه بزرگی است. این چهار قلعه یعنی قلاکوتی فشکال پشته و قلاکوتی واجارگاه و قلاکوتی شب‌خسب کله وقلاکوتی گزافرود، درامتدادهم و ازجنوب بشمال قرارگرفته‌اند. نظیر این قلعه‌ها که درامتدادهم از پی کوه به‌لب‌دریا کشیده شده‌اند درچلندرکجور نیز دیده می‌شود.

قلاکوتی سلیم‌سرا
درمیان رودخانهٔ سلیم‌سرا
دردهکدهٔ سلیم‌سرای واجارگاه رانکوه

این قلعه داخل رودخانه است وازچهار طرف آن آب گذر می‌کند. دربالای اراضی مسطح آن بقایای آجر وسنگ وسفال پیدا می‌شود.

درسیاهکله‌رود نیز قلعه‌ای نظیر این قلعه‌هست.

بقعهٔ آقا سیدعبدالله
دردهکدهٔ سیاهکله‌رود اطاقور رانکوه

بنائی است ساده بچهار ایوان‌کتابی درمیان جنگلی ازدرختان کیش کهنسال.

آقا عار آستانه
دردهکدهٔ سیاهکله‌رود اطاقور رانکوه

بنائی است ساده‌باچهار ایوان وستونهای چهارسو درمیان جنگلی ازدرختان آزاد کهنسال.

۱ــ بضم گاف وکسرفاء.

بقعهٔ آقاسیدحسین
دردهکدهٔ چایجان سیاهکله‌رود رانکوه

بنای اصلی بقعه زگالی‌است. صندوقی سادهٔ چوبین دروسط بنای بقعه‌است. چهارایوان درچهارطرف بستونهای چهارسو دارد. ستونها دارای سرستون زیبا و خوش‌تراش است. لبهٔ ایوان‌تکه‌ٔل چوبین دارد. نقاشیهای مذهبی برجدار دیوارهای داخلی و خارجی بقعه دیده می‌شود. سقف بقعه‌را باشیرسرهای متعدد جمع کرده‌و بدین‌ترتیب صاق زده‌اند. سقف ایوانها واشان‌کشی و پل‌کوبی بادرزپوش است. دو شاخ گنج‌گاو (= گوزن) بردوطرف درنصب شده است. شاخهٔ کیش را به عنوان تبرک به‌بقعه می‌آورند. کندوی زنبورعسل و برنج جزء هدایای بقعه‌است.

راه شاه‌عباسی
درحوالی قاسم‌آباد رانکوه

این راه‌قدیمی ازشرق به‌غرب از ملشمیان بـه پائین‌قسم‌آباد وازآنجا به سیاهکله‌رود وسجیدان وبجی‌گور می‌رود.

قلعهٔ بندبن قاسم‌آباد
دردهکدهٔ بالاقاسم‌آباد رانکوه

مکنزی می‌نویسد که پائین دست دهکدهٔ بندبن، درفـاصلهٔ کمی از چیجان برجی قدیمی به‌ارتفاع نه‌تا دوازده متراست که راهی زیرزمینی نیزداشته است.[۲]

بندئی‌که مکنزی ازآن یادمی‌کند، برجی تنهانیست بلکه قلعهٔ نسبةً بزرگی است که برپورهٔکوهی که مسلط بردهکدهٔ بندبن است ساخته شده است. برجی‌که مکنزی ازآن یادمی‌کند برج نگهبانی ودیدبانی این‌قلعه است‌که درآخرین نقطهٔ جنوبی قلعه،بربالاترین نقطهٔکوه ساخته شده است (عکس‌شمارهٔ ۲۱۴). قطرداخلی این برج سنگی ۴۶۰ سانتیمتر وقطر دیوار آن ازیك متری کف موجود، ۱۷۰

۱ــ بضم گ ف و کسر فاء ۲ــ گیلان رابینو ،ص۳۵۴.

سانتیمتر است. بلندی برج از کف اصلی درحدود هفت متر است و هشت سنگ‌انداز سالم دارد (عکس شمارهٔ ۲۱۵). دیواری از سنگ و گچ نزدیک این برج است که درازای آن ۴۲۰ سانتیمتر و پهنایش ۱۲۰ سانتیمتر است. نیمهٔ شمالی برج را گنج‌گیران برای یافتن دفینه خراب کرده‌اند و احتمال دارد باقی آن نیز فروریزد. در شمال این برج بر پوزهٔ کوه که شیبی ملایم دارد، آثار و باقیمانده‌های دیوارهای سنگی دیده می‌شود. درطرف شرق این پوزه نیز در ورودی قلعه که بلندی آن به یک متر می‌رسد، تا امروز برجای است. درسایر نقاط کوه آثار برج و باروست که یادآور بزرگی واستحکام این قلعه است. درختان زیادی درمحوطهٔ قلعه و بر دیوارها روییده که شکل اصلی آن را ازمیان برده‌اند. نام اصلی این قلعه و گذشتهٔ آن برما روشن نیست.

بقعهٔ امیر عسکر
در دهکدهٔ بندبن قاسم آباد رانکوه

بنای اصلی بقعه زگالی است و صندوقی چوبین ساده میان آن است. چهار طرف ایوان بستونهای چهارسوی ساده دارد. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

گورستان قدیمی
دردهکدهٔ بالاقاسم آباد رانکوه

میان این گورستان قدیمی درخت زبان گنجشکی (—ون) است که محیط آن ۴۸۰ سانتیمتر است.

بقعهٔ سید ابو جعفر ثایری حسنی
در دهکدهٔ میانده اوشیان

سیدظهیرالدین ازمزار شیخ‌المشایخ ابوجعفر موسمی یادمی کند[1] که باید همین مرقد سید ابوجعفر ثایری حسنی باشد. رابینو در کتاب گیلان خود ازمرقد

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۴۶.

این مرد نام برده و می‌نویسد که امروز نشانی از آن برجای نیست [1] اما در صفحهٔ ۳۶۱ این کتاب از مرقد سید جعفر در دهکدهٔ میانده رانکوه نام می‌برد و شرح زیر را دربارهٔ آن می‌نویسد:

« میانده درمیان جنگل، در دوازده کیلومتر و هشتصد متری آب گرم سخت‌سر (= رامسر) ودرسه کیلومتری مغرب «سفیدتمیشه» است. این دهکده بر کنار رودی به‌نام «رودمیانده» است. درجنوب میانده، تپه‌های جورده است. منافع ماهیگیری رودخانهٔ میانده وقف بقعهٔ سیدجعفر است. الطاهر بالله هنگامی که ازمازندران عقب‌نشینی کرد، در ناحیهٔ سیاهکله‌رود، دردهکدهٔ میانده پایگاهی تهیه کرد. درزمن سید ظهیرالدین خرابه‌های مدرسه‌ای که او بذکر ده بود، دیده می‌شد وهمچنین مرقد او که موقوفت زیاد داشت برپای بود. سلطان محمد- والی بیه‌پیش - اورا داروغهٔ این محل کرد وپس ازمرگ دستور داد تابنائی برای مرقد اوسازند.» [2]

درازای بنای این بقعه باایوان ۱۱ متروپهنای آن ۸ متراست. درورودی بقعه شمالی‌ست (عکس شمارهٔ ۲۱۶). ایوان شمالی که نسبةً تازه‌ساز است به‌درازای ۸ متروپهنای ۲متر است. درجلو ایوان شمالی، جداری مشبک چوبین به درازای ۱۱ متر است که به شش قسمت اصلی تقسیم می شود. در ورودی مشبک ایوان درمیان این قسمتهاست. در ورودی جدار مشبک به رواقی به‌پهنای ۱۴۳سانتیمتر باز می شود واین رواق باهمین پهنا چهارطرف بنای بقعه می‌گردد. درورودی اصلی بقعه دررواق شمالی است وشامل چهار قسمت اصلی است. دورهٔ در کنده‌کاری وقاب‌گره مثلث شکل است. وبالای آن مشبک‌کاری است(عکس شمارهٔ ۲۱۷) این‌در دولنگه‌و بلندی آن ۱۶۳ و پهنای آن ۱۱۰ سانتیمتر است. هرلنگه شامل دوازده قسمت ستاره‌ای شکل ونظیر کار قاب وگره است (عکس شمارهٔ ۲۱۸) کلاه چهارچوب بسیار زیباست و کنده‌کاری دارد. این عبارات بر آن دیده می شود:

«عمل استاد علی‌بن استاد ابراهیم تمیجانی غفرالله ذنوبه مشهدالمبارك

۱- گیلان رابینو، ص ۳۳۹.   ۲- گیلان رابینو ص۳۶۱.

المهیمن (؟) امیراعظم ابوجعفر الثایری الحسنی نورالله قبره بتاریخ اثنی واربعین وثمانمئه بشارهٔ بزرگمردین سیدمحمدکیا و یحیی‌قاضی‌و تایب احمد وکاتب الحروف حاجی محمد.» (عکس شمارهٔ ۲۱۹)

درازای حرم ۳۷۰ وپهنای‌آن ۳۳۰ سانتیمتراست. دروسط بنا ستون چوبین قطوری‌است که سرکشی بر سر ستون‌آن متکی‌است. سقف واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. روی‌تخته‌های پل‌کوبی سقف، گل‌و بوته‌ئی‌نقاشی‌شده‌که‌قدیمی به‌نظر می‌رسد. دیوارهای حرم‌آجری است وروی‌آن راسفیدکاری کرده‌اند. ازارهٔ کاشی شش ضلعی‌آبی رنگ قدیمی به‌بلندی ۷۳ سانتیمتر بردیوارهای حرم است. قطر این‌کاشیهای شش‌ضلعی ۹ ودرازای هرضلع‌آن شش‌سانتیمتر است.

صندوق مرقد ازچوب آزاد وکنده‌کاری است. درازای‌آن ۲۲۰ و پهنایش ۱۰۰ وبلندی‌آن ۸۶ سانتیمتر است وبرپایه‌ای چوبین‌به بلندی ۱۵ سانتیمترقرار گرفته‌است. دوبدنهٔ دراز صندوق شامل سه‌قسمت اصلی‌است که وسط هردوقسمت دوحاشیهٔ‌کنده‌کاری دارد(عکس شمارهٔ ۲۲۰). سروته‌صندوق شامل یک‌قسمت اصلی‌و دوحاشیه دراطراف است.

برحشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی این‌آیات ازکلام‌الله مجید حك بود:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقرآن الحکیم ـ تا ـ لقدحق القول علی‌اکثرهم.» (عکس شمارهٔ ۲۲۱)

برحاشیهٔ بالای بدنه شرقی:

«فهم لایؤمنون ـ تا ـ الی‌الاذقان فهم.»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی:

«مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم ـ تا ـ اتبع‌الذکر وخشی‌الرحمن.»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی:

«بالغیب فبشره بمغفرة ـ تا ـ ما قدموا وآثارهم.»

بروسط بدنهٔ شمالی این عبرات بخط نسخ حك شده بود:

«امر هذا الصندوق السلطان الاعظم محمد سلطان خلّد سلطنته هذا المرقد المنور ومشهد المعطر امامزاده سید ابوجعفر ثایری طیب الله مضجعه فی تاریخ سنه خمس وخمسین وثمانمائه .»

دوطرف در ورودی بقعه ، دوستون چوبین است . این عبارات برستون سمت راست خوانده می شد :

«عمل استاد قای توبنجنی بااخوان محمدکاظم تائب ابن مرحوم حسین حاج ملاصادق ابن میرمحمد رضا سنه ۹ ۱۳.»

عبارات زیر برستون سمت چپ نوشته شده بود :

«عمل خیرالزوار استادقلی با اخوان محمدکاظم کاتب الطالقانی التاریخ سنه ۱۳۱۹ درعهد سلطنت مظفرالدین شاه خادم استاد رضا .»

در بالای سرکش ایوان، این عبارات باخط نسخ وقلم ومرکب نوشته‌شده‌است:

« روزگار نامناسب آدم ناسازگار

گه زدست چرخ نالم گه زدست روزگار

حرره خیرالزوار استاد قلی واستاد کاظم واستاد عبدالله ازهمه التماس دعا داریم مارفتیم خداحفظ خداحافظ خداحافظ سنه ۱۳۱۹.»

بر تختهٔ پهلوی درهم نظیر این عبارات تکرار شده است .

محوطهٔ وسیعی اطراف بقعهٔ سید ابوجعفر است که قبرستان قدیمی‌است . سنگهای قبور زیر در آن دیده شد :

«وفات مرحوم میرمراد ولد مرحوم میرسلیم ۱۰۴۵.

رحم کن [برمن و] بفاتحه از من مگذر

بهر یک فاتحه [من] خاك رهت گردیدم

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و شانه .»

«وفات مرحوم محمد اسماعیل ولد مرحوم آقاقربان ۱۲۷۵. نشانه‌ها: مهر، تسبیح ، شانه وخنجر.»

بقعهٔ آقا سیدحسین
درده‌کدهٔ سورخانی چابکسر اوشیان

بنای اصلی بقعه مستطیل شکل است که چهارطرف آن ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسوی پخ‌زده است. سقف بقعه و ایوانها واشان‌کشی و زیگال (=پردو) کوبی است. لمهٔ بام یک‌پشته و دم حلب‌سر است.

بقعهٔ آقا شیخ زاهد
درده‌کدهٔ شیخ زاهد محلهٔ چابکسر اوشیان

بنای اصلی بقعه زگالی و مربع شکل است. صندوقی چوبین ساده در وسط این بناست. اطراف بقعه ایوان است. ایوانها دارای ستون چهارسوست. جلو ایوان قبلی تکائل چوبین مشبک ظریف است. در ورودی بقعه مشبک‌کاری است که بعد، روی تختهٔ صاف نصب‌کرده‌اند. بالای لنگهٔ سمت راست این عبارات خوانده می‌شد:

«بتاریخ سنه ست وثمانین والف محمدرضا منجیلی.»

درمحوطهٔ‌ سبز اطراف بقعه درختان آزادکهنسال است. محیط تنهٔ یکی از آنها به ۴۲۰ سانتیمتر می رسد.

پل آجری سجران[1]
نزدیک سجران رانکوه

میرظهیرالدین می‌نویسد که میرزاعلی‌کیا نزدیک سجران روی رودخانه‌ای بهمین نام پلی آجری بناکرده است. رابینو درسال ۱۳۳۱ هـ. ق. آثار این پل را ندیده وجا ومحل آن را نشناخته است.[2]

قصرسلطنتی رانکوه

«چون خاطر [سیدمحمد کیا] ازجانب مردم دیلم ودیسمستان بکلی آسوده

۱ـ نکسرسین.
۲ـ گیلان رابینو، ص ۳۵۰.

گشت، به‌تعمیر ولایت رانکوه واشکور اقدام نمودند. چون عمارات امیران ناصرود همچو ایام دولت ایشان بی‌ثبات و بی‌بنیاد بود و ازچوب وگل ساخته بودند، مجموع صورت انهدام پذیرفته‌بود ودراشکور خود ازساختهٔ هزاراسپی چیزی نبود و آنچه بود در آن انقلاب منهدم گشته وویران شده بود . بفرمود تابنّایان ماهر برسرکار آیند ودر رانکوه طرح قصری بغایت خوب فرمود انداختن واز آجر وصاروج ساختند. وبعدازآن بنّایان خزنه‌ها وجایهاکه محل فرودآوردن ایلچیان ومهمانان باشد، هم‌ازآجر وصاروج تمام‌کردند وطویله‌های اسپان واستران بعضی‌ازسنگ و گل و بعضی را از خشت به اتمام رسانیدند و غماء مجموع را بـه سفالوی سرخ بپوشانیدند .»[۱]

مسجد سیدمحمد کیا
در رانکوه

«و به‌سرگوراب بالای رانکوه بنیاد مسجدی عالی کردند وستونها وچوبهای آن را از ناحیهٔ سی‌جیران چوب صنوبر فرمود آوردن که آن چوبها در روزگار دراز می‌ماند و بسنگ خارا برابری می کند .»[۲]

این دو بنا یعنی قصرسلطنتی سیدمحمدکیا ومسجدی که به‌امراو ساخته‌شده است ، باید درتاریخ ۸۱۹ هـ . ق. به‌اتمام رسیده باشد، زیرا محلی‌که برای‌خلابران ساخته و بازاری که پس از آن پرداختـه است در تـاریخ بیستم ذی‌الحجه سنهٔ ۸۲۰ هـ . ق. تمام شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در چاچان رانکوه

پشت دهکـدهٔ چاچان ،کوهستان وییلاق جوردشت است . دراینجا، قلعه‌ای قدیمی و دهکده‌ای که دور آن را بروکشیده‌اند ، برجای‌است .[۳]

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۱۴۰.　　۲ــ گیلان رابینو، ص۳۶۵ .
۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۱۴۰.

سیدظهیرالدین نزدیک چاجان، «قلعهٔ سیاهی تل‌دشت»[1] را نام می‌برد.[2]

بقعهٔ آقاسیدعبدالله بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در بندبن رحیم‌آباد

بنائی است زگالی با صندوقی چوبین ساده، سه طرف جنوبی وشمالی وغربی ایوان دارد. ایوانها دارای ستونهای چوبین لاچلنگری زیباست. لهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام سفال‌سر است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه درختان آزاد کهنسال است. محیط قطورترین آنهسا به ۶۲۰ سانتیمتر می‌رسید. بر درخت دیگری شاخهای گنج‌گاو دیده می‌شد که بیخ آنها دردرخت جوش‌خورده بود. شاخهای دیگری بر ستونهای بقعه آویخته بود.

مسجد و منارهٔ سیاهکله‌رود
در سیاهکله‌رود رانکوه

دهکدهٔ سیاهکله‌رود درمیان تپه‌هاست و دریای خزر از این محل منظره‌ای زیبا دارد. مکنزی درسال ۱۲۷۶ هـ. ق. (۱۸۵۹ میلادی) این محل را دیده و از سروپلنت و بزکوهی و گاوکوهی آن سخنی به‌میان آورده است. این دهکده مسجدی دارد که از میان طاق آن منــاره‌ای برپاست و بیشتر چراغ بر بالای آن می‌افروزند تا راهنمای مسافران باشد.[3] امروز ازاین‌مناره اثری نیست.

قلعهٔ سنگ‌نو
در بندبن سیاهکله‌رود

در این قلعه قدیمی غاری است سنگی ودراز. ازاینرو این قلعه را سنگ‌نو یعنی «ناوسنگی» خوانده‌اند. در سالهای قبل ازشهریور ۱۳۲۰ جذامیان اینجا را پناهگاه خود کرده بودند.

۱ـ بفتح تاء وکسر لام. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۱۰۶. ۳ـ گیلان رابینو، ص۳۶۳.

دهکدهٔ سیاهکده‌رود در ۲۳ کیلومتری شرق رودسر و دو کیلومتری جنوب راه شهسوار است .

باقی‌بناها و آثار تاریخی رانکوه

۱ـ بقعهٔ آقاسیدعلی در دهکدهٔ پیرپشتهٔرانکوه . دهکدهٔ پیرپشته درغرب دهکدهٔ گل‌سفید است و از چمخاله دور نیست .[۱]

۲ـ بقعهٔ آقاسیدمحمد در درباسررانکوه . درجادهٔ لنگرود به رودسر ، در نیم‌فرسخی لنگرود.[۲]

۳ـ برجی آجری در نیم‌فرسنگی اطاقور رانکوه . دهکدهٔ اطاقور درپای تپه است ومسجدی نیز دارد . بربالای تپه‌ای در نیم‌فرسنگی‌آبادی برجی‌آجری است.[۳]

۴ـ سنگاسنگی در کندسرکومده که سنگهای بزرگ صاف و چاه عمیقی دارد .

۵ـ آستانهٔ گاچاور املش پشت دهکدهٔ زربیجار .

۶ گورستان وادی چاف‌جیر و بقعهٔ آقاسید براهیم ومسجدآن

۷ـگورستان وادی رودسر با بقعهٔآقاسیدمحمد .

۸ـ بقعه‌های دهکده‌های ناصرسرا ، چورکلایه ، دیودراکی و مردابون در اطراف رودسر .

۹ـ دو بقعه در سل‌محله (سادات‌محله) .

۱۰ـ بقعهٔ بازارسرا .

۱۱ـ دو بقعه در دهکدهٔ روشنابسر.

۱۲ـ بقعه وگورستان صیدرمحله .

۱ـ گیلان دابینو، ص۳۶۲. ۲ـ گیلان دابینو،ص۳۵۵. ۳ـ گیلان دابینو، ص ۳۶۲.

۱۳ـ بقعهٔ سیدعیسی در دهکدهٔ بلالم ومسجد قدیمی این دهکده.[1]
۱۴ـ بقعهٔ ار دمحلهٔ رحیم‌آباد
۱۵ـ بقعهٔ مر یخ‌محله (میرک‌محله) رحیم‌آباد.
۱۶ـ بقعهٔ چالکسرای رحیم‌آباد.[2]
۱۷ـ غار شلوک در کلن‌کلایه.
۱۸ـ بقعهٔ نورعباس (نقره‌عباس) درچ‌چان‌رانکوه.[3]
۱۹ـ بقعهٔ حاجی‌محمدامین در جواهردشت سیاهکله‌رود.
۲۰ـ بقعهٔ سه‌برادر در جواهردشت سیاهکله‌رود.
۲۱ـ شاه‌سماموس درقلعهٔ سماموس در جواهر دشت سیاهکله‌رود.
۲۲ـ دوگورستان قدیمی محلهٔ بالاوپائین جواهردشت سیاهکله‌رود.
۲۳ـ تلابنهٔ سیاهکله‌رود، چاهی‌است باسنگهای سفید رسوبی. معروف‌است راه زیر زمینی قلعهٔ بندبن قاسم‌آباد با این‌چاه ارتباط دارد.
۲۴ـ قلعهٔ راشت در جواهردشت سیاهکله‌رود.

۱ـ بلالم: ده از دهستان حومهٔ بخش رودسر، ۴٫۵ کیلومتر جنوب شرقی رودسر کنار راه رودسر بهشهسوار. (فرهنگ جغرافیائی ایران) ۲ـ چالکسرا: ده از دهستان‌رحیم‌آباد بخش‌رودسر. ۱۱۰ کیلومتری جنوب رودسر۲٫۵ کیلومتری غرب رحیم‌آباد.
۳ـ گیلان دابینو، ص ۳۶۵.

بخش بیستم

بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ عمارلو و شاهجان

راه شاه عباسی
از املش به قزوین

این راه که راهی کاروانی و پررفت و آمد بوده است، از نقاط زیر می‌گذرد:

املش ـ کهلستان ـ لات‌لیل ـ گرست[1] ـ بلاردکان ـ هلودشت ـ میان‌لنگه ـ خرکال ـ خسیل‌دشت ـ زردشتان ـ نقش‌کوه ـ شیرچک ـ شیه ـ قبس‌باد ـ کلارود ـ بنه‌زمین ـ ملامحله ـ تلاسر ـ تورار ـ گاوخس[2] ـ ناوه‌خان[3] ـ کرپی‌انبوه ـ تیان‌دشت ـ چندرک ـ تله‌کماسار ـ قهوه‌خانهٔ کماسر ـ سیاسنگ ـ احمدخنی ـ سیردر ـ انگشتک ـ الولث[4] ـ گردنهٔ نیاق ـ ترتن[5] ـ اسماعیل‌آباد ـ قزوین.

از همین راه، راه دیگری جدا می‌شود و از خسیل‌دشت به‌چاک‌دشت و کلکامرز و امام و چاکرود می‌رود و در بنه‌زمین به‌راه اصلی متصل می‌گردد.

از همین راه، راه دیگری از کلکمرز جدا می‌شود و به‌کجید و منلاکوه و سیاخولك و زازل و لله‌جار و چاکرود می‌رود و در بنه‌زمین به راه اصلی متصل می‌شود.

۱ـ بفتح کاف و سکون راء و فتح سین. ۲ـ بضم خاء. ۳ـ راه دیلمان از کلشیم به ناوه‌خان می‌رسد. ۴ـ بفتح الف. ۵ـ بفتح ته و راء و کسر تاء دوم.

ازهمین راه ، راه دیگری درکلکامرز جدا می‌شود و به‌زرچاك و بهارکش‌و خوش‌خانی و لورود و مریّو وگرماور می‌رود و در بنه‌زمین به‌راه اصلی‌می‌پیوندد .

راه سرلیل
از بلاردکان به‌دیلمان

این راه‌که راهی بسیار قدیمی‌است از مشرق پل‌بلاردکان ، طرف دست‌چپ رودخانهٔ سرلیل شروع می‌شود وبه‌دهکدهٔ سرلیل و لیارود ولارنه ونیاول ودیلمان می‌رود. در زمان‌قدیم سادات‌کیائی ازلاهیجان به‌لیل وازآنجا به‌سرلیل‌می‌آمدندو ازهمین راه به‌دیلمان می‌رفتند .

پشت راه [1]

راهی است قدیمی‌که از دیلمان به رانکوه [2] می‌رود.

کاروانسرای شاه‌عباسی
در بلاردکان (بلوردکان) املش

برسر راه قدیمی املش به‌قزوین در محل بلاردکان ، کاروانسرائی قدیمی است‌که ظاهراً به‌امرشاه‌عباس ساخته شده است . درازای این‌کاروانسرا چهل‌مترو پهنای آن چهل‌متر است . بلندی دیوارآن تا زیرنعل درگه ۱۸۰سانتیمتر است. دوازده‌آخور در هرردیف است . دهانهٔ هرآخور ۱۲۰ سانتیمتر است. در ورودی کاروانسرا، دارای جلوخانی است مسقف‌که برچهار جرز استوار است . ابعاد این جلوخان ، ازلبهٔ خارجی‌جرزها ۶۰۰ × ٤٤۰ سانتیمتراست. ابعاد هریك ازجرزها یك مترتمام است. لبهٔ بام‌بنای‌کاروانسرا دوپشته و پهنای‌آن ۱۲۰ سانتیمتر است . سراسر بام‌کاروانسرا سفال‌سر است. اندازهٔ آجرهائی‌که در این بنا بکار رفته است ٤ × ۱۹ × ۱۹ سانتیمتر است. بنای قدیمی‌کاروانسرا ، دوطبقه بوده و از دوطرف

۱ــ بکسر تاء. به‌معنی راه‌پشت‌است . ۲ــ ظاهراً رانکوه قابل‌تطبیق با رحیم‌آباد امروز است. رابینو درکتاب گیلان خود ص۳۸۳، ازاین راه یاد می کند .

در طبقهٔ بالا اطاق داشته‌است . درحدود سی‌وپنج سال قبل کاروانسرا دچار آتش‌سوزی شد و به‌شکل کنونی یعنی یك طبقه تجدید بنا گردید(عکس شمارهٔ ۲۲۲). مساحتی‌که زیر بنای کاروانسرا وشاه‌نشین که درقسمت جلوخان است وحیاط میان آن دو، ۴۰×۱۳ متراست .

پل شاه‌عباسی در بلاردکان املش

پل آجری بلاردکان برروی دو رودخانهٔ سیاه‌رود و زیل‌بره است . آب‌سیاه‌رود ازمغرب وآب زیل‌بره از شمال‌غرب بلاردکان می‌آیند واز زیرپل‌می‌گذرند. آب سیاه‌رود ازپهلوی بدنهٔ شمال‌غربی پل‌می‌گذرد. در این‌قسمت پل احتیاط‌کافی کرده‌اند و دیواری سنگی قطور ومستحکم در کنار بدنهٔ پل ساخته‌اند. بطوری‌که درست در زیر پل ، آب سیه رود به‌آب زیل‌بره می‌ریزد .

طاق دهانهٔ اصلی پل، به‌علت سنگین بودن بارآن فرو ریخته است. درازای قسمت‌باقی‌ماندهٔ جنوب شرقی پل ۲۹٫۴۰متر، دهانهٔ طاق فروریختهٔ‌آن ۷۲۵سانتی‌متر ودرازای‌باقی‌ماندهٔ شمال‌غربی‌آن ۱۴متراست . بدین‌ترتیب درازای‌سراسر پل، ۵۰٫۶۵ متر بوده‌است(عکس‌شمارهٔ ۲۲۳). دهانهٔ بزرگ ۱۲٫۲۰متر ودو دهانهٔ‌کوچك دوطرف ، ۳۶۰ سانتیمتر وپهنای‌گذرگاه پل ۵ متر تمام است. در دو پایهٔ اصلی،چهار سوراخ به‌دهانهٔ ۴۰ سانتیمتر است که به‌فضای خالی بالای پل راه داشته است . طاق دهانهٔ اصلی وطاقهای دودهانهٔ طرفین را ابتدا باآجروگچ زده‌اند وبالای‌آنها را باسنگ وگل و آهك پرکرده‌اند. شاید فشار همین سنگها سبب شده است که طاق دهانهٔ اصلی فروریزد . دو سیل برگردان دوطرف رودخانه است‌که سیلاب را به‌داخل دهانهٔ اصلی‌هدایت می‌کند .

قلاکوتی خرگال [1]

برطرف راست جادهٔ کوهستانی املش به‌قزوین ، در فاصلهٔ بین میان‌لنگه و

۱ــ بفتح خاء وسکون راء .

خسبل‌دشت، بر بالای قله‌ای منفرد، آثار قلعه‌ای قدیمی است. در پاره‌ای جاها دیوارهای کوتاه‌که ازسنگ و گچ چیده شده باقی است.

داخل سنگ‌کوه، حوضی مربع‌که هرضلع آن سه‌متر است کنده‌اند. بلندی این حوض، پس ازپرشدن مقداری از کف آن از خاك و سایر مصالح ساختمانی، ۱۲۰سانتیمتر است. آجر پاره و سفال شکستهٔ بی‌لعاب روی این قله زیاد است. طرف شمال وغرب اراضی قلعه، پرتگاه عظیمی است‌که به جنگل ختم می‌شود.

شارسمام (شهرسمام)
مقابل سرتربت برسمت چپ رودخانه

سلسلهٔ کیائی لاهیجان، دو مرکز ییلاقی درخاك دیلمان قدیم داشته‌اند، یکی اوسن (= درگاه) نزدیك جورکلایهٔ اشکور و دیگر شارسمام در پنج کیلومتری دهکدهٔ امام[۱]. اولی در شرق خاك دیلمان و دومی درغرب آن قرار داشت.

سیدظهیرالدین دربارهٔ دوران آبدانی شارسمام چنین می‌نویسد:

«سیدمحمدکیا درسالهای ۸۱۷و۸۱۸ بنیاد عمارت دیلمستان‌کردند ودرناحیهٔ شهوك[۲]، به‌موضعی که مشهور است به‌سمام استاد اجل پیرعلی بنّا را به‌سرکارداشته، قلعهٔ مرغوبی ازخشت پخته بفرمودند ساخت و طویله‌های اسبان و ایوان خانه‌ها به‌انتها رسانیدند. آنچه‌ازضروریات‌بود، ازهرنوع‌عمارت جهت ملازمان‌ونوکران‌و سپه‌سالاران گیل و دیلم تمام فرمودند کرد. و آن مقام را تخت ییلاق خود گردانیدند.»[۳]

رابینو دربارهٔ شارسمام چنین نوشته است:

«دهکدهٔ کوچکی است در نیم‌فرسخی‌مشرق‌امام ودر دامنهٔ غربی‌کوهی‌قرار دارد. آب شهرسمام به‌درهٔ عمیق درمغرب این محل می‌ریزد. وسپس به‌چاك‌رود

۱ـ بضم‌الف. ۲ـ امروزشوك بفتح‌شین و واو گویند. دهکده‌ایست نزدیك‌دهکدهٔ تارش وجزء ناحیهٔ سمام بـه حساب می‌آورند. ۳ـ تـاریخ گیـلان و دیلمستان، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

متصل می‌شود. میرظهیرالدین می‌نویسد که سیدرضی کیاوالی به پیش، قصری از آجر به دیوانخانه و محل اسبان نزدیک شوئیك درمحلی که به نام سمام بود ساخت و این محل بعدها مرکز وشهر اصلی ییلاق شد.»[1]

محل اصلی قصر ییلاقی شارسمام و آنچه از آن بجای است :

شارسمام وسرتربت میان دهکده‌های کجید، تماجان، اربوداردشت، کرف کش، هلوچل، کام‌کوه و الاکلنگا قرار دارد. میان قصر ییلاقی شارسمام وسرتربت رودخانه‌ایست که از اربوداردشت سرچشمه می‌گیرد.[2]

قصر ییلاقی شارسمام سمت چپ و سرتربت سمت راست آب بر بالای بلندی ساخته‌شده‌اند. درمحل شارسمام آثارخرابهٔ زیاد امروزدیده‌می‌شود. پاره‌های آجرو سفال شکسته ، دراین دامنه‌که شیب آن به‌طرف دهکدهٔ بابوجان‌دره است، فراوان است. آثار باروئی مربع مستطیل‌شکل که روزی حصار وباروی این قصربوده‌است، نمایان است. آثار استخر ومنبع آب آن نیزباقی‌است ومسیر گنگها (= تنبوشه‌ها) نیز روشن است که آب را از زیر اربوداردشت به‌کاخ برده بوده‌اند. محلی نیز به شکل حمام بود که بسیارخراب و فرسوده شده است .

سرتربت امام
در اراضی کشاچاك ، مقابل شارسمام قدیم

سیدظهیرالدین دربارهٔ مرگ سلطان محمدکیا در سال ۸۸۳ ومدفن او چنین می‌نویسد :

« اواسط محرم چون مرض حضرت اعلـی رو به‌انحطاط آورد ، از چاکرود

۱ـ گیلان دا بینو ، ص۳۶۸. این‌بنا ظاهراً به‌دست سلطان محمدکیا ساخته شده‌است.

۲ـ آب ایـن رودخانه پس ازگذشتن از میان این دو بنای قدیمی بــه هلوچال وکام‌کوه می‌رود وآب رودخانهٔ سراسر (بضم سین) به‌آن می‌ریزد وسپس به دهکــدهٔ کجید می‌رسد . درکجید آبهای دیمنجان‌کش و سیاه‌استلخ به‌آن می‌پیوندند . نزدیك دهکدهٔ دول‌بره ، پس از پیوستن‌آب امام وکاکرود و سیاخولك به‌آن، در دول‌بره به‌آب چاکرود ملحق‌می‌شود.

نقل نموده ، به‌سمام تشریف فرمودند . بازمرض مولم صورت تضاعف پذیرفت و اطبای حذق به‌تخصیص نعمت‌الله طبیب .... به تداوی مشغول گشتند و در آن باب مساعی جمیله به‌تقدیم می‌رسانیدند . اما چون ب تقدیر ربانی علم و عمل انسانی وجودی ندارد، صباح چهارشنبهٔ سلخ ربیع‌الاول سنهٔ مذکوره ندای ارجعی‌رااستماع نموده، به‌مقعدصدق جایافت....و نعش‌مبارك بنابر وصیت درسمام‌به‌موضعی‌که‌مشهور است به «کشینه‌چاك» مدفون ساختند .»[1]

علی بن‌شمس‌الدین لاهجی دربارهٔ مرگ و مدفن‌سلطان محمدکیا چنین نوشته است :

«چون آن محل فصل شتا بود و شدت شتا از حدود اعتدال متجاوز ، فلهذا اوقات مبارکات به‌سمام‌گذرانیدند ...قضاراچون درانقضای‌عمرحضرت سلطان‌محمد مرحوم قصدسمام بود، برمزاج مبارکش زحمت وجع‌معده اعاده‌کرد ومنجرومفضی به‌استمرار زحمت‌گشت.... باز زحمت‌اعاده نمود واشتداد وجع‌معده استیلای تمام یافت و درتخت سمام، به تاریخ‌سنهٔ ثلاث وثمانین وثمانمئه هنگام صبح راهنگ‌مه وداع‌کرد .... وجسد پاك را به‌خاك کشینه‌چاك مدفون‌گردانیدند .»[2]

رابینو دربارهٔ این‌بنا ومنضمات‌آن چنین نوشته است :

آن طرف آب سمام، مقابل شهرقدیم سمام بنائی است‌که به‌نام «سرتربت» شهرت دارد . درحیاط این‌بنا ،گورهای سلطان محمدکیا- والی‌لاهیجان ـ که سلخ ربیع‌الاول‌سال ۸۸۳هجری فوت شد وپسرش‌کارکیا میرزاعلی‌کیا که در پنجم‌رمضان سال ۹۱۲ کشته شد و پری‌سلطان دختر سلطان‌محمد که درسال ۹۰۸ هجری فوت شد وگور حسنی[3] که در صفر۹۰۲ هجری بمرد ، دراینجاست .

کتیبه‌ای برسنگ مرمر به‌دیوارحیاط است‌که نشان می‌دهد این‌بنا به‌دست «میرزاعلی» بنا شده است و اراضی کشینه‌چاك که این مرقد درآن است و دهکدهٔ

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۴۱۲ و ۴۱۳. ۲ـ تاریخ خانی ، ص ۸ و ۹.

۳ـ درمتن سنگ ذکری ازاین‌نام‌نیست وفعلا محل نام شکستگی دارد .

تماجان[1] و دهکدهٔ کلایه و اطراف آن دوکه ناحیهٔ سمام است وده جفت زمین نقره بیجار (زربیجار) وحمام بزرگ رودسر ویك حمام در تیامه‌جان وحمام دیگری درلنگرود، دوازده دکان درلاهیجان و مزرعهٔ عنابی در رودبار به‌نام سلطان‌آبادلمسر ، از رقبات موقوفات این محل است . این وقفنامه مورخ ۸۸۳ ه. ق. است .

کتیبهٔ دیگری به‌نام بنّا «استادحسین بن‌استادعلی بن‌استاد احمدالمسافر مورخ ۸۸۳ هجری است .» نزدیك این مرقد مسجد کوچکی است . میرظهیرالدین این محل‌را کشینه‌چاك‌خوانده‌است . دره‌ای‌که سرتربت‌را ازشهرسمام‌جدا می‌کندبه‌نام بابجن‌دره است.[2]

آنچه از بنا وقبورسرتربت بجا مانده ، بدین شرح است :

سرتربت چهار دیواری است مستطیل شکل ، شامل دو اطاق کوچك برای حفّاظ و حیاطی که شش قبر در آن است (عکس شمارهٔ ۲۲۴) . چهار قبر دارای سنگ ودو قبر بدون سنگ است .

احتمال دارد دراین دوقبر بدون سنگ ، کسی را به‌خاك نسپرده باشند، یا افرادی دفن شده‌اند که اهمیتی نداشته‌اند .

در ورودی حیاط قبلی‌است. بلندی‌آن دومتر وپهنای‌آن ۸۵سانتیمتراست. دو طرف در ورودی ، از داخل ، دو طاقنما به‌بلندی ۲۴۵ و پهنای ۲۱۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۲۵).

مصالح بنای دیوارهای حیاط و دو اطاق دعاخانه که مخصوص حفّاظ است ، سنگ لانه[3] و سنگهای مکعب مستطیل‌شکل سفیدرنگ کوه است که از محل «رف‌سنگ» پلامچال در فاصلهٔ میان تماجان وکجیدآورده‌اند . ملاط سنگها ، گچ است‌که ظاهراً درمحل پخته شده است .

اطاق غربی دعاخانه ، درگاهی ورودی از حیاط دارد . بلندی این درگاه ،

۱ـ دهکدهٔ تماجان درفاصلهٔ دوکیلومتری شمال سرتربت است. ۲ـ گیلان‌دابینو، ص ۳۶۸.

۳ـ نوعی سنگ طبیعی تخت‌که قطرآن از سه چهارسانتیمتر بیشتر نیست .

۲ متر و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است . این اطاق درگاهی به‌اطاق دوم دارد که تنها مدخل آن است. طاق هردو اطاق، گهواره‌ایست وازهمان سنگ وگچی که ذکرشده، زده شده است. هریك از اطاقها، جای پنجره‌ای به‌خارج دارد. جای پنجرهٔ اطاق دوم به‌بلندی ۱۲۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتر است .

سنگ قبر سلطان محمد کیا

سنگ قبرسلطان محمدکیا کـه در وسط حیاط است ، ازسنگ مرمر زرد یك‌پارچه به‌درازای ۱۶۸ و پهنای ۶۲ و بلندی۳۳ سانتیمتراست(عکس‌شمارهٔ۲۲۶).

این آیات وعبارات بر آن حك شده است :

در قسمت بالای سطح سنگ در مربعی مستطیل :

«لاالهالاالله محمدرسول‌الله علی‌ولی‌الله »

پایین همین مربع مستطیل :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم .»

برحاشیهٔ داخلی‌سمت‌چپ سنگ از بالابه‌پایین :

« اللهلاالهالا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنة ولانوم له مافی‌السموات وما فی‌الارض من‌ذاالذی یشفع عنده الابأذنه .»

برحاشیهٔ داخلی پایین سطح سنگ :

«یعلم مابین ایدیهم وما خلفهم ولا .»

برحاشیهٔ داخلی‌سمت‌راست سنگ از پایین به‌بالا :

«یحیطون بشیيءمن‌علمه الا بماشاء وسع کرسیه‌السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم .

برسطوح جانبی سنگ عبارات وآیات زیر است :

برسطح جانبی‌سمت‌راست سنگ عبارات زیرحك شده است :

«هذاالمشهدالمنور والمرقدالمعطر للسلطان المغفورالمبرور المنتقل من‌دارالغرور الی‌دارالسرور ذوالنسب‌الطاهروالحسب‌البهرالذی ملك

ممالك الجيل والديلم بانفان .»

برسطح جانبی پایین سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است :

«الامور الشرعية المصطفويه و نهى المناكير البدعة المحدثه اربعين سنة .»

برسطح جانبی سمت چپ سنگ دنبالهٔ عبارات چنین حك شده است :

«وهو السلطان الاعظم الامجد السلطان محمد بن الله ثراه بمياه الرحمة و الغفران ابن السيد المعظم مالك رقاب الامم مولى ملوك وارباب السيف و القلم كاركيا السيد ناصر كيا ابن سيد المرحوم المبرور المغفور سيد محمد بن السيد الاعظم .» (عکس شمارهٔ ۲۲۷)

برسطح جانبی بالای سنگ دنبالهٔ عبارات چنین آمده است :

«الاكرم و هو الذى دعى مع اخيه السيد الفاضل العالم العادل .»[1]

برحاشیهٔ خارجی سطح بالای سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است :

المشهور بالشجاعة والسخا الامام الامة بين الورى السيد على كيا دعوة الحق على الجمهور وخرجا .»

برحاشیهٔ خارجی سمت چپ سنگ دنبالهٔ عبارات بدین صورت حك شده است :

بالسيف رجاء لثواب الله يوم البعث والنشور و هما ابنا السيد المعظم امير كيا الملاطى ابن سيد الاجر سيد حسين بن الحسن بن على بن احمد بن عيسى بن على بن حسين الاصغر بن على زين العابدين .»

برحاشیهٔ خارجی پایین پای سنگ :

«بن الامام الحسين الشهيد المرحوم بكربلا بن على المرتضى .»

برحاشیهٔ بیرونی سمت راست سطح سنگ از پایین به بالا دنبالهٔ عبارات چنین است :

۱ــ از اینجا دنبالهٔ عبارات به حاشیهٔ بیرونی سطح بالای سنگ می‌آید .

«صلوات‌الله علیه و علی اولاده الطیبین الطاهر یـن و قد توفی‌السلطان المذکور المزبور صبیحة یوم‌الاربعا سلخ‌ربیع‌الاول مضـی‌سبعة عشر یـوماً من‌آبان مـاه القدیم فی‌سنة مورخة تاریخهـا ثلث و ثمانون و ثمانمائة.»

بر پایین سطح جانبی پایین پای سنگ عبارات زیر است :

«عمل استاد محمود حجارقزوینی غفرله کتبه العبد المحتاج الی‌الله محمودبن قطب‌الدین غفرالله لهما و لوالدیهما.»[1]

سنگ قبر میرزا علی کیا

در همین حیاط سنگ قبرمیرزاعلی‌کیا به‌درازای ۱۸۰ و پهنای ۶۰ و بلندی ۳۶ سانتیمتر، از سنگ یك‌پارچهٔ مرمر زرد است که درجهت شمال و جنوب‌قرار گرفته است (عکس شمارهٔ ۲۲۸).

این آیات وعبارات برسطح بالای سنگ حك شده است :

در مربعی‌مستطیل بالای سطح سنگ :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله.»

در حاشیه‌ای در زیرهمین مربع مستطیل :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اللّه‌لااله‌الا.»

برحاشیهٔ داخلی سمت‌چپ سطح سنگ :

هوالحی‌القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم‌له ما فی‌السموات وما فی‌الارض من ذاالذی یشفع عنده الا بذنه یعلم مابین ایدیهـم و ماخلفهم ولا یحیطون بشیی‌ء‌من علمه الا بماشاء وسع‌کرسیه‌السموات والارض ولا یأوده[2] حفظهما و هوالعلی‌العظیم.»

برحاشیهٔ داخلی سمت راست سطح سنگ :

۱ــ این‌کتیبه در سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو صفحات ۶۰ و ۶۱ با اغلاط و اختلافاتی چند نقل شده است.

۲ــ در متن به همین شکل‌آمده است.

صدق الله العظیم و بلغ رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین.»[۱]

بر حواشی بالای سطوح جانبی سنگ عبارات زیر است:

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی سمت راست:

«هذا المشهد المقدس النورانی والمرقد المطهر الصمدانی الروحـانی للسلطان الاعدل الاعلم الاکمل السعید السید الشهید السند المانح النقی فی التقی و الکریم السخی المقبول المقتول بالسنان.» (عکس شمارهٔ ۲۲۹)

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی پایین پای سنگ:

«المحیی للقرآن وما النقل ولا فیه القرض السلطان ظل الله فی الارض المغفور المتصل الی رحمة.»

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی سمت چپ سنگ:

«الله الملک المتعالی السلطان کارکیامیرزاعلی المغفور الذی قتل بالواد و هلک بالعاد و بعد القتل و الاهلاک دفن کما الفقراء و المساکین فی رحبة المسجد الجامع المبارک الندی لراکو و نبش من بعد مامضی من الیوم الذی دفن فمه من.»

برحاشیهٔ بالای سطح جانبی بالای سرسنگ عبارات زیر است:

«ایام العرب الهلالیه و الاسلامیه ستة وعشرین شهراً فوجد کما دفن.»

برحاشیهٔ بالای سطح سنگ:

«ولم ینفصل فیه العظم و لاالعضو ولم ینقطع لکل وای الاجر الاجمل ثم هذا المشهد.»

برحاشیهٔ خارجی سمت چپ سنگ:

«المغفور فداوصی ذاک السعید الازلی بذلک فی حال الصحة و اوان السلامة وهو ابن السلطان الاکرم السلطان محمد بن السید المعظم کارکیا الناصر کیا بل الله تعالی بمیاه الرحمة الشامله ثراهما بن السید المغفور

۱ـ دنبالهٔ این مطالب مربوط به حواشی سطوح جانبی است که بعداً نقل می‌شود.

السید محمد ابن السلطان الامجد الا.»

برحاشیهٔ بیرونی پایین پای سطح سنگ دنبالهٔ عبارات چنین است:

«جر الذی دعی مع اخیه الفاضل العالم المعروف بالشجاعة و السخ .»

برحاشیهٔ بیرونی سمت راست سطح سنگ:

«امام الامة بین الوری السیدعلی کیا دعوة الحق و هماابنا السید امیر کیا الملاطی ابن السید الحسین بن الحسن بن علی بن احمدبن عیسی بن حسین الاصغر بن علی زین العابدین بن امام الحسین الشهید بکربلا بن علی المرتضی صلواة علیه واولاده اجمعین .»

دنبالهٔ حاشیهٔ داخلی سمت راست سطح سنگ:

«وقع ذلك الخطب العظیم و الامر الخطیر فی الیوم الخمیس الخامس من رمضان المبرك من شهور سنة اثنی عشر وتسعمایة هجریة .»[۱]

سنگ قبر پری سلطان

قبر پری سلطان ـ دختر سلطان محمدکیا و خواهر میرزاعلی کیا ـ پایین پای پدر و کمی متمایل به طرف قبله است. چهارطرف قبر سنگهای تراشیدهٔ عمودی کار کرده‌اند. بالای سر و پایین پا دو سنگ عمودی بلندتر قرار داده‌اند. بر سنگ پایین پا که به بلندی ۸۲ و پهنای ۵٤ سانتیمتر است عبارات زیر حك شده‌است:

«هذه الروضة المقدسة و التربة المنورة الزکیه النقیه للحضرة المرحومه المبرورة العفیفة القالحة الستره الصالحة المرتحلة من دار الغرور الی

۱ـ این کتیبه با اغلاط و اختلافاتی چند در صفحات ۶۱ و ۶۲ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو آمده است. سنگهای قبور سلطان محمد و میرزاعلی را که داخل آنها خالی است ازمعدن سنگ مرمر همدان با عرابه و گاومیش تا «پیل گرماه» کنار شاهرودآورده‌اند. از این محل این سنگهارا کارگران با «لاتوش»، یعنی چوب وطناب پیچیدن وبردوش گرفتن، به سرتربت آورده‌اند.

دارالسرور المتصلة الی رحمةالله تعالی الـرحیم المنّان پری‌سلطان بنت‌السلطان محمد برّد مضجعهما ونوّرمرقد هما انّ واقعه هذه‌الموت وقعت سنة ثمن وتسعمایة هجریة .»[1](عکس‌شمارهٔ ۲۳۰)

سنگ قبر حسنی

نزدیك قبر پری سلطان و درجهت قبلی آن قبر زنی دیگر به‌نام «حسنی» است.[2] درازای گور او ۱۴۲ وپهنای آن ۵۴ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۳۱).

دراین گور نیز مانند گور پری‌سلطان، سنگهای تراشیدهٔ عمودی درچهار طرف قبرقرارداده شده است. برسطوح جانبی‌این سنگها این‌عبارت دیده‌می‌شود:

برمیانهٔ سطح جانبی سنگهای عمودی سمت‌چپ قبر:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس والقـرآن الحکیم انك‌لمن المـرسلین علی صراط المستقیم تنزیل العزیزالرحیم .»

برسطح جانبی سنگهای بالاسر:

«هذا المرقد المنور والمنزل‌المعطر و المقام المطهر.»

برسطح جانبی سنگهای سمت راست قبر.

«و المقر المفخم للمرحومة المغفورة الستّرة الصالحه العفیفه الفالحه الضعیفه المنتقلة من‌الدار الدنیـ الفانی الی‌الدارالعقبی الباقی‌المتصلة الی‌جوار رحمة الرب الغفور .»

برسطح جانبی سنگهای پایین پای قبر:

الرحیم العفو الغنی [شکستگی] برّدمضجعها و.»

دنبالهٔ سطح جانبی سمت‌چپ سنگ :

۱ــ این کتیبه در صفحات ۶۲ و ۶۳ سفرنـامهٔ مازنـدران و استرآباد رابینو نقـل شده است .

۲ــ از این دم امروز نشانی‌نیست . رابینو در ص ۶۳ سفرنامهٔ مازندران و استرآباد خود از این نام یاد کرده است .

«نوّر مرقدها توفّت المرحومه السعیده الصفیه فی سنة اثنین و تسعمایة هجریة.»[1] (عکس شمارهٔ ۲۳۲)

کتیبهٔ وقفنامه

میرزاعلی کیا، در زمان حیات خود، برای مستحقان و عابران و کسانی که بر سر گور او و پدرش قرآن بخوانند رقباتی چند را وقف کرده و بر سنگی که بر دیوار جنوبی دارالحفّاظ است نصب کرده است. بلندی این کتیبه از آخرین نقطهٔ تیزی هلال سنگ ۱۱۰ و پهنای آن ۷۰ سانتیمتر و شامل سه تختــه سنگ است که بر بالای یکدیگر جداگانه سوار کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۳۳).

عباراتی که بر سنگ هلال دار بالا، در سه سطر حک شده است:

«امر بعمارة هذاالمشهد المبرك السلطان الاعظم خلیفة ابیه المکرّم و وصیّه فی الدین و الدنیا بین الجیل و الدیلم السلطان میرزاعلــی خلّد ملکه و وقف السلطان المذکور لابیه المبرور ولاجله.»

قسمت دوم سنگ شامل چهار سطر است به ترتیب زیر:

«میلاً لثواب یوم البعث و النشور وقفاً صحیحاً لاصحاب الاستحقاق و العبور ولمن قرأ قرآناً مجیداً فی الهذا المقام لیوم الـنذر المشهور طلباً لغفران السلطان المسرور والتعمیر المشهد المذکور الضیاع و الدور و البساتین و الدکاکین والحمامات الی أن یبقی السنة و الشهور لیکون ثلثاً ثواب هذه الاوقاف عایداً الــی روح مطهر ابیه المغفور و ثلثه.»

قسمت سوم سنگ شامل پنج سطر به ترتیب زیر است:

«لاجل الواقف المزبور و تذکر الاوقف مفصلاً انشاءالله الغفور اولا

1- این کتیبه در سفرنامهٔ مازندران و استرآباد رابینو آمده است.

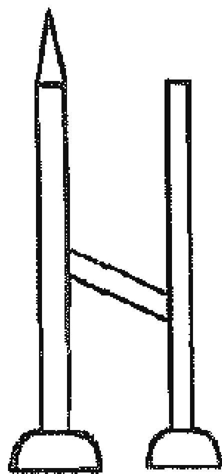
هذا المقام المبارك یقال له کشاجاك[۱] و قریة تمجان[۲] و قریة کلابه‌رو[۳] مع توابعها فی‌ناحیة سمام و فی‌معمورة رانکو عشر الآف جرز[۴] الارز[۵] من‌الاراضی المعمورة یقال لما نقره‌بجار[۶] و الحمام‌الکبیر فی رودسر[۷] و الحمام فی‌تیامه‌جان[۸] و الحمام فی‌اللنجرود[۹] و اثنی‌عشر دکاکین فی لاهجان[۱۰] ومزرعة یحصل منها الاعناب والاثمار المساة بسلطاناتاباد فی

۱ــ امروز هم‌اراضی سرتربت به‌کشاجاك معروف است واز رقبات وقف سرتربت‌است.
۲ــ قریهٔ تماجان در فاصلهٔ دوکیلومتری جنوب جنوب غربی سرتربت است . این دهکده امروز آبادان است ، اما از رقبـات موقوفات سرتربت نیست . تعداد خانوار تابستان‌نشین سی و زمستان‌نشین شش خانوار است . تخم‌کارگندم این دهکده چهل‌خروارو صدوبیست کیلو است . باغهای فندق آن دو هزار بوته فندق دارد که هریك در حدود دوکیلو بار می‌دهد . علفچین آن هزار ریسه ومحصول سیب زمینی و باقلا ولوبیای‌آن به سه خروارمی‌رسد. این دهکده ششصدرأس گوسفند وصد رأس گاو دارد. ۳ــ دهکدهٔ کلارود میان بنه زمین‌و پیرکوه و چاکرود وگرماور وگلك(بضم‌گاف وفتح‌لام) درده کیلومتری جنوب‌غربی‌سرتربت است وامروزجزء رقبات‌موقوفه‌نیست.تعدادخانوار زمستان‌نشین و تابستان‌نشین آن‌دوخانوار. تخم‌کارگندم‌آن چهل‌خروار است که بیشتراراضی‌آن را اهالی‌دهکده‌های‌پیرکوه و بنه‌زمین‌و گرماور می‌کارند. علفچین آن دوهزار ریسه است. ده رأس گوسفند و سه رأس‌گاو دارد.
۴ ــ در متن وقفنـامه « حرز » با حاء حطی است . معنی مفـرد این کلمه معـادل کلمـهٔ «درز»گیلکی است‌که بیست و چهار مشته (= قبضه) برنج بریده شده است . در پاره‌ای از قسمتهای رانکوه یك «درز» معادل ۴۸ مشته‌است. ۵ــ کلمهٔ «ارز» بازاء منقوط است .
۶ــ نقره‌بجار را با اراضی زربجار امروز یکی می‌دانند. بهرحال هیچیك امروز از رقبات موقوفات نیست . ۷ــ این حمام درابتدای میدان امروز رودسر بود یعنی ازلنگرودکه وارد خیابان اصلی رودسر می‌شدیم طرف دست راست اول میدان فلکه که ابتدای آزار رچهٔ قدیم‌است، قرار داشت در سال ۱۳۴۰ شمسی دو سنگ مرمر زرد تراشیده به‌ابعاد ۵۰ و قطر ۱۰ سانتیمتر از این اراضی درآمدکه درست همانند سنگهای سرتربت بود. ازاین حمام امروز اثری نیست. ۸ــخرابه‌های حمام تیامه‌جان(= تمیجان) امروز برسرراه املش در دهکدهٔ تمیجان ، درمشرق پل‌شاه عباسی باقی‌است. ۹ــ حمام لنگرود ظاهراً همان کهنه حمام لنگرود نزدیك منزل علی‌امینی لنگرودی است. ۱۰ــ از ایـن دکاکین امروز اثری نیست .

روبار لم[1] فی سنة ثلث وثمنین و ثمانمایة الاستاد حسین بن علی بن احمد المسفر.»

سنگ قبری درمیان سنگهای فرش سرتربت به کار رفته است. این سنگ را به علت کم بودن سنگ فرش حیاط از بیرون آورده ودر درگاه ورودی کار کرده اند. چنانکه متولی اظهار می داشت، جسدی درزیر این سنگ مدفون نیست. این عبارات براین سنگ دیده شد:

«وفات مرحوم آقامحمدقلی ولد آقا قربنعلی ۱۲۵۸. نشانه ها: مهر، تسبیح، شانه، قیچی و گلی در وسط و آلتی بدین شکل که شناخته نشد.»



تاریخ بنا و نام بنای سرتربت

در صفه ای که در دیوار جنوبی و طرف شرقی در ورودی است، کتیبه ای سنگی به درازای ٤٦ و پهنای ۳۳ سانتیمتر، در دیوار جنوبی صفه نصب شده است. (عکس شمارهٔ ۲۳٤) این عبارات به خط نسخ بر آن حک شده است:

«عمل الاستاد الاحد الاستاد حسین بن الاستاد علی بن الاستاد احمد المسافر البناء اللاهیجانی عفی عنهم فی تاریخ سنة ثلث وثمانین وثمانمایة هجریة.»[2]

مسجد سرتربت

در محوطهٔ خارج از چهر دیواری سرتربت و در مشرق آن مسجدی قدیمی

۱ــ محل مزرعهٔ سلطاناتاباد و رودبارلم (بفتح لام وسکون میم) شناخته نشد. ظاهراً رودبارلم همان رودبارلمسراست. ۲ــ این کتیبه در سفرنامهٔ مازندران واسترآباد رابینو ص۶۴ نیز آمده است. در دوم امرداد سال ۱۳۵۰ که برای بار دوم به سرتربت رفتم این سنگ به سرقت رفته بود.

بریدی بوده است . این مسجد به مرور زمان خراب شد . در حدود هفتاد سال پیش از ثلث مال مرحوم کربلائی میرزاحسن سرگالش ساکن کرف‌کش[1] سمام ، مسجد آجری کنونی را برجای مسجد اصلی ساختند . مسجد امروز بنائی است مستطیل به ابعاد ۱۱ × ۷٫۵ متر که از آجرهای قدیمی که همزمان بنای سرتربت است ، ساخته شده است .

حمام سرتربت

نزدیک خانهٔ تابستانی آقای محمدصمدی ـ متولی سرتربت ـ حمامی قدیمی برجای بود . آب این حمام از سفیدچشمهٔ سیاه‌کوه امام بود که با نهر به محل حمام آورده بودند . تا سی سال قبل بیشتر قسمتهای این حمام وسقفهای آجری آن برقرار بود . آقای جعفر یحیی‌پور صوفی طاق آن خراب کرد و آجرهای طاق و دیوارهای آن با مقداری از آجرهای قصرشارسمام را به امام برد و برای خود خانه‌ای ساخت .

بقعهٔ آقا سیدکاظم بن آقا سیدابراهیم بن موسی الکاظم علیه‌السلام در بابوجان درهٔ (= باباجان دره) سمام

دره‌ای که میان شارسمام (= شهرسمام) و سرتربت است به نام بابوجان (= باباجان دره) معروف است . بقعهٔ امامزاده آقا سیدکاظم در این دره میان شارسمام و محل گالش نشین کرف‌کش است .

گالشها هنگام کوچ ، لوازم و اثاث خود را در این امامزاده می‌گذارند و بدو می‌سپارند و معتقدندکسی نمی‌تواند بدانها دستبرد بزند.[2] ضلع غربی بنای اصلی این بقعه پنج متر و ضلع جنوبی آن ۷۱۵ سانتیمتر است . سه طرف این بنا ایوان دارد . پهنای ایوان شرقی ۱۱۰ ، غربی ۱۷۰ و جنوبی ۲۲۰ سانتیمتر است . صندوق مرقد ساده و تازه ساز است و روکشی سیاه دارد . درازای آن ۲۱۵ ، پهنای آن ۱۱۰ و بلندی آن نیز ۱۱۰ سانتیمتر است . سقف داخل پل‌کوبی برروی واشن

۱ــ بفتح کاف اول ودوم . ۲ــ گیلان رابینو، ص ۳۶۸ .

با درز پوشهای زده است . دیوار داخلی بقعه سفیدکاری با نقاشیهای مذهبی کار آقاجان لاهیجانی مورخ ۱۳۳۵ هـ . ق . شامل مناظر :

حارث و دوطفلان مسلم ، سلطان قیس ، رفتن حضرت زینب به شام، قتلگاه، طلب آب نمودن علی‌اکبر از پدرش ، فطمهٔ زهرا در عروسی قریش، امام‌موسی‌الکاظم و حکیم فرنگی، ضامن آهو ، جنگ مسلم با اهل‌کوفه .

اما مناظر خارج به‌این‌شرح است: محاربهٔ حضرت قسم با ازرق شامی، رفتن حضرت علی‌اکبر به‌میدان ، محاربهٔ ابوالفضل‌العباس باسدیف ، رفتن‌حضرت‌سیدالشهدا به‌میدان ، درویش‌کابلی، معراج پیغمبر، حضرت‌امیر و قنبر ، خروج‌مختار، منظرهٔ جهنم ، طاووس یك جفت ، تورنگ یك عدد .

بر حاشیهٔ بالای دیوارهای داخلی بقعه، ابیاتی ازهفت بند محتشم‌کاشانی‌است که درفواصل آنها «اللهم صل‌علی‌محمد و آل محمد» و «یا اباعبدالله‌الحسین اغثنی» نوشته شده است . این کتیبه‌ها ، کار استاد رضا لاهجانی و مورخ ۱۳۳۵ هـ . ق . است .

طاق ایوان ، واشان‌کشی و پل‌کوبی با درز پوش‌زده است . لبهٔ بام سه‌پشته و سراسر بام‌بنا ، لت‌پوش است . ستونهای ایوان چهارسو ،سرستونهای دهن اژدری است . دو عدد از ستونها لاچ‌لنگری است . بریکی از ستونهای لاچ‌لنگری این عبارات خوانده می‌شود :

«عمل استاد محمد ولد مرحوم قربنعلی ساکن بالامحلهٔ تعاجن هذه السنه یونت‌ئیل ۱۳۰۲۰۴.»

لبهٔ ایوانها لتازهٔ تخته‌ای دارد . شاخهای گنج‌گاو متعدد ، کوچك و بزرگ در داخل و خارج بقعه نصب شده است . ویك چهارشاخهٔ سفالین قدیمی که روغن درآن می‌ریخته‌اند ، در داخل بقعه آویخته است .

این بقعه قبرستانی نسبةً قدیمی دارد . نوشته‌های پاره‌ای از سنگها بدین شرح است :

«وفات مرحوم نقد علی ولد مرحوم محمدعلی ۱۲۰۲ ، با نشانه‌ای نظیر قندیل .»

«وفات مرحوم کرمعلی ولد آق قنبر ۱۲۲۳ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و شانه .»

«وفات مرحوم آقا علی ولد مرحوم محمد سنه ۱۲٤٥. نشانه‌ها: مهر ، تسبیح ، شانه و سروشکسته .»

«وفات مرحوم مغفور امیرعلی ولد مرحوم کربلائی رمضان سنه ۱۲۵۱.

صد حیف که از صف جوانان رفتیم
و ز آمدن جهان پشیمان رفتیم
یك دم نزدیم دلخوشی در عالم
سرگشته در آمدیم و حیران رفتیم

نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه و سروشکسته .»

مراسم علم‌بندی این بقعه هفتم محرالحرام و مراسم علم‌واچینی سیزدهم همان ماه برپا می‌شود . مراسم علم‌بندی بقعهٔ‌تارش نیز نظیر اینجاست .

میل امام
بر تپه‌ای نزدیك سوماسره (= صومعه سرا)

درفرهنگ جغرافیائی‌ایران مطالب زیر دربارهٔ این میل نوشته شده است:

«ازآثار ابنیهٔ قدیم برجی در ۵۰۰متری شمال‌خاوری قصبه روی تپه‌ای‌بەنم صومعه‌سرا که ارتفاع آن در حدود ۷ متر است و بقایای ابنیهٔ قدیمی از قبیل آجر و سفال و غیره ، در گذشته قبوری شبیه قبور زردشتیان مشاهده شده‌است . احتمال می‌دهندکه این برج آتشکده بوده است . و ممکن است این برج از برجهای خبری باشدکه دراکثرنقاط حساس‌کشورمشاهده می‌شود . دومزرعهٔ کوچك به‌نام صومعه‌سرا وخوش‌خوانی که دو سه خانوارسکنهٔ دایمی دارد ونزدیك به‌امام واقع شده‌اند ، جزء قصبه هستند .»

آنچه از این میل برجای است بدین شرح است :

در مشرق آبادی امام در فاصله‌ای که به خط مستقیم ، درحدود یک کیلومتر برفراز قله‌ای سنگی وخاکی میله‌ای از سنگ نتراشیده و گچ بنا شده است.شکل این میل استوانه‌ایست که کمی روی درمخروط دارد بلندی این میله ۶۶۰سانتیمترو محیط دایرۀ خارج ، ازیک‌متری زمین ۲۰ر۱۴مترو قطر دیوار ازهمین ارتفاع ، ۱۴۰ سانتیمتر ودر بالای بنا ۱۱۴سانتیمترو قطر دایرۀ داخل از یک‌متری زمین ، ۱۵۵ سانتیمتر است . درداخل ، در ارتفاع ۱۹۰ سانتیمتری زمین تیرهائی موازی کف بنا کار کرده بودند که فعلا یکی از آنها باقی است . قطر این تیر ۱۲سانتیمتر بود . جای مابقی تیرها نیزمعلوم است . طاقی دیگر در ارتفاع ۷۰سانتیمتری این طاق و طاق سوم در ارتفاع دو متری از طاق دوم قرار داشت . احتمال می‌رودکه سر برج جمع می‌شده و آن روی آن یکسره از روی بدنـۀ خارجی بوده است . فعلا بیش از یک متر از بالای آن را خراب کرده‌اند . روی سراسر بدنۀ خارجی را با گچ غربالی و درشت‌تر سفید کرده بوده‌اند تا از دور نمایان باشد . این برج را باید جزء برجهای راهنما دانست .(عکس شمارۀ ۲۳۵)

بقعۀ سید غیاث‌الدین بن سید عبدالوهاب بن سیدغیاث‌الدین بن سید کمال‌الدین بن سیدقوام‌الدین مرعشی در دهکدۀ امام سمام

سیدظهیرالدین ازاین‌مرد نام می‌برد و مرقد اورا در دهکدۀ امام می‌داند .[۱] درمحل پس‌از تحقیق معلوم‌شدکه بر بالای قراتپه که مسلط به‌دهکدۀ امام‌است، بقعه‌ای محقر و ساده است‌که ظاهرا مدفن سیدغیاث‌الدین است . این بنا از سنگ و گل است ، ایوانی کتابی در طرف شرق دارد و صندوقی تخته‌ای ساده در بناست که

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۴۸۵ . رابینو در ص۳۷۲ گیلان خود از این سادات نام می‌برد . اما درشجرۀ نسبت آنان اشتباه‌کرده است.

مرقد او را پوشانده است.

سیدظهیرالدین از سید دیگری از همین خاندان به نام سیدکمال‌الدین بن سیدنصیرالدین بن سیدکمال‌الدین بن سیدقوام‌الدین مرعشی یاد می‌کند و می‌نویسد:

«قبرش درامام من قری سمام دیلمستان است یلی قبر سید غیاث‌الدین بن سیدعبدالوهاب بزد مضجعهم واعقاب ایشان در گیلان و دیلمستان‌اند.»[۱]

بقعهٔ سیدجمال‌الدین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کاکرود سمام

بنائی است ساده باصندوقی چوبین ساده دروسط و در دوطرف غربی و جنوبی ایوانی به‌پهنای سه‌متر است. هر ایوان هفت ستون چهارسوی چوبین بسر ستونهای ظریف دارد. بالای سرنال از طرف داخل یک چکش‌گردان و از طرف خارج دو چکش‌گردان دارد. واشانها برچکش‌گردان داخل و دیوار بقعه متکی است. لبهٔ بام یک‌پشته و سراسربام، لت‌پوش است. ساکنان دهکده اظهار می‌کردند که‌مدفون در این بقعه برادرکسی است‌که در بقعهٔ قرتپهٔ امام به‌خاک سپرده شده است.

قلعه‌ای قدیمی برساحل چپ رودخانهٔ کاکرود مقابل میلهٔ امام

رودخانهٔ کاکرود از بهارکش سرچشمه می‌گیرد و آب آن به رودخانهٔ امام و پس از آن به‌آب کجید می‌ریزد. برساحل چپ این رودخانه مقابل میلهٔ امام بر بالای کوهی منهرد. قلعه‌ای قدیمی است‌که‌گنج‌گیران آن را زیرو رو کرده‌اند.

مسجدی قدیمی در دهکدهٔ کجید سمام

درازای این مسجد از داخل ۱۰ متر و پهنای آن ۷٫۵ متر است. فیلپائی

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۳۸۵. رابینو در ص۳۷۲ گیلان خود از این‌سادات نام می‌برد. اما در شجرهٔ نسبت آنان اشتباه کرده است.

چوبین‌که پایین و بالای آن چهارسو و میان آن هشت ضلعی دو به‌دو برابر است نزدیك به ضلع جنوبی مسجد است . سرکشی چهارسوی قطور در پهنای مسجد بر روی این قمپا متکی است . حاق مسجد واشان‌کشی و پل‌کوبی است .

بر یکی ازسرستونهای غربی‌که روزی ستون‌ایوان بوده وامروز داخل‌دیوار مسجداست ، این عبارات خوانده شد :

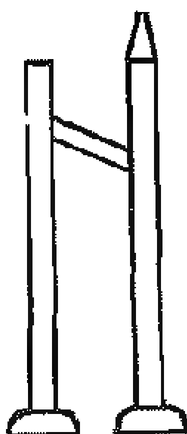
«عمل صفرعلی و غلامعلی فی‌شهرجمادی الاول فی سنة ترکیه‌ایت ایل مطابق سنه ۱۲۵۶.»

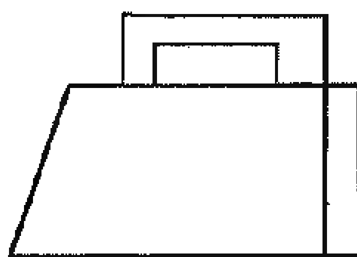
مقابل در ورودی مسجد مدرسی قدیمی است که تا چندی پیش طلاب علوم دینی در آن به‌تحصیل مشغول بوده‌اند. امروز این مدرس . مکتب‌خانه شده‌است. در سه طرف مسجد محوطه‌ای بازوگشاده است که قبرستان عمومی دهکدهٔ کجید است . پاره‌ای از سنگهای قبورآن به شرح زیر بود :

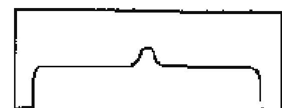
«وفات مرحوم علی مراد ولد مرحوم سبزعلی ۱۲۴۹ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، تبر ، اره ، مته و کمانه .»

«وفات مرحوم‌محمد شریف ولد نوروز ۱۲۵۰ . نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه ودر وسط سنگ : کاول (گاوآهن‌محلی)وگرباس(بیلی‌نوك‌تیز) و لها (چهر شخ) .

«وفات مرحوم آقا رحیم ولد مرحوم عابیدین ۱۲۵۲. نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه ، ولوازم دیگری بدین شکل :







اسنادی مربوط به دهکدهٔ کجید
نزد آقای یدالله محمدی

اوراق و اسناد خرید و فروش ومصالحه‌نامه و تقسیم نامچه متعدد مربوط به اراضی دهکدهٔ کجید در دست آقای یدالله محمدی بود . این اوراق ازنظر نامهای جغرافیائی اطراف دهکده با ارزش است. سنوات پاره‌ای ازآنها بدین ترتیب‌بود: ۱۲۲۸ – ۱۲۳۹ – ۱۲٤٥ – ۱۲٦۹ – ۱۲۹٥ هجری قمری .

عمارت وباغ منجم‌باشی لنگرودی
در مربوی [1] سمام

دهکدهٔ مربّو برسرراه دیرجان به‌امام ودریك‌کیلومتری نیمی‌دیارجان‌است. منجم‌باشی در اینجا باغ وعمارتی به‌وجودآورده است . [2]

این باغ و اطاقهای سر درآن تاامروز برجای است .

گورستان قدیمی قیساباد (قیس‌آباد)
در جنوب دهکدهٔ مربو در ناحیهٔ سمام

درجنوب دهکدهٔ مربّو، برسمت راست راه مربّو به‌کرماور،گورستانی‌قدیمی است .(عکس شمارهٔ ۲۳٦) مردان صاحب نفوذ محل ، این‌گورستان را حفاری غیر علمی کردند ولوازم پرارزشی ازگورها نسبت به شأن ودارائی‌صاحبان‌گور، به‌دست آوردند (عکسهای شمارهٔ ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹، ۲٤۰، ۲٤۱ ، ۲٤۲ ، ۲٤۳). این‌اشیاء قدیمی که نمودار تمدنی‌کهن بود وبازار فروش‌آنها دهکدهٔ املش بود در ایران و اروپا به نام «تمدن املش» معروف گشت . تمدنهای کهن شاهجان وسمام وپاره‌ای از دهکده‌های دیلمان نیز به همین نام شناخته می‌شوند .

۱ـ بضم میم و فتح راء و تشدید باء ۲ـ گیلان رابینو، ص۳۷۱.

گرماوری برج (=قلعهٔ گرماور)
در دهکدهٔ گرماور ۱ سمام

در بالا دهکدهٔ گرماور و زیر دست دهکدهٔ بزرگ مربّو و میان دورودخانهٔ شیه و درارو، قلعه‌ای عظیم و قدیمی بوده است.

این قلعه برپوزهٔ کوه و برتل سنگی یک پارچه است. قبرستان قدیمی «قیس آباد» نیز در جوار این قلعه است یعنی‌از دهکدهٔ مربّو که به‌طرف برقلعه سرازیر می‌شویم، قبرستان قیس آباد، به دست راست ما قرارمی گیرد. چون از این راه دسترسی به قلعه‌آسان است و احتمال آن می‌رفته است‌که ازاین راه‌قلعه مورد دستبرد قرارگیرد، از قدیم دو خندق کنده و دیوارهٔ کوه را نیز بریده‌اند. خندقها در دل سنگ کنده شده و دیوار بریده عمودی نیست، بلکه متمایل به داخل است تا کوهپایان نتوانند از آن بالا روند. پهنای خندق نخستین ۳۹۰ و پهنای خندق دوم ۵۲۰ سانتیمتر و درازای دیوار بریده شده سیزده متروبلندی‌آن ۲۷۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۴).

بناهای قدیمی‌قلعه ازمیان رفته بود وازآثار موجود بدون حفاری‌نمی‌توان طرحی کشید تا وضع بناهای قدیمی را نشان دهد. از آثار قدیمی چهار آب‌انبار بود که قسمت اعظم آنها در دل سنگ کنده شده است. این آب‌انبارها را می‌توان شاهد صادقی برآبادانی‌وعظمت‌این‌قلعهٔ قدیمی‌دانست. آب‌انبار اول که‌درسمت‌غرب قلعه‌بود، به‌درازای ۴۹۰ وپهنای ۲۳۰ وبلندی‌فعلی‌آن ۱۶۰ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ ۲۴۵). درازای‌آب‌انبار دوم ۲۶۰، پهنای‌آن ۱۷۰ وعمق فعلی‌آن ۷۰ سانتیمتراست. عمق بدنهٔ بالا که در دل سنگ کنده شده‌است، بیشتر است. آب انبار سوم که در جنوب برج خشتی‌قلعه است به درازای ۵۵۰ و پهنای ۳۵۰ و عمق ۱۸۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۶). آب انبار چهارم که در جنوب غربی آب انبار سوم است به درازای ۵ متر و پهنای ۲۵۰ سانتیمتر و عمق فعلی آن در حدود

۱ــ آبادی گرماور را جزء بلوک عمارلو نیز به حساب آورده اند.

۲۰۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۷).

برجی خشتی درطرف جنوب شرقی قلعه برسر پوزهٔ کوه ومسلط به رودخانه بنا شده است . رابینو می‌نویسد :

« اما برج خشتی که بر سر تپه و مسلط به رودخانه بنا شده است ، به دست سلیم‌خان پدر بزرگ کاظم‌خان ، هنگامی که در دوران فتحعلی شاه قیام کرده بود بنا شده است .»[۱] بلندی این برج که امروز به «برج خان» معروف است ، ۶۸۰ سانتیمتر وقطر دایرهٔ آن ازداخل ۳۵۰ سانتیمتر وقطر دیوار برج ۱۲۰ سانتیمتر است . بلندی طبقهٔ اول از کف تا زیر تیر ۱۴۰ سانتیمتر و بلندی طبقهٔ دوم ۲۵۰ سانتیمتر است . طبقهٔ اول با هفت عدد تیر پوشانده شده است . در طبقهٔ دوم هفت طاقچه به‌پهنای ۸۰ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است . بالای تیرهای پوشش طبقهٔ بالا تخته‌کوبی داشته است . هشت مزغل در میان جرزهای بین طاقچه‌ها و هفت مزغل در وسط هر طاقچه در طبقهٔ دوم دیده می‌شود . طبقهٔ پائین و بالا ، هریك دری به‌پهنای یك متر داشته است . قسمتی از بنیاد برج و دیوار طبقهٔ پائین آن از سنگ است . بلندی این قسمت بالغ بر ۳۰۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۴۸).

کوش تلهٔ[۲] گرماور

بر بالای کوهی سنگی منفرد ، نزدیك قلعهٔ اصلی گرماور و طرف چپ آب رودخانه ، آثار حوض سنگی و بنائی دیده می‌شود که ظاهراً برج دیدبانی بوده‌است. درازای حوض این قلعهٔ کوچك ۱۱۵ و پهنای آن ۹۳ وگودی آن ۱۵۰ سانتیمتر است . راه رسیدن بداین حوض بسیار سخت و خطرناك است (عکس شمارهٔ ۲۴۹).

با کندن نهرهائی در سنگ ، آب رودخانهٔ شیه ، مشهور به « ملك دره » را به قلعه آورده‌اند .

۱ــ گیلان رابینو ، ص ۳۶۹.

۲ــ کوش به معنی کوچك و تله به سنگ عظیم یك پارچه گویند .

گورجی‌قلاکوتی
نزدیك گورج سمام

دهکدۀ گورج[1] در دامن کوه در جنوب چاکرود و جنوب شرقی لورود است. دهکده‌های کاغوزی و کلامرود نزدیك گورج‌اند. راه دیلمان به قزوین از گورج می‌گذرد. برسر قلۀ کوهی که همجوار گورج است، قلعه‌ای عظیم از سنگ و گچ بنا شده‌است(عکس شمارۀ ۲۵۰). در بهار سال ۱۳۴۵ شمسی ساکنان دهکدۀ گورج کف قلعه‌وقسمتی‌ازدیوارهای آن‌را به‌قصد یافتن گنج زیرو کرده‌بودند. سمت جنوبی این قلعه دوبرج سنگی‌عظیم است و درقسمت شمال آن اثری از برج دیده نشد. درازای دیوار غربی قلعه ۶۰متر وقطر آن ازپائین ۳۰۰سانتیمتر و دربالا ۲۵۰ سانتیمتر است. بلندی‌این دیوار بالغ بر ۱۰ متر است. سنگ‌وگچ، مصالح‌اصلی بناست اما پاره‌های آجر وسفال‌شکستۀ فراوان نیزدراینجادیده می‌شود(عکس شمارۀ۲۵۱). شیب طرف غربی‌قلعه ملایم‌است ومی‌توان ازآن بالارفت، اما طرف شرق پرتگاهی تالبۀ آب دارد. شکسته سنگ منجنیق متوسطی با کندن اهالی از زیر خاك درآمده بود (عکس شمارۀ ۲۵۲).

نزدیك به‌دهکدۀ گورج، برروی دامنه‌های جنوبی چاکرود و جنوب‌شرقی لورود قبرستانی قدیمی است. درگورهای این‌قبرستان در زمان رابینو، اسباب و آلات برنزی پیدا کرده بوده‌اند.[2]

زوهونی سر
در دهکدۀ گورج

نزدیك دهکدۀ «زوهونبره» به طرف رودخانۀ چاکرود، غاری دراز وتاریك به شکل‌تونل که ظاهراً دستی‌کنده شده است، دیده می‌شود. درپاره‌ای جاها، آثاری از طبیعی بودن غار نیزهست.

۱ـ بفتح راء و سکون جیم.

۲ـ گیلان رابینو، ص ۲۷۰.

قلا (= قلعه)
در دهکدهٔ آغوزبن کندسر [1]

درجهت قبلی آغوزبن کندسر، برسر کوه شهباز، آثارقلعه‌ای قدیمی است. آجر پاره‌های زیاد و سفال شکستهٔ فراوان در آنجا دیده شد. از بنای اصلی قلعه چیزی برپای نبود.

بقعهٔ شوک [2]
در دهکدهٔ شوک اشکورسفلای

این بقعه شامل بنائی سادهٔ زگالی در میان و چهارطرف آن ایوان است. صندوقی چوبین و ساده در میان بنای اصلی است. طرف شرقی وشمالی ایوانها را از بالا به‌پائین تخته‌کوبی کرده‌اند تا بنا از باران محفوظ باشد. هرطرف ایوان نه ستون چهارسو دارد. به ستونهای ایوان جلو، شاخ بز کوهی متعدد و یك شاخ گنج گو (= گوزن) کوبیده‌اند. چهارطرف لبهٔ ایوانها، تکائش شبکه‌ای است. سقف بقعه و ایوانها لمبه‌کوبی با درزپوش تخته‌ای است. ایوانها یك در ورودی وبقعه نیز یك در ورودی دارد. پرهٔ ایوانها دوپشته وبام سراسر بنا، سفال‌سر است. مسجدی جداگانه درجهت شمال با ارسیهای قدیمی برپاست. درمحوطهٔ قبرستانی که اطراف بقعه است، یك درخت آزاد کهن ودو اصله درخت اربو [3] است

مراسم علم‌بندی هفتم محرم و علم واچینی روز سیزدهم محرم که سوم امام است، برپا می‌شود.

دهکده‌های شوك، هلوان دره وتارش [4] علم‌بندی مشترك دارند. علم این بقعه را به‌دهکدهٔ تارش می‌برند و برمی‌گردانند. چوب علم‌ایشان ازدرخت سور (=سرو جنگلی) است.

۱ـ بکسر دال و فتح سین. ۲ـ بفتح شین و واو. ۳ـ اربو دراین محل به‌معنی امرود وخوج ریز است. ۴ـ بکسرراء.

پرمکوه[1] از دهکده‌های نزدیک به این محل است . مراسم علم‌بندی ایشان روز هفتم محرم است واگر اهالی در مجلس حاضر بودند و در قشلاق نبودند،روز سیز دهم‌محرم علم واچینی دارند. در غیر این‌صورت علم تایکی دوماه بسته می‌ماند تا اهالی از گیلان مراجعت کنند یک‌روز جمعه خبرمی‌کنند واهالی درمسجدجمع می‌شوند و مراسم علم‌واچینی را برپا می‌کنند .

در اتاکوش[2] شوك حفاری کرده‌اند و از قبور قدیمی آنجا ، سلاح ، کوزه ، دستبند و نظایر آنها پیدا کرده‌اند . بقایای آبادی قدیمی وقلعه خرابه‌ای در این جاست .

در دهکدهٔ بویه که نزدیك شوك است و گردنه‌ای فاصله شده است . بقعهٔ نسبةً قدیمی است‌که اثر تاریخی در آن دیده نشد .

قلاسر
در دهکدهٔ پرمکوه اشکور

بربالای قله‌ای‌نزدیك دهکدهٔ پرمکوه‌آثار قلعه‌ای‌قدیمی است. پاره‌آجرو سفال شکستهٔ لعاب‌دار فراوان در سرقلعه و زمینهای اطراف است . ظاهراً یکی از قلاع‌اسماعیلیان و مقدم دژقلایه یا «گورجی‌قلاکوتی» در مرز پرمکوه‌وگورج بوده است . آب این قلعه باگنگ از «کرچشمه»[3] می‌آمده است . زیرکرچشمه گورستانی قدیمی است .

بقعهٔ تارش
در دهکدهٔ تارش اشکورسفلی

این بقعه شامل اطاقی است‌که سه‌طرف‌آن ایوان است . صندوقی‌چوبین و ساده درمیان اطاق است . یك در ورودی به‌ایوان ویك در به‌حرم دارد . ستونهای ایوانها ، چهارسو وبدون سرستون است . پرهٔ ایوان دوپشته و بام سفال‌سر است .

۱ــ بفتح پ و راء. ۲ــ بفتح الف ، کسرشین. ۳ــ بکسر کاف.

بقعه و مسجد متلاکوه [۱]
در دهکدهٔ متلاکوه اشکور سفلی

مسجد و بقعه، متصل به یکدیگر و مجموعاً بنائی مستطیل شکل است. اطراف آن ایوان ندارد و سراسر بام لت پوش است.

کاروانسرای زیاز و باغ اطراف آن
در زیاز سمام

«[وسلطان محمدکیا] جهت منزل ومسکن عابری السبیل درسر راه اشکور، در ناحیهٔ سی‌جیران، به موضعی که موسوم است به زیاز، عمارت خوب فرمودند کرد. و در آن مقام باغ و بساتین خوب را طرح انداختند و میوه‌های گیلانی از هر نوع، در آنجا بفرمودند نشاند و انگورهای رودبار را تاک آورده بنشاندند و سیبهای خوب را بسیبهای جنگل آنجا وصل نمودند.»[۲] رابینو نیز عین این مطالب را نقل کرده و ساختن این کاروانسرا را به دستور سید رضی کیا می‌داند.[۳]

امام زاده یحیی و امام زاده شعیب
در لورود سمام

لورود برسر راه دیارجارن به امام و در مشرق مربّو است. دو امامزاده با درخت چنار زیبائی نزدیک چشمهٔ آبی در این دهکده است.[۴] نام امامزادگان، امام‌زاده یحیی و امامزاده شعیب است.

بقعهٔ اول

بنائی مربع شکل است وطرف جنوب آن ایوانی دارد. ستونهایش چهارسو است و لبهٔ ایوان را به جای لتازه تا بالا تخته‌کوبی کرده‌اند.

۱ـ بفتح میم و تاء. ۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۱۴۵. ۳ـ گیلان رابینو، ص۳۷۴ و ۳۷۵. ۴ـ گیلان رابینو، ص۳۷۱.

بقعهٔ دوم

بنائی مربع شکل است که ایوانی طرف مشرق دارد . ستونهای ایوان چهارسو با سرستونهای رنگ‌کردهٔ قدیمی است . لبهٔ ایوان به جای لتازه ، تکائل تخته‌ای دارد . سقف هردو بقعه بدون پل‌کوبی و لمبه‌کوبی ، لبهٔ بام هردو دوپشته و بام هردو ، لت‌پوش است . مسجدی درمیدان ده نیز ساخته‌اند . چناری را که ر بینو در شصت سال پیش نظرش را جلب‌کرده است تا امروز در میدان ده بر سرچشمه‌ای برپاست و شاداب و خرم است . محیط تنهٔ این درخت از یك متری زمین ۱۱٫۲۰ متر است .

بقعهٔ سید ابراهیم وسید الیاس
در پی‌نود[۱] سمام

این مزار بنائی ساده ومربع شکل وسه طرف آن ایوانی به پهنای یك متر است. ایوانها دارای ستونهای چوبین چهارسو باسرستون است . دور ایوانها لتازه دارد . دوعدد از ستونها لاچ لنگری است . سقف بدون لمبه‌کوبی وپل‌کوبی و بام لت‌پوش است . مرقد این‌دوبزرگوار در وسط بناست وصندوقی ساده دارد

زیر خاکیهای پی‌نود
در پی‌نود سمام

دهکدهٔ پی‌نود در دوازده کیلومتر وهشتصد متری پیرکوه وبیست وپنج‌کیلو متری اسپیلی است . ارتفاع آن ۱۳۰۲ متر و در دامنهٔ جنوبی فیروزکوه است . زمانی که رابینو دراین محل بوده است (حدود سال ۱۳۳۱) این دهکده را بسیار قدیمی دیده ومی‌نویسد درخاکبرداری محلی‌سفالهای لعاب‌دار مورخ چهارصدسال قبل درآنجا پیدا شده است . کشاورز دیگری که خاك برای بنای خود از محلی می‌کند آفتابه‌ای پر از سکه‌های طلا ولگنی مسین پراز سکه‌های نقره پیداکرد .

۱ـ بکسرپ وسکون یـاء وفتح نون و واو وسکون دال .

سکه‌های نقره متعلق به‌زمان شاه اسمعیل اول صفوی وضرب تیه‌جان ولاهیجان و لشت‌نشاء وکرجیان بود . سکه‌های طلا بسیار قدیمی بود . کشاورز از همه جا بی‌خبر ، تمام را به‌یك تن یهودی در لنگرود داد وهم‌وزن آنها ظروف مسین به‌ده آورد. رابینو چندسکهٔ نقرهٔ آن را خریداری کرد وسپس به‌موزهٔ بریتانیا داد و آفتابه لگن را برای خود خرید .[1]

قصر آردوی سامان

درمحلی به‌نام سرخ چشمه در ییلاق آردوی سامان

سیدظهیرالدین در وقایع سال۸۸۹که سیدامیرکیا فرزندکارکیا محمدکیای تنکابنی به‌مخالفت بامیرزا علی‌کیا برخاست ، سه بار ذکر ییلاق آردوی سامان را به‌میان آورده است . این محل ییلاقی ، امروز میان ییلاقهای گاوخس[2] وسیه دشت[3] است . اگر بخواهند از تورار به گردکول[4] بروند ، از ییلاقهای اکرچاك[5] و امیرچاك وگاوخس می‌گذرند وبه‌ییلاق آرده سامان[6] وارد می‌شوند . از آرده سامان به‌ییلاقهای سیه‌دشت ، باچو ، لشکستان و بقعهٔ گرده‌کول می‌توان رفت . این نواحی بسیار پرچشمه وسرسبز است وهوائی بسیارلطیف دارد. درسرخ‌چشمهٔ[7] آرده‌سامان خرابه‌های بناهای فراوانی‌است که ظاهراً همین کاخ میرزا علی‌کیا و بناهای‌خدم‌و حشم او بوده است .

بقعهٔ آقا سید ابوالحسن بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام

درقلهٔ کوه‌گرده‌کول [8]

درپشت دهکدهٔ کمنی ، روی کوهی بلند ومدور(عکس‌شمارهٔ ۳۵۳) بنائی از سنگ‌وگچ‌است.این بنا شامل‌دوقسمت‌اصلی‌است. قسمت‌اول کفش‌کنی‌مستطیل‌شکل

۱ــ گیلان رابینو ،ص ۲۷۳.　　۲ــ بضم خاء معجمه.　　۳ــ بکسرسین‌و یاء.

۴ــ بفتح گاف و کسر دال.　　۵ــ بضم گاف. چاك در زبان دیلمی به‌معنی‌مرغزار وچمنزار است.　　۶ــ تلفظ امروزی‌است.　　۷ــ بکسرخاء.　　۸ــ یعنی کوه گرد ومدور .

است که دری کوتاه و سرگیر دارد. پس از ورود به کفش‌کن دست راست، در اصلی ورودی بنای بقعه است. بنای اصلی بقعه چهارگوشه است که چهار کنج آن را با چهار گوشوار جمع کرده و طاقی مدور از سنگ و گچ زده‌اند. طرف قبلی بنا محرابی نسبةً ظریف است. در دو جهت شرقی و غربی دو پنجرهٔ کوچک به بلندی ۷۰ و پهنای ۳۵ سانتیمتر دارد. در چهار ضلع بنا، چهار طاقنماست و در دو طرف در ورودی از داخل، طاقچه‌مانندی است که شمع در آن روشن می‌کنند. صندوقی سادهٔ چوبین وسط بنای اصلی است و بالای آن را طنابی کشیده و قندیلهای مسین با پارچه‌های رنگین به آن آویخته‌اند.

سنگهائی که در بنا به کار رفته، سنگ لاته است و ملاط آن گچ عربالی درشت است. داخل و خارج بنا سفیدکاری شده است (عکس شمارهٔ ۲۵٤).

سنگ مرمری بر دیوار کفش‌کن، قرارداده شده است که عبارات زیر بر آن حک است:

«تاریخ اتمام کار امامزاده واجب‌التعظیم امامزاده ابوالحسن ابن امام موسی‌الکاظم که باعث و بانی خیرات سعادت وعزت دستگاهان خواجه ملاحسین و فرزندان خلف رفعت‌پناه خواجه حسن و خواجه مراد علی به‌تولیت فضیلت شعاران ملاعلی و ملاشیخ محمد استاد کار نادرالعصری حاجی‌الحرمین حاجی بنیاد که عاقبتشان یکان یکان بخیر باد در سنهٔ ثمان اربعین والف اتمام یافت.»

سقف سابق کفش‌کن گهواره‌ای و از سنگ و گچ زده بودند. پس از خرابی سقف را با چوب و سنگ لاته و گچ ساخته‌اند. قبور داخل کفش‌کن تمام به‌شکل سرداب است.

بناهای دیگری اطراف بقعه است که تمام از سنگ لاتهٔ سفید ساخته شده و مخصوص متولی و زوار است.

این بقعه مورد احترام اهالی دهکده‌های لشکستان، کمنی، انبوه‌لات و نوده است. سه دهکدهٔ انبوه‌لات و نوده جزء خاک رودبار است. غیر از لشکستان تنها،

اهالی دهکده‌های دیگر علم خود را به‌بقعه می‌آورند. اهالی کمنی روز سوم محرم و اهالی انبوه ولات و نوده روز پنجم محرم علم خود را می‌بندند. ایشان علمهای خود را درمحل می‌بندند و باخواندن نوحه وسینه زدن به امامزاده می‌آورند. درامامزاده پس‌ازخواندن روضه، ناهارمی‌دهند وعلم را وامی‌چینند. درواچیدن علم گره‌های پارچه‌های صحن (=سفید) و سبز و مشکی را باز می‌کنند وتا می‌کنند و در بقچهٔ مخصوص می‌گذارند و بقچه وچوب علم و خود علم را جداگانه به‌دهکده‌های خود می‌برند.

لشکستانیها علم خود را به‌بقعه نمی‌آورند بلکه درآبادی، علم‌بندی وعلم‌واچینی می‌کنند.

یك ماه از تابستان رفته، به‌ترتیب یك جمعه لشکستانی، یك جمعه کمنی یك جمعه انبوئی، یك جمعه لاتی ویك جمعه نودی به‌بقعه می‌آیند و گوسفند سر می‌زنند ونان وآبگوشت می‌دهند، انبوئیها ولاتیها، باغذا، میوه نیزمی‌دهند.

خانوادهٔ متولیان معروف به«شیخ» هستند وفعلامشهدی‌عزت‌الله کلبانومتولی بقعه‌است وازبابت عایدات بقعه به‌سایر افراد خانوادهٔ شیخ اجارهٔ سالیانه‌می‌دهد.

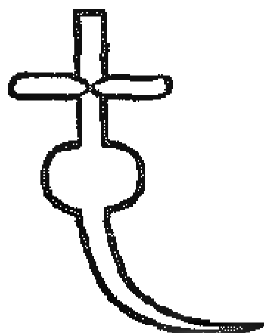
اطراف بقعه قبرستانی بزرگ است(عکس‌شمارهٔ ۲۵۵). بیشتر گورها سنگ قبردارد. سنگهارا درقزوین حك می‌کنند و بدینجا می‌آورند. پاره‌ای از سنگها که قدیمی به‌نظر رسید بدین شرح‌اند:

«وفات مرحومه مبروره بی‌بی‌خانم بنت آقاحسین‌نهم شهرذیقعده ۱۱۷۱ نشانه‌ها: یك انگشتر ویك سینه ریز در وسط و دوانگشتر در دوطرف آنها، دوگوشواره و دو دستبند، یك تسبیح ویك‌مهر.»

«وفات مرحوم ولی‌خان ولد رمضان ۱۲۲۰. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه و سروشکسته.»

«وفات مرحوم گلستان خانم بنت مرحوم آقامیرزا ۱۲۴۱. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، انگشتر، آفتابه و سروشکسته.»

«وفات مرحومه شهربانو بنت شرف‌خان ۱۲۵٤. نشانه‌ها : مهر و تسبیح.»



« وفات مرحوم ملك محمد ولد مرحوم صفر آقـ سنه ۱۲۲۱. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانـه ، خنجر ، توگان و آلت قتاله‌ای بدین شکل .»

«وفـات مرحوم شیخ رفیع ولد مرحوم کربلائی شیخ عبدالله ۱۲۵۷ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح وشانه .»

«وفات مرحوم شیخ خلیل ولدمرحوم شیخ جلال سنه ۱۲۶۳. نشانه‌ها: مهر، تسبیح ، رحل ، قلمدان وشانه .»

«وفات مرحومه مغفوره نازی خانم بنت شیخ حسین ۱۲۶۶ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، دوانگشتر، سینه‌ریز،کشکول ، دلوازه ، آفتابه ، قیچی، بینیکی و گلدان .»

«وفات مرحومه بمانی بنت مرحوم ملك‌محمد ۱۲۶۶. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، آفتابه ، قیچی ، بینیکی ودلوازه .»

«وفات مرحوم مغفورشیخ جعفرولد مرحوم شیخ‌کاظم ۱۲۷۱. نشانه‌ها : مهر، تسبیح ، شانه و رحل .»

«وفات مرحوم برجعلی ولداوستد قربانعلی ۱۲۸٤. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه ، رحل و قلم .»

«وفات مرحوم گنجعلی ولد نظرعلی ۱۲۸٤. نشانه‌هـا : مهر ، تسبیح، شانه و رحل .»

«وفات مرحوم امیدعلی ولد مرحوم عموحسن گالش ۱۳۰۱ . نشانه‌ها: مهر وتسبیح .»

سنگهای دیگری مورخ سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ و ۱۳۱٦ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و

۱۳۲۷ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ و ۱۳۴۸ و ۱۳۵۱ وسنواتی مؤخر بر آن ، دراین گورستان فراوان است .

بقعهٔ امامزادگان کنعان وعمران و برهان برقله فیروزکوه میان دهکده‌های گورج ، سیاستلخ ، کل‌مازی ، زاکام ، یسن ، لوآلی ، اینی ، توساچالك ، زنش و پی‌نود

فیروزکوه قله‌ایست سرکشیده ، درمنتهاالیه جنوب‌شرقی‌خاك دیلمان‌قدیم و از تمام نقاط این ناحیه دیده میشود . ارتفاع آن بالغ بر ۱۸۹۰ متر است . برسر این قله‌کاخی‌قدیمی به‌نام تخت سلیمان است . اما تاآن اندازه که دمرگان[۱] برای آن اهمیت قائل شده ، ارزش ندارد .[۲]

وضع این کوه نسبت به‌قلل اطراف آن بدین ترتیب است :

کوه‌ملك خورشاه (— ملاخروشه) نود درجه ، امامزاده شوئی ، زیر دست دهکدهٔ شوئی هشتاد درجه ، کوه سمام موز هشتاد درجه ، کوه دلفك دویست و نود درجه ، کوه بشم زیردست امام ودیارجان سیصدوچهل درجه ، امامزادهٔ نورار زیر قلهٔکوهی به همین نام دویست وشصت درجه ، دعاکوه زیر دست آکوچان ونوده صدونود درجه ، دهکدهٔ دیارجان درغرب شمال غرب قلهٔ فیروزکوه است .[۳]

بر بالای قلهٔ فیروزکوه بنای مختصری از سنگ است و داخل آن گوری با صندوقی‌ساده‌ومعمولی‌است که روی‌آن‌را پارچه‌های‌متعدد کشیده‌اند. درزیارتنامه این محل‌را مدفن‌سه‌تن از امامزادگان به‌نامهای‌کنعان وعمران وبرهان دانسته‌اند (عکس‌شمارهٔ ۲۵۶). دوچاه‌آب گوارا درصد متری بقعه‌است . هردو چاه دو دهانهٔ سفالین دارند که درحدود ۷۰سانتیمتراز کف زمین بلندترند . این‌عبارات بریکی ازاین سفالهای قرمز رنگ خوانده میشود :

۱– M. J. de Morgan ۲– گیلان رابینو ، ص ۳۷۰. ۳– گیلان رابینو ص ۳۷۱ .

«بسم‌الله الرحمن الرحیم برخواننده که آمرزیده .... در این چاه ....
بفرمودهٔ درویش علی‌بن‌جلال‌الدین.... برگشت‌بزلف‌نت.... ازین‌ماه....
اندرین منزل‌که تااین چاه بود .»

رابینو درسال ۱۳۳۱ ه . ق. نام هدیه کننده که درویش علی بن جلال‌الدین است ذکر می‌کند و تاریخ این نوشته را سال ۹۹۴ هجری خوانده است که امروز اثری از آن نیافتم . سنگهـای سیاه فراوانی به‌طول شصت تاهفتاد سانتیمتر وقطر بیست‌وپنج وسی‌سانتیمتر اطراف این‌بقعه‌ریخته‌است‌که به‌نظر تراشیده می‌آیند .[1] (عکس‌شمارهٔ ۲۵۷)

رابینو می‌نویسدکه این سنگها متعلق به‌بنائی‌مقدم بربنای امامزاده است و بی‌شك سنگهای یکی‌از قلاع اسماعیلیان بوده‌است . نگارنده‌که تقریباً تمام قلاع اسماعیلیان را در رشتهٔ البرز دیده است تاکنون درهیچیك ازقلاع سنگهائی نظیر اینها را ندیده است . اگر بتوان قبول‌کردکه این سنگها تراشیده وروزگاری برای بنائی به‌کاررفته بوده است ، می‌توان گفت‌که سنگها مربوط به‌بنائی مقدم بردوران اسماعیلیان است (عکس‌شمارهٔ ۲۵۸) .

علمهای امامزادهٔ فیروزکوه قدیمی وظریف و پرکار بود . دو علم‌آن تریخ نداشت و بریکی تاریخ ۱۰۴۷ قمری خوانده می‌شد . اینك عباراتی که برعلمهـا خوانده شد :

در وسط وبالای علم اول «یـافتاح» در وسط وپائین «الله محمد علی» حاشیهٔ پشت ورو دوازده امام

۱ــ نظیر این سنگها ، درپشت امام درکوهی به‌نام لرده‌سن (بفتح لام وسکون راء و فتح دال وضم سین) نیز دیده می‌شود . احتمال می‌رود این‌رگهٔ طبیعی بدانجا نیز کشیده‌شده بشد . این سنگها به‌نظر اینجانب طبیعی است چون کوچکترین ذره‌ای از ساروج و گچ که ملاط بناباشد دراین‌کوه دیده نمی‌شود. گذشته ازاین مقطع‌سنگها بشکل مثلث است که‌به‌کار ساختمان نمی‌آید .

علم دوم ظریف‌تر از علم اول است، چه حاشیه و سطور اطراف نگار وسط، مشبك است. در این قسمت مشبك «نادعلیا مظهرالعجایب» تاآخر با خطی خوش کنده‌کاری شده‌است. وسط همین علم «الله محمد علی» بود.

علم سوم هم نسبةً ظریف بود و این جملات برآن خوانده می‌شد:

«نظام آل گیلانی.... الله وطلماً لمرضاة رسوله.... امام المعصوم المظلوم حسین بن‌علی و اولاده الطاهرین علیهم السلام ۱۰٤۷.»

شمعدانی سفالین و زیبا در این امامزاده دیده شد (عکس شمارهٔ ۲۵۹).

مراسم علم‌بندی این امامزاده در هفتم محرم و مراسم علم‌واچینی یکی از روزهای جمعه پس‌از جمع‌آوری محصول است. متولی امامزاده، آقا شیخ محمد علی شیخ نصیری، سه‌تیرهٔ کالش: زنش[1] و بسن[2] و کل‌مازی[3] را خبر می‌کنند. تیرهٔ کالش زاکام جزءِ کل‌مازی است. در محل امامزاده مراسم علم‌واچینی عملی می‌شود. در تابستان سال ۱۳٤۵ شمسی مراسم علم‌واچینی جمعهٔ چهاردهم امرداد ماه بود.

سنگهای قبر نسبةً قدیمی اطراف این بقعه بود. مطالب سه سنگ زیر قابل ذکر به‌نظر رسید:

«وفات مرحوم مغفور خداداد بیك ولد مرحوم حسن‌خان ۱۲٦٤.
نشانه‌ها: مهر، تسبیح، تپانچه، شمشیر، دبهٔ باروت و خنجر.»

«وفات مرحوم مغفور نداوردلی ولد مرحوم آدینه سنه ۱۲٦۳. نشانه: شانه.»

«وفات مرحوم بازعلی ولد پنجه علی ۱۳۰۸. نشانه‌ها: نقش‌بزی در بالا با گل‌وبوته اطراف آن بادهره‌ای در زیر آن.»

در محوطهٔ باز اطراف بقعه، دو درخت بسیار کهن مازو و چندین اصله درخت مازوی جوانتر دیده می‌شود.

افسانه‌ای از پیران محل دربارهٔ بنای کاخ فیروزکوه وسفالهای دهانهٔ چاههای

۱ــ بفتح زاء وکسر نون. ۲ــ بکسر یاء و سین. ۳ــ بفتح کاف.

آن شنیده می‌شود که ذکر آن در اینجا بی‌مورد نیست :

در زمانهای گذشته ، پادشاهی توانا بود که سخت فریفتهٔ دختری شد. دختر ازاو خواست ، دربلندترین جاها بابهترین‌سنگها کاخی برای او بسازد .

پادشاه برای انجام خواست دختر،کوه فیروزکوه را برگزید و گروهی از مردم را به‌بیگار‌کشید . هنوز بنیاد وشالودهٔ‌کاخ پایان نیافته بودکه پادشاه شبی در خواب دیدکه‌کاخ تمام شده وآراسته است و او برتخت‌کامرانی درآن نشسته‌است . اما جغدی بزرگ برکنگرهٔ‌کاخ دیده می‌شود. شاه از اومی‌پرسد «ای‌نشانهٔ شومی و ویرانی ، تو در این‌جای فرخنده و آباد چه میکنی ؟ » جغد پاسخ می‌دهدکه من نشانهٔ حکمت خداوندی هستم و زادگاهم اینجاست . و چیزهائی در اینجا دیده‌ام که هیچ‌گوشی نشنیده وهیچ چشمی ندیده است .

شاه می‌پرسد چه دیده‌ای؟ یکی ازآنها را بگو. جغد می‌گوید در نیمه شب تابستان بالای همین درخت کهن‌مازو نشسته بودم. هنوز پاسی از شب نگذشته‌بود که هوا به هم خورد و برف باریدن آغاز کرد . سراسر جهان را برف فراگرفت . من به‌بالاترین‌شاخهٔ درخت مازو پریدم . برف تاآنجا نیزرسید . ناگهان بادگرمی وزید و سراسر برفها آب شد . بامداد گفتی هرگزبرفی نباریده است .آیا نیروی تو بیشتر است یا نیروئی‌که به‌انجام چنین‌کاری توانست ؟

شاه پس از لختی اندیشیدن پرسید چرا ویرانه نشینی؟

جغد جواب می‌دهد چون دیدم شمرتاریکی‌ومرگ و زن بیشتراست . زیرا نیمی ازشبانروز تاریک است و روزهای زیادی‌هم ابر و باد و مه و طوفان است و کسانی‌اندکه روز روشن‌را بردیگران‌شب‌تارمی‌سازند.پس‌سیاه‌تاریکی‌فزونی‌دارد .

اما چرا شمارمردگان‌بیشتر است چون همهٔ زندگان‌می‌میرند و کسانی‌هستند که فقط نام زنده برآنان می‌توان‌نهاد و از زبونی وخواری درشمار مردگان‌اند . پس مردگان از زندگان افزون‌ترند .

امازنان که خود دارای صفات جنس‌خود هستند ومردانی که زبون‌زنان‌اند

نیز همچون زن هستند . پس زنان و زن صفتان از مردان مرد بیشترند .

شه از این سخنان سخت بهم برآمد. از خواب دیرین بیدار شد و دستور داد که بیدرنگ آنچه از کاخ ساخته‌اند ویران کنند . از آن زمان تا امروز کاخ فیروزکوه همچنان ویران مانده‌است .

اما آنچه در بارهٔ دو چاه آبی که درقله است می گویند ، بدین شرح است:

این دوچاه‌آب فاصلهٔ کمی از یکدیگر دارند و دومی که کمی پائین‌تراست ، پرآب‌تر است . بردهانهٔ هردو ، دو استوانهٔ سفالین است که در محل «چاه تندور» می‌نامند . این دو چاه تندور را دختری « فیروزه » نام برسر گذاشته و در حالی که با دو دست خود چیزی می‌بافته، از سیستان[1] یک روزه بدینجا آورده‌است .

در دهکده‌های اطراف، هرگاه باران فراوانی ببارد چنانکه ده‌نشینان را به ستوه آورد ، گویند در چاههای فیروزکوه استخوان حیوانی انداخته‌اند و چون برای آن دو چاه ارزش مذهبی قائلند می‌گویند تا چه‌ها از آلودگی پاک نشوند، باران بند نخواهد آمد . گاهی می‌گویند که گیلکها پولی به‌متولی آستانه می‌دهند تا او استخوان آلوده‌ای در چاه بیندازد و باران ببارد و برنجزارها پرآب شوند ولی کشتزارهای گندم و جو در کوهستان آسیب ببینند .

دراین‌وقت گروهی از ده‌نشینان اطراف گرد می‌آیند ، به‌سر چاههامی‌آیند غذائی تهیه می‌کنند و «پ‌کشان» می‌کنند و یک تن از دهکدهٔ «مروسن»[2] (اکبرآباد) که پدر بر پدر این پیشه را دارد به ته چاه می‌رود و شمعی می‌افروزد و آب‌کشی مسین که ته‌چاه‌است بالامی‌آورد و اگر استخوانی درآن دیده‌شود بیرون‌می‌اندازد پس از آن طولی نمی‌کشد که باران بند می‌آید .[3]

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ سمام و شاهجان

۱ـ برقله‌ای به نام «کرسنگ» نزدیک شاهجان برجی آجری بوده است

۱ـ این سیستان ظاهراً سیستان لاهیجان است.
۲ـ بضم میم و راء و سین.
۳ـ از یادداشتهای آقای عبدالرحمن عمادی.

۲ـ سه غار که ظاهراً دستی کنده شده است در پائین گیلارکش، دست‌چپ کنار رودخانه است.

۳ـ پائین گیلارکش بالای آسیاب، زیر غارهای سه‌گانه، تپه‌ایست که یك طرف آن روزی به کوه متصل بوده‌است. گوری بالای این تپه‌است.

٤ـ عزیز[1] لوك[2] یا غار زاکام ظاهراً دستی‌کنده شده است.

٥ـ سنگهای‌اطراف‌بقعهٔ فیروزکوه را اهالی اظهارمی‌کنند که‌از شیشارسان‌و تموش و شیردره آورده‌اند و جای سنگها تا امروز باقی است.

٦ـ دو غاربزرگ وکوچك یره‌شلمان.[3] جلوغار بزرگ‌را چندی پیش‌حفاری کرده‌اند. این دو غار ظاهراً دستی‌کنده شده‌اند.

۷ـ غار وربن[4]، دراین‌غار زره وشمشیر واستخوان‌آدمی به‌دست‌آمده‌است.

۸ـ کنگك‌آب ازناکاخانی یا گیلارکش. این کمگها درکیه‌کل[5] به‌چاهی‌وارد می‌شده‌اند.

۹ـ درکیه‌کل حصار وآثار آبادی قدیمی است.

۱۰ـ دعاکوه یانیازخانه برسرحد رودبارواشکور، درپشت دهکدهٔ «اکوجان» از دهکده‌های رودبار، از اشکور از کمنی به چادرهای انبوه ولات و ازآنجا به دعاکوه می‌روند. اطاقهائی‌بالای‌هم درسنگ‌کنده شده‌است. امروزهم‌مردم‌اطراف برای نذر و نیاز بدانجا می‌روند. نزدیك دهکدهٔ اکوجان دشت نسبةً وسیعی به‌نام «بزادشت» است که آثار آبادی بزرگی درآنجاست.

۱۱ـ ازمحلهای زیر آثار زیرخاکی فراوان به‌دست‌آورده‌اند:
شیرچاك ـ مربّو ـ دیدرجن ـ بویه (= بوئی) ـ شاهجان.

۱۲ـ آستانهٔ قدیمی پلاسن[6] میان راه‌گیلارکش و پلاسن.

۱ـ بکسرزاء دوم. ۲ـ لوك درلهجهٔ محل بمعنی غاروسوراخ‌است. ۳ـ بفتح یاء وشین. ۴ـ بفتح واو وسکون راء وضم‌باء. ۵ـ بکسر کاف وفتح یاء وضم‌کاف. ۶ـ بفتح پ وضم سین. گاهی «پلاسنگ» نیز گویند.

۱۳ـ در کوه نزدیك پیشکیل‌جان درمحلی معروف به «خانم‌تله» آثار بنائی دیده می‌شود .

۱٤ـ قلاکوتی درسیاموسی[1] از دهکده‌های سمم که درفرهنگ جغرافیائی «موسی کلایه» ضبط کرده‌اند .

۱۵ـ بقعهٔ آقاسید علی‌کیا بن‌سید مظفر سیستانی در کیاسه که درسال۱۳٤۳ آب رودخانه زیرآن راخالی کرد وبنای بقعه واراضی اطراف آن فروریخت و از میان رفت .

۱۶ـ درحوالی زنش آذر آبادی قدیمی است وآجرهای زیبدی از آنجا درآورده‌اند .

۱۷ـ درزیر لوکراسنگ درصحرای‌تراش[2] نیزآثاری‌قدیمی به‌دست‌می‌آید .

۱۸ـ بقعهٔ بی‌بی‌هیبت در وسمه‌جان سمم .[3]

۱۹ـ بقعهٔ دعاکوه برسردعاکوه که جزء اراضی کمنی است .

۲۰ـ درگرزه[4] نیز زیارتگاهی لت‌پوش است .

۲۱ـ آستانه‌ای قدیمی درمازی‌کوتی .

۲۲ـ در اسپه‌چ ال فیروزکوه نزدیك لوکراسنگ نشانه‌هائی از آبادی قدیمی است .

۲۳ـ آستانه‌ای قدیمی درسیاه‌کوه در راه شیرچاك .

۲٤ـ بقعهٔ لرده در دهکدهٔ لردهٔ سمام .

۲۵ـ آستانهٔ خورته در آغوز بن‌کندسر سمام .

۲۶ـ بنیکی نام محلی است درمشرق دهکدهٔ‌گورج که آستانه‌ای دارد .

۲۷ـ آستانهٔ سرده ازبلوك شاهجان .

۲۸ـ آثار زیرخاکی تپه‌ای به‌نام«آزن‌کوته»[5] که به‌دست کسانی که‌صلاحیت

۱ـ موسی باصدای یاء تلفظ می‌شود.　۲ـ بضم تاء .　۳ـ گیلان دابینو، ص۳۷۴.　۴ـ بکسر گاف.　۵ ـ بضم زاء.

نداشته‌اند این تپه حفـاری شده و آثـاری از دوران مفرغ به‌دست آمده است . درهمین تپه ، نشانهای آبادانی قدیمی و بقایای قلعه‌ای دیده می‌شود . رویهمرفته بلوك کوچك شاهجان از نظر آثار زیرخاکی بسیار غنی است وشایستهٔ بررسی‌وکاوش علمی است .

۲۹ـ قلعهٔ نفت‌خانی ، پشت محل نفت‌خانی دهکدهٔ کجید .

۳۰ـ گورستان گبری قدیمی در اسل‌بره[۱] دهکدهٔ کجید .

۳۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درمحل الن‌کلنگ[۲] روی‌تپهٔ پشت دهکده روبروی قلعهٔ نفت‌خانی در دهکدهٔ کجید .

۳۲ـ قلعه‌سر، آثارقلعه‌ای قدیمی‌در ملجادشت درسمت جنوب دهکدهٔ‌کجید .

۳۳ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام«فلاکوتی» میان‌کجید وشولك و دیمانجان‌کش .

۳۴ـ بناهای ییلاقی اربابی دوران قاجاری در دهکدهٔ امام . رابینو از بنای میرزا یحیی‌خان املشی در دهکدهٔ امام نام می‌برد .[۳] پس‌از بازدید معلوم شدآثار تریخی وهنری ندارد .

۳۵ـ گورستان قدیمی سرخه‌زمین امام .

۳۶ـ گورستان قدیمی لیال‌چال امام .

۳۷ـ بقعه وگورستان قدیمی سیاه‌کوه امام . در این گورستان حفاری شده و آثاری‌گرانبها به‌دست آمده است .

۳۸ـ رابینو از بقعهٔ شوئی زیر دست دهکدهٔ شوئی امم نام می‌برد .[۴] این بقعه واین دهکده شناخته نشد .

۳۹ـ شاه‌نشین‌تله بالای دهکدهٔ تماجان ، آثارقلعه خرابه‌ایست حفاری‌شده‌و لوازم باارزشی به‌دست‌آمده است .

۱ـ بکسر الف و سین و باء. ۲ـ بفتح الف و نون و ضم‌کاف. ۳ـ گیلان رابینو ، ص ۳۷۲. ۴ـ گیلان رابینو، ص ۳۷۱.

بخش بیست ویکم

بناها و آثار تاریخی جیرولایت اشکور ، سیارستاق و بالااشکور

راه سنگ فرش

طرف راست وچپ رودخانهٔ پلورود

قسمتی ازاین راه سنگ‌فرش درترش‌کوه رحیم‌آباد است که باقی ماندهٔ راه شاه‌عباسی است که از گرگان به‌آستارا کشیده شده است .

از این شاهره ، راهی فرعی جدا می‌شود و از کنار پلورود ، از نقاط زیر می‌گذرد :

بندبن ــ تول‌لات[1] ــ زیررخنی‌لات ــ دیمابن ــ راه دست راست رودخانهٔ تا نیلو(= نی‌لو) ادامه دارد .

دنبالهٔ راه اصلی‌ازروی پل دیمابن می‌گذرد و به‌پلام ، دیورود ، سلم داربن‌و سی‌پرد می‌رسد . از سی‌پرد دو شعبه می‌شود یکی به شوئیل ولسپو و دیگری به‌سیارستاق ولوسن وبالااشکور می‌رود .

دنبالهٔ این راه از بالااشکور به رودبار و تنکابن در صفحات بعد نوشته شده است .

۱ــ بکسرلام اول .

قلعهٔ فریدون
در خنش‌گردن [۱] داران‌گویه

میان دهکده‌های راشه، تساسن[۲]، تلابنه[۳] وسیاچال بر پوزهٔ سوم کوههای سمت راست رودخانهٔ پلورود قلعه‌ای ازسنگ و گچ است که آثار زیادی از آن برجای است . این قلعه از سه طرف به پرتگاه منتهی می‌شود. از هرات‌بر و دیمابن ازدامنهٔ کوه، مستقیم می‌توان به قلعه رسید. شکل ظاهری بنا نشان می‌دهد که همانند قلاع اسماعیلیان است . در جنوب این قلعه گورستانی بزرگ و قدیمی است . قلاکوتی دیگری به نام «راشك» در پشت قلعهٔ فریدون است .

قلعهٔ تول‌لات [۴]
بر پوزهٔ کوهی میان دو رودخانه در اراضی تول‌لات

قلعهٔ تول‌لات قلعه‌ای سنگی عظیم است که نزدیك اراضی تول‌لات ومسلط بر بستر اصلی پلورود است. مصالح اصلی این قلعه سنگ وگچ است. سنگها نتراشیده ولی نبشی است . بلندی بروی موجود، درحدود ۱۰ متر و قطر دیوارها بیش از یك متر است (عکس شمارهٔ ۲۶۰). درازای بنای قلعه درحدود ۵۰ متر و پهنای آن درحدود ٤٠ متر است. آب انباری درجهت شمالی ازسنگ وساروج ساخته‌اند. نزدیك دیوار شرقی چاهی عمیق است. احتمال می‌رود که چاه آب یانقب فرارگاه قلعه باشد. وضع بناو استحکام آن و نوع مصالحی کـه در آن به کار رفته است، شباهت زیـاد به دژهای اسماعیلیان دارد و بعید نیست که یکی از قلاع ایشان در خاك اشکور باشد .

سد و نهری از سنگ و ساروج
برسمت راست پلورود در اراضی تول‌لات

مقابل قلعهٔ تول‌لات، برسمت راست رودخانهٔ پلورود، کندر راه مالرو، دیواری

۱ــ بفتح خاء وکسر نون و شین . ۲ــ بضم تاء و سین دوم. ۳ــ بفتح تاء و ضم باء. ۴ــ بکسر لام اول. تول در لغت گیلکی به‌معنی گل (بکسر گاف) و لات اراضی کندر رودخانه را گویند .

از سنگ و ساروج به بلندی یك متر و یك مترونیم دیده می‌شود. این دیوار که ظاهراً از بالای آن نهری عبور می‌کرده، کمی کج شده و به میان رودخانه کشیده می‌شود. این آثار از سد و نهری قدیمی باقی مانده و سازندهٔ آن معلوم نیست.

خشت پـل دیماین و کاروانسرای آن
سرراه مالروی اشکور میان زیارخانی‌لات و جیرپلام

این پل که امروز فقط پایهٔ سنگـی سمت راست آن و پایـهٔ آجری سمت چپ آن باقی مانده است، در حدود شصت سال است که یکسره خراب شده است. ظاهراً این پل به امرسلطان میرزا علی‌کیا پسرسلطان محمدکیا درسال ۸۹۳ ه.ق. ساخته شده است. سید ظهیرالدین شرح ساختن این پل را چنین نوشته‌است :

«چون به رودخانهٔ پلورود از ایام سابقه پلی از چوب بسته بودند و هرساله به تجدید آن می‌بایست شروع نمود و گاهی بود که آب طغیان می‌کرد و آن پل را می‌برد و برهم می‌شکست و مترددان از این سبب در زحمت می‌بودند و آن پل را به اصطلاح قوم «کیاپرد» می‌خواندند. همت عالـی خسروانـه مقتضی آن شد که بر آن مقـام پلـی از خشت و سنـگ و آهك بفـرمایند ساخت تـا خلایق از آن مشقت خلاص یـابند. فلهـذا استاد یعقوب بنّـای رویـانی را به سرکار فرستادند وکیا پاشا فلك‌الدین ناظر را مشرف آن مهم ساختند و به‌سعی تمام آن مهم پسندیده به‌هم‌رسیده بود و استاد مذکور طاق بزرگی بر آن رودخانه بسته. خواستند که آن عمارت را به‌نظر کیمیا خاصیت منظورسازند، از تقدیر سبحانی بران عظیم که از جملهٔ رحمت رب‌العالمین است، آن شب بیارید و آب رودخانه بسیار شد، چنانکه عبور از قریهٔ سجیران نمودن و به سرراه آمدن متعذر می‌بود.

مردم صاحب وقوف دلیل شده، از راهی که از آب نباید گذشت، به‌کنار آن طاق رایات نصرت‌آیات رسانیدند و تفرج آن پل‌کرده، به‌قریهٔ بالانگاه به خانهٔ پره‌نشین حسام‌الدین طالش فرود آمدند.»[۱]

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۴۷۲ و ۴۷۳.

پایهٔ شرقی این پل به درازای ده متر که با سنگ رودخانه و گچ ساخته‌اند تاامروز باقی‌است(عکس‌شمارهٔ۲۶۱). پایهٔ غربی به‌بلندی۳متر بر چکاد لب‌رودخانه هنوز دیده می‌شود. این پایه از آجروگچ بنا شده‌است. آجرها که باید درمحل پخته شده باشد به‌ابعاد ۵ × ۲۳ × ۲۳ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ۲۶۲). آجرهای طرف شرقی پل را پیش از شهریور ۱۳۲۰ به‌کلاچای برده ودر پشت بازار از آنها ساختمانی ساخته‌اند.

رابینو این پل را پل‌سنگی سجیران خوانده و می‌نویسد:

«دهکدهٔ سجیران پل چوبین داشت وهرسال آن را آب می‌برد. میرزاعلی کیا استاد یعقوب رویانی را درسال۸۹۲ هجری مأمورساختن پلی‌ازسنگ کرد.»[1]

در نزدیك سجیران آثار پلی قدیمی هست ولی عظمت زیادی ندارد در صورتی‌که پل دیمابن پلی عظیم وتاریخی است (عکس‌شمارهٔ ۲۶۳).

درفاصلهٔ دویست متری پایهٔ شرقی بنائی سنگی‌است که راهگذریان آن را به‌نام حمام می‌شناسند. این بنا بی‌شك‌کاروانسرائی قدیمی وباراندازی موقتی‌است تا درآن مسافران دمی بیاسایند و چهار پایان جوی بشکنند. نظیر این پل و کاروانسرای نزدیك به‌آن، در بلاردکان املش نیزهست.

قطر دیوار سنگی این‌کاروانسرا ۵۵ سانتیمتر و ابعاد آجرهائی‌که در آن به‌کار رفته ۳ × ۲۱ × ۲۱ سانتیمتر است.

در سمت راست رودخانه نزدیك پل در زمینی‌که طول آن پانصدمتر است آجرپاره‌های فراوان وسفال شکسته‌های زیاد دیده می‌شود که نشان می‌دهدروزی دهکده‌ای در این اراضی بوده است. ابعادآجرهای‌آن ۵و٤ × ۲۳ × ۲۳ سانتیمتر است.

درآبادی دیمابن کنونی پشت منزل اسکندر، تپه‌ایست که بالای‌آن آجر-پاره‌های فراوان و سفال شکستهٔ زیاد است.

۱- گیلان رابینو، ص۳۸۰.

تپهٔ سلم و سو
بالای دهکدهٔ سیاکشان اشکور

بر بالای این تپه آثار قلعه‌ای قدیمی وگورستانی بزرگ است.

حمام و خانه‌های قدیمی
در چاکان‌سر سیاکشان اشکور

در محلی به نام چاکان‌سر نزدیک دهکدهٔ سیاکشان آثار حمام و خانه‌های قدیمی است که نشان می‌دهد روزی دهکده‌ای در این محل بوده است.

قلاکوتی
در محل گالش‌نشین سجاره نزدیک پلام

در این دهکدهٔ تابستان نشین محلی به‌نام «قلاکوتی» است که آثار قلعه‌ای قدیمی است.

بابا ملهودی‌گور
پشت دهکدهٔ سیاکشان‌اشکور سر راه دهکدهٔ میلاش

این گورها که نظیر آن در نقاط دیگر اشکور نیز هست، بیش از توده‌ای سنگ نیست. راهگذریان نیز سنگی بر آن پرتاب می‌کنند و به بلندی تودهٔ سنگ می‌افزایند. این کار جز سنگسارکردن گور بابا ملهود چیز دیگری نیست. کسانی که این عمل را انجام می‌دهند، نمی‌دانند بابا ملهود کیست و چیست.

در راه املش به قزوین، نزدیک کاروانسرای بلاردکان و بز در همین راه، میان شیرچاك و آتش‌کوه، دو گور از بابا ملهود است که به دست راهگذریان سنگسار می‌شود. نزدیک شوئیل در اشکور و حوالی کلیشم ازبلوك قاراب عمارلو نیز نظیر این گورها دیده می‌شود.

به‌نظرمی‌رسد که کلمهٔ «ملهود» همان «ملحد» باشد که بر رفیقان اسماعیلی اطلاق می‌کردند و این گورها مدفن پیروان ایشان است که به دست شیعیان

زیدی کشته شده‌اند . احتمال می‌توان داد که این گورها مدفن پسروان مزدك نیز، باشد چه اینان در صفحات رودبار که جزء خاك دیلمان قدیم است، از قدیمترین ایام بوده‌اند و رشیدالدین فضل‌الله[1] وحمدالله مستوفی[2] نیز ازایشان یادکرده‌اند.[3]

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام درد‌هکدهٔ سجیران اشکور

بنای اصلی بقعه اطاقی ساده و زگالی است. طرف شرق آن دوخواهر همین امامزاده، بنامهای بی‌بی‌هیبت و بی‌بی‌سکینه به‌خاك سپرده شده‌اند. سه‌طرف شرقی و جنوبی وغربی ایوان دارد . ایوانها دارای ستونهای چهارسو وسرستونهای پرکار است. بریکی ازسرستونهای غربی این‌عبارات خوانده می‌شود:

«این آستانه فی‌ید استادحسین تمام شد سنه ۱۲۸۶.»

جلوایوانها تکائل چوبین دارد، لبهٔبام سه‌پشته وسراسر بام، لت‌پوش است. درمحوطهٔ بزاطراف بقعه درختان لی وآزاد زیاد بود .

دزماشین (= قلعهٔ لیما)

علی‌بن شمس‌الدین لاهیجی دربارهٔ این‌قلعه چنین نوشته‌است :

«مردم کهن‌سال به‌سیدرضی‌کیا گفتندکه درپشت لوما محل محکمی‌است‌که سابقاً هم‌قلعه بود و «دزماشین» نام داشت. اگر مجدداً به عمرت قلعه اشارت شود، امیدکه چون بنای‌دولت استوار وپایدارگردد. این‌اندیشه مقبول طبع همایون‌افتاد، به‌یرق مایحتاج قلعه اشارت علیه شرف صدوریافت.»[4] صدور این‌فرمان درسال ۹۱۶ ه.ق. بود

رابینو محل دهکدهٔ لیمارا دردامن کوه شرقی پلورود ومقابل دهکدهٔ تویلا تعیین‌می‌کندومتن گذشته‌را به‌سیدظهیرالدین وتعمیرقلعه‌را به‌سلطان‌احمدخان‌والی

۱ــ جامع‌التواریخ، قسمت‌اسماعیلیان، ص۱۵۱و۱۵۳. ۲ــ نزهة‌القلوب، ص۶۱.

۳ــ از یادداشتهای آقای‌عبدالرحمن‌عمادی. ۴ــ تاریخ‌خانی، چاپ‌دارن، ص۳۷۰و۳۷۱.

بیه‌پیش نسبت داده‌است[1] که به‌نظر اینجانب صحیح به‌نظر نمی‌رسد. این قلعهٔ قدیمی که قبل‌ازسال ۹۱٦ نیز آبادان بود، ظاهراً از قلعه‌های قدیمی جیرولایت شکور است. محل آن بر پوزهٔ کوهی میان کشکی‌دره[2] ودرهٔ کاکرود است (عکس شمارهٔ ۲٦٤). طول بنای قلعه درحدود ۲۵۰ متر و پهنای آن درمحلهای مختلف کم‌وزیاد می‌شود. پهن‌ترین قسمت پهنای آن درحدود ٤۰ متر و باریکترین قسمت آن درحدود ۱۰ متر است. مصالح بنا سنگ کوه واز ملاط جز در بنای آب‌انبارها نشانی نیافتم. ظاهراً ملاط بنای قلعه گل بوده‌است. درسه آب‌انبار موجود که درازا و پهنای تقریبی هر یک ۵ متر بود ازسنگ کوه وملاط ساروج استفاده شده بود (عکسهای شمارهٔ ۲٦۵ و ۲٦٦). در بالای آخرین نقطهٔ این کوه که مسلط بر درهٔ پلورود بود، سنگی صاف که ظاهراً اطراف آن را تراشه‌هائی داده بودند دیده می‌شد که گویا بالای آن دیدبانی می‌کرده‌اند. جاده‌ای نسبةً دستکاری شده طرف بازوی راست کوه که درامتداد کاکرود است، به قلعه وارد می‌شود و آثاری از سردر و برج در این قسمت دیده می‌شود. سراسر بام اطاقهای قلعه بی‌شک سفال‌سر بوده است چه سفال شکستهٔ فراوانی که پاره‌های سفالهای بام‌است، درسراسر اراضی قلعه دیده می‌شود. سفال لعابدار مطلقاً دیده نشد وکوزه شکسته‌های معمولی بی‌لعاب زیاد بود. گنج‌گیران قلعه را زیرو بالا کرده بودند.

دوکنگ آب ازدو چشمه، یکی از رودخانهٔ کشکی‌دره وپس‌دره ودیگری از کوه الیه[3] آب به‌قلعه می‌آورده‌اند. درازی کنگها ۱۵ وقطر دایرهٔ آنها ۵ سانتیمتر بود.

قلعهٔ تو یلا

این قلعه که درمحل «قلعه» خوانده می‌شود، زیردست آبادی کوچکی به‌نام «رجه‌سر» بربالای پرتگاهی سنگی که مسلط بر تو یلا است ساخته شده است. آثار

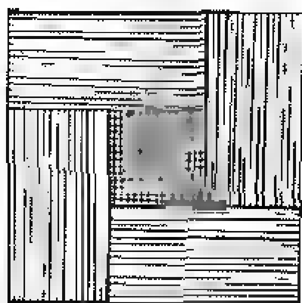
۱ـ گیلان رابینو، ص ۳۷۸. ۲ـ بفتح کاف و سکون شین. ۳ـ بفتح الف وسکون لام وکسر یاء.

باقی‌مانده نشان می‌دهد که مصالح آن سنگ و گچ بوده‌است .

تویلا دهکده‌ای آباد بوده‌است ودو سپه‌سالار یکی به‌نام کیاناصر کیای تویلا ــ سپه‌سالار رانکوه ــ[1] ودیگری کیاجهان شاه‌دیلمی‌تویلائی ــ سپه‌سالار لمسر ــ[2] که اولی درسال ۸۴۰ و دومی درسال ۸۷۲ ه.ق. نامشان ذکر شده است منسوب بدین دهکده‌اند. حسن صباح ازراه پادز وتویله به‌اندجرود والموت رفت.

امامزاده حنیفه یا بقولی پیر بهادر
دردهکدهٔ برم‌کوه[3] اشکور

شامل بنائی باسنگ‌وگچ وپایه‌ای‌بلند قدیمی ازهمین مصالح است. دوگنبد مدورکه‌یکی‌سقف اصلی‌ودیگری پوشش‌آنست وبام‌بقعه راتشکیل می‌دهد ازآجرو گچ برپایه‌ای استوار بناشده است . صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای اصلی است وپوششی‌سبزدارد. ایوان جلودر ورودی بقعه نیزطاقی آجری دارد. در ورودی دارای خفنگی‌هلالی شکل‌است . بلندی این در ازوسط هلال خفنگ ۱۷٤ وپهنای آن بادوبازوی چهارچوب دوطرف ۸۸سانتیمتراست. این‌درساده وبدون کنده‌کاری است، ولی‌از تکه‌های‌تخته که نگار اصلی‌آن بدین‌شکل‌است به‌یکدیگر کموز بانه‌کرده‌اندو در این‌کار زحمتی‌کشیده‌اند. دوقسمت کوچک چوبین‌کنده‌کاری ظریف درلنگهٔ سمت‌راست، داخل این نگارها کارگذاشته‌اند که نشان می‌دهد روزی صندوق یادر ورودی بقعه ، کنده‌کاری ظریفی داشته و پس از فرسوده شدن آنهاقسمتهای باقی‌مانده‌را دراینجا به‌کار برده‌اند .



جلو ایوان آجری بقعه، ایوان کوچک چوبی است‌که دارای دوستون لاچ‌لکری باطرح هشت ضلعی‌است. این‌ستونها بسیارقدیمی به‌نظرمی‌رسند .

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹. ۲ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص۲۳۰. ۳ــ بفتح باء و راء وکسرمیم.

زیر بنای بقعه چشمهٔ آبی گواراست که سابقاً در آبشخور سنگی تراشیده‌ای به درازای ۱۲۰ سانتیمتر وپهنای ۵۰ سانتیمتر جریان داشته است . فعلاً مجرای آب از این سنگ منحرف شده ودرسنگ آبشخوردیگری به درازای ۷۵ سانتیمتر و پهنای ۵۰ سانتیمترجاری است .

پشت امامزاده، اراضی «آبخوران‌چال» است که در آن قبور قدیمی دیده می‌شود. این قبرهارا حفاری کرده بودند واز آنها مجسمه‌های کلهٔ گو سفالین،پیکان، گمج پراز زغال چوب، سرگوسفند وسر اسب پیدا کرده‌اند.

درقبرستان جدید یکی دو سنگ مورخ به‌سال ۱۲۶۲ با نشانه‌های : مهر ، تسبیح ، بینیکی ، کشکول و دلواره دیده شد .

مسجدی قدیمی متصل به‌این بقعه‌است .

قلاکوتی
در برم‌کوه اشکور سفلی

بر بالای کوهی که پشت دهکدهٔ کیاسه وپائین آبادی اکبرآباد ونزدیک به برم‌کوه است ، آثاری از قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود . آجرهای قدیمی این قلعه است‌که برای ساختن دیوار وطاق امامزاده حنیفه به‌کاررفته است. ازدیوارهای‌قلعه چیزی برجای نبود تابتوان نقشه‌ای برای‌آن تهیه‌کرد .

ایردیج

زیردست آبادی «گیه‌کلام»[1] دشت وسیع شیب‌داری است . آثار دهکده‌ای قدیمی دراینجاست .آبادی «ایرمحله» درپوزهٔ کوهی است‌که‌این دشت دردامنهٔ آن است . شاید کلمهٔ «دیج» شکل دیگری‌ازکلمات «دیز»و«دز» و«دژ»باشد و ایردیج به‌معنی دژ واستحکامات دهکدهٔ «ایر» باشد . بعید نیست که آبادی ایرمحلهٔ فعلی روزی به‌نام ایردیج درهمین دشت بوده است .

۱ــ بضم کاف .

ملاخروشه[1]

برسر کوهی نوك‌تیز برمرز شوئیل وتلابنك[2] و سوته‌کش . بقعه‌ای کوچك با صندوقی تخته‌ایست . دردوطرف شرق وشمال این بقعه ، ایوان کم عرض کوچکی است . ستونهای ایوان ، پاره‌ای پخ‌زده وپاره‌ای چهارسوست .پرۀ ایوانها یك‌پشته است . سقف واشان باپل‌کوبی‌ساده وسراسربام لت‌پوش است. اطراف بقعه‌قبرستان است ودر محوطۀ قبرستان ، درختان بلوط کهن وامرود و دو درخت ون (زبان ـ گنجشك) کهن سال است . بریکی‌ازاین درختان ون ، شاخهای بز کوهی هشت‌ساله نصب‌کرده‌اند .

درقبرستان این‌بقعه سنگهای مرمرزیدی است که‌نوشته‌های پاره‌ای از آنها بدین شرح است :

«وفات مرحومه ماه‌شرف بنت مرحوم‌آ ق‌کاظم ۱۲۲۶. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، انگشتر، گردن‌بند ، بینیکی، آفتابه و داوازه .»

«وفت مرحومه حجی خانم بنت مرحوم علی ۱۲٤٦. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، بینیکی ، آفتابه ودلوازه .»

«وفات مرحومه زری جان خانم بنت مرحوم یعقوب علی ۱۲۲۹.

ای‌که برمابگذری دامن‌کشان   از سراخلاص الحمدی بخوان

نشانه‌ها : قیچی ، مهر، تسبیح ، انگشتر، سینه‌ریز، بینیکی، دلوازه و شکلی نظیر چراغ یـ لاله .»

سوری (ـ سوره)
درپشت دهکدۀ مروسن

برقلۀ دیگری ازرشته کوهی که «ملاخروشه» بریکی از قلل آن بنا شده است ، محل متبرك دیگری به‌نام «سوری» یا «سوره» است . بنای بقعه کم و بیش

۱ـ بضم‌خاء.   ۲ـ بفتح تاء وضم باء وفتح نون.

نظیر بقعهٔ ملاخروشه است وتقریباً درجنوب آن قرار می‌گیرد . در این بقعه آثار تاریخی دیده نشد .

اسه‌تاشان ۱
برمرز دهکدهٔ بنان ۲ و دهکدهٔ راه‌سران

بریکی ازقلل رشته کوه سمت چپ رودخانه که تقریباً درشرق کوهی است که بقعهٔ ملاخروشه بر آن بنا شده‌است، محل متبرك دیگری به‌نام «اسّه‌تاشان» است. این بقعه نیز نظیر ملاخروشه وسوری است وآثار تاریخی وهنری درآن دیده نشد. این سه بقعه درسه‌رأس یك مثلث متساوی‌الساقین قرارمی‌گیرند . شاید این بقعه‌ها که امروز رنگ اسلامی به‌خود گرفته‌اند ، برای مردمی که قبل از اسلام دراین کوهستان زندگی می‌کرده‌اند ،پرستشگاه یامحل متبرکی بوده‌است . گذشتهٔ مردم این‌سرزمین وسیع کوهستانی وآداب وسنن ودین وآیین ایشان زیاد برما روشن نیست . هیچ نمی‌دانیم‌که دین زرتشت‌بدین دهکده‌های دورافتاده رسیده است‌یانه؟ تمدن ایشن غیراز تمدنی است‌که دردشتهای هموار ساحلی ونقاط دست خورده می‌بینیم . از مجسمه‌هائی که از گورها به‌دست می آید ، علاقهٔ مردم این نقاط به ؟ وزن و کل و گاوهای کوهان‌دار آشکار است . شاید کوههای عظیم و سر-کشیده نیزنظر ساکنان کوهستان را به‌خودکشیده وسبب شده است که این کوهها همچون بتی مورد ستایش وپرستش ایشان قرار گیرد . مطالعه وبررسیهای دقیق و حفاریهای علمی‌منظم ممکن است‌این پردهٔ ابهام‌را ازروی این دهکده‌های‌کوهستانی فروکشد .

مسجد رودبارك
دردهکدهٔ رودبارك کنار کاکرود

رودبارك ازدهکده‌های‌قدیمی‌اشکوراست‌که نامش در تاریخ‌گیلان ودیلمستان نیزآمده است . سید ظهیرالدین دربارهٔ مسجد این دهکده مـی‌نویسد :

۱ــ بفتح الف وتشدید سین. ۲ــ بضم باء.

«کارکیاسلطان محمد (۸۸۳ - ۸۵۱) از لوسن عازم رانکوه شدند. شب به قریهٔ کبرمش اقامت فرمودند. روز یکشنبه به‌مسجد رودبارك که از مستحدثات امام همام ناصر لحق علیه‌السلام است، نماز گزارده و وظایف دعوات وصلوات به‌تقدیم رسانیده، شب‌دوشنبه به‌ناحیهٔ سجیران به‌خانهٔ زین‌الدیالم والاحرار پاشا فلك‌الدین ناظر تشریف فرمودند.»[۱]

رابینو نیز به‌نوشتهٔ سیدظهیرالدین استنادکرده ومی‌نویسد «مسجد رودبارك نخست به‌امر ناصرکبیر بناشد.»[۲]

بنائی امروز به‌نام مسجد در رودبارك نیست. به‌نظر اینجانب آستانهٔ هفت‌امام بایستی همین‌مسجد رودبارك باشدکه‌به‌امر امام‌ناصر الحق‌ساخته‌شده‌است. این‌مسجدکه به‌دست یکی‌از امامان زیدی ساخته شده واهمیت‌بسزائی داشته، بعدها به‌نام آستانهٔ هفت امام معروف‌گشته تااهمیت بیشتری پیدا کند. بااینکه‌هفت امام دراین بقعه به خاك سپرده شده‌اند، هیچکس نبود که نام یکی ازآنهارا به‌خاطر داشته‌باشد. گذشته ازاین درهیچیك ازبقعه‌هاوآستانه‌ها اثری ازمحراب نیست واینجا محراب گلی‌بزرگی‌دارد. اینك شرحی ازاین آستانه:

آستانهٔ‌هفت امام
دررودبارك اشکور

بنای اصلی‌آستانه، اطاقی است بزرگ باسقفی بلندکه ازچهار طرف‌برشیرسرقرار گرفته‌است. وسط بنا ستونی چهارسوی قدیمی با سرستونی بزرگ است. بربالای این ستون سرکشی قطور در سراسر طول بنا کشیده و واشانهای دوقسمت سقف را براین سرکش وشیرسرهای دوطرف قرار داده‌اند. این‌بنا محرابی‌ساده‌و گلی دارد. تعداد زیادی شاخهای گنج‌گاو(=گوزن) وبز کوهی دراین بناست. دو درشمالی وشرقی بقعه تخته‌ای وساده است. امادر غربی کنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد(عکس‌شمارهٔ ۲۶۷). این درکه‌نوعی‌قاب وگره‌است، اجزای نگارهای‌آن باکم‌و

۱ــ تاریخ گیلان ودیلمستان ص ۴۷۲. ۲ــ گیلان رابینو، ص ۳۸۲.

زبانه به‌یکدیگر جفت‌گیری شده است (عکس شمارهٔ ۲۶۸). چهارطرف آستانه، ایوانهای‌کتابی دارد. واشانهای‌ایوان، برشیرسردیوارآستانه وسرندل‌ستونها، متکی است. لبهٔ ایوانها تکذل تخته‌ای دارد. لبهٔ بام یك‌پشته وسراسربام سفال‌سر است.

مراسم‌علم‌بندی این آستانه هفتم محرم و مراسم علم‌واچینی عصرعاشورا برپا می‌شود. این عبارات برعلم قدیمی بقعه خوانده شد:

«وقف‌نمود این‌علم امام حسین را آقا میرکربلائی محمد پسرسید علی برای‌آستانهٔ رودبارك.»

بردوسنگ قبری که دربقعه بود، این‌عبارات حك شده‌است:

«وفات مرحوم مبرور آقا امین ولدمرحوم‌آقامیرسوار ۱۱۹۹. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، دوتپانچه، یك خنجر وشمشیری‌که نزدیك‌به‌دستهٔ آن قسمت پهنی‌داشته‌است.»

«وفات مرحوم‌آقامیرزا ولد مرحوم‌میرزاعلی‌اشکوری ۱۲۵۵. نشانه‌ها: مهر، تسبیح وشانه.»

این سنگ درقبرستان بیرون آستانه دیده شد:

«وفات مرحوم امیر ولد مرحوم قربانعلی‌اشکوری ۱۲۵۵. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه وسرو.

بقعه‌ای بی‌نام و نشان
در رودبارك اشکور

بنای اصلی شامل اطاقی سکتی است وصندوقی تخته‌ای ساده میان‌آن است. در ورودی اصلی جنوبی است ودر دوسمت جنوب وغرب، ایوانی به‌پهنای ۱۶۰ سانتیمتر دارد. ستونهای ایوانها چهارسوی پخ‌زده است. سقف‌آستانه وایوانها واشان‌کشی وپل‌کوبی با درزپوش‌زده است. لبهٔ بام دوپشته وسراسر بام سفال‌سر است.

کشان
میان دهکدهٔ شوئیل و کلکاموس

رابینو دربارهٔ این محل می‌نویسد: «نزدیك دهکدهٔ شوئیل بر سرراه شوئیل به‌لسپو، محلی به‌نام «کشان» یاکلکاموس (= قلعهٔ کاموس) معروف است. اینجا محل شهری قدیمی است.[1]

«پیترویلی» نویسندهٔ کتاب «دژهای اسماعیلیان» این محل را بازدیدکرده و دربارهٔ آن چنین نوشته‌است:

«هدف کاوش ما در اینجا این بود که دوشهر گمشدهٔ «کشان» و «کلکاموس» را پیدا کنیم. چون نام کشان برای مردم محل آشنا بود، توانستیم محل آن را که در یك میلی شرق شوئیل وروبروی رودخانهٔ پلورود[2] است پیداکنیم. محل کشان جائی است بسیار زیبا بر لبهٔ پرتگاهی بزرگ. درست درپشت اینجا یك رشته‌تپه ازسنگ خارا جادارد که به‌نام «شهر درویشان» خوانده می‌شد. ازاینجا راهی است که بر قله‌ای می‌رسد. دربالای این قله می‌شد نشانه و بازمانده‌های ساختمانهای این شهر قدیمی‌را به‌چشم دید. تاریخ آبادانی این‌شهر را نمی‌توان به‌درستی تعیین‌کرد ولی می‌توان گفت درحدود هزارسال پیش ازمیلاد مسیح بوده‌است.

شهر کشان‌مانند دیگرشهرهای‌قدیمی اشکور دردامنه‌ای‌که به‌پای پرتگاهی می‌رسد ساخته شده‌است. درمرکز آن نشانه‌هائی است که می‌توان گفت ساختمان معبدی قدیمی بوده است. پاره‌ای از سنگ‌فرشها و موزائیکهای آن را هنوز هم می‌توان‌دید. درانتهای اراضی‌شمالی‌این ساختمان، نشانهٔ ستونهائی‌برچشم می‌خورد که بی‌شباهت به‌یك پرستشگاه یونانی نیست. دراطراف این‌پرستشگاه، نشانه‌هائی بود که نشان می‌داد روزگاری خانه‌های بسیاری درآنجا بوده است. بااینکه مدت کمی درآنجا بودیم، نقشهٔ این حوالی ویك طرح تقریبی ازساختمانهای آن‌شهر قدیمی را تهیه کردیم.

۱ـ گیلان رابینو، ص ۳۷۶. ۲ـ کاکرود است نه پلورود.

دهکدهٔ امروزی کلکاموس از دهکدهٔ کشان کوچکتر است وچند خانواده بیشتر ندارد . شهرکهن کلکاموس نیزمی باید کوچکتراز شهر کشان بوده باشد . در کاوش خود سنگی به‌بلندی ۵ فوت‌که بالای آن به‌پهنای ۳ فوت در ۱۸ اینچ بود یافتیم . می‌توان گفت‌که‌این سنگ محراب یکی‌ازآتشکده‌های زرتشتی بوده‌است .

درنزدیکی دهکدهٔ کلکاموس ، بیشترگورهارا کندوکاوکرده بودند . باکندن دوسه‌گور، همان چیزهائی‌رایافتیم‌که درگورستانهای «زیاز» و«دیورود» دیده‌بودیم، هنگام کندن زمین اطراف سنگ محراب ، برکوزهٔ سفالین‌سرخ رنگ ودرخشانی برخوردیم‌که همانند کوزه‌هائی بودکه ازدژهای اسماعیلیان به‌دست‌آمده بود . از اینرو شاید بتوان پنداشت‌که اینجا نیزمدتی جایگاه اسماعیلیان بوده‌است .

اهالی می‌گفتند در روزگاران گذشته در شهر کلکموس دوپادشاه به‌نام «کیکاوس» و «شریوش» بودندکه‌باهم جنگ‌کردند وسرانجام کیکاوس پیروزشدو نام خودرا براین اراضی گذاشت که امروز به‌نام تحریف شدهٔ «کلکاموس» یاد می‌شود ومی‌گفتندکه این‌جنگ درپنج هزارسال‌پیش روی داده‌است .

آخرین‌جائی‌که‌کندیم تنبوشه‌های بزرگ سفالین‌به‌دست‌آوردیم. این‌راه‌آب یکی‌به‌سوی«کلکاموس» ودیگری‌به‌سوی«کشان» امتداد داشت . باتمام‌این‌تحقیقات عجیب به‌نظر می‌رسد که دوشهرقدیمی کلکاموس و کشان همزمان بوده باشند .»

اکنون ببینم ازروی این بازماندهٔ خرده ریزهای آبادی‌کهن‌که دلایل عینی بسیار باارزشی‌هستند می‌توان به‌کشفی رسید وداستان‌سرزمین«کشان» و«کلکموس» را ازقلمرو افسانه وقصه به‌پهنهٔ‌تاریخ کشاند ونزدیك ساخت. اگرداستان‌شهرکشان روشن‌شود ، شایدبرای نزدیك ساختن ماجراهای داستانی ایران ، (مانند : دوران کیانیان و پیشدادیان) به تساریخ سودمند باشد . نام «کلکاموس» برخلاف آنچه می‌گویند ، محرّف‌نام «کیکاوس» نیست ، بلکه اسمی‌بامسماست. زیرا این‌نام عبارت ازدوجزء «کله+ کاموس» است . کله درلغت گیلکی ودیلمی یعنی‌اجاق وآتشدان ، یاجایگاه زندگی واجاق خانواده .

کاموس مبارزی است کشانی واو پادشاه «سنجاب» بود وولایتش تاملك روم کشیده می‌شد . به‌مدد افراسیاب آمد . رستم اورا به‌خم‌کمندگرفت و کشت.[۱]

صاحب مجمل‌التواریخ می نویسدکه «کیخسرو رستم را بفرستاد تابزرگان ترکان رابکشت واین رزم را رزم «کاموس» خوانند.»[۲]

چون این‌نوع‌مطالب راکه درکتب پس ازشاهنامه است، ازشاهنامه‌گرفته‌اند ببینیم درشاهنامه چه‌آمده‌است . فردوسی در پادشاهی‌کیخسرو کیانی‌آورده‌است :

«کنون رزم کاموس پیش آورم ‌ ‌ ‌ ز دفتر بگفتار خویش آورم
سر سرفرازان و کاموس نام ‌ ‌ ‌ برآرد زگودرز و از طوس‌کام
ز مرز سپیجاب تا مرز روم ‌ ‌ ‌ سپاهی‌که بود اندر آباد بوم
کشانی چو کاموس شمشیرزن ‌ ‌ ‌ که چشمش ندیدست‌هرگزشکن»

در قسمت رزم کردن‌کاموس باگیو وطوس ابیات زیر است :

«دوگردگرانمایه و یك سوار ‌ ‌ ‌ کشانی نشد سیر از این کارزار
کشانی و شکنی و زهری سپاه ‌ ‌ ‌ دگرگونه جوشن دگوگون کلاه»

اشکبوس هم‌که در همان جنگ شرکت داشت ،کشانی بود .

«دلیری‌که بد نام او اشکبوس ‌ ‌ ‌ همی برخروشید برسان کوس
بزد گرز بر ترك رهام گرد ‌ ‌ ‌ کله خود اوگشت زان زخم خرد
چو رهام گشت از کشانی ستوه ‌ ‌ ‌ بپیچید از او روی وشدسوی‌کوه
کشانی بخندید و خیره بماند ‌ ‌ ‌ عنان‌را گران‌کرد واورابخواند»

درقسمت‌کشتن رستم اشکبوس را بتیر ابیات زیراست :

«کشانی‌هم اندرزمان جان بداد ‌ ‌ ‌ توگفتی‌که او خود ز مادر نزاد
شمیران شکنی و شنگل ز هند ‌ ‌ ‌ ز سقلاب چون کندرو شاه سند»

کشته شدن‌کاموس به‌دست رستم :

«بپایان شد این رزم‌کاموس گرد ‌ ‌ ‌ همی شدکه جان‌آورد جان‌سپرد

۱ـ برهان قاطع، ذیل‌کاموس. ۲ـ مجمل‌التواریخ ، ص ۴۸.

کشانی وشگنی و گ.ردان بلخ ز کاموس‌شان تیره شد روز و تلخ»

در ابیت بالا نم «کاموس» روشن است و کشانی هم نسبت به‌شهر کشان سر-زمین اوست .

با ذکر این ابیات شاید بتوان گفت که در روزگای بس‌دور، دامنه‌های شمالی البرزکوه در خاك امروزی اشکور و نواحی نزدیك به‌آن ، شاهی به‌نام‌کاموس در پایتختی به‌نام «کشان» حکمروا بوده است.[1]

قصر لیلی بن نعمان
در لشکام جان[2] اشکور

لیلی بن‌نعمان که از دست ناصر کبیرحاکم‌گیلان بود در لشکام‌جن قصری برای خود بساخت.[3]

شاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم
پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ لسپوی اشکور

امروز وگذشتهٔ دهکدهٔ لسپو:

دهکدهٔ لسپو در پای شیرکوه است . کوه‌جورابتو در مشرق ، زرینه کوه در مغرب، وکل‌مازی[4] در دشت جنوب‌این محل است‌که راه قزوین ازگردنهٔ‌کون‌کل[5] از اینجا می‌گذرد. در پائین دست امامزادهٔ لسپو محلی است که به‌نام «کشك‌دشت» معروف است. اینجا جای شهر قدیم‌کشك[6] است . هنوز یکی‌از دروازه‌های‌قزوین به نام دروازهٔ راه کوشك خوانده می‌شود . سا کنان کشك دشمنان دیلمیان بودند زیرا ایشان را به‌جشنی دعوت کردند و سپس دهکدهٔ ایشان را به تاراج دادند و خراب‌کردند. زنی در مقابل ایشان ایستادگی کرد و جنگی موحش برپای شد .

۱ـ ازیادداشتهای آقای عبدالرحمن‌عمادی. ۲ـ بفتح‌لام. ۳ـ گیلان رابینو، ص۳۸۲ . ۴ـ بفتح‌کاف وکسرلام . ۵ـ بفتح گ‌ف و واو وکسر نون و ضم‌کاف‌و سکون لام . ۶ـ بضم‌کاف اول وسکون سین وکاف دوم .

کشتگان کشك ، پائین محلی که به نام قبرغلام است بـه خاك سپرده شدند. این محل در شمال جاده است و دیلمیان در جنوب جاده مدفون گشتند.[1]

در فرهنگ جغرافیائی ایران مطالب زیر درباره لسپو آمده است :

« لسبوده از دهستان اشکور پائین شهرستان رودسر ، ۶۳ کیلومتری جنوب رودسر ، سر راه عمومی مالرو اشکور به قزوین ، بقعه‌ای به نام امامزاده قاسم و ابراهیم دارد که بنای آن قدیمی است .

مرقد و مزارشاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم

بنای اصلی شامل اطاقی است که با سنگ و گل ساخته‌اند. صندوقی سادهٔ تخته‌ای با روکشی سبز درمیان آن است . بنای بقعه و مسجد متصل به آن ، کرسی بلند و کرسی آن از سنگ و گل و سقف هردو لمبه‌کوبی است .

طرف شرق و غرب این بناء ایوانی به پهنای دو متر است و سراسر لبهٔ آن لتازهٔ تخته‌ای دارد. طرف قبلی که پیشانی بقعه ومسجد است، شانزده ستون چهار- سوی قدیمی دارد که پاره‌ای از آنها سرستون دارند، سقف ایوانها ، واشان کشی و ازبالا پل کوبی با درز پوش زده است . بام سراسر بنا، سفالسر است .

محوطهٔ وسیع اطراف بقعه قبرستان عمومی است . این قبرستان محصور ، دو سردر ورودی آجری شرقی وجنوبی دارد ، بالای هریك از این دو سردر، دو اطاق برای استراحت زائران بنا شده است . در محوطهٔ قبرستان درختان تبریزی و بید و ون (= زبان گنجشك) کهن است . بریکی از درختان ون ، شاخ بزکوهی و کنج کاو (—گوزن —گاوکوهی) دیده شد. نوشته‌های چندسنگ در این قبرستان بدین شرح است :

«وفات مرحوم آق غلام ولد مرحوم شمس علی۱۲۲۹. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح وشانه .»

۱ــ گیلان‌درا بینو ، ص۳۷۷.

وفات مرحوم آدینه ولد محمدعلی‌خان ۱۲۶۲. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

«وفات مرحوم محمد حسن ولد مرحوم آق‌علی ۱۲۶۹. نشانه‌ها: مهر، تسبیح و شانه.»

در بقعه سنگ قبری از مرمر بود که متولی نشان داد. آنچه بر آن نوشته شده بود اینست:

«هوالغفور

وفات خوارشاه[1] ولد محمدخان لسبوئی سنه ۱۰۷٤ . نشانه : انگشتر.»

مراسم علم‌بندی این بقعه روز هفتم محرم است . روز سیزدهم محرم که سوم امام است، مراسمی دارند ولی علم واچینی نمی‌کنند . علم‌واچینی ایشان ایام تابستان یه هنگام چیدن محصول است .

در اطراف لسپو قبرستانهای زیادی است . در این قبرستانها ، مردگان ، روی دندهٔ چپ وروبه‌شمال به‌خاك سپرده شده‌اند. دراین گورها : پیکان ، سرنیزه و گاهی خنجر و زانوبند یافت شده است .

لسپو قلاکوتی (= قلعهٔ لسبو)
در لسپوی اشکور

در قلهٔ کوهی‌که در دامنهٔ شرقی‌آن راه شوئیل می‌گذرد خرابه‌های قلعهٔ لسپو است . دیوارهای قلعه از آجر است ودو حوض سنگی دارد . لوله‌کشی آب این قلعه یکی ازعجایب بنای این صفحات است. آب این قلعه از گردنهٔ‌گون‌کل در محلی‌به‌نام «تری‌دشت» که آبی بسیار گوارا دارد ، لوله‌های سفالین (=گنگ)در زیرخاك‌کرده و آب تری‌دشت رانخست به کشك‌دشت و سپس به بالای قلعهٔ لسپوو از قلعه به همین ترتیب آب را به ملاهورشه[2] یا ملاخروشه واز آنجا بسوری که

۱ــ این نام یادآور نام رکن‌الدین خورشاه (۶۵۳ــ۶۱۸) آخــرین جانشین حسن صبح است. ۲ــ بضم حاء وکسر راء.

قلعه و آستانه‌ای داد و از آنجا به تاجگه و از تجگه به شهر کش قدیم رسانده‌اند.[۱]

چند سال قبل قلعهٔ لسپو را خراب کردند و آجرهای آن را برای ساختمان حمام شوئیل آوردند. این خرابی به قلعه لطمهٔ زیاد زد. امروز از دیوارهای آن بیش از نیم‌متر باقی نیست.

آستانهٔ سام ولام
برقلهٔ سوانه‌کوه

آستانهٔ سوانه کوه همچون ملاخروشه و سوری واسهٔ‌تشان و گرده‌کول و فیروزکوه، برقلهٔ‌کوه بنا شده است. بنای اصلی بقعه از سنگ وچوب و در ورودی آن چوبین و ساده است. از در اصلی وارد کفش‌کن می‌شود. واز کفش‌کن به حرم بقعه می‌رود. حرم شامل دوقسمت اصلی‌است. قسمت اول دارای شش‌ستون چوبین چهارسو باسرستونهای ظریف است. واشانهای بند برسرکشی‌است‌که براین ستونها متکی است. متصل به صندوق ساده و چوبین بقعه ستونی عظیم چهارسوی پخ‌زده با سرستون است. سقف بقعه پل‌کوبی با درزپوش وسقف کفش‌کن فقط پل‌کوبی است. یکی دو بنای سنگی محقر برای متولی و زوّار درجنب امامزاده است. بام بقعه تاچندی پیش لت‌پوش بود واخیراً حلب‌پوش کرده‌اند(عکس شمارهٔ ۲۶۹).

کهنه کاروانسرای سر (=کاروانسرای کل‌مازی)[۲]
سرراه لسپو به ویار

این‌کاروانسرا نزدیك گون کل با آجر وگچ بنا شده و دیوارهای اطراف و یکی دو اطاق آن باقی‌است. پشت این‌کاروانسرا آثارحمام وخانه‌هائی دیده‌می‌شود.

کهنه حمامان‌گردن (=کهنه حمامکی‌گردن)
سرراه سرده و هیر

برسرراه سرده به‌هیر آثارحمامی‌قدیمی است‌که باسنگ وگچ بنا شده وتا امروز برجای است.

۱ــ گیلان رابینو، ص۳۷۷. ۲ــ بضم کاف.

بقعهٔ آقا سیدسلیمان
در دهکدهٔ کاکرود ۱ اشکور

بنای اصلی بقعه رگالی است . دری مشبك ظریف به‌بلندی ۱۶۰ وپهنای ۹۰ سانتیمتر دارد (عکس شمارهٔ ۲۷۰). چهرطرف بقعه ایوان است وستونهای لاچ‌لنگری ظریف دارد . تکائل ایوان مشبك پرکاراست . سقف واشان‌کشی و لبهٔ بام سه‌پشته وبام سراسربنا ، سفال‌سر است(عکس شمارهٔ ۲۷۱).

مسجدی نسبةً قدیمی درنزدیکی بقعه‌است‌که پنجره‌های ارسی داشته وفعلا تبدیل‌به‌پنجرهٔ شیشه‌دارکرده‌اند. منبری مشبك ظریف دراین مسجد است (عکس شمارهٔ ۲۷۲). درطول‌مسجد سرکشی‌است‌که برسه‌ستون و دو فیلپای چوبین استوار است. فیلپاهالاچ‌لنگری مارپیچ وستونها ازبالا وپائین چهارسو و وسط گرد است . در محوطهٔ بازاطراف بقعه درختان‌گردو وپنج اصله درخت کهنسال ون است .

بقعهٔ ادهم و روح‌الله
در دهکدهٔ سیارستاق۲ اشکور

بنای اصلی بقعه در میان محوطه‌ای باز وگشاده است‌که قبرستان عمومی‌و قدیمی است . دو طرف شرقی و شمالی ایـوان دارد . صندوق مرقد مشبك است . ستونهای ایوان‌لاچ‌لنگری ظریف ودارای سرستونهای زیباست. سقف ایوان ازدو طرف چکش‌گردان وهرطرف دوپشته و لبهٔ‌بام چهارپشته‌است (عکس‌شمارهٔ ۲۷۳) .

در ورودی ایوان و بقعه در ایوان شمالی است .

در نزدیکی بقعه دو مسجد قدیمی است . یکی از مسجدها بزرگ است و پنجره‌های ارسی دارد .

۱ــ تیره‌هائی‌که درکاکرود زندگــی می‌کنند: ملاجمالـی ، امیرخانی وآسیابان و درگاهـی است . تیرهٔ ملاجمالی از قاضی‌چاك پشت دهکـدهٔ یاسور آمده‌اند و یوزبـاشی بوده‌اند.

۲ــ سیارستاق اشکور شامل دهکده‌های زیر است:

مایستن بالاوپائین،پوده (= پته‌محله) ، تلابن، سادم (بفتح‌دال)، آغوزکله(بفتح‌کاف)، بازارمحله ، سیارستاق‌محله ، نیاسن (بفتح سین)، لانه‌محله، سرده، کرماچ‌بن، پلنك‌سو.

یکی‌دو سنگ نسبةً قدیمی در قبرستان‌بقعه بود که این‌عبارات بر آنهاحك بود :

«وفات مرحوم مغفور ملا غلام‌علی ولد مرحوم آقا علی‌اکبر فی‌شهر صفر ۱۲٤۲. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، دو انگشترو رحل که قرآنی روی‌آن است.»

«وفات مرحوم مغفور جنت مکانی شیخ عبدالحسین ولد آقامیرزا یوسف سیارستاق ۱۳۱۰. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه وقلمدان.»

درخت چنارکهنسالی در قبرستان بقعه است .

گورستان قدیمی
در دهکدهٔ بازارمحلهٔ سیارستاق اشکور

سنگ قبر مرمر زیر در این قبرستان دیده شد :

« وفات مرحوم حسام‌الدین ابن حسین در شهر رجب سنه ۱۰۵۸ . نشانه‌ها : دو انگشتر ، یك رحل و زیر آنها درطرح محراب‌نما شمشیرو کمرشمشیر با دوسه‌گل و بوته در دوطرف آنها .»

گورستان قدیمی
درجیر مایستان‌دشت

درمایستان پائین دشتی است که‌گورستانی قدیمی درآنجاست . ظاهراً این دشت روزی آبادان بوده و آب رودخانهٔ تلیکان‌را بانهری که مسیر آن تا امروز روشن است، بدینجا آورده‌اند .

راه گردنهٔ گونکل[۱]
از سیارستاق اشکور به‌قزوین

سیارستاق محله ــ نیسن ــ سرده ــ سه‌خانی‌گردن ــ پس‌چاك ــ وربند ــ

۱ــ بفتح گاف و واو وکسر نون وضم کاف.

سردشت ـ کبوبند ـ گیلیش دره ـ شنگل [1] ـ هیر ـ بهرام آباد ـ دریاوك ـ عبدل آباد ـ شفیع آباد ـ نجف آباد ـ قزوین .

راه گردنهٔ چی جیم چال
از سیارستاق اشکور به قزوین

در باکسر ـ کاروانسرا ـ قزقان چالان ـ سفیدتله ـ ویارتله ـ ویار ـ هیر ـ نمره سو [2] ـ هیره کش ـ بیرام پشته ـ کی کلایه ـ اش چل ـ امامزاده محمد ـ فانفین ـ تیرا راه ـ خراب گرمك ـ اش میزان ـ سپون کاه ان ـ وروزك ـ گردنهٔ زرشك ـ زرشك ـ سر کل بن کل ـ بارجین ـ قزوین.

از همین راه ، راه دیگری از دیار جدا می‌شود و از دهکده‌های زیر می‌گذرد و به قزوین می‌رسد :

انارت ـ رشیدکوه ـ میلاك ـ ورگیل ـ سالارکیا ـ بیرام آباد ـ تنگه دره ـ جلفاده ـ آسیاب تراشان ـ زرشك ـ سرکل بن کل ـ بارجین ـ قزوین .

باقی آثار و بناهای تاریخی سیارستاق محله

۱ـ در محلی به نام «سو» هنگام شخم زدن، کنگ از زیرخاك درمی آید. دور کنگها را با آجر چیده‌اند. محل ورود وخروج آب روشن نیست .

۲ـ ازگورستان قدیمی نزدیك همین محل کوزه‌های سفالین بزرگ وکوچك بیرون می‌آید .

۳ـ پائین دست «سو» در بازارمحلهٔ سیارستاق ، خمی بیرون آمد که داخل آن پراز قاب گوسفند بود .

بقعهٔ آقا سیدعمران
دردهکدهٔ جورکلایهٔ اشکور

صندوقی در وسط بنای اصلی بقعه، مرقد راپوشانده است .سه طرف بنا ایوان

۱ـ بکسر گاف. ۲ـ بضم نون.

دارد . ایوانها دارای ستونهای چهارسو ولاچ لنگری است . پاره‌ای از آنها سرستون دارد . در ورودی بقعه در ایوان شرقی است . دو طرف ایوانها ، دو چکش گردان است که بالای آن را سقف زده‌اند . سقف بقعه وایوانها پل کوبی است. لبهٔ بامسه ـ پشته و سراسر بام بنا ، لت پوش است .

بقعهٔ آقا سیدابراهیم
دراراضی جورکلایهٔ اشکور

صندوق بقعه در کنار بنای اصلی است. سه طرف بقعه ایوان است. ایوان شرقی شش ستون دارد که سه ستون آن لاچ لنگری است . ایـوان جنوبی هفت ستون دارد که سه ستون آن لاچ لنگری است . ایوان غربی شش ستون چهارسوی پخ زده باسرستون دارد . سقف ایوانها وبقعه پل کوبی، لبهٔ بام سه پشته وبام سفال سر است.

علم بندی این بقعه هفتم محرم وعلم واچینی روز جمعه‌ای پس از گردآوری محصول است .

قلاکوتی بالاچاله
جزء اراضی جورکلایهٔ اشکور

در اراضی قلعه ، سفل شکسته وآجرپاره فراوان است . این قلعه را روزی از سنگ وآجر وگچ ساخته بوده‌اند .

پریس خانی قلاکوتی
در اراضی دهکدهٔ سنگسه‌رود اشکور

آثار بنای قلعه‌ای قدیمی دراینجاست . سنگ وگچ وسفال شکسته دراینجا زیاد است .

قصر ییلاقی لوسن
بالای دهکدهٔ درگاه در اشکور

این قصر تختگاه تابستانی سادات کیائی درآخرین نقطهٔ شرقی دیلمان قدیم

است چه ناحیهٔ اشکور درقدیم جزء خاك دیلمان بوده است. سیدظهیرالدین ازاین پایتخت آباد ییلاقی چندین بارنام برده است . دربارهٔ محل این بناچنین نوشته‌است:

«وسید محمدکیا درشکور درناحیهٔ جیرکشایه بقریهٔ لوسن هم عمارت چند بفرمودند ساخت .»[۱] ومی‌نویسد که «لوسن تخت شکور است»[۲] باز می‌نویسد که سید محمدکیا درحدود سال ۸۱۵ هـ . ق . «حضرت سید ناصر کیا را در امسرجای دادند که قشلاق آنجا فرمایند وییلاق به‌لوسن باشد.» رابینو دربارهٔ لوسن مطالب زیر را نوشته است :

دهکدهٔ لوسن نزدیك آبادی جیرکشایه‌است . از این دهکده راهی به‌الموت است که از کوه «جیکه‌بژم» می‌گذرد . میرظهیرالدین می‌نویسد که سید رضی‌کیا خانه‌هائی در لوسن برپا کرد واین دهکده را مرکز اشکور گردانید . نزدیك این آبادی‌درمحلی‌که به‌نام «دریسن پشند»[۳] است ، مهدی‌کیا کامیاروند پافشاری‌می‌کرد که سرزمین‌موروثی خودرا ازسید امیرکیا بگیرد ، ولی‌شکست خورد. مادرسلطان محمد والی بیه‌پیش،درسال ۸۵۹ هجری درلوسن بمرد وهمانجا مدفون شدوگنبدی برگور او برپا کردند.[۴]

پیتر ویلی دربارهٔ لوسن چنین نوشته‌است :

نشانه‌های آبادی شهرلوسن به‌درازای یك میل برجای است . درگوشه‌وکنار بازمانده‌های برجها ودیوارها دیده می‌شود . ازچاهی‌که دراراضی همواراینجاست کوزه‌های سفالی ودشنه‌های برنزی پیدا کردیم .

بااینکه دوران‌آبادی این شهر وگذشتهٔ آن برمن‌روشن است . دوران‌آبادی اینجا را به‌یك هزاروپانصد سال پیش برده ومی‌نویسد درآن تاریخ در آن حوالی دو شهربوده یکی بالاترك که ژنرال ترکی آن را ساخته بود[۵] ودیگری لوسن.

۱ـ تاریخ گیلان‌ودیلمستان ، ص۱۴۵. ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان ، ص۱۳۴.
۳ـ بکسردال وپاء وضم پ. ۴ـ گیلان‌رابینو،ص۳۸۱. ۵ـ مقصود ویلی دهکدهٔ «بلترك» است که جزء دوم آن‌یعنی«ترك»اورا واداد به‌این‌یاوه‌نویسیها کرده‌است وبااینکه بیش ازبیست‌بارنام لوسن درتاریخ گیلان‌ودیلمستان آمده‌است،این‌دهکده‌را«لوتوسن»خوانده‌است.

بین این دوشهر طبق معمول جنگ شده واهالی لوسن پیروز شدند .

لوسن جز قصر سلطنتی و خانه‌هائی برای حواشی وخدم که به‌امر سلطان محمد ساخته شده بود چیز دیگری نیست . اراضی آن هم خیلی‌کمتر از یك میل است . آثار بنای اصلی‌که قلعه مانند بوده و برجهائی داشته است ، امروز درزمین متعلق به‌مصطفی محمدی است. دراین زمین سنگ و آجروگچ وسفال شکسته‌های فراوان لعابدار ونقش‌دار که نظایر آنها کم دیده‌شده است، به‌دست می‌آید .

در زمینی که متعلق به‌مشهدی نقی‌اسمعیلی است ، آثارحمامی هویداست . دراین زمین آجرهائی به‌ابعاد ٤ × ٢٠ × ٢٠ سانتیمتر و نیمه‌های قالبی به‌ابعاد ٤ × ١٠ × ٢٠ سانتیمتر و کاشیهای رنگین بقطر ٢٥ میلی‌متر و کاشی‌تراش‌داری به‌صورت چند ضلعی نیزدیده شد .

نزدیك این‌حمام درمحلی به‌نام «یهودی‌محله» مخزن‌آبی ازسنگ وساروج دیده می‌شود . گنگی وارد این مخزن می‌شد . ظاهراً آب چشمه‌ی بالا دست این مخزن بوسیلهٔ این گنگ بدین مخزن می‌آمده ودرآنجا جمع می‌شده وبه‌مصرف حمام یاساختمانهای اطراف می‌رسیده است .

درجاده‌ای‌که از زیر درگاه به سنگسرود می‌رود ، پاره‌های آجر وسفال بقدری فراوان است که از روی آنها باید عبورکرد .

از خرابه‌های درگاه گنگی به‌دست آمده بود ودرآبشار کوچکی نزدیك‌ده قرار داده بودند درازای‌آن ٤٠ وقطردهانهٔ تنگ‌آن ٧ وقطر دهانهٔ گشادآن٥ر٩ سانتیمتر بود .

در اسفند ماه سال ١٣٤٧ خاك وسنگ بازوهای دره «نیدی»[1] حرکت کرد و به‌جای اینکه مستقیم به‌طرف رودخانه برود ، به‌طرف درگاه پیچید و مقداری از خانه‌های درگاه واراضی قصر لوسن را پوشاند .

کمی دورتر از درگاه ، دراراضی‌معروف به«پلاچال» که برپوزهٔ تپه‌است آثار

۱ــ بکسر نون وسکون یاء .

گنبدی به‌محیط دایرهٔ ۳۰ متر دیده شد. قطعه‌کاشی آبی رنگی به‌قطر ۱۴ میلی‌متر درخرابه‌های این گنبد به‌دست آمد.

دنبالهٔ همین پوزهٔ کوه درباغ فندق آقای ابراهیم‌محمدی آثارگنبد دیگری که پیهٔ آن به‌محیط دایرهٔ ۴۰ متراست، باقی است. قطعه‌کاشی‌سفید رنگی به‌قطر ۱۹ میلی‌متر در اینجا به‌دست آمد که تراش دوپهلوی آن نشان می‌داد برای بکار بردن درگنبداست. قطعه‌کاشی آبی رنگ دیگری به‌قطر ۲۰ میلی‌متردرخرابه‌های این بنا دیده شد.

مصالح فعلی شدهٔ این بناسنگ وگل و آهک است. آجرهائی به ابعاد ۴×۲۰×۲۰ سانتیمتر دراین بنا کار شده بوده است.

ظاهراً یکی از این گنبدها مدفن مادرسلطان محمد است. سیدظهیرالدین دراین باره می‌نویسد:

«دراین اثنا والدهٔ معظمهٔ حضرت سلطانی، روز چهارشنبهٔ بیست‌ویکم‌شعبان، موفق دهم آذرماه قدیم سنهٔ تسع وخمسین وثمنمائه بجوار رحمت رب‌العالمین پیوست وباحوران جنان‌همعنان‌گشت. اورا درلوسن دفن‌کردند وقبه‌ای عالی‌جهت آن مرحومه بفرمودند ساخت وحفّاظ را وظایف تعیین نمودند تابرخواندن قرآن مداومت نمایند وانواع‌صدقات وهبات به‌نیت دفع مظالم اوبه‌مستحقان‌رسانیدند.»[1]

راه لزر [2]
از دهکدهٔ پرندان اشکوربه قزوین

پرندان ـ اره‌چك[3] ـ کشایه ـ لزر ـ آب انبارکش ـ شترك ـ محمودآباد ـ سیدشت ـ قسطین[4] ـ مرك[5] ـ رزگرد ـ رشتقون ـ نجم‌آباد ـ باغستان ـ قزوین.

ازاین راه، راه دیگری در آب‌انبارکش جدا می‌شود وبه‌سفیداب ـ یارو

۱ـ عجب‌است که گنج گیران از گورسادات‌هم چشم نپوشیده‌اند وچندین بار این‌محل را زیرو بالا کرده‌اند. ۲ـ بفتح لام و کسر زاء. ۳ـ بفتح الف وکسر راء.
۴ـ بضم قاف. ۵ ـ بکسر میم.

جونیث ـ سپردن و محمودآباد می‌رود و دنبالهٔ راه سابق را به‌قزوین می‌گیرد .

راه گون کل
از دهکدهٔ پرندان اشکور به قزوین

پرندان ـ اره‌چاك ـ کشایه ـ خونه‌سر ـ سی‌سره ـ سررجه ـ گون‌کل ـ کاروانسرا ـ ویار ـ هیر ـ کی‌کلایه ـ فانفین ـ سپون ـ کامان ـ زرشك ـ بارجین ـ دروازه‌کشك ـ قزوین .

راه قدیمی دیگری
از پرندان اشکور به‌قزوین

پرندان ـ اره‌چاك ـ کشایه ـ ازر ـ آب‌انبارکش ـ شترك ـ حسن‌آباد ـ کوتکن [1] ـ هنداغ ـ ورتاون [2] ـ میزوج ـ اسّه‌وان قزوین .

بقعهٔ گیری‌سر
بالای تپهٔ مسلط به‌دهکدهٔ گیری اشکور

بنای‌اصلی‌ازسنگ ، چهارطرف ایوان‌دارد . ایوانها‌دارای ستون‌باسرستون است . بام بنا وایوانها حلب‌سر است .

قله سر
در اراضی قلاگردن‌گیری اشکور

بالای‌کوهی سنگی‌که مسلط براراضی‌قلاگردن‌گیری است آثاری ازسنگ‌و گچ دیده می‌شود . بربالای این کوه روزی قلعه‌ای برپای بوده است . طرف شمال این‌کوه شکستگی وپرتگاهی است .

اسب طویله
در اراضی قلاگردن‌گیری اشکور

در فاصلهٔ پانصدمتری جنوب قلعه برتیرهٔ‌کوه ، آثری از سنگ وگچ است که به‌قول اهالی طویلهٔ اسبان قلعه نشینان بوده است .

۱ــ بکسر کاف دوم. ۲ــ بضم واو.

باقی آثار و بناهای تاریخی اشکور

۱ـ آثاربناهای قدیمی وآجرهای زیاد میان‌اردابن[۱] و گرماب دشت‌سجیران.

۲ قلعه‌کول قدیمی بربالای تیرهٔ کوهی معروف به «کشکی»[۲] که مسلط براراضی سجیران است .

۳ـ گورستان قدیمی دهکدهٔ سجیران که فعلا قبرستان مسلمانان نیزهست.

۴ـ گورستان قدیمی جیرکول درطرف شمال دهکدهٔ سجیران که چند سال قبل دو یهودی که خود را به‌نام ایرج‌اك ومحمود محبوبیان معرفی می‌کردند پاره‌ای ازگورهای‌آن را کندوکاوکردند ولوازم پرارزشی به‌دست آوردند .

۵ـ گورستان‌قدیمی «بلاکنده‌سر»[۳] در سجیران‌که اشیاء پرارزشی از گورهای آن به‌دست می‌آید .

۶ـ گورستان قدیمی سی‌پشت‌که از راه جیرکول باسجیران بدانجامی‌روند.

۷ـ آستانهٔ قدیمی زررزومه نزدیك دهکده‌ای به‌همین‌نام پهلوی سجیران و جیرکول . زورزومه را « خشوگیران » نیز می‌نامند . چون در این دهکده خانواده‌ای بود که از قدیم عمل «گلوگیران» تهران را انجام می‌دادند و اگر استخوانی یابنشنی درگلوی بچه‌ای‌گیر کرده بود ، بفوت‌کردن به‌بینی او بیرون می‌آوردند .

۸ـ گورستان قدیمی چاك‌که از راه جیرکول یاسجیران بدانجا می‌روند .

۹ـ گورستان قدیمی میان‌خانی معروف به «قبران‌گردن» نزدیك دهکدهٔ چاك .

۱۰ـ قلاکوتی‌سیاچالی‌کونه ، نزدیك دهکدهٔ پلام درکنار رودخانهٔ پلورود .

۱۱ـ آثار ساختمانهای قدیمی و آجر پاره وسفال شکستهٔ فراوان در بالای دهکدهٔ وایگان نزدیك دهکدهٔ پلام .

۱۲ـ قبرستان لات میان جادهٔ عمومی مالرو ، بین دیمابن و سیاکشان .

۱ـ بفتح لام وضم باء . ۲ـ بفتح کاف وسکون شین . ۳ـ بفتح باء وکاف.

۱۳ ـ نشانه‌های آبادی قدیمی و آجر زیاد در مرادی‌سره بالای دهکدهٔ وایگان . مرادی‌سره سابقاً غیر مسکون بود فعلا دو سه خانواری در آنجا زندگی می‌کنند .

۱۴ـ قلعهٔ گودا وایگان پشت راه وایگان .

۱۵ـ قلاکوتی به‌نام «گورتله» در دهکدهٔ وایگان

۱۶ـ قلاکوتی سیاکشن نزدیك دهکدهٔ سیاکشان

۱۷ـ قلاکوتی پلام ، نزدیك دهکدهٔ پلام .

۱۸ـ گورستان‌قدیمی‌میان دودهکدهٔ لیماولیماچال‌وگورستان‌قدیمی دیورود.

۱۹ـ در دهکدهٔ توکاس درسال ۱۳٤٦ سکه‌های مسین قدیمی پیدا شد .

۲۰ـ آثار آبادی‌وآجرهای قدیمی‌درکجیل‌سرای‌دلیجان وزیرخاکیهای آن.

۲۱ـ آستانهٔ دلیجان در دهکدهٔ دلیجان .

۲۲ـ آستانهٔ ویلنی در دهکدهٔ ویلنی .

۲۳ـ آستانهٔ ویشکی در دهکدهٔ ویشکی .

۲٤ـ بقعهٔهفت‌برزیگرون که‌زیارتگاهی‌قدیمی‌نزدیك‌دهکدهٔ بکوت‌است.

۲۵ـ بقعهٔ سرچان‌کش در دهکدهٔ سرچان‌کش .

۲۶ـ آثار قلعه وحمامی قدیمی در دهکدهٔ برگام[1] وبقعهٔ این دهکده .

۲۷ـ قلعه و آستانهٔ دهکدهٔ مومن‌زمین .

۲۸ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شفیع‌آباد .

۲۹ـ لردی[2] آستانه در سیارستاق‌محلهٔ سیارستاق .

۳۰ـ گورستان قدیمی‌گبری درپشت دهکدهٔ سرده سیررستاق درمحلی به‌نام سردشت .

۳۱ـ آثار آبادی‌قدیمی درموسی خنی[3]چال درچراگاهی به‌نام چاکان‌نزدیك دهکدهٔ لسپو .

۱ـ بفتح باء. ۲ـ بکسرلام. ۳ـ بضم خاء .

۳۲ـ گورستان قدیمی پهناوری در پشت دهکدهٔ لسپو زیرگون‌کل[۱] .

۳۳ـ قلعهٔ اژد ران‌کش[۲] وچه‌ه آن بالای لسپو طرف غرب .

۳۴ـ آثار قلعه خرابه‌ای برسر شیرکوه نزدیك دهکدهٔ لسپو .

۳۵ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ بلترك[۳] .

۳۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شاراج .

۳۷ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ تلبجن[۴] .

۳۸ـ قلعه کوتی‌چاله ، پشت دهکدهٔ کشایه[۵] ودرمغرب این دهکده .

۳۹ـ گورستان قدیمی نس‌کونون[۶] پشت دهکدهٔ لشکان .

۴۰ـ قلاسر که قلعه خرابه‌ای قدیمی است در دهکدهٔ گیالم[۷] که معروف به وربن گیالم است .

۴۱ـ قلاکوتی «سوره بند» در دهکدهٔ اینی .

۴۲ـ اوله‌های بزرگ سفالین وآجرهای قالب بزرگ درمکانی به‌نام «اردیج»[۸] درپشت دودهکدهٔ ازّبن[۹](ازدین) و ریسن[۱۰] که ظاهراً خرابهٔ شهری قدیمی‌است .

۴۳ـ بقعه‌ای در این محلهٔ ریسن

۴۴ـ آستانه‌ای قدیمی وآثاری ازبناهای قدیمی درمحلی به‌نام «چالکه»[۱۱] نزدیك دهکدهٔ ازّبن .

۴۵ قلاکوتی توسه‌چاله نزدیك دهکده‌ای به همین نام . در فرهنگ جغرافیائی‌ایران «توساچالك» ضبط شده است .

۴۶ـ قلاکوتی کیسه نزدیك دهکده‌ای به‌همین نام .

۴۷ـگورستانهای قدیمی‌دیوچال وملاسن[۱۲] درمرتع مبارخ‌بن[۱۳] برمرز رودبار

۱ـ بفتح گف و واو و کسرنون و ضم کاف . ۲ ـ بکسر الف و سکون ژ .
۳ـ بفتح به و سکون لام و ضم تاء . ۴ـ بفتح تاء . ۵ ـ بفتح کاف .
۶ـ بکسرنون وسکون سین. ۷ ـ بضم‌لام. ۸ـ بکسرالف. ۹ـ بکسر الف و تشدید زاء. ۱۰ـ بفتح راء وضم سین . ۱۱ـ بفتح لام وکاف. ۱۲ـ بضم میم و سین . ۱۳ـ بفتح راء .

شاهرود و اشکور . از این گورها مجسمه‌های مفرغی و لوازم پرارزشی به‌دست آمده است .

۴۸ـ بقعه و آثار قدیمی زیرخاکی در دهکدهٔ یاسور .

۴۹ـ آثار زیرخاکی در دهکدهٔ پرچکوه .

۵۰ـ بقعهٔ دهکدهٔ تکامجان .

۵۱ـ بقعهٔ دهکدهٔ چاکول .

۵۲ـ بقعه‌های دهکده‌های کلرود[1] وچکرود[2] .

۵۳ـ قلعهٔ کل‌کش[3] روبروی دهکدهٔ کلرود .

آستانهٔ سید حسین
در دهکدهٔ نارنه از دهکده‌های بالا اشکور [4]

بنای اصلی بقعه ازسنگ وگل است . دری شرقی ودری جنوبی دارد . در دوجهت شرق و جنوب دارای ایوان است . ایوانها دارای ستون چهارسو با سرستون‌است. هرایوان دارای هفت‌ستون است وتکالی‌تخته‌ای درجلوایوانهاست.

این سنگهای قبر در اطراف بقعه درگورستان عمومی دیده شد :

«وفات مرحوم‌کربلائی محمد ولد مرحوم برجعلی ۱۲۴۱. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ،شانه ودوانگشتر.»

«وفات‌مرحوم امیرعلی ولد محمدجان ۱۲۴۵. نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و شانه .»

۱ـ بضم‌کاف ولام. ۲ـ بضم چ وکاف . ۳ـ بضم‌کاف اول و کسرکاف دوم.

۴ـ بالا اشکور شامل دهکده‌های زیر است :

دهکده‌هائی‌که برسمت چپ‌آب است از بالا به‌پائین: میج ـ لج (بفتح لام) ـ نارنه ـ یاذن (بکسرزاء) ـ سپارده (بکسرسین).

دهکده‌هائی‌که برسمت راست آب است از بلا به‌پائین : آکنه (بکسرکاف ونون) ـ کلایه ـ نداك (بکسرنون) ـ ایفی ـ تمل (بضم تاء ومیم) ـ کیت (بکسرکاف و سکون یاء) در دامنهٔ بزاکوه.

«وفات سیدنصرالله ولد مرحوم سیدسنجر ۱۲۹۸ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح وشانه .»

«وفات مرحوم علی ولد رمضان ۱۳۰۸. نشانه‌ها : مهر و تسبیح .»

راههای بالاشکور

راه لاک‌تراشان

تمل ـ ول‌آب ـ میاندشت ـ هردورو ـ لاک‌تراشان ـ دیمرون (دیمرون)ـ رازی‌دره ـ نسکا[1] ـ کشکو ـ شهسوار .

راه دوهزار

تمل ـ آکنه ـ میان‌کوه بلور ـ چاخانی ـ کل‌گردن[2] ـ نوشا ـکول‌کلانه[3]ـ دوهزار ـ چال‌دره ـ قلاگردن ـ خرم‌آباد .

راه جنده‌رودبار

تمل ـ زاروت ـ نبیرخانی ـ سرچوم‌گردن[4] ـ ماس‌تراش ـ جنده‌رودبار .

راه دیگری از تمل به شهسوار

تمل ـ زاروت ـگردکه‌بازو ـ ستره‌پلو[5]ـکتل‌ده ـ پشتاز ـ چرتن ـ پلیم‌جان شهسوار .

راه داغلا[6]

بالاشکور ـ کوه‌زرد[7] ـ جواهردشت ـ واجارگا ـ کلاچای .

قلاکوتی سی‌کول‌سرا

برسرراه سپارده به سی‌کول‌سرا طرف مشرق

این قلعه بربلای قله‌ای سرکشیده است ودر اراضی آن سنگ وگچ‌وگاهی سفال شکسته‌های درشت قدیمی دیده می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۷٤).

۱ـ بکسر نون و سین. ۲ـ بفتح کاف و کسرلام . ۳ـ بکسرلام .
۴ـ بضم سین. ۵ـ بفتح پ. ۶ـ بکسر غین. ۷ ـ بضم زاء وراء.

شاه سفیدکوه
بالای قلهٔ کوه بلور

بر بالای قلهٔ کوه بلور که از یک طرف مسلط بر اراضی تنکابن است ، بقعه‌ای به‌نام شاه سفیدکوه است که اطراف آن گورستانی قدیمی است .

قصر سلطنتی
درسرداب[1] سرگرجیان

از این قصر شرح و وصفی به‌دست ما نرسیده است. همین‌قدر می‌دانیم که قصری مهم بوده است که سید ظهیرالدین از خراب شدن آن یاد می‌کند . این قصر چنانکه او نوشته در زلزلهٔ سال ۸۸۹ هـ . ق . خراب شد . در این باره چنین نوشته است :

«روز یکشنبه سیم شعبان موافق بیست و هشتم آذرماه قدیم که آفتاب درسه درجه وصفر دقیقهٔ سنبله بود ، از تقدیر حکیم‌علیم جلّت قدرته ، قریب به‌غروب آفتاب زلزله‌ای عظیم واقع شد ....وقصر سردابه سرگرجین که بنائی محکم بود ، بازمین هموار شد ودونفری که در آن مقام به‌پاس‌پائی مشغول بودند ، فوت‌شدند.»[2]

مرقدکارگیا یحیی‌جان
در سیه‌سرگرجیان

رابینو می‌نویسد: «شاه یحیی حاکم تنکابن و برادر سلطان‌محمد لاهیجانی که درسال ۸۸۳ وفات یافته است در گرجیان درمحلی به‌نام سیاسر مدفون گردید.»[3]

سید ظهیرالدین دربارهٔ همین شاه یحیی می‌نویسد که کارگیا یحیی‌جان حاکم الموت و گرجیان بود ، افیونی بود و با مردم بدرفتاری می‌کرد و دچار نوعی جنون شده بود که همه را دشمن‌خود می‌پنداشت . سرانجام به‌وسیلهٔ سلطان میرزا علی ازکار برکنار شد . این مرد روزشنبهٔ بیست و نهم صفر موافق هفتم مهرماه‌قدیم

۱ــ بکسر باء. ۲ــ تاریخ گیلان ودیلمستان، ص۴۵۳و۴۵۴. ۳ــ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۴۳ .

فوت شد ومغفورمرحوم را بنابروصیت که‌کرده بود ، همان‌جا به‌گرجیان به‌موضعی که مشهور وملقب است به «سیه‌سر» دفن‌کردند.»[۱]

ظاهراً این سیه‌سرهمان سیه‌سرخرمدشت است که روی‌کوه سماموس است. دراینجا آستانه‌ای قدیمی‌است که باید گورکارکیا یحیی جان باشد.

باقی آثار وبناهای تاریخی بالااشکور

۱ـ گورستان قدیمی زیرنزدك تاش در اراضی اسپیه‌چال تمل .

۲ـ تونل یازن در دهکدهٔ یازن زیر ابنارگاه صدرالله . این تونل طولانی است و راه به‌جائی دارد .

۳ـ گورستان قدیمی زراو نزدیك دهکدهٔ تمل .

٤ـ بقعهٔ ملك محمد در دهکدهٔ تمل .

٥ـ گورستان قدیمی‌گبری یازن .

٦ـ سنگ قبری برگردنهٔ خشت‌پیچ پشت آب انبارکش طرف رودبار .

۷ـ بقعهٔ میج در دهکدهٔ میج .

۸ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درمحلی به‌نام خش‌چال[۲] بالای دهکدهٔ میج .

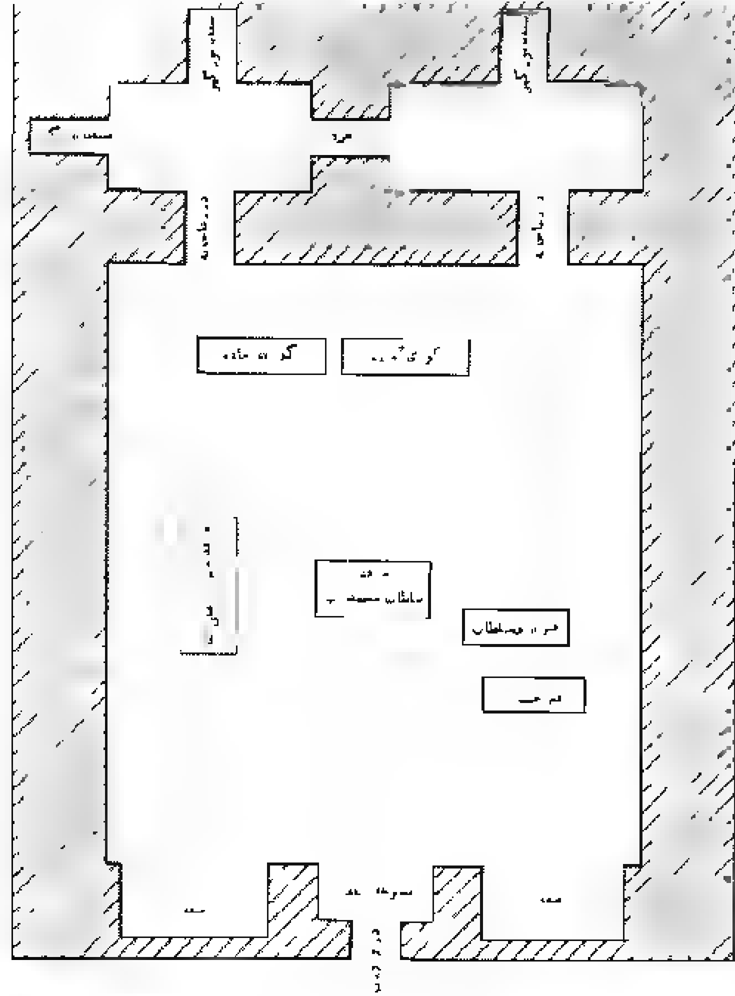
۹ـ گورستان قدیمی ایری‌کش که یکی از مراتع تمل است .

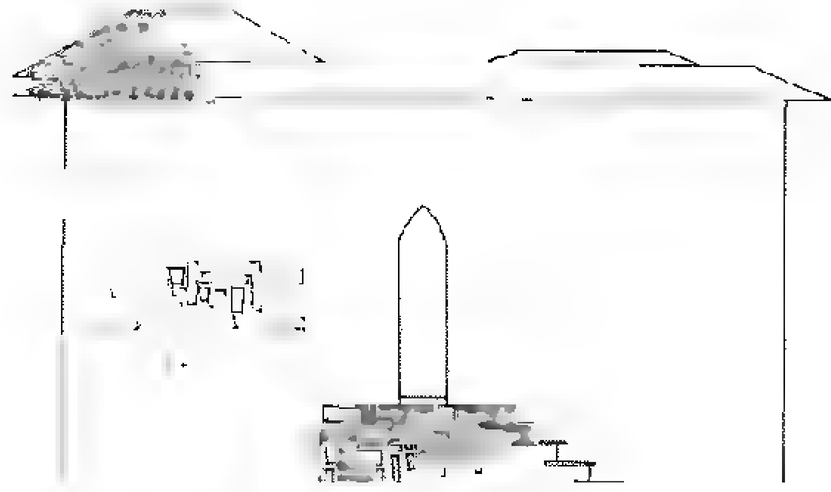
۱۰ـ درمرتع خشکه‌سر دهکدهٔ نارنه آثارخانه‌های قدیمی است . امروز مزرعه شده و به‌نام «زمین‌سر» معروف است .

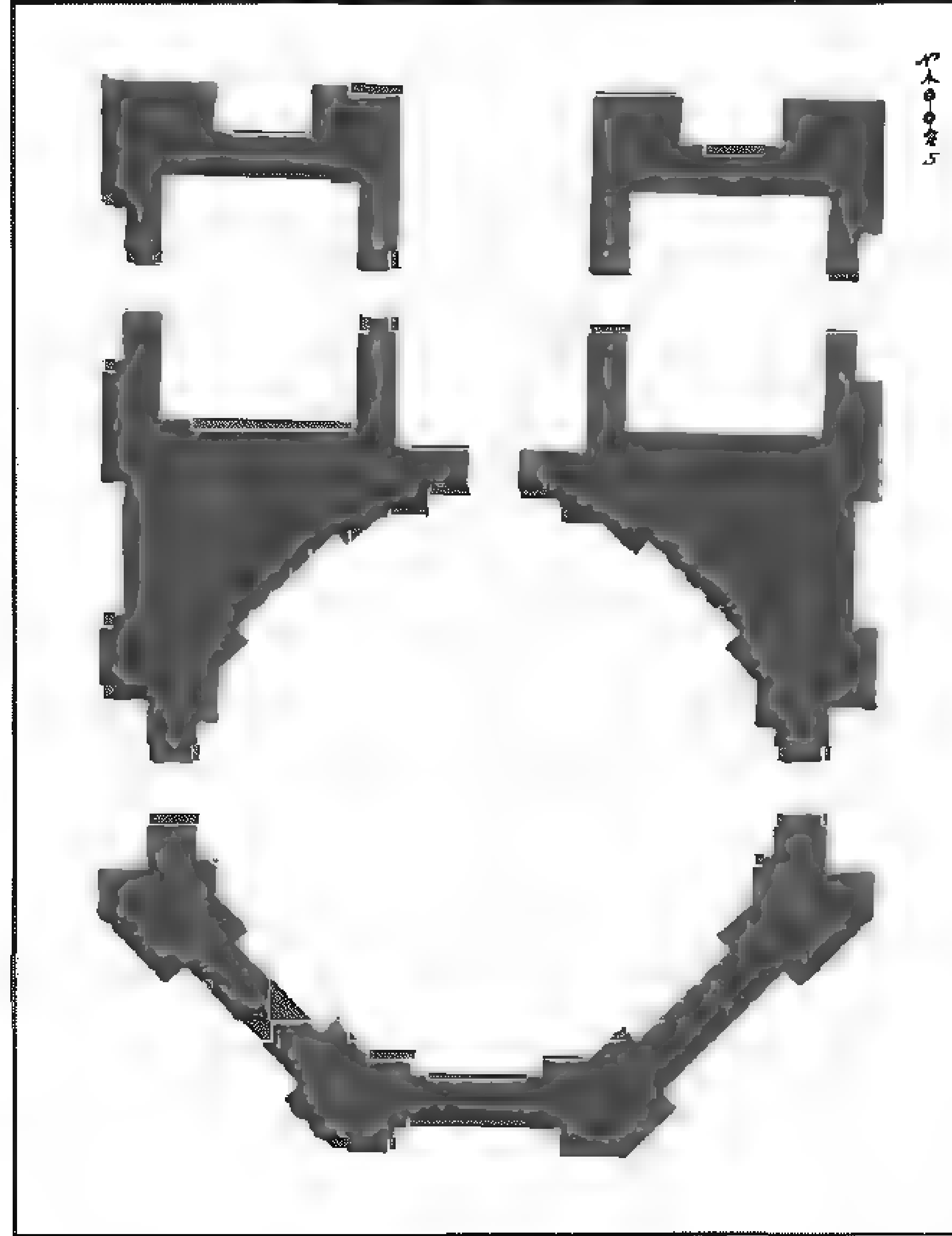
۱۱ـ گورستان‌گبری قدیمی‌برسر بلندی اراضی‌کشتزارکج وین برطرف‌دست چپ رودخانهٔ کج‌وین در دهکدهٔ سپارده .

۱۲ـ گورستان قدیمی درمحلی به‌نام «برش»[۳] بالای اراضی کشتزار کج‌وین سپارده .

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، صفحات ۴۲۰ـ۴۲۴. ۲ـ بفتح خاء وکسر شین.
۳ـ بفتح باء وکسر راء.







بخش بیست ودوم

مطالبی پراکنده دربارهٔ گیلان

آنچه در کتاب صریح‌الملك در بارهٔ گیلان آمده است

کتاب صریح‌الملك شرح رقبات موقوفات مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. در قسمت دوم این کتاب که به‌شمارهٔ ٤٤٩٨ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران واز نسخ عکسی آن کتابخانه است، مطالب زیررا دربارهٔ گیلان می‌توان یافت:

در فصل جیلان آمده است که آستارا را در قباله‌های قدیمه «اصطاراب» و «اصطراب» نوشته ومنسوب به‌مازندران ساخته‌اند.

الکای آستارا

* هفتاد قطعه زمین مزروع از انجیرآباد از اعمال میانشهر آستارا با اسامی و حدود در سال ٧٨٧ قمری وقف شده است.

* قرای برەسرا وپیرەسرا وماور [1] از ناحیهٔ مرکیل از اعمال میانشهر آستاراکه بایندرخان بن مرادخان مهرانی در جمادی الاولی سال ٩٤٧ قمری وقف‌کرده است. [2]

۱ـ بضم واو. ۲ـ صریح‌الملك، قسمت‌دوم، شمارهٔ ۴۴۹۸، ص۱۳۶، الف وب.

الکاء هوق کرگان‌رود

قریهٔ کیسه‌سرا درالکاء هوق (= حویق امروزی) از توابع الکاء استاره (= آستارا) امیرقبادخان بن امیرشاه قبد مهرانی در سال ۹٤۳قمری وقف کرده است.[۱] ضمن تعیین‌حدود این قریه، ذکری ازخواجه‌کری آمده است. این‌دهکده امروز درجنوب خطبه‌سرا وبرسرراه هشتپر است.

* نودیه الکبیرومسلمه‌سرا من‌قری ناحیة آبکنارمن‌مضافات اصطراب من‌اعمال‌مازندران راخواجه شیخ‌صدرالدین ازشرفشاه ومحمد پسران شرف‌الدین[۲] محمودبن‌فخرالدین‌کاکی خریده ودر نیمهٔ ربیع الاول سنهٔ ۷۳٤قمری وقف‌کرده‌است. وفخرالدین کاکی‌بن‌شرفشاه، این‌املاك را از اصفهبد نصرةالدین محمدبن‌اصفهبد بامنصور خریده بود.[۳]

کرگان رود

* پنجاه لته ازاراضی‌سفیده صنعان[۴] را سلطان‌زاده‌خانم بنت‌بهرام‌بیك مهرانی درسال۹٦۷ قمری وقف‌کرده است.[۵]

* یکصدوچهل وچهار لته ازاراضی شولغه‌کراب اورمنی درسال ۷٦۱ وقف شده است.[۶]

* موضع شولغان نیز وقف برمزارشیخ صفی‌الدین اردبیلی‌است.(شاید این موضع همان شلوغون محلهٔ امروزی باشد که درغرب نوده و با فاصلهٔ کمی‌از جدهٔ ماشین‌رو امروزی است)[۷]

گسکر

* قریهٔ صالحسرا از ولایت گسکررا امیره حاجی‌بن امیره سالوك در

۱ـ صریح‌الملك، قسمت دوم، شمارهٔ ۴۴۹۸، ص۱۳۸، الف. ۲ـ درصفحهٔ‌بعد کمال‌الدین به‌جای شرف‌الدین آمده‌است. ۳ـ صریح‌الملك،ص۱۳۸ب. ۴ـ شاید: سفیدسنگن واقع درلمیر. ۵ـ صریح‌الملك، ص ۱۳۹ب. ۶ـ صریح‌الملك، ص ۱۴۰ الف. ۷ـ صریح‌الملك، ص ۱۴۰ الف.

ربیع الاول سنهٔ ۸۱۰ قمری وقف مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی کرده‌است.[۱]

* بیست و پنج لته زمین برنجزار عمادآباد در نوزدهم ربیع‌الاول سنهٔ ۷٤۷ وقف شده است.[۲]

* قریهٔ جونـن از اعمال موضع دربندان از تخوم لونه‌سر در محرم ۷۳۱ وقف شده است.[۳]

* چهارته زمین از اراضی اورمانی و کرور (شاید: ورمیانی و کزور) درسال ۷۵۳ وقف شده است.[۴]

* بیست‌کردو بجار در بـازارگاه و بیست وپنج بجار در موتل وپیرسرا وقف شده است.[۵]

* قریهٔ قلاعی را امیرحسام‌بن امیرملک‌بن‌حسام ساکن قلاغلو قلعه که مشهوررست به‌قلعهٔ‌حسام درغره شعبان ۷۹۸ وقف‌کرده‌است.[۶] امیرمعظم ملك‌الامرا مفخر اکراد امیرحسام بن امیره ملك بن حسام ساکن قلعهٔ قلاغلو قلعه‌که مشهوررست‌به قلعهٔ‌حسام، به‌اردبیل‌رسید به‌زیارت متبرکهٔ عالیحضرت سلطان خواجه شیخ صدرالدین صفوی وخدمت دریافت و به‌حضور شیخ‌الاسلام اعظم اکمل مرشد الخلایق تاج‌الملة والدین علی تمامت دیهی‌که در موضع قلاعی نام بجهة سهوان دیه بحدود مسطورهٔ فوق، برضا درعقد وقف رادیه متبرکه گردانید ازبرای ثواب‌آخرت خود وهیچکس را در آن حقی ودعوی نباشد.

در حاشیه افزوده‌اند:

چون درالقاب مشارالیه مفخر اکراد قید است‌یحتمل که‌این‌موضع از کردباشد. بهرحال دراینجا نوشته شد والسلام.[۷]

---

۱ ـ صریح‌الملك، ص ۱۴۱ الف. ۲ ـ صریح‌الملك، ص ۱۴۱ الف.
۳ـ صریح‌الملك، ص۱۴۲ ب. ۴ـ صریح‌الملك، ص۱۴۲ب. ۵ـ صریح‌الملك، ص ۱۴۳ الف. ۶ـ صریح‌الملك،ص ۱۴۴ الف. ۷ـ صریح‌الملك، ص۱۴۴ الف.

نویسندگان این صریح‌الملک که ظاهراً نام آن صریح‌الملک است و باطناً هیچگونه صراحتی ندارد وضابطین مال‌ومنال این رقبات موقوفات ، نه‌از حال‌واقف‌و نه از محل وقوع رقبهٔ موقوفه اطلاعی نداشته‌اند . این قلعه که به‌نام قلعهٔ حسامی نیز مشهور است همان قلعه رودخان امروزی‌است که دربیست وسه‌کیلومتری جنوب فومن است وآثار بسیاری از آن تاامروز برجاست .

پشت پارهٔ ۸۳ قرآنی وقفی درآستانهٔ مطهرهٔ حضرت معصومه سلام‌الله علیها این عبارات دیده شد

«این جزوکلام ملک‌العلام را حضرت‌مملکت پناهه تی‌تی بوی بنت‌امیر الکامل‌العدل کارکیا امیرکیا خلّد ملکه وقف صحیح فرموده است براء ثواب آخرة ومزید درجات خود .

این جزومصحف مجید را حضرت سلطنة‌پناهه مملکة دستگاهه ستیره صالحه تی‌تی بنت‌امیرالاکمل‌الاعقل‌الاعدل کارکیا امیرکیا خلّد ملکهما و سلطنتهما وقف‌عام صحیح‌شرعی فرموده است براء نیلا لثوبها الوافر الجزیل و لاجرالجمیل‌الی أن یقرؤن و یداومون‌فمن‌بدّله بعد ماسمعه فانما‌اثمه علی‌الذین یبدلونه والله سمیع علیم سنه تاریخها ست ثلثین‌و تسعمایه .»[1]

زلزلهٔ سال ۸۹۰ قمری

«روز یکشنبه سوم شعبان موافق بیست‌و هشتم آذرماه قدیم که آفتاب درسه درجه وصفر دقیقهٔ سنبله بود، از تقدیر حکیم علیم جلّت قدرته، قریب به‌غروب آفتاب، زلزله‌ای عظیم واقع‌شد واتفاق حسنه‌را حضرت اعلی‌خلافت پناه [— کارکیا سلطان محمد] در باغ دیلمان نمازعصر گزارده، به سرسجادهٔ تقوی نشسته ، مترصد شام‌بودکه این واقع‌شد. و

۱ــ نویسندهٔ این وقفنامه کلمات فارسی وعربی را به‌شکل عجیبی به‌هم‌آمیخته است .

بسیار عمارات صورت انهدام پذیرفت . اما در بعضی ولایات بیشتر و بعضی جا اکمتر بود. مثلا در ناحیهٔ اشکور در بعضی قرا بیشتر بود . و بسیار بنای قدیم منهدم گشت و هفتاد نفر از اناث و ذکور در زیر گل و چوب درجهٔ شهادت یافتند. و بعضی را که حیات باقی بود، بعد از یك روز و دو روز ، از آنجا بیرون می آوردند. و در گرجیان و کلیجان صد و شش نفر به رحمت [ایزدی] رفتند و در رودبارات نیز بسیار فوت شدند. امعدد به تحقیق معدوم نشد . و در قلعهٔ پالیسن طالمان هفتاد و هشت نفر از اصحاب قلعه فوت گشتند و در تنکابن عمارات عالیه از قصر و مساجد و مشاهد و حمامات منهدم گشت و بعضی که تمام نیفتاد شق شد، چنانکه قابل اصلاح نشد. و در رانکوه و لاهجان و گوکه و کیسم و پاشیجا و لشتنشاه زلزلهای محکم [آمد] اما کسی فوت نگشت و آنچنان خرابی واقع نشد . و در دیلمان بسیار از عمارات کهنه بیفتاد . اما اهلی را خیر بود . و هشتپر کهنهٔ رانکوه بعضی بیفتاد و بسیار مواضع دیلمستان از قلل جبال سنگهای عظیم بغلطید و بسیار مواشی را به هلاك آورد و در جنده رودبار [= جنت رودبار] گرجیان ، از قلهٔ کوه خوکی از هیبت آن زلزله بجهید و در رودخانه بیفتاد و بمرد . و قصر سرداب سر گرجیان که بنای محکم بود بازمین هموار شد . و دو نفری که در آن مقام به پاس پائی مشغول بودند ، فوت شدند . و بعد از آن از حکمت حکیم علیم هر روز یك نوبت و دو نوبت، زلزله و اقع می شد، چنانکه مردم زبناهائی که باقی بود، بیرون آمده ، به صحرا بودند و تا آخر رمضان سنهٔ مذکوره ، همه روزه و یك روز درمیان زمین می جنبید ..... وچون در ولایت گرجیان ، خرابی بیحد واقع شده بود، حقیر [= میرظهیرالدین] را امر شد که آنجا رفته، از آنحال اعلام درگاه اعلی گرداند و به تعمیر آن خرابیها مشغول گردد.»[1]

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

زلزلهٔ دیگری درسال ۱۲۳۳ هجری قمری

این زلزله عصر روز جمعهٔ آخر شوال این سال درمازندران آمد.[۱]

موریه ازاین زلزله یادکرده است ومی‌نویسد «نه‌سال قبل (از سال ۱۸۱۷ میلادی) این زلزله شهرهای مازندران را زیاد خراب کرد.[۲]

طاعون سال ۱۲۴۷ هجری قمری درگیلان وطبرستان

این طاعون نه‌تنها درگیلان وطبرستان، بلکه درعراق نیز شیوع داشت.[۳]

وبای سال ۱۲۶۱ هجری قمری

صاحب روضةالصفای ناصری از این وبا یاد کرده است.[۴]

تسخیر گیلان به‌دست اولجایتو سلطان محمد خدابنده

پیش از اولجایتو، از اولاد چنگیزخان کسی به خاك گیلان دست نیافت. فرستادهٔ او بـه‌خاك گیلان رفت. امیره دباج فومنی کـه در این وقت تواناتـرین حکمرانان بود با هدایا پیش اولجایتو رفت ولی از دیدن امرا وتوقعات ایشان‌به تنگ‌آمدوشبانه‌به‌مقرحکومت‌خود بازگشت. اولجایتوکه ازاین‌پیشامدخشمگین شده بود، تصمیم به‌تسخیرگیلان گرفت. گرای نام شحنهٔ طارم زمانـی باصدرالدین خالدی به‌گیلان رفته بـود، پیش اولجایتو گفت که در بارهٔ تسخیر گیلان فکری عمیق بایدکرد، چه مشتمل بردوازده شهر است و در هریك امیری با سپاه‌فراوان نشسته‌است. اگر گیلان‌به‌دست‌آید، خزینهٔ سلطان‌بسیارمعمورگردد. میل‌اولجایتو به‌تصاحب گیلان‌بیشترشد. امیرچوپان را ازراه اردبیل، برآن‌حدودفرستاد وامیر قتلقشاه را ازراه جلوان(= گیلوان) متوجهٔ فومن ورشت وتولم کرد وامیرطغان و

۱ـ روضةالصفای ناصری، ج ۹، ص ۲۸۹. ۲ـ سفرنامهٔ موریه، ص ۳۵۵.

۳ـ تاریخ ظهور طاعون درمازندران اواخرسال۱۲۴۶ وتاسال۱۲۴۷ در مازندران و عراق شایع بوده (از پشت کتـابی اوراق در کتابخانهٔ آقـای پیشنماز در شهر آمل نقل شد).

۴ـ روضةالصفا، ج ۱۰، ص ۶۲.

امیرمؤمن را ازراه رستمدار (= نورو کجور) و کلاردشت بدانجا فرستاد. ستونی که به‌فرماندهی قتلقشاه بود شکست خورد و غنیمت بسیار به‌دست گیلانیان افتاد. اولجایتو ازسلطانیه بطرف لاهیجان حرکت‌کرد. والی لاهیجان تسلیم شد و اولجایتو نمازعید اضحی‌رادرلاهیجان‌بگزارد خبرشکست قتلقشاه بدورسید. امیرحسین و امیرسونج را به بیه‌پس بفرستاد و رشت و فومن و تولم را غارت‌کردند.[۱]

مختصری ازجغرافیای گیلان
از تاریخ اولجایتو سلطان محمد
تألیف ابوالقاسم‌عبدالله‌بن‌علی‌بن‌محمدالقاشانی

«معرفت زمین‌گیلان وماهیت‌کمیت و کیفیت طول‌وعرض خطهٔ‌گیلان یاد کنیم ازتعلیقات مرحوم سیداصیل‌الدین‌محمد زوزنی مشروح‌آورده و گفته : پادشاهان گیلان که معاصر وصول هلاکوخان بـودند در ایران زمین که ابتدای زمین گیلان فرضهٔ رود هوسم[۲] است از ناحیت فلام‌ـ رودبار[۳]، ازحدود لاهجان که فلک‌الدین سسان‌بن‌صعلوک‌بن‌فیلو.کوش درسنهٔ «حیت» حاکم‌آنجابود ازقبل برادرخود امیرجمال‌الدین صعلوک والی ملک لیاهجان وانتهای گیلان فرضهٔ رودسرست از ناحیت دولاب از گیلان‌گسکروالی آن جمال‌الدین‌سعلوک‌بن‌محمدبن رودکی[۴] بود و مسافت بعد طـول خطهٔ گیلان از هوسم[۵] تا دولاب است مقـدار سی فرسنگ زمین تقریباً وتخمیناً .

و سپیدرود با زنگان‌رود آمیخته، ازکوههای‌گیلان منحدر ، به‌میان‌ـ گیلان می‌گذرد . برسمت شمال متوجه دریا ، مابین مشرق و مغرب ، شرقی ازخطهٔ لیاهجان است ، برحدودآن .

وقوم ، ناصری[۶] مذهب باشند وناصر ازاولادالحسین‌بن علی علیهماالسلام

۱ــ روضة‌الصفا، ج پنجم. ۲ــ در اصل: هوشم. ۳ــ دراصل: قلام رودبار.
۴ــ متن‌چاپ شده،ص۵۶:بودکی. ۵ــ در اصل: هوشم. ۶ ــ در متن چاپ‌شده، ص۵۶: باهری.

است و غربی آن یکسر مذهب امام زاهد عابد احمد حنبل دارند و مذهب متابعان استاد ابوجعفر

و امتداد مسافت کوه اوکنار سفیدرود ، برسمت مغرب وجنوب است ، مایل تابه گیلان فومن ممتد ، ازآنجا شعبدای ازکوه منعطف می‌شود ، برسمت مغرب وشمال ، موازی انعطاف دریا و برآخر گیلان موغان و گشتاسبی می‌گردد . وشروان وموغان درفضائی است کدمابین کوه ودریاست.

و از نواحی بلاد گیلان : تولیم و فومن و گسکر و دولاب و سر[۱] و شفت و رشت را پس‌گیلان خوانند و شهرهای لیاهجان و کوتم و کوچسبان و همام را پیش‌گیلان .

و میان فرضهٔ رودسر[۲] که آخر موغان و گیلان است ، ناحیتی است که آن را [ا] سالیم رود خوانند . مقدار بعد مسافت‌آن نیم روزه راه که اقوام آن جمله تالشان باشند . واین لفظ ازطیلسان‌گرفته‌اند .

و از رودسر تا شندان[۳] که مستقرسریر مملکت سپهبد است ، طول و عرض بعد مسافت آن دو روزه راه باشد . و از این طرف موغان که متصل گیلان است و مملکت و ولایت سپهبدان را سیاه‌گیلان خوانند درعرف اهل‌گیلان . و موغان ودیگر طرف ارباسماحی[۴] و ارّان دارد اعنی سمت شمالی ترك را موغان گویند .

وهمچنین درعرف اهل‌گیلان ، پادشاه نسیب اصیل را که امرا و سپاه بسیار درفرمان اوباشد ، «استه» و «سلار» گویند والی‌الان این دو اسم برملوك دوقبیله است . از آن یکی ساسان‌خلو که مرداویج وندند و حاکم تولیم و دیگر قبیلهٔ رستم دباج[۵] که اسحق‌وندند ووالیان خطهٔ

۱ــ درمتن چاپ شده، ص۵۷: دولاب تنسر(؟) ۲ــ این‌دهکده غیراز رودسر امروزی‌است که درحلگهٔ رانکوه‌است. ۳ــ برای اطلاع بیشتری دربارهٔ «قلعهٔشندان» ن. ك. به‌کتاب آستارا تا استاراباد، ج۱، ص۱۴ و ۱۵. ۴ــ ظاهراً : دیگرطرف اوباشماخی واران دارد. ۵ــ در اصل، رماح.

فومن واسحق و مرداویج برادران بوده‌اند. ورسم وعدت چنان افتاده که اگرمیان دوپادشاه نسیب‌اصیل مخاصمت افتد، سایر اهالی گیلان را مدد و مساعدت یك جانب باید کرد و بعضی را معاونت طرف خصم و هیچیك را تقعد وتکاسل و اهمال و امهال جایز نباشد.

و قبیلهٔ کیکاوس بن‌شهنشاه‌که حاکم کوتم‌اند ، انوزادوند گویند که هم درپادشاهی نسیب واصیل وبزرگ وقدیمند ومقدم وسرور پیش‌گیلان‌و خواهرکیکاوس ، زن جلال‌الدین حسن نومسلمان و مادر علاءالدین است واو به‌استقبال‌هلاکوخان درمبادرت مسابقت نمود وباسیورغامشی، مراجعت کرد.

و دیگرملوك گیلان به‌پادشاهی قریب عهدند وملك به‌اصالت واستقلال گرفته و اگرنه درقدیم همه مطیع این دوقبیلهٔ معتبر بوده‌اند.

و هررئیس صحب تیغ وتبر راحنبه[1] گویند وامرا وحکام ولایت هم‌به این‌اسم‌موسوم باشند. ومعارف نازلتراز چکنه‌که انصرو اخوان پادشاه باشند، ایشان را دوده[2] گویند. وسپاهیان پیاده را لوم[3] و سروبین[4] و بزاریان راشهری‌وبرزیگران راگیل وهرده عددخانه‌را دیهی‌گویندو هرده دیه را صده و هرده صده را خانی وبه‌افواه شفهاً گویند ، فلان ناحیت چندین خانه‌است.

وازطرف غربی سفیدرود نخست ولایت کوتم است ، موضوع بر کنارهٔ سپیدرود، اعنی طرف جنوب آن کوه است و شرقی سپیدرود ، ولایت آن برسمت مشرق و مغرب افتاده.کوتم اسم ناحیت است و قصبهٔ کوتم [را] بازار شهرستان‌گویند وحاکم آنجا سالوك‌بن سالاربن کیکاوس.

وهمچنین ولایت‌کوچسبن ، ازشمال‌کوتم ، بر کنار دریا افتاده و حاکم

۱ــ شکل صحیح‌این کلمه معلوم نیست. ۲ــ بضم دال دوم. ۳ــ این لفظ به صورت «لوم» و به صورت جمع «لومان» بارها در کتاب تاریخ خانی آمده است.
۴ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، سروبوان.

آنجا سسن بن همام. وسنو که از آن صعلوك بود، ساسان برادرش قائم‌مقام او شد و اکنون حاکم آنجا اوست. و رشت در مغرب شمالی کوتم است وتربت استاد ابوجعفر که اکثرقوم گیلان ازارشاد وهدایت او ایمـان و اسلام آوردند، برکنـار گورابگـاه و میدان بزرگ، مسجدی به وی منسوب است. و حـکم رشت را شرف‌الدوله‌بن . . . . گویند. و تولیم درمغرب‌وشمال‌رشت وهوشم افتاده‌است متصل به‌دریا و ولایت بسیـار مزروع مرتفع دارد و حاکم آنجا محمد بن ساسان بن وشمگیر ودر مغرب رشت ولایت‌کالشم[۱] است و والی‌آنجا سیف‌الدین ساسان وپسران او شمس‌الدین وشمگیر و جمال‌الدین صعلوك و خیلو بودند و اکنون محمد بن ساسان بن وشمگیر بن ساسان است. و در مغرب وجنوب رشت، شفت است به‌کوه متصل، درمیان شکسته‌های‌کوه که باجانب طارم دارد وشفت نام ناحیت است. پادشاه‌آنجا پیش از این امیرملك بودکه به‌دست فدائیان‌کشته شد و بعداز او، فرزندان لنگر پادشاهی به‌قهر وغلبه بگرفت و اکنون حاکم آنجا امیرملك‌بن‌شاهی ملك‌بن‌لنگراست. «وبعد ازفرزندان او، لنگرپادشاهی به‌قهر واستیلا بگرفت.»[۲] و در زمین شفت معدن‌کوه آهـن است. ودرغربی کلاشم[۳] و شفت جنـوبی و بهری شرقی از تولیم، ولایت فومن است. و نـاحیت فومن راسه‌قصبه است: یکی‌فومن‌که دارالملك‌پادشاه است. دوم‌ناحیت دشت‌که‌آن‌را کل‌دشت خوانند. و درکل‌بازار، روز آدینه، مسجدجامع منادی‌بلند هست. سیم قصبهٔ گشت که درقدیم دارالملك ملوك اسحق‌وند بوده، واکنون‌حاکمش امیردباج پسرفیلشاه است. پادشاهی‌بزرگ، بلندهمت، بسیارعطیت هنرمند، شجاع، مقدام‌خیر، فایض‌جود و واهب

۱ـ متن چاپی: کالیشم همان «کلاشم» چند سطر بعد است. ۲ـ این قسمت را کاتب دوبار نوشته است. ۳ـ چند سطر پیش ازاین‌به‌شکل «کالیشم» آمده است.

انعام و احسان، مسلمان‌سیرت، نیکو عقیدت، پسندیده طریقت. وده کوره آهن در حوالی‌فومن موجوداست.

و ازخطه زمین فومن گذشته، در طرف شمال مایل به‌مغرب، ناحیتی است ازکوه تا دریا که‌آن رانجیرم(؟) گویند ازانك یك‌قصبهٔ بزرگتر جمع دارد. دروسط ولایت،آن را پیلمانشهرگویند. وقصبهٔ دیگر که فرضه‌گاه است. بوتم‌سر گویند.

و همچنین درغربی فومن ناحیتی است مختصر. اندك مایه، به جنوب مایل بر دامان کوه و میان‌شکسته افتاده که مقیمانش همه تالش‌اند گسکرو دولاب گویند.

بعد ماکه ازنجیرم(؟)بگذرند، ازمغرب فومن ممتدتابه‌مغرب تولیم‌که ساحل دریا است، این ولایت وناحیت، ولایتی است با عرصهٔ وسیع و طول وعرض فسیح، اما اکنون خراب ویباب است وآخر نواحی‌گیلان داخله که متصل موغان‌است.

از پیلمانشهرتا قصبهٔ‌گسکر کـه دارالملك پادشاهان‌است، یك‌منزل راه باشد وازگسکردرجانب شمال بریك فرسنگی، قصبهٔ خرفکام‌که جمعی بزرگ دارد در میان بیشه‌ای انبوه که اندیشه درآن راه نیابد وپادشاه گسکر شرف‌الدوله است. خواهرزادهٔ امیرکبیر دباج. وازآنجا تا سه فرسنگی درجانب شمال‌دولاب‌است، برکناردریا ناحیتی‌مزروع‌مرتفع. و بعد ازرودسر، اسلیم‌رود است که درقدیم ازحساب ولایت خنخال بوده ومتصل به‌او، ساکنانش همه تالش‌اند.

ابتدای اول ملك زمین گیلان دوازده هزار است بعد از آن گرجیان پس‌کلاجه‌کوه‌که اکنون پسرحیدرکیامتصرف است«برشرقی سفیدرود»[۱] که مدعی‌ایشان‌است و به‌جای امام ناصرکه حسن اطروش علوی بود.

۱ــ این عبارت ظاهراً مربوط بسطر بعد بوده وکاتب مکرر نوشته است.

بعد از آن لیاهجان برشرقی سفیدرود افتاده که به نوپادشاه تعلق دارد که از نسل ونژاد ناصراست برادر سلطان محمودسبکتکین واکنون از آن پسر اوست .

بعد از آن کوچسبان ، از جانب مشرق سفیدرود گذشته به سید محمد کیاپسر سیدحیدر کیاکه بجای امام ناصر امروز قوم ساسانیان را مدعی است .

بعداز آن تمیجان برشرقی سفیدرود افتاده‌که حاکم آن سالوك خواهر-زادهٔ نوپادشاه است .

بعد از آن سیاه‌کیله‌رود ، بعد از آن تولسررود .

بعد از آن کوتم برشرقی سفیدرود از جانب قبله افتاده و حاکمش سالوك بن سالاربن کیکاوس است برادر امیرمحمد.

بعداز آن تیسیای (؟) برغربی سفیدرود افتاده ، تعلق بهسالوك دیوانه دارد و اکنون برادرش ساسن وبالله‌التوفیق .

بعد از آن‌تیساوهمام[1] برغربی سفیدرود برساحل دریا وکوتم بردامن کوه وهمام‌برساحل وتیسا و دافجا وکوچسبان دروسط افتاده هم ساسن پسرسالار متعلق امیر محمد دارد .

بعد از آن تولیم برغربی سفیدرود متصل بحرخزر.

وبعداز آن کلاشم و صفکوه (؟) متصل به کوه وحاکم آن رکابزن و اکنون امیر دباج است .

بعد از آن‌گسکر برغربی سفیدرود افتاده حاکمش خالو، آنگه‌خرفکام و دولاب و رودسر که ملك خالوست و لنگرودینسر (؟) که حاکم آنجا شرف‌الدوله برادرخالو است .

بعد از آن سنوکه[2] برغربی‌سفیدرود باجانب دریاافتاده پس‌دشت‌وخشم و

۱ـ ظاهرا : تسیبه وخمم امروزی‌است .   ۲ـ دراصل: سوکه.

دزدك در دامان کوه ودشت در وسط افتاده حاکمش شرف‌الدوله برادر خ.لو است و بالله‌التوفیق .
بعد از آن شفت برغربی سفیدرود بالای کوه افتـاده و حاکمش امیر دباج است و ازآ بچ گذشته ،گشت‌است نزدیك‌کوه افتـاده .
بعد از آن ممـلکت اسفهبد است که باصطلاح گیلکان اسباور گویند و پادشاه دشت بـه‌دیلم معروف است ومملـکت اسباور به موغان و ارّان پیوسته اینست معرفت کمیت جمله زمین‌گیلان والله‌اعلم .«[1]

۱ـ تاریخ ولحایتو، تألیف ابوالقاسم‌عبدالله‌بن‌محمدالقاشانی، نسخهٔ عکسی‌شمارهٔ۲۴۲۲و فیلم شمارهٔ ۱۱۷ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران بامقابله بمتن چاپی. کاتب درنقل اعلام جغرافیائی بی‌دقتی نشان داده است .

فرمانهای سلاطین ایران دربارهٔ

حکام و سرشناسان گیلان

۱ـ فرمان شاه طهماسب به رکن‌الدوله معصوم بیک صفوی

« فرمان همایونی شرف نفاذ یافت آنکه امارت مآب جلالت نصاب سیادت و سعادت ایاب معصوم بیک الحسینی بعنایت بی‌غایت شاهانه مفتخر و سرافراز گشته بداند که چون بر مضمون حکم قضا جریان اطلاع یابد فی‌الفور سلطانان هزاره مثل پیرمحمد سلطان استاجلو و شرف‌خان کمکرلو و اللّه‌قلی سلطان تکلو را قریب دوهزار سوار مسلح و مکمل که از ایشان کارهای مردانه در وجود آمده باشد همراه نموده جهت دست آوردن حاکم گیلان بگوراب تنکابن فرستد و صدرالدین خان و قورچی خلیفه را قریب دوهزار سوار نامدار و پنجاه‌هزار پیاده بگوراب اشکور فرستد و خود بسی‌هزار بگوراب رانکو نزول نموده فرزند رشید ابوالبقاء عساکر تصرف مآثر بگوراب لاهیجان ساکن ساخته پیاده‌های جمشیدخان و امیرساسان را یکی از متعینان همراه کرده بطرف روده‌سر روانه نماید و مردم گیلان را که سر اطاعت بر ربقهٔ انقیاد در آورده‌اند و فرمانبرداری را شعار و دثار خود ساخته‌اند همه را بتشریفات فاخر سربلند گردانیده و بمعبد سلطنت و ایالت امیدوار سازند و رعایا و عجزه را بنوعی رعایت و محافظت نمایند که هرآینه موجب تسلی همگنان

گردد و چون عساکر ظفر مآثر را بموجب فرموده باطراف واکناف فرستد همه‌روزه حالات و مهمات که سانح گردد معروض پایهٔ سریر خلافت میفرمایند وکسانیکه با احمدخان اتفاق نموده‌اند و ازشرارت ایشان عساکر فرخنده مآثر ر ضرری رسیده دفع ومنع ایشانرا ازجملهٔ فرائض دانسته هرجا که مسکن و مأمن نموده باشند امیر ساسان‌را چرخچی لشکر نموده شبیخون برسرایشان زده وتمامی را بتیغ آبدار دشمن‌شکار دمار از روزکار برآورده ایشانرا مستأصل ومنطوی سازند و کمتر بیك افشار را نزد احمدخان فرستاده بدین مضمون که چون حقوق خدمات آباء واجداد بدین دودمان اعلی میباشد از روی امیدواری متوجه درگاه معلی‌شود که ازسعادت سرمدی مستفیض و مستعدشوندو اگر سخنان محققانرا استماع نموده بطریق یکرنگان و یك جهتان بدین آستان ملك آشیان روانه میگردد صورت حال وحقیقت مهمات‌را بواجبی‌دانسته معروض پایه‌سریر خلاف مصیر گردانند تبیعت‌را بکلام ملك علام مؤکد ساخته اورا ازتهدید مخوف بیرون آورده والاسخنان صاحب غرضانرا بسمع قبول و رضاجاداده عنادرا شعارو دثارخود ساخته است راهها را بدو محکم گرفته جهان فراخ را بدو تنگ و تاریك سازند وهرجا که بایشان ظاهر و باهر گردد استظهار و اعتقاد هم بود بی‌منت و وحشت بدان جانب روانه شوند وگرد برگرد او عساکر نصرت مآثر حصن‌حصین مرتب ومرمت نموده چنان کنند که راه گریز براو بسته شود و ازکمند اژدها افکن دست وگردن اورا بسته و باکسان که همراه او بوده باشند بدرگاه عرش اشتباه حاضرسازند و نعوذبالله اگر تغافل و تکاهل نمایند و ازقبضهٔ تصرف ایشان بیرون‌رود وجای دیگر اقامت نماید نوعی جزا و سزای ایشان میشود که تا این نیلگون خیام برپا و سلاطین بر سر سلطنت مستقر ومستقل باشندد دستورالعمل

سلاطین و جمیع نوکران باشد. تحریراً فی شهر جمادی‌الاخر سنهٔ خمس وسبعین و تسعمایة ۹۷۵.»

۲ـ فرمانی به‌حاکم گیلان درباب ملاصفرعلی رحمت‌آبادی

« طرازنده بارگاه قضا .... شاهی‌محمدرضا.... حکم وامر شد. آنکه چون رعایت جانب عالیجناب قدسی‌القاب فضائل و کمالات اکتساب غلامی ملاصفرعلی رحمت‌آبادی منظور نظرمهرآثر ومکنون خاطر عطوفت‌گستر نواب ماست بنابراین درهذه‌السنه میمونه ئیلان‌ئیل حریت تحویل ومابعدها نظر باستحقاق و قابلیت عالیجناب مشارالیه مبلغ دوازده تومن فریضه قطیفه امانت متوجهی‌بلوك رحمت‌آباد در وجه او مستمر و برقرارفرمودیم که صرف معاش وسرمایه امعاش‌خود ساخته بخاطرجمعی بدعاگوئی ذات اقدس شهریاری و ازدیاد عمردولت نواب اقدام نماید مقرر آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت آگه نتیجة الاعاظم والاعیان میرزا فتحعلی نایب مبلغ مزبوره را بدون کسر و نقصان تأدیه نموده مقرر آنکه مستوفیان وعالیجنابان کتّاب دفاتر سرکار مهرورقم مبارك را ثبت واز تغییر و تبدیل مصون و محروس داشته و در عهده شناسند. فی شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۳۶.»

۳ـ فرمانی به‌یحیی‌میرزا والی ولایات گیلان درباب هدایت‌الله‌خان نجدی

«بسم‌الله تعالی شانه‌العزیز

الملك لله تعالی که نور چشم عزیز کامگار یحیی میرزا والی ولایات گیلان بعواطف خطرخطیر پادشاهی معزّز ومباهی بوده بداند که چون ازقرارفرمان خاقان خلّد مکان نوّرالله مضجعه برطبق‌عرض عالیجاه رفیع‌جایگاه شهامت و مآلت همراه اخلاص و ارادت آگاه

نتیجة الخوانین العظام مقرب الحضرت العلیه هدایت‌الله خان نجدی خصه املاک و رقبت مفصله ذیل‌ملکی مشارالیه است وچون عالیجاه مشارالیه نوکر سرکار پادشاهی و رعایت جانب او منظور نظر انور میبشد ، ملزوم همت همایون آنست که امور اورا انتظامی بشد این فرمان قدرنفاذ صدر و مقرر میشود که آن نورچشم کامگار مراقب باشد وقدغن نمایدکه‌کسی‌در املاک مشارالیه تعدی و اجحفی‌ننماید و بدون حساب تعرض واهانتی نرساند ومتعرض‌رعایا وکسان‌او نگردندو تخلف جایز ندانسته درعهده شناسند. تحریراً فی‌شهرذی‌الحجةالحرام سنه ۱۲۵۰ ه.

۴- فرمانی به پسران عبدالله خان رشتی

« هو

الملک‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

آنکه چون عالیجاهان مجدت و نجدت همراهان نصرالله‌خان و محمدتقی‌خان و محمدرضاخان پسرهای عبدالله‌خان رشتی . از جمله خانه‌زادان دولت‌جاوید آیت قاهره میباشند ورعایت احوال آنهامنظور نظرعاطفت‌گستر شاهانه است علیهذا مبلغ‌دویست‌تومان از بابت مواجب عبدالله‌خان بصیغهٔ مواجب‌بدینموجب از سنهٔ آتیه تخاقوی‌ئیل فرخنده تحویل و مابعدها در حق آنها مرحمت و بر قرار فرمودیم‌که هرساله بعد از وضع رسومات دیوانی از بابت مالیات املاک خودشان که در گیلان دارند اخذکرده بدعاگوئی دوام‌دولت ابدمدت روزافزون‌اشتغال نمایند مقرر آنکه حکم حل و استقبل‌گیلان مبلغ مزبور را ازقرار همین منشورقضا دستور درحق مشارالیهم برقرار وازبابت بدهی‌واملاک آنها محسوب دارند المقرر کتّاب سعادت اکتسب دفترخانه مبارکه

شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند . تحریراً فی‌شهر ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۸۹.»

۵ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به‌حاکم گیلان دربارهٔ تعیین مالیات گیلان

«الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

چون مکنون خاطرهمیون شاهنشاهی نشرعدالت و آسودگی رعیت و آبادی مملکت است و حصول این مقاصد موقوف باین‌است‌که رعیت و مالك بدانند درعرض‌سال بدیوان چه دادنی‌هستند ومالیات‌آنها چقدر است که از شر و شلتاق مباشرین آسوده باشند ازجمله ولایت گیلان است‌که مالیات‌آنجا کمال اغتشاش را داشت درغالب جاها ادعای‌کسر و شکست و در بعضی ادعای ستم شریکی و در برخی شکایت از مباشرین دیوانی داشت که باسامی مختلفه از قبیل افرعه و تومانی فلان‌وفلان علاوه برمالیات مطالبه و دریافت میشود لهذا جناب فخامت ومناعت‌نصاب میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را که از چاکران امین ومجرب دولت‌است مأمورفرمودیم واو تمام گیلان را از بلده وبلوکات خالصه و از روی عدل وانصاف مساحت وبازدید کرده صورت آنرا بدارالخلافه که مرکزسلطنت ومجمع‌وکلاء دولت‌است‌آورده مالیات هرجا باطلاع اولیای دولت علیه بستعداد حالیه معین ومقررآمد که فرامین‌سرخط مرقوم وبمالکین ورعایای کل دهات تسلیم شودکه من‌بعد تکلیف‌خود را در ادای مالیات‌بدانند ورسم‌افرعه وسایرمرسومات بالمره‌اززبان و قلم بیفتد ودیناری علاوه برمالیات نه بدهند ونه مطالبه نمایند پس درمعامله هذاالسنه تخاقوی‌ئیل و مابعدها مالیات و منال دیوانی قریهٔ

رسته کسر واقعه در فومن ملکی میرزاسید محمد من حیث‌الجموع
از هربابت از قرار تفصیل است هرگاه حاکم و مباشر علاوه از این
مبلغ مطالبه نمایند یارعیت تمکین‌کنند یا بی‌قبض و برات وسند دیناری
بگیرند و بدهند مورد مؤاخذه و سیاست دولت خواهند بود مقرر
آنکه ولات و حکام حال و استقبال دارالمرز گیلان از مفاد مضمون
معدلت مقرون امرهمیون تخلف ننموده مستوفیان عظام شرح فرمان
مبارک را ثبت وضبط نموده در عهده شناسند . تحریراً فی‌شهر رجب
المرجب سنه ۱۳۰۲».

۶ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌میرزاسیدرضای مستوفی محاسب فومن و ماسوله

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الملک‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت

صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

چون عالیجاه مجدت همراه مقرب الخاقان میرزا سید رضای
مستوفی‌محاسب فومن‌وماسوله سالهاست که با صداقت بتقدیم خدمات
مرجوعه پرداخته وحسن‌کفایت ودرستکاری‌خودرا مشهود رای‌اولیای
دولت قاهره‌ساخته وبرحسب معمول ولایت‌گیلان مبلغ یکصدو بیست‌و
پنج تومان که بعد از وضع رسوم یکصدتومان میشود از بابت تومانی
پانصددینار حق‌الحکومه که جزو جمع‌گیلان نیست بصیغهٔ مواجب در
وجه او مقرر بوده ومبلغ پنجاه تومان هم از بابت تخفیفات گیلان رسد
باملاک او رسیده که همه ساله از دادنی او محسوب میشود در این‌وقت
استدعای صدور فرمان مبارک ازدیوان اعلی نموده برحسب استدعای
مشارالیه‌این‌فرمان مبارک صادر ومقررمیشود ومقرب‌الخاقان‌مستوفیان

عظم از سنۀ آتیه اودئیل و مابعدها یکصدتومان مواجب را بخرج دستورالعمل گیلان بنویسند و در عوض یکصدتومان از بابت تومانی پانصد دینار در کتابچۀ گیلان بخرج بنویسند که در جمع و خرج دیوانی تفاوتی حاصل نشود ومواجب وتخفیف مشارالیه همه ساله عاید گردد حکم خجسته فرجام حال و استقبال گیلان همه ساله مواجب و تخفیف مزبور را در وجه عاید ساخته و مطالبه حکم مجدد نکنند و شرح فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند . فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۰۶.»

۷ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به پسر میرزا رضای مستوفی محاسب ولایت فومن

«بسم‌الله تعالی
الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

که چون نظر بمراتب خدمت و زحمت میرزا سید رضای مستوفی محاسب ولایت فومن که سالهامشغول خدمتگذاری دیوان همیون اعلی بوده این روزها برحمت ایزدی پیوسته رعایت اولاد و بازماندگان او فریضه ذمت همت خدیوانه است علیهذا نظر بحسن کفایت ولیاقت مقرب الخاقان میرزا سیدمحمد پسراو درحاکپای مهراعتلای مبارك معروض افتاده‌ازمعاملۀ هذه‌السنه‌قوی‌ئیل‌سعادت‌دلیل مشارالیه‌را بمنصب استیفا برقرار و مبلغ هشتاد و پنج تومان از یکصد وپنجاه تومان مواجب و تخفیف آنمرحوم را بموجب تفصیل در حق او برقرار فرمودیم که همه ساله دریافت کرده صرف گذران خود نماید وجوهرذاتی‌وفراست جبلی خود را همه‌روزه بمنصه ظهور و جلوه بروز رساند مقرر آنکه

عالیجاهان مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان مستوفیان عظام شرح فرمان قدرترجمان مبارك را ثبت وضبط نمایند. تحریراً فی شهر ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۱۲.»

۸ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌برادرخود عباس میرزا درباب میرزا سید یحیی مستوفی

«السلطان ابن‌السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار
برادر والاگهر نورچشم بلند اختر نامدار عباس میرزا ملك‌آرا حکمران وفرمانفرمای مملکت گیلان بمراحم خاطرخطیر شاهنشاهی مباهی ومعزز بوده بداند چون مراتب کفایت ودرایت وکاردانی‌دردست حکمی مقرب‌الخاقان میرزا سیدیحیی مستوفی ولایتی بتوسط مقربان سربرگردون مسیر اعلی بدرجه کشف و شهود مقرون آمد لهذا بر حسب استدعای جناب فخامت نصاب امیرالامراء العظام مدیرالملك مشارالیه‌را باعطای مکتوب وجبّه ترمه‌ایرانی‌قرین‌افتخارفرمودیم که این‌عطیه کریمانه‌را اسبب مفاخرت خود دانسته بیش از پیش‌بمراسم درستکاری‌خود بیفزاید ودرخدمات راجعه مساعی‌نیکورا ظاهرسازد و درعهده شناسند. سنه ۱۳۱۲.»

۹ـ فرمان ناصرالدین‌شاه به‌میرزا سید یحیی مستوفی فومن

«الملك‌لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت
صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

چون رعایت اولاد و بازماندگان مرحوم میرزا سید رضا مستوفی فومن منظور نظرمرحمت‌گستر خدیوانه است علیهذا از معاملهٔ هذه‌ـ السنه مسعودقوی‌ئیل ومابعدها مبلغ هفتادوپنج تومان ازیکصدوپنجاه

تومان مواجب و تخفیف آن مرحوم را درحق معتمدالخاقان میرزا سید یحیی‌خان مستوفی برقرار فرمودیم که همه ساله دریافت کرده و از روی کمال امیدواری بمراسم خدمتگذاری بپردازد و مقرر آنکه مقرب‌الخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت‌وضبط نمایند. شهر ذیقعدةالحرام سنه ۱۳۱۲ه.

۱۰ـ فرمان همایونی مظفرالدین‌شاه به یکی از فضلا و علمای گیلان

«الملك‌لله تعالی

گرفت خاتم‌شاهی‌مظفرالدین‌شاه

دمید کوکب فتح و ظفر بعون‌الله

چون جانبداری‌طبقه علماء عظام‌وفضله کرام پیشنهادخاطرمبارك‌همیونی است و مراتب استحقاق جناب میرزا شریعتمدارها میرزا ابوالقاسم فاضل‌مجتهد گیلانی سلمه‌الله‌تعالی که ازاجله علماوخواص دعاگویان‌است این اوقات مشهود حضورمهرظهورمعدلت دستورگردید لهذا ازمعامله هذه‌السنه میمونه ایت‌ئیل حریت تحویل ومابعدها مبلغ بیست وهفت تومان‌از محلهای‌ذیل‌بصیغه مستمری درحق‌جناب مشارالیه و ولد ارشد ایشان عالیجناب شریعتمآب میرزا ابوالفضل افتخارالعماء برقرار و مرحمت فرمودیم که‌همه ساله‌ازمحل گیلان‌دریافت نموده صرف‌معاش خودشان‌ساخته مرفه‌الحال بدعای‌بقای ذات‌اقدس‌ملوکانه‌اشتغال ورزند مقرر آنکه مقرب‌الخاقان‌مستوفیان عظام و کتّاب سعادت فرجام‌شرح فرمن قضا جریان مهر لمعان مبارك همیون را ثبت و ضبط نموده واز شایبه تغییر وتبدیل محروس بدارند و درعهده شناسند. فی شهرمحرم الحرام سنه۱۳۱۶ه.»[1]

۱ـ غیر از فرمان‌شاه تهماسب باقی فرمانها ازمجموعهٔ مرقعات تاریخی درکتابخانهٔ ملی رشت رونویس شده است.

تصحیحات ـ اضافات ـ تعلیقات

صفحه/سطر

۶/۲۸ـ «بمرد» غلط و «بدر» صحیح است.

۱۲/۵۹ـ «محله» صحیح است.

۱۴/۸۶ـ ظاهراً «فتح‌لك» به‌جای «اك فتحاً مبیناً» است زیراقسمت اول این آیه برروی دیگر علم است.

۱۸/۹۹ ـ حسین بن علی صالحی جیلانی ودر ۱۱/۱۰۶ حسن‌بن علی صالحی‌جیلانی آمده‌است. ظاهراً «حسن» صحیح است.

۲۲/۱۱۰ـ درکلمهٔ «نجرّ» تشدید برروی راء زائد است.

۱۴/۱۱۵ـ «رزنگار» غلط و «زرنگار» صحیح است.

۱۹/۱۱۵ـ «رزده‌دهی» غلط وصحیح آن «زرده‌دهی» است.

۲/۱۱۶ـ «وافی‌هلایه» غلط و «وافی‌هدایه» صحیح است.

۱۴/۱۱۶ـ کلمهٔ «نرده» غلط و «نرد» صحیح است.

۶/۱۳۰ - پنجره‌های ارسی به‌جای درهای ارسی صحیح است.

۱۳/۱۴۵ - گیل ولوم، گیل در اصل به‌معنی قومی است که در سرزمین گیلان زندگی می‌کنند. چون این قوم بیشتر به برزیگری مشغولند. این لغت به‌معنی «برزیگر» نیز به‌کار رفته ست. (تاریخ اولجایتو، ص۵۸) کلمهٔ «لوم» در تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی مکرر استعمال شده است واین

مؤلف جمع این کلمه را به‌شکل «لثام» درموارد مختلف به‌کار برده است. این لغت چنانکه مؤلف تاریخ اولجایتو گفته به‌معنی «سپاهیان پیاده» است. (تاریخ اولجایتو، ص ۵۸)

۶/۱۵۰ ـ استاد احمد و یادگار صحیح است .

۱۴/۱۸۳ ـ عبارت باید بدین‌شکل تصحیح شود : این پل‌شامل یك دهانهٔ بزرگ و دو دهانهٔ کوچکتر درطرفین آنهاست .

۲۲/۱۹۳ـ وکنده‌کاریهای بسیار طریف داشت ، صحیح است .

۲۱/۲۵۵ـ «تمیامات» غلط و «بمقامات» صحیح است .

۱۲/۲۸۳ ـ بقعه صحیح است .

۲۲/۲۸۶ ـ حسینیه صحیح است .

۱/۲۹۷ ـ درخت صحیح است .

۲۲/۲۹۹ کلمهٔ «کوسه» غلط وصحیح آن «نوسه» است .

۱۰/۳۱۲ـ تمیحان غلط وتمیجان صحیح است .

۱/۳۲۶ ـ فیروزه‌ای به‌جای فیرزه‌ای صحیح است .

۵/۳۴۹ ـ ظاهراً عبارت باید بدین شکل باشد : السند المـانح النقی [الو] فی التقی ....

۹/۳۷۷ ـ سیستان دهکـده‌ای در جنوب شرقی لاهیجان است و امروز اهـالی «سوسان» گویند .

۵/۳۷۸ ـ لواه درلغت دیلمی به‌معنی سوراخ وغار است .

۷/۳۸۴ ـ پل سجیران ظاهراً غیر از این پلی است که یاد کرده‌ایم زیرا نزدیك دهکدهٔ سجیران کنار رودخانه نیز آثار پلی قدیمی دیده می‌شود .

۱۸/۳۸۹ـ «گیده‌کلام» غلط وصحیح آن «کیه کلام» است .

۹/۴۰۳ ـ ویار با واو صحیح است .

اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته است

آزاد : از درختان جنگلی است که به نام علمی Zelkova Crenata Desf. خوانده می‌شود . این درخت در فضای باز اطراف مساجد و امامزاده‌های گیلان دیده می‌شود . شاید بلندی و استقامت آن سبب شده است که اهالی این درخت را به‌چشم احترام بنگرند .

ارسی : نوعی پنجره که آلت‌کاریهای ظریف و شیشه‌های رنگین دارد و در دو شیار از بالا به‌پایین و بالعکس حرکت می‌کند .

ازاره : قسمت پایین دیوارهای بنا که معمولاً باسنگ یا آجر می‌چینند و روی آن را از داخل کاشی‌کاری می‌کنند . بلندی این قسمت بیشتر از یك متر نیست .

امرود : از درختان جنگلی است که به‌نام علمی Pirus L. خوانده می‌شود . در محوطهٔ اطراف بعضی از امامزاده‌ها درختان کهنسال امرود دیده شد .

انار : از درختان جنگلی شمال ایران است که به‌نام علمی Punica granatum L. شناخته می‌شود . درمحوطهٔ باز اطراف امامزاده‌ها این درخت دیده شد .

ایوان کتابی : ایوانی است که عرض آن کمتر از یك متر است .

باثو : در اصطلاح نجاران ، دو تختهٔ قطور دوطرف لنگهٔ در را گویند .

بلوط = مازو : از درختان جنگلی شمال ایران است . نوعی که در این منطقه است به‌نـام علمی .Quercus *Tourn* شناخته می‌شود. عظمت و بلندی این درخت مورد احترام جنگل‌نشینان است .

بن‌نال : چوبی قطور وچهارسو که بر لبهٔ ایوان قرار می‌دهند و انتهای ستونهـای چوبین را بر آن استوار می‌کنند .

بورمه : یك دستهٔ بستهٔ علف یا بونجهٔ خشك .

بید : از درختان جنگلی شمال ونوعی از آن که در این صفحات است به‌نام علمی Salix *Tourn.* خوانده می‌شود این درخت در محوطهٔ بـاز اطراف بقاع متبرك دیده شد .

پاسار : تختههای قطور بالا و وسط وپایین لنگهٔ در.

پاکشان : مهمانی عمومی و دستهجمعی . پاگشا در تهران به‌معنی نخستین مهمانی است که برای زوج تازه ترتیب دهند .

پره : بفتح پ وکسرراء ، پیش‌آمدگی لبهٔ بام ازچهار طرف تامانع رسیدن بـاران به‌دیوارها شود .

پشته : ۱ـ تپهٔکوتاه خـاکی که معمولا دستی نیز هست ۲ـ برای جلوتر آوردن پره ، معمولا لبهٔ بام را بـا چوب طبقه طبقه می‌سازند وهرطبقه را کمی جلوتر از قبلی قرارمی‌دهند . این عمل برای اینستکه پره‌جلوتر آیدو بیشتر مانع رسیدن باران به‌دیوارها شود .

پلت : بفتح پ و لام . از درختان‌جنگلی شمال است که به نام علمی Ocer insigne Boisse. et Bh. معروف است . این درخت درحوار پاره‌ای ازبقاع متبرك دیده شد .

پل‌کوبی : کوبیدن تختههای اره‌کشی شده به‌قطر دو سانتیمتر وبه‌پهنای تقریبی بیست سانتیمتر ودرازای دومتر یابیشتر برروی واشانها .

پلی : بفتح پ ، درلغت‌گیلکی به‌معنی «پهلو» است .

پیله : درلغت گیلکی به‌معنی بزرگ است .

تره کوچین— تله کوچی = تلکوچی · از درختان جنگلی شمال که به‌نام علمی .Fraxinus L معروف است. درمحوطهٔ بازاطراف بقاع متبرك گیلان وبیشتر درجوار امامزاده‌های ییلاقی کوهستانی دیده شد . این درخت رابه‌فارسی «زبان گنجشك» خوانند .

تکائل : بفتح تاء وکسرهمزه ، نوعی نردهٔ جلوایوان است که از تخته‌هائی به‌ارتفاع نیم‌متر و عرض بیست سانتیمتر ، میان دو چوب اصلی که در طول ایوان است قرار می‌دهند .

تنکه : بضم تاء ونون : تخته‌هائی صاف که معمولا لبه‌های آنها را پخ زده‌اند ومیان پسار وبائوی لنگه درقرار می‌دهند .

تله : بفتح تاء وکسرلام ، کوه پستی که یك پارچه است وسنگ آن بهم جوشیده ومتصل شده است .

تور : گذشته از معنی عادی آن ، درگیلکی به‌معنی خل وسبك عقل است .

توسه — توسکا : از درختان جنگلی شمال ایران که به نام علمی *Olnus Tourn.* معروف است .

توی : ازدرختان جنگلی شمال که به‌نام علمی .Celtis L معروف است ودرلاهیجان «تادانه» خوانند .

حلب پوش : بناهائی راگویندکه بام آنها باآهن سفید پوشانده شده است .

خفنگ: بفتح خاء وفاء ، پنجره‌ها یا نورگیرهای مشبك یشیشه‌دار که بالای درها نصب می‌شود تا نورکافی به‌داخل بنا برسد .

خوج : از درختان‌جنگلی شمال ایران است‌که به‌نام‌علمی .Pirus L معروف‌است .

درزپوش : تخته‌هائی نازك به‌پهنای سه چهار سانتیمتر که روی درزهای لمبه میخ‌کوب می‌کنند تادرز آنها پیدا نباشد .

دستك تکائل : نوعی نردهٔ جلو ایوان که از تخته ودستکهائی که در فواصل آنها قرار می‌دهند ، ساخته می‌شود .

دسنك صراحی : نوعی نردهٔ جلوایوان که از چوبهای عمودی خراطی‌شده ساخته می‌شود .

دلوازه : سنگی صاف و کبودرنگ و بیضی شکل که دختران و زنان جلو سینه می‌آویزند .

راه‌پشته : خاکریزی به‌بلندی یك متر و پهنای دو سه متر که در میان منطقه‌ای باتلاقی است به‌وجود می‌آورند واز روی آن عبور می‌کنند .

زگالی : بنائی که استخوان بندی آن از چوبهای قطور ومحکم است . چوبهائی به‌قطر سه‌چهار سانتیمتر ودرازای دو سه متر اریب به‌جدارهای این بنا می‌کوبند وداخل آنها را باگل پرمی‌کنند و بدین ترتیب دیوارهای بنا را به‌وجود می‌آورند .

زوار کشی . بفتح‌زاء وتشدید واو، آمدن زائران در روزهای معین‌به‌بقاع‌متبرك.

ستون چهارسو : ستونهای چوبین‌که آن را چهار نبش کرده‌اند .

ستون‌چهارسوی پخ‌رده : ستونهائی که چهار نبش است ونیزی نبش را گرفته‌اند .

سرته : بفتح سین وکسر تاء، کلاف بزرگ ابریشم کشیده را گویند .

سرستون : قسمتی از ستون که به‌اشکال مختلف ازچوب می‌تراشند وبرپای‌ستونها نصب می‌کنند وسرنال را روی آنها می‌اندازند .

سرکش : چوبهای بلند وقطور که در طول بنا قرار می‌دهند و واشنها را بر آن تکیه می‌دهند .

سرنال : چوبهای بلند چهرنبش که روی سرستونها می‌افتد واشنها روی‌آن قرار می‌گیرند.

سفال‌سر : بنائی راگویند که بام آن از سفال سرخ ناوامانند پوشیده شده است .

سکتی : بفتح سین وکاف ، بنائی را گویندکه که چهار دیوارآن از چوبهای قطور بلند ساخته شده است .

شش‌گوشه : چیزی نظیرحجله که ازچوب ساخته شده وشش‌ضلعی است و نمودار

مرقد مطهر حسین بن علی علیه‌السلام است. آن را تزیین می‌کنند و در دسته‌های عزاداری محرم به‌راه می‌اندازد.

شیخ: لقبی است که از قدیم به‌متولیان بقاع متبرك داده‌اند و امروز نیز به‌کار می‌رود.

شیرسر: پیش‌آمدگی چوبین سقف بناها از دوطرف.

صحن: دراصطلاح محلی به‌معنی سفید است.

صراحی: درلغت دیلمی به‌معنی «دستك‌صراحی» مناطق گیل‌نشین است.

علم: بفتح عین ولام، شیئی مفرغی یاآهنین یابرنجین که گاهی مشبك نیزهست که برسرچوبی بلند به ارتفاع سه چهار متر می‌گذارند و پارچه‌های رنگین قیمتی به‌این چوب می‌بندند. علم صفحات شمال باعلم قسمتهای مرکزی ایران اختلاف دارد.

علم بندی: عمل بستن پارچه‌های رنگین به‌چوب علم که در روز معین و باآدابی مخصوص انجام می‌شود.

علم واچینی: عمل باز کردن پارچه‌های رنگین از چوب علم که آن نیز در روز معین و باآدابی مخصوص انجام داده می‌شود.

فرش و آهك: بضم فاء وسکون راء وشین، ماسهٔ نرم را گویند که باآهك و آب مخلوط می‌کنند و بـرای ملاط یا سفید کردن سطح دیوار آن را به کار می‌برند.

فیلپا: ستونهائی از آجرکه قطر دایرهٔ آنها به‌هفتاد، هشتاد سانتیمتر می‌رسد و در وسط بناهـای عریض دریك ردیف می‌سازند وسرکش (← حمال) را برآنها استوار می‌کنند.

کاول: بضم واو، گاوآهن محلی‌گیلان را گویند.

کرسی‌بلند: بناهائی که از سطح زمین در حدود یك متر بالاتر می‌سازند و گاهی زیر آنها را خالی می‌گذرانند تارطوبت به‌بالا نفوذ نکند.

کشکول : سنگی صاف وقیمتی که زنان بازنجیری به‌وسط سینه می‌آویزند .

کنوس — کنس : بضم‌کاف ونون ، از درختان جنگلی شمال است که به‌نام علمی Mespilus germanica L. خوانده می‌شود وبه‌فارسی ازگیل‌گویند .

کوب=کپ=کف : بضم کاف ، از درختان جنگلی شمال است که به نام علمی Tilia rubra DC. خوانده شده است . این درخت در صفحات مازندران به«نمدار» معروف است .

کوتی : درلغت دیلمی به‌معنی تپهٔ کوچك است .

کوچه : درلغت‌گیلکی به‌معنی «کوچك» است .

کول=کل : بضم‌کاف درلغت گیلکی ودیلمی به‌معنی تپهٔ نسبة بزرگ است .

کولك : دراصطلاح اهالی دیلمان نوعی‌تراش سرستون است .

کهل : بضم‌کاف وسکون‌هاء ، ازدرختان‌جنگلی‌شمال‌است‌که به‌نام‌علمی Pterocarya fraxifolia *wild.* خوانده می‌شود .

کیش : شمشاد جنگلی‌است‌که به‌نام علمی Buxus sempervirens L. معروف‌است. این درخت‌که برگش‌درزمستان نمی‌ریزد بسیارمورد تعظیم واحترام‌است دربعضی قسمتهای‌گیلان که این درخت در دسترس است وقتی به‌زیارت امامزاده‌ها می‌روند ، شاخهٔ کوچکی از این درخت را باخود می‌برند و به‌نرده وستون ایوان بقعه می‌زنند .

گرباس : نوعی بیل نوك تیز که درصفحات‌گیلان به‌کار می‌رود .

گنج گاو : بکسرجیم ،گاوکوهی‌یاگوزن است‌که‌شاخ‌آن داخل ساختمان‌امامزاده‌ها یابدنهٔ درختان جنگلی صحن امامزاده‌ها دیده می‌شود. ازقدیمترین‌ایام این حیوان مورد احترام بوده وامروزهم بادیدهٔ تعظیم به‌آن می‌نگرند.

گنگ : بضم گاف اول ، تنبوشه‌های باریك وبلند که بیشتر برای لوله‌کشی آب از چشمه‌های دور دست به‌کار می‌رفته است ودر صفحات اشکور ودیلمان و سمام ، فرسنگها ازاین لوله‌ها در زیرخاك تا امروز باقی است .

گهواره‌ای : بالای صندوقهائی‌که مرقدها را پوشانده است ، به‌شکل قسمت بالای گهواره‌های چوبین می‌سازند و آن را بدین نام می‌خوانند .

لاچ‌لنگری : ستون چوبین گرد یاچهارسوکه بر بدنهٔ آن کنده‌کاری داشته باشد .

لانه : سنگهای تخت طبیعی به‌قطر سه‌چهارسانتیمتر ودرازا وپهنای نیم‌متر یاکمی بیشتر که درساختمان دیوار یافرش‌کف به‌کار می‌برند .

لت‌پوش : بفتح لام وکسر تاء ، بنائی‌که بام آن را باتخته پره‌هائی به‌طول سی‌چهل سانتیمتر وپهنای ده پانزده سانتیمتر پوشنده‌اند .

للیکی : بفتح لام اول ، از درختان جنگلی شمال است‌که به‌نام علمی Gledistschia Caspica *Desf.* خوانده شده است . بر بدنهٔ این درخت خارهای قهوه‌ای‌ـ رنگ بلند و نوک‌تیز است .

لمبه : بفتح لام وسکون میم ، تخته‌هائی به‌پهنای بیست سانتیمتر وطول دو متر یا بیشتر که از زیر به‌واشانهای سقف‌کوبیده می‌شود .

لمبه‌کوبی : کوبیدن لمبه‌ها به‌واشانهای سقف بناها.

لها : بفتح لام ، چهارشاخ‌که برای باد دادن گندم وجوکوبیده به‌کارمی‌رود .

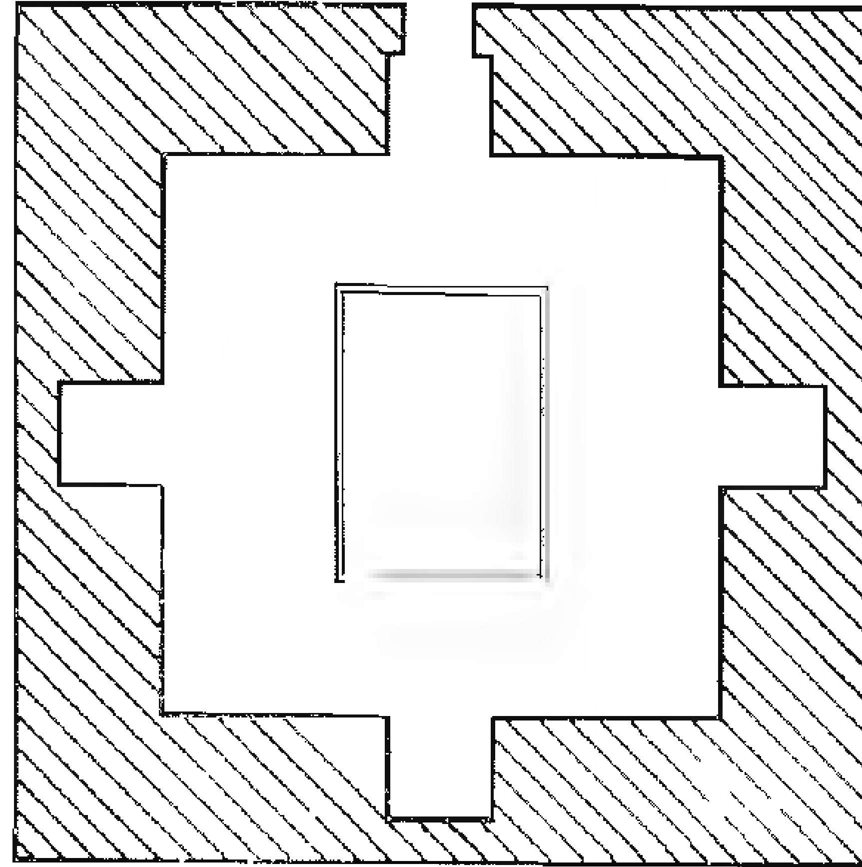
لی : از درختان جنگلی شمال است‌که نام علمی Ulmus procera *Salisb* معروف است .

مرخ : بفتح میم ، از درختان جنگلی شمال است که به نام علمی Crataegus L. خوانده می‌شود . درپاره‌ای نقاط گیلان این درخت را ولیث (بفتح واو) گویند .

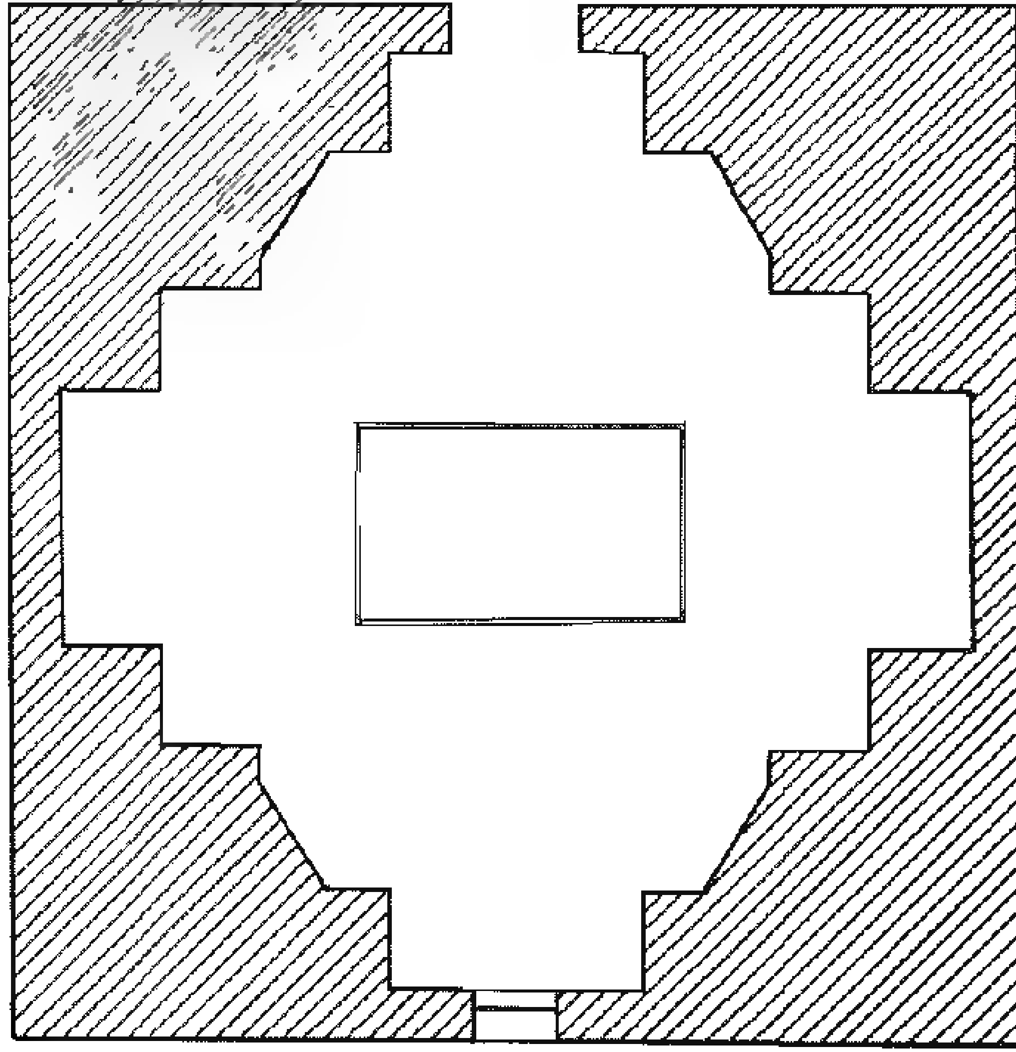
ون : بفتح واو ، از درختان جنگلی شمال ایران است‌که به‌نام علمی Fraxinus L. معروف است .

هلی : بفتح هاء ،آلوچهٔ وحشی‌است ودرجنگلهای شمال فراوان است و به‌نام علمی Prunus divaricata *Ledeb* خوانده می‌شود .

پایان مجلد دوم



بقعهٔ سید جلال‌الدین اشرف در آستانهٔ اشرفیه



بقعهٔ آقاپیر رصا در لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۱) امامزاده طیب و طاهر در دهکدهٔ پاکده قراب عمارلو

(عکس شمارهٔ ۲) دورنمای امامزاده طیب و طاهر

در دهکدهٔ پاکده فاراب عمارلو





(عکس شمارهٔ ۳) امامزاده علی‌اصغر وعلی‌عسکر

دردهکدهٔ جیرین‌ده قراب عمارلو



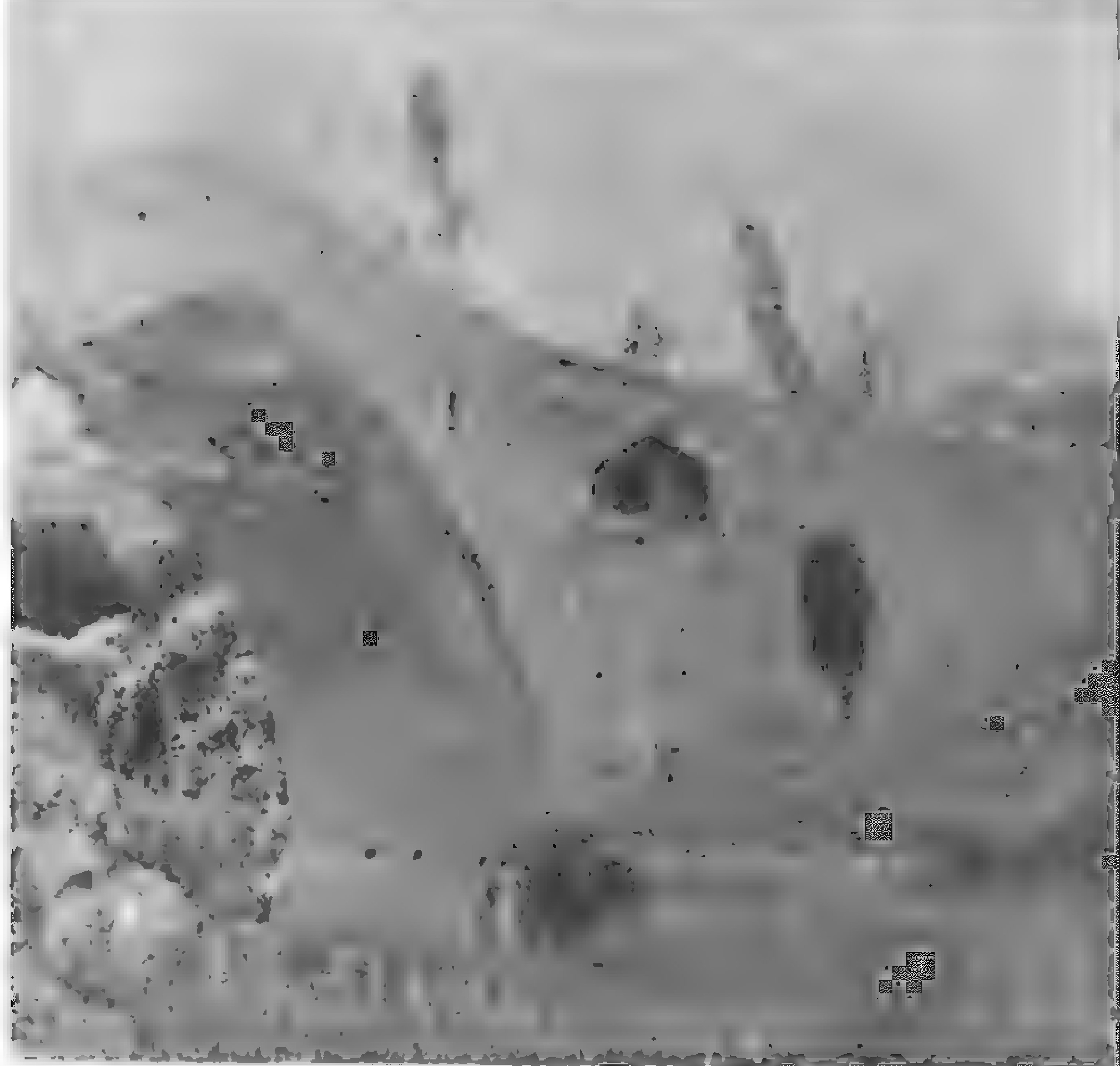
(عکس‌شمارهٔ ۴) نمای دیگری از امام‌زاده علی‌اصغر وعلی‌عسکر دردهکدهٔ

جیرین‌ده قاراب عمارلو

(عکس شمارهٔ ۵) نمای غربی پل‌انبوه ولایه‌های سنگی سمت‌چپ آب‌شاهرود

(عکس شمارهٔ ۶) نمای غربی پل انبوه وپایه‌های طرفین پل





(عکس شمارهٔ ۸) نمای ایوان شرقی پل انبوه که متصل به طاق است

(عکس شمارهٔ ۷)
قسمتی از نمای شرقی و
پایهٔ سمت راست پل انبوه

(عکس شمارهٔ ۹) وقفنامهٔ قرآنی که پری سلطان برمشهد سیدعلی کیا وقف کرده است

وما أرسلناك إلا رحمة للعالمين
قل إنما يوحى إلي أنما إلهكم إله
واحد فهل أنتم مسلمون فإن تولوا
فقل آذنتكم على سواء وإن أدري
أقريب أم بعيد ما توعدون إنه يعلم
الجهر من القول ويعلم ما تكتمون
وإن أدري لعله فتنة لكم ومتاع

إلى حين قال رب احكم بالحق
وربنا الرحمن المستعان على ما
تصفون سورة الحج ... وسبعون آيه
بسم الله الرحمن الرحيم
يا أيها الناس اتقوا ربكم إن زلزلة
الساعة شيء عظيم يوم ترونها
تذهل كل مرضعة عما أرضعت

(عکس شمارهٔ ۱۰) دوصفحه ازقرآن مترجم که پری‌سلطان برمشهد
سیدعلی کیا وقف کرده است

(عکس شمارهٔ ۱۱) دوصفحه از قرآن مترجم

که میرمحمدباقر فیلدهی وقف بقعهٔ فیلده

کرده است



(عکس شمارهٔ ۱۲) بقعهٔ آقاسیداحمد دردهکدهٔ دیلمان



(عکس شمارهٔ ۱۳) ستونهای چهارسوی چوبین وقسمتی ازسقف ایوان بقعهٔ

آقا سیداحمد دردهکدهٔ دیلمان

(عکس شمارهٔ ۱۴) ستونهای لاچلنگری بقعهٔ آقاسیداحمد وقسمتی ازدهکدهٔ دیلمان

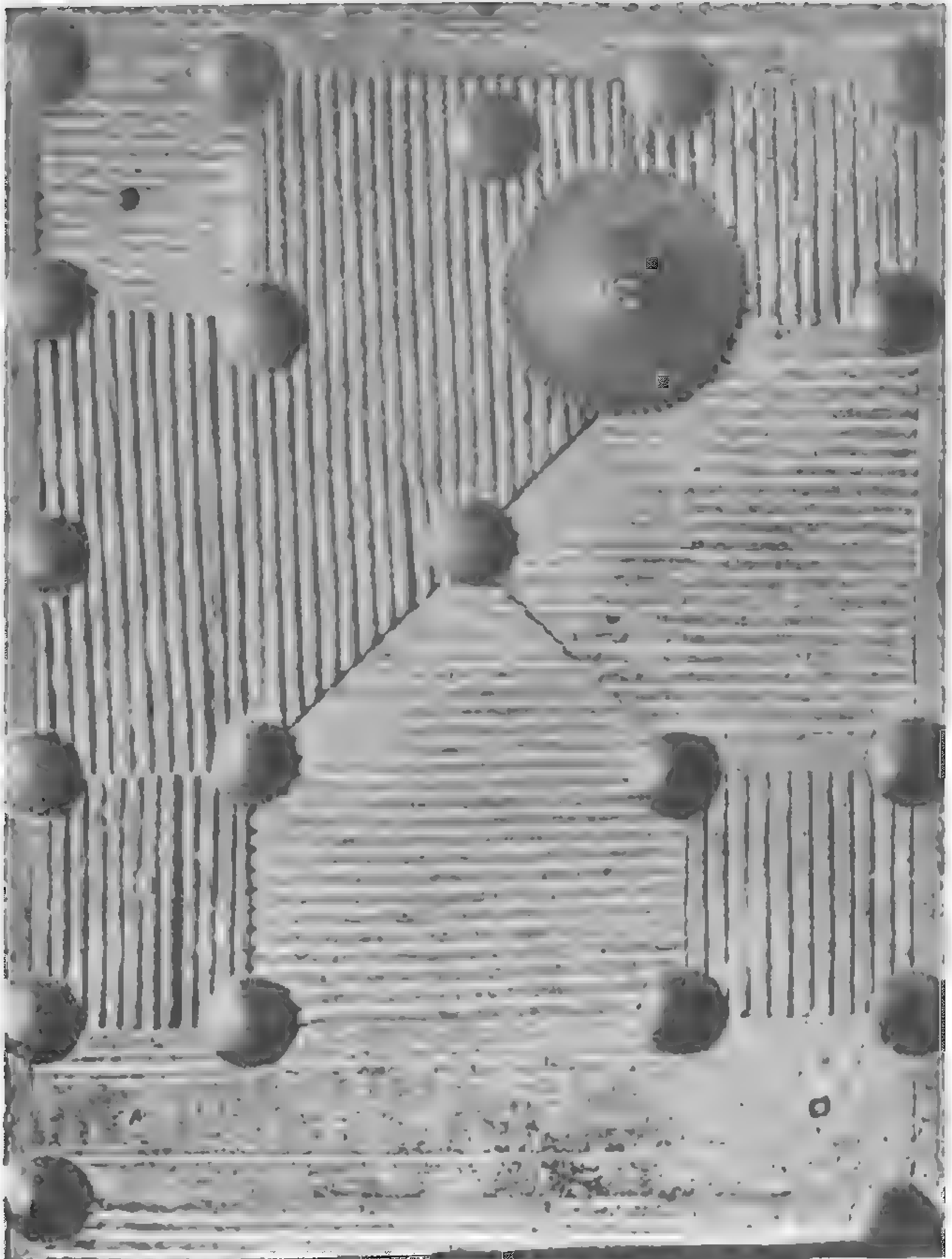


(عکس شمارهٔ ۱۵) گنبد وسقف لنه‌پوش
بقعهٔ امامزاده محمد وامامزاده هادی
نزدیک دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان





(عکس شمارهٔ ۱۶) آجرکاریهای ظریف ودرگاه ورودی بقعهٔ امامزاده محمد و
امامزاده عدی نزدیك دهکدهٔ شهشهیدان دیلمان



(عکس شمارهٔ ۱۷) قسمتی از لنگه در ورودی حرم بقعهٔ شاه‌شهیدان

در دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان.

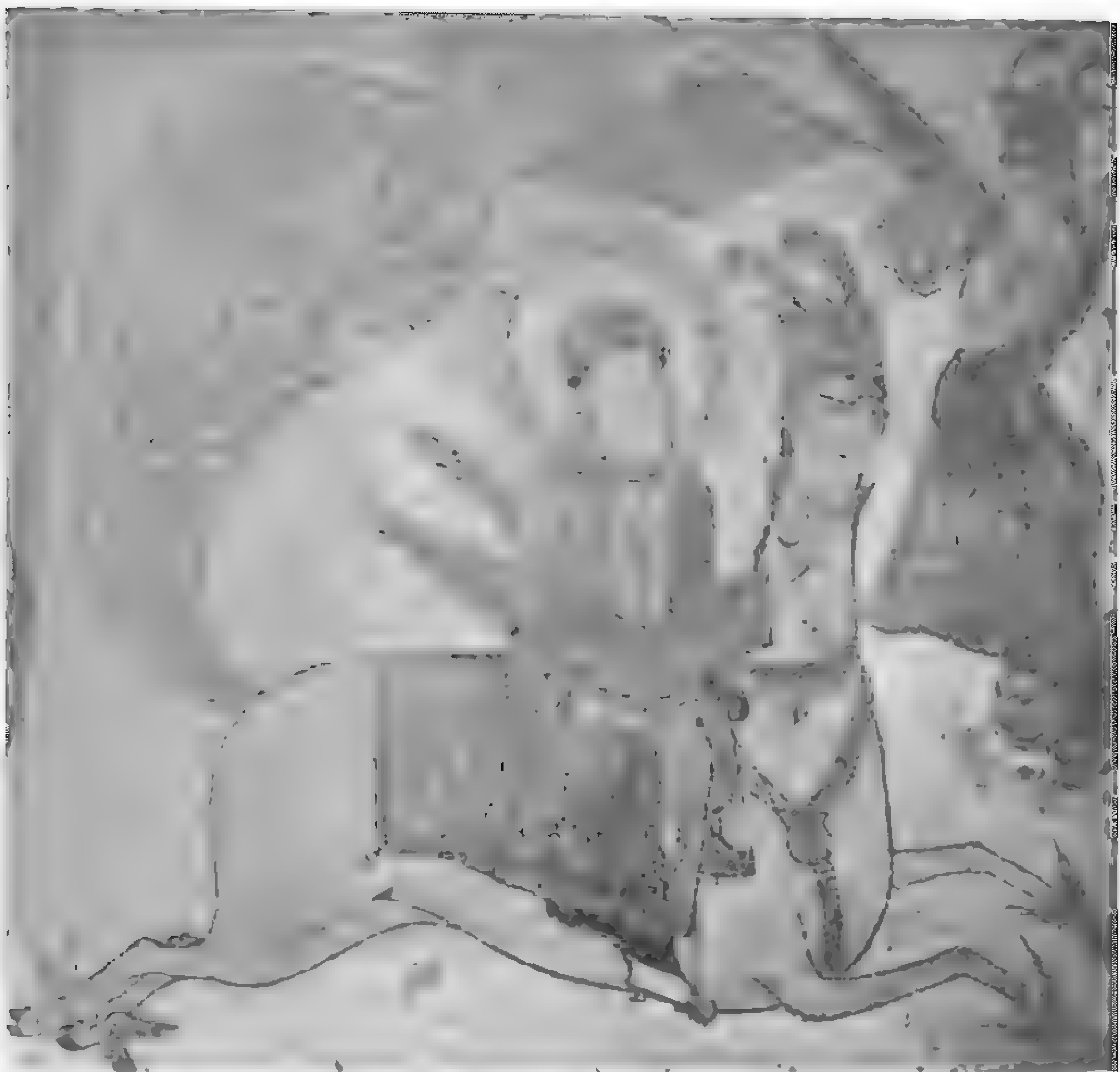
(عکس شمارهٔ ۱۸) مسجد بقعهٔ شه‌شهیدان ودرخت
ون کهنسال آن نزدیک دهکدهٔ شاه شهیدان دیلمان





(عکس شمارهٔ ۱۹) بقعهٔ باب‌ولی یا مدفن قادر پیغمبر در دهکدهٔ باب‌ولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۰) مجلس معراج پیغمبر بر دیوار
خارجی بقعهٔ باباولی در دهکدهٔ باباولی دیلمان





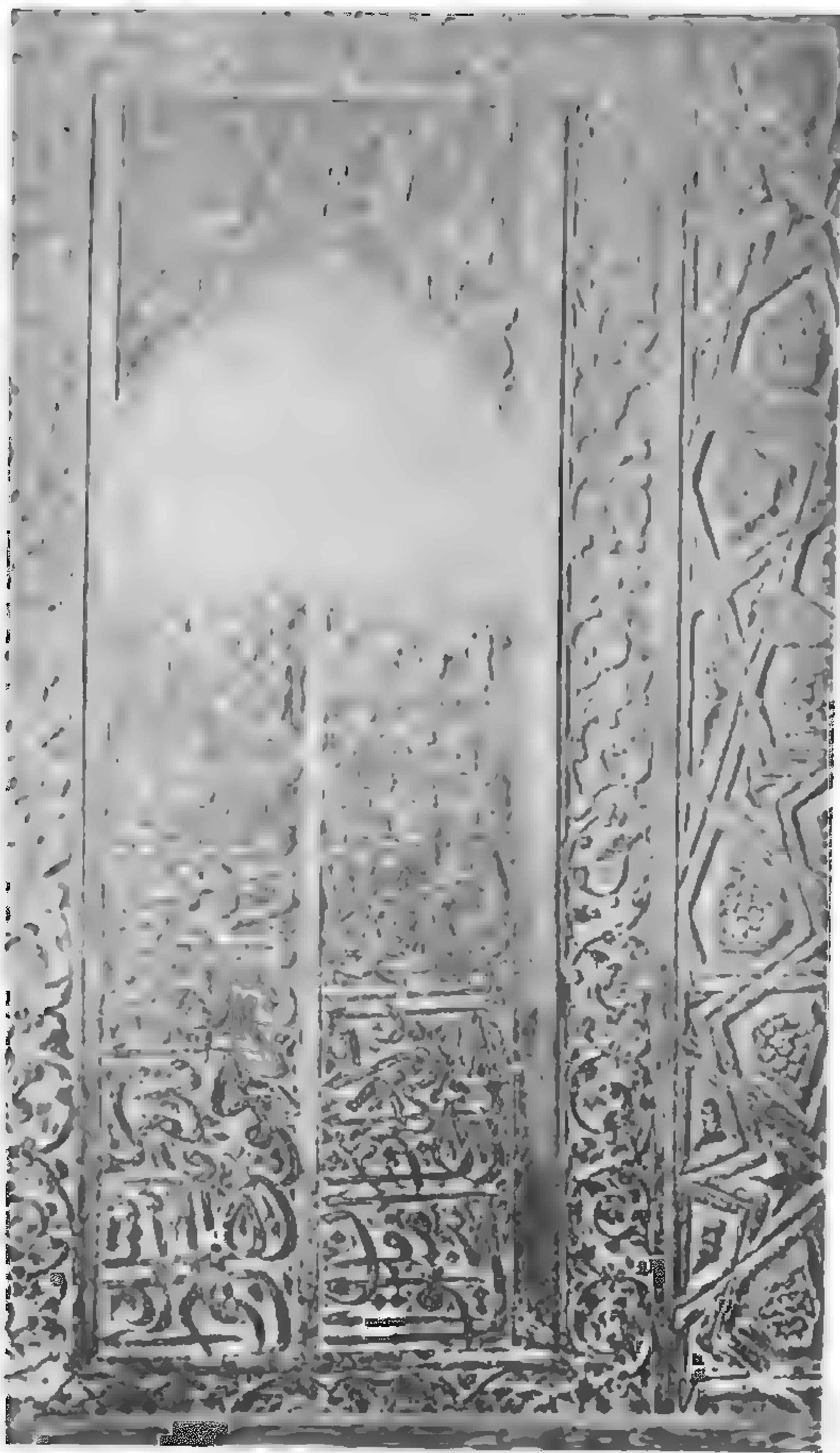
(عکس شمارهٔ ۲۱) مجلس ام‌لیلی وحضرت علی‌اکبر بردیوار خارجی بقعهٔ باباولی دردهکدهٔ باباولی دیلمان



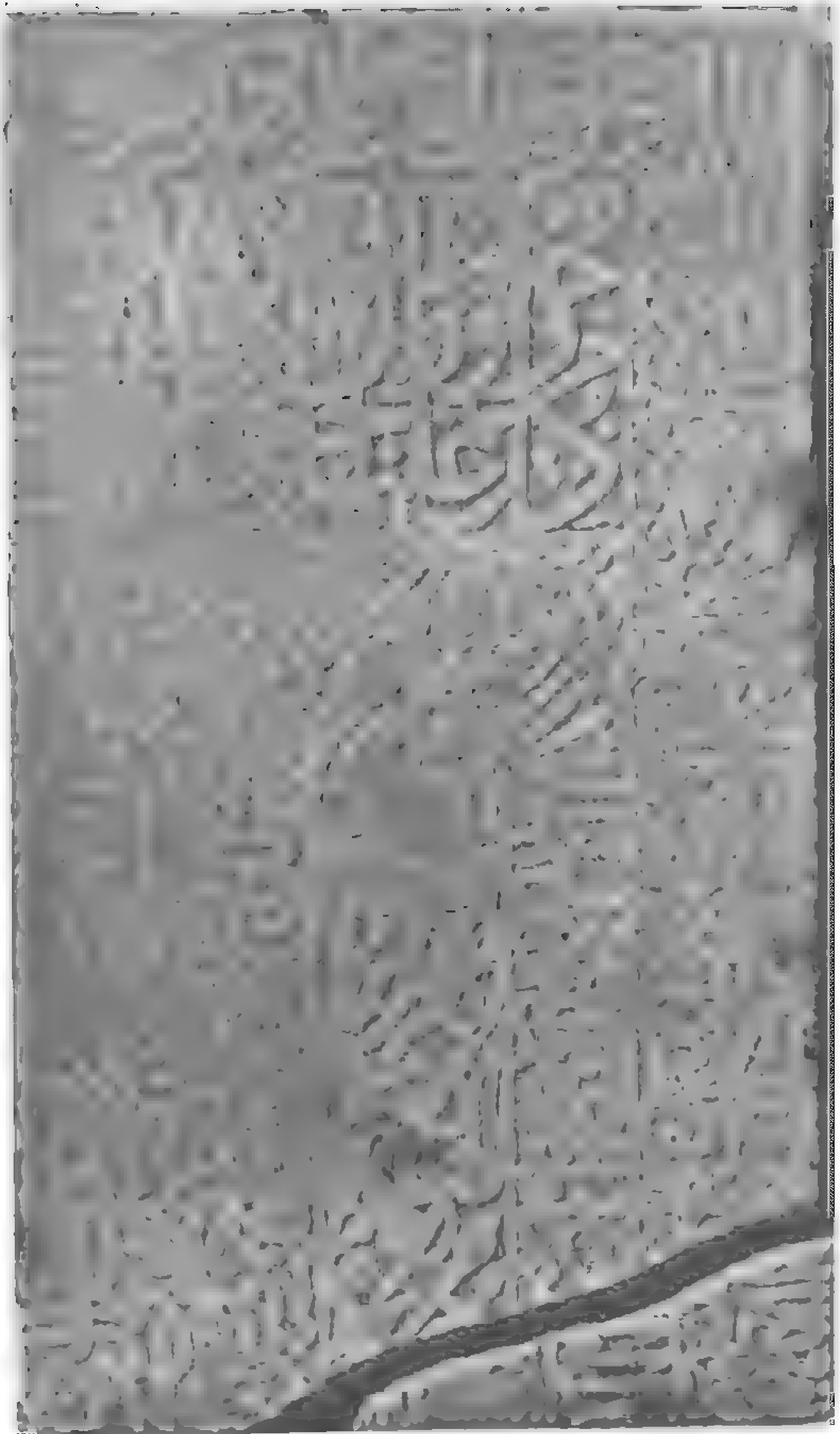
(عکس شمارهٔ ۲۲)قسمتی از کنده‌کاریهای صندوق بقعهٔ بابولی درده‌کدهٔ بباولی دیلمان



(عکس شمارهٔ ۲۳) قسمتی از کنده‌کاریهای صندوق بقعهٔ باباولی که روی تنکه‌های جداگانه است



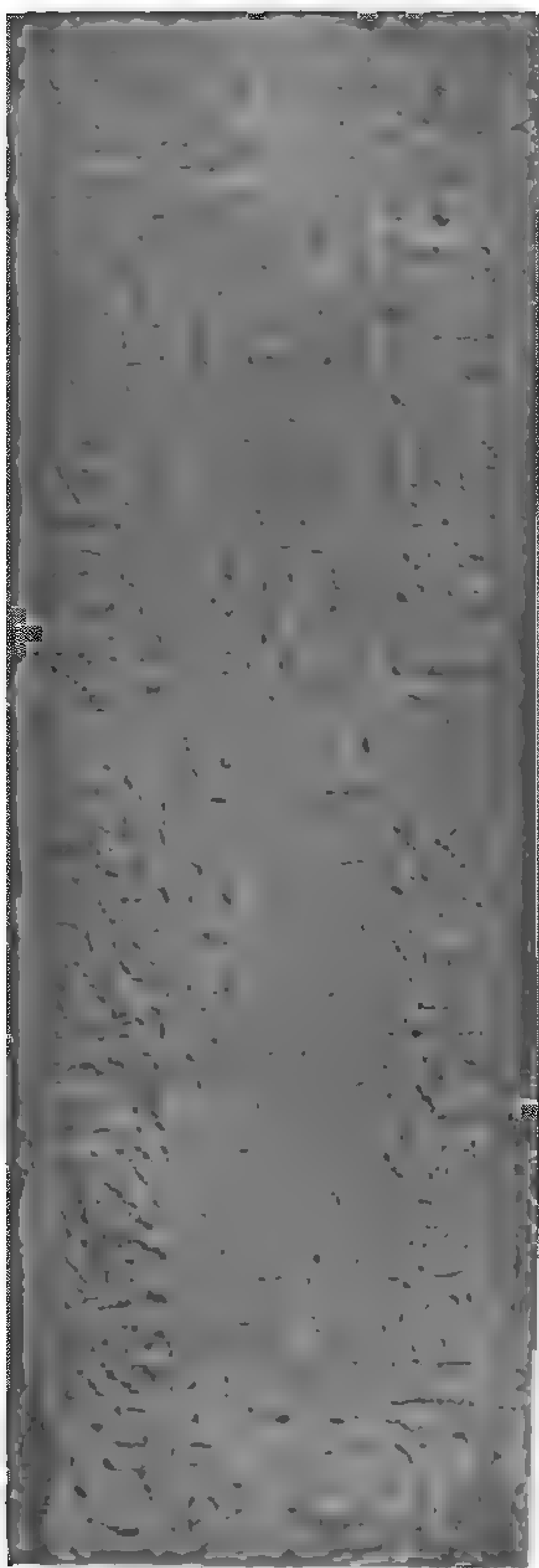
(عکس شمارهٔ ۲۴) دو بیت شعر که بر صندوق بقعهٔ باباولی کنده کاری شده است



(عکس شمارهٔ ۲۵) قسمت بالای سنگ قبر پیری‌بیک در باباولی دیلمان

(عکس شمارهٔ ۲۶)

قسمت پایین سنگ قبر پیری‌بیک در بابولی دیلمان



(عکس شمارهٔ ۲۷)

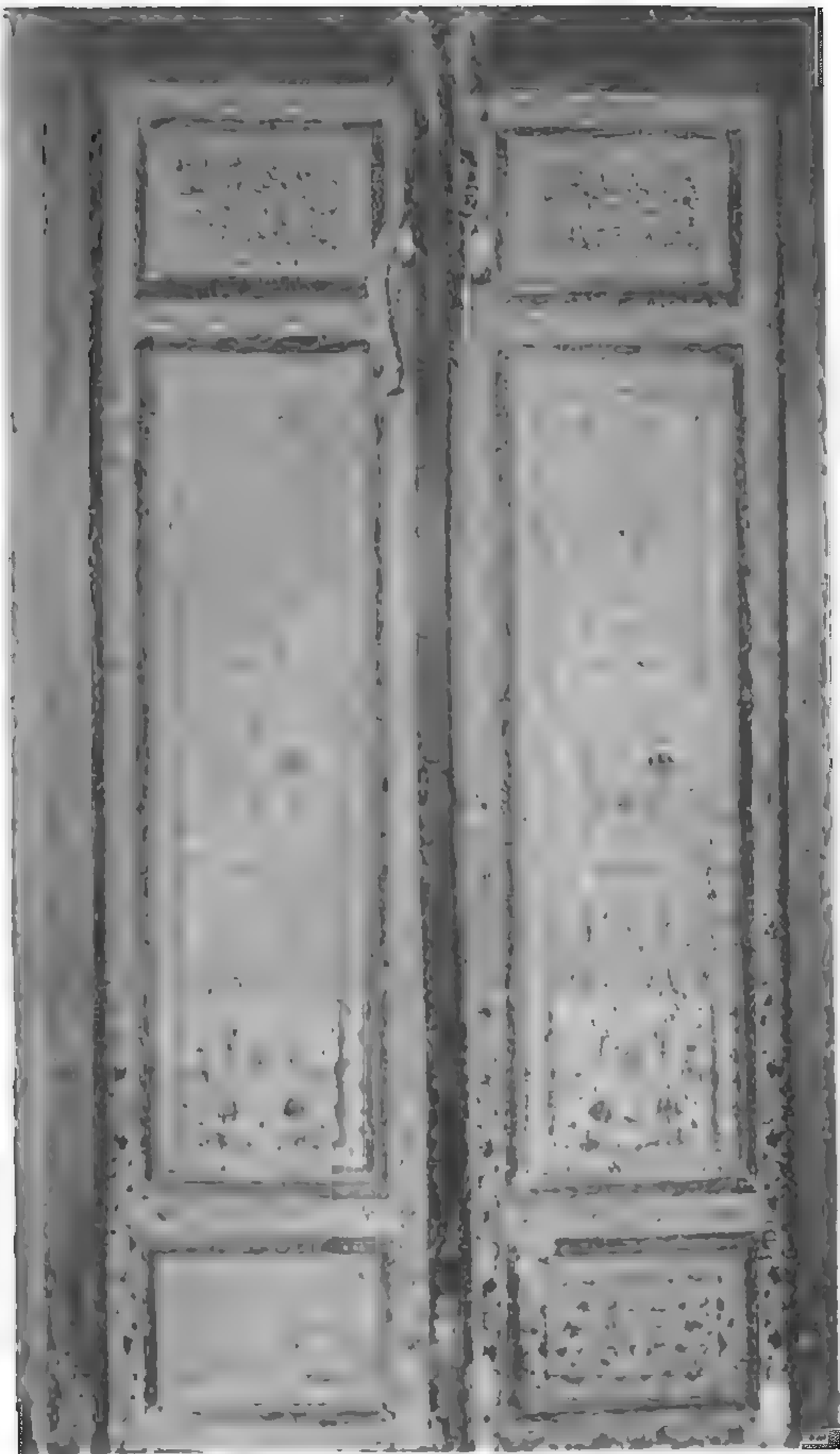
سنگ‌قبر نادعلی‌بیک خلیفه در بباولی دیلمان



(عکس. شمارهٔ ۲۸) قسمت بالای سنگ‌قبر ندعلی بیك خلیفه در باباولی دیلمان



(عکس شمارهٔ ۲۹) بقعهٔ امامزاده‌قاسم وامامزاده حمزه دردهکدهٔ کومس دیلمان



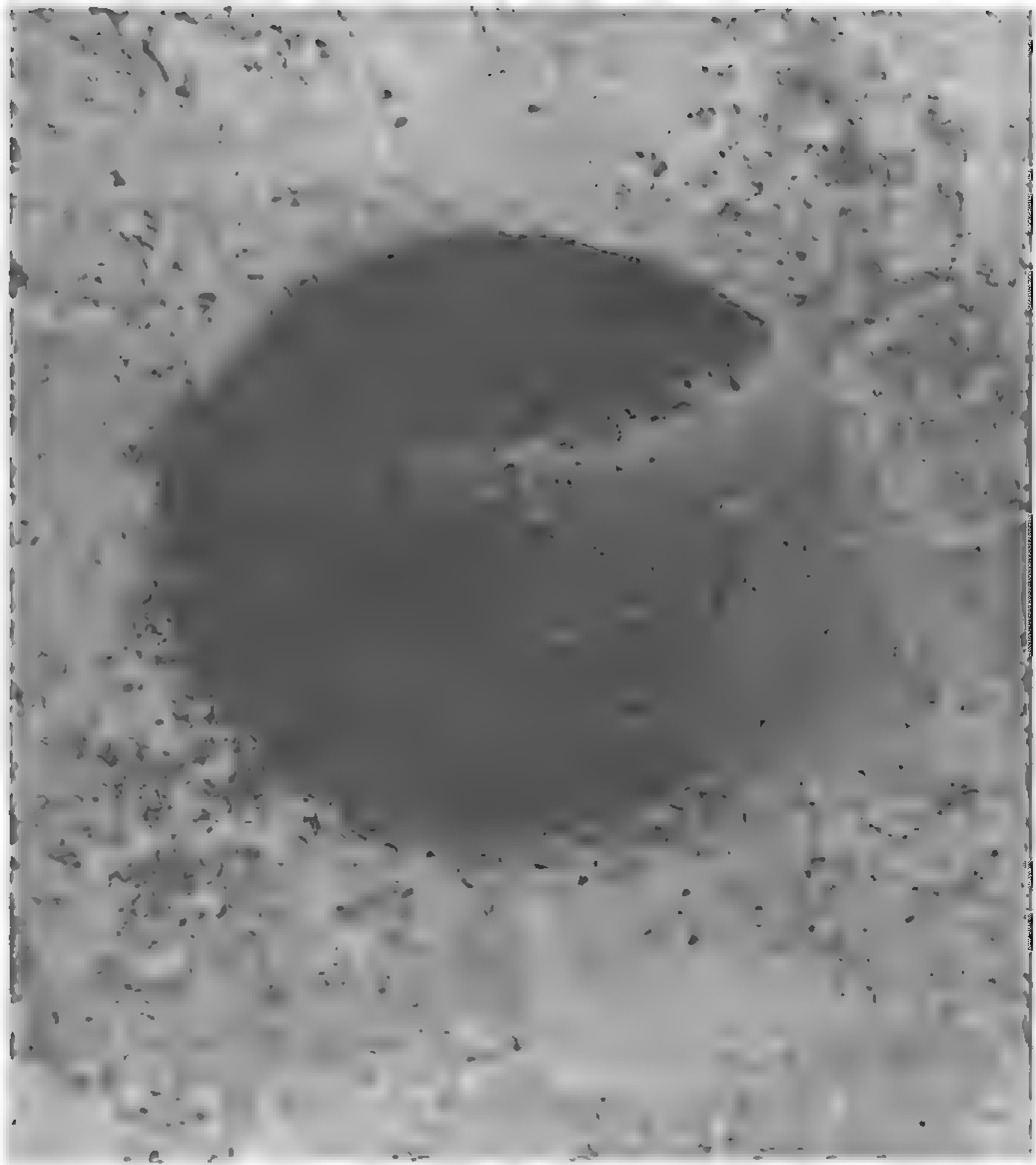
(عکس شمارهٔ ۳۰) در ورودی بقعهٔ امامزاده قسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان

(عکس شمارهٔ ۳۱) کتیبهٔ لنگهٔ سمت راست در ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان

(عکس شمارهٔ ۳۲) کتیبهٔ لنگهٔ سمت چپ در ورودی بقعهٔ امامزاده قاسم و امامزاده حمزه در دهکدهٔ کومس دیلمان



(عکس شمارهٔ ۳۳) بقعهٔ امامزاده هادی در دهکدهٔ میکال دیلمان



(عکس شمارهٔ ۳۴) یکی از آتشدانهای اراضی کشتزار دهکدهٔ نوروزمحلهٔ دیلمان



(عکس شمارهٔ ۳۵) بقعهٔ آقا سیدابراهیم

معروف به امامزاده تودار برفراز قلهٔ کوه تودار



(عکس شمارهٔ ۳۶) شاخهای گنج گاو بر درخت ون
درتودار که برسر آنها شاخ بزکوهی زده‌اند



(عکس شمارهٔ ۳۷) نمای خارجی دیوار غربی تی‌تی کارو نسرا

(عکس شمارهٔ ۳۸) درگاه ورودی تی‌تی کاروانسرا





(عکس شمارهٔ ۳۹) مدخل یکی از اطاقهای
زوایهٔ تی تی کاروانسرا وصفهٔ جلو مدخل با طاق چناقی آن

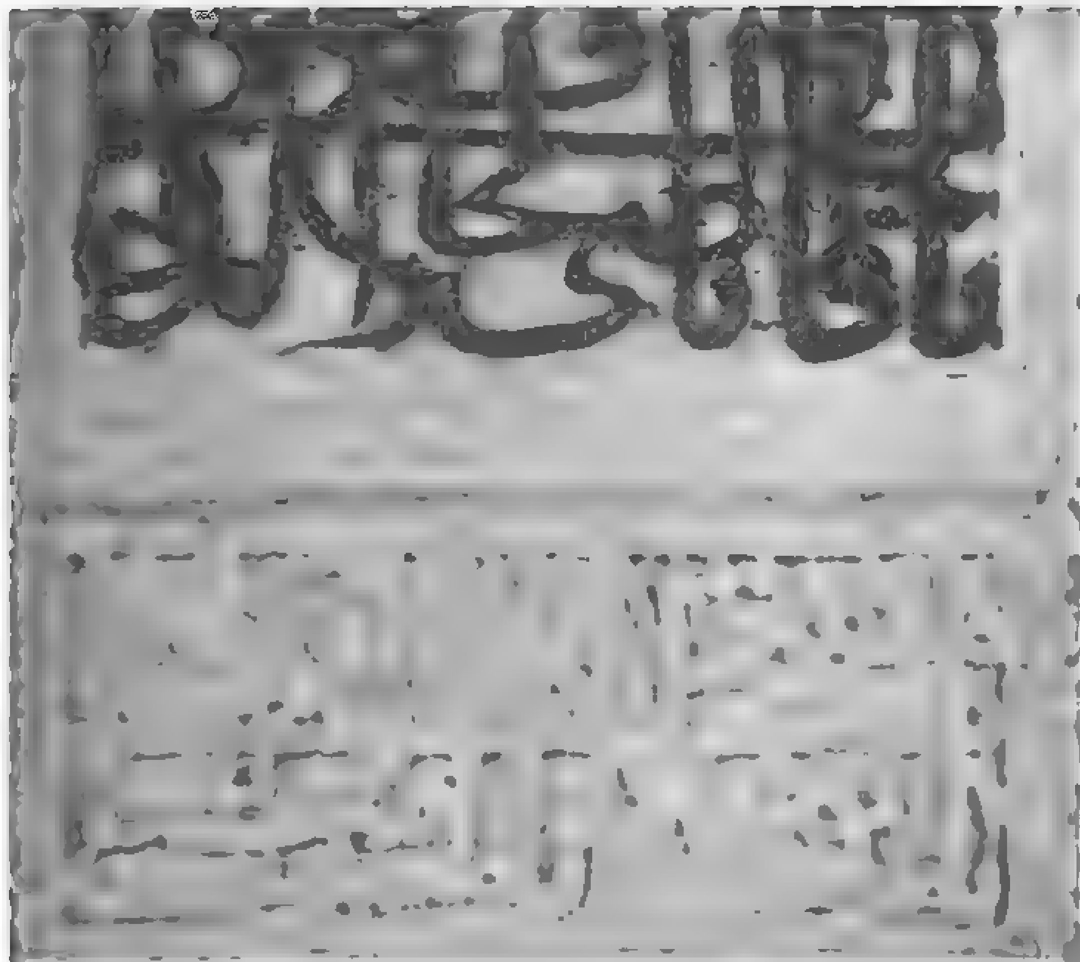


(عکس شمارهٔ ۴۰) صفه مقابل در ورودی تی‌تی کاروانسرا

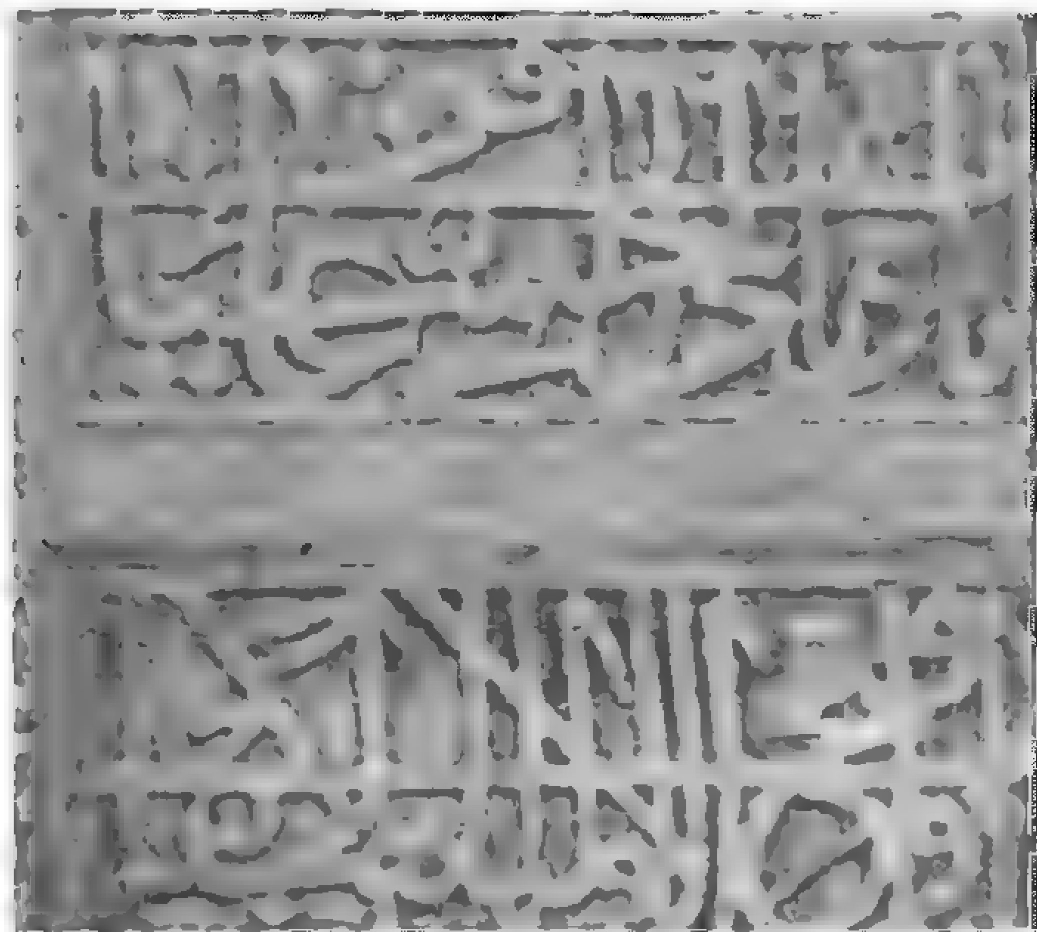


(عکس شمارهٔ ۴۱) طاق وصفهٔ مقابل در ورودی وطاق

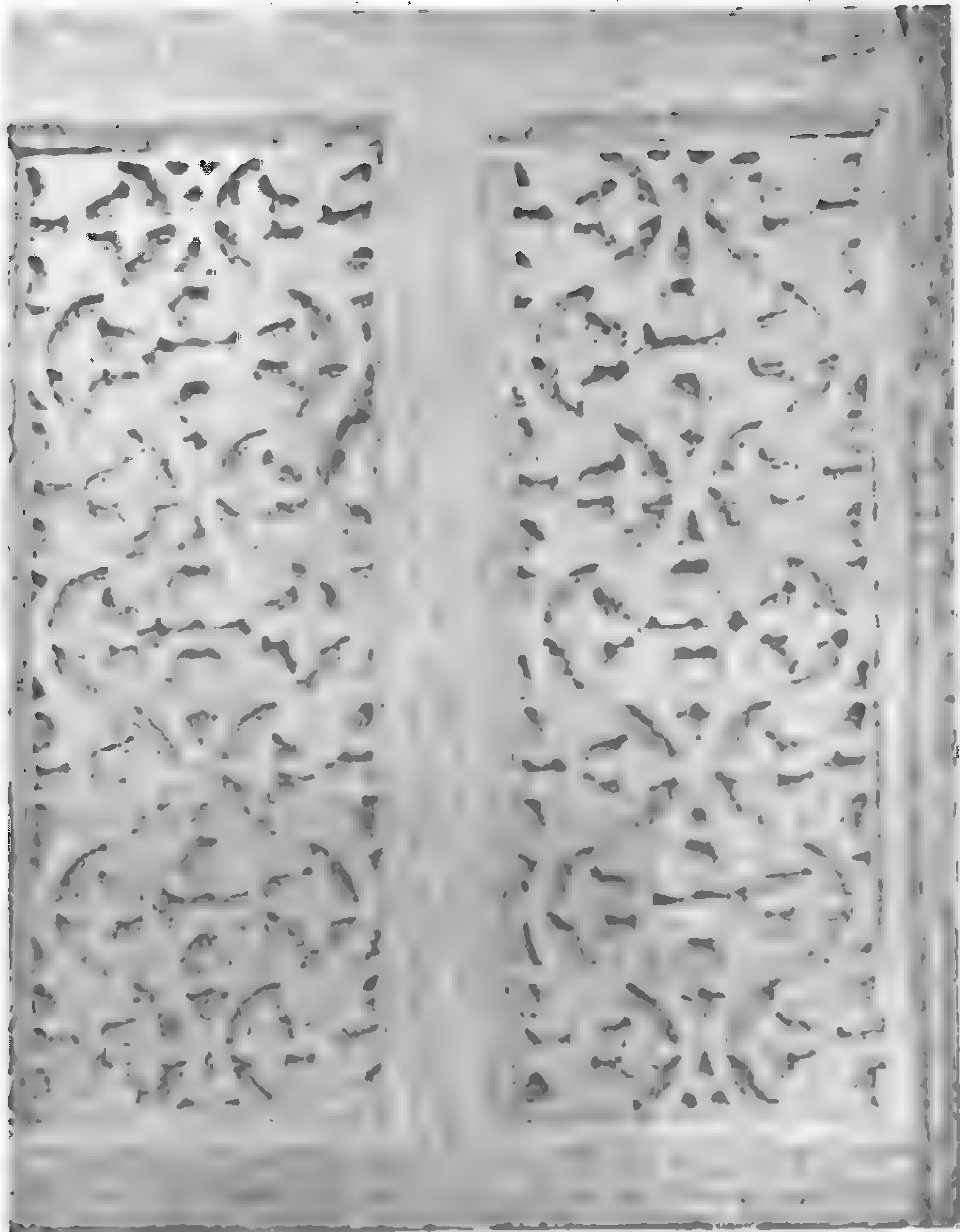
جلو در ورودی یکی ازاطاقهای زاویهٔ تی تی کاروانسرا



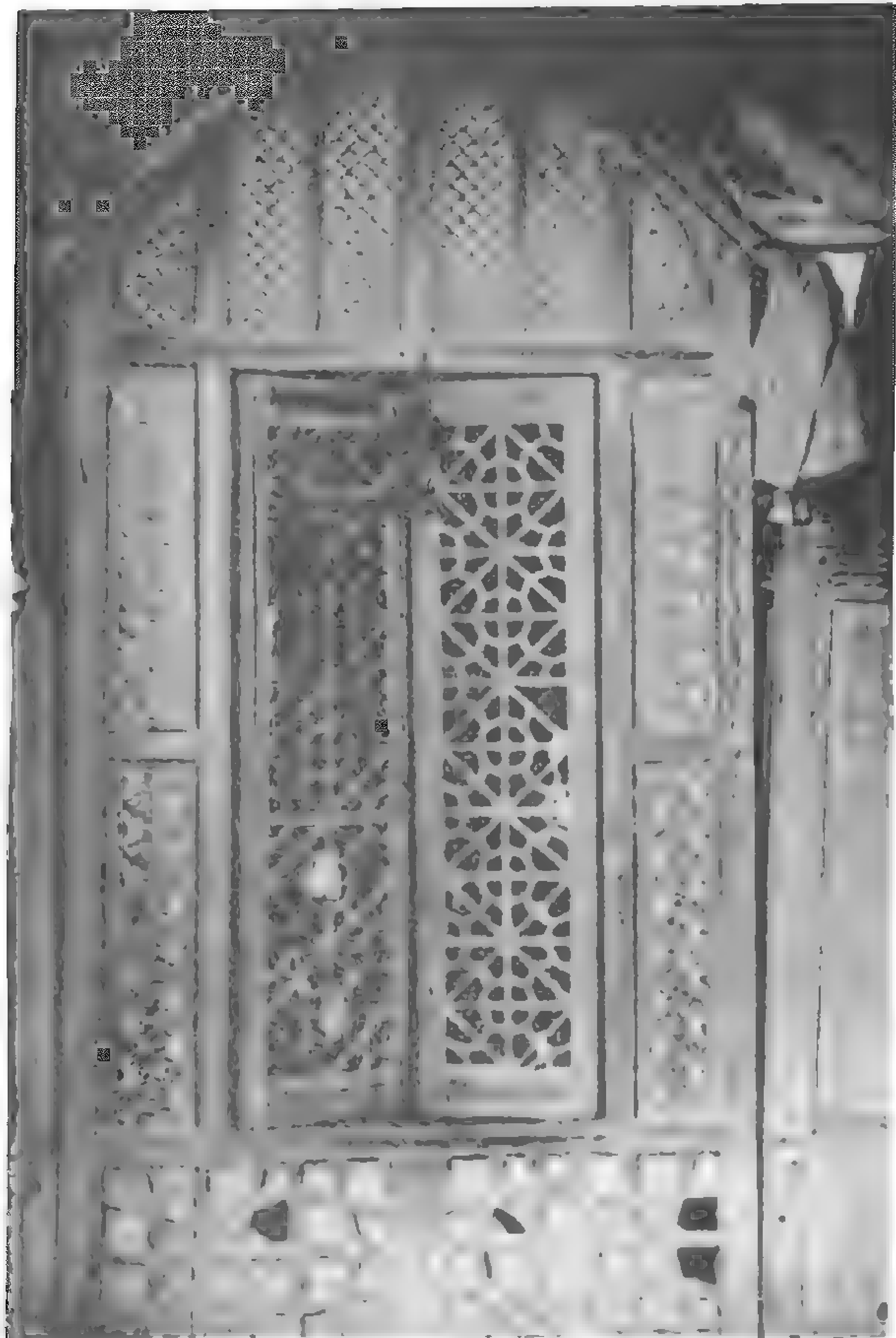
(عکس شمارهٔ ۴۲)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت راست در ورودی بقعهٔ آقاسیداسماعیل و آقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل که قسمت بالایی آن پررنگ شده است



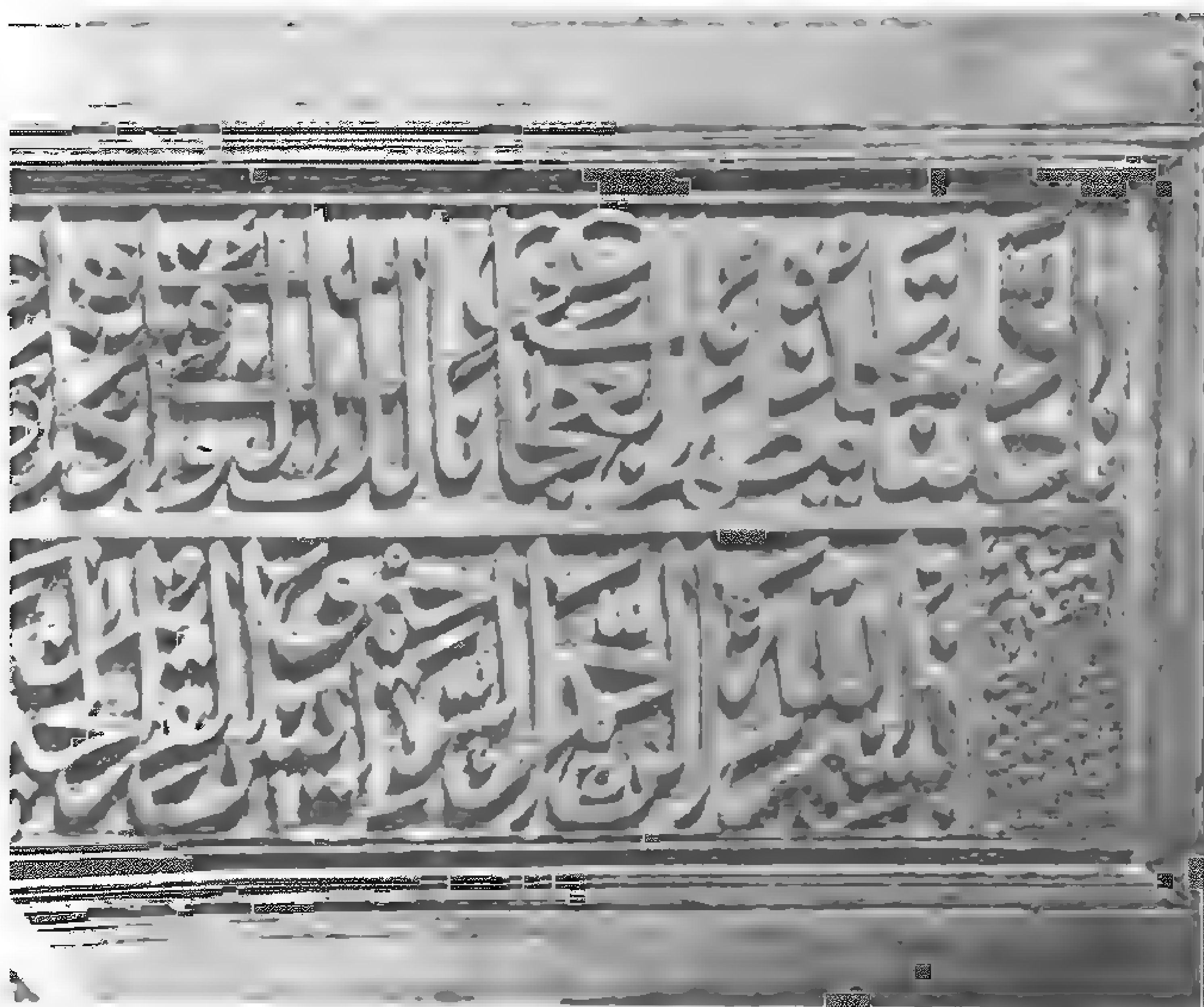
(عکس شمارهٔ ۴۳)
کتیبهٔ لنگهٔ سمت چپ در ورودی بقعهٔ آقاسید اسماعیل و آقا سید ابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل



(عکس شمارهٔ ۴۴) قسمتی از بدنهٔ یکی ازصندوقهای چوبین
بقعهٔ آقاسیداسمعیل و آقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل



(عکس شمارهٔ ۴۵)درمیان دوصندوق آقاسیداسماعیل وآقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل



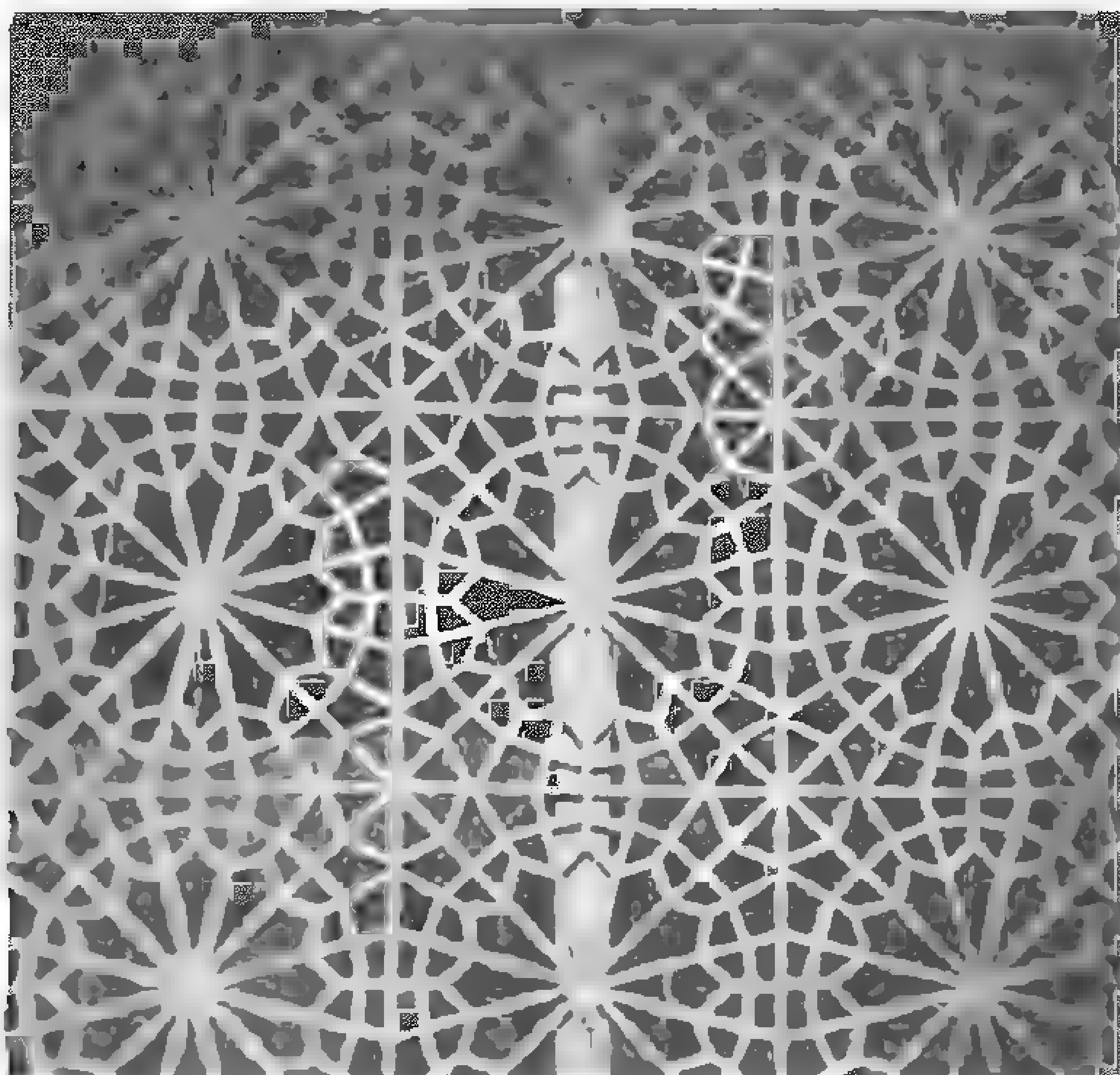
(عکس شمارهٔ ۴۶) بدنهٔ شمالی صندوق چوبی بقعهٔ
آقا سیداسماعیل و آقاسیدابراهیم درسیاهکل محلهٔ سیاهکل

(عکس شمارهٔ۴۷)
یکی از دو در ورودی بقعهٔ آقاسید محمدصالح
وآقاسید سلطان‌حسین درلمش مهر بن سیاه‌کل





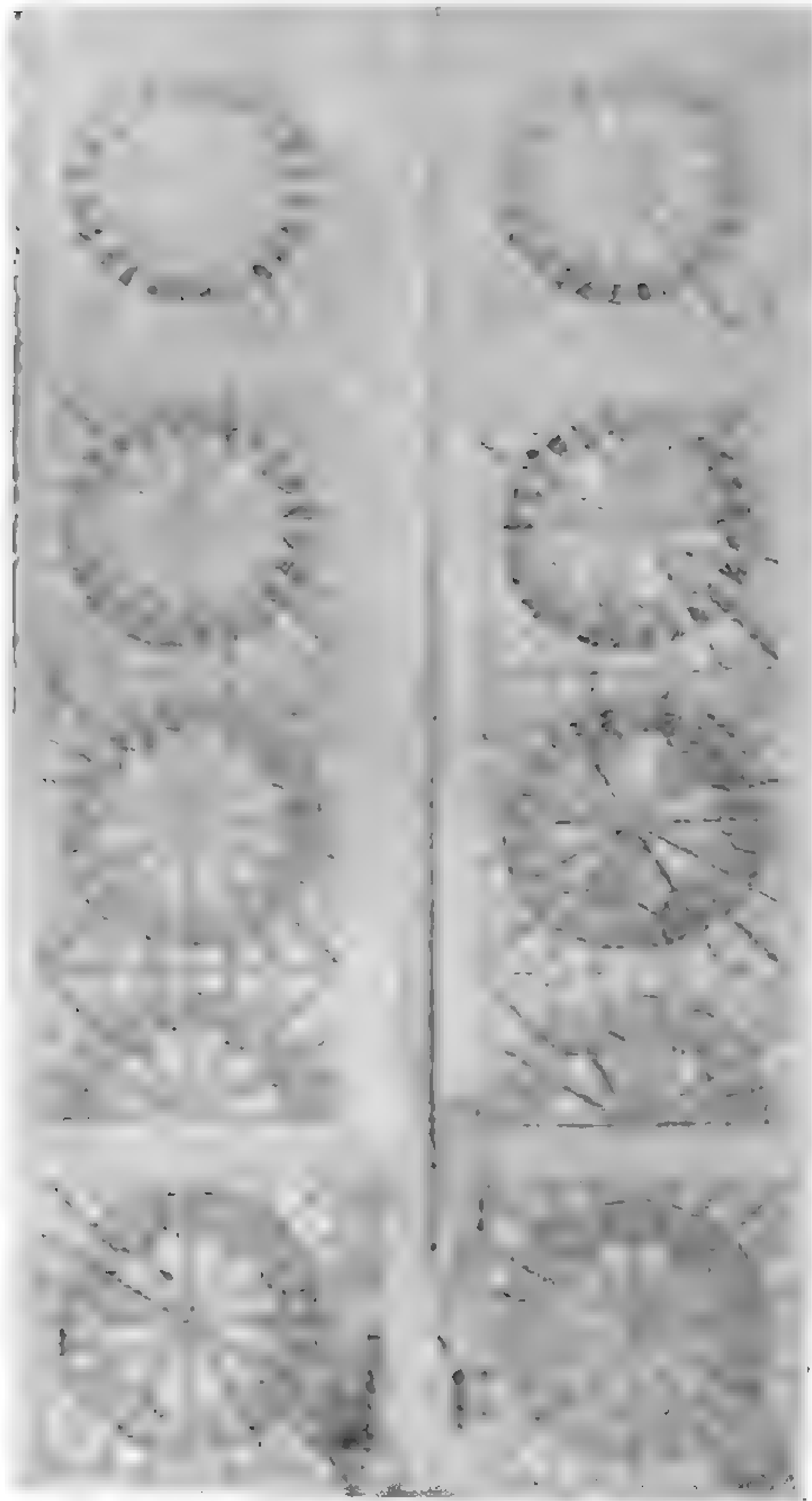
(عکس شمارهٔ ۴۸) محل قلعهٔ لمش که با + مشخص شده است



(عکس شمارهٔ ۴۹)
قسمتی از ضریح بقعهٔ آقاسید
حسن در ازبرم سیاهکل



(عکس شمارهٔ ۵۰) نمای خارجی زیارت دستخط امام زین‌العابدین علیه‌السلام در کلاسر سیاهکل



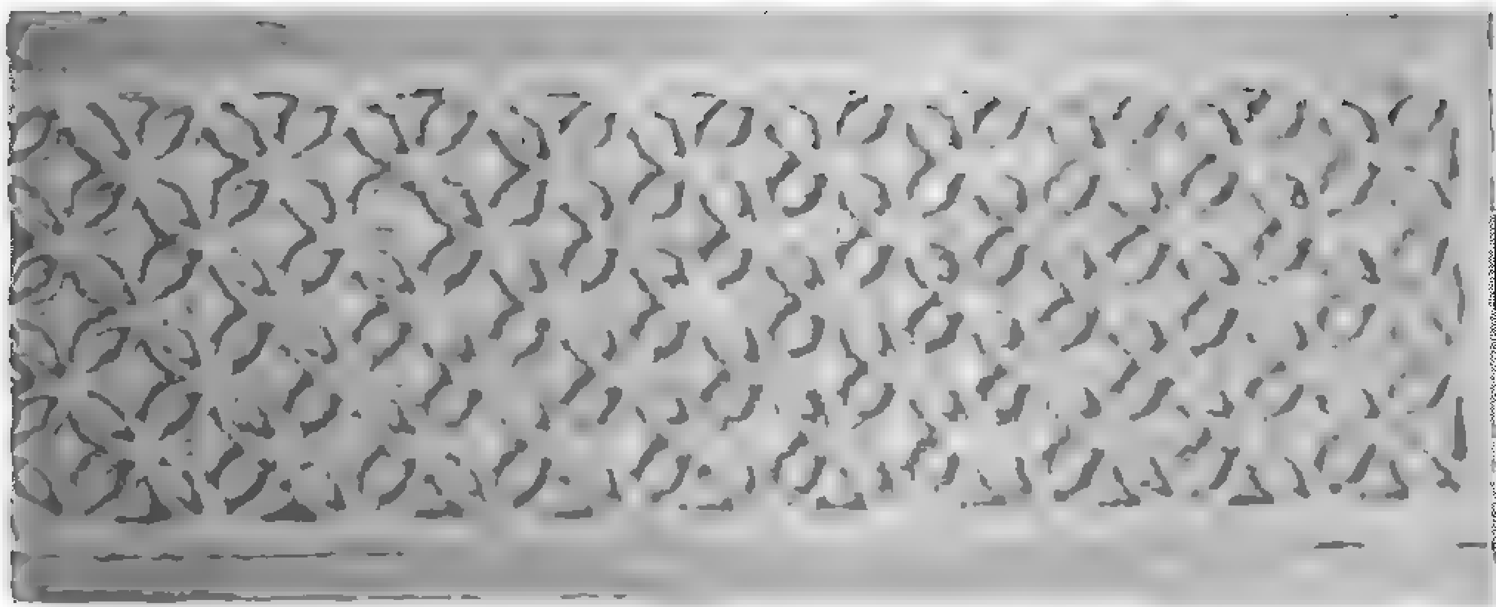
(عکس شمارهٔ ۵۱) یکی از درهای ورودی بقعهٔ آقاسیدمحمد و آقاسید محمود

دردهکدهٔ لشکریان سیاهکل



(عکس شمارهٔ ۵۲) نقش علمی بردیوار بقعهٔ آقا سیدمحمد وآقا سید محمود

در دهکدهٔ لشکریان سیاهکل



(عکس شمارهٔ ۵۳) خفتنگ گچ‌کاری بالای یکی از درهای بقعهٔ آقامیرشهید
در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۴) خفتنگ گچ‌کاری دیگری در بالای یکی از درهای بقعهٔ آقامیرشهید
در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۵) ضریح مشبک چوبی بقعهٔ آقا میرشهید در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۵۶) نقاشی بالای در ورودی بقعه آقا میرشهید در محلهٔ اردوبازار لاهیجان





(عکس شمارهٔ ۵۷) سنگ قبری در بقعهٔ
آقا میرشهید درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

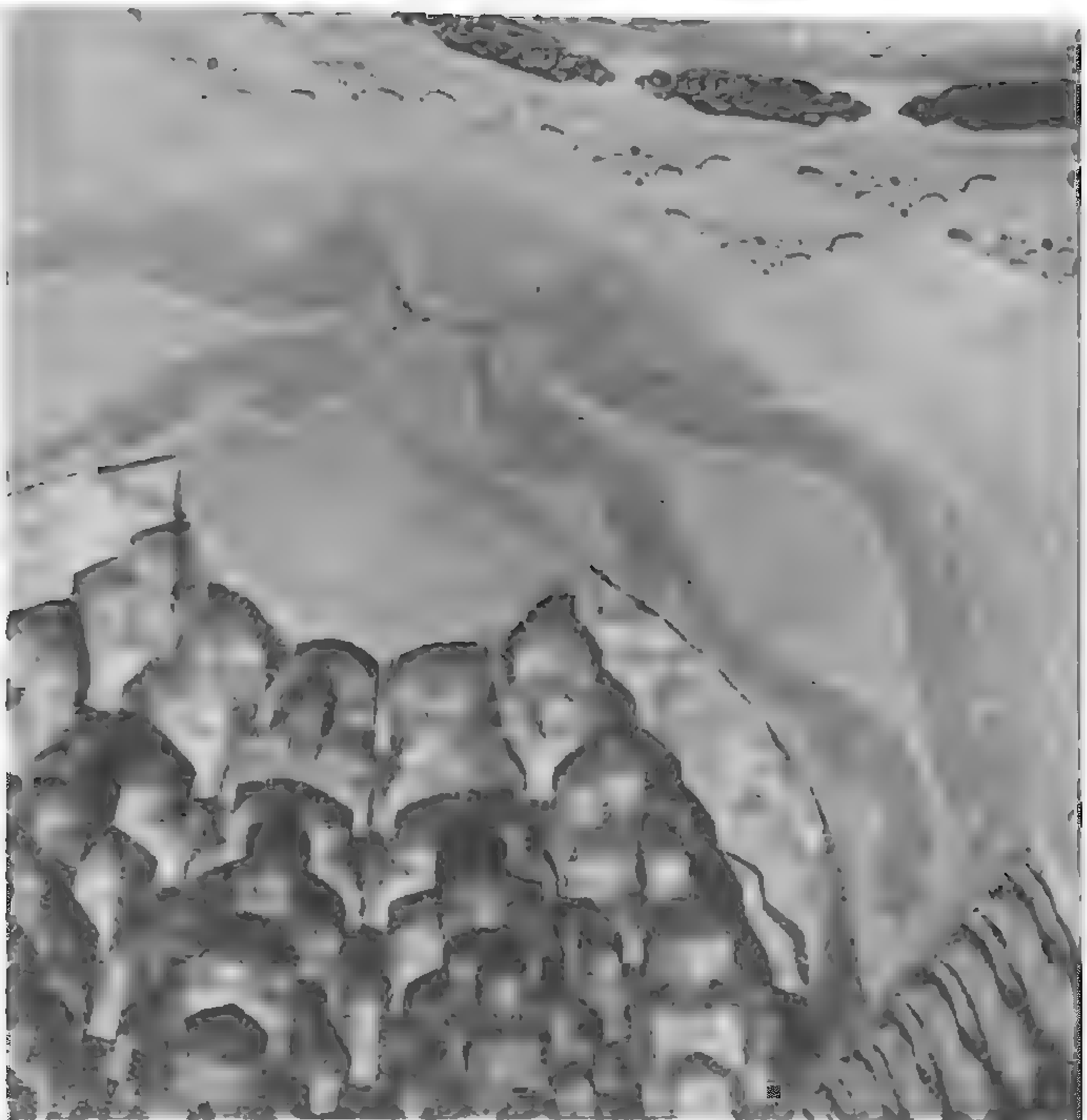


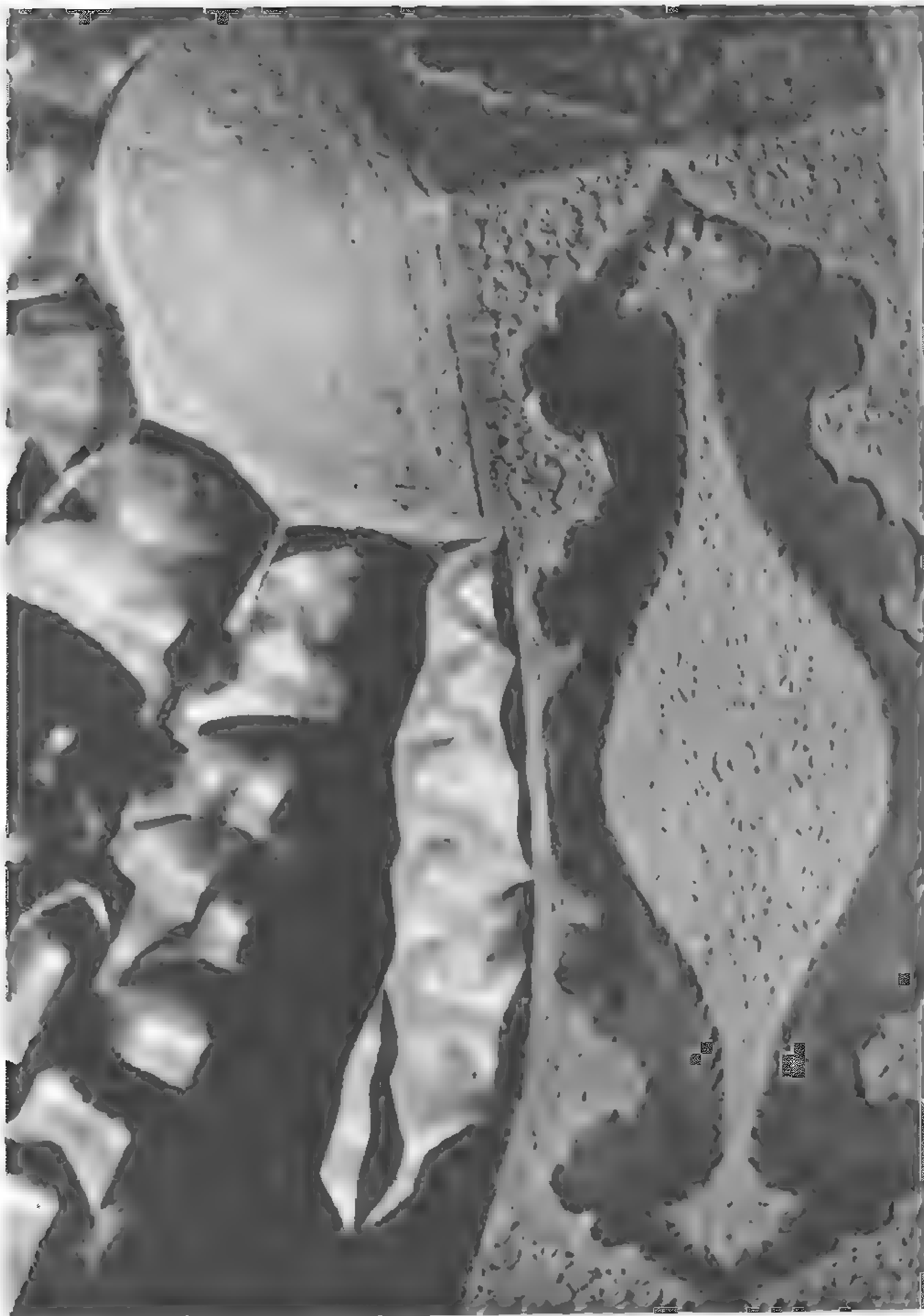
(عکس شمارهٔ ۵۸) حسینیه ومنبر چراغانی
آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

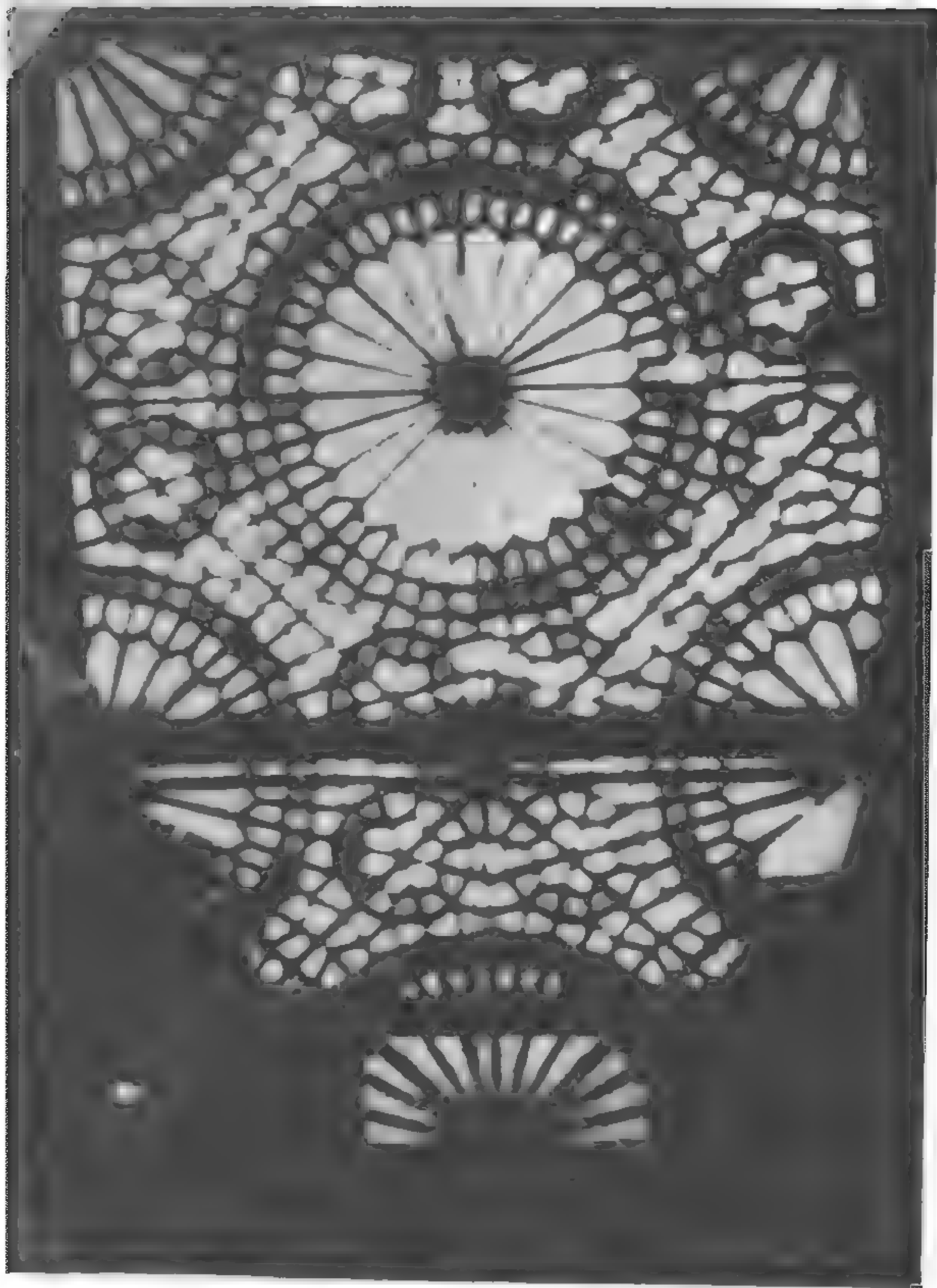


(عکس شماره ۵۹۹) نمای غرفه‌های داخلی بقعهٔ آقا میر شمس‌الدین در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۰) مقرنس سقف غرفه‌ی داخلی
بقعهٔ آقا میرشمس‌الدین   محلهٔ ردوبازار لاهیجان







(عکس شمارهٔ ۶۲) خفنگ مشبک چوبین باشیشه‌های رنگین بالای در ورودی
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۱) گچ بریهای هلال‌طاق غرفه‌های داخلی
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین درمحلهٔ اردوبازار لاهیجان



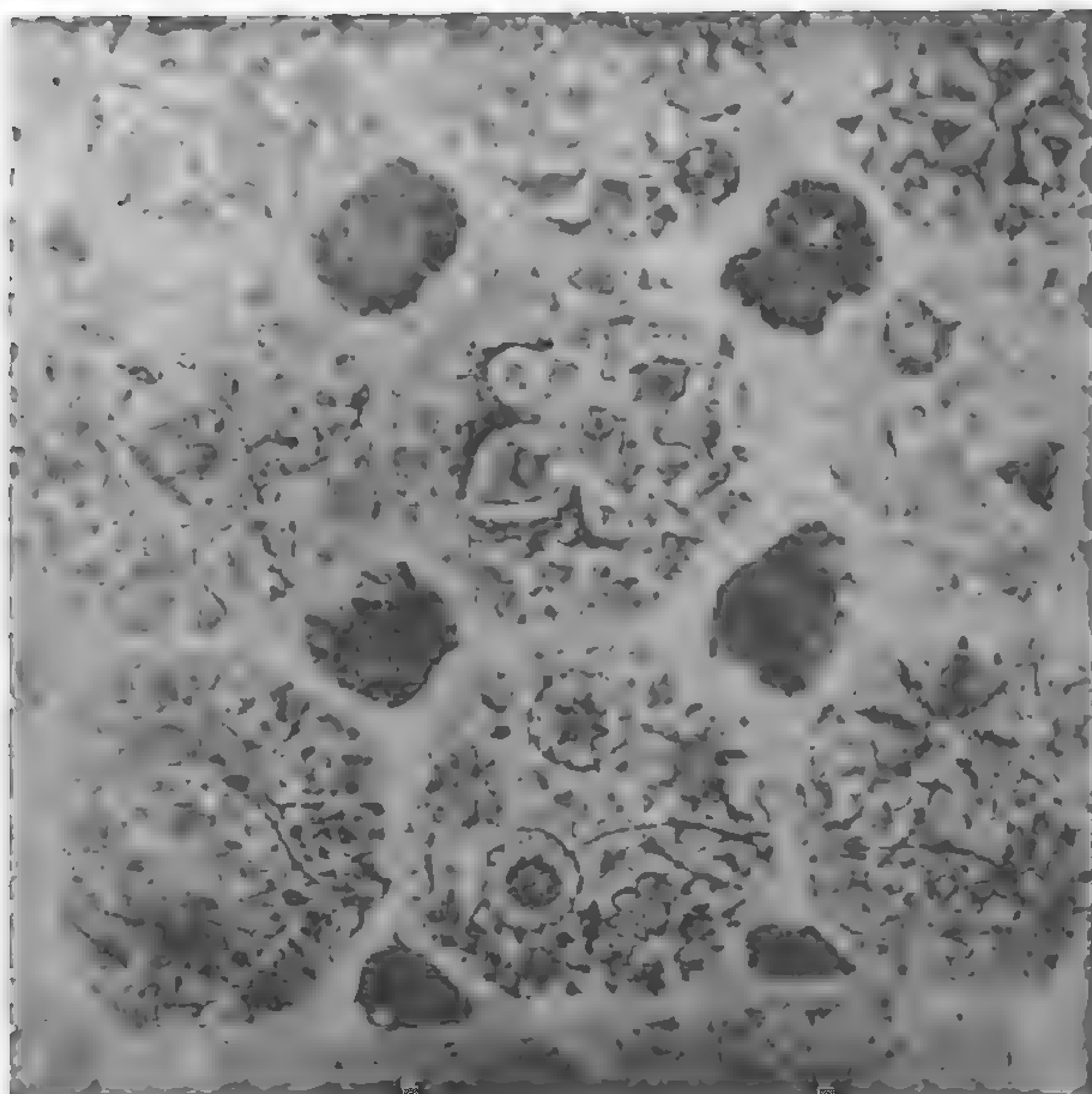
(عکس شمارهٔ ۶۴) بنای اصلی بقعه وقیلپ‌های ایوان
بقعهٔ آقامیرشمس‌الدین در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۶۵) ضریح مشبک چوبین بقعهٔ
آق میرصادق در محلهٔ اردوبازار لاهیجان

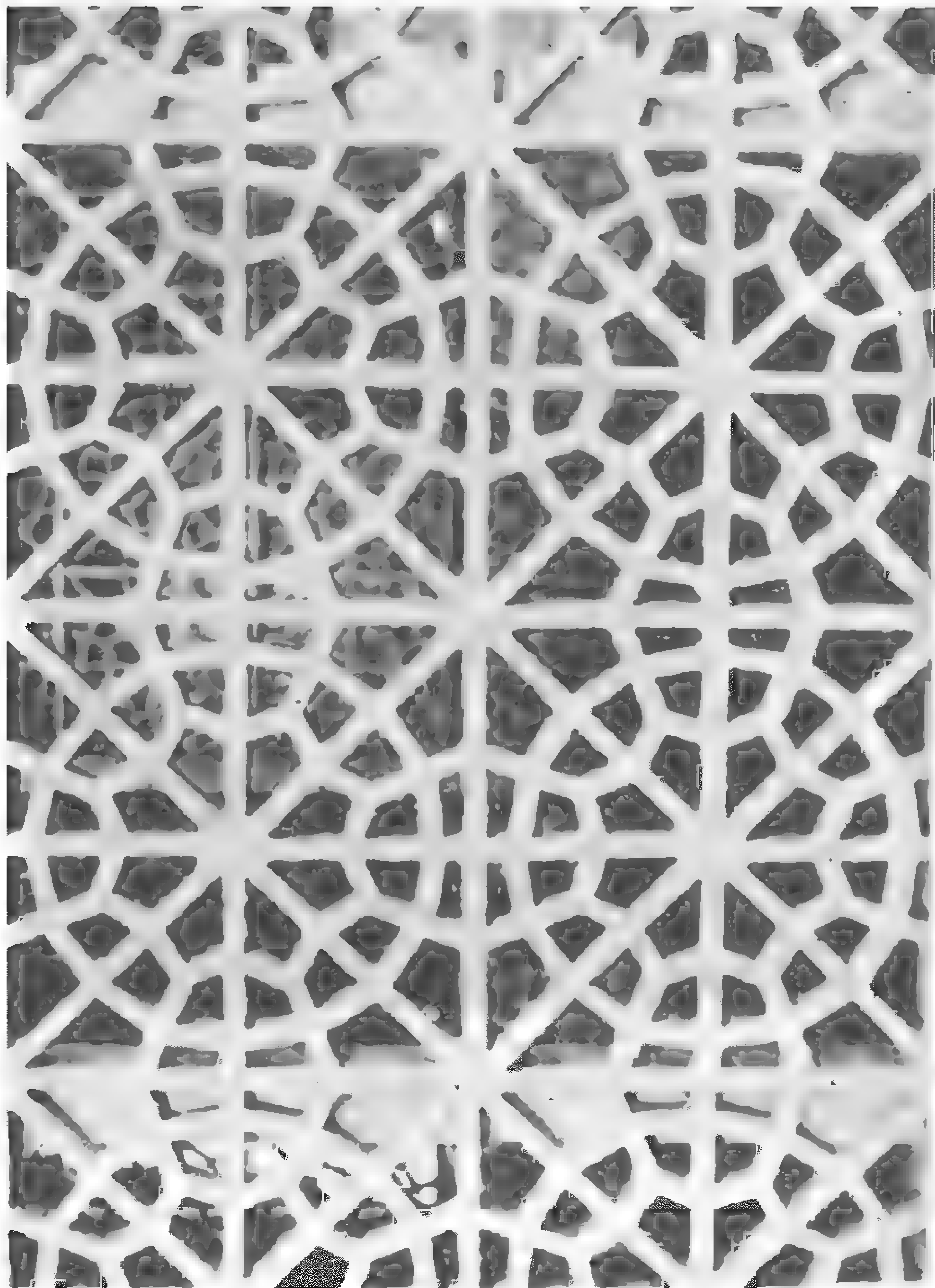
(عکس شمارهٔ ۶۴) نمونه‌ای از نقشهای ایوان بقعهٔ حسن بگ دشت
در محلهٔ اردوبازار لاهیجان



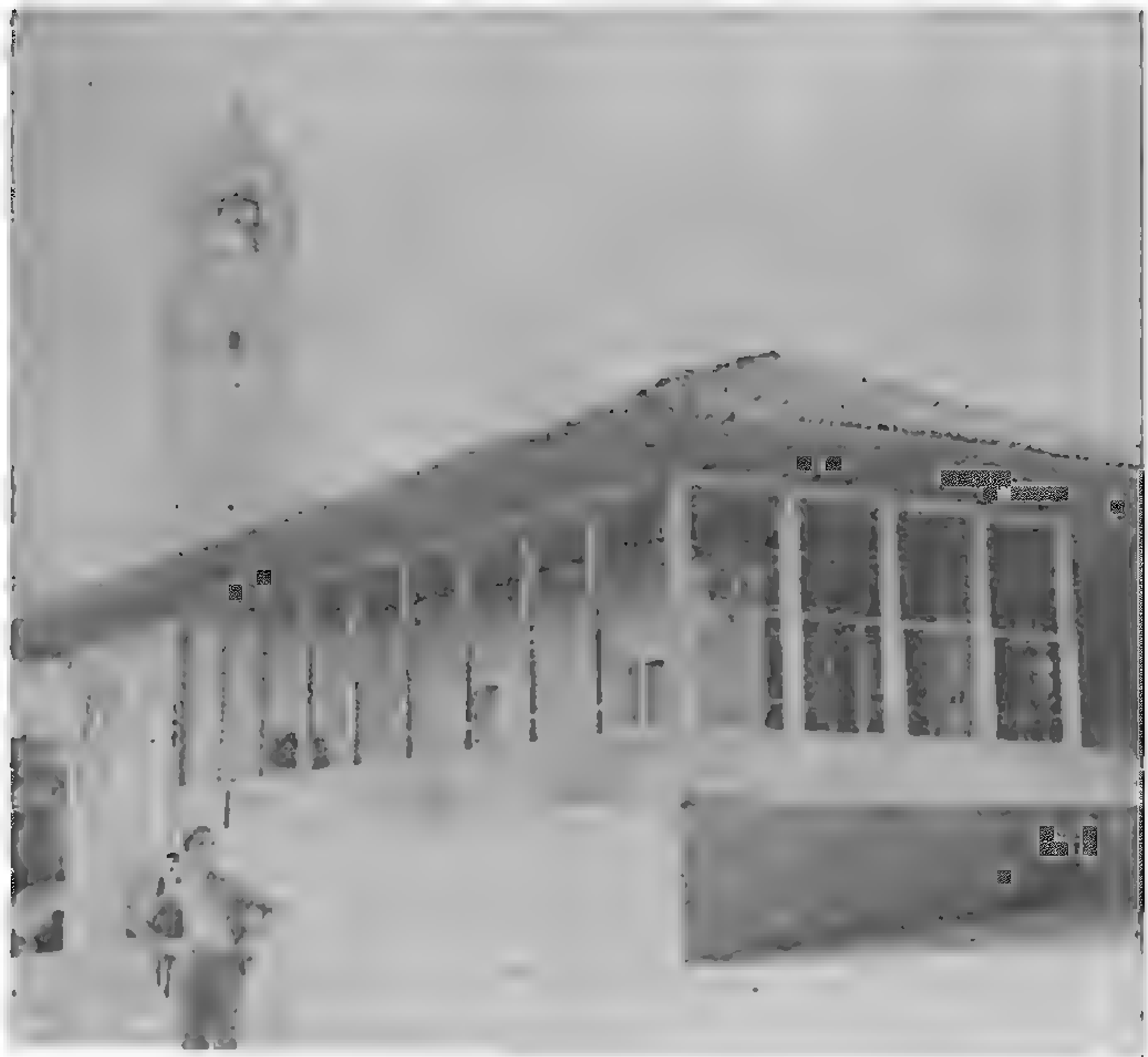
(عکس شمارهٔ ۶۶) بنای اصلی بقعهٔ ملاعاقل (عاقله) درمحلهٔ پردسر لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۶۷) نمونه‌ای ازکاشیهای روی قبرملاعاقل درمحلهٔ پردسر لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۶۸) ضریح چوبین بقعهٔ آقا سیدمحمدیمنی‌در قبرستان عمومی محلهٔ پردسر لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۶۹) بنای اصلی مسجد شعرباقان درشهر لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۷۰) محراب وقسمتی از نمای داخلی مسجد اکبریهٔ لاهیجان

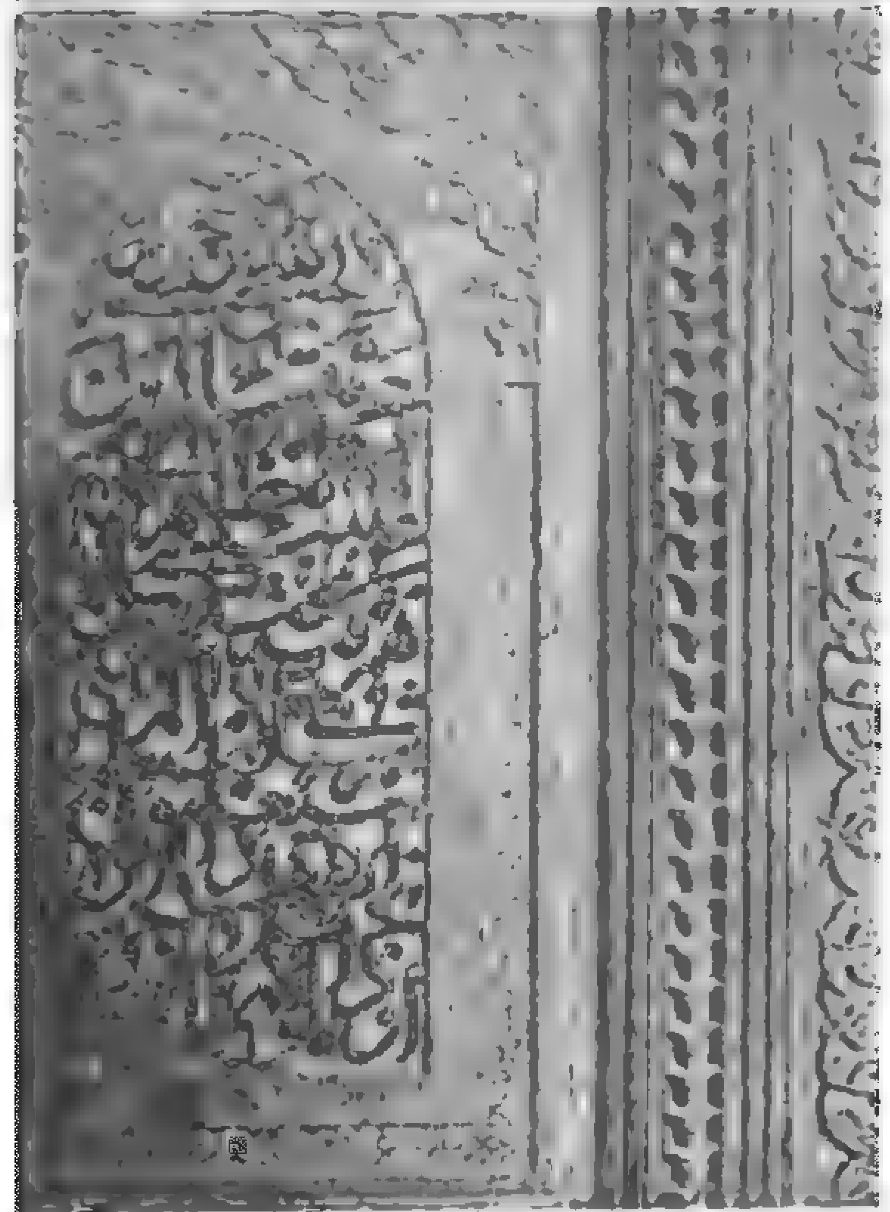


(عکس شمارهٔ ۷۱) محراب کاشی‌کاری مسجد اکبریهٔ لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۷۲) گلدستهٔ قدیمی مسجد اکبریهٔ لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۷۳) بدنهٔ شمالی صندوق چوبین اطاقی جداگانه درشرق بنای چهار پادشاه در شهر لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۷۴) کتیبهٔ وسط صندوق چوبین طاق جداگانه در شرق بنای چهار پادشاه در شهر لاهیجان

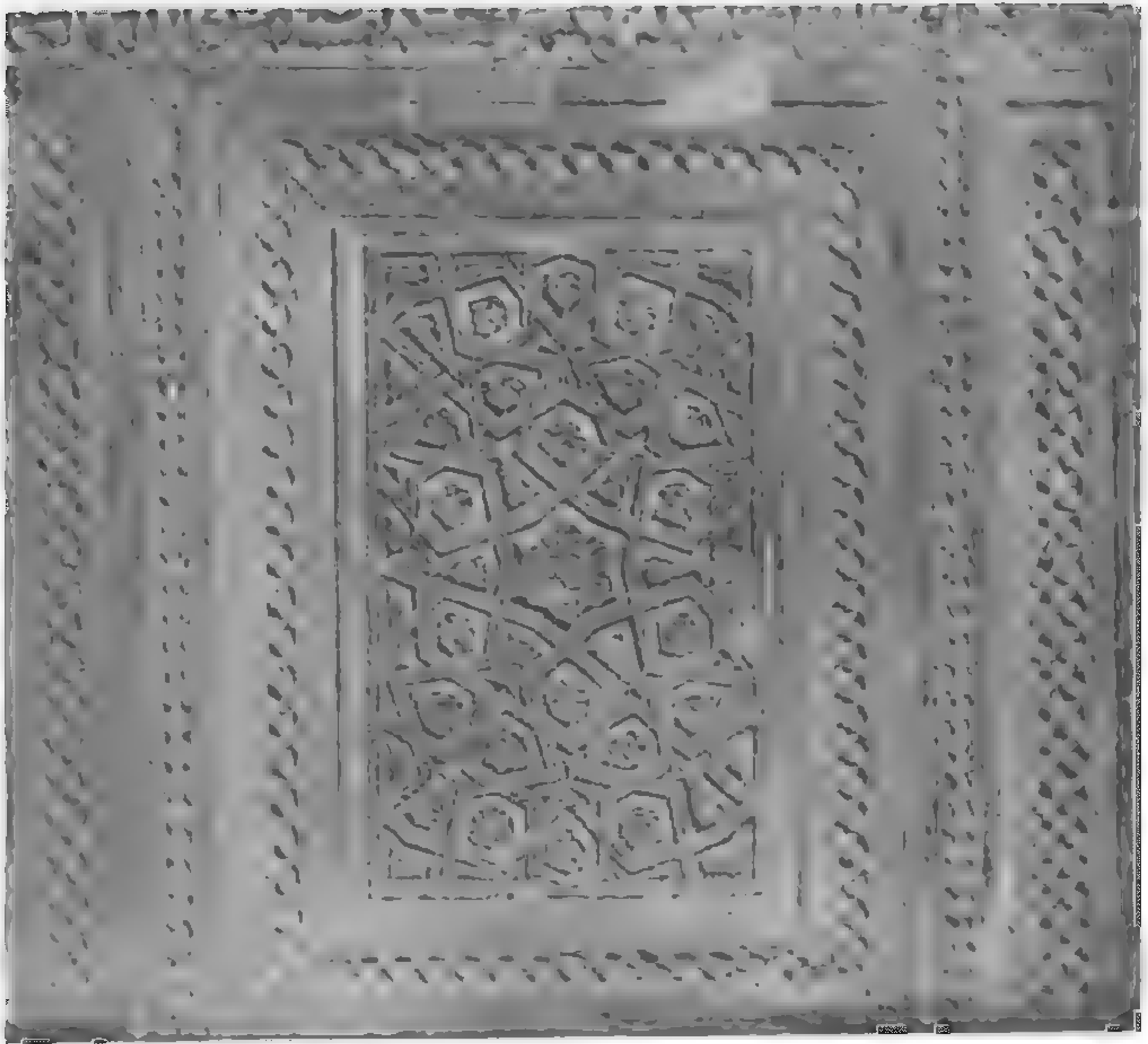


(عکس شمارهٔ ۷۵) قسمتی از بدنهٔ شمالی صندوق چوبین اتاق اول چهارپادشاه
در شهر لاهیجان



(عکس شماره ۷۶) بدنهٔ شمالی صندوق چوبین

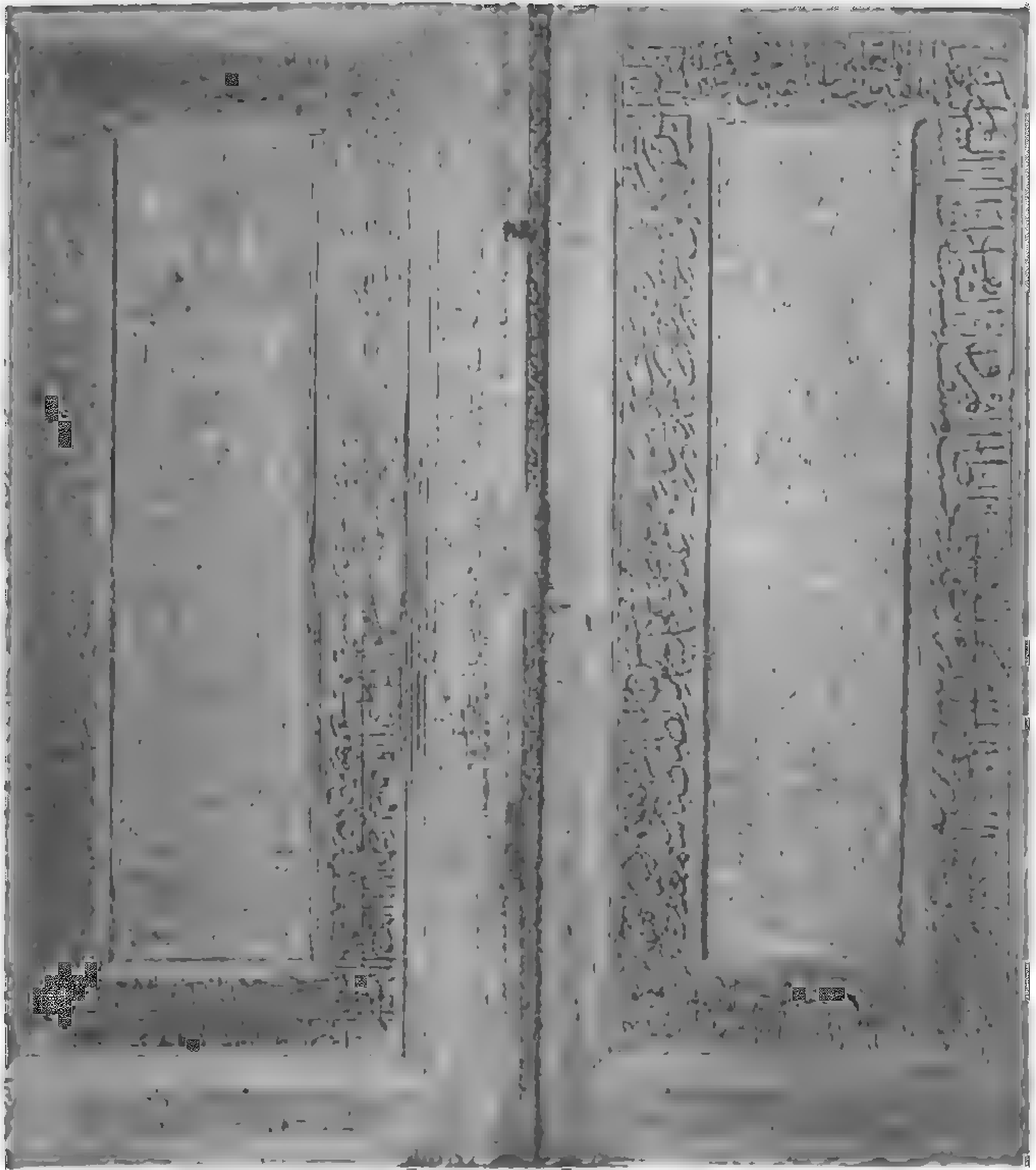
مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا در چهارپادشاه لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۷۷) بدنهٔ شرقی صندوق چوبین مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا
درچهرپادشاه لاهیجان

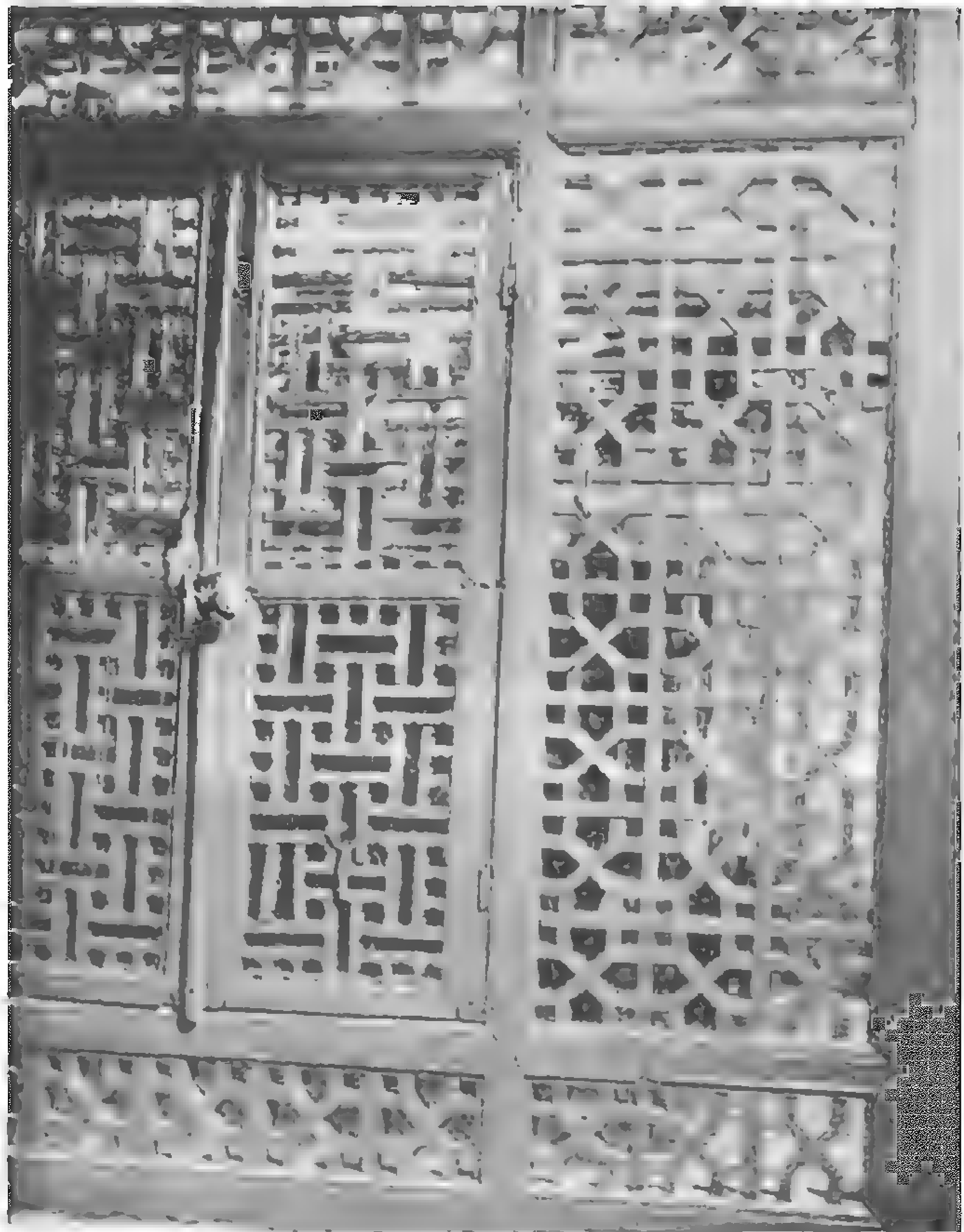


(عکس شمارهٔ ۷۸) بدنهٔ جنوبی صندوق چوبین مرقد سیدعلی وسیدرضی کیا در چهارپادشاه لاهیجان



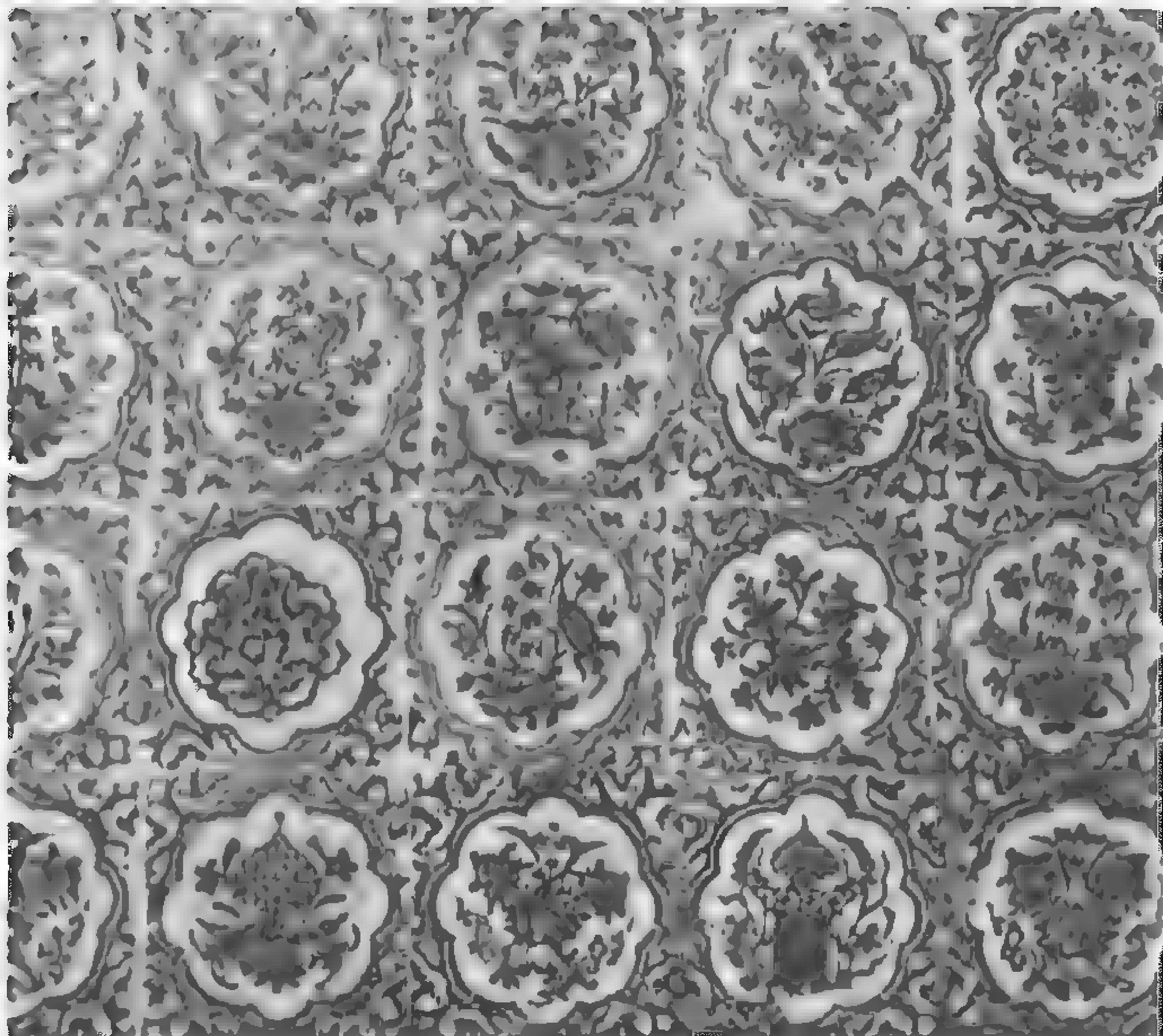
(عکس شمارهٔ ۷۹) در ورودی قدیمی مرقد سیدخورکیا که اکنون درموزهٔ

ایران باستان نگهداری می‌شود



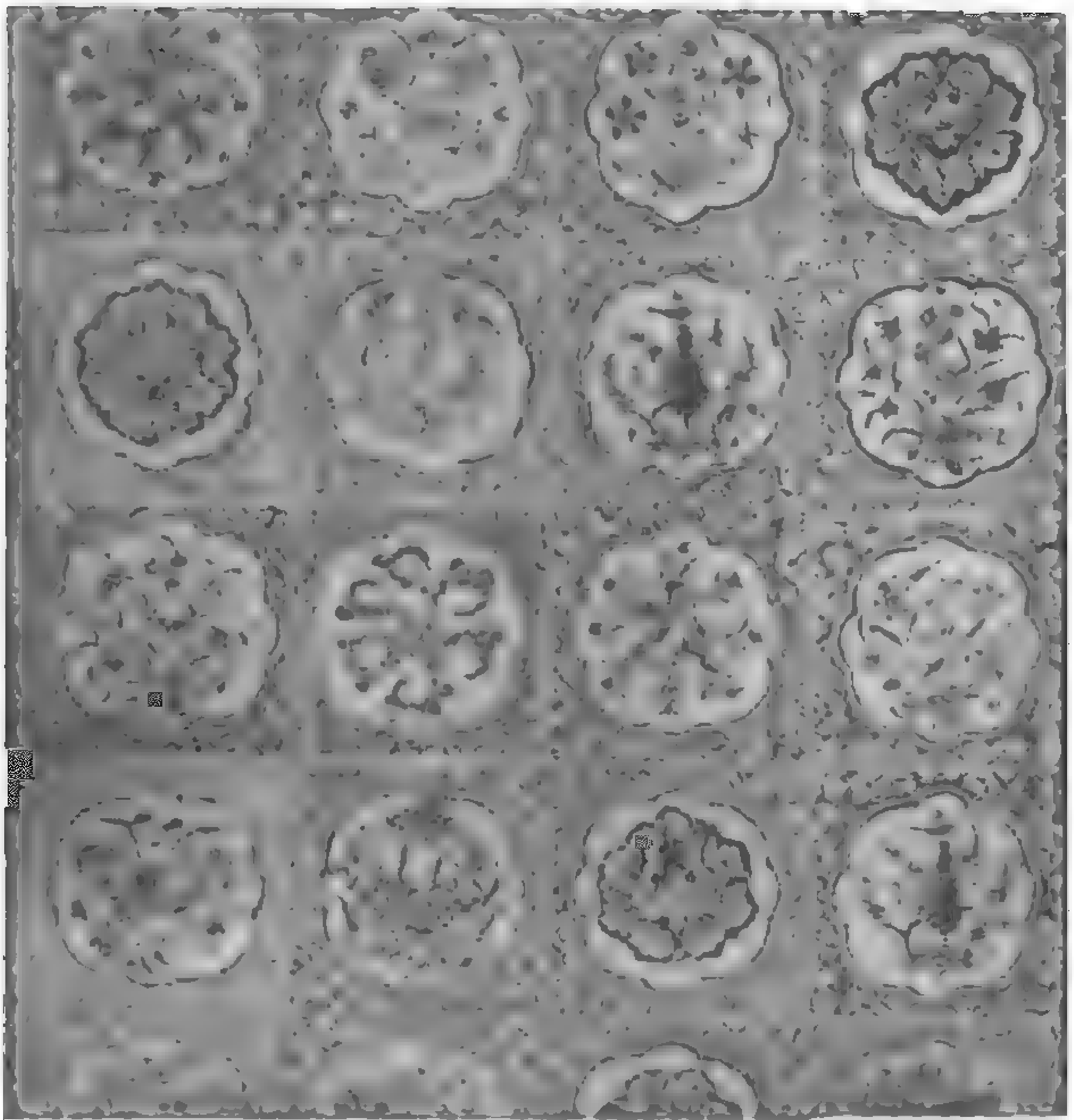
(عکس شمارهٔ ۸۰) قسمت شرقی ضریح چوبین مرقد سیدخور کیا
در چهار پادشاه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۱) یکی از کتیبه‌های در ورودی قدیمی سید خور کیاکه
اکنون در موزهٔ ایران باستان است



(عکس شمارهٔ ۸۳) قسمتی از کاشی‌کاری قدیمی ازارهٔ ایوان چهارپدشه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۸۲)
ایوان شمالی چهرپادشاه لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۸۴) قسمتی ازکاشی‌کاری تازهٔ

پایین فیلپاهای ایوان چهارپادشاه لاهیجان

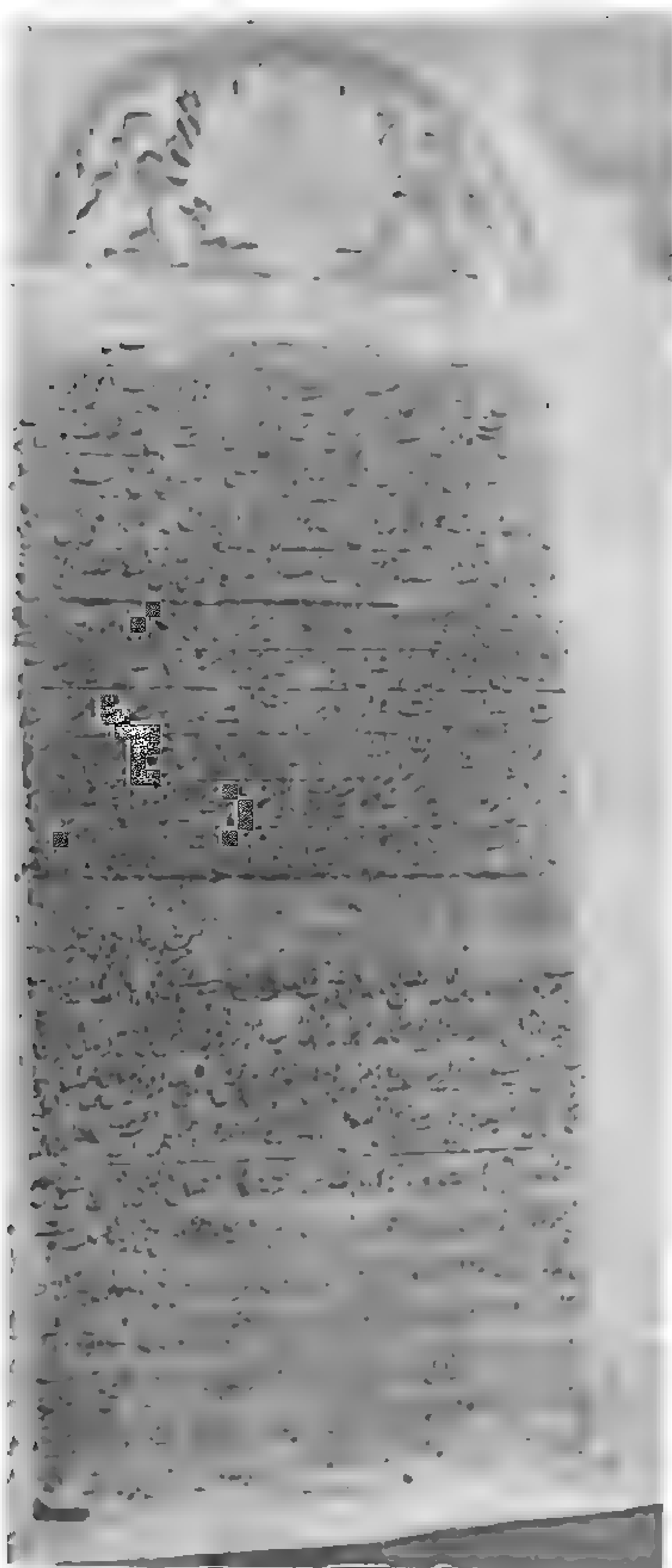


(عکس شمارهٔ ۸۵) در ورودی قدیمی حیاط چهارپادشاه لاهیجان

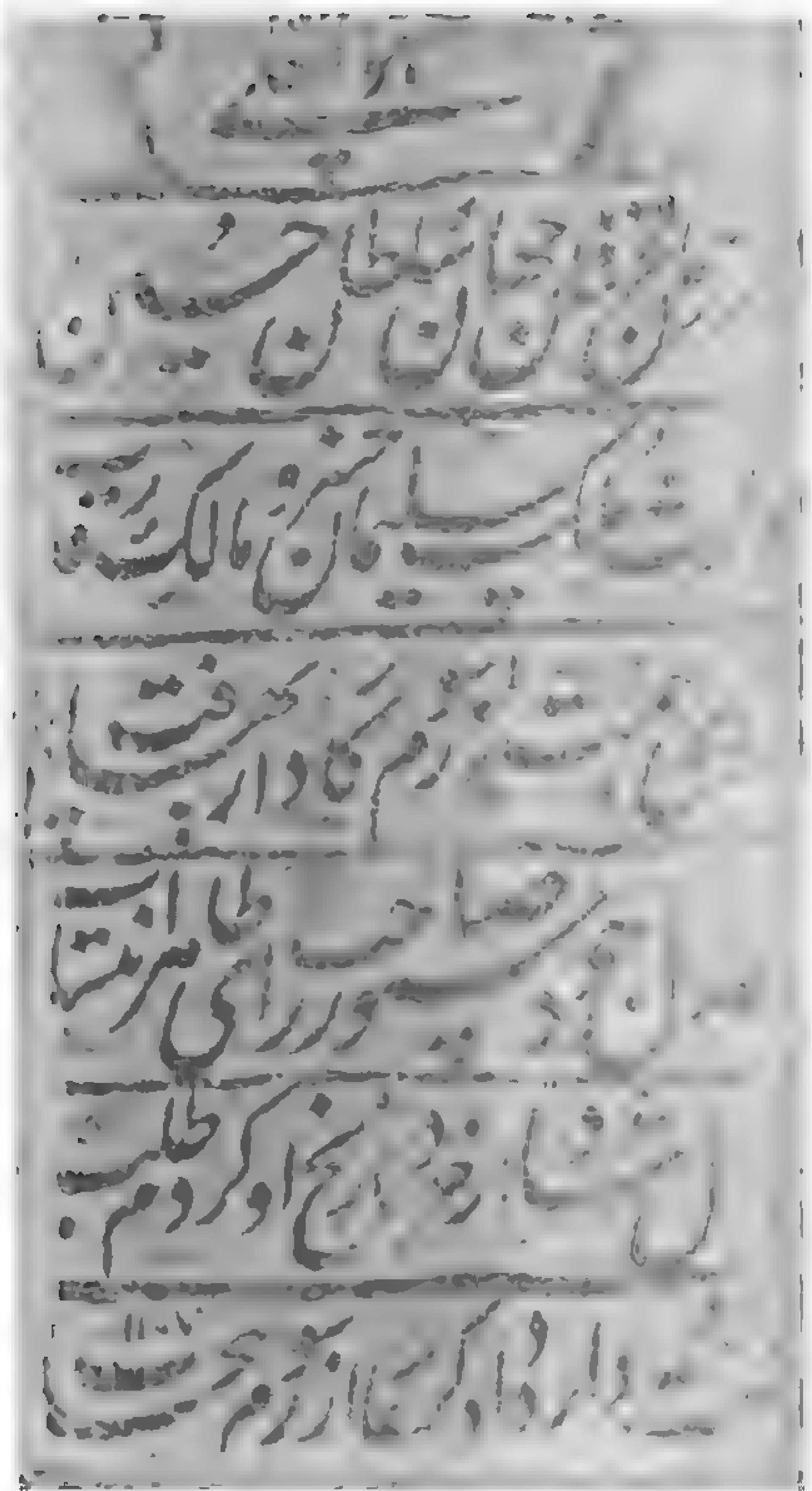


(عکس شمارهٔ ۸۶) نمای عمومی مسجد جامع و

گلدستهٔ آن در محلهٔ میدان لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۸۷) کتیبه‌ای برسنگ درایوان مسجد جامع لاهیجان



(عکس شمرهٔ ۸۸) کتیبه‌ای دیگر بر سنگ
بر دیوار ایوان مسجد جامع لاهیجان



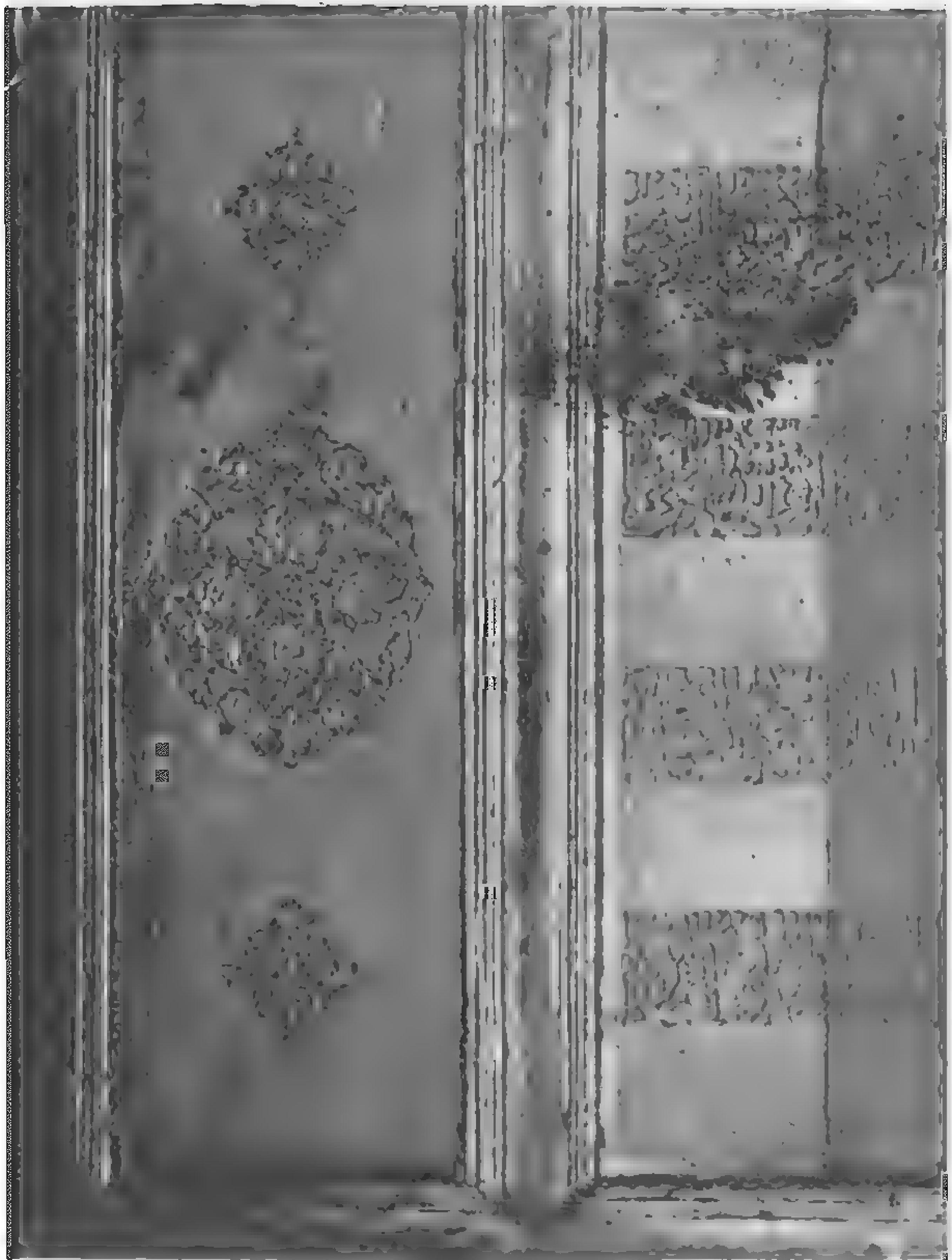
(عکس شمارهٔ ۸۹) قسمتی ازحمام قدیمی گلشن درمحلهٔ میدان لاهیجان که با تعریض خیابان آن را خراب کرده‌اند



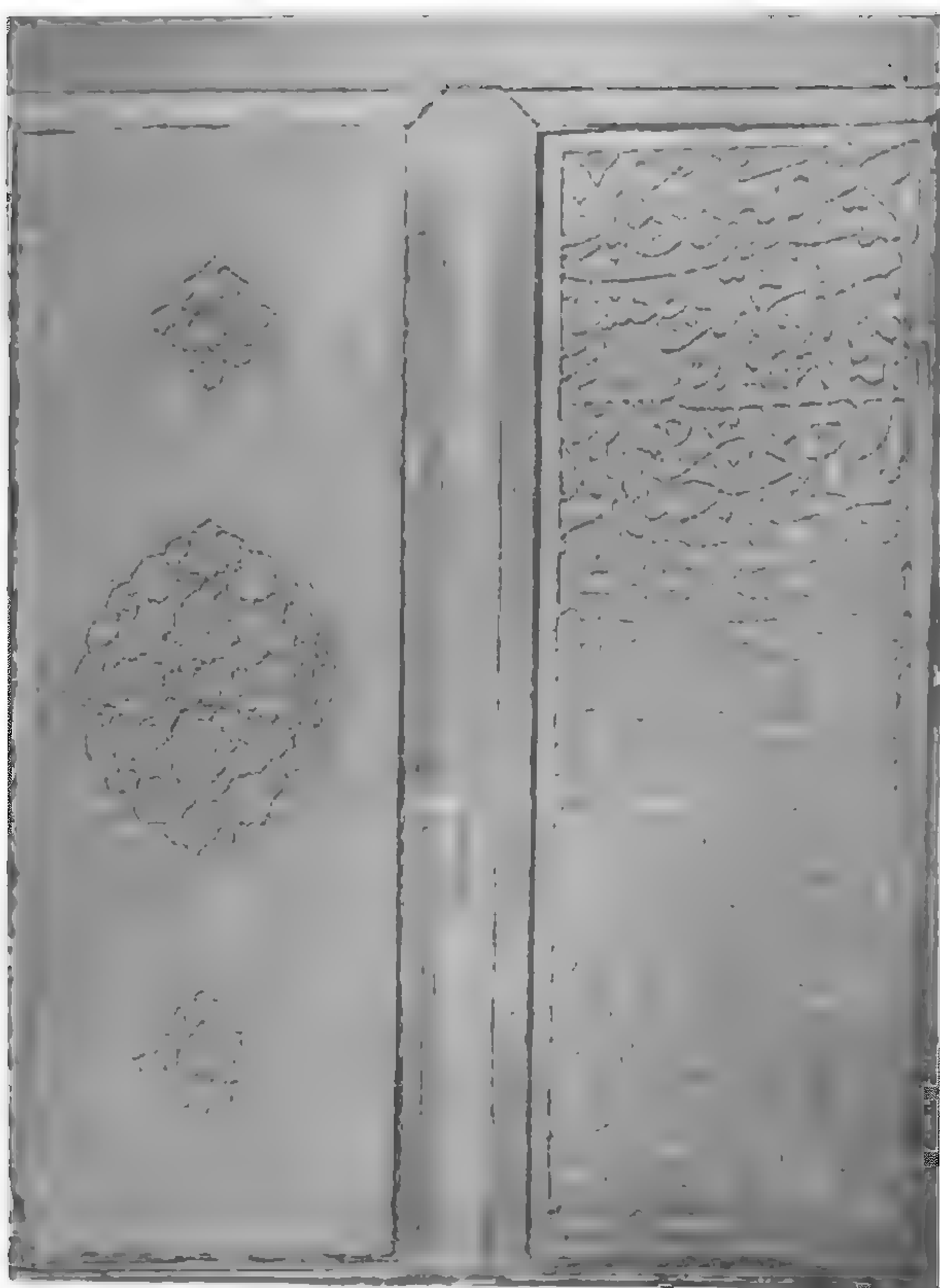
(عکس شمارهٔ ۹۰) قسمتی از صندوق چوبین مرقد آقا پیر رصادر محلهٔ میدان لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۹۱) قسمت دیگری از صندوق چوبین مرقدآقا پیر رضا
در محلهٔ میدان لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۹۲) قسمت دیگری ازصندوق چوبین
مرقد آقا پیررض در محلهٔ میدان لاهیجان

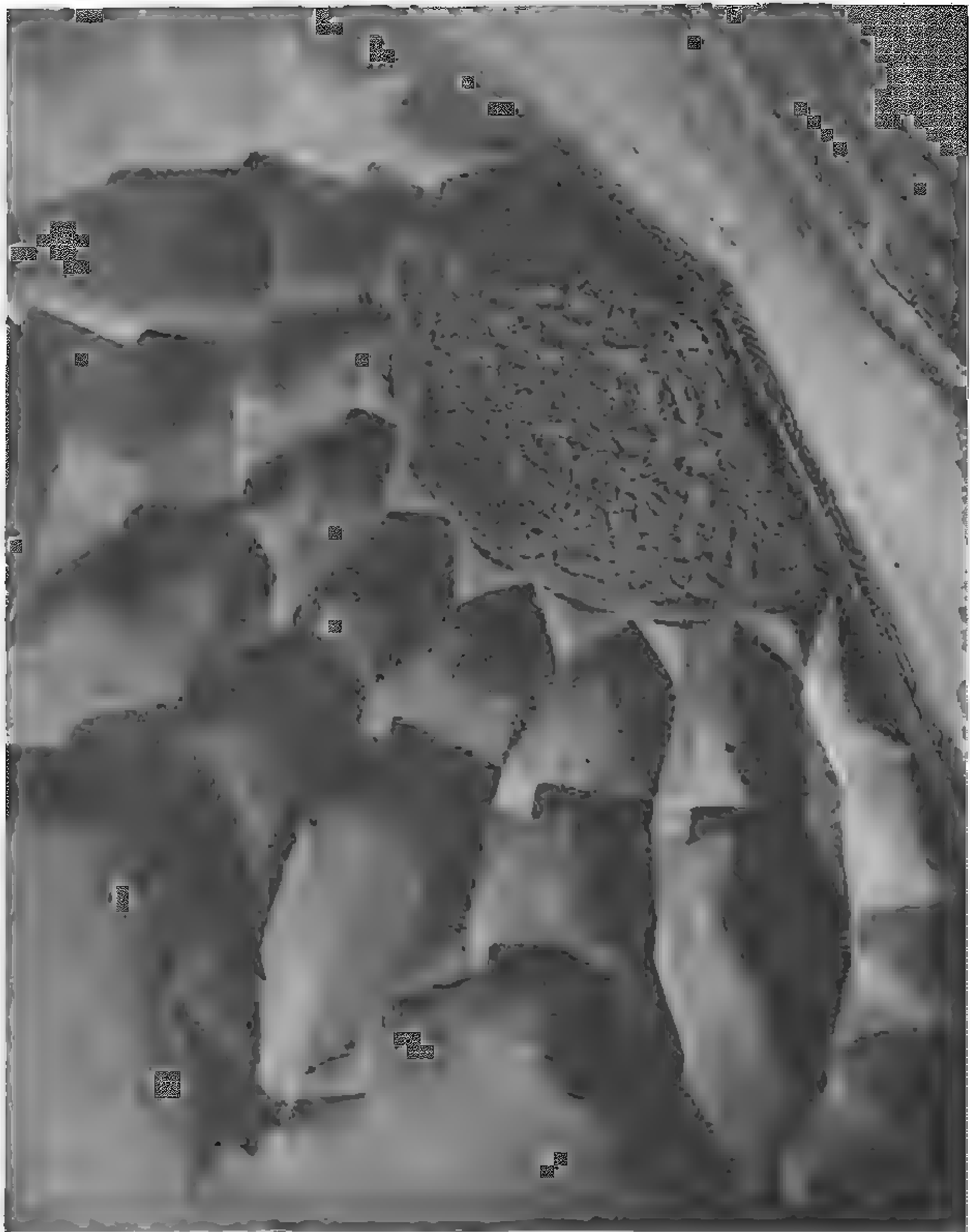


(عکس شمارهٔ ۹۳) قسمت دیگری ازصندوق چوبین
مرقدآقا پیررضا درمحلهٔ میدان لاهیجان

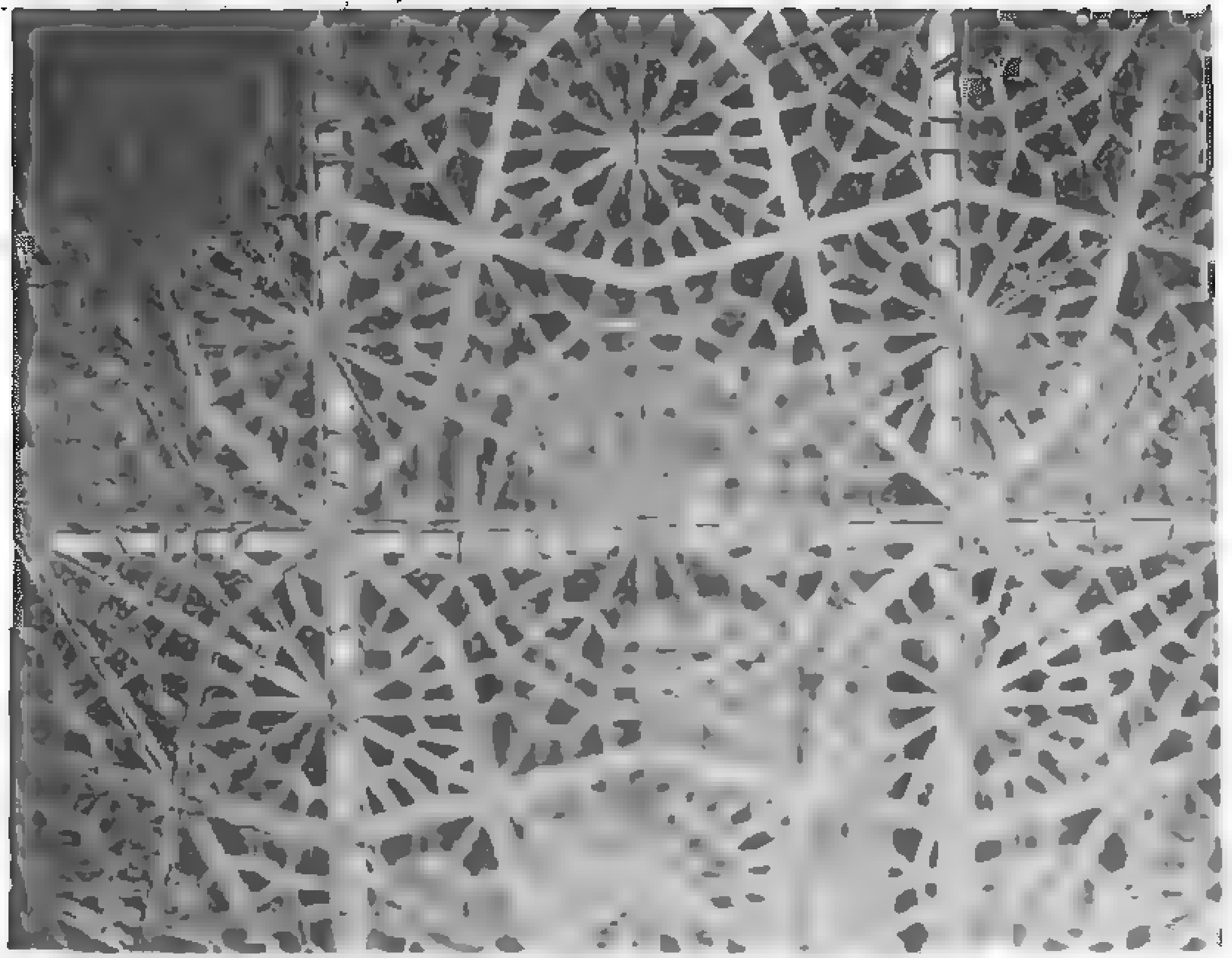
(عکس شمارهٔ ۹۴) نمای خارجی بقعهٔ بی‌بی گوهر نزدیک بازکیا گوراب لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۹۵)
نمای خارجی بقعهٔ آقا پیر جتکی
نزدیک بازکیاگوراب لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۹۶) قسمتی از مقرنس‌کاری داخلی بقعهٔ آقا پیرجنگی
نزدیک بازکیاگوراب لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۹۷) قسمتی از ضریح مشبک چوبین مرقد آقاپیرجنگی
نزدیک بزکیاگوراب لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۹۸) بقعهٔ آقاسید رضا داورکیا معروف به دوزخ بهشت
در دهکدهٔ پیجاربنهٔ لاهیجان



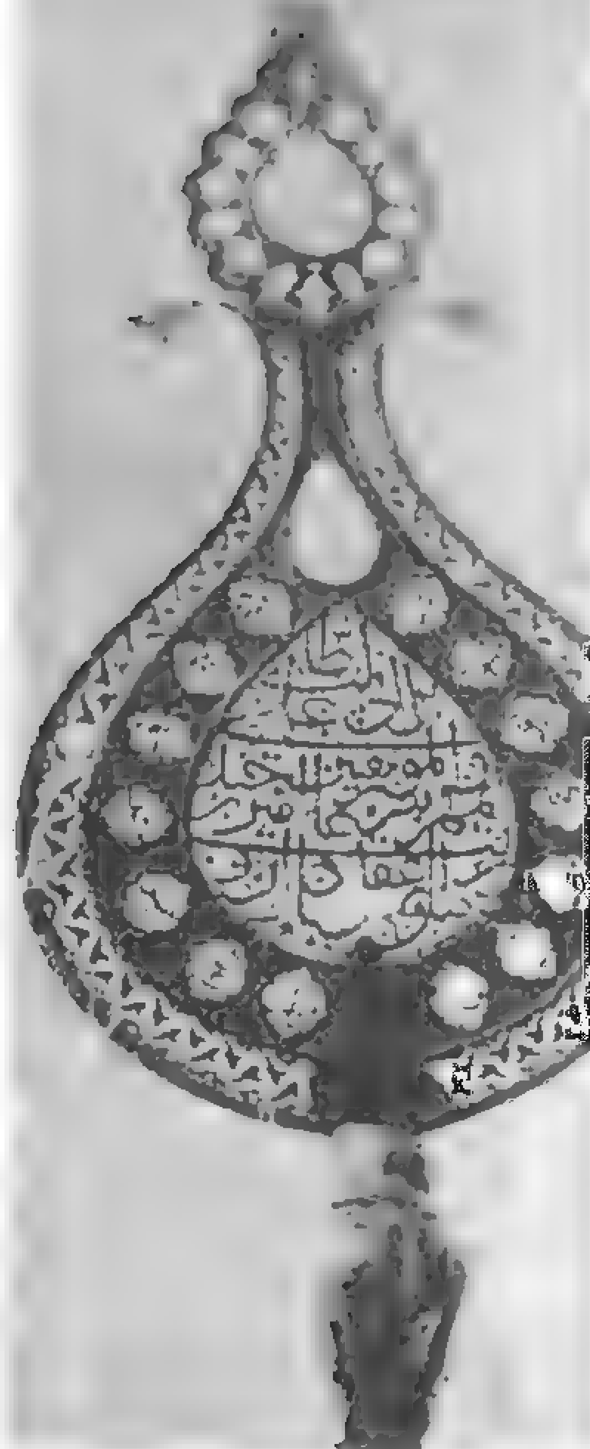


(عکس شمارهٔ ۹۹) صندوق چوبین مرقد آقاسیدرضا داورکیا
در دهکدهٔ بیجاربنهٔ لاهیجان



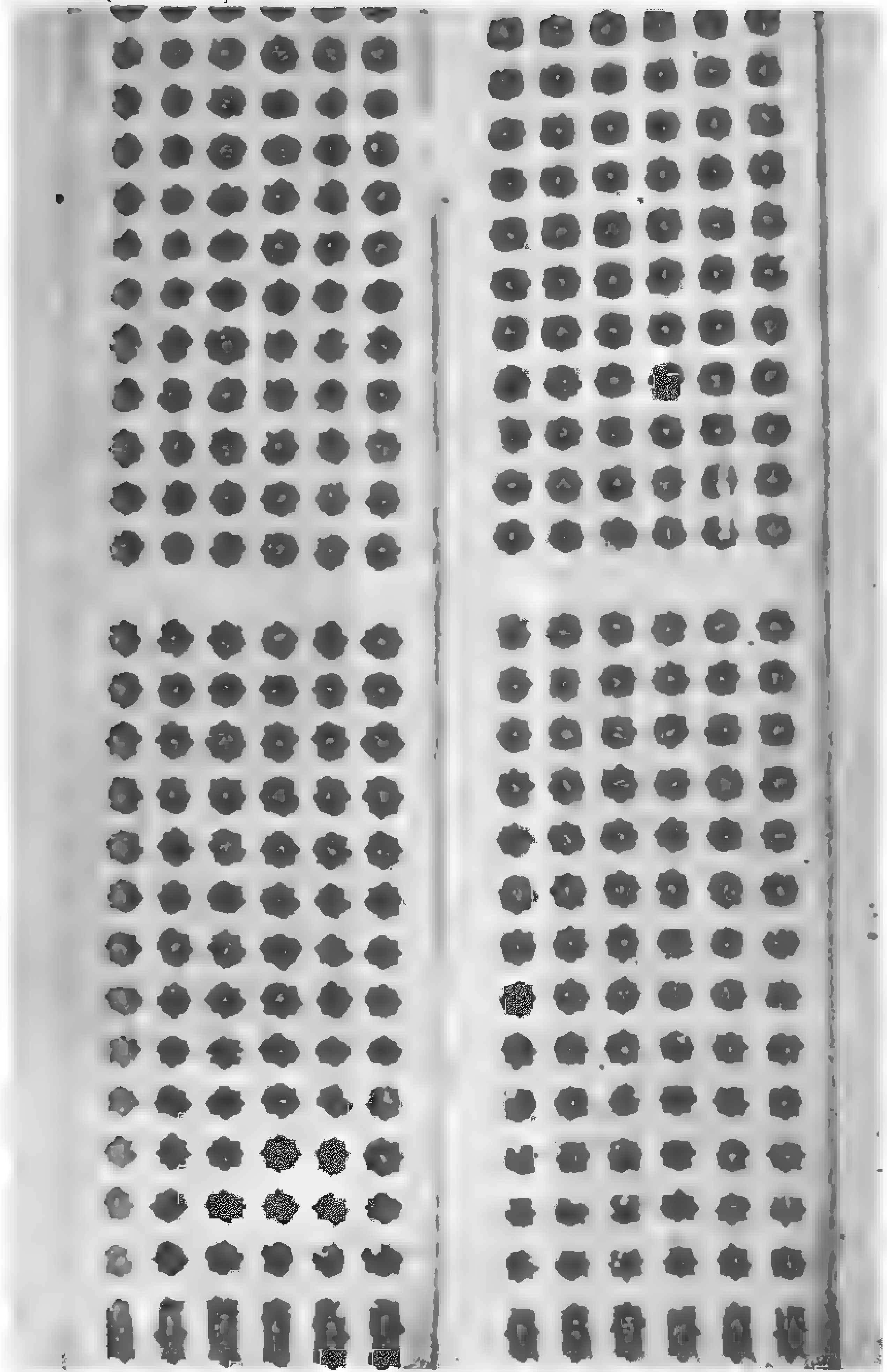
(عکس شمارۀ ۱۰۰) بنای اصلی مقبرۀ شاهزاده حاجی محمد میرزا کاشف السلطنه
در کوه بیجار لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۱) یکی از علمهای بقعهٔ
آقامیرمظفر دردهکدهٔ سوستن لاهیجان

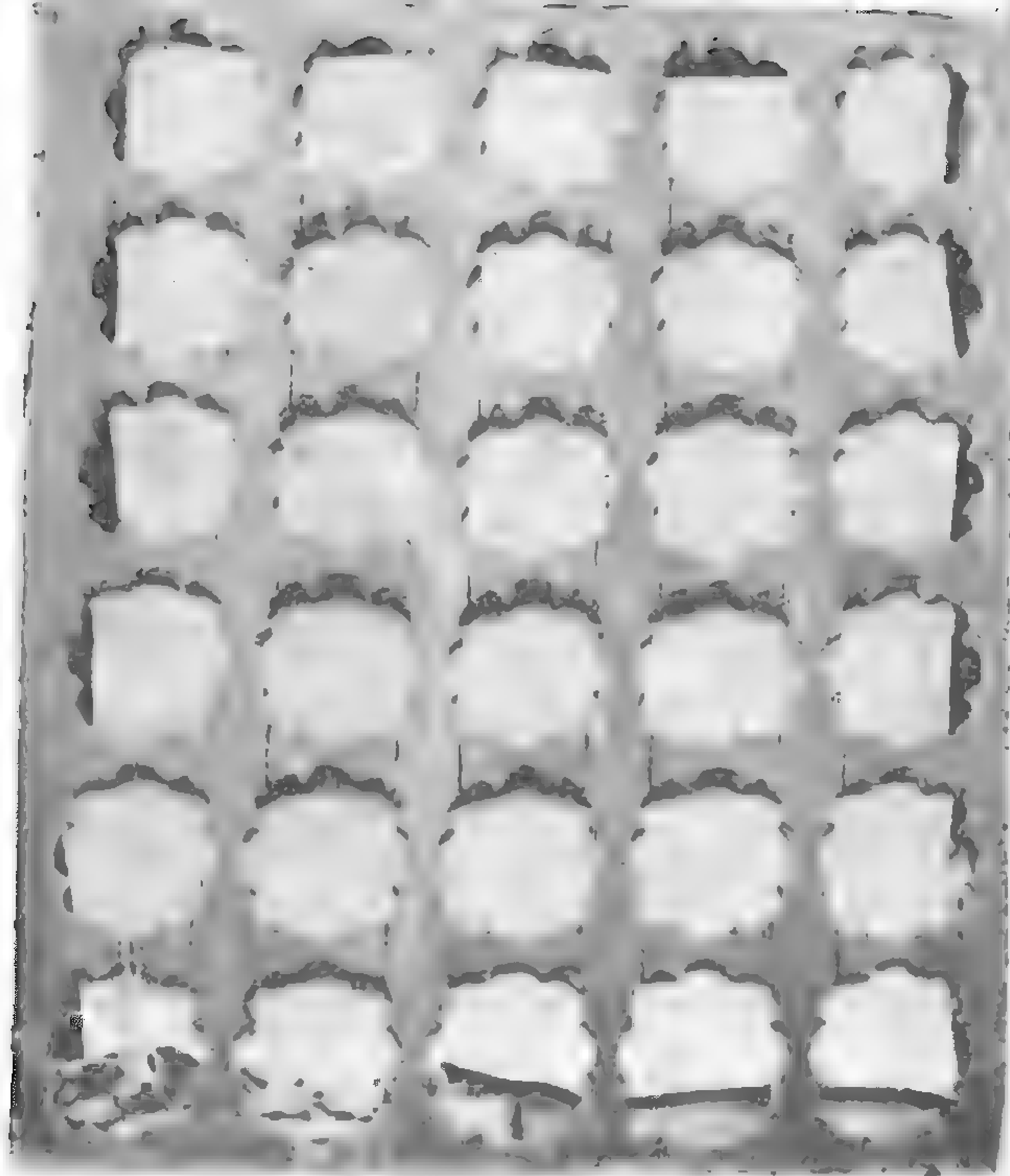




(عکس شمارهٔ ۱۰۲) علم‌دیگر بقعهٔ
آقامیرمظفر دردهکدهٔ سوستان لاهیجان

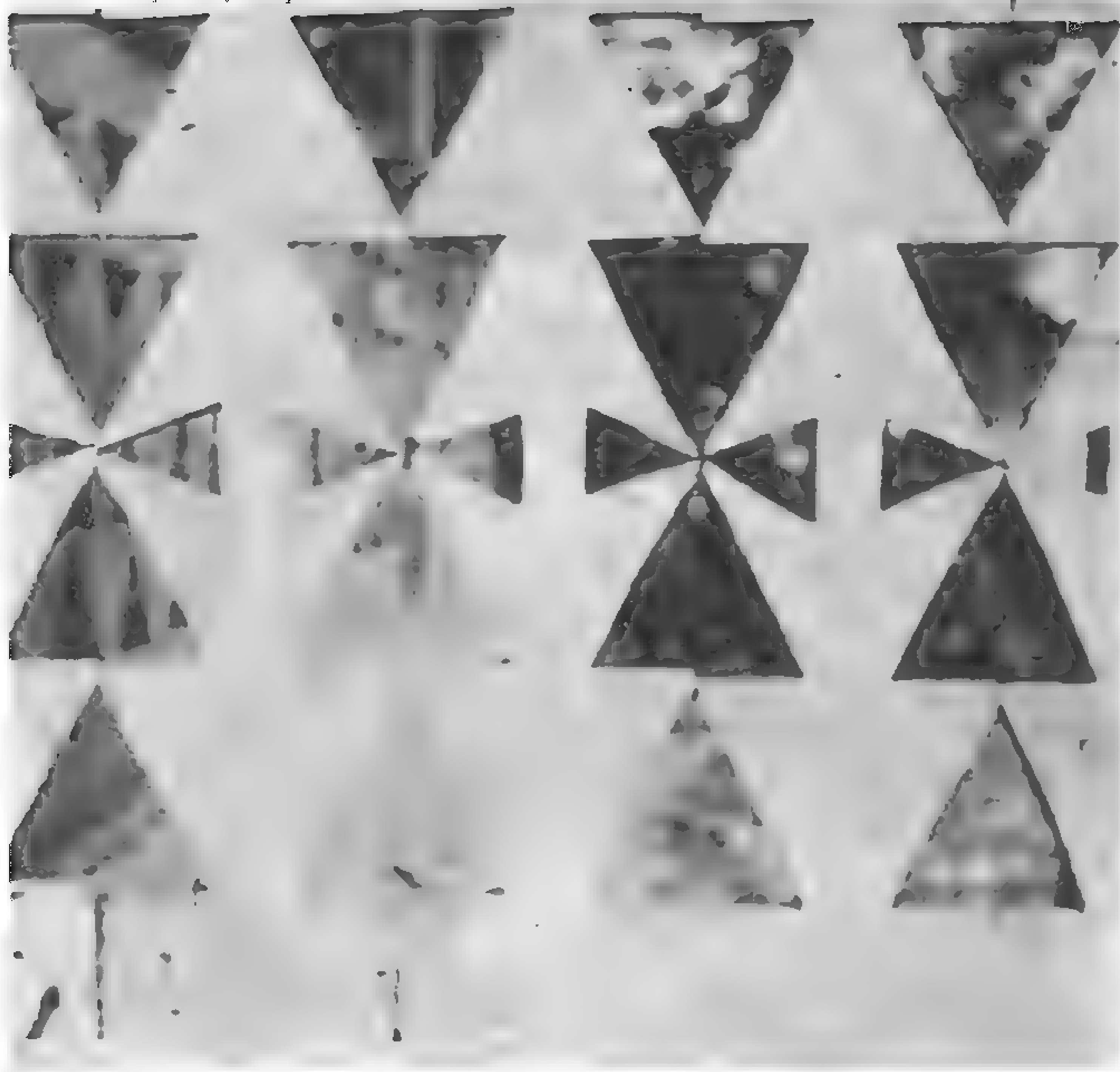


(عکس شمارهٔ ۱۰۳) دربقعهٔ آقا سیداسماعیل درمیان محلهٔ تخم شل‌لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۱۰۴) خفنگ مشبک چوبین بقعهٔ

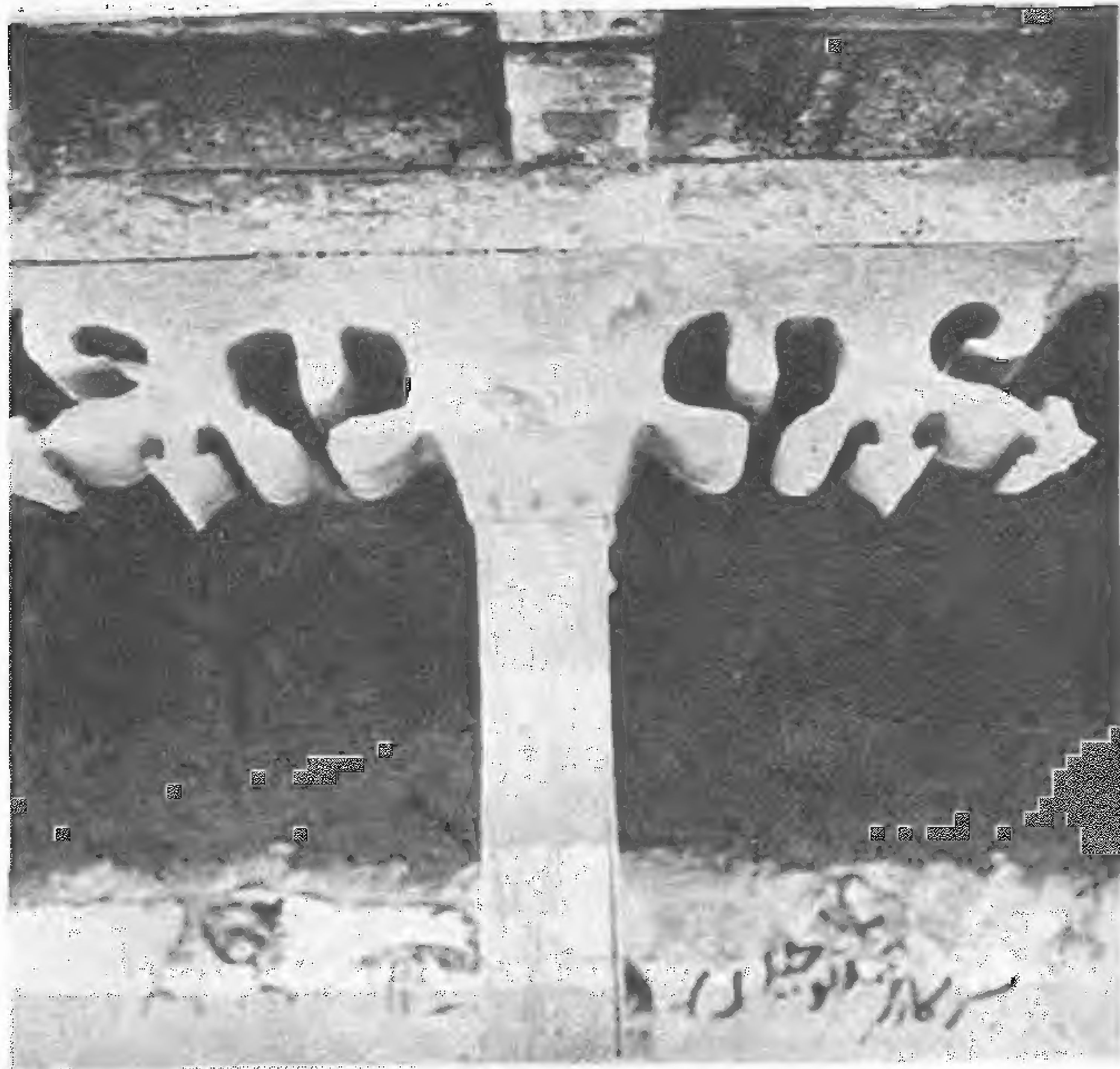
آق سیداسماعیل درمیدن محلهٔ تخم شل لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۱۰۵) تکائل تخته‌ای ایوان بقعهٔ
آقا سیداسمعیل در میان محلهٔ تخم شل لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۷) قطعه چوبی قدیمی
که درسقف بقعهٔ آقسیدمحمد درده‌کدهٔ
سوخته‌کوه لاهیجان جای داده‌اند

(عکس شمارهٔ ۱۰۶) نمای خارجی بقعهٔ آقاسیدمحمد درده‌کدهٔ سوخته کوه‌لاهیجان



(عکس شمارهٔ ۱۰۸) یکی‌از سرستونهای چوبین بقعهٔ آقاسیدمحمد
دردهکدهٔ سوخته‌کوه لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۱۰)
ضریح مشبك چوبین ملاپیرشمس‌الدین
دردهکدهٔ لاشیدان‌حکومتی لاهیجان

(عکس شمارهٔ ۱۰۹) نمای بیرونی بقعهٔ ملاپیر شمس‌الدین ومسجدِ متصل به‌آن
دردهکدهٔ لاشیدان حکومتی لاهیجان

از آستارا تا استارباد

آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش

(جلد دوم)